انتشارات
بنگاه ترجمه و نشر کتاب

۲۷

مجموعهٔ ایران‌شناسی

۳

بنگاه ترجمه و نشر کتاب

مجموعهٔ ایرانشناسی
زیر نظر احسان یار شاطر

راهنمای صنایع اسلامی

تألیف

دکتر م. س. دیماند
رئیس قسمت صنایع خاور میانه درموزهٔ متروپولیتن نیویورک

ترجمهٔ

دکتر عبدالله فریار

بنگاه ترجمه و نشر کتاب

تهران ۱۳۳۶

ازین کتاب دو هزار نسخه روی کاغذ سوئدی ۷۰ گرمی
در مطبعهٔ بانک ملی ایران بطبع رسید و صحافی شد .

فهرست

	صفحه
مقدمهٔ مترجم	۱۷
فصل اول : مقدمهٔ تاریخی	۱۹
فصل دوم : منابع صنایع اسلامی	۲۷
فصل سوم : نقاشی و مینیاتور	۳۹
۱ ـ نقاشی دورهٔ اموی و عباسی	۳۹
۲ ـ مکتب نقاشی عراق	۴۳
۳ ـ نقاشی سلجوقی در ایران	۴۶
٤ ـ مکتب نقاشی مغول در ایران و عراق	۴۷
۵ ـ مکتب نقاشی عصر تیموری در ایران	۵۳
٦ ـ بهزاد و مکتب نقاشی او	۵۸
۷ ـ مکتب نقاشی دورهٔ صفویه	٦۱
۸ ـ مکتب بخارا	٦۵
۹ ـ نقاشی صفوی عهد شاه عباس و بعد	٦٦
۱۰ـ مینیاتورسازی در ترکیه	٦۸
۱۱ـ نقاشی هندی : مکتب مغولی	٦۹
الف ـ عصر بابر و همایون و اکبر	٦۹
ب ـ دورهٔ جهانگیر	۷۳
ج ـ دورهٔ شاه‌جهان و اورنگ‌زیب	۷٤
۱۲ـ نقاشی هند ـ مکتب راجپوت	۷۵
فصل چهارم : خط و تذهیب	۷۷
فصل پنجم : صحافی و تجلید	۸٦
فصل ششم : حجاری و گچ بری	۹۰
۱ ـ حجاری دورهٔ اموی و عباسی در سوریه و عراق و مصر و ایران	۹۰
۲ ـ حجاری دورهٔ سلجوقی در ایران	۹٦
۳ ـ حجاری دورهٔ سلجوقی در عراق وسوریه و آسیای صغیر	۹۹

	صفحه
٤ ـ حجاری در بلاد قفقاز	۱۰۲
۵ ـ صنعت حجاری و گچ بری دورهٔ مغول در ایران	۱۰۳
٦ ـ حجاری عصر فاطمی در مصر	۱۰۵
۷ ـ حجاری دورهٔ ایوبی و مملوکی درمصر وسوریه	۱۰٦
۸ ـ حجاری مغربی در اسپانیا و شمال افریقا	۱۰۹
فصل هفتم : چوب بری و منبت کاری	۱۱۲
۱ ـ چوب بری و منبت کاری در دورهٔ اموی و عباسی	۱۱۲
۲ ـ چوب بری و منبت کاری دورهٔ فاطمی در مصر و سوریه	۱۱۵
۳ ـ چوب بری و منبت کاری دورهٔ ایوبی در مصر و سوریه	۱۱۹
٤ ـ چوب بری و منبت کاری اوائل دورهٔ اسلامی در ایران و ترکستان	۱۲۰
۵ ـ چوب بری دورهٔ سلجوقی در ایران و آسیای صغیر	۱۲۱
٦ ـ چوب بری و منبت کاری دورهٔ تیموری و مغول در ایران و ترکستان	۱۲۳
۷ ـ چوب‌بری دورهٔ صفوی در ایران	۱۲۵
۸ ـ صنعت چوب‌بری و حکاکی در اسپانی و شمال افریقا	۱۲۵
فصل هشتم : حکاکی عاج و استخوان	۱۲۷
۱ ـ حکاکی عاج و استخوان در دورهٔ اموی و عباسی	۱۲۷

	صفحه
۲ ـ حکاکی عاج و استخوان در دورهٔ فاطمی در مصر	۱۲۸
۳ ـ حکاکی عاج و استخوان در دورهٔ ایوبی و مملوکی در مصر	۱۲۸
٤ ـ حکاکی اسلوب اسپانیی مغربی بر روی عاج	۱۲۹
٥ ـ صندوق و جعبهٔ عاج در جنوب ایتالیا	۱۳۰
٦ ـ قطعات عاج نقاشی شده در سیسیلی	۱۳۰
۷ ـ خاتم‌کاری و ترصیع	۱۳۱
فصل نهم : فلزکاری	۱۳٤
۱ ـ فلزکاری اوائل دورهٔ اسلامی در ایران	۱۳٤
۲ ـ فلزکاری دورهٔ سلجوقی در ایران	۱۳۷
الف ـ اشیاء برنزی با تزیینات برجسته و منقوش	۱۳۹
ب ـ برنزکاری باترصیع نقره و مس	۱٤۰
۳ ـ فلزکاری دورهٔ سلجوقی عراق و مکتب موصل	۱٤٤
٤ ـ فلزکاری دورهٔ فاطمی در مصر	۱٤٦
٥ ـ فلزکاری دورهٔ ایوبی در سوریه و مصر	۱٤۷
٦ ـ فلزکاری دورهٔ مملوکی در سوریه و مصر	۱٤۸
۷ ـ فلزکاری بنام سلاطین بنی رسول یمن	۱٥۰
۸ ـ فلزکاری دورهٔ مغول در ایران	۱٥۱
۹ ـ فلزکاری دورهٔ صفوی در ایران	۱٥۳
۱۰ـ فلزکاری ونیز	۱٥٤
۱۱ـ فلزکاری مغربی در اسپانی و شمال افریقا	۱٥٤
۱۲ـ فلزکاری هند	۱٥٥
۱۳ـ اسلحه و زره	۱٥٥

	صفحه
فصل دهم : سفال سازی	۱٥٦
۱ ـ سفال سازی دورهٔ اموی و عباسی در ایران و عراق	۱٥٦
الف ـ سفال با تزیین برجسته و لعاب یکرنگ	۱٥۸
ب ـ سفال با تزیین بریده و لعاب چند رنگ	۱٥۸
ج ـ سفال با تزیین نقاشی شده	۱٦۱
د ـ سفال با نقاشی زیر لعاب	۱٦۲
هـ ـ سفال با نقاشی جلادار	۱٦٥
و ـ سفال با تزیین روی لعاب	۱٦۹
ز ـ سفال بدون لعاب	۱۷۰
۲ ـ سفال دورهٔ سلجوقی در ایران	۱۷۱
الف ـ سفال باتزیین بریده و حک و نقاشی شده	۱۷۲
ب ـ سفال و کاشی باتزیین نقاشی شدهٔ جلادار	۱۷۷
ج ـ سفال باتزیین چند رنگ روی لعاب	۱۸۲
۳ ـ سفال سبک سلجوقی در رقه و رصافه	۱۸٤
٤ ـ سفال بی‌لعاب دورهٔ سلجوقی	۱۸۷
٥ ـ سفال سازی دورهٔ مغول در ایران	۱۸۸
الف ـ سفال موزائیک	۱۹٥
٦ ـ صنعت سفال دورهٔ تیموری در ایران	۱۹٦
۷ ـ صنعت سفال در ایران در دورهٔ صفوی	۱۹۸
الف ـ ظروف نیمه چینی	۱۹۸
ب ـ سفال دارای جلای معدنی	۱۹۹
ج ـ سفال با تزیین نقاشی شده	۲۰۰
د ـ سفال کوباچه	۲۰۱
۸ ـ سفال دورهٔ طولونی در مصر	۲۰۲

صفحه

۹ ـ سفال دورهٔ فاطمی در مصر و سوریه ۲۰۳
۱۰ـ سفال دورهٔ ایوبی و مملوکی در مصر و سوریه ۲۰۵
۱۱ ـ سفال سازی ترکیه ۲۰۷
الف ـ سفال سازی در آسیای صغیر ۲۰۸
ب ـ سفال سازی در سوریه ۲۱۱
۱۲ ـ سفال اسپانیائی مغربی ۲۱۲
فصل یازدهم: شیشه و بلور ۲۱۵
۱ ـ شیشهٔ اوایل دورهٔ اسلامی در مصر و سوریه و عراق و ایران ۲۱۵
۲ ـ شیشه و بلور دورهٔ فاطمی در مصر و سوریه ۲۱۹
۳ ـ ظروف شیشهٔ مذهب و مینائی دورهٔ ایوبی و مملوکی در سوریه و مصر ۲۲۲
۴ ـ ظروف شیشهٔ ایران ۲۳۱
فصل دوازدهم: منسوجات ۲۳۲
۱ ـ منسوجات دورهٔ عباسی و طولونی در مصر ۲۳۲
الف ـ منسوجات با تزیین بافته شده بالوان مختلف ازپشم وکتان ۲۳۴
ب ـ منسوجات با تزیین بافته و گلدوزی از ابریشم ۲۳۵
۲ ـ منسوجات دورهٔ فاطمی در مصر ۲۳۶
۳ ـ منسوجات دورهٔ عباسی و فاطمی باتزیین مهر و نقاشی شده ۲۳۸
۴ ـ منسوجات دورهٔ ایوبی و مملوکی ۲۳۹
۵ ـ پارچه های ابریشمی مصر و سوریه ۲۴۰
۶ ـ منسوجات ایران ۲۴۲
۷ ـ منسوجات دورهٔ سلجوقی در ایران و عراق و آسیای صغیر ۲۴۴

صفحه

۸ ـ منسوجات دورهٔ مغول و تیموری در ایران ۲۴۵
۹ ـ منسوجات دورهٔ صفوی در ایران ۲۴۶
۱۰ـ منسوجات گلدوزی وقلمکار ایران ۲۴۹
۱۱ـ منسوجات و گلدوزی ترکیه ۲۴۹
۱۲ـ منسوجات اسلامی اسپانی و سیسیل ۲۵۱
۱۳ـ منسوجات هندی ۲۵۴
فصل سیزدهم: فرش و قالی ۲۵۷
۱ ـ قالیهای اوائل دورهٔ اسلامی در مصر ۲۵۷
۲ ـ قالیهای سلجوقی آسیای صغیر ۲۵۸
۳ ـ قالیهای آناطولی و قفقاز ۲۵۹
۴ ـ قالیهای مغولی و تیموری ۲۶۰
۵ ـ قالیهای دورهٔ صفوی ۲۶۱
الف ـ قالیهای دارای طرح ترنجی وحیوانی ۲۶۱
ب ـ قالیهای پشمی باتزیین حیوانی ۲۶۵
ج ـ قالیهای ابریشمی قرن شانزدهم ۲۶۵
د ـ قالیهای گلدار ۲۶۷
ه ـ قالیهای دارای نقش گلدان ۲۶۸
و ـ قالیهای ابریشمی موسوم به لهستانی ۲۶۹
ز ـ قالیهای با نقش درخت وباغ ۲۷۰
ح ـ قالیهای ابریشمی پرده نما ۲۷۱
۶ ـ قالیهای مغولی هندوستان ۲۷۲
۷ ـ قالیهای ترکیه ۲۷۵
الف ـ قالیهای بافت کارگاههای سلطانی ۲۷۵
ب ـ قالیهای دارای نقش هندسی معروف به قالیهای دمشق ۲۷۶
ج ـ قالیهای اوشاك وانواع دیگر قالیهای آسیای صغیر ۲۷۷

	صفحه
د ـ قالیهای معروف به هولباین	۲۷۸
ه ـ سجاده‌های گیوردس	۲۷۸
و ـ قالیچه های کولا	۲۷۹
ز ـ قالیچه‌های لاریک	۲۷۹
ح ـ قالیچه های برغمه	۲۷۹
۸ ـ قالیهای قفقاز	۲۸۰
الف ـ قالیهای نقش‌اژدها وقالیهای گلدار	۲۸۰
ب ـ قالیهای قفقازی قرن ۱۸ و ۱۹	۲۸۱
۹ ـ قالیهای ترکمنی	۲۸۲
۱۰ـ قالیهای مغربی اسپانیا	۲۸۳
تقویم تاریخی : اسامی بعضی از خلفاو سلاطین عالم اسلام	۲۸۵
فهرست اعلام	۲۹۳
تصاویر : (شامل ٤ لوحه و ۲۱۳ تصویر)	۳۰۵
منابع و مراجع	۳۸۵

فهرست اشکال

۱ ـ طاق‌سنگی باتزئین حجاری‌شده از عصر قبطی
۲ ـ دستبند طلا از سوریه
۳ ـ قطعه‌ای از پارچهٔ قبطی
۵ ـ قطعه‌ای از یک قالی قبطی
۶ ـ قلاب طلا از دورهٔ اشکانیان
۷ ـ گچبری بر جسته از مدائن ، از زمان ساسانیان
۸ ـ گچبری برجسته از مدائن ، از زمان ساسانیان
۹ ـ ظرف نقرهٔ مطلا از زمان ساسانیان
۱۰ ـ پارچهٔ ابریشمی سوریه
۱۱ ـ نقاشی دیوار ازنیشابور درایران
۱۲ ـ گچبری چند رنگه از نیشابور درایران
۱۳ ـ نقاشی مینیاتور از نسخهٔ خطی کتاب مواد طبی از عراق
۱۴ ـ نقاشی مینیاتور از نسخهٔ خطی منافع الحیوان ـ مکتب مغولی ایران
۱۵ ـ حضرت یونس ونهنگ از نسخهٔ خطی جامع‌التواریخ ـ ایران
۱۶ ـ تشییع جنازهٔ اسفندیار از نسخهٔ خطی شاهنامه ـ مکتب مغولی ایران
۱۷ ـ ضحاک و کاهنان او ازنسخهٔ خطی شاهنامه، مکتب مغولی ایران
۱۸ ـ نقاشی مینیاتور از نسخهٔ خطی مونس‌الاحرار ، مکتب مغولی ایران
۱۹ ـ رستم و گرفتن رخش ، ازنسخهٔ خطی شاهنامه ، مکتب تیموری ایران
۲۰ ـ خسرو وشیرین ، ازنسخهٔ خطی خمسهٔ نظامی ، مکتب تیموری ایران
۲۱ ـ شیرین‌بدوش‌فرهاد، ازنسخهٔ خطی خمسهٔ نظامی ، مکتب تیموری ایران
۲۲ ـ نقاشی مینیاتور ، ازنسخهٔ خطی دیوان جامی ، مکتب تیموری ایران
۲۳ ـ رقص دراویش‌باسلوب‌بهزاد ، ازنسخهٔ خطی جامی
لوحهٔ ۱ ـ لیلی ومجنون ازنسخهٔ خطی خمسهٔ نظامی ، دورهٔ صفوی در ایران
۲۴ ـ خسرو ودرباریانش‌ازنسخهٔ خطی‌خمسهٔ نظامی ، دورهٔ صفوی
۲۵ ـ پذیرائی خاقان ازاسکندر ، عمل سلطان محمد ، از نسخهٔ خطی خمسهٔ نظامی دورهٔ صفوی
۲۶ ـ نقاشی مینیاتور بسبک استاد محمدی
۲۷ ـ بحث دراویش باسلطان سوریه ازنسخهٔ خطی بوستان سعدی ، مکتب بخارا ، ایران
۲۸ ـ رسم ، عمل رضاعباسی ، ایران
۲۹ ـ ترسیمات رنگی‌عمل‌رضاعباسی ، دورهٔ صفوی ایران
۳۰ ـ نقاشی مینیاتور ـ مکتب ترکیه
۳۱ ـ تصویری‌ازنسخهٔ خطی‌کتاب امیرحمزه مکتب مغولی هند
۳۲ ـ پذیرائی تیمور ازاسرای ترك ، منتسب به اهرام داس هندی از نسخهٔ خطی تیمورنامه ، مکتب مغولی دورهٔ اکبر
۳۳ ـ نقاشی‌مینیاتورعمل بساوان‌هندی ـ مکتب مغولی دورهٔ اکبر
۳۴ ـ جنگ بین دوفیل ـ مکتب مغولی هند ـ دورهٔ جهانگیر

۳۵ ـ تمثال شاه جهان ، مکتب مغولی هند
۳٦ ـ مقام موسیقی ـ مکتب راجستانی هند
۳۷ ـ صفحه‌ای ازقرآن ـ دورهٔ بنی‌عباس ـ عراق
۳۸ ـ صفحه‌ای از قرآن ـ دورهٔ ممالیک مصر
۳۹ ـ صفحه‌ای از قرآن ـ ازمراکش
٤۰ ـ صفحه‌ای از قرآن از دورهٔ سلجوقی در ایران
٤۱ ـ صفحه‌ای ازقرآن ازدوره سلجوقی ـ ایران
٤۲ ـ صفحهٔ‌عنوان‌نسخهٔ خطی‌عجائب‌المخلوقات قزوینی ـ مکتب تیموری ایران
٤۳ ـ صفحهٔ اول نسخهٔ خطی خمسهٔ نظامی ـ ایران
٤٤ ـ صفحه‌ای ازنسخهٔ خطی حافظ ـ مکتب صفوی ایران
٤٥ ـ طغراء سلطان سلیمان قانونی، مکتب ترکیه
٤٦ ـ جلدکتاب ازدورهٔ مملوکی مصر
٤۷ ـ داخل جلدکتاب باتزئین روی چرم ـ دوره تیموری ایران
٤۸ ـ پشت جلدکتاب ازدورهٔ صفوی ایران
٤۹ ـ توی جلدکتاب شکل ٤۸
٥۰ ـ پشت جلدکتاب ازدورهٔ صفوی ازایران
٥۱ ـ سرستون مرمر ـ عصرعباسی
٥۲ ـ سرستون مرمر ـ عصرعباسی
٥۳ ـ گچبری قالبی روی‌دیوار ازشهرسامرا عراق ـ عصر عباسی
٥٤ ـ گچبری روی دیوار ازنیشابورایران ـ دورهٔ سامانی
٥٥ ـ سرمجسمه ازگچبری ـ دورهٔ سلجوقی در ایران
٥٦ ـ قطعه‌ای‌ازحاشیه آرایش‌گچبری ـ دورهٔ سلجوقی درایران
٥۷ ـ حجاری برجسته از داغستان قفقاز
٥۸ ـ تزئین برجستهٔ منقوش‌برسنگ ـ دورهٔ مغولی درایران
٥۹ ـ کوزهٔ آب سنگی از دوره مملوکی مصر
٦۰ ـ سرستون سنگی سبک مغربی اسپانیائی
٦۱ ـ لوحهٔ چوبی کنده‌کاری ازعصرعباسی در عراق
٦۲ ـ در چوبی حکاکی شده ازسامرا عراق ـ عصرعباسی
٦۳ ـ تخته‌ای از در چوبی حکاکی شده از دورهٔ فاطمی ـ مصر
٦٤ ـ تختهٔ چوب حکاکی‌شده‌ازدورهٔ فاطمی ـ مصر
٦٥ ـ تخته چوب‌حکاکی‌شده‌ازدورهٔ مملوکی مصر
٦٦ ـ زیرقرآنی چوبی حکاکی شده ازدورهٔ مغولی ایران
٦۷ ـ در چوبی حکاکی شده از خوقند ترکستان غربی
٦۸ ـ در بانقاشی لاکی از قصر چهل ستون اصفهان
٦۹ ـ تخته چوبی خاتم‌کاری شده ازمصر
۷۰ ـ قطعه استخوان با نقوش بر جسته از دورهٔ فاطمی مصر
۷۱ ـ در بالوحه های عاج از دورهٔ مملوکی مصر
۷۲ ـ جعبهٔ عاج ساخت مغربی اسپانیائی
۷۳ ـ صندوق عاج ازجنوب ایتالیا
۷٤ ـ جعبهٔ عاج ازسیسیل

۷۵ - ابریق برنزی ایرانی - دورهٔ اموی
۷۶ - گوشوارهٔ طلا ایرانی - دورهٔ سلجوقی
۷۷ - آویز طلا ایرانی، دورهٔ سلجوقی
۷۸ - آینهٔ برنزی ایرانی ، دورهٔ سلجوقی
۷۹ - هاون برنزی ایرانی، دورهٔ سلجوقی
۸۰ - عود سوز ایرانی ، دورهٔ سلجوقی
۸۱ - ابریق برنجی مرصع ایرانی
۸۲ - جعبهٔ برنزی‌باترصیع‌طلا ونقره- ایرانی ساخت هرات
۸۳ - ابریق برنزی ایرانی با ترصیع نقره - دورهٔ سلجوقی
۸۴ - جام برنزی ایرانی باترصیع نقره
۸۵ - آفتابهٔ برنجی باترصیع نقرهٔ ازموصل عراق
۸۶ - آفتابهٔ برنجی باترصیع نقره - دورهٔ مملوکی مصر
۸۷ - پایهٔ شمعدان برنجی با ترصیع نقره از موصل عراق
۸۸ - آویز طلا میناکاری از مصر - دورهٔ فاطمی
۸۹ - قلمدان خاتم کاری با نقره وطلا از دمشق و سوریه
۹۰ - منقل برنجی با ترصیع نقره که برای سلطان مظفر رسولی ساخته شده
۹۱ - سینی برنجی ایرانی با ترصیع نقره - دورهٔ مغول
۹۲ - دیگ باترصیع نقره - دورهٔ مغول - ایران
۹۳ - مهر طلا - دورهٔ تیموری ایران
۹۴ - شمعدان برنجی دورهٔ صفوی
۹۵ - بشقاب سفالی ایرانی ازنیشابور
۹۶ - بشقاب سفالی ایرانی ازآمل
۹۷ - بشقاب سفالی ایرانی ازنیشابور
۹۸ - بشقاب سفالی ایرانی ازنیشابور
۹۹ - بشقاب سفالی ایرانی ازآمل
۱۰۰ - بشقاب سفالی ایرانی از نیشابور - دورهٔ سامانی
۱۰۱ - بشقاب سفالی ازسمرقند - دورهٔ سامانی
۱۰۲ - بشقاب جلادار ایرانی ازعصرعباسی
۱۰۳ - بشقاب جلادار ایرانی یاعراقی دورهٔ عباسی
۱۰۴ - ترسیم روی بشقاب جلادار ازعراق، دورهٔ عباسی
۱۰۵ - کوزه باتزئین روی لعاب ایرانی - دورهٔ عباسی
۱۰۶ - ابریق ایرانی
۱۰۷ - جام سفالی ایرانی، دورهٔ سلجوقی
۱۰۸ - جام سفالی ایرانی ، دورهٔ سلجوقی
۱۰۹ - جام سفالی ایرانی ، دورهٔ سلجوقی
۱۱۰ - ابریق سفالی ایرانی
۱۱۱ - گلدان سفالی ایرانی
۱۱۲ - جام باتزئین مشبک - ایرانی
۱۱۳ - کوزهٔ سفالی ایرانی باتزئین مشبک
۱۱۴ - جام سفالی جلادار ایرانی از ری
۱۱۵ - جام سفالی جلادار ایرانی از ری
۱۱۶ - جام سفالی جلادار ایرانی ، ازکاشان
۱۱۷ - کاشی جلادار ایرانی ازکاشان
لوحهٔ ۲ - کوزهٔ سفالی‌ایرانی باتزئین چند رنگ از ری
۱۱۸ - جام باتزئین چند رنگه - از ری
۱۱۹ - جام باتزئین چند رنگه - از ری
۱۲۰ - گلدان جلادار عراقی از رقه
۱۲۱ - کوزهٔ سفالی جلادار عراقی از رقه
۱۲۲ - جام سفالی عراقی از رقه

۱۲۳ - جام سفالی عراقی از رقه
۱۲٤ - جام سفالی عراقی از رقه
۱۲۵ - گلدان سفالی از رصافه سوریه
۱۲٦ - کوزهٔ سفالی بدون لعاب از عراق
۱۲۷ - در کوزهٔ بدون لعاب از عراق
۱۲۸ - جام سفالی ایرانی مغولی
۱۲۹ - بشقاب ایرانی از سلطان آباد
۱۳۰ - کاشی جلادار ایرانی از کاشان
۱۳۱ - کاشی جلادار ایرانی‌از کاشان‌باداستان بهرام‌گور وآزاده
۱۳۲ - کاشی جلادار ایرانی از کاشان
۱۳۳ - کاشی باتزئین روی لعاب از کاشان
۱۳٤ - محراب باکاشی موزائیک از مدرسهٔ امامیهٔ اصفهان
۱۳۵ - جام سفالی ایرانی
۱۳٦ - بطری چینی ایرانی دورهٔ صفوی
۱۳۷ - بطری جلادار ایرانی دورهٔ صفوی
۱۳۸ - کاشی کاری یکی از قصر های دورهٔ صفوی دراصفهان
۱۳۹ - بشقاب سفالی‌ایرانی موسوم به‌کوتبچه
۱٤۰ - گلدان جلادار ازدورهٔ فاطمی مصر
۱٤۱ - بشقاب سفالی از سوریه
۱٤۲ - چراغ مسجد از دورهٔ مملوکی مصر
۱٤۳ - کاشی میناکاری ازآسیای صغیر
۱٤٤ - بشقاب سفالی ترکی ازآسیای صغیر
۱٤۵ - کاشی‌کاری ترکی آسیای صغیر
۱٤٦ - چراغ مسجد ترکی آسیای صغیر
۱٤۷ - بشقاب سفالی ترکی آسیای صغیر
لوحهٔ ۳ - کاشی‌کاری از آسیای صغیر
۱٤۸ - بشقاب سفالی سوریه از دمشق
۱٤۹ - کاشی‌کاری سوریه از دمشق
۱۵۰ - گلدان جلادار مغربی اسپانیائی
۱۵۱ - جام سفالی جلادارمغربی اسپانیائی
۱۵۲ - بشقاب سفالی جلادارمغربی‌اسپانیائی
۱۵۳ - بطری شیشه از دورهٔ فاطمی مصر
۱٤۵ - بطری بلور مصری
۱۵۵ - جام شیشهٔ میناکاری مملوکی سوریه
۱۵٦ - چراغ مسجدازشیشهٔ میناکاری - دورهٔ مملوکی‌سوریه
۱۵۷ - چراغ‌مسجد ازشیشهٔ میناکاری - دورهٔ مملوکی سوریه
۱۵۸ - چراغ‌مسجد ازشیشهٔ میناکاری - دورهٔ مملوکی سوریه
۱۵۹ - بطری شیشهٔ مینا - دورهٔ مملوکی سوریه
۱٦۰ - بطری شیشهٔ میناکاری - دورهٔ‌مملوکی سوریه
۱٦۱ - بطری شیشهٔ ایرانی
۱٦۲ - پارچهٔ پشمی با تزئین بافته - دورهٔ قبطی و طولونی
۱٦۳ - پارچهٔ کتان با تزئین بافته - دورهٔ فاطمی مصر
۱٦٤ - پارچهٔ ابریشمی باتزئین بافته - دورهٔ فاطمی مصر
۱٦۵ - پارچه کتانی با تزئین بافته - دورهٔ فاطمی مصر
۱٦٦ - پارچه کتانی باتزئین مهرزده شده - دورهٔ فاطمی مصر
۱٦۷ - ابریشم باتزئین بافته - دورهٔ مملوکی مصر
۱٦۸ - پارچهٔ ابریشمی ازسوریه
۱٦۹ - پارچهٔ ابریشمی - دورهٔ ایوبی از سوریه
۱۷۰ - پارچهٔ ابریشمی دورهٔ مملوکی سوریه
۱۷۱ - پارچهٔ ابریشمی ایرانی

۱۷۲ - پارچهٔ ابریشمی زربفت ایرانی
لوحهٔ ٤ - حریر ایرانی
۱۷۳ - مخمل ایرانی ، دورهٔ صفوی
۱۷٤ - قالی مخمل ایرانی - دورهٔ صفوی
۱۷۵ - مخمل ایرانی ، دورهٔ صفوی
۱۷٦ - ابریشم زربفت ایرانی، دورهٔ صفوی
۱۷۷ - شال ایرانی ، دورهٔ صفوی
۱۷۸ - مخمل ترکی
۱۷۹ - زری ترکی
۱۸۰ - رداء حریر زربفت از ترکیه
۱۸۱ - پارچهٔ زربفت از ترکیه
۱۸۲ - گلدوزی از ترکیه - آسیای صغیر
۱۸۳ - زربفت مغربی اسپانیائی
۱۸٤ - پارچهٔ ابریشمی مغربی اسپانیائی
۱۸۵ - پارچهٔ نخی نقاشی شدهٔ هندی
۱۸٦ - تکهٔ قالی ازفسطاط - مصر
۱۸۷ - قالی نقش ترنجی‌ایرانی،دورهٔ تیموری
۱۸۸ - قالی‌نقش ترنجی ایرانی،دورهٔ صفوی
۱۸۹ - قالی نقش منطقهٔ ایرانی،دورهٔ صفوی
۱۹۰ - سجادهٔ ایرانی ، دورهٔ صفوی
۱۹۱ - قالی نقش‌ترنجی‌ایرانی، دورهٔ صفوی
۱۹۲ - قالی نقش حیوانی‌ایرانی،دورهٔصفوی
از اردبیل
۱۹۳ - قالی ابریشمی دورهٔ صفوی
۱۹٤ - قالی‌ابریشمی‌نقش‌حیوانی دورهٔ صفوی
۱۹۵ - قالی ایرانی دورهٔ صفوی
۱۹٦ - قالی ایرانی دورهٔ صفوی
۱۹۷ - قالی نقش‌گلدان ایرانی
۱۹۸ - قالی‌ابریشمی‌ایرانی (موسوم‌بلهستانی)
دورهٔ صفوی
۱۹۹ - قالی نقش باغی ایرانی یا قفقازی
۲۰۰ - قالی ابریشمی ایرانی ، دورهٔ صفوی
۲۰۱ - قالی هندی
۲۰۲ - قالی هندی
۲۰۳ - قالی از ترکیه
۲۰٤ - قالیچهٔ نماز یاسجاده بافت ترکیه
۲۰۵ - قالی مصری از قاهره
۲۰٦ - قالی بافت ترکیه از اوشاك
۲۰۷ - قالی ترکی آسیای صغیر
۲۰۸ - قالیچهٔ نماز یاسجادهٔ ترکی از گیوردس
۲۰۹ - قالیچهٔ‌نماز یاسجادهٔ ترکی از گیوردس
یاکولا
۲۱۰ - قالیچهٔ نماز یاسجاده ازلاریك ترکیه
۲۱۱ - سجاده از برغمهٔ ترکیه
۲۱۲ - قالی نقش اژدها از قفقاز
۲۱۳ - قالی بسبک مغربی اسپانیائی

منظور از انتشار مجموعهٔ ایران شناسی اینست که آثار برگزیده ای که بزبانی غیر اززبان فارسی دربارهٔ ایران و ایرانیان نوشته شده دردسترس فارسی زبانان قرارگیرد .

این مجموعه گذشته از آثار خاورشناسان معاصر شامل سفر نامهٔ سیاحانی که اثری سودمند دربارهٔ ایران بجاگذاشته‌اند وهمچنین آثارمورخان و نویسندگانی که گوشه ای از احوال مردم این کشور را باز نموده اند خواهد بود .

امید میرود که انتشار اینگونه‌آثار استفاده ازتحقیقات ایرانشناسان و دانشمندانخارجی را آسانتر کند وموجب توسعهٔ آشنائی باتاریخ وفرهنگ و هنر وادبیات ایران و سرگذشت بزرگان آن‌گردد . ا. ی.

مقدمهٔ مترجم

مؤلف این کتاب آقای دکتر م. س. دیماند که سالها مدیر قسمت صنایع خاورمیانه درموزهٔ متروپولیتن نیویورك بوده ، قسمت عمدهٔ عمر خود را صرف مطالعه وتحقیق دربارهٔ صنایع اسلامی کرده است ومیان دانشمندان ومتخصصان تاریخ صنایع شرقی مقام شامخ دارد و چنانکه ازمطالعهٔ این کتاب برمی‌آید ، نه تنها با نمونه‌های موجود درموزهٔ متروپولیتن ، بلکه با اکثرمجموعه‌های صنایع اسلامی نقاط مختلف دنیا آشنائی کامل دارد.

این کتاب درسال ۱۹۳۰ (۱۳۴۹ ه.) نخستین بارتحت عنوان «راهنمای صنایع تزیینی اسلامی» ازطرف موزهٔ متروپولیتن بطبع رسیده ، ولی بعداً درنتیجهٔ تحقیقات و اکتشافات هیئت حفاری موزهٔ نامبرده در ایران و عراق (نیشابور ومداین) اطلاعات زیادتر ونمونه‌های بیشتری دربارهٔ صنایع اسلامی بدست آمد ومجموعهٔ صنایع اسلامی‌موزهٔ متروپولیتن غنی‌تر گردید ، بطوریکه کلیهٔ تصاویر ونمونه‌های این کتاب از آثاری است که درآن موزه محفوظ است.

بهمین جهت مؤلف دانشمند در این کتاب تجدید نظر کرد و فصول جدیدی برآن افزود و آنرا بصورت تاریخ صنایع اسلامی در سال ۱۹۴۷ (۱۳۶۷ ه.) منتشر کرد. این کتاب بصورت فعلی برای‌طالبان دانش ودوستاران مطالعه وتحقیق درصنایع اسلامی سودمند است.

برای خوانندگان ایرانی این کتاب از جهت دیگر نیز شایان توجه مخصوصی است ، زیرا نقش عمده‌ایکه هنرمندان ایرانی درتکامل و تطور کلیهٔ

شئون صنایع اسلامی برعهده داشته‌اند دراین کتاب‌بخوبی شرح داده شده است. برای هر ایرانی موجب مباهات وافتخار است که خدمات شایان هنرمندان این مرز وبوم را در ترویج وابداع صنایع اسلامی مشاهده کند.

بحث انتقادی دربارهٔ مطالب این کتاب بعهدهٔ مطلعان ومتخصصان است ومترجم تنها کوشیده است مطالب در کمال دقت وصحت ترجمه شود ومنتهای کوشش بعمل آمده است که اصطلاحات هنری‌وفنی بزبان فارسی‌بر گردانیده شود واز استعمال کلمات خارجی اجتناب گردد. البته از آوردن کلماتی مانند مینیاتور وموزائیک وامثال‌آن که‌در فارسی مصطلح است پرهیزنشده ، زیرا این کلمات یا فارسی ندارد ویا لغت فارسی آن رایج نیست.

دراینجا از تذکر دربارهٔ یکی دو کلمه که بکرات ودرتمام فصول کتاب آمده ناچار است . مترجم برای کلمهٔ Arabesque که در اصطلاح هنری مغرب زمین بطرح تزیینی مرکب از نقوش هندسی و گل وبرگ متقاطع اطلاق میشود ، در فارسی اصطلاح مناسبی نیافت و ناچار ترجمهٔ عربی آنرا که اشکال توریقی [۱] است بکار برده است ، و همچنین برای کلمهٔ هنری Motif تعبیر و Motives تعبیرات بکار رفته است.

در تشریح اشکال تزیینی ظروف سفالی و فلزی و نقوش قالی وغیره از کلمات مصطلح ورایج استفاده شده است ، ولی تردیدی نیست که درمیان اهل فن وسازندگان این آثار نفیس صنعتی برای هرنوع نقش وطرح اصطلاح خاصی وجود داشته ودارد. متأسفانه مترجم بعلت دوری از وطن باین منابع دسترسی نداشت و امیدوار است که مطلعان و متخصصان خطاها و اشتباهات مترجم را متذکر گردند تادرچاپ بعد اصلاح شود وبتدریج فرهنگ و قاموسی‌برای کلمات واصطلاحات هنری فراهم گردد ومورد استفاده قرار گیرد .

نیویورک - اردیبهشت ماه ۱۳۳۵

عبدالله فریار

۱ - این اصطلاح خیلی نزدیک است بآنچه درایران « گل وبوته » میگویند . م .

فصل اول

مقدمهٔ تاریخی

حضرت محمد(ص) درحدود سال ۵۷۰ میلادی درشهرمکه واقع درمرکز عربستان بدنیا آمد. وی ازخاندان بنی‌هاشم یعنی برجسته ترین خاندان قبیلهٔ قریش بود. در آن زمان در عربستان قبائل مختلف زندگی میکردند که کم و بیش مستقر بودندومذهب آنهاستاره پرستی و بت پرستی بود؛ نفوذدین یهود ومسیحیت زمینه را برای تعالیم یگانه پرستی حضرت محمد آماده کرد. شخصیت و نبوغ آن حضرت به بسط ونمو سریع دین اسلام که براساس پرستش خدای یکتا ونبوت حضرت محمد قرار داشت کمک شایان نمود. درسال ۶۲۲ میلادی حضرت محمد باتفاق اصحاب و پیروان ازمکه به مدینه هجرت کرد و درآن شهر با آغوش باز پذیرفته شد؛ این هجرت مبدأ تاریخ اسلامی وعصر محمدی است. درسال ۶۳۰ میلادی (نهم هجری) حضرت محمد به فتح مکه نائل شد و کلیهٔ اصنام وبتها را بجز حجرالاسود که درکنار دیوار کعبه قرارداشت و نزد اعراب جاهلیت مقدس بود، شکست وسرنگون‌ساخت. ازآنجا که کعبه درنزد اعراب جاهلی نیز مقدس بود، حضرت محمد مکه را مرکز دین اسلام قرار داد و برطبق رسم دیرین عرب، حج سالیانهٔ کعبه را دستور فرمود.

کتاب مقدس ودینی مسلمانان قرآن مجید است که برحضرت محمد(ص) نازل شد و شامل ۱۱۴ سوره است. اصول دین اسلام در قرآن مجید بدین شرح بیان‌شده: «یاایهاالذین‌آمنوا، آمنوابالله ورسوله، والکتاب‌الذی‌نزل علی‌رسوله،

والکتاب الذی انزل من قبل ، و من یکفر بالله و ملائکته و کتبه و رسله والیوم الاخر ، فقد ضل ضلالا بعیداً .»

ارکان اصلی دین اسلام عبارتست ازشهادت به اینکه ، لااله‌الاالله ، محمداً عبده و رسوله . بعد از قرآن ، احادیث رسول ازلحاظ اهمیت دارای مقام اول است و مسلمانان برای آن احادیث احترام و منزلت قائلند .

با اعلام جهاد در راه خدا ، حضرت محمد بسیاری ازقبائل عرب‌را زیر لوای اسلام درآورد و آنان با قبول دین اسلام نه تنها به کسب مقامات روحانی نائل شدند ، بلکه موفق شدند بر دشمنان خارج از بلاد عرب نیز پیروزی یابند و به هدایت حضرت محمد و پیروانش یک‌نوع برتری نژادی احساس کنند . بسیاری از قبائل عرب عناد و دشمنی بین خود را کنار گذاشتند و در راه هدف واحد یعنی بسط دین اسلام متحد ومتفق گردیدند .

حضرت محمد(ص) درموقع وفات خود درسال ۶۳۲ میلادی (۱۱ هجری) عربستانی باقی گذاشت که تاحدی‌وحدت‌یافته بود . بعد ازاوابوبکر (۴ - ۶۳۲ م . ۱۳ - ۱۱ ه .) پدرزن او بعنوان خلیفهٔ مسلمانان انتخاب شد . تکمیل وحدت قبائل عرب و آماده ساختن آنها برای تسخیر و فتح دنیای آن عصر نصیب ابوبکر گردید . بعد از او بترتیب عمر (۶۴۴-۶۳۴م./۲۴ - ۱۳ ه.) و عثمان (۶۵۶ - ۶۴۴م./۳۶-۲۴ه.)[1] وعلی(۶۶۱ - ۶۵۶م./۴۱-۳۶ه.) به‌خلافت‌انتخاب شدند و این چهار نفر به خلفای راشدین معروف‌هستند .

قشون خلفای راشدین به‌سوریه وعراق ومصر وشمال افریقا حمله کردند و تسخیر سریع این نواحی نه تنها بر اثر قدرت نظامی و حسن اداره و سازمان آنها بود ، بلکه آشفتگی وضع‌اقتصادی وسیاسی این ممالک به شکست آنها کمک

۱ - این تاریخها را باید همه ازاوائل سال هجری منظور داشت ، مثلاً رحلت پیغمبر (ص) در۲۸صفر یا ۱۲ ربیع‌الاول سال ۱۱ ووفات ابوبکر در۲۲ جمادی‌الاخری ۱۳ ومرگ عمر در۲۶ ذیحجهٔ ۲۳ وقتل عثمان در ۸ یا ۲۰ ذیحجهٔ ۳۵ وشهادت علی(ع) در ۲۱ رمضان ۴۰ هجری وهمچنین است غالب تواریخی که بسالهای میلادی دراین‌کتاب ذکرشده است . م .

کرد ؛ درسوریه وعراق ، اعراب‌بامردمی ازنژاد سامی رو‌برو شدند که درقرون گذشته ازشمال شبه‌جزیرهٔ عربستان مهاجرت کرده بودند ؛ بعضی‌ازآنها یهودی و برخی مسیحی و مابقی کافر وبت‌پرست بودند.

پس از فتح عراق حضرت علی شهر کوفه را که عمر بنا نهاده بودمرکز حکومت و مسکن خود قرارداد و مرکز دولت اسلامی از عربستان خارج شد. بزودی کوفه و بصره محل و مرکز حیات علمی و دینی مسلمانان گردید. مردم آرامی‌نژاد سوریه مسلمانان را نجات‌دهندهٔ خود ازتسلط‌حکومت جابرانهٔ بیزانطین[1] دانستند، زیرا حکام بیزانطین برمردم بومی ایالت شرقی امپراطوری خود مالیات کمرشکن وضع کرده بودند. همین امر درمصرنیز صادق بود ؛ مصر قرنها تحت تسلط خارجیها بود ، بعلاوه میان مسیحیان قبطی‌نژادمصر که‌حضرت مسیح را وجود واحد میدانستند با دین رسمی حکومت امپراطوری بیزانطین اختلاف شدید وجود داشت و مصریها نهضت جدید اسلام را یکنوع رهائی از ظلم حکومت بیزانطین تلقی میکردند.

فتح ایران برای اعراب آسان نبود ، زیرا ایرانیان ازنژاد آریائی‌ومعتقد به‌آیین زردشت بودند که‌براساس مبارزهٔ میان خیرو شر، یا نوروظلمت‌قرارداشت.

پس‌ازیک رشته جنگهای شدید ، سلسلهٔ ساسانی در جنگ نهاوندرسال ۶۴۲ میلادی(۲۲ ه.) منقرض گردیدو قشون عرب به سال ۶۶۱ (۴۱ ه.) به شهر هرات و پس‌از مدت کوتاهی به رود سند رسیدند. ایرانیان پس‌از قبول دین اسلام به انتشار و تقویت مذهب شیعه ، که بموجب آن خلافت اسلامی به خاندان علی بن ابی‌طالب محدود است پرداختند ؛ بهمین جهت آنان با انتخاب خلیفه‌به طرزی که مورد قبول اهل سنت بود مخالفت ورزیدند.

حضرت علی‌بن ابی‌طالب در سال ۶۶۱ میلادی شهادت یافت و خلافت به دشمن بزرگ او یعنی معاویهٔ‌ابن ابی‌سفیان که ازسلالهٔ امیه و از قبیلهٔ‌قریش

۱ - مراد دولت روم شرقی است. م.

بود منتقل گردید. معاویه مؤسس سلسلهٔ خلفای اموی است که از سال ٦٦١ تا ۷٤۹ میلادی (٤١ تا ١٣٢ هـ.) خلافت کردند. بنی‌امیه مرکز خلافت را به‌شهر دمشق انتقال دادند، زیرا درآنجا طرفداران بیشتری داشتند. درزمان بنی‌امیه‌امپراطوری اسلام بسط و توسعه یافت، بطوریکه ازمغرب به‌اسپانیا وسواحل اقیانوس اطلس محدود بود و از مشرق به حدود چین میرسید. در دربار خلافت در دمشق، علم وادب و شعر رونق یافت و درضمن زندگانی مجلل وانحراف اخلاقی وانصراف از تعالیم قرآن که در آن دربار رواج داشت، زبانزد خاص وعام گردید.

حکومت‌بنی‌امیه در سال ۷٤۹ میلادی(١٣٢ هـ.) منقرض شد. براثر طغیان و شورشی که درخراسان در مشرق ایران بوجودآمد، بنی‌امیه ازبنی‌عباس که از اولاد عباس، عموی پیغمبر، بودند شکست خوردند؛ لیکن یکی از بنی‌امیه به‌نام عبدالرحمن[1] به‌اسپانیا فرار کرد ودرآنجاخلافت غربی اسلامی را تأسیس‌نمود که‌تا سال ١٠٣١ میلادی (٤٢٣ هـ.) ادامه‌یافت، وازآن تاریخ ببعد حکومت‌بدست سلسله های مختلف بربر شمال افریقا افتاد، تا آنکه در سال ١٤٩٢(٨٩٨ هـ.) با تسخیر غرناطه از طرف فردیناند و ایزابل[2] حکومت اسلامی دراسپانیابطور قطعی بپایان رسید.

پیروزی بنی‌عباس در نتیجهٔ کمک و اتحاد ایرانیان با دشمنان بنی‌امیه بود که در ضمن موجب تفوق فرهنگ و تمدن ایرانی برتمدن عرب گردید. از این‌پس افکار و عقاید ایرانی در عالم اسلام نفوذ یافت. بنی‌عباس در کنار دجله شهر بغداد را بنا کردند و آنرا پایتخت خود قراردادند و بغداد مرکز فرهنگ و هنر اسلامی گردید و یکی از مدارس معروف فقه در آنجا بوجودآمد و بسیاری از تألیفات علمی و فلسفی یونـان به زبان عربی ترجمه شد. مأمون

---

١ ـ مراد عبدالرحمن‌بن معاویة‌بن هشام‌بن عبدالملک اموی است که پس‌از پیروزی‌بنی‌عباس به اسپانیا گریخت و اساس دولت امویان را درآن کشور ریخت و ازاینرو بعبدالرحمن داخل معروف است. م. ٢ ـ فردیناند پادشاه کاستیل و ایزابلا ملکهٔ آراگن از پادشاهان جزء اسپانیا بودندکه‌باهم زناشوئی‌کردند و بتدریج تا آنجا نیرومند شدندکه برتمام اسپانیا دست‌یافتند. م.

خلیفهٔ عباسی مؤسسه‌ای علمی به نام بیت‌الحکمه در بغداد تأسیس کرد که دارای رصدخانه و کتابخانهٔ بزرگی بود. درزمان هارون‌الرشید، که در باخترزمین بوسیلهٔ کتاب هزارویکشب شهرت پیدا کرده‌است، بغداد یکی از آبادان‌ترین شهرهای جهان شد. المعتصم عباسی درشصت میلی شمال بغداد شهر سامره را بنا کرد که مرکز هنر و صنعت گردید وازسال ۸۳۶ (۲۲۲ هـ.) تا ۸۹۲ میلادی (۲۷۹ هـ.) مقر و مرکز خلفا بود و بعداز آن یکباره متروك شد.

ترکها که قومی غیرسامی وموطن اصلی آنها مرکز آسیا بود، درزمان خلفای عباسی در عالم اسلام ظاهرشدند، وچون طبیعةً رشید و جنگاور بودند، در بدو امر بعنوان محافظ خلیفهٔ عباسی استخدام شدند، ولی بتدریج رؤسای آنها در دستگاه خلافت ارتقاء مقام یافتند، تا اینکه در زمان المعتصم به منتهای قدرت رسیدند و در حقیقت امپراطوری اسلامی را آنها اداره میکردند و بعداز المعتصم خلفا را بدلخواه خودمی کشتند یا آنهارا عزل میکردند. همینکه انحطاط خلافت عباسی آشکار گردید، امپراطوری اسلام بایالات مختلف تقسیم‌شد. درسال ۸۰۰ میلادی (۱۸٤ هـ.) رؤسای اغالبه[1] در شمال افریقا دولت مستقلی تشکیل دادند. در سال ۸۱۹ (۲۰٤ هـ.) سامانیان درمشرق ایران وماوراءالنهر سلسله‌ای مستقل بوجودآوردند ودرسال ۸۶۸ (۲۵۵-۲۵٤ هـ.) سلسلهٔ صفاری درمشرق ایران تشکیل حکومت مستقل داد. در سال ۸۶۸ مصرتحت حکومت طولونیه[2] که از نژاد ترك بودند مستقل شد و بعد از آنها حکومت امرای اخشیدی[3]

۱ - اغالبه یا بنی‌الاغلب سلسلهٔ مستقلی‌بودند از امرای مسلمان شمال افریقاکه اولین امیر آنان ابراهیم‌بن‌اغلب بود و نام این سلسله نیز بهمین مناسبت است. م. ۲ - طولونیه از اولاد احمدبن طولون از سرداران مصرند که به تأسیس سلسلهٔ سلطنتی نایل آمده اند. م. ۳ - اخشیدیه از اولاد محمد بن‌طغج‌بن احف از امرای عباسی بود که اصلاً ازمردم فرغانهٔ ماوراءالنهر بود، و از طرف الراضی بالله‌خلیفهٔ عباسی لقب «اخشید» گرفت و بسلطنت مصر و حجاز و شام رسید وخاندان او بپادشاهی مصر باقی ماندند. م.

و سپس دولت فاطمی [1] بوجود آمد . دورهٔ حکومت فاطمیه در مصر در تاریخ صنایع اسلامی درآنکشوراهمیت خاصی دارد . در سال۹۶۲ (۳۵۱ ه.) غزنویان نیز در افغانستان و پنجاب حکومت مستقل تشکیل دادند.

وقتی سلجوقیان ، که ازقبایل چادرنشین صحرای قرقیز بودند وازترکستان به ماوراءالنهر مهاجرت کردند ، دردستگاه امپراطوری اسلامی راه یافتند ، روح جدیدی در حکومت اسلامی پدیدار شد . سلجوقیان غزنویان را شکست دادند ودرسال۱۰۳۷ میلادی (۴۲۹ ه.) خراسان را بتصرف درآوردندوبسوی مغرب راندند و کلیهٔ حکومتها را در ایران وآسیای صغیر و عراق و سوریه مغلوب کردند . طغرل‌بیک مؤسس این خاندان درسال ۱۰۵۵ (۴۴۷ ه.) وارد بغداد شد وازطرف خلیفه به سلطنت منصوب گردید.

نفوذ وقدرت‌خلفای عباسی درسال ۱۲۵۸ (۶۵۷ ه.) درنتیجهٔ هجوم قبائل مغول بپایان رسید. مغولها که‌ازآسیای وسطی سر برآوردند تحت‌قیادت چنگیزخان بلاد اسلامی را یکی بعداز دیگری فتح ومسخر کردند . چنگیز خان قبل از مرگش امپراطوری عظیم مغول را که از چین تاجنوب روسیه بسط داشت‌میان اولاد خود تقسیم کرد . هلاکو در ایران دولت ایلخانی را که نه‌تنها ایران بلکه عراق و قسمتی از آسیای‌صغیر را شامل بود، تأسیس کرد واین‌سلسله ازسال ۱۲۵۶ تا ۱۳۵۳ (۶۵۴ تا ۷۵۴ ه .) با موفقیت‌براین‌نواحی حکومت کرد. هجوم مغول خرابی زیادی درتمام‌خاورمیانه وارد کرد، ولی‌مغولها بزودی تحت تأثیر تمدن ملل مغلوب واقع شدند و فرهنگ و رسوم آنان را پذیرفتند . ایلخانیان به دین اسلام درآمدند و باقبول اسلام حامی علم وادب و هنر اسلامی گردیدند. دربار آنان دربغداد وتبریز وسلطانیه مرکز اهل‌علم ورجال ادب و هنر گردید.

پس از ایلخانیان سلسله های مختلف کوچک در نواحی مختلف تشکیل

۱ - فاطمیون ازاسماعیلیهٔ مصرندکه در آن کشوربسلطنت رسیدند وبرای تمایز ازخاندان علویان ایران ، خودرا از اولاد فاطمه خواندند و اولین پادشاه آنان عبیدالله بن محمدالحبیب است که لقب مهدی بخودداد .م .

گردید، ولی هجوم مجدد مغول، این بار به هدایت تیمورلنگ (۱۴۰۴ ـ ۱۳۷۰م. ۸۰۷ - ۷۷۲ه.) همهٔ آنها را از میان برداشت. تیمورلنگ، مانند سلف مغولش چنگیز، اول به ایران حمله کرد و پس از تسخیر ایران به فتح آسیای صغیر پرداخت. درسال ۱۴۰۳ (۸۰۶ ه.) قشون او به آسیای صغیر رسید و ترکهای عثمانی را شکست داد و سلطان بایزید اول به اسارت درآمد. در نتیجهٔ این شکست، امپراطوری عثمانی بجای اینکه از راه ایران به جنوب توسعه یابد، متوجه شمال ومغرب یعنی آسیای صغیر وسوریه وجنوب اروپا گردید. فتوحات تیمور برخلاف چنگیزخان صورت دائمی بخود نگرفت وتیمور و اخلاف او تیموریان (۱۵۰۰- ۱۳۷۰ م./ ۹۰۶-۷۷۲ه.) فقط در بلاد ماوراء النهر و خراسان استقرار یافتند و درزمان آنها بخارا وسمرقند اهمیت وشهرت یافت وهرات پایتخت آنها مرکز علوم و فنون و ادب اسلامی شد.

بابر یکی از اخلاف تیمور که درسال ۱۴۸۲ (۸۸۷ه.) درفرغانه بدنیا آمد، سلسلهٔ مشهور مغولی هندرا تشکیل داد که از سال ۱۵۲۶ میلادی (۹۳۳ه.) تا ۱۸۵۷ (۱۲۷۴ه.) برآن دیارحکومت داشت ودرعصر اووجانشینانش همایون واکبر بود که فرهنگ و تمدن ایران در هندوستان ودربار سلاطین مغولی هند نفوذ یافت. سلاطین مملوك مصر و سوریه که از اولاد محافظین ترك سلاطین ایوبی بودند با ایلخانیان و تیموریان همعصر بودند و اینان دو دولت تشکیل دادند، یکی سلاطین مملوك بحری (۱۳۹۰ ـ ۱۲۵۰ م./ ۷۹۳-۶۴۸ه.) ودیگری سلاطین مملوك برجی که از ۱۳۸۲ تا ۱۵۱۶ میلادی (۷۸۴ تا ۹۲۲ه.) حکومت کردند. حکومت آنها آنقدر قوی بود که توانست باموفقیت درمقابل مغول وصلیبیان مقاومت کند. قاهره را تجدید بنا کردند وآن شهر را با ابنیهٔ زیبا و بدیع زینت دادند. بسیاری از آثار صنعتی و هنری که امروز مورد توجه است نام سلاطین مملوك را دارد، بخصوص نام سلطان ناصرالدین محمدبن قلاوون که از سال ۱۲۹۳ تا ۱۳۴۰ میلادی (۶۹۳تا۷۴۱ه.) سه بار حکومت کرد، زیاد دیده میشود.

میان قبائل مختلف ترك که در اواسط و اواخر قرن سیزدهم میلادی

(هفتم هجری) در آسیای صغیر زندگی میکردند قبیله ای بودند به نام ترکان عثمانی. عثمان مؤسس سلسلهٔ عثمانی درسال ۱۲۹۹ (۶۹۹ هـ.) عنوان امیر بخودداد واو و اولادش باامپراطوری بیزانطین جنگهای متعدد کردند. در ۱۴۵۳ (۸۰۷ هـ.) سلطان محمدثانی قسطنطنیه را فتح کرد و در سال ۱۵۱۶ (۹۲۲ هـ.) سلیم اول سوریه و مصر را از دست سلاطین مملوك درآورد وحتی حق‌رسیدن به‌خلافت را بدست آورد وخود را خلیفهٔ مسلمانان‌خواند. بدین ترتیب سلسلهٔ‌عثمانی درعالم اسلام نه تنها سلطه ونفوذ سیاسی پیدا کرد، بلکه نفوذمذهبی نیز کسب نمود.

دراوائل قرن شانزدهم میلادی (نهم‌هجری) در شمال غربی ایران‌یک سلسلهٔ جدید قوی و ملی یعنی سلسلهٔ صفوی حکومت‌را بدست گرفت که ازسال ۱۵۰۲ تا سال ۱۷۳۶ میلادی (۹۰۸ تا ۱۱۴۹ هـ.) بر ایران حکومت کرد. در سال ۱۵۰۲ (۹۰۸ هـ.) اسمعیل که‌ازاولادشیخ صفی‌الدین اردبیلی بودقبائل‌آق قوینلوی ترك را مغلوب کرد و تبریز را پایتخت خود قرارداد. هدف بزرگ شاه‌اسمعیل وحدت ایران بود واو ایالات مختلف ایران‌را بتدریج بتصرف درآوردودرسال ۱۵۱۰ (۹۱۶ هـ.) هرات را ازتصرف شیبانیان ازبک که ازسال ۱۴۲۸ تا ۱۵۹۹ میلادی (۸۳۲ تا ۱۰۰۸ هـ.) برماوراءالنهر حکومت میکردند، درآورد.

مشهور ترین پادشاهان سلسلهٔ صفوی شاه طهماسب (۱۵۲۴-۷۶ م. ۹۳۰-۹۸۴ هـ.) و شاه‌عباس کبیر (۱۵۸۷ - ۱۶۲۸ م./ ۹۹۶ - ۱۰۳۸ هـ.) هستند که به نمو وبسط فرهنگ و هنر ملی ایران‌خدمات شایان کردند. در امور مذهبی، سلاطین ایران‌حامی و طرفدارمذهب‌شیعه بودند، درحالیکه مذهب سنی‌ازطرف سلاطین امپراطوری‌عثمانی و ترك تقویت میشد.

فصل دوم

منابع صنایع اسلامی

در زمان حضرت محمد اعراب صنایع و آثار هنری قابل ذکر نداشتند ولی پس ازفتح سوریه وعراق ومصروایران صنایع راقیهٔ این ممالک را اقتباس کردند. مراجع تاریخی ومنابع‌ادبی نشان میدهد که خلفای‌اموی (۷۴۹-۶۶۱م. ۱۳۲-۴۱ ه.) برای ساختن مساجد و قصرها و شهرهای جدید بجلب مواد و مصالح و صنعتگران و هنرمندان از کلیهٔ ممالک اسلامی پرداختند. مسجد دمشق بوسیلهٔ یک معمار ایرانی طرح ریزی شد و کاشی‌سازان سوریه درتزیین آن کار کردند. هنرمندان مصری در بیت‌المقدس ودمشق ومکه کار میکردند. در زمان بنی عباس (۹۴۵-۷۴۹ م./ ۳۳۴-۱۳۲ ه.) این شیوه ادامه یافت و کارگران و هنرمندان ممالک مختلف دراغلب نقاط عالم اسلام بساختن ابنیه و آثار هنری مشغول بودند. طبری مورخ معروف میگوید که در تأسیس بنای شهر بغداد عباسیان از سوریه و ایران و موصل و کوفه و واسط و بصره کارگر آوردند.

بتدریج یک اسلوب اسلامی بوجود آمد که ازدومنبع هنری یعنی‌ساسانی ومسیحیت شرقی یا بیزانطین سرچشمه‌میگرفت. دربناهای اولیهٔ اسلامی ازقبیل کاشی کاری بیت المقدس (۱۰۲-۶۹ه.) و جلوخان سنگی قصر المشتی[۱] که بقرن هشتم (دوم هجری) تعلق دارد و نقاشی و تصاویر کاخ قصیرعمرهٔ

---

۱ - Mshatta

(درحدود۷۱۲ م./ ۹۴ ه.) تعبیرات[۱] تزیینی وهنری ساسانی وبیزانطین در کنار یکدیگر مشاهده میشود.

آثار مسیحی مصر و سوریه و عراق نمونه های زیادی برای طرحهای تزیینی ابنیهٔ اولیهٔ اسلامی فراهم کرد. صنعت مسیحیان مصری یا قبطی ازمجسمه سازی ومنسوجات قرن سوم تاهفتم میلادی نزد مامعروف است. موزهٔ متروپولیتن مجموعه‌ای از مجسمه سازی قبطی دارد که‌شامل سرستون و طاق والواح سنگی باندازه‌های مختلف است که در تزیین کلیسا ها و دیرها بکار میرفته است. سرستونهائیکه از تل‌بسطه و واحه های خارجه و اسوآن و سقاره و بویط بدست آمده تکامل این عنصر مهم معماری را از زمان یونان تا اسلوب قبطی قرن ششم میلادی بخوبی نشان میدهد. این آثار نشان میدهد چگونه اصول تزیینی شرقی جایگزین تمایلات طبیعی که خاص صنایع یونان بود گردیده است. این منظور نتیجهٔ تحولاتی بود که در زندگی هنری مصر بوجود آمد و عناصر یونانی جای خود را بعناصر بومی قبطی داد.

یکی از مهمترین تعبیرات وشکل نمایان هنر مسیحی درمصر و سوریه گیاه اکنتس[۲] و برگ موبود. صنعتگران قبطی گچ بری طومار شکل[۳] گیاه اکنتس را ازسوریه گرفتند ودرآنجا این شکل حتی درقرن اول‌میلادی بمنظور تزیین بکار میرفت.

اغلب برگ این گیاه را با اجزای مختلف آن با اشکال هندسی مشبک و بهم پیچیده ترکیب میکردند وطرحهای جدیدی بوجود می‌آوردند که فقط ارتباط دوری باهنر یونانی داشت. وقتی مسلمانان شکل برگ کنگر را ازسوریه و مصر اقتباس کردند، این انحراف و تغییرشکل ادامه یافت.

یکی از بهترین نمونه های سنگتراشی قبطی سرستونی است در موزهٔ متروپولیتن نیویورک که از دیر سنت جرمیاس[۴] از سقاره آمده و تاریخ آن‌بین قرن ششم و هفتم میلادی است.

---

۱ - Motives ۲ - Acanthus گیاهی‌است شبیه کنگر. م. ۳ - نزدیک باصطلاح «مارپیچی» زبان فارسی .م. ٤ - Saint Jeremias

گچ بری طوماری مشبکی که از چند گلدان خارج میشود یک سلسله منطقه ها یا قسمتهائی تشکیل میدهد که سطح سرستون را میپوشاند. یکی دیگر از نمونه های عالی سنگتراشی قبطی طاق سنگی است (شکل ۱) درموزهٔ متروپولیتن که ظاهراً از شهر بویط[1] آمده است. این طاق سنگی با دوشکل طوماری تزیین شده که یکی برگ نخل است و دیگری ترکیبی است از چند تعبیر و اشکال مختلف مانند برگ مو و انار و انجیر که از دو گلدان خارج میشوند. اینگونه ترکیبات تزیینی صرف از گیاهها وموزه های مختلف، درهنر یونانی وجود نداشته و از خصائص صنعت شرقی بشمار می‌آید که بعدها درتزیینات اسلامی مورد توجه واقع شد. اشکال تزیینی این طاق صفات دیگری را آشکار میسازد که از خصائص صنعت سنگتراشی وحجاری قبطی وسوریه است. این اشکال تزیینی که دریک سطح مستوی قرار دارد تقریباً تمام سطح طاق را میپوشاند وبطور عمودی از زمینهٔ پس رفته امتداد یافته است. دربسیاری از نقوش برجسته مانند شکل ۱ این طرزحجاری که جایگزین شیوهٔ طبیعی صنعت یونانی شده است، اثر تزیینی تاریک وروشن بوجود می‌آورد. صنعتگران اسلامی این طریقه را اقتباس کردند وبا هنر خود آنرا تکمیل نمودند و پیشرفت دادند.

کنده کاری و قلمزنی برعاج وجواهر هم که در صنایع مسیحی مشرق رواج داشت، در صنایع اسلامی تأثیر کرد. از نمونه های مشهور اسلوب سوریه ورقه های عاج کرسی اسقف ماکسیمیان[2] در راونا[3] است. در بعضی از قسمتهای این کرسی که باشکل طوماری مو واشکال حیوانات و پرندگان زینت شده، زیربری و کنده کاری آن طوری است که تقریباً حالت مشبک کاری به‌آن میدهد. این قسم مشبک کاری درجواهرات وطلا کاری سوریه درقرن پنجم میلادی مرسوم بود وبهترین نمونهٔ آن درجواهرات گنجینهٔ قبرس که درمجموعهٔ مورگان درموزهٔ متروپولیتن نیویورک است دیده میشود. دستبندی که درشکل ۲

۱ - Bawit ۲ - Archbishop Maximian ۳ - Ravenna از شهر های ایتالیا در کنار دریای آدریاتیک. م.

مشاهده میشود با شکل‌طوماری مشبک‌کاری شده و یکی از نمونه های عالی صنعت جواهرسازی است که اگرچه درقبرس پیدا شده ولی ساخت سوریه است.

بطور کلی تزیین منسوجات قبطی از لحاظ اسلوب شبیه کارهای سنگی وحجاری است واین مطلب درمجموعهٔ منسوجات قبطی موزهٔ مترو پولیتن بخوبی دیده میشود. این مجموعه شامل پرده وپارچهٔ لباس وقطعات خرقه وردا والبسهٔ مختلف است. تزیین این منسوجات اغلب نقوشی است که ازپشم یا کتان بافته شده و گاهی بافندگیهای مختلف در آن‌ها بکار رفته است. این نقوش که گاهی یکرنگ، برنگ ارغوانی، و گاهی رنگارنگ‌است باسلوب یونانی وقبطی شرقی و مراحل مختلف میان این دو ساخته شده است.

قدیم‌ترین منسوجات قبطی متعلق به قرن سوم و چهارم میلادی است و تزیین آنها اشکال هندسی یا انسانی یا نقوش گل و گیاه است. اشکال انسانی و مناظری که بکار رفته از اساطیر یونانی و رومی اقتباس شده و بشیوهٔ طبیعی یونانی ساخته شده است. سایه‌زدن و بکاربردن نقوش مختلف در منسوجات‌چند رنگی ازنقاشی و کاشی کاری یونانی اقتباس شده است. بافندگان قبطی قرن‌سوم وچهارم‌میلادی دربکاربردن طرحهای هندسی‌ونقوش گل و گیاه‌مهارت‌مخصوصی داشتند و انواع طرحهای متقاطع (شکل ۳) بوجود آوردند که بعضی از آنها مبدأ تزیینات هندسی صنایع اسلامی قرار گرفت.

در منسوجات قرن پنجم موضوعهای یونانی بتدریج جای خود را بوقایع مسیحی و صور قدیس‌ها داد که باسلوب تقلیدی وبدون طرح‌ریزی ساخته‌میشد ونمونهٔ آن درپرده‌ای که‌درموزهٔ متروپولیتن موجود است دیده میشود. منسوجات قرن ششم‌و هفتم آخرین مراحل تطورسبک قبطی‌را نشان میدهد. دراین‌منسوجات اشکال انسانی وحیوانی بطورمجمل وغیردقیق بسبک‌شرقی ترسیم شده‌وبرنگهای روشن در زمینهٔ قرمز بکار رفته است. از صفات بر جستهٔ منسوجات قبطی این دوره تعدد و تنوع رنگهای آن است.

حتی پس از تسخیر مصر بوسیلهٔ اعراب، صنعت قبطی ازمیان نرفت، بلکه بتکامل خود ادامه داد و منسوجات زیادی با اشکال و صور و مناظر مسیحی و موضوعهای متشابه از اوائل عصر اسلامی دیده میشود (شکل ٤). دربسیاری ازاین منسوجات قبطی دورهٔ اسلامی تزیینات قبطی وصورمسیحی باخط و کتابت عربی توأم شده است وچند نمونهٔ آن درموزهٔ متروپولیتن یافت میشود. بافندگان قبطی به سبب مهارتی که در کارخود داشتند ، در کارگاههای دولتی که طراز نامیده میشد و ازطرف خلفا دربعضی از شهرهای مصر تأسیس شده بود، استخدام شده بودند و کار میکردند (رجوع شود بفصل دوازدهم). کارگاههای خصوصی نیز وجود داشت که برای قبطیان پارچه تهیه میکرد. از آثار صنعتی که اخیراً در مصر کشف شده است میتوان چندین مجموعه ازمنسوجات قبطی‌را بازشناخت که یکی متعلق به قرن هفتم و هشتم است (شکل ٤) ودستهٔ دیگر بقرن هشتم ونهم تعلق دارد ودستهٔ سوم بقرن نهم ودهم که درآن اشکال انسانی با اسلوب هندسی ترسیم شده است . تأثیر قبطی در صنایع اسلامی قرنها ادامه یافت و این تأثیر درصنایع قرن یازدهم ودوازدهم میلادی (پنجم وششم هجری) نه‌تنها درمنسوجات بلکه در سایر فنون وصنایع مشهود است.

نکته ای که برای همهٔ علاقمندان بمطالعه و تفحص در صنعت قالی‌بافی شرقی شایان اهمیت‌است، کشف قطعاتی از قالیهای متعلق بدورهٔ پیش از اسلام در سوریه و مصر است . حفریاتیکه در شهر دوره [۱] در سوریه و شهر کوم اوشیم [۲] در مصر بعمل آمده نشان میدهد که در اوائل عهد مسیحیت در این نواحی قالی‌بافی وجود داشته است . از مصر یک قطعه قالی پشمی با اشکال برجسته بدست آمده که ظاهراً در شهر شیخ عباده [۳] درمصر علیا پیدا شده‌است (شکل ٥) ، سطح آن از چهار یا شش مستطیل تشکیل یافته که دارای اشکال وطرحهای هندسی است که از موزائیک کاری عصر رومی یااوائل دورهٔ مسیحیت اقتباس شده است . طرح حاشیه و رنگ آمیزی آن شبیه منسوجات قبطی است .

۱ - Dura ۲ - Karanis ۳ - Antinoë

حاشیهٔ داخلی آن دارای تعبیرات متنوع مانند اشکال مربع و شکل گل وغیره است که با اشکال صلیب قبطی بهم بافته شده است. حاشیهٔ خارجی شامل شکل مو و طوماری است که برگ مو وخوشهٔ انگور بسبک تزیینی پرده های قبطی قرن پنجم درآن بکار رفته است. طرزساخت این قالی که میتوان گفت آنرا درحدود سال ٤٠٠ میلادی بافته‌اند ، باهرنوع قالی دیگری که تاکنون بدست آمده فرق دارد . در قطعات قالی که در لولان [۱] آسیای وسطی متعلق بقرن دوم یا سوم میلادی و در قیزیل [۲] نزدیک کوچا [۳] متعلق بقرن پنجم یا ششم میلادی بدست آمده ، جفت‌ها مانند قالیهای اسپانیائی روی یک تار بهم گره زده شده است در حالیکه کرك قالیهای قبطی بوسیلهٔ گره زدن دوجفت بهم‌تشکیل شده و این خود نشان میدهد که‌جفت‌ها مانند قالیهای شرقی جداگانه بهم گره نخورده است. این طرز عمل قالی بافی حقیقی نیست، بلکه یکنوع نساجی وبافندگی است که قبطی‌ها بوجود آوردند ونمونهٔ آن درموزهٔ متروپولیتن دیده میشود.

صنایع و هنر ایران قبل از اسلام از آثار وساخته های دورهٔ اشکانی و ساسانی که در موزه وجود دارد نمایان است. اشکانیان از ۲٤۸ پیش ازمیلاد تا ۲۲٦ میلادی بر ایران و عراق و قسمتی ازسوریه حکومت کردند و اسلوب هنری که درعهد آنان رواج داشت ترکیبی از اسلوب یونانی و شرقی است. یکی از عالیترین نمونهٔ هنر سنگتراشی عهد اشکانی که در موزهٔ متروپولیتن موجود است ، قطعه ای ازسردر سنگی است که از قلعهٔ قصر الحضر [٤] درصحرای عراق بدست آمده و احتمال دارد که تاریخ آن قرن دوم میلادی باشد . اگر چه این سنگ سردر از نمونه های رومی اقتباس شده ولی تأثیر اسلوب شرقی درنقوش‌آن کاملاً هویداست و این تأثیر درزمان سلسلهٔ ساسانی که جانشین اشکانیان شدند قوت گرفت. ترکیب اسلوب‌هنری شرقی ویونانی دریک قلاب‌طلائی(شکل ٦) که متعلق بزمان اشکانی است بخوبی آشکار است . این قلاب در مجموعهٔ مورگان در موزهٔ متروپولیتن است و لنگه وقرینهٔ آن در موزهٔ بریتانیا است .

Hatra - ٤ Kutcha - ۳ Kyzil - ۲ Lou - Lan - ۱

روی صفحهٔ این دو قلاب که در نهاوند پیدا شده تصویر عقابی دیده میشود که آهوئی در چنگال دارد . عقاب آن شاید علامت میترا خدای آفتاب است که هما مظهر آب و گیاه را به‌آسمان‌میبرد . عقاب‌وآهو بطور برجسته کشیده شده و کلیهٔ‌اجزای آن در دایره قرار دارد ودور قلاب با سنگهای فیروزه زینت یافته است. استعمال احجار کریمه و میناکاری در تمام ادوار مورد توجه هنرمندان ایرانی‌بوده ودر صنایع و آثار دورهٔ ساسانی و اوائل عصر اسلامی دیده میشود .

اگرچه در گذشته دانشمندان و محققان از تأثیر صنایع ساسانی در تکوین اسلوب صنایع‌اسلامی آگاهی‌داشتند ، لیکن اهمیت واقعی‌آن اخیراً به ثبوت رسیده است و این امر مرهون حفریات و اکتشافاتی است که در مراکز هنر ساسانی مانند مداین نزدیک بغداد و کیش در عراق و دامغان در ایران بعمل آمده است واینک آثار عمده ای بخصوص از حجاری و گچ بری آن زمان در دست است که سرمشق صنایع تزیینی دورهٔ اولیهٔ اسلامی بشمار می آید .

عصر ساسانی (۲۲۶ تا ۶۳۷ میلادی) یکی از درخشانترین ادوار صنایع ایران است . در این دوره تحت حمایت شاهان ساسانی هنر و صنایع باوج کمال رسید . کاملترین تجلی اسلوب ساسانی در سنگتراشی و نقوش بر صخره است که بمنظور تجلیل پادشاهان ساسانی ونمایاندن پیروزی آنان برسلاطین روم بکاررفته است . ازمختصات صنایع ساسانی ایجاد سبک و اسلوب جدیدی در تزیین خیالی و گل و گیاه نما است که بر اساس صنایع آشوری و هخامنشی قرار دارد و اصول عمدهٔ آن موزون بودن تکرار و تقارن است . همانطور که در هنر قدیم مشرق مرسوم بود، برگ نخل یکی ازتعبیرات عمدهٔ آرایش و تزیین ساسانی گردید . این نوع تزیین بوسیلهٔ برگ نخل در مجموعهٔ لوحهای گچ بری که در موزهٔ متروپولیتن است مشاهده میشود . این نمونه ها از حفریاتیکه بوسیلهٔ موزهٔ متروپولیتن و موزهٔ دولتی آلمان در مداین بعمل آمده بدست آمده است . دراین گچ بریهای برجسته که متعلق‌بقرن پنجم و ششم میلادی است، اشکال مختلف برگ‌نخل بصورت تمام ونیمه وبشکل‌قلب وبریده بریده دیده میشود . درانواع

بریده بریده هر بخش بطورعمیق کنده شده است ، مانند شکل ۷ که از چند برگ نخل دونیم شده ترکیب یافته و هر دو نیم برگ بهم وصل شده است. دراینجا یکی از خصائص عمدهٔ اشکال توریقی[۱] صنایع اسلامی یعنی ترکیب وتلفیق نیم برگ نخل وشاخهٔ آن مشاهده میشود .نقوش طوماری برگ نخل وطرحهای مشابه دورهٔ ساسانی سرمشق و نمونهٔ آثار و ابنیهٔ اولیهٔ دورهٔ اسلامی قرار گرفته است که در قصر المشتی و منبر مسجد قیروان و سرستون مرمر سوریه (شکل ۵۱) مشاهده میشود .

درتطور وتکامل صنعت از دورهٔ ساسانی تا عصر اسلامی پیوستگی وجود دارد . در بعضی موارد هنرمندان مسلمان تزیینات ساسانی را بدون هیچگونه تغییر وتبدیل اقتباس کردند ودرموارد دیگر اشکال مجرد جدید بوجود آوردند که بتدریج از آن یک اسلوب مشخص اسلامی پدید آمد . ازجمله تعبیراتیکه هنرمندان مسلمان از صنایع ساسانی اقتباس کردند ، شکل اشجار و برگ نخل است که غالباً پرکار وترکیبی‌ازتعبیرات گوناگون وغیرمتجانس است(شکل ۸) . در تزیینات اولیهٔ دورهٔ اسلامی شکل بال زیاد بکار رفته است . درایران این شکل بعنوان علامت سلطنت و شاهی بکار میرفت وغالباً مانندگچ بری مداین کتیبهٔ پهلوی بهمراه داشت . گاهی این علامت برای پایه و قاعدهٔ مجسمهٔ نیم تنه یا اشکال حیوانات بکار میرفت. شکل بال روی سکه و ظروف نقره نیز دیده میشود ومعمولاً بالای تاج بعضی از پادشاهان ساسانی قرار دارد. درصنایع اسلامی این شکل وتعبیر بصورت نقشی درآمد که اغلب هویت آن آشکار نیست و بعنوان شکل تزیینی بکار میرود .

ظروف نقرهٔ دورهٔ ساسانی از عالیترین نمونهٔ فلزکاری خاورمیانه است. تزیین مخصوص ظروف نقرهٔ ساسانی مناظر شکار و حیوانات و پرندگان است. یک ظرف نقرهٔ مطلای عالی در موزهٔ متروپولیتن وجود دارد (شکل ۹) که فیروز اول پادشاه ساسانی (۴۵۷ تا ۴۸۳ میلادی) را نشان میدهد که باتیرو کمان

۱ – Arabesque

بشکار بز کوهی مشغول است. پادشاه لباسی فاخر دربر و تاج کنگره دار برسر دارد و بالای سر او هلال و کرهٔ فلکی قرار گرفته که نمایندهٔ الوهیت شخص پادشاه است. پادشاه بدینطریق و مطابق رسم شرقی بعنوان صیاد اعظم مورد تجلیل قرار گرفته است. اسلوب این منظره کلیهٔ خصائص ممیزهٔ صنعت ساسانی را مینمایاند و باوجود سعی درواقع پردازی، بعضی خصائص شرقی درآن دیده میشود؛ از جمله ترسیم منظره بنحوی که در آن واحد از جهات مختلف و متعدد مشاهده شود. درساختن این ظرف اصول فنی مختلف از قبیل ریخته گری وبرجسته کاری ومرصع کاری وقلمزنی و کنده کاری بکار رفته وترکیب این اصول تأثیر صنعتی خاصی بوجود آورده است.

ایرانیان دورهٔ ساسانی انحصار تجارت ابریشم را بین چین ومغرب زمین در دست داشتند و خود دستگاههای بافندگی پارچهٔ ابریشمی ایجاد کردند که بزودی در تمام خاورمیانه شهرت و رواج یافت. مراکز عمدهٔ ابریشم بافی و پارچهٔ حریر در استان خوزستان (شوش سابق) قرار داشت. در شوشتر و شوش و جندی شاپور انواع مختلف حریر و پارچهٔ ابریشمی بافته میشد که هم بمصرف داخلی میرسید وهم بکشورهای دیگر صادر میشد. درزمان شاپور اول (۲۴۱ تا ۲۷۲ میلادی) پس از فتح انطاکیه بافندگان آرامی بخوزستان آورده شدند. بعضی از پارچه های ابریشمی که در کلیساهای اروپا باقی مانده بطور قطع متعلق بدورهٔ ساسانی است و این مطلب با مقایسهٔ طرح این پارچه‌ها و طرح لباسهائیکه در نقوش طاق بستان نزدیک کرمانشاه دیده میشود وبزمان خسرو دوم (۵۹۰ تا ۶۲۹ میلادی) تعلق دارد ثابت میگردد. قطعات متعدد پارچهٔ ابریشمی که دارای مناظر شکار است بدستگاههای بافندگی ایرانی قرن ششم و هفتم نسبت داده شده است.

پارچهٔ ابریشمی ساسانی در قبرستان شیخ عباده و اخمیم [1] در مصر پیدا شده است. تحقیقات اخیر نشان داده است که یکدسته از منسوجات ابریشمی

---

۱ - Akhmim

که در شیخ عباده پیدا شده و مدتها تصور میرفت ساخت محل باشد، متعلق بدورهٔ ساسانی وقرن سوم تا ششم میلادی است. طرح و تزیین منسوجات اولیهٔ این دسته عبارتست از اشکال لوزی که تعبیرات مختلف هندسی و نباتی دربر دارد. دربعضی منسوجات قدیم ساسانی اشکال طیور ونخل ونقاب انسانی طرحهای کلی را تشکیل میدهد، یا اینکه این اشکال در داخل شکل مدور دندانه دار طرح و بردیف قرار داده شده است. در مجموعهٔ موزهٔ متروپولیتن چند قطعه از اینگونه منسوجات که برای تهیهٔ لباس بکار میرفته دیده میشود. پارچه های ابریشمی جدیدتر که شاید بقرن ششم و هفتم تعلق داشته باشد، اسلوب کامل شدهٔ ساسانی را نشان میدهد که دارای نقش مدور بزرگ است و در داخل آن اشکال اسب بالدار و اسب دریائی وپرندگان مختلف وتعبیرات گوناگون نباتی دیده میشود. موزهٔ متروپولیتن یک قطعه از این نوع پارچه دارد که درداخل نقش مدور آن اردکی ترسیم شده که گردن بندی بمنقار دارد و این موضوع درنقاشی‌دیواری قیزیل درترکستان شرقی وهمچنین درنقاشی دیواری درسامره که درقرن نهم کشیده شده اقتباس شده است.

بعضی از پارچه های حریر که در اخمیم مصر پیدا شده غالباً بایران نسبت داده میشود. این پارچه ها فقط در دو رنگ بافته شده که عبارت باشد از زرد روی زمینهٔ سبز یا سیاه یا پرتقالی یا قرمز ویا ارغوانی. طرح این پارچه ها عبارتست از تزیینات و اشکال مختلف گیاه مانند درخت نخل واشکال لوزی شکل که غالباً از نقوش روی جواهر که بعد از فتح اسلام شایع بود اقتباس گردیده است (شکل ۱۶۸). بعضی دیگر از پارچه های ابریشمی که در اخمیم پیدا شده دارای اشکال و طرحهائیست که بیشتر بپارچه‌های ساخت سوریه و عراق شباهت دارد تا بایران. منسوجاتیکه از دوره‌وپالمیر [۱] بدست آمده و شرح آن بوسیلهٔ فیستر [۲] منتشر شده، حاکی از آنست که سوریه در تاریخ صنعت نساجی و پارچه بافی مقام شامختری دارد.

---

۱ - Palmyra

۲ - Phister

مجموعه ای از منسوجات ابریشمی دیگر که متعلق بقرن ششم و هفتم میلادی است نیز بصنایع سوریه نسبت داده میشود. این پارچه ها با اشکال انسانی و برنگهای گوناگون بافته شده است و دکتر فالک [۱] آنها را باسکندریه نسبت میدهد. ازمشهورترین قطعات این دسته ازپارچه های اسکندریه قطعه ایست در قدس‌الاقداس [۲] در رم که روی آن داستان بشارت و تولد حضرت مسیح دیده میشود. قطعهٔ دیگر که بپارچهٔ دیوسکوری [۳] معروف است در کلیسای سنت‌سرواتیوس [۴] در ماستریخت [۵] است و قطعهٔ دیگر پارچه ایست که با مناظر شکار تزیین شده است.

نمونه هائی از دوقطعهٔ اخیر درموزهٔ متروپولیتن نیویورك ومجموعه های مختلف دیگر دیده میشود. حریری که مناظر شکار دارد (شکل ۱۰) دارای طرح ترنجی است ودر آن دو شکارچی سوار براسب دیده میشود که هرکدام باتیر و کمان به شیری نشانه گرفته اند. این پارچه سابقاً به سبب موضوع وزخم تیر برشیرها بصنایع ساسانی نسبت داده میشد، زیرا این طرح را یکی از علائم سلطنتی ساسانی میدانستند؛ ولی اسلوب و تصاویر و تزیینات این پارچه وسایر پارچه های معروف باسکندریه حاکی از آنستکه باحتمال قوی اینگونه پارچه‌های ابریشمی در سوریه بافته میشده است. تزیینات این پارچه‌ها که از صنایع ساسانی‌اقتباس‌شده، بخصوص برای علاقمندان صنایع‌اسلامی شایان توجه است. درختهائیکه طرحهای ترنجی مناظر شکار را ازهم جدا میکند، دارای تعبیرات مختلف از جمله برگ بزرگ نخل است. چند نوع مختلف از اینگونه نخلها در کاشی کاری گنبد صخره در بیت‌المقدس دیده میشود که تاریخ آن ۷۲ هجری یا ۲ - ۶۹۱ میلادی است و احتمال میرود که کار هنرمندان‌مسیحی سوریه باشد. شاخهٔ درخت همراه گل و میوه که در تزیین پارچه (شکل ۱۰) دیده میشود شبیه تعبیراتیست که کاشی سازان گنبد صخره ازصنایع قبل ازاسلام سوریه اقتباس کرده اند.

Maastricht - ۵ Saint Servatius - ٤ Dioscuri - ۳ Sancta Sanctorum - ۲ Falk - ۱

تطور وتکامل اسلوب اسلامی تاحدی از اثر صنایع دستی قبائل ایرانی وترك مشرق ایران و آسیای وسطی بهرمند شده است . در اثر تماس باصنایع دستی این قبائل، خصوصیات وطرز عمل واسلوبهای جدید درصنایع اسلامی پیدا شد که صنایع ساسانی و مسیحی شرق از آن اطلاع نداشت. مثلاً کنده کاری اریب و کج که در پیکر تراشی اوائل دورهٔ عباسی برسنگ و گچ وچوب دیده میشود، شبیه به تزیینات سیت وسیبری[۱] است که برروی چوب ویا استخوان ویا برنز و یا طلا حك شده است. این اشیاء متعلق بقرون مختلف است و تاریخ بعضی از آنها تا قرن سوم میلادی بما نزدیك است .

مهاجرت قبائل ایرانی وترك اشکال تزیینی جدید درصنایع خاورمیانه وارد کرد ، مانند طرحهای طوماری هندسی وبرگهای مدور بزرگ که نمونه‌ای از آن در گچ بری دورهٔ عباسی درسامره دیده میشود. آسیای وسطی وخاور دور موطن اصلی این طرحهای هندسی است ودر نقاشی دیواری و اشیاء چوبی قرن هشتم و نهم که در ترکستان چین در شهر خوچو[۲] پایتخت قبائل اویغور[۳] ترك پیدا شده دیده میشود. احتمال دارد که این تزیینات بوسیلهٔ اشیاء طلائی که افراد قبائل و ایلات مهاجر میساختند وارد خاورمیانه و حتی اروپا یعنی آلبانی و هنگری شده باشد. ذخائر طلائی آلبانی که جزئی از مجموعهٔ مورگان درموزهٔ متروپولیتن است وتاریخ آن در حدود قرن هفتم وهشتم میلادی (اول و دوم هجری) است نمونه های عالی از اینگونه تزیینات هندسی دارد که در تکامل نقش عربی صنایع اسلامی مؤثر بوده است.

۱ - Scytho Siberian ۲ - Khocho ۳ - Uighur

فصل سوم

نقاشی و مینیاتور

۱ - نقاشی دورهٔ اموی و عباسی (قرن ۸ تا ۱۰)

ازنقاشی دورهٔ اولیهٔاسلام اطلاع زیادی دردست نیست،بجز آثار معدودی که در سوریه و عراق و ایران کشف گردیده است ؛ ولی همین آثار کافیست که رونق وارزش نقاشی وتزیینات بر دیوار را در دورهٔ بنی امیه و اوائل دورهٔ عباسی آشکار سازد .قدیمترین اثرنقاشی که تاکنون درسوریه پیدا شده ، عبارتست از آنچه که بوسیلهٔ موزیل [۱] درسال ۱۸۹۸ میلادی (۱۳۱۶ ﻫ .) در قصیر عمره کشف گردیده است . این محل بنای نسبةً کوچکی است درصحرا که شامل حمام است و بوسیلهٔ ولیداول خلیفهٔ اموی درحدود سال۷۱۲ میلادی (۹۴ ﻫ .) ساخته شده است. سقف و قسمت علیای دیوارهای این کاخ با اشکال وتصاویر مجازی و مناظر زندگی روزانه و اشکال حیوانات و نباتات با اسلوب یونانی ترسیم شده و تعبیرات ایرانی و هندی نیز در آن بکار رفته است.

نمونفوذایراندرزمان بنیعباس ازنقاشیهای دیوار قصرسامره متعلق بقرن نهم هویداست.آنچه که جالب‌توجه‌مخصوص است، منظرهٔ اندرون‌یاحرم‌است که در آن تصاویر رقاصه ها و ساززنها و همچنین حیوانات و پرندگان کشیده شده و اشکال طوماری ومدور آنها را احاطه کرده است. صور اشخاص ونباتات دراین

---

۱ - Musil

مناظر از نقاشی دورهٔ ساسانی تقلید شده ولی لوحهای چوبی همان قصر دارای ترسیماتیست که با اسلوب خالص اسلامی کشیده شده و شبیه گچ بریهای سامره است و تزیینات آن عبارت از تعبیرات نباتی است که برنگ سفید و آبی و قرمز و زرد با حاشیهٔ سیاه کشیده شده است.

تا این اواخر از نقاشی اوائل دورهٔ اسلامی در ایران چیزی در دست نبود. درسال ۱۹۳۶ و ۱۹۳۷ و ۱۹۳۹ میلادی (۱۳۵۵ و ۱۳۵۶ و ۱۳۵۸ ه.) هیئت اکتشافی موزهٔ متروپولیتن درنیشابور درمشرق ایران نمونه هائی ازنقاشی وتزیینات دیواری اوائل دورهٔ عباسی کشف کرد که فصل جدیدی درتاریخ صنایع اسلام کشود. این نقاشیها از چند بنای متعدد پیدا شده ومیتوان آنها را بدو گروه تقسیم کرد ؛ گروه اول نقاشیهای یک رنگ ، و گروه دوم نقاشیهائیکه دارای رنگهای متعدد است.

بهترین نمونهٔ گروه اول که درموزهٔ تهران است باخطوط سیاه و آبرنگ ترسیم شده و یک شکارچی سوار را با لباس گرانبها و کمربند و خود و شمشیر و یک سپر مدور نشان میدهد. روی مچ چپ او یک باز شکاری و در کنار زین اسب او حیوان شکار شده ای که شاید خرگوش باشد دیده میشود. ترسیم عالی اسب درحال تاخت و لباس شکارچی ، صنایع ونقاشی دورهٔ ساسانی‌را بیاد می‌آورد؛ درحالیکه بعضی ازجزئیات نقاشی مانند شمشیر وخود حاکی از تأثیر صنایع آسیای وسطی است . این نقاشی را میتوان باواخر قرن هشتم و اوائل قرن نهم نسبت داد.

در گروه نقاشیهای چندرنگ که تقریباً بهمان دوره تعلق دارد ، قطعاتی از نقاشیهای بزرگ پیدا شده که تصاویر انسان وشیطان وتزیینات نباتی واشکال گلدان ونخل دیده میشود؛ قطعاتیکه نقوش انسانی دارد شامل قسمتهائی از نقش سر مرد و زن و نیم تنه و لباس است . در این نقاشیها مانند نقاشیهای سامره ترکیبی از عناصر ایرانی ویونانی آشکار است وعناصر یونانی بخصوص درترسیم البسه بیشتر نمایان است . رنگهائیکه بکار رفته عبارتست از سیاه و سفید و آبی

وقرمز ودرجات مختلف تاریک وروشن این رنگها. درموزهٔ متروپولیتن قطعه ای از تصویر هاله دار زنی باموی سیاه مجعد وجود دارد که شبیه بعضی از تصاویر نقاشیهای اویغور است که درخوچو درترکستان چین پیدا شده است.

نقاشیهای دیواری یکی از اطاقهای قصری که در تپهٔ معروف به تپهٔ مدرسه پیدا شده دارای اهمیت خاصی است. این نقاشیها که ممکن است به اوائل قرن نهم تعلق داشته باشد، صفحه‌ای تشکیل میدهد بارتفاع ۱۲۰ سانتیمتر که بلوحهای مستطیل شکل تقسیم شده و هر کدام حاشیه ای که دارای اشکال هندسی است دارد. قسمت عمده و مرکزی آن شامل لوحهای مربع شکل است که تزیینات نباتی و اشکال مجرد دارد و تا حدی گچ بری دورهٔ عباسی و نقاشیهای سامره را بیاد می‌آورد. حد فاصل بین این لوحها قطعات مستطیل شکلی است که طرحهای مرمرنما وپولک شکل برآنها ترسیم شده است. درموزهٔ متروپولیتن یک قطعه یا لوح (شکل ۱۱) وجود دارد که طرح جالب توجهی برنگ قرمز و سفید و آبی وسیاه برآن کشیده شده است. این طرح عبارتست از بندهائی که انتهای هریک شکل دست یا گل نیلوفر است و قسمتهائی تشکیل میدهد که با اشکال وتعبیرات برگ نخل و انار و میوهٔ کاج زینت یافته وهمهٔ این عناصر تزیینی دردورهٔ عباسی رواج داشته است؛ مانندچشم طاقچه های گچی که درپائین شرح آن خواهد آمد. شکل دست دراین نقاشی صفت ومعنی سحرآمیزی دارد واحتمال‌میرود که نمایندهٔ دست راست‌حضرت‌فاطمه دختر پیغمبر باشد[1]. طاقچه های گچی چندرنگ که در نیشابور پیدا شده و چهارتای آنها در موزهٔ متروپولیتن است از لحاظ اهمیت کمتر از نقاشیهای نامبرده نیست. اگرچه این طاقچه ها از لحاظ اندازه مختلف هستند و نقش و تزیین هیچیک شبیه دیگری نیست، تردیدی نیست که اینها جزئی از مقرنسهائیست که معمولاً در زیر گنبد بکار میرفت و از نمونه های اولیهٔ عناصری است که بعد ها از خصوصیات عمدهٔ معماری اسلامی گردید. تزیین این طاقچه های گچی عبارتست از ترکیبی از

۱ ـ این احتمال عجیب است و دلیلی برای آن ذکر نشده . م .

تعبیرات اشکال طوماری و گلدان که طرحهای مختلف برگ و نیمبرگ نخل ازآن منشعب میشود (شکل ۱۲) ودرتزیینات اوائل دورهٔ عباسی مرسوم بوده است. بعضی از آنها خصوصیات اولیهٔ اسلوبی را دربر دارد. غالباً دوچشم که شاید صفت وخاصیت سحر دارد دربالا یا زیر موضوع و تعبیر اصلی قراردارد. رنگهای عمدهٔ آن عبارتست ازسفید وقرمز وزرد ؛ رنگ آبی برای نمایاندن زمینه و رنگ سیاه برای طرح اشکال گلدانی بکار رفته است . تزیین این طاقچه ها بسبک تزیین قبل از سامره و مطابق اسلوب رایج دورهٔ اموی است که در سر ستونهای الرقه و سوریه (شکل ۵۱) و همچنین در منبرچوبی مسجد جامع قیروان و ظروف برنزی ایرانی که درموزهٔ هرمیتاج موجود است دیده میشود وتاریخ کلیهٔ آنها درحدود نیمهٔ دوم قرن هشتم یا اوائل قرن نهم است.

چندسال قبل گاستون ویت [1] با کشف قطعاتی از نقاشی روی گچ که درحوالی قاهرهبدست آمد، ثابت کرد کهمکتب دیگری ازنقاشی اسلامی درعصر فاطمی در مصر وجود داشته است. این قطعات متعلق بقرن دهم وفعلاً درموزهٔ صنایع اسلامیدرقاهرهاست. تزیین آنهاعبارتستازاشکال هندسی متشابک وبرگ نخل واشکال طیوروصوراشخاص نشسته که جام بدست دارند.

از قدیمترین نمونه های مینیاتور که فعلاً موجود است ، قطعاتیست که در مصر پیدا شده ومتعلق بقرون نهم و دهم و یازدهم است. قسمت عمدهٔ این مینیاتورها در مجموعهٔ آرشدوك رینر [2] در کتابخانهٔ ملی وینه است . مقریزی [3] مورخ قرن پانزدهم شواهدی بدست میدهد مبنی براینکه در دورهٔ فاطمیدرمصر مکتب مصورساختن کتاب وجود داشته وسیگوید درکتابخانهٔ خلفای فاطمینسخ کتاب مصور فراوان بوده است.

اگرچه نمونهای از مکتب تصویر کتب در سوریه و عراق قبلاز قرن سیزدهم باقی نمانده، لیکن منابع تاریخ نشانمیدهد که کتب مصور در قرننهم

۱ - Gaston Wiet ۲ - Archduke Rainer ۳ - Makrizi

وجود داشته است. مسلمانان این دوره برای تذهیب و نوشتن و مصورساختن کتب خود از مسیحیان نسطوری ویعقوبی سوریه که در فن خود شهرت بسزا داشتند ، استفاده میکردند.

مکتب عراق بطور قطع از تأثیر نسخ مصور مانویان بی‌بهره نمانده. خود مانی مؤسس مذهب‌مانوی که ترکیبی از اصول زردشتی و مسیحی است در زمان خود از نقاشان معروف ایران بوده است. پس‌ازآنکه از اشاعهٔ مذهب مانی‌درایران جلوگیری بعمل‌آمد، این مذهب درمیان قبائل ترک اویغوردرآسیای وسطی رواج یافت ومذهب رسمی آنان گردید. درقرن هشتم عدهٔ زیادی‌ازمانویان بعراق هجرت کردند وتا قرن نهم چنان مستقر شده بودند که مورد لطف‌مأمون خلیفه(۸۱۳ تا ۸۳۳م./ ۱۹۸ تا ۲۱۸ ه .) قرار گرفتند. ولی‌درقرن‌دهم مسلمانان بآزار و زجر آنها پرداختند و بطوریکه‌مورخین آن عصر ذکر میکنند، درسال ۹۲۳ (۳۱۱ ه.) چهارده کیسهٔ بزرگ از کتب‌مانویها در بغداد آتش زده شد و قطرات طلا ونقره ازآن انبوه آتش فروسیچکید. در نتیجهٔ حفریات لوکوك [۱] وگرون‌ودل [۲] در خوچو پایتخت اویغورها قطعاتی از نقاشی دیوارو تصاویر کتاب متعلق بقرن هشتم ونهم بدست‌آمده است. تصاویر کتاب بسبك مینیاتور حقیقی مطابق آنچه در ایران رواج داشت میباشد. بقایای مکتب نقاشی مانوی درمینیاتورهای قرن سیزدهم‌عراق ومینیاتورهای قرن چهاردهم مغول‌آشکاراست

۲ ـ مکتب نقاشی عراق (قرن ۱۳)

چندین کتاب‌خطی‌مصور و صفحات جداگانه‌از قرن‌سیزدهم باقیمانده که معمولاً بمکتب‌نقاشی‌عباسی یاعراقی نسبت داده میشود. مرکز این‌مکتب‌نقاشی بطورقطع‌شهر بغداد بوده است که تاسال ۱۲۵۸ میلادی (۷ - ۶۵۶ه.) که بدست مغول افتاد، در دنیای اسلام اهمیت فرهنگی خودرا حفظ کرد. قسمت‌عمدهٔ کتب خطی ومصور متعلق بقرن سیزدهم ترجمهٔ افسانه‌ها و داستانهای بیدپای شاعر هندی و یا تألیفات یونانی مربوط بعلوم طبیعی وطب و حیوانات و نباتات است.

۱ - Le Coq ۲ - Grunwedel

یکی ازقدیمترین نسخ خطی مکتب عراقی کتابیست دربارهٔ علم دامپزشکی که درسال ۶۰۵ هجری (۱۰۲۹ میلادی) دربغداد تألیف شده وفعلاً در کتابخانهٔ مصر درقاهره محفوظ است. تعدادی از تصاویر ترجمهٔ عربی کتابی بنام ماتریامدیکا[۱] تألیف دیوسکوریدس[۲] که در بارهٔ داروشناسی وخواص داروهای مختلف است در مجموعه های مختلف در بسیاری ازنقاط دنیا وجود دارد که از حیث اسلوب نقاشی شبیه کارهای مکتب عراقی است. این اوراق را غالباً به عبدالله بن الفضل، ناسخ کتابی که در سال ۶۱۹ هجری (۱۲۲۲ - ۱۲۲۳ میلادی) نوشته شده نسبت میدهند؛ ولی احتمال میرود که این اوراق متعلق بکتابی باشد که درسال ۶۲۱ هجری (۱۲۲٤ میلادی) نوشته شده وفعلاً در کتابخانهٔ توپقاپوسرای[۳] اسلامبول محفوظ است. درتصاویری که موضوعهائی مانند طبیبی که مشغول تهیهٔ دارواست (شکل ۱۳) یا بجراحی مشغول است کشیده شده، نقاشان اسلوب ساده ای بکار برده‌اند که تقلیدی از هنر ساسانی یا مسیحی شرقی است. منظرهٔ طبیعی معمولاً با ترسیم یکی دو درخت نشان داده شده والبسه وپرده اغلب بصورت طرحهای تزیینی درآمده، بطوریکه تای لباس یا پرده بجای تزیین بکار رفته و با اشکالی مانند گل یا برگ نخل وغیره پوشیده شده است. تأثیر تزیینی با استعمال رنگهای شفاف زرد و قرمز و آبی وسبز و ارغوانی و طلائی چندبرابر گردیده است.

از کتب مشهوری که بوسیلهٔ نقاشان مکتب عراقی مصور شده، کتاب مقامات حریری است که داستان اعمال وفعالیتهای الحارث (بن همام) وابوزید (السروجی) را شرح میدهد. چندین نسخه ازاین کتاب موجود است که قدیمترین آن در کتابخانهٔ ملی پاریس محفوظ و در سال ۶۱۹ هجری نوشته شده است. در تصاویر این نسخه تأثیر شدید اسلوب سوریه پیداست و بعضی از صور اشخاص دراین نسخه تقلید مستقیم ازصورقدیس های نسخ خطی مسیحی است. مهمترین نسخهٔ کتاب مقامات حریری که آنهم در کتابخانهٔ ملی پاریس است، درسال ۶۳٤ هجری (۱۲۳۷ میلادی)

۱ - Materia Medica ۲ - Dioscorides ۳ - Topkapu Saray

نوشته شده و کار یحیی بن محمود الواسطی اسب. تصاویر عالی این کتاب واشکال بزرگ آن که نقاشیهای بر دیوار را بیاد می‌آورد ، تصور واقعی زندگانی روزانه وحیات اجتماعی را نشان میدهد. در اینجا اعراب قرن سیزدهم درمسجدومزرعه و صحرا و کتابخانه و هنگام برگذاری جشن واعیاد مختلف دیده میشوند. بسیاری ازاین تصاویر دارای روح وتعبیرات مختلف است. معهذا هرچند هنرمند ونقاش در نمایاندن حقیقت سعی بسیار بکاربرده، ازاثرتزیینی این تصاویرچیزی کاسته نشده ، بخصوص آنهائیکه دارای ترکیبات مفصل است ودر آنها اسلوبی بکار رفته است که مکتب قرن سیزدهم بغداد بوجود آورد. در اینجا مبدأ و آغاز بسیاری از رسوم نقاشی ایرانی دورهٔ مغول و تیموری دیده شده، مانندترسیم چندین ردیف تصاویر اشخاصی که نزدیک هم ایستاده‌اند و تصاویر اسب در حالات مختلف وترسیم لباس با چندخط . تأثیراین نقاشیها بابکار بردن رنگهای مختلف زیادتر شده و از این حیث بر نقاشیهای کتاب خواص‌دارو که در بالا به‌آن اشاره شد برتری دارد. بدون شک الواسطی نقاش زبردستی بوده است که‌از ترکیب اسلوب و تعبیرات ایرانی و مسیحی شرقی اسلوب جدیدی در نقاشی اسلامی بوجود آورده است.

درموزهٔ آسیائی لنین گراد نسخهٔ دیگری ازکتاب مقامات وجود دارد که تصاویر آن ازحیث سبک وقرب تاریخ با نسخه الواسطی مورخ ۱۲۳۷ میلادی (۶۳۵ ه .) شباهت بسیاردارد.

ازموضوعهای جالب برای نقاشی وتصویر کتاب در قرن سیزدهم کتاب کلیله و دمنه است که عبارتست از مجموعه‌ای از افسانه‌های هندی بیدپای که توسط عبدالله بن المقفع بزبان عربی ترجمه شده است. یک نسخهٔ عالی ازاین کتاب درکتابخانهٔ ملی پاریس موجود است که تاریخ آن درحدود سال ۱۲۳۰ میلادی (۶۲۸ ه .) است. تصاویر حیوانات دراین نسخه باسلوب ساسانی است ولی درضمن مشاهده و رعایت طبیعت نیز در آن دیده میشود. اشکال حیوانات ومناظر طبیعی اشجار و نباتات بطور کلی حالت تزیینی خاصی بوجود آورده است.

احتمال دارد که در دربار اتابکان سلجوقی در شمال عراق مکتب‌های محلی نقاشی وجود داشته است. درسال ۱۱۸۱ میلادی (۵۷۷ هـ.) نورالدین محمد سلطان دیاربکر از فرزندان ارتق به الجزری[1] دستور داد کتابی دربارهٔ اختراعات خودش که شامل ساعت آبی و آلات مختلف خودکار دیگر بود، برشتهٔ تحریر درآورد. این کتاب که بنام آلات خودکار[2] نامیده میشود، درسال ۱۲۰۶ میلادی (۶۰۳ هـ.) پایان یافت. نسخهٔ مصوری از این کتاب که در سال ۶۵۲ هجری یا ۱۲۵٤ میلادی در موصل یا نقطهٔ دیگری درشمال‌عراق نوشته شده، در کتابخانهٔ توپقاپوسرای اسلامبول وجود دارد. وجود یک مکتب نقاشی در شمال عراق درزمان بدرالدین لوءلوء (۱۲۳۳ تا ۱۲۵۹م./۶۲۰ تا ۶۵۸ هـ.) از چهار تصویر مناظر درباری که درنسخه‌ای که دراسلامبول‌است آشکار است. دو نسخه‌از کتاب آلات خودکارموجود است؛ یکی ازآنها که تاریخ آن رمضان ۷۱۵ مطابق‌نوامبر ۱۳۱۵ میلادی است، فعلاً دریک‌مجموعهٔ آمریکائی است وبعضی از مینیاتورهای آن در گالری‌فریر[3] در واشنگتن است. از نسخهٔ دیگر که در سال ۷۰۵ هجری (۱۳۰٤ میلادی) برای یکی از امرای سلطان مملوکی بنام صلاح‌الدین صالح نوشته شده، فقط چندصفحه باقی‌مانده است که در کتابخانهٔ ایاصوفیه دراسلامبول محفوظ‌است. بقیهٔ‌مینیاتورهای‌آن‌درمجموعه‌هاوموزه‌های‌مختلف‌اروپاوآمریکاست. مدتها این مینیاتورها را اشتباهاً باواخر قرن دوازدهم نسبت میدادند.

۳ - نقاشی سلجوقی در ایران قرن دوازدهم وسیزدهم

هیچیک از مینیاتورهای ایرانی روی کاغذ را که‌تا بحال باقیمانده نمیتوان به تحقیق بدورهٔ قبل از مغول نسبت داد، معهذا کوشش بعمل آمده است که بعضی از مینیاتورهای ایرانی‌را باواخر دورهٔ سلجوقی نسبت دهند. تنها نمونه‌هائی

---

۱ - مراد مجدالدین ابوالسعادات المبارك بن‌ابی‌الکرم محمدبن عبدالکریم شیبانی جزری اربلی است‌که در سال ٥٥٤ هجری در جزیرهٔ ابن‌عمر ازنواحی شمال عراق متولد شده و بخدمت سه تن از امرای زمان خود امیر مجاهدالدین قاتمان و عزالدین محمودبن مودود صاحب موصل و نورالدین‌ارسلان شاه درآمده واز دانشمندان نامی عصرخود بوده ودرسال ٦٠٦ هجری فوت‌نموده است. این شخص برادر ابن اثیرمورخ‌معروف است .م.

۲ - Automata ۳ - Freer Gallery

از نقاشی ایرانی که از قبل‌از دورهٔ مغول باقیمانده عبارتست از قطعاتی ازنقاشی بر دیوار که بعضی از آنها صورانسانی نیز دارد و قطعات سفال با اشکال انسانی و موضوعهای اقتباس شده از اساطیر و مناظر درباری. این سفالها که اسلوب مینیاتورسلجوقی قرن دوازدهم وسیزدهم‌را نشان‌میدهد، معمولاً به ری‌و کاشان نسبت داده‌میشود (رجوع شود به فصل دهم). اگر چه این نمونه‌ها بمکتب نقاشی بغداد مربوط است ولی دارای‌خصائص مشخص ایرانی است. اشکال‌انسانی این نقاشیها کمتر از اسلوب عراق بطبیعت نزدیک است و حاوی صوری است که بطور وضوح صور ترکی است. طرز بکاربردن رنگ در این نقاشیها نیز با مکتب بغداد فرق دارد. رنگهای صورتی و سبززیتونی وآبی‌وبنفش وقهوه‌ای و سیاه و طلائی با استادی و مهارت برزمینهٔ سفید یا فیروزه‌ای‌بکار رفته است.

۴ - مکتب نقاشی مغول در ایران وعراق (اواخرقرن۱۳وقرن۱۴)

حملهٔ مغول‌برایران وعراق‌با سقوط بغداد درسال۱۲۵۸ میلادی(۶۵۶ هـ .) باموفقیت‌انجام‌یافت‌وسلاطین‌ایلخانی بغداد‌رامقر زمستانی‌خودقرار‌دادند. هنرمندان‌وصنعتگران از همهٔ نقاط‌بخصوص ازایران وعراق بدربارآنهادربغداد و تبریز ومراغه وسلطانیه روی آوردند. ایلخانیان برای صنعت و فرهنگ‌چین اهمیت و ارزش مخصوصی قائل بودند و هنرمندان ایرانی نه تنها تحت تأثیر واقع‌بینی نقاشی مناظرچینی واقع شدند ، بلکه شیوه واسلوب نقاشی چینی راپیروی کردند. ازقدیمترین کتب خطی مصوردورهٔ مغول‌نسخهٔ‌معروف منافع‌الحیوان«ابن بختیشوع » است که فعلاً درکتابخانهٔ مورگان درنیویورك محفوظ‌است. بطوریکه در خود کتاب تذکر داده شده، این کتاب‌به امرغازان خان (۱۲۹۵-۱۳۰۴ م . ۶۹۵-۷۰۴ هـ.)درمراغه استنساخ شده‌است. درصفحهٔ‌آخر کتاب‌دوتاریخ ذکرشده: یکی۶۹؟ هجری (۱۲۹؟ میلادی) ودیگری ۶۹۰ هجری (۱۲۹۱ میلادی). ازآنجائیکه سلطنت غازان‌خان تا سال ۱۲۹۵ میلادی آغازنشده بود ، تاریخ دومی بایدمتعلق به نسخهٔ جدیدتری باشد. عدد ناخوانای تاریخ اصلی ممکن است ۷ یا ۹ باشد که تاریخ این نسخه را ۱۲۹۷ یا ۱۲۹۹ مینماید.

نودوچهار تصویر در این کتاب موجود است که بنظر میرسد کارچندین نفر باشد. بعضی ازمینیاتورها با اسلوب مرسوم مکتب عراق که تا مدتی درزمان مغول ادامه داشت نقاشی شده است، ولی اکثر مینیاتورها بخصوص آنهائیکه مناظر طبیعی را نشان میدهد با اسلوب تأثیری[۱] کشیده شده و در آنها رنگ کم بکاررفته واز نقاشیهای یک رنگ چینی متعلق به سلسلهٔ سونگ و یوآن تقلید شده است.

در موزهٔ متروپولیتن نیویورک یک صفحه از نسخهٔ دیگری از کتاب منافع الحیوان محفوظ است که تصویر دو عقاب را نشان میدهد (شکل ۱۴)؛ صفحات دیگری که دارای تصاویری بهمین اسلوب است درچندین مجموعهٔ خصوصی یافت میشود. دراین مینیاتورها شکل ابر و نباتات و گلهای مخصوص چینی با رنگهای کمی تیره نقاشی شده ولی طرز نقاشی آنها با نسخهٔ کتابخانهٔ مورگان فرق دارد. بنابراین میتوان چنین نتیجه گرفت که این اوراق متعلق به‌نسخه‌ای متأخرتر ازنسخهٔ منافع‌الحیوان کتابخانهٔ مورگان باشد و شاید بتوان آنرا متعلق باوائل قرن چهاردهم دانست.

نقاشی مکتب مغول در این عصر تا حد زیادی تحت تأثیر رشیدالدین[۲] مورخ که وزیر غازان‌خان والجایتو سلاطین مغول بود قرار گرفت. از مهمترین آثار رشیدالدین کتاب جامع‌التواریخ است که در آن تاریخ مغول و رابطهٔ آنهارا باسایر ملل شرح داده است. مؤلف جلد اول این کتاب را در ۱۴آوریل ۱۳۰۶ میلادی (۷۰۶ هـ.)بالجایتو اهدا کرد وچون رشیدالدین باهمیت این کتاب واقف بود، دستورداد نسخ فارسی وعربی از این کتاب تهیه و دردسترس دانشمندان آن‌عصر ودوستانش‌قرارداده شود. این‌وزیر درخارج‌شهر تبریز محلی‌بنام‌ربع‌رشیدی احداث کرد که دارای‌خانه‌ودکان‌و کاروانسرا وبیمارستان‌و کارخانهٔ کاغذسازی و کتابخانه‌ای بود که متجاوز ازشصت هزار مجلد کتاب داشت. دراین کتابخانه آثار علمی و هنری بزبانهای مختلف وجود داشت. هنرمندان و پیشه‌وران ملل

۱ - Impressionistic Style ۲ - مراد خواجه‌رشیدالدین فضل‌اللههمدانی وزیرمعروف‌است.م.

مختلف در این محل گرد آمدند و متجاوز از شش تا هفت هزار نفر طلبه وعدهٔ زیادی استاد در این محل زندگی میکردند. کتب و آثار بسیاری از جمله آثار خود رشیدالدین بوسیلهٔ خوشنویسان و نقاشان در این محل استنساخ میشد و خود رشیدالدین بصنعت استنساخ کتاب علاقهٔ فراوان داشت؛ ولی از کتاب جامع التواریخ که در حیات او استنساخ شده، فقط چهار نسخه باقیمانده است.

ازمهمترین آنها نسخه ایست در دو قسمت؛ تاریخ یکی سال ۷۰۷ هجری (۱۳۰۷ میلادی) است که در کتابخانهٔ دانشگاه ادمبورگ محفوظ است و تاریخ دیگری ۷۱۴ هجری (۱۳۱۴ میلادی) است که در کتابخانهٔ انجمن آسیائی لندن ضبط است. یکی از صفات برجستهٔ تصاویر این نسخه اشکال باریک و لاغر ومیتوان گفت ریاضت کشیدهٔ مردان است که در صنایع ایران نظیر آن دیده نشده است. اسلوب نقاشی وطرح ریزی این مینیاتورها که در آن رنگ نقش عمده‌ای ندارد، از صنعت چین تقلید شده است.

دو نسخهٔ دیگر از کتاب جامع التواریخ که در زمان حیات رشیدالدین استنساخ شده در کتابخانهٔ توپقاپوسرای اسلامبول محفوظ است؛ تاریخ یکی ۷۱۴ هجری (۱۳۱۴ میلادی) و تاریخ دیگری ۷۱۷ هجری (۱۳۱۷ میلادی) است ولی فقط معدودی از تصاویر این دو نسخه باوائل قرن چهاردهم تعلق دارد؛ بقیه متعلق باواخر قرن چهاردهم واوائل قرن پانزدهم است. قسمت اول نسخهٔ سنهٔ ۱۳۱۴ که ۴۹ مینیاتور دارد، در سال ۱۳۲۵ میلادی (۸۲۹ هـ.) یعنی در عهد شاهرخ تکمیل شده است. درموزهٔ متروپولیتن پردهٔ نقاشی نسبةً بزرگی که داستان حضرت یونس و ماهی را نشان میدهد وجود دارد (شکل ۱۰) که گفته میشود متعلق بیکی از نسخ اسلامبول است. این نقاشی که رنگهای پررنگ شبیه بدورهٔ تیموری در آن بکار رفته ممکن است بمکتب تبریز اواخر قرن چهاردهم (اواخر قرن نهم هجری) تعلق داشته باشد. اختلاط عناصر ایرانی وچینی بطور جالب توجهی در آن مشهود است. اشکال انسانی و رنگ وطرز نمایاندن آب از اسلوب ایرانی زمان ساسانی پیروی شده، درحالیکه منظرهٔ طبیعی و شکل ماهی که بجای نهنگ کشیده شده تقلیدی از اسلوب چینی است.

نسخهٔ دیگری از جامع‌التواریخ موجود است که باحتمال قوی در سال ۱۳۱۸ (۷۱۸ هـ .) استنساخ شده و تاسال ۱۹۲۶ (۱۳۴۵ هـ .) بآن آسیبی نرسیده و کامل مانده بود، ولی از آنزمان ببعد اوراق وتصاویر آن درمجموعه های‌مختلف پراکنده شده است. تصاویر آن کار اشخاص مختلف وقسمت عمده متعلق بزمان استنساخ کتاب نیست وحتی بعضی از آنها ممکن است درعصر حاضر نقاشی شده باشد. دومینیاتور این کتاب فعلاً درموزهٔ متروپولیتن موجود است. یکی از آنها که حاوی انتهای فصل مربوط بقبیلهٔ اغز است، شکل یک چینی‌را زیر آلاچیقی که در آن گل و گیاه است نشان میدهد. این تصویر بسبک مغول چینی کشیده شده و ممکن است باواخر قرن چهاردهم تعلق داشته باشد. مینیاتور دوم که آنرا نیز میتوان باواخر قرن‌چهاردهم نسبت داد، تصویر سلطان محمود غزنوی در مقابل شهر تسخیر شده ایست که با رنگهای درخشان که بعد ها در دورهٔ تیموری مرسوم گردید کشیده شده است. یک نسخهٔ بدون تاریخ جامع‌التواریخ در کتابخانهٔ ملی پاریس وجود دارد که تامدتی آنرا بقرن چهاردهم نسبت میدادند. اشکال و رنگهای تصاویر این کتاب حاکی از آنستکه نمیتوان آنها را بتاریخی قبل از اواخر قرن چهاردهم نسبت‌داد ؛ زیرا این تصاویر کار مکتب تبریز آن دوره را که برای سلاطین جلایر مغول کار میکردند نشان میدهد. با اینکه‌ایلخانیان در ایران بیگانه بودند، معهذا بصنایع ملی ایران علاقه پیدا کردند ونقاشان دربار خودرا تشویق نمودند که کتاب شاهنامهٔ فردوسی را مصور سازند. این اثر عظیم که قرنها سرچشمهٔ الهام هنرمندان ونقاشان ایرانی بوده، یکی از آثار ادبی مشهورایران است که قسمتی از آن براساس تاریخی وقسمتی براساس افسانه های باستانی ایران قرار دارد. یکی ازقدیمترین نسخه های شاهنامه که بشاهنامهٔ دموت[۱] معروف است. باحتمال قوی در سال ۱۳۲۰ میلادی (۷۲۰ هـ .) در شهر تبریز استنساخ شده و تصاویر آن کار چندین نقاش است. گاهی چنین بنظر میرسد که دو نقاش برسر یک مینیاتور باهم کار کرده اند.

۱ - Demotte

تصاویر این نسخه که جمعاً پنجاه و پنج عدد و اغلب آنها نسبةً بزرگ است ازشاهکارهای بزرگ دنیامحسوب میشود. این تصاویر فعلاً درموزه‌ها ومجموعه‌های خصوصی مختلف در اروپا و آمریکا محفوظ است. عالیترین آنها درموزهٔ صنایع ظریفهٔ بوستون و فریر گالری [۱] واشنگتن و مجموعه های خصوصی متعلق بخانم جان د. روکفلر [۲] و ادوارد و. فوربز [۳] و هانری وور [۴] وژان پزی [۵] و چارلزجیلت [۶] مضبوط است. در شاهنامهٔ دموت عناصر چینی و ایرانی در کنار یکدیگر ظاهر میشود. مناظر طبیعی که با رنگهای کم رنگ کشیده شده بسبک نقاشی چینی‌است، درحالیکه تصاویر اشخاص والبسه وعمارات که با رنگهای پررنگ کشیده شده بسبک ایرانی است. اسلوب بسیاری از این مینیاتورها، بخصوص آنهائیکه مناظر جنگ‌را نشان میدهد، شخص‌را بیاد نقاشیهای دیواری قبائل‌اویغور ترک‌میاندازد که درحفریات خوچو درترکستان چین پیدا شده است. نقاشان در نمایاندن شدت و حرارت مناظر جنگ و جدال که خاص خود مغول بود، موفقیت شایان حاصل کرده اند. اسلوب طراحی چینی ومغولی در بعضی از مینیاتورها بیش از دیگران بطور وضوح دیده میشود و از جمله منظرهٔ بخاک سپردن اسفندیار (شکل ۱۶) است که درموزهٔ متروپولیتن نیویورک محفوظ است. این تصویر که حرکات مختلف‌عزاداران را نشان میدهد، بقدری با مهارت و استادی کشیده شده‌وبطوری‌واقعیت را مینمایاند که نظیر آن بندرت درمیان کارهای هنرمندان متأخر ایرانی دیده میشود. این عزاداران از عالیترین نمونه های شخصیت های نوع ایرانی و مغول آنزمان هستند.

چند نسخهٔ بزرگ دیگر شاهنامه دارای مینیاتورهائیست که از حیث سبک نقاشی با مکتب تبریز و شاهنامهٔ دموت فرق دارند. دو نسخهٔ کامل وچندین ورق جدا جدا درکتابخانه ها ومجموعه های خصوصی باقی مانده است. یکی‌ازنسخ کامل که تاریخ آن ۷۳۱ هجری (۱۳۳۰-۱ میلادی) است درکتابخانهٔ

۱ - Freer Gallery ۲ - Mrs. John D. Rokefeller ۳ - Edward W. Forbes
۴ - Henri Vever ۵ - Jean Pozzi ۶ - Charles Gillet

توپقاپوسرای اسلامبول است ودیگری که تاریخ آن ۱۳۳۳میلادی (۷۳٤ ﻫ .) است در لنینگراد است. اوراق یک نسخهٔ ثالث درمجموعه های مختلف پراکنده است . یکی از این اوراق در مجموعهٔ هانری وور پاریس است که حاوی نوشته ایست که نشان میدهد این نسخه‌درسنهٔ ۷٤۱ هجری (۱-۱۳٤۰ میلادی) برای کتابخانهٔ قوام‌الدین‌حسن وزیر ایالت فارس در شهر شیراز استنساخ شده است . پنج ورق دیگر این نسخه که دوتای آن هدیهٔ هوراس‌هاومایر [۱] است در موزهٔ متروپولیتن است . سبک نقاشی این مینیاتور ها که میتوان آنها را بمکتب نقاشی شیراز نسبت‌داد، از لحاظ دقت در جزئیات بخوبی نقاشی مکتب تبریز نیست. تصاویر معمولاً باخطوط سیاه روی زمینهٔ قرمز یا زرد کشیده شده و رنگهای اضافی دیگر کمتر بکار رفته است و رنگهائیکه در اختیار نقاش بوده محدود بوده است به آبی وقرمز وزیتونی وسبز وزرد وطلائی . دراین مینیاتورها سبک ایرانی تفوق دارد ونفوذ چینی که درمینیاتورهای سایر نقاط در این عصر شدید است، دراینجا نقش عمده ای بازی نمیکند. گروه دیگر از نسخ خطی دورهٔ اولیهٔ مغول که اغلب کتاب شاهنامه است، نسخه هائیست بقطع کوچک که تصاویر آن مینیاتورهای سبک ایرانی است . معروفترین این نسخ کتابیست که سالم ویکجا نمانده، ولی اکثر تصاویر آن در مجموعهٔ چستربیتی [۲] لندن است . موزهٔ متروپولیتن نیویورک یکی از این تصاویر وشش تصویر از نسخهٔ دیگری دارد (شکل ۱۷)؛ این مینیاتورها بسبک‌ایرانی ، که در زمان سلجوقیان رواج داشت و در سفال رنگی ری (رجوع شود بفصل ۱۰) نیزدیده شده، نقاشی شده است. صور اشخاص بسبک مغول است ولی تأثیر چینی که درمناظر طبیعی دیده میشود، دراین کتاب کمتراز شاهنامهٔ دموت‌بچشم‌میخورد .طرزبکار بردن رنگها که دربین آنها فیروزه ای از همه جالب توجه تراست، بطور مؤثر روی زمینهٔ طلائی عمل شده است. درچند مینیاتور دیگر از نسخهٔ دیگر شاهنامه که ازحیث اسلوب بهم شباهت دارند ، سبز زمردی جای رنگ فیروزه‌ای را گرفته و این مینیاتورها درگالری فریر واشنگتن است.

۱ - Horace Havemeyer ۲ - Chester Beatty

یک کتاب شاهنامهٔ کوچک دیگر که از لحاظ سبک بنسخ نامبرده شبیه است وسابقاً جزو مجموعهٔ شولتزبود، اینک دریک مجموعهٔ خصوصی درنیویورک است . مینیاتور های این کتاب که سه تای آنها بموزهٔ متروپولیتن بامانت داده شده ، با الوان پررنگتر نقاشی شده و اغلب زمینهٔ قرمز دارد واین صفتی است که درنقاشیهای اولیهٔ ایران دیده میشود . شبیه باین تصاویر مینیاتورهای نسخه ای از مونس‌الاحرار است واین کتاب جنگی است ازاشعارفارسی که بتاریخ ماه رمضان ۷٤۱ (فوریهٔ ۱۳٤۱ م.)نوشته شده‌و یک صفحهٔ آن (شکل ۱۸)درموزهٔ متروپولیتن موجود است. در دوطرف صفحه تصاویر انسان وحیوان که دارای اهمیت نجومی هستند دیده میشود. تصاویری که هلال بدست گرفته اندعلامت ماه و حیوانات مختلف علامت بروج فلکی است. این نقاشیها برنگ آبی و سبز و ارغوانی و زرد طلائی برروی زمینهٔ قرمز است .

۵ ـ مکتب نقاشی عصر تیموری در ایران (قرن ۱۵ م ./۹ هـ .)

تیمور که جانشین ایلخانیان مغول گردید شهر تبریز را درسال ۱۳۸۶ میلادی (۷۸۸هـ.) و شهر بغدادرا درسال ۱٤۰۱ میلادی (۸۰٤هـ.) فتح کرد .از منابع ادبی چنین مستفاد میشود که تیمور پس‌از تسخیر بغداد عدهٔ زیادی از هنرمندان و صنعتگران آنشهر را بمقرحکومت خود سمرقند روانه کرد، ولی هیچگونه کتاب خطی وجود ندارد که بتوان بمکتب سمرقند این دوره نسبت داد. چندین نسخهٔ خطی که درآنزمان درسایر مراکز ازقبیل شیراز وبغداد نوشته شده باقیمانده است. سه‌نسخهٔ شاهنامه متعلق بمکتب شیراز موجود است، یکی تاریخ آن ۷۷۲ هجری (۱-۱۳۷۰ میلادی) است در کتابخانهٔ توپقاپوسرای اسلامبول است. دومی که تاریخ آن ۷۹۶ هجری (٤-۱۳۹۳میلادی) است در کتابخانهٔ سلطنتی مصر در قاهره است وسومی که تاریخ آن ۸۰۰ هجری (۸-۱۳۹۷ میلادی) است قسمتی درموزهٔ بریتانیا وقسمتی دیگر درمجموعهٔ چستر بیتی لندن محفوظ است. ازآنجائیکه مینیاتورهای این نسخ واجد بسیاری از خصائص اسلوب تیموری است که بعداً درهرات نموکرد، بعضی معتقدند که مرکز ومهد مکتب نقاشی تیموری شیراز

بوده است. این اسلوب جدید دریک نسخهٔ خطی دیگر یعنی دیوان شعر خواجوی کرمانی (۱۳۵۰ - ۱۲۸۱ م./ ۷۵۱ - ۶۸۰ هـ.) آشکار است . این دیوان که دردورهٔ تیموری درسال ۷۹۹ هجری (۱۳۹۶ میلادی) دربغداد استنساخ شده، فعلاً در موزهٔ بریتانیا محفوظ است . یکی از مینیاتورهای این کتاب دارای امضای نقاش ایرانی بنام جنید نقاش السلطانی است که درخدمت سلطان احمد(۱۳۸۲ تا ۱۴۱۰ م. ۷۸۴ تا ۸۱۳ هـ.) پادشاه جلائری مغول بغداد بوده است.

شاهرخ (۱۴۴۷ - ۱۴۰۴ م./۸۵۰ - ۸۰۷ هـ.) پسر وجانشین تیمور هرات را مقر حکومت خود قرار داد. شاهرخ عدهٔ زیادی از هنرمندان را برای استنساخ ومصور ساختن کتب جهت کتابخانهٔ مشهور خود استخدام کرد که دربین آنها خلیل نقاش را میتوان نام برد که در آنزمان یکی از عجائب اربعهٔ عصر وتالی مانی بشمار میرفت.

بایسنقر میرزا (متوفی درسال ۱۴۳۳ م.) پسرشاهرخ یک کتابخانه و مدرسهٔ فنون کتابت تأسیس کرد که در آن چهل هنرمند از قبیل نقاش و خوشنویس وصحاف کارمیکردند و در رأس آنها جعفر بایسنقری خطاط مشهور بود. ازجمله نقاشان امیرشاهی‌سبزواری و غیاث الدین را میتوان نام برد . غیاث‌الدین جزو یک هیئت سیاسی از طرف شاهرخ بچین فرستاده شد . اگر چه نقاشان دربار بمصور ساختن شاهنامه ادامه میدادند ، معهذا موضوعی که بیشتر توجه آنهارا جلب میکرد ، اشعار عاشقانه وموضوعهای تصوفی شعرای معروف ایران ازقبیل نظامی و سعدی بود. نظامی (۱۲۰۳-۱۱۴۰ م./۶۰۰-۵۳۵ هـ.) پنج منظومه برشتهٔ نظم درآورد که بخمسهٔ نظامی معروف است و این پنج منظومه عبارتند از مخزن‌الاسرار، خسرو و شیرین ، لیلی و مجنون ، هفت پیکر و اسکندرنامه . سعدی (۱۲۹۲ - ۱۱۸۲ م./۶۹۲-۵۷۸ هـ.) دواثر معروف بوجود آورد که‌عبارتند از بوستان و گلستان. برای نقاشی این اشعار، مکتب هرات‌سبک جدیدی ابداع کرد که متناسب بامعنی و مفهوم اشعارغنائی وعاشقانه باشد . معمولاً اشکال انسان در این تصاویر ظریف و کوچک ترسیم شده و منظرهٔ آن کاملاً ایرانی

وتزیینی ودارای افق بلند وجبال اسفنجی است. رنگ‌آمیزی این تصاویر روشن وهم‌آهنگ است وبا مقایسه بانقاشی دورهٔ اولیهٔ مغول رنگهای‌جدید به‌آن اضافه شده است.

ایجاد سبک ملی ایرانی در نقاشی که بتدریج نفوذهای خارجی در آن مستهلک گردید، مرهون مکتب نقاشی هرات است.

شعبه ای از مکتب تیموری در شیراز مقر سلطان ابراهیم پسر شاهرخ رونق گرفت ومجموعهٔ مصوری از بهترین اشعار فارسی در سال ۱۴۱۰ (۸۱۳ ه.) برای او نوشته شد که در مجموعهٔ گلبنگیان و نسخه‌ای از آن در موزهٔ بریتانیا محفوظ است. مجموعه‌دیگری ازاشعارفارسی که بتاریخ ۱۴۲۰ میلادی (۸۲۳ ه.) نوشته شده و در برلین محفوظ است و نسخه ای از شاهنامه که در کتابخانهٔ بودلیان[1] است، بمکتب شیرازنسبت داده میشود. بطوریکه پروفسور کوهنل[2] متذکر میشود، مینیاتورهای مکتب نقاشی شیراز از لحاظ رنگ‌آمیزی سبکتر و کمرنگ تر از مینیاتورهای مکتب هرات است.

عدهٔ زیادی ازنسخ خطی عالی مکتب هرات بدورهٔ شاهرخ تعلق دارد. یک نسخهٔ عالی خمسهٔ نظامی که درمجموعهٔ لوئی کارتیه[3] در پاریس موجود است، ممهور بمهر شاهرخ است. نسخه ای از گلستان سعدی که در مجموعهٔ چستربیتی در لندن است، توسط جعفر بایسنقری درتاریخ ۸۳۰ هجری (۱۴۲۶ میلادی) استنساخ شده وعلامت کتابخانهٔ بایسنقر میرزا رادارد. درموزهٔ گلستان تهران‌نسخه‌ای‌از شاهنامه‌بخط‌جعفر بایسنقری که‌درسال ۸۳۳ هجری (۳۰ - ۱۴۲۹ میلادی) نوشته شده موجوداست. این نسخه ازشاهکارهای‌نقاشی دورهٔ تیموری محسوب میشود و تا سال ۱۹۳۱ (۱۳۵۰ ه.) در دنیای باختر کسی از وجودآن اطلاع نداشت، تا اینکه درآنسال در نمایشگاه صنایع ایران در لندن بمعرض تماشا گذاشته شد. بیست و دو مینیاتور این کتاب نقاشی مکتب هرات را دراوج ترقی خود نشان میدهد. از صفات ممتازهٔ این تصاویر رنگ‌آمیزی درخشان

۱ - Bodleian Library ۲ - Kühnel ۳ - Louis Cartier

و دقت درجزئیات است که مختص نقاشی آن عصر میباشد. درنمایشگاه صنایع ایران درلندن درسال ۱۹۳۱ (۱۳۵۰ ه.) نسخه ای از کتاب کلیله و دمنه برای اولین بار درمعرض نمایش گذاشته شد که از حیث زیبائی تصاویر و مینیاتور بی‌نظیر است. این کتاب فعلاً در موزهٔ گلستان تهران محفوظ است . در موزهٔ متروپولیتن مجموعه‌ای از ده تصویر مهم موجود است که نوع دیگری ازسبک نقاشی دورهٔ تیموری را نشان میدهد . این مینیاتورها متعلق بیک نسخهٔ شاهنامه است که میتوان آنرا از حیث تاریخ و اسلوب نقاشی همطراز نسخهٔ معراج نامه قرارداد که درسال ۸۴۰ هجری(۱۴۳۶ میلادی) در هرات نوشته شده وفعلاً در کتابخانهٔ ملی پاریس‌است. شکل ۱۹ داستان مشهوری‌از شاهنامه‌است‌ودرآن‌رستم‌را درحال گرفتن اسب معروف خود رخش نشان‌میدهد. لباس‌زیبا ورنگارنگ‌رستم وشخص همراه او برزیبائی وترکیب تصویر می‌افزاید ، درحالیکه منظرهٔ طبیعی بادرختان بسبک چینی ودوغاز درپرواز بهمان اندازهٔ تصاویر اشخاص‌دارای اهمیت است. نفوذ وتأثیر هنرچینی درمینیاتور دیگر نیزهویداست و آن‌تصویر کیکاووس‌است که با بستن چندعقاب بتخت خود سعی‌دارد به‌آسمان پرواز کند. شکل ابر دراین مینیاتور که بسبک چینی ترسیم‌شده بسیارجالب توجه است ، زیرا ازلحاظ ترسیم با مینیاتورهای دورهٔ مغول فرق دارد.

تکامل اسلوب دورهٔ تیموری‌درمینیاتوری که درموزهٔ متروپولیتن ومتعلق به نسخه ای بتاریخ ۸۵۱ هجری (۸ - ۱۴۴۷ میلادی) است بخوبی آشکاراست. این مینیاتور خسرو را نشان میدهد که بتماشای شیرین درحال استحمام مشغول است (شکل ۲۰) . تکنیک دقیق و طرز نشان دادن منظره و کوچکی اشکال از خصائص مکتب هرات در نیمهٔ اول قرن پانزدهم است.

مینیاتورهای کتاب‌خمسهٔ نظامی که درسال۸۵۳ هجری(۵۰-۱۴۴۹میلادی) نوشته شده ، ازلحاظ سبک نقاشی بامینیاتورهای دیگر که دربالا شرح داده شد اختلاف دارد . نمونه ای از این سبک در شکل ۲۱ دیده میشود و آن داستان شیرین و اسب اوست که فرهاد سنگتراش عاشق اوبدوش گرفته‌است . اسلوب

نقاشی ورنگ آمیزی آن شبیه نقاشی مکتب دورهٔ تیموری درشیراز است. دراین مینیاتورها تصاویر بادقت کمتر کشیده شده ودر ترسیم مناظر و اشخاص کمتراز مکتب هرات بجزئیات اهمیت داده شده است.

یکی از آثار آنزمان که مصدر الهام برای هنرمندان ونقاشان دورهٔ تیموری بود، دیوان شاعرمعروف جامی است (۱۴۹۲ - ۱۴۱۴م./۸۹۸ - ۸۱۷ هـ.)درموزهٔ متروپولیتن نسخه ای از این دیوان که بین سالهای ۱۴۶۳ و ۱۴۷۹ (۸۸۴ و ۸۶۸ هـ.) یعنی در زمان حیات شاعر بوسیلهٔ خطاط مشهور عبدالکریم خوارزمی استنساخ شده وجود دارد. چون این هنرمند دردربار جهانشاه یکی از سلاطین سلسلهٔ قره‌قوینلو درتبریز کار میکرده است، احتمال دارد که این دیوان درآن شهر استنساخ شده باشد. از لحاظ سبک خط شباهت زیادی به نسخه ای از آن دیوان دارد که درسال ۱۴۶۳ (۸۶۸ هـ.) توسط عبدالرحیم برادر عبدالکریم نوشته شده است. این نسخه فعلاً درموزهٔ بریتانیا است. عبدالکریم وعبدالرحیم فرزندان عبدالرحمن خطاط وخوشنویس معروف بودند که شیوهٔ خط نستعلیق را تغییر داد. شانزده مینیاتور این نسخه بارنگهای درخشان شبیه مینا نقاشی شده است. طرز رنگ‌آمیزی و ترسیم مناظر ونوع عمامه ای که بسیاری از اشخاص تصاویر بسر دارند، همه از خصائص اسلوب نقاشی تیموری مغرب ایران است. مینیاتور شکل ۲۲ یکی از نمونه های عالی مناظر شکار است که درمینیاتورهای مکتب صفوی درقرن شانزدهم مورد توجه بسیار واقع شد.

نسخه ای از کتابی درعلم نجوم که فعلاً درکتابخانهٔ ملی پاریس است بمکتب سمرقند درنیمهٔ اول قرن پانزدهم نسبت داده میشود. این کتاب بکتابخانهٔ الغ بیگ پسر شاهرخ و حاکم ماوراء النهر از سال ۱۴۰۹ تا ۱۴۴۶ (۸۱۲ تا ۸۵۰ هـ.) نسبت داده میشود و این شخص همان کسی است که رصدخانهٔ مشهور سمرقند را تأسیس کرد. موزهٔ متروپولیتن نسخهٔ دیگری دربارهٔ علم نجوم دارد که دارای پنجاه تصویر از ستاره ها وصور فلکی است وچون سبک نقاشی وجزئیات

البسه حاکی ازدورهٔ تیموری است، احتمال دارد که این نسخه درزمان الغ بیگ در سمرقند نوشته شده باشد.

۶ - بهزاد و مکتب نقاشی او

یک دورهٔ جدید ودرخشان درنقاشی ایرانی در شهر هرات درزمان وتحت حمایت سلطان حسین میرزا (۱۵۰۶-۱۴۶۸م. ۹۱۲ - ۸۷۳ ه.) و وزیر اومیرعلی‌شیرنوائی که خود شاعر و موسیقی دان و نقاش بود آغاز گردید. مشهورترین نقاشان ایرانی این دوره کمال‌الدین بهزاد هراتی است که درسال ۱۴۴۰ میلادی متولد شد واز عجائب روزگار و عصر خود بشمار می‌آید. مورخ بزرگ ایرانی خوندمیر (۱۴۷۵ تا ۱۵۳۵ یا۱۵۳۷م./۸۸۰تا ۹۴۲ یا ۹۴۴ ه.) در بارهٔ این استاد مینویسد: «بهزاد اشکال شگفت‌انگیز ونوادر صنعت خویش را درمقابل ما مجسم میکند. طراحی و هنرمندی او چون قلم مانی آثار همهٔ نقاشان دنیا را از صفحهٔ روزگار سترده و انگشتان معجزه آسایش صور ونقوش همهٔ صنعتگران و نقاشان فرزندان آدم را محو کرده است. موئی از قلم او با مهارت و استادی باشکال‌بیجان جان میبخشد.»

بعد از هزیمت تیموریان بوسیلهٔ شیبانیان درسال ۱۵۰۷ (۹۱۳ ه.) بهزاد در هرات ماند وبرای سلطان ازبک شیبانی خان کار میکرد. وقتی شاه اسمعیل صفوی (۱۵۰۲تا۱۵۲۴م./۹۰۸تا ۹۳۱ه.) درحدود ۱۵۱۰ (۹۱۶ ه.) شهر هرات را تسخیر کرد، بهزاد به تبریز رفت و در مغرب ایران بتأسیس مکتب نقاشی جدیدی اقدام کرد که بعد درنقاشی ایرانی مؤثر واقع شد. علی مورخ میگوید درسال ۱۵۱۴ (۹۲۰ ه.) درموقع حملهٔ ترکها وجنگ بین قوای دو کشور، شاه اسمعیل بقدری در بارهٔ حفظ جان و سلامت هنرمندان دربار خویش مضطرب شد که دستور داد بهزاد و شاه محمود نیشابوری خطاط در غاری پنهان شوند و بعد از جنگ شکر خدای تعالی بجا آورد که آنان از مصائب و خطر جنگ مصون ماندند. درسال ۱۵۲۲ (۹۲۹ ه.) شاه اسمعیل ادارهٔ کتابخانهٔ سلطنتی را که شامل کارگاههای مربوط بصنایع کتاب بود به بهزاد واگذار کرد.

از آثار معتبر بهزاد که دارای امضای خود او باشد و خصائص سبک

اورا نشان دهد ، فقط عدهٔ قلیلی باقیمانده است. بعضی ازنقاشیهائیکه امضای او را دارد کار اصلی او نیست ، بلکه نسخهٔ بدل آنها وبعضی از کارهای معاصر اوست که امضای بهزاد بعداً به آن اضافه شده است. بهترین نمونهٔ آثاربهزاد تصاویر موجود دردونسخهٔ خطی است. یکی خمسهٔ نظامی مورخ ۸۴۶ هجری (۱۴۴۲ میلادی) است که در موزهٔ بریتانیا است و سه مینیاتور آن بعد از اتمام کتاب یعنی درسال ۸۹۸ هجری (۱۴۹۳ میلادی) کشیده شده است. کتاب دیگر نسخه‌ای از بوستان سعدی است که در کتابخانهٔ مصر درقاهره نگهداری میشود وتاریخ آن ۸۹۳ هجری (۱۴۸۸ میلادی) است .

این نقاشیها آشکار میسازد که هنرمند درمشاهدهٔ طبیعت دقیق و تیزبین بوده است. دررنگ‌آمیزی مهارت و استادی خاص ازخود نشان داده و باترکیب رنگها و بکار بردن اسلوب جدید رنگهای مخصوص و تازه ابتکار کرده است. تصاویر کتاب خمسهٔ نظامی رنگ آمیزی سرد دارد و آبی و خاکستری و سبز بیشتر بکار رفته است. مینیاتورهای بوستان کتابخانهٔ مصر هنر بهزاد را در اوج کمال نشان میدهد. این تصاویر از لحاظ ترکیب وحقیقت بینی از شاهکارهای هنر نقاشی محسوب میشوند وتصاویر اشخاص حرکت وشخصیت خاص افرادرا ظاهر میسازد .

شش مینیاتور دو صفحه ای ظفرنامه یا تاریخ تیمور که در مجموعهٔ رابرت‌گارت[1] در بالتیمور است ، بموجب یادداشت مندرج در حاشیهٔ تصاویر بوسیلهٔ امپراطور جهانگیر، به بهزاد نسبت داده میشود. این کتاب توسط خطاط مشهور شیرعلی‌درسال ۸۷۲ هجری (۱۴۶۷ میلادی) برای سلطان‌حسین میرزا استنساخ شده واحتمال میرود که مینیاتورها بعداً بکتاب منضم شده باشد. اگرچه رنگ‌آمیزی مینیاتورها درخشانتر از کارهای بهزاد است، ولی سبک نقاشی‌سبک اوست وبسیاری از تصاویر اشخاص ونوع چهره و صورت، شبیه کارهای او یا کار شاگردش قاسم علی است .

۱ - Robert Garett

درموزهٔ متروپولیتن یک صفحهٔ نقاشی ازدیوان جامی (شکل ۲۳) وجود دارد که درویشان را در حال رقص نشان میدهد. این نقاشی را میتوان به بهزاد یا مکتب نقاشی او نسبت داد. این پرده شایستهٔ قلم بهزاد است وهمهٔ خصائص کارهای این استاد را دربر دارد. حلقهٔ درویشان شخص را بیاد منظرهٔ جنگ دریکی ازنقاشیهای کتاب نظامی که درموزهٔ بریتانیاست ودرسال ۱۴۹۳ (۸۹۹ ﻫ .) کشیده شده، می‌اندازد. ازخصائص دیگر سبک بهزاد ظرافت کار وحرکات زنده وتمایز صورت اشخاص وصرفنظر کردن از جزئیات است که درنقاشیهای اواخر عمر او دیده میشود و تنوع در رنگ چهره و ترکیب و رنگ‌آمیزی عجیب از قبیل صورتی و انواع مختلف رنگ قرمز وزرد وسبز و آبی که درروی زمینهٔ سبز علفی کشیده شده است. تردیدی نیست که بسیاری از تصاویر کتب که بسبک بهزاد ترسیم شده کار شاگردان اوست که چندنفر آنها معروف هستند. نزدیکترین همکار و شاگرد او قاسم علی است که درترسیم صورت اشخاص مشهور است و کار او از مینیاتورهای چندین کتاب خطی که امضای اورا دارد شناخته میشود. هفت مینیاتور دریک نسخهٔ دیگر خمسهٔ نظامی مورخ ۸۹۹ هجری که درموزهٔ بریتانیاست امضای قاسم علی دارد و مینیاتورهای دیگر یا کار خود بهزاد ویا کار سایر شاگردان او بوده است. مینیاتورهای دیگری که بقاسم علی نسبت داده میشود، عبارتست از تصاویر دونسخه ازکارهای میرعلی شیرنوائی که در کتابخانهٔ بودلیان و تاریخ آن ۸۹۰ هجری (۱۴۸۵ میلادی) است. دو تا از مینیاتورها امضای این هنرمند را دارد که ازلحاظ رنگ‌آمیزی بخوبی کار بهزاد است ولی از حیث ترکیب و ابداع بپای استاد نمیرسد. در موزهٔ متروپولیتن مینیاتوری ازنسخه ای از آثار میرعلی‌شیرنوائی وجود دارد که بسیاری ازخصائص سبک قاسم علی در آن هویداست که از جمله مرغزار طلائی و درختان بزرگ چنار و تصویر حقیقی برگهای خزان است. تصویر اینگونه درختان از مکتب بهزاد شروع شد و نقاشان دورهٔ صفوی درقرن شانزدهم از آن تقلید کردند. رنگ‌آمیزی مؤثر که آبی و خاکستری وسبز در آن برجسته است، دربعضی‌از کارهای بهزاد و قاسم علی نیز دیده میشود.

۷ ـ مکتب نقاشی دورهٔ صفوی (قرن شانزدهم)

دراوائل قرن‌شانزدهم ودورهٔ سلسلهٔ جدید صفوی ، مرکز نقاشی ایران از خراسان‌به تبریز انتقال یافت ، درحالیکه هرات تا مدتی مرکز صنعتی و هنری باقی‌ماند . باحتمال قوی بسیاری از نسخ خطی که در اوائل قرن شانزدهم در هرات وسایر شهرهای خراسان نوشته شده بود، درتبریز مصور شده است. نفوذ بهزاد هم در هرات وهم‌درتبریز ادامه داشت.درهرات شاگردان بهزاد سبک استادبزرگ خودرا تعقیب میکردند وخود بهزاد ازسال ۱۵۱۰ (۹۱۶هـ.) درتبریز بود ومیتوان او را مؤسس مکتب نقاشی‌صفوی بشمار آورد . چندین مینیاتورموجود را بدورهٔ تبریز بهزاد نسبت میدهند ولی نمونه‌ای که درصحت آن نمیتوان تردید کرد، تصویری است از صورت دوشخص که در یک نسخهٔ خطی مورخ ۱۵۲۴(۹۳۱هـ.) موجود است و این کتاب فعلاً در یک مجموعهٔ شخصی در نیویورک محفوظ است.

چندین نسخهٔ خطی و مینیاتور مفرد ازدورهٔ شاه اسمعیل بمکتب هرات نسبت داده میشود؛ ازآن میان سه مینیاتور در موزهٔ متروپولیتن و دو مینیاتور درکتابخانهٔ ملی پاریس موجود است که همهٔ آنها از نسخه‌ای از کتاب خمسهٔ امیرخسرودهلوی است که در سال ۹۰۹ هجری (۴ - ۱۵۰۳ میلادی) در بلخ استنساخ شده است. این مینیاتورها که ممکن است پس‌از فتح خراسان توسط صفویه درسال ۱۵۱۰ (۹۱۶ هـ.) درهرات کشیده‌شده باشد ،بسیاری ازخصائص اسلوب بهزاد را دربردارد و شک نیست که کار یکی از شاگردان او است. اسلوب مکتب هرات درآغاز دورهٔ صفوی در دو مینیاتور و صفحهٔ اول‌نسخه‌ای از گوی و چوگان عرفی که در سال ۹۲۹ هجری (۳ - ۱۵۲۲ میلادی) بوسیلهٔ خطاط مشهور علی‌الحسینی درهرات نوشته شده بخوبی آشکار است. این کتاب فعلاً در مجموعهٔ لوئی‌کارتیه[1] در پاریس است . در این مینیاتور ها تصاویر اشخاص با عمامه و کلاه نوک‌دارنشان داده‌شده واین‌سبک کلاه در دورهٔ‌صفوی

۱ - Louis Cartier

بوجود آمده و ازخصائص مشخصهٔ نقاشی دورهٔ صفوی است. یکی از نسخ خطی جالب توجه اوائل قرن شانزدهم نسخه‌ای از دیوان حافظ است که درمجموعهٔ کارتیه است و حاوی پنج مینیاتور است که اهمیت فوق‌العاده دارند. یکی ازآنها دارای امضای شیخ زاده ودوتا دارای امضای سلطان‌محمداست. شیخ زادهٔ خراسانی شاگرد بهزادبود وبسیاری ازخصوصیات سبک‌استادرا ادامه داده‌است. نقاشیهای سلطان محمد که شرح آنها در زیرخواهد آمد ، دارای سبکی است که ازهرجهت با سبک شیخ زاده فرق دارد.

مینیاتورهای نسخهٔ حافظ کارتیه ارتباط زیادی با تصویر یک نسخهٔ‌عالی خمسهٔ‌نظامی درموزهٔمتروپولیتن دارد که در سال ۹۳۱ هجری (۵-۱۵۲۴ میلادی) توسط سلطان محمد نور شاعر وخوشنویس وپسر و شاگرد سلطان علی مشهدی استنساخ شده است. این نسخه که تا سال ۱۹۰۸ درملکیت پادشاه ایران بود ، دارای پانزده مینیاتور بسیارعالی است. زیر یکی‌ازآنها که‌تصویر عروسی‌خسرو وشیرین است، تاریخ‌رجب ۹۳۱ هجری (اوایل ۱۵۲۵ میلادی) ثبت شده‌است. مینیاتوری که خسرو و در باریانش را نشان میدهد (شکل ۲۴) نمونهٔ خوبی از اسلوب اوائل دورهٔ صفوی است که در شهر هرات بوجود آمده. شکل اشخاص در این تصاویر شباهت زیادی بکار شیخ‌زاده در نسخهٔ حافظ کارتیه دارد و چنانکه اخیراً پروفسور کوهنل تذکرداده، این نقاشیها را میتوان باین استاد نسبت داد، زیرا از تکامل سبک اوحکایت می کند. درترسیم ابنیه‌والبسه تزیین کاری زیادتری درآنها دیده میشود. دراین مینیاتورها ترکیبات جدیدی از رنگ‌آمیزی بکاررفته که در مینیاتورلیلی ومجنون درمدرسه (لوحهٔ شمارهٔ ۱) آشکاراست. یک‌مینیاتور دیگردراین نسخه (شکل ۲۵) که بامینیاتورهای‌دیگر اختلاف دارد، ازیک نقاش دیگر از مکتب تبریز است و آن خاقان را نشان میدهد که از اسکندر پذیرائی میکند. تصویر اشخاص وطرز پیچیدن عمامه‌بدور کلاه ، نقاشان دربار شاه طهماسب را بیاد می‌آورد. رنگ آمیزی روشن و طرز

نشان دادن سبزه وچمن ونوع قیافهٔ اشخاص بکارهای اولیهٔ سلطان محمدشباهت دارد .

میان مینیاتورهای نسخهٔ نظامی مورخ ۱۵۲۵ در موزهٔ متروپولیتن ومینیاتورهای نسخهٔ دیوان میرعلی‌شیرنوائی در کتابخانهٔ ملی پاریس که‌درسال ۹۳۳ هجری (۷ - ۱۵۲۶ میلادی) درهرات استنساخ شده شباهت زیادی دیده میشود . سبک اکثر مینیاتورهای دیوان نظامی یکی است و میتوان آنها را به شیخ‌زاده نسبت داد . مانند نسخهٔ نظامی یکی ازمینیاتورهای دیوان مورخ ۱۵۲۶ (۹۳۳ هـ.) باحتمال قوی کار سلطان محمد است . اکثر تصاویر هردو نسخه و همچنین نسخهٔ دیوان حافظ کارتیه شاید درهرات کشیده شده و نیمه‌تمام‌برای کتابخانهٔ شاه‌طهماسب به تبریز آورده شده باشد و درآنجا بوسیلهٔ سلطان محمد تکمیل گردیده است . او شاگرد میرك ورئیس نقاشان دربار ومدیرمکتب‌نقاشی بود . هردوی آنها ازندیمان شاه‌طهماسب‌بودند که خودش ازسلطان محمددرس نقاشی میگرفت . نسخی که درتبریز برای شاه‌طهماسب استنساخ‌میشد ازعالیترین و نفیس‌ترین کتب آن دوره است . نمونهٔ سبک هنرمندان دربار شاه طهماسب درنسخه‌ای‌ازخمسهٔ نظامی درموزهٔ بریتانیا دیده‌میشود . این‌نسخه‌بین‌سالهای ۱۵۳۹ و۱۵۴۳ (۹۴۶ و ۹۵۰ هـ.) برای شاه نوشته شده است . بعضی‌ازمینیاتورهای‌نسخهٔ مصورشاهنامه‌مورخ ۱۵۳۷ (۹۴۴ هـ.) که درمجموعهٔ بارون‌موریس‌دوروچیلد[۱] پاریس است ، ممکن‌است کار سلطان محمد باشد . این کتاب حاوی دو مینیاتور بامضای میرك و مظفرعلی و میرسیدعلی است . در همهٔ این مینیاتورها بعضی خصائص‌مشترك‌دیده میشود که‌شاید توسط‌میرك‌وسلطان محمدو به‌سرپرستی‌بهزاد که استاد میرك بود، تکوین وتطور یافته است . از خصائص این سبک نقاشی دقت در طرز کار و تزیینات و طراحی است . تصاویر اشخاص عظمت و ابهت دربار شاه طهماسب را میرساند .

علاوه‌برتصاویرومینیاتورهای کتاب ، سلطان‌محمد وبعضی‌دیگر ازنقاشان

۱ - Baron Maurice de Rothschild

آن دوره مینیاتور ونقاشیهای جداگانه کشیده‌اند که اغلب تصاویر جوانان‌وبانوان دربار و شاهزادگان است وبعضی از آنها شاید تصویر خود شاه‌طهماسب‌باشد، مانند نقاشی‌ای که در موزهٔ بوستون و بامضای سلطان محمد است. یکی دیگر از هنرمندان که تصاویر اشخاص‌را کشیده میرنقاش است که در تبریز با سلطان محمد همکاری میکرده است. یکی ازعالیترین نمونه‌های نقاشی مفرد دورهٔصفوی تصویر شاهزاده‌ایست سواربراسب وخادم‌او که‌بسلطان محمد نسبت داده‌میشود و در مجموعهٔ کارتیه محفوظ است.

در موزهٔ متروپولیتن نیویورك چندین نمونه ازسبك نقاشان دربار شاه طهماسب موجود است؛ یکی منظرهٔ باغی است که شاید متعلق بیك نسخهٔ‌نظامی نیمهٔ اول قرن شانزدهم باشد. دوتای دیگر از نسخهٔ اول از شاهنامه است که زندگی زال پدر رستم را نشان میدهد. هردوی این نقاشیها را میتوان متعلق به نیمهٔ دوم قرن شانزدهم دانست.

یکی ازنقاشان بزرگ نیمهٔ دوم قرن شانزدهم که زیاد معروف‌نیست، استاد محمدی است که‌شاید پسر وشاگرد سلطان محمد باشد. چندین ترسیم رنگی نقاشی با امضای این‌استاد باقی‌مانده که بعضی ازآنهارا میتوان بطور قطع متعلق بوی دانست. معروفترین کارهای این نقاش ترسیم رنگی منظره‌ایست که‌فعلاً در موزهٔ لوور پاریس است واین نقاش دارای امضای اواست وتاریخ آن ۹۸۶ هجری(۱۵۷۸ میلادی) است. بعضی‌دیگر از کارهای‌مهم باامضای‌او در کتابخانهٔ ملی‌پاریس ومجموعهٔ هوفر[۱] کامبریج وموزهٔ صنایع ظریفهٔ بوستون‌محفوظ‌است. موزهٔ متروپولتین در نیویورك دوترسیم رنگی ویك نقاشی بسبك استادمحمدی دارد. این نقاشی (شکل۲۶) که‌شاید ازیك آلبوم باشد، منظرهٔ شکاررا نشان‌میدهد و به مینیاتوری که در تاریخ ۱۵۸۳ میلادی (۹۹۱ هـ.) کشیده شده ودرموزهٔ بوستون است، شباهت زیادی دارد. این نقاشیها و ترسیمات خصائص مشخصهٔ سبك استاد محمدی‌را نشان میدهد که عبارت باشد ازتصویر اشخاص بلندقامت

---

۱ - Hofer

باصورت کوچک و گرد ، و واقع بینی در ترسیم چشم اندازها ومناظر زندگی روزانه در دهات و نواحی روستائی . چندین نقاشی در مجموعهٔ جرج پرات [۱] نیز بهمین سبک و اسلوب است.

در نیمهٔ دوم قرن شانزدهم هنرمندان تبریز وشیراز ودیگر شهرهای باختری وجنوبی ایران بنقاشی سبک دربار شاه طهماسب ادامه دادند، ولی کار آنها حاکی از انحطاط فنی و فقدان ابداع است . نقاشیها صور زیادی دارد و دقت لازم در نقاشی بعمل نیامده است. در موزهٔ متروپولیتن چندین نسخهٔ خطی و مینیاتور فردی از این دوره موجود است. یکی از این نسخ کتاب یوسف و زلیخای جامی است که توسط محمد قوام شیرازی استنساخ شده ودارای چهار مینیاتور است که ممکن است در حدود سال ۱۵۸۰ میلادی بوسیلهٔ یکی ازنقاشان شیراز کشیده شده باشد.

**۸ - مکتب بخارا
(قرن شانزدهم)**

همزمان بامکتب نقاشی دورهٔ صفوی مکتب نقاشی دیگری در بخارا رواج داشت ؛ این ناحیه ازسال ۱۵۰۰ میلادی (۹۰۶ هـ.) در تصرف سلاطین شیبانی ازبک بود. درحدود سال ۱۵۳۵ میلادی (۹۴۲ هـ.) عدهٔ زیادی ازنقاشان وخوشنویسان مکتب هرات به بخارا منتقل یا تبعید شدند و اینان درآنجا باسلوب مکتب تیموری و بخصوص بسبک بهزاد بکارخود ادامه دادند. از هنرمندانی که قبل از این تاریخ به بخارا آمده بود ، محمود مذهب شاگرد میرعلی خطاط مشهور است . چندین کار بامضای محمود موجود است که بعضی ازآنها بزمانیکه او درهرات بود نسبت داده میشود، از جمله نقاشیهای مناظر عشقی آلبومی است که در کتابخانهٔ حضرت رضا درمشهد مقدس محفوظ است. دراین آلبوم نقاشیهای دیگری ازساخته های عبدالله شاگرد محمود دیده میشود که کاملاً بسبک مکتب بخارا است. نمونهٔ کارمحمود بسبک بخارا در مینیاتور دو صفحه‌ای مورخ ۹۵۳ هجری (۱۵۴۶ میلادی) درنسخه ای ازمخزن‌الاسرارنظامی که درکتابخانهٔ ملی پاریس است، دیده میشود. این کتاب

۱ - George D. Pratt

درسال ۹٤٤ هجری (۸-۱۰۳۷ میلادی) در بخارا بوسیلهٔ میر علی استنساخ شده است.

درموزهٔ متروپولیتن نیویورك سه نسخهٔ خطی و چندین مینیاتور مکتب بخارا موجود است. یکی ازآنها نسخه ایست از یوسف وزلیخای جامی که بوسیلهٔ میر علی الحسینی درسال ۹۳۰ هجری (٤-۱۰۲۳ میلادی) نوشته شده، ولی مینیاتورهای این نسخه بزمان متأخرتری یعنی در حدود سال ۱۰٤۰ میلادی (۹٤۷ھ.) تعلق دارد. نفوذ مکتب بهزاد در ترسیم مناظر و تصویر اشخاص، که معمولاً عمامهٔ بخارائی بسر دارند ، آشکاراست. درنسخهٔ خطی دیگر که کتاب بوستان سعدی است مینیاتورهائی بهمین سبک دیده میشود. شکل ۲۷ یکی از سلاطین سوریه را درموقع گفتگو با دودرویش نشان میدهد . دراین مینیاتور رنگ شفاف مینامانندی بکار رفته و در آن رنگ قرمز روشن که از مشخصات مکتب نقاشی بخارا در قرن شانزدهم است ، دیده میشود . نسخهٔ خطی ثالث کتاب فتوح الحرمین بقلم محیی لاری است که شانزده تصویر ومینیاتور دارد.

۹ ـ نقاشی صفوی عهد شاه عباس و بعد (اواخر قرن شانزدهم تا قرن هیجدهم)

در اواخر قرن شانزدهم در تهیه و تولید کتابهای خوب انحطاطی پدید آمد. نسخ خطی بخصوص شاهنامهٔ فردوسی غالباً مصور میشد، ولی کشیدن مناظر معمولی و تصاویر دراویش و شاهزادگان اغلب بسبک استاد محمدی بیشتر مورد توجه بود. موضوع مورد توجه درشرق وغرب ایران کشیدن تصویر اشراف درالبسهٔ فاخر بود. درزمان شاه عباس که خود ازحامیان بزرگ صنعت بود، عمامهٔ بزرگ با پروگل رواج یافت . شاه عباس اصفهان را پایتخت خود قرارداد ودرآن شهر ابنیه و مساجد و قصور عالی بنا کرد و یک مدرسهٔ نقاشی تأسیس نمود تاهنرمندان ایرانی کار استادان گذشته را بیاموزند وتقلید کنند . دیوار های چهل ستون وباغ قصرعالی قاپو با نقاشی بسبک رضا عباسی زینت یافت . درمیان تصاویر اشخاص تصویر چندهلندی و اروپائی نیز کشیده شد.

درموزهٔ متروپولیتن دو کتاب شاهنامه ازدورهٔ شاه عباس که مینیاتورهای زیادی دارد موجود است؛ یکی که تاریخ آن ۹۹۶ هجری (۸ - ۱۵۸۷ میلادی) است دارای چهل صفحه مینیاتور نسبةً خوب است ؛ کتاب دیگر که تاریخ استنساخ آن ۱۰۱۴ - ۱۶ هجری (۸ - ۱۶۰۵ میلادی) است، هشتادوپنج مینیاتور بزرگ دارد و بسیاری از خصوصیات کار رضاعباسی نقاش و خطاط مشهور دربار شاه عباس (۱۵۸۷ تا ۱۶۲۸م./۹۹۶ تا ۱۰۳۸ه.) و شاه صفی (۱۶۲۹ تا ۱۶۴۲م./۱۰۳۹ تا ۱۰۵۲ه.) در آنها دیده میشود.

رضا عباسی تعداد قابل ملاحظه ای نقاشی و ترسیمات با امضای خودش باقی گذاشته که بین سالهای ۱۵۹۸ و ۱۶۴۳ (۱۰۰۷ و ۱۰۵۳ ه.) کشیده شده است. از خصوصیات نقاشیها و تصاویر روی دقت و ملاحظه در کلیهٔ شئون زندگی است. شیوهٔ نقاشی و ترسیم او تحت تأثیر خط و کتابت واقع شده، بدینمعنی که این ترسیمات متشکل است از خطوط منحنی صاف و خطوط کوتاه. مبتکر این شیوه شاید آقا رضا باشد که در اواخر سلطنت شاه طهماسب و اوائل سلطنت شاه عباس مشغول کار بود و نمونهٔ کارهای امضا شدهٔ او در موزهٔ بوستون و موزهٔ لوور و کتابخانهٔ ملی پاریس موجود است. درموزهٔ متروپولیتن نیز چند نمونه از نقاشیهای رضا عباسی و پیروان او وجود دارد. یکی که از دفترطراحی گرفته شده، تصویرمردی را که درحال دوختن است نشان میدهد (شکل ۲۸) ؛ دونقاشی دیگر که درآنها کمی رنگ بکار رفته، یکی تصویر جوانی‌است که کوزهٔ شراب وجامی بدست دارد ودیگری تصویر پیرمردی است که بعصا تکیه کرده (شکل ۲۹) ؛ درزیر هردوی این تصاویر عبارت «رقم کمینه رضا عباسی» نوشته شده است.

در نیمهٔ دوم قرن هفدهم و در تمام قرن هیجدهم نقاشی ایران تحت تأثیر سبک رضا عباسی باقی ماند. سبک و طرز نقاشی او سرمشق و مورد تقلید بسیاری ازنقاشان ایران مانند معین ویوسف ومحمد قاسم قرار گرفت، ولی هیچکدام بپای استاد نرسیدند واستعداد ومهارت اورا نداشتند. درموزهٔ متروپولیتن ترسیمی از کار محمد قاسم موجوداست وموضوع آن تنبیه وفلک کردن یک متعلم است.

درقرن هیجدهم نقاشی در ایران رو بانحطاط رفت وهم نقاشی بردیوار و هم مینیاتورسازی به پست ترین درجه تنزل کرد و علت آن را تاحدی تأثیر اروپا وتا حدی فقدان ابتکار ونبوغ درمیان ایرانیان آن دوره میتوان بشمار آورد.

۱۰ ـ مینیاتورسازی در ترکیه

از تاریخ مینیاتورسازی در ترکیه اطلاع زیادی در دست نیست ، زیرا کتابخانه های معظم اسلامبول تاکنون آنطور که باید وشاید مورد تفحص وتحقیق علما واقع نشده است. از منابع تاریخی چنین مستفاد میشود که پادشاهان ترك از هنرمندان ایرانی و اروپائی استفاده میکردند و آنها را استخدام مینمودند. ازنقاشان مشهور اروپائی که توسط سلطان محمد ثانی (۱۴۵۱ تا ۱۴۸۱ م ./۸۵۵ تا ۸۸۶ ه .) در سال ۱۴۸۰ میلادی(۸۸۵ ه.) بقسطنطنیه خوانده شد ، جنتیله بلینی[1] است که مأموریت یافت تصویر سلطان را بکشد و این پردهٔ نقاشی اکنون در گالری ملی[2] لندن آویزان است . از هنرمندان ایرانی که درقسطنطنیه کارمیکردند، شاهقلی را میتوان نام برد که نقاش عمدهٔ دربار سلطان سلیمان (۱۵۲۰ تا ۱۵۶۶ م./۹۲۷ تا ۹۷۴ ه .) بودودیگری ولیجان تبریزی است که درسال ۱۵۸۷ میلادی(۹۹۶ ه.) بقسطنطنیه رسید ودرردیف نقاشان دربار درآمد . از کارهای مشهوری که بشاهقلی نسبت میدهند، نقاشی برگهای بزرگ منحنی است که ساز نامیده میشد . ولیجان که شاگرد سیاوش بوده مورد تمجید مورخ علی قرارگرفته که قلم سحر آمیز ودقت کار او را ستوده است . از موضوعهائی که برای نقاشی مورد توجه هردو هنرمند قرار گرفته، تصویر حوریان بالدار بهشتی است .نمونهٔ کارهای آنان در مجموعه های اروپائی و امریکائی و بخصوص در کتابخانهٔ ملی پاریس و فریر گالری واشنگتن موجود است. نقاشان و هنرمندان ایرانی دربار عثمانی بعضی ازنسخ خطی کتاب تاریخ سلاطین آل عثمان و کتاب سلیمان نامه را مصور ساختند . سلیمان نامه کتابیست مرکب از مجموعه ای از قصص و حکایات که

۱ - Gentile Bellini ۲ - National Gallery

توسط فردوسی‌نامی‌اهل بروسه برای سلطان بایزید دوم (۱۴۸۱ تا ۱۵۱۲ م . ۸۸۶ تا ۹۱۸ ه .) نوشته شده است .

یکی از نقاشیهای عالی ترك که از نسخهٔ گمنامی بدست آمده و اکنون درموزهٔ متروپولیتن نیویورك‌است، در شکل ۳۰ دیده میشود. سبك این نقاشی ایرانی است ولی شکل لباس و عمامهٔ بزرگ و کلاه وهمچنین رنگ‌آمیزی آن مخصوصاً رنگ شفاف زرد مخصوص ترکیه است. نقاشیهای نسخه ای از سلیمان نامه بتاریخ ۹۸۷ هجری (۱۵۷۹ میلادی) که در مجموعهٔ چستربیتی درلندن است، سبك نقاشی ترك را بخوبی‌مینمایاند. یکی دیگر از تصاویر و نمونه‌های عالی نقاشی ترك تصویر سلطان سلیمان سوار براسب است که در کتابخانهٔ ملی پاریس محفوظ است .

۱۱ - نقاشی هندی : مکتب مغولی

فتح هندوستان بدست بابر که از نواده‌های تیمور بود، تمدن اسلامی را بهندوستان آورد[1]. اگر چه در دربار سلاطین مغول یک اسلوب هند و ایرانی بوجود آمد، ولی سبك وطنی وملی‌وبومی برسم دیرین ادامه یافت وپیشرفت کرد و این پیشرفت بخصوص در راجپوتانا درشمال هندوستان مشهود گردید.

الف - عصر بابر (۱۵۳۰ - ۱۵۲۶) ، عصرهمایون (۱۵۵۶- ۱۵۳۰)، عصر اکبر (۱۶۰۵ - ۱۵۵۶)

از نقاشیها و آثار صنعتی دربار بابر اطلاع زیادی در دست نیست، ولی از منابع ادبی وتاریخی چنین مستفاد میشود که این امپراطور نه تنها ازحامیان صنایع ظریفه بود، بلکه خود وی فیلسوفی عالم‌وجهانگردی بزرگ وشکارچی‌ای ماهر و دوستار طبیعت بشمار میرفت. از مینیاتورهائیکه بزمان او میتوان نسبت داد ، فقط عدهٔ قلیلی در دست است . پروفسور کوهنل یک پردهٔ نقاشی جنگ دریائی‌را که‌درآلبومی‌است که وقتی بامپراطور جهانگیر تعلق‌داشته وفعلاً درموزهٔ

۱ - در این مطلب مسامحه ایست، زیرا تمدن اسلامی اززمان فتح هند بدست سلطان محمود در این کشور وارد شده و در دوران سلاطین مسلمان پیش از تیموریان نیز تمدن وآداب اسلامی در هند مجری بوده است . م .

دولتی برلین است، منتسب باین دوره میداند. نفوذ بهزاد و مکتب بخارا دراین نقاشی کاملاً مشهود است.

بعد از بابر همایون بسلطنت رسید واو در سال ۱۵۴۰ میلادی (۹۴۷ ه.) بر اثر فشار شیرشاه امیر افغانستان کشور خود را ترک کرد و به تبعید رفت و تا سال ۱۵۵۵ میلادی (۹۶۳ ه.) در تبعید بود. همایون سالهای تبعید خود را در ایران گذرانید و مهمان شاه طهماسب بود. در دربار شاه ایران همایون با آثار و کار هنرمندان و نقاشان بزرگ ایرانی آشنائی حاصل کرد ودر تبریز باخواجه عبدالصمد شیرازی و میرسید علی ملاقات کرد. در سال ۱۰۴۹ (۹۵۶ ه.) این دو استاد بدربار همایون در کابل دعوت شدند تا نسخه ای از داستان مشهور ایرانی بنام امیرحمزه را مصور بسازند. بدین ترتیب این دو نفر مؤسس حقیقی مکتب نقاشی مغولی محسوب میشوند. آنچه ازنقاشی ها وتصویر های کتاب امیرحمزه که در اصل هزار و چهار صد نقاشی روی پارچه داشت باقی مانده، در مجموعه های مختلف پخش است وعده ای در موزهٔ صنعتی وینه و بعضی درموزهٔ ویکتوریا وآلبرت درلندن محفوظ است. در آمریکا درحدود پانزده نقاشی کتاب نامبرده وجود دارد که پنج عدد آنها درموزهٔ متروپولیتن نیویورك است. اکثر این نقاشیها در زمان اکبر جانشین همایون بوسیلهٔ میرسیدعلی و عبدالصمد وبا کمک نقاشان هندی کشیده شده است.

اکبر مانندپدرش ازحامیان جدی‌ودوستاران‌بزرگ هنرو صنعت‌بخصوص نقاشی بود. درسال ۱۵۶۹ (۹۷۷ ه.) شهر جدیدی بنام «فتح پورسکری» برای اقامت خود بنا کرد. کاخهای وی در آن شهر و درسایر نقاط با نقاشیهای دیواری که با هنرمندی بسیاربوسیلهٔ نقاشان ایرانی و هندی کشیده شده بود، زینت یافت. برای اینکه یک مکتب نقاشی هندی بوجودآید، اکبر بتأسیس یک مدرسهٔ دولتی نقاشی اقدام کرد که در آن متجاوز از یکصد نفر هنرمند هندی به سرپرستی و هدایت نقاشان ایرانی کار میکردند و تعلیم میگرفتند. ابوالفضل مورخ مؤلف

آئینهٔ اکبری [۱] مینویسد که این هنرمندان برای آثار نظم و نثر فارسی و نسخ خطی آنها تصاویر ومینیاتور می‌ساختند. برای تعلیم هنرمندان بومی تنها باستخدام نقاشان و معلمین ایرانی اکتفا نشده بود، بلکه تعداد زیادی نسخ خطی که بوسیلهٔ استادانی مانند بهزاد و میرك وسلطان محمد مصور شده بود، فراهم‌آورده بودندودر کتابخانهٔ سلطنتی‌قرارداشت‌تانمونه‌وسرمشق هنرمندان هندی‌قرار گیرد. نقاشان دربار اکبر بعضی از بهترین و عالیترین این تصاویر و مینیاتورها را سرمشق قرار داده و از روی آنها کشیدند که نمونه‌ای از آن در مجموعهٔ موزهٔ متروپولیتن موجود است. این‌نمونه نسخه ایست از هفت پیکر نظامی که‌درتاریخ ۹۸۸ هجری (۱- ۱۵۸۰ میلادی) برای‌اکبر امپراطور هند تهیه شده. دراین کتاب پنج‌مینیاتور بامضای بهزاد وجود دارد. امضای بهزادرا درذیل این مینیاتورها نمیتوان موثق دانست، زیرا سبک آنها سبک بهزاد نیست وبدون تردید سبک اوائل دورهٔ تیموری است. ازرنگ آمیزی وبرخی جزئیات ترسیم میتوان‌فهمید که این‌مینیاتورها ازیک‌نسخهٔ‌متعلق بقرن‌پانزدهم درزمان اکبر کشیده‌شده‌است.

تصاویر کتاب امیر حمزه شاید بین سالهای ۱۵۵۶ و ۱۵۷۵ (۹۶۴ و ۹۸۳ هـ.) کشیده شده باشد و خانه و لباس وآداب و رسوم آنزمان‌را بخوبی نشان می‌دهد. مناظر و تصاویر مردان و زنان در این مینیاتورها ازهندوستان است، ولی‌همانطور که میتوان ازنقاشی‌های‌این دوره انتظارداشت، رنگ‌آمیزی وطراحی و تزیین آنها دارای خصوصیات‌ایرانی‌است. یک نمونهٔ‌خوب که منظرهٔ جنگ را نشان میدهد، درشکل ۳۱ دیده میشود.

در اواخر قرن شانزدهم در نتیجهٔ نفوذ رسوم دیرین هند که هنرمندان کشمیر و گجرات وپنجاب درنقاشی بکاربردند، نقاشی مغولی رنگ وسبک ملی بخود گرفت. در میان نسخ خطی که‌نقاشان دربار مصورساخته‌اند، چندین کتاب تاریخ دربارهٔ زندگی تیمور وبابر واکبر تهیه شد. یک نسخهٔ ناتمام از کتاب

۱ - در ترجمهٔ عربی کتاب «عینی اکبری» یا «منشآت اکبری» است که ظاهراً نوشتهٔ لاتین آن درست‌خوانده نشده است م.

اکبرنامه در مجموعهٔ چستربیتی در لندن موجود است که مینیاتورهای آن کار هنرمندانی از قبیل دهرم‌داس [۱] و سانولا [۲] و شنکار [۳] و لعل [۴] و سورداس [۵] ونارسینگ [۶] و فرخ بیگ و موکند [۷] و گواردهان [۸] میباشد . موزهٔ متروپولیتن نیویورك مجموعهٔ مفصلی از مینیاتور های مغولی دارد که مطالعه و تحقیق درسبك بعضی از این هنرمندان مشهور را میسر میسازد .

یك نمونهٔ بارز از نقاشی دورهٔ اکبر مینیاتوری است از نسخه‌ای از تیمورنامه درحال پذیرفتن دو اسیر عالیرتبهٔ ترك (شکل ۳۲) . این نقاشی که به دهرم‌داس نسبت داده میشود ، دارای همهٔ خصائص‌سبك جدید مغولی است که عبارت باشد از ترکیب و جمع عناصر و خصوصیات نقاشی ایرانی و هندی و اروپائی . نفوذ و اثر نقاشی ایرانی هنوز واضح و آشکار است، ولی مناظر وتصاویر اشخاص بطرزی نمایانده شده که درنقاشی ایران دیده نمیشود . نقاشان مغولی که تحت تأثیر هنراروپا قرار گرفته بودند ، تکنیك جدیدی‌برای نمایاندن مناظر وتناسب اشیاء وترسیم صورت ولباس بکاربردند . اکبر ازنقاشی اروپائی بسیار خوشش می‌آمد وچندین پردهٔ نقاشی‌اروپائی بوسیلهٔ مبلغان مذهبی ژزوئیت باو هدیه شده بود . در ماه مارس ۱۵۸۰ یك هیئت ژزوئیت به فتح‌پورسکری وارد شد ویك نسخهٔ انجیل پلانتین که بوسیلهٔ نقاشان هلندی مصور شده بود وهمچنین دوپردهٔ نقاشی زیبا که تصویرحضرت مسیح وحضرت مریم‌بودبه‌اکبر اهدا کردند .

از نقاشان معروف هندی در بار اکبر بساوان [۹] ولعل و داس‌وانت [۱۰] را میتوان نام‌برد . بساوان شاگرد عبدالصمد نقاش ایرانی بود ولی خود او سبکی اختیار کرد که از نفوذ ایرانی آزاد باشد . ابوالفضل مورخ دربارهٔ او مینویسد : « در زمینه سازی و ترسیم قیافه و توزیع رنگها وشبیه سازی وسایر خصوصیات نقاشی، بساوان درصدرنقاشان قرار دارد ؛ بطوریکه بسیاری کاراورا

---

۱ - Dharam Das ۲ - Sanwlah ۳ - Shankar ۴ - Lal ۵ - Sur Das ۶ - Nar Singh
۷ - Mukund ۸ - Govardhan ۹ - Basawan ۱۰ - Daswanth

برداس‌وانت ترجیح میدهند. » درموزهٔ متروپولیتن مینیاتور زیبائی از بساوان وجود دارد (شکل ۳۳) که با رنگهای پاستل وخطوط خفیف کشیده شده است. رعایت تناسب و گردی تصاویر اشخاص بدون شک نفوذ نقاشی اروپائی را نشان میدهد.

درموزهٔ متروپولیتن چند نمونهٔ عالی دیگر از مینیاتورسازی دورهٔ اکبر وجود دارد که از آن میان نقاشیهائی بامضای فرخ بیگ و نارسینگ ومنوهر [۱] وخام کاران [۲] دیده میشود. از مینیاتورهای قابل توجه سه مینیاتور از نسخه‌ای از رزم‌نامه ترجمهٔ فارسی کتاب هندی مهابهاراتا [۳] است. یکی از بهترین آنها تصویر کریشنا [٤] درحال بلند کردن کوه گواردهان [۵] است.

ب ـ دورهٔ جهانگیر (۱۶۰۵ تا ۱۶۲۸)

جهانگیر پسر و جانشین اکبر نیز از هواخواهان وحامیان صنعت بود. بطور کلی مینیاتورهای زمان او سبک مغولی دارد ولی هنوز نفوذ نقاشی وسبک ایرانی در آنها دیده میشود. جهانگیر به نقاشی وقایع زندگی خویش وتصویر نباتات وحیوانات بیشتر علاقه داشت تا به مینیاتورسازی کتاب خطی، زیرا خود او بمطالعهٔ طبیعت وطبیعت شناسی توجه خاصی مبذول میداشت. جهانگیر درسفرهای خود همیشه دو یا سه نفر از نقاشان دربار را همراه میبرد تا وقایع مهم را بوسیلهٔ نقاشی ثبت کنند. منصور و مراد ومنوهر هرسه در کشیدن پرندگان وحیوانات مهارت خاصی داشتند. علاوه براین منصور در کشیدن گل مهارت داشت و در یادداشتهای جهانگیر چندین بار به استادی منصور اشاره شده است و از جمله مینویسد: «استاد منصور نادرالعصر شده ودرهنر نقاشی درنسل خود ممتازاست... گلهائیکه درنواحی کشمیر دیده میشود ازحیث نوع بشمارش نمی‌آید وآنهائیکه نادرالعصر استاد منصور نقاشی کرده از صد متجاوز است.» تنها نقاشی گل که با امضای منصور باقیست، در کتابخانهٔ حبیب گنج در علیگرهٔ هندوستان است. در موزهٔ متروپولیتن یک نقاشی وجود دارد که تصویر دراج و منظرهٔ طبیعی

۱ - Manohar ۲ - Kham Karan ۳ - Mahabharata ٤ - Krishna ۵ - Govardhan

وچندین قسم گل را نشان میدهد. این نقاشی را میتوان بیکی از شاگردان استاد منصور نسبت داد. این نقاشی در پشت تصویر شاه جهان قاب شده بود.

در زمان جهانگیر شبیه سازی وتصویر اشخاص مورد توجه مخصوص واقع شد. از خود امپراطور چه تنها وچه با درباریانش تصاویر متعدد موجود است و اشراف ونجبای دربار نیز بامپراطور تأسی میکردند. شبیه سازان دربار که نامشان معروف است، عبارتند ازبشنداس [1] و منوهر ومحمد نادر وابوالحسن و گواردهان. میان اینها کسیکه بیش از همه مورد عنایت ولطف جهانگیر بود، ابوالحسن پسر آقا رضا است که جهانگیر او را نادرالزمان لقب داد. در میان نقاشیهای دورهٔ جهانگیر که درموزهٔ متروپولیتن موجوداست، مینیاتوری است که امپراطور را درتماشای جنگ دوفیل نشان میدهد (شکل ۳٤). صورت اشخاص بخصوص صورت خود جهانگیر که بادقت بسیار کشیده شده، نمونهٔ عالی ازشبیه سازی سبک دورهٔ مغولی است.

از موضوعهای مورد توجه دیگر تصویر ریاضت کشان و راهبان هندی است که با شاهزادگان ونجبا و اشراف مشغول بحث هستند. یکی از نمونه‌های اینگونه نقاشی که درمجموعهٔ موزهٔ متروپولیتن‌قراردارد، به امضای منوهرداس است. یکی دیگر که بامضای هونهار [2] است جهانگیر را درموقع ملاقات باراهبی نشان میدهد.

ج - دورهٔ شاه جهان (۱٦۲۸ تا ۱٦۵۸) و اورنگ زیب (۱٦۵۸ تا ۱۷۰۷)

درعصر شاه جهان فن تصویرسازی مغولی بمنتها درجهٔ ترقی خود رسید و زندگانی مجلل دربار درتصاویر جداگانه وتصاویر مجالس رسمی به بهترین طرزی نمایان‌است. درموزهٔ متروپولیتن دوتصویر مشهور شاهجهان وجود دارد. یکی از آنها وی را نشان میدهد که برتخت طاوس نشسته (شکل ۳۵) ودیگری او را سوار براسب و با کلیهٔ جلال و شکوه سلطنتی نشان میدهد.

---

۱ - Bishandas ۲ - Hunhar

رنگهای این دونقاشی درخشان وصورت وقیافه با دقت طرح ریزی شده، بطوریکه در بعضی موارد کلیهٔ جزئیات در نظر گرفته شده است. معروفترین هنرسندان این دوره عبارتند از محمد فاخرالله خان ومیر هاشم و هون‌هاد وبیچیتر[۱] و انوپ‌چهاتر[۲]. درمجموعهٔ موزهٔ متروپولیتن تصویر سید امیرخان از ساخته های انوپ چهاتر موجود است. داراشکوه پسر بزرگ شاه‌جهان مانند پدر بجمع‌آوری نقاشی علاقمندبود واز حامیان صنعت بشمار می‌آمد. این شاهزاده هرگز سلطنت نکرد وبرادر کوچکتر او اورنگ‌زیب تخت وتاج را غصب کرد. از این شاهزاده چندین تمثال باقیست. یکی از آنها که در موزهٔ متروپولیتن است، اورا سوار براسب با عده ای از درباریان نشان میدهد. درزمان اورنگ‌زیب کمتر نقاشی دردربار کار میکرد، ولی نجبا واشراف نقاشان مخصوص بخود استخدام میکردند. چندین تصویر اشخاصی که فعلاً در موزهٔ متروپولیتن است، باین دوره نسبت داده میشود. انصراف و عدم علاقهٔ امپراطور به هنر وصنعت و بعضی عوامل دیگر موجب انحطاط نقاشی مغولی درقرن هیجدهم و نوزدهم گردید.

۱۲- نقاشی‌هندی : مکتب راجپوت

همعصر با مکتب نقاشی مغولی چندین مکتب بومی و ملی درشمال هندوستان درراجپوتانا وبندلخاند وپنجاب رونق گرفت وشایع گردید. کوماراسوامی[۳] نقاشیهای راجپوت را بدو گروه عمده تقسیم میکند؛ یکی راجستانی، متشکل از راجپوتانا و بندلخاند، و دیگری پاهاری که آنرا نیز میتوان بدو مکتب جامو و کانگرا تقسیم نمود.

نقاشیهای راجپوت که قدیمترین نمونهٔ موجود آن متعلق باواخر قرن شانزدهم یا اوائل قرن هفدهم است، ازلحاظ سبک با نقاشیهای مکتب مغولی کاملاً فرق دارند. این نقاشیها بیشتر براساس رسوم دیرین مکتب نقاشی هندی قرار داشت که نقاشیهای دیواری آن بسیار مشهور ومعروفترین آنها نقاشیهای اجانتا و باغ است وبسیاری ازخصائص هنر تودهٔ مردم را دربر دارد. موضوعهای نقاشی این مکتب نیز بامکتب نقاشی مغولی تفاوت دارد. مکتب مغولی باتصویر

Bichitr - ۱ Anup Chhatar - ۲ Coomaraswamy - ۳

وتمثال اشخاص وثبت وقایع تاریخی سرو کار داشت ، درحالیکه مکتب راجپوت موضوعهای خود را از فولکلور و اشعار و ادبیات هند اقتباس میکرد . بهترین نمونه های مکتب راجستانی نقاشیهای راگمالا [1] است که سی وشش حالت و وضع موسیقی را نمایان میسازد و کوماراسوامی آنها را باواخر قرن شانزدهم نسبت میدهد. در موزهٔ متروپولیتن دو نقاشی از این نوع وجود دارد که یکی حالت سادمالاراراجینی [2] (شکل ٣٦) را نشان میدهد. طرز نقاشی ورنگ آمیزی کاملاً با مکتب مغولی فرق دارد . یکی دیگر از نقاشیهای راجپوت مینیاتوری است در مجموعهٔ متروپولیتن که به نسخه ای از کریشناها تعلق داشت و کریشنا را درموقع ملاقات با رادها نشان میدهد.

چندین کاریکاتور که در کتابخانهٔ قصر جایپوراست، بمکتب‌نقاشی راجپوت قرن هیجدهم نسبت‌داده شده است. ازاین کاریکاتورهادوعدد درموزهٔ متروپولیتن است ؛ یکی‌تصویر چند زن ساززن است ودیگری ترسیم قشنگی ازسر کریشناست.

تصاویر بزرگی در موزهٔ بوستون و موزهٔ متروپولیتن موجود است که محاصرهٔ لانکا [3] یکی ازقصص حماسهٔ‌معروف هند، رامایانا، را نشان میدهد ومتعلق به‌شعبهٔ جاموی مکتب پاهاری‌است. اسلوب این‌نقاشیهارامیتوان مطابق بانقاشیهای دیواری دانست .

نقاشیهای مکتب کانگرا بطور کلی متعلق بقرن هیجدهم است . مناظر کریشنالیلا [4] و اشعار عاشقانه از قبیل نالا و دامایانتی [5] مورد توجه نقاشان بود. یکی ازنمونه های خوب این‌مکتب که درمجموعهٔ موزهٔ‌متروپولیتن است، پرده‌ای است که کریشنارا درحالیکه کالیا [6] را خفه میکند و زنان او تقاضای عفووی را میکنند ، نشان میدهد.

---

١ - Ragmala ٢ - Sadh Mallara Ragini ٣ - Lanka ٤ - Krishna Lila
٥ - Nala and Damayanti ٦ - Kaliya

فصل چهارم

خط و تذهیب

صنعت خط یا خوشنویسی از دوره های اولیه میان مسلمانان مورد توجه بود وحتی بیش از نقاشی احترام و مقام داشت. خط عربی دواسلوب عمده دارد، یکی اسلوب رسمی باحروف زاویه دار ودیگری اسلوب شکسته باحروف منحنی وقوس دار. اسلوب اول معروف بخط کوفی است که بشهر کوفهٔ عراق که شاید اولین بار بطور رسمی درآنشهر این خط شایع شد، نسبت داده میشود؛ اسلوب دوم خط نسخ است. هردوی این اسلوبها ازقرن هفتم یعنی ازمبدأ تاریخ اسلامی درمیان مسلمانان شایع بوده است.

خط کوفی مدت پانصد سال برای کتیبه نویسی و کتابت قرآن کریم استعمال میشد. قدیمترین نسخهٔ قرآن ویگانه نسخهٔ قرن هشتم که تاریخ وقفیهٔ مورخهٔ ۱۶۸ هجری (۵ - ۷۸۴ میلادی) دارد در کتابخانهٔ قاهره است. اغلب نسخ قرآن دورهٔ عباسی بقرن نهم تعلق دارد، و روی پوست برنگ طبیعی یا برنگ آبی یا بنفش یاقرمز بامرکب سیاه یا طلائی نوشته شده است وحروف کوفی آنها دارای مد کوتاه و جرطویل است. این نوع خط کوفی درطی قرن نهم و قسمتی ازقرن دهم در مصر وسوریه و عراق بکار میرفت. درموزهٔ متروپولیتن جزئی از یک قرآن کوچک دورهٔ عباسی و اوراقی ازچند قرآن بزرگ وجود دارد. نسخهٔ اول عبارت است از قسمت عمدهٔ سورهٔ دوم قرآن یعنی سورهٔ البقره که متضمن مبادی اساسی اسلام است. چهارورق مذهب این قرآن که دارای تزیینات مشبک وبرگ

نبات واشکال نخلی است ، مخصوصاً جالب توجه است. این طرحها با مرکب قهوه‌ای ترسیم وبا رنگ طلائی وقرمز وسبز وآبی وزرد نقاشی شده‌است واغلب این تذهیبات درنص کتاب ادامه یافته ونمونهٔ آن دریک ورق ازنسخه‌ای از قرآن که درمجموعهٔ موزهٔ مترو پولیتن است، دیده‌میشود (شکل ۳۷) .تزیینات‌سرفصل ترتیبات معمولی را نشان میدهد که در آن عنوان سوره در داخل قسمت مستطیل شکلی قرار دارد که شکل درختی در کنار آن کشیده شده است . تزیین این سرفصل وسایر قرآنهای قرن نهم‌نمونهٔ اسلوب دورهٔ‌عباسی‌است که درآن بسیاری‌ازتعبیرات صنعت دورهٔ ساسانی از جمله اشکال نخلی دیده میشود .

درقرن‌یازدهم استعمال خط کوفی در کتابت قرآن روبه‌تنزل‌نهادوبتدریج خط نسخ متداول گردید، ولی‌معهذا عناوین سوره‌ها بخط کوفی نوشته میشود و این رسم تا زمان متأخرتر رواج داشت. خط نسخ درنیمهٔ‌اول قرن دوازدهم یعنی اواخر دورهٔ حکومت فاطمیه بغایت درجهٔ کمال خود رسید .

نسخ قرآن دورهٔ مملوکی که نمونه‌های بسیار عالی آن در کتابخانهٔ مصر در قاهره محفوظ است ، انواع مختلف خط مدور را که با دقت بسیار و تزیین عالی نوشته شده ، نشان میدهد. قرآنهای بزرگ بخط طوماری است و آن نوع غلیظی ازخط نسخ است. در موزهٔ متروپولیتن یک نسخهٔ عالی ازقرآن که بقرن سیزدهم یا اوائل قرن چهاردهم تعلق دارد وبامرکب‌طلائی وعلامات برنگ قرمز و آبی نوشته شده ،وجود دارد. بعضی ازصفحات آن مانند شکل ۳۸ دارای طرحهای تزیینی است که از حروف نسخ و اشکال تزیینی برنگ طلائی وآبی ترکیب یافته است.عناوین سوره‌ها بخط کوفی است. درنسخ قرآن که دراسپانیا وشمال افریقا نوشته شده، نوع‌مشخصی ازخط بکار رفته که به‌خط مغربی‌معروف است. این خط که گاهی آنرا آندلسی یا قرطبی نیز مینامند ، دارای حروف دایره شکل است (شکل ۳۹) . این خط بعد ازآنکه‌مرکز بلاد مغرب ازقیروان، درشمال افریقا، به‌آندلس‌انتقال یافت رواج پیدا کرد. درموزهٔ مترو پولیتن چند ورق از قرآن بخط مغربی که به تقریب متعلق بقرن دوازدهم یا سیزدهم است، محفوظ

است. قرآنهائیکه در قرن چهاردهم و پانزدهم درغرناطه[۱] وفاس[۲] بخط مغربی نوشته شده ، در کتابت آنها توجه زیادی بکارنرفته ولی تزیینات آنها رنگارنگ و عالی است.

ایرانیهای مسلمان خط وتذهیب را از اعراب اقتباس کردند. خطاطهای ایرانی نوعی خط ابتکار کردند که ازخط کوفی عباسی مشتق است ودرآن مدها واضحتر ازجرها است ، یعنی قسمتهای عمودی حروف ازقسمتهای افقی روشنتر و واضحتر است. چند ورق ازیک نسخه قرآن خطی اوائل قرن دهم درمجموعه های مختلف محفوظ است. ورقی که درموزهٔ متروپولیتن محفوظ است، عنوان یک سوره باتزیین و نقش برگ نخلی شبیه بقرآنهای دورهٔ عباسی درآن دیده میشود. از این نوع خط کوفی خط دیگری ابداع شد که در آن حروف زاویه‌دارتر نوشته میشود. درقرآنهای عهد سلاجقه متعلق بقرن یازدهم ودوازدهم خط کوفی ایرانی حداکثر نمو و ترقی را نموده وتذهیبات آن نیز غنی‌تر است. یک نسخه قرآن که در موزهٔ بریتانیا محفوظ است، حاوی چندین صفحهٔ تذهیب شدهٔ عالی است که تزیینات طوماری شکل اسلوب سلجوقی‌را دارد و شخصی بنام ابوالقاسم بن ابراهیم آنرا نوشته و تذهیب کرده و تاریخ آن جمادی‌الاول سال ۴۲۷ هجری (مارس ۱۰۳۶ میلادی) میباشد.

از نسخه ای از قرآن سلجوقی مورخ ۱۰۵۴ میلادی دو ورق در موزهٔ متروپولیتن موجود است . این اوراق که بخط کوفی ایرانی نوشته شده ، دارای خصوصیات تزیینی اسلوب سلجوقی است. در یکی ازاوراق عنوان سوره بطلا و رنگهای متعدد نوشته‌شده و در دیگری عنوان سوره فقط طلائی رنگ است. بعضی ازآیات (شکل ۴۰) بخط کوفی نوشته شده که حالت تزیینی دارد . در زمینهٔ این خط کوفی اشکال کوچک گل و گیاه برنگ طلائی کشیده شده است. این نوع خط کوفی مزین درابنیهٔ سلجوقی و نقاشیهای بردیوار آن دوره مانند داخل برج پیر علمدار دامغان که درسال ۱۰۲۶ میلادی(۴۱۷ هـ.) تکمیل شده، دیده میشود.

۱ ـ از شهرهای اسپانیا . ۲ ـ از شهرهای مراکش . م .

چندین نسخهٔ قرآن قرن دوازدهم دارای تاریخ است . یک نسخه که در کتابخانهٔ ملی پاریس است، درسال ۵۰۰ هجری(۱۱۱۱ میلادی) در سیستان نوشته شده . نسخهٔ دیگر که در موزهٔ دانشگاه فیلادلفی است ، تاریخ آن ۵۵۹ هجری (۱۱٦٤ میلادی) است . نسخهٔ دیگری در مجموعهٔ چستربیتی لندن است و تاریخ آن جمادی الاول سال ۵۸٤ هجری (۱۱۸۸ میلادی) است. جزء وقسمتهائی ازچندین نسخهٔ دیگرقرآن دورهٔ سلجوقی درمجموعهٔ چستر بیتی وموزهٔ ملی تهران وضریح حضرت رضا در مشهد موجود است . سه ورق که در موزهٔ مترو پولیتن وجود دارد ، نشان میدهدچگونه خطوتزیین باهم ترکیب شدهواشکال برگ نخلی با مرکب قهوه‌ای کشیده شده‌است (شکل ٤١) . درنوع دیگری از خط کوفی که بنام کوفی گلدار معروف است ، حروف با اشکال برگ نخلی زینت یافته . این نوع سبک خط درقرن یازدهم و دوازدهم در زمان سلجوقیان درایران بکار میرفت و درمصر هم دردورهٔ فاطمیین (۹٦۹ تا ۱۱۷۱ م./ ۳۵۹ تا٥٦۷ هـ .) رواج داشت .

در خلال قرن سیزدهم نوعی خط معروف به تعلیق در ایران رایج شد که درآن حروف ازراست بچپ تمایل بپائین دارند ، ولی معهذا خط نسخ برای کتابت متون و موضوعهای دینی بکار میرفت . در زمان ایلخانیان صنعت خط و تذهیب باوج کمال وترقی رسید . در بعضی موزه‌ها و مجموعه‌های خصوصی نسخی از قرآن که بسبک مغولی و بفرمان سلطان ایلخان اولجایتو خدابنده محمد نوشته شده ، موجود است . معروفترین آنها عبارتند از قرآن محفوظ در لایپزیک که در سال ۷۰٦ هجری (۷-۱۳۰٦ میلادی) در بغداد نوشته شده و قرآنی که در کتابخانهٔ سلطنتی مصر در قاهره موجود وبوسیلهٔ عبدالله‌بن‌محمد همدانی در سال ۷۱۳ هجری (۱۳۱۳ میلادی) نوشته شده است . نسخهٔ اخیر چند ورق مذهب کامل دارد که درنوع خود شاهکار اشکال تزیینی است . دراغلب موارد صفحه بچند قسمت جدا گانه تقسیم شده که درهر قسمت اشکال گل و گیاه برنگ طلائی و آبی و گاهی برنگ سبز نقاشی شده است . ترکیبات

هندسی با بکار بردن الوان مختلف و متضادی که در زمینه بکار رفته جلوهٔ مخصوصی پیدا کرده است . رنگها معمولاً طلائی و آبی است و این ترکیب رنگ آمیزی همیشه مورد توجه تذهیب کاران ایرانی بوده است. در مجموعهٔ چستر بیتی قرآنی هست بخط عبدالله الصیرفی که درماه محرم ۷۲۸ هجری (نوامبر ۱۳۲۷ میلادی) نوشته شده . عناوین سوره دراین قرآن بخط کوفی است وتزیینات آن برنگهای شفاف از قبیل قرمز و آبی فیروزه‌ای و سبز و سفید روی زمینهٔ طلائی است . بکار بردن الوان متعدد که در قرن چهاردهم رواج یافت، تأثیر زیادی در تکامل تذهیب کاری ایرانی بجا گذاشت . یک نسخهٔ عالی دیگر که قسمتی از آن درمجموعهٔ چستر بیتی وقسمتی دیگر درموزهٔ صنایع ظریفهٔ بوستون محفوظ است ، توسط عبدالله بن احمد مراغه‌ای نوشته شده و تاریخ آن شوال ۷۳۸ هجری (آوریل ۱۳۳۸) است . اوراق این قرآن حاکی از استعداد و هنرمندی عجیب تذهیب کاران ایرانی است که از ترکیب خط و تزیین یک نوع طرح تزیینی جدیدی بوجود آورده‌اند.

تذهیب کاری درقرن چهاردهم منحصر بکتاب قرآن نبود، بلکه بتدریج در نسخه‌های مصور بکار رفت که گاهی جداگانه و گاهی در دور تصاویر استعمال میشد ونمونهٔ آن در نسخه‌ای از کتاب مقامات حریری مورخ ۷۳۴ هجری (۱۳۳۴ میلادی) که در کتابخانهٔ ملی وینه است، دیده میشود .فن کتابت واستنساخ کتاب درقرن پانزدهم یعنی دورهٔ تیموریان به‌اوج عظمت و کمال خود رسید. خط و خوشنویسی مقام و مرتبهٔ رفیعی در صنعت حاصل کرد و بهترین شاهد و دلیل آن کار عدهٔ زیادی از خطاطان مشهور قرن پانزدهم است . یکی از معروفترین استادان این دوره میرعلی تبریزی است که مبتکر و مخترع خط نستعلیق بشمار می‌آید . این خط که شکل آن زیبا ونوشتن آن هنر مخصوصی است ، از خط نسخ و تعلیق ترکیب یافته و درقرن پانزدهم رواج یافت . یک نمونهٔ عالی از کارهای اولیهٔ میرعلی نسخهٔ کتاب همای وهمایون خواجوی کرمانی است که تاریخ استنساخ آن ۷۹۹ هجری (۷-۱۳۹۶ میلادی) است و در موزهٔ بریتانیا محفوظ است .

یکی دیگر از مشاهیر خطاطان قرن پانزدهم سلطان‌علی‌مشهدی است که درهرات دردربار حسین میرزا کار میکرد. درموزهٔ متروپولیتن نسخه ای بخط او موجود است و آن دیوان میرعلی شیرنوائی است که تاریخ آن ۹۰۵ هجری (۱۵۰۰ - ۱۴۹۹ میلادی) است. خطاطان مشهور دیگر این زمان عبارت بودند ازجعفر بایسنقری تبریزی وعبدالکریم خوارزمی و ابراهیم سلطان بن شاهرخ بن تیمور گورکانی. عبدالکریم که نمونهٔ کاراودرمجموعهٔ موزهٔ متروپولیتن، نسخه‌ای ازدیوان جامی است، یکی‌ازدو فرزندعبدالرحمن خوارزمی خطاط بود. پدرو پسران وی در تبریز کار میکردند و مشهور است که اینان در خط نستعلیق ابتکارات وابداعات جدید بکار بردند. ابراهیم سلطان از هواخواهان و حامیان ادب بود و گفته میشود که میتوانست بشش سبک مختلف بنویسد. یک جلد قرآن بخط او مورخ ۸۲۷ هجری (۱۴۲۴ میلادی) در ضریح امام رضا درمشهد و نسخهٔ دیگری‌مورخ ۴ رمضان ۸۳۰ هجری (۲۹ ژوئن ۱۴۲۷ میلادی) درموزهٔ متروپولیتن موجود است.

تذهیب دورهٔ تیموری سبک مشخص ومخصوصی پیدا کرد که تزیینات و اشکال گیاه بشکل طبیعی و گاهی اشکال طیور وحیوانات باسلوب چینی درآن نقش عمده داشت. از تذهیب کاری دورهٔ تیموری چند نوع مختلف موجوداست؛ در یکی تزیینات برنگ طلائی و دور آن برنگ سیاه کشیده شده و در دیگری طرح تزیینی برنگ طلائی برروی زمینهٔ سورمه ای یا آبی پررنگ است. باحتمال این دونوع تذهیب کاری بوسیلهٔ هنرمندان مکتب شیراز بوجود آمده ودونسخهٔ خطی مهم از کار این مکتب مؤید این گفتار است. یکی کتابیست از مجموعهٔ اشعار که در کتابخانهٔ گلبنگیان است ودیگری دیوان اشعاری است که تاریخ آن ۸۱۳ هجری (۱۴۱۰ میلادی) ودرموزهٔ بریتانیا محفوظ است. یک نمونهٔ عالی از تذهیب کاری‌مکتب‌شیراز ازاوائل دورهٔ تیموری (شکل ۴۲) درموزهٔ متروپولیتن وجود دارد و آن صفحهٔ اول کتاب عجائب‌المخلوقات قزوینی است که تزیینات آن اشکال فرشته بسبک ایرانی و اژدها بسبک چینی و طیور بدورنگ مختلف

طلائی و رنگهای سفید و قرمز و سبز با حاشیهٔ سیاه نقاشی شده است. درحاشیهٔ تصویر مهارت فنی ودقت بسیار در تزیین بکار رفته است. چنانکه ازصفحهٔ اول و صفحهٔ پشت آن پیداست، طرحهای نباتی برنگ طلائی برروی زمینهٔ آبی کشیده شده است.

صفحات عنوان چندین نسخهٔ خطی دورهٔ تیموری بخصوص آنهائیکه برای شاهرخ وبایسنقر میرزا تهیه، شده اززیباترین تذهیب کاریهاست وسبک تزیینی هرات درآن مشهود است. یکی ازعالیترین نسخ کار مکتب هرات نسخهٔ شاهنامه مورخ ۱۴۲۹ (۸۳۳ھ.) درموزهٔ تهران است که تذهیب کاریهای چند رنگ آن توسط هنرمندان درباری انجام یافته است. تزیینات وطرحهای گل و گیاه این تذهیب کاریها نمونهٔ دقت درجزئیات وشفافی رنگ است، بطوریکه نظیرآن فقط در میناکاری دیده میشود.

صنعت خط وتذهیب که در دورهٔ تیموری تکمیل شد، در قرن شانزدهم یعنی در زمان صفویه ادامه یافت. میرعلی هراتی که شاید شاگرد زین‌الدین محمود بود، ازخطاطان مشهور این دوره است. درسال ۱۵۳۴ میلادی (۹۴۱ھ.) میرعلی‌ازهرات بدربار ازبک دربخارا رفت وراه ورسم خوشنویسی مکتب هرات‌را درآنجا ادامه داد. یکی ازکارهای او که اکنون موجوداست، نسخه‌ایست از یوسف و زلیخای جامی که بتاریخ ۹۳۰ هجری (۴-۱۵۲۳ میلادی) تحریرشده. این کتاب بی شک درهرات نوشته و دربخارا مصور ومذهب شده است.

یکی از خطاطان بزرگ دربار صفوی در تبریز سلطان محمدنور پسر وشاگرد سلطان علی مشهدی است. نسخهٔ زیبای نظامی مورخ ۱۵۲۴ (۹۳۱ھ.) که در موزهٔ متروپولیتن است، ازکارهای او است. شاه محمود نیشابوری که از خطاطان مشهور عهد شاه اسمعیل و شاه طهماسب بود، همان کسی است که نسخهٔ مشهور خمسهٔ نظامی‌را نوشته که درموزهٔ بریتانیا محفوظ است. این خطاط نزد شاه اسمعیل مقام و سرتبهٔ عالی داشت.

میرعماد که نام‌او هنوزهم درمیان ایرانیان مترادف باخوشنویسی وخط

خوب‌است ، ازخطاطان مشهور عهد شاه عباس بود .میرعماد درسال۱۰۰۸ هجری (۱۶۰۰ - ۱۵۹۹ میلادی) در اصفهان اقامت گزید و درآنجا نسخ زیادی برای شاه عباس تهیه کرد . رقیب اودراین‌فن‌علیرضا عباسی است که‌اغلب با رضای‌عباسی نقاش اشتباه میشود . تذهیب کاری نسخ خطی قرن شانزدهم یعنی زمان صفویه از احاظ غنی بودن با کارهای دورهٔ تیموری فرق زیادی ندارد . رنگ‌آمیزی وتزیینات مکتب هرات در اوائل قرن شانزدهم با کارهای مشابه قرن شانزدهم اختلاف خیلی کمی دارد . چنانکه از صفحهٔ اول نسخهٔ نظامی مورخ ۱۵۲٤ (۹۳۱ ه.) این مطلب بخوبی آشکار است(شکل ٤۳) . زمینه معمولاً آبی‌رنگ است و گاهی تقسیمات کوچکتر برنگ طلائی وسیاه دیده میشود وطرحهای‌تزیینی برنگ‌سفید وزرد وسرخ وقرمز وآبی وسبز است . یکی‌ازخصوصیات جالب‌توجه طلا کوبی جلد کتاب است . نقاشان دورهٔ صفوی ابتکار تازه‌ای بکار بردند که عبارت بود از داخل کردن تزیینات مفصل در خود مینیاتور بطوریکه خاصیت تزیینی مینیاتور را زیاد کرد .

تذهیب کاری ونقاشی با طلا بوسیلهٔ هنرمندان دورهٔ صفوی ترقی کرد . نام‌چندین مذهب مشهوراست ؛ نقاش معروف بخارائی بنام‌محمود کلمهٔ مذهب‌را بامضای خود علاوه میکرد .اسکندرمنشی که شرح‌نقاشان دورهٔ صفویه را نوشته ازمولانا حسن بغدادی نام میبرد و او را در فن تذهیب و طلا کاری وحید عصر ونابغهٔ زمان میداند ودربارهٔ اومیگوید : «مختصرآنکه اوصنعت طلا کاری‌را بحد اعجاز رسانید و همهٔ استادان این فن بمرتبهٔ کمال او واقف بودند و کار مولانا «باری» که‌دراین‌فن بحد کمال رسیده‌بود، با کاردقیق‌وظریف اوقابل‌قیاس نیست .» بسیاری از نسخ خطی این زمان حاشیهٔ بزرگی دارد که مناظر طبیعی و اشکال انسانی وحیوان‌برآن نقاشی‌شده (شکل ٤٤) وبرنگ طلائی و زردوسبز درآنها بکار رفته است . در موزهٔ متروپولیتن اوراق چندی برنگهای مختلف از یک نسخهٔ گلستان سعدی که‌تذهیب کاری دارد، موجود است . دربعضی‌موارد برای ایجاد

تباین و تعارض، رنگ‌نقره‌ای نیز بکاررفته‌است (شکل ٤٤)[۱]. اسلوب تذهیب کاری که در دربار شاه طهماسب بکار میرفت، درقرن شانزدهم و هفدهم ادامه یافت. درقرن هفدهم رنگها شفاف‌ترشد و تزیینات برگ‌نخلی و اشکال نباتات درتزیین بکار میرفت.

چندنوع کار وطرزعمل مختلف توسط صنعتگران دورهٔ صفوی بکارمیرفت که درزمان تیموری نیز وجود داشت وآنها را میتوان تحت‌عنوان تذهیب کاری طبقه بندی کرد؛ یکی نوع کاری است که طرح مانند سایه روشن یا تاریک جلوه میکند. نوع دیگر که آنرا découpé میگویند، طرح بریده شده وروی زمینهٔ رنگی، معمولاً آبی، چسبانیده میشود. این طرزعمل بوسیلهٔ خطاطان قرن پانزدهم وشانزدهم نیز بکار میرفت و دریک‌نسخهٔ خمسهٔ نظامی که‌درموزهٔ متروپولیتن است دیده میشود.

از صنعت خط و تذهیب ترکیه درموزهٔ متروپولیتن دو طغرای بزرگ موجود است (شکل ٤٥) که روی فرامین سلطنتی سلطان سلیمان قانونی(۱۵۲۰ تا ۱۵٦٦ م./۹۲۷ تا ۹۷٤هـ.) دیده‌میشود. ازمشخصات‌ممتازهٔ صنعت‌ترک درقرن شانزدهم که درمنسوجات و کاشی کاری نیز دیده میشود، تزیینات‌برنگ طلائی و آبی و سیاه باضافهٔ رنگهای دیگر است.

---

۱ - گراوری که درکتاب بشمارهٔ ٤٤ نشان داده شده است، یک صفحه ازدیوان حافظ است نه‌گلستان سعدی ومؤلف بتخلص حافظ در اشعارآن توجه نداشته است. م.

فصل پنجم

صحافی و تجلید

کار خطاط و رسام در تولید و فراهم‌آوردن کتاب ونسخ خطی با عمل صحاف تکمیل میشد ، زیرا مسئولیت حفظ اوراق کتاب از گزند زمانه و تهیهٔ جلدی که شایستهٔ محتویات آن باشد، بعهدهٔ صحاف بود. تزیین وآرایش منحصر بجلد خارجی کتاب ولبهٔ آن‌نبود ، بلکه قسمت داخلی‌جلد یاآستر آن معمولاً تزیین و نقاشی میشد. بهترین موادی که برای تجلید کتاب بکار میرفت چرم بود . در اواخر دورهٔ صنایع اسلامی مقوا مرسوم شد، ولی صحافان‌قدیم منحصراً برای جلد کتاب چرم بکار میبردند و با آنکه مواد دیگر نیز بعدها مرسوم شد ، چرم اهمیت خود را ازدست نداد. برای تزیین جلد کتاب طرق مختلف بکارمیرفت. چرم زیر فشار قرار داده میشد و طرحهائی بر روی آن باطلا یا بدون طلا نقش می‌بست. درقسمت داخلی یا آستر جلد طرحهای بریده از چرم یا کاغذ برروی زمینهٔ رنگی قرار داده میشد.

قدیمترین جلد کتاب از دورهٔ اسلامی متعلق بمصر است و تاریخ آنرا میتوان بین قرن هشتم و یازدهم قرار داد . تزیینات این جلدها شبیه تزیینات هندسی بعضی از کتب قبطی متعلق به‌قرن هشتم ونهم است. ازنمونه های‌صحافی و تجلید مصری و عربی دورهٔ مملوکی یعنی از قرن سیزدهم تا قرن پانزدهم جلد کتابیست درموزهٔ متروپولیتن (شکل ٤٦) که‌دارای طرحهای مشبک‌هندسی است که با نقطه های‌طلائی تزیین شده است. دردوجلد دیگر که ازدورهٔ مملوکی

درموزهٔ متروپولیتن وجود دارد، فاصله های بین طرحها و تزیینات با اشکال گل و خطوط جدولی تزیین شده است. بعضی دیگر متعلق بهمان دوره دارای طرح ترنجی در وسط است و اشکال نباتی و گل ازچرم نازك تهیه وروی زمینهٔ رنگی قرار داده شده است. لبهٔ جلد های دورهٔ مملوکی معمولاً طرح گل و گیاه دارد که روی چرم حک شده و این نوع تزیین در اوائل قرن چهاردهم رواج یافت. تجلیدات و صحافیهای همین عصر دربلاد مغرب یاشمال افریقا دارای تزیینات طرحهای هندسی و طلا کوبی است.

از بهترین کارهای صحافی وتجلید کتاب که تاکنون بوجود آورده شده تجلیدات و صحافیهای ایرانی دورهٔ تیموری است. صحافیهای مدرسهٔ هرات که در آنجا صنعت صحافی و تجلید و چرم کاری بحد کمال رسید ، دارای طرحهای عالی است که در آن نهایت دقت ومهارت بکار رفته است. قسمت خارجی معمولاً دارای تزیینات فشاری است، درحالیکه درقسمت داخلی طرحهای زیبای بریده شده روی زمینهٔ آبی رنگ قرار داده شده است. نمونهٔ صحافی مشهور قرن شانزدهم که با مناظر دورهٔ تیموری و تعبیرات چینی زینت یافته ، در نسخه های خطی مورخ ۸٤۱ هجری (۱٤۳۷ میلادی) و ۸٤۹ هجری (۱٤٤۵ میلادی) در کتابخانهٔ توپقاپوسرای اسلامبول دیده میشود. یک طرح بریده از چرم درقسمت داخلی جلد نسخهٔ خطی مورخ ۸۵۰ هجری (۱٤٤٦ میلادی) شباهت زیادی به جلد یک نسخهٔ خمسهٔ نظامی مورخ ۸۵۳ هجری (۱٤٤۹ میلادی) که در موزهٔ متروپولیتن است ، دارد. تزیین این جلد (شکل ٤۷) عبارتست ازشکل دوعنقای چینی درحال جنگ که برروی زمینهٔ تزیینات گل و گیاه با سلوب تیموری کشیده شده و تمام این منظره دریک شکل ترنجی قرار گرفته است . دقت درجزئیات که در کلیهٔ کارهای صحافی دورهٔ تیموری دیده میشود ، در این جلد بخوبی مشهود است.

درقرن شانزدهم یعنی دورهٔ صفویه، جلد کتاب با اشتیاق زیادتری تزیین میشد و طلا کاری بیش از قرن پانزدهم در آن بکار میرفت. در بعضی موارد

طرحهای تزیینی کلیهٔ سطح جلد را میپوشانید ودربعضی دیگر طرح تزیینی درداخل یک‌شکل ترنجی یادرقسمت های دیگرقرارداشت. یکی‌ازنمونه های‌عالی‌جلد کتاب این‌دوره درنسخه‌ای ازبوستان‌سعدی که درموزهٔ متروپولیتن‌است دیده میشود. قسمت خارجی جلد (شکل ۴۸) با اشکال نباتی مشبک وطرحهای گل وابر بسبک چینی تزیین شده. درقسمت‌داخلی (شکل ۴۹) تزیین آن مرکب‌است ازطرحهائی روی ورقهٔ چرم که برروی زمینهٔ آبی وسرخ‌وسبز قرارداده شده. یکنوع دیگر ازصحافی ایرانی‌قرن شانزدهم ازتصویر یک جلدعالی که درشکل ۵۰ عکسبرداری شده، دیده میشود. تزیینات طلائی وفشاری خارج که مرکب است ازاشکال پرندگان وحیوانات ومنظرهٔ طبیعی نمونهٔ اسلوب نقاشی طبیعی دورهٔ صفوی است. تزیین جلدکتاب در دورهٔ صفوی از لحاظ طرز عمل با صحافی و تجلید دورهٔ تیموری فرق دارد. درتجلید دورهٔ صفوی تزیینات با دست وفشار دست ساخته نشده، بلکه بوسیلهٔ قالبهای بزرگ مس و فولاد تهیه و بعمل‌آورده شده است. معمولاً عمل طلاکاری وفشار قالبی باهم ترکیب میشد ویا گاهی قبل ازآنکه چرم زیر قالب قرارداده شود، طلاکاری آن بعمل می‌آمد. قسمت داخلی این جلد بامقوای طلاکاری شده زینت یافته است؛ این نوع طرح دردورهٔ تیموری بوسیلهٔ چرم بعمل می‌آمد. این طرحهای مقوا روی زمینهٔ قرمز و آبی و سبز وسیاه و بنفش قرار داده شده است.

درزمان شاه طهماسب جلد مقوائی نقاشی شده مرسوم شد ورواج یافت. اگرچه دربادی امر چرم بکار میرفت ولی صفحه وروی جلد که میبایست نقاشی شود، معمولاً از مقوا بود که روی آنرا با یک ورقهٔ نازک گچی میپوشانیدند ودوباره روی آنرا یک ورقهٔ نازک لاک میگرفتند. روی این زمینه طرح تزیینی با آب و رنگ نقاشی میشد. برای اینکه‌نقاشی مزبور محفوظ بماند، روی آنرا چند ورقه لاک می پوشانیدند. نقاشی های این جلد ها بسبک مینیاتورهای زمان از مناظر طبیعی ومناظر شکار وباغ ودسته گل تشکیل میبافت. ازقراریکه مورخ ترک موسوم به علی نوشته است، استاد محمدی مشهور یکی‌ازهنرمندانی

بود که جلد کتاب نقاشی میکرد. تعدادی ازصحافیهای قرن شانزدهم که دارای نقاشی واشکال انسانی است ، موجود است. بهترین آنها درموزهٔ صنایع تزیینی و مجموعهٔ کارتیهٔ پاریس و مجموعهٔ ساره[1] در برلین و انجمن سلطنتی آسیائی لندن محفوظ است. یک نمونهٔ دیگرنیز که سابقاً درموزهٔ دوسلدورف بود، فعلاً دریک مجموعهٔ شخصی در لندن میباشد.

تزیینات جلد کتاب درقرن هفدهم وهیجدهم باسلوب صفوی ادامه یافت ولی فن استفاده از لاك بیشتر بکار میرفت. تزیینات وطرحها معمولاً طرحهای گل طبیعی است که با رنگهای روشن نقاشی شده است.

درترکیه نیز جلد های قشنگ ساخته میشد وهنرمندان از سبک واسلوب ایرانی پیروی میکردند. نکتهٔ جالب توجه اینکه درقرن پانزدهم و شانزدهم صنعت صحافی و تجلید کتاب ممالک اسلامی در ایتالیا بخصوص درشهر ونیز تقلید میشد وبدینوسیله بسیاری از موضوعها وتعبیرات شرقی درطرحهای اروپا راه‌یافت. درنتیجهٔ روابط‌بازرگانی ایتالیا باممالک مشرق، صنعت‌صحافی وجلدسازی بسبک اسلامی و طلاکوبی و تزیین جلد کتاب در اروپا شایع شد.

۱ - Sarre

فصل ششم

حجاری و گچ بری

۱ - حجاری دورهٔ اموی وعباسی درسوریه وعراق ومصر و ایران (قرن۸ - ۱۰)

حجاری دورهٔ اولیهٔ اسلامی از تزییناتیکه درقصور ومنازل ومساجدسوریه‌وعراق‌وایران‌ومصر باقیمانده ودرزمان خلفای اموی وعباسی ساخته شده، میتواند مورد مطالعه قرار گیرد. این آثار تاریخی وعناصر معماری ازقبیل سرستونها ومحرابها که پیداشده‌وازآن‌عصر باقیمانده‌است، حاکی‌ازمهارت‌وعظمت تزیینی‌حجاری‌و گچ بری‌دورهٔ اولیهٔ اسلامی است. یکی‌ازمهمترین‌ابنیهٔ قرن‌هشتم قصرزمستانی بنی امیه درالمشتی است که درصحرای سوریه در ماوراء نهراردن قرار دارد. جلوخان سنگی این قصر که طرحهای تزیینی روی‌آن حجاری شده، فعلاً درمجموعهٔ اسلامی موزهٔ دولتی آلمان در برلین قرار دارد. طرح تزیینی این‌جلوخان‌سنگی‌را که برجسته کنده شده‌است، میتوان‌بدوقسمت‌عمده تقسیم کرد. درقسمت مثلثی سمت چپ در ورودی، طرح تزیینی شامل‌اشکال حیوان وطیور و اشکال انسانی است که با اشکال ساقه های مو پیچیده وطوماری شکل زینت شده و این طرح اقتباس از صنعت مسیحی سوریه است. در قسمت مثلثی سمت راست مدخل، اشکال موجودات زنده دیده نمیشود وطرحهای تزیینی موطوماری بسبک مجرد بر اساس اسلوب صنعتی قدیم بلاد مشرق قرار دارد. در اینجا حجار از استفادهٔ سطوح بزرگ سنگی اجتناب کرده و بتأثیر تزیینی سایه‌وروشن بیشتر اهمیت داده است. مطالعهٔ دقیق این اثر صنعتی نه تنها نشانهٔ پیروی از

اسلوب ورسم سوریه و ساسانی است، بلکه یک سبک جدید شرقی بوجود آورده که میتوان آنرا سبک اموی نامید . پروفسور هرتسفلد متذکر شده است که قصر المشتی میبایست در زمان خلیفهٔ اموی الولیدالثانی[1] یعنی در تاریخ ۱۲۷ هجری (٤ - ۷٤۳ میلادی) ساخته شده و ناتمام مانده باشد. آثار و ابنیهٔ دیگر بنی‌امیه که دارای سنگتراشی وطراحی تزیینی است، عبارتند ازقصرالطوبة ورباط عمان درسوریه و قصر خلیفه هشام (۷٤۳ - ۷۲٤ م./۱۲٦ - ۱۰٦ هـ.) درخربة المفجر دروادی اردن.

حجاری و گچبری و چوب‌بری اسلوب اموی در نیمهٔ دوم قرن هشتم در زمان حکومت خلفای عباسی ادامه یافت . بسیاری از حجاریها و گچبریها و منبت کاریهای دورهٔ اولیهٔ عباسی ازنظر مطالعهٔ اصول ومبادی صنایع اسلامی جالب توجه ودارای اهمیت است ، زیرا دراین آثاراست که منشأ اشکال توریقی یا گل و بوته‌دار که درقرن یازدهم تکمیل شد ، دیده‌میشود . سرستونهای سرمر که در الرقه و ناحیهٔ بین الرصافه ودیرالزور[2] پیدا شده ، دارای اهمیت مخصوصی است . از این سرستونهاسه عدد درموزهٔ متروپولیتن نیویورك وبقیه در موزهٔ برلین و اسلامبول است . این سرستونها را میتوان بچند گروه مختلف که نمایندهٔ تحول تدریجی اسلوب حقیقی اسلامی است ، تقسیم کرد . بعضی از آنهاکه تقلید از اسلوب قبل از اسلام است ، بطور وضوح نشان میدهد که اشکال برگ گیاه موسوم به شوکت الیهود[3] که سابقاً درتزیین سرستونها بکار میرفت روبزوال است . درگروه دیگر مانند دو سرستون شکل ۵۱ و ۵۲ طرح تزیینی نامبرده کاملاً از بین رفته است . طرح تزیینی اغلب این سر ستونها بر اساس طرح برگ نخلی قرار دارد که اشکال مختلف تزیینی و طوماری شکل از آنها ساخته اند . تزیین اصلی کم برجسته[4] تراشیده شده و معمولاً

۱ - مراد ولیدبن یزیدبن عبدالملک‌بن مرادی است که قریب بیک سال سلطنت کرده است

۲ - رقه و رصافه و دیرالزور سه شهر قدیمی بوده‌اند درعراق در دوطرف رودخانهٔ فرات. م.

Low Relief یا Bas-Relief - ٤ Acanthus - ۳

عبارتست از شکل طوماری موجدار که از طرح برگ نخلی‌نیمه وبرگ نخلی شکافدار و برگ نخلی تمام تشکیل یافته است. اشکال برگ نخلی نیمه چنانکه در شکل ۵۱ دیده میشود، با اشکال طوماری داخل شده وانتهای آنها را برگ دیگری تشکیل میدهد . اشکال برگ نخلی یا نیمه‌برگ نخلی دارای چندین بریدگی وحفرهٔ مدور کوچک است وپائینترین آنها اغلب بشکل حلزونی تراشیده شده‌است. این نوع اشکال برگ‌نخلی که درصنعت‌مسیحی شرقی وجود نداشت، از صنعت ساسانی اقتباس شده است . صنعتگران مسلمان از نمونه های ساسانی عناصر تزیینی جدید که از مختصات اسلوب دورهٔ عباسی است، بوجود آوردند. سرستونی که درشکل ۵۱ دیده میشود،از گروه سرستونهائی است که میتوان آنهارا بدورهٔ خلافت هارون‌الرشید نسبت داد. فعالیت‌عظیم صنعتی دورهٔعباسی با ترقی بغداد و مقر اقامت موقتی خلفای عباسی درسامره کنار نهر دجله ارتباط نزدیک دارد . حفریاتیکه توسط باستان‌شناسان آلمانی به سرپرستی پروفسور هرتسفلد و ساره[1] درسامره بعمل آمد، نشان داد که درآن محل شهری با جلال وپرشکوه وجود داشته است. این شهر در سال ۸۳۶ میلادی(۲۲۲ هـ .) بوسیلهٔ المعتصم خلیفه بنا شد و در مدت کوتاه چهل و هفت سال (۸۳۶ تا ۸۸۳ م./ ۲۲۲ تا ۲۷۰ هـ .) رونق داشت وازآن‌پس ترک‌شد. دراینمدت این شهرمقر اقامت هشت خلیفه قرار گرفت. شهر دارای خیابانهای وسیع و مساجد عالی و قصور و بازار و میدان بازی و کویهای مخصوصی جهت اقامت عساکر ترک و عمال دولت و اهالی شهر بود . قصر و خانه های خصوصی با سلیقه مفروش بود و حمام وفواره‌های متعدد داشت و دیوار اطاقهای بزرگ با نقاشی تزیین شده و درقسمت بالای دیوار به بلندی درحدود ۴۰ اینچ گچ بری شده بود .

بجز عدهٔ قلیلی‌ازقطعات اصلی تقریباً کلیهٔ قطعات گچبری که درموزهٔ برلین در معرض نمایش است، بوسیلهٔ هیئت اکتشافی با مواد اصلی جدیداً ریخته وقالب گیری شده‌است. چهارعدد ازاین قالبها درموزهٔ متروپولیتن‌نیویورک وجود

[1] - Sarre

دارد که از موزهٔ برلین گرفته شده است. تزیینات گچبری سامره سه نوع اسلوب مختلف را نشان میدهد. در دونوع آنها یعنی نوع دوم و سوم طرحهای تزیینی یا روی خود دیوار کنده میشد یا بدواً روی لوحهای جدا تهیه و بعد روی دیوار نصب‌میشد. نوع اول که‌درشکل ۵۳ دیده میشود،با طرحهای تزیینی قالب گیری میشد. دراسلوب سوم که احتمال دارد قدیمترین آنها باشد ،طرح تزیینی عبارت بود ازاشکال موطوماری وميوهٔ مخروطی شکل کاج وشکل گلدان وبرگ‌نخل که در داخل تقسیمات هندسی و اشکال شش گوش ساخته میشد . اگرچه این طرحهای‌تزیینی از روی اسلوب‌اموی ساخته‌شده، معهذا هنرمندان عصربنی‌عباس طرحهای جدیدو زیبا ازخود ابتکار کردند. ازمختصات‌اسلوب عصر عباسی ابتکار عناصر تزیینی‌و تعبیرات‌جدیدو تنوع دراشکال‌برجسته‌است که‌نمونهٔ‌آن درمنبرچوبی مسجدقیروان‌ولوح‌چوبی‌تکریت‌درمجموعهٔ‌موزهٔ‌مترو پولیتن دیده‌میشود(شکل ٦١) .

دراسلوب نوع دوم سامره تزیین عبارتست از اشکال مجرد که شامل اشکال گل و گلدان وطرحهای هندسی و برگهای مدور و انواع مختلف اشکال برگ نخل‌است. این اشکال برجسته تراشیده شده و تعبیرات آن اشکال متعدد لوزی شکل است. بسیاری ازاین اشکال به فلزکاری ایرانی که رویآن احجار کریمه کوبیده شده، شباهت دارد. طرحهای دیگر یعنی‌اشکال هندسی وبرگهای مدور از تزیینات آسیای وسطی اقتباس شده است. این اصل صنعت اسلامی که کلیهٔ سطح اشیاءباید تزیین بشود ، دراسلوب نوع اول‌سامره بخوبی دیده میشود. دراین‌اسلوب،زمینه‌بکلی‌حذف‌شده یا بیک‌خط‌باریک‌تقلیل یافته‌وطریقهٔ‌جدیدی‌بکار رفته‌که سطوح متمایل‌تعبیرات، زوایای‌منفرجه‌تشکیل‌میدهد(شکل ۵۲) . این طریقه درسنگتراشی و چوب بری (شکل ٦۲) بکار میرفت و بنام تراش کج یا متمایل نامیده میشود . طرحهای تزیینی این اسلوب مرکب است از تعبیرات مختلف ومتنوع ازاشکال طوماری‌وبرگ نخلی باضافهٔ‌چندبریدگی وخطوط باریک ونقطه. بسیاری ازطرحهای معمولی اسلامی دراین تزیینات تقلید واقتباس ولی ازجزئیات آن صرف‌نظر شده است. این سبک حجاری دردورهٔ خلفای بنی‌عباس مرسوم شد و در زمان هارون‌الرشید بکار میرفت و نمونهٔ آن یک سر ستون

مرمراست که درموزهٔ متروپولیتن موجوداست (شکل ۵۲) . احتمال میرود که این شیوه بوسیلهٔ هنرمندان ایرانی و ترک که در خدمت حکام بنی‌عباسی بودند درشرق ادنی رواج داده شده باشد . ریشه و مبدأ این طرحهارا میتوان درآسیای وسطی جستجو کرد و در آنجا نمونه هائی از تزیینات سیت و سیبری با اشکال حیوانی که ازچوب یا استخوان یا مفرغ یاطلا ساخته شده دیده میشود که بعضی از آنها بعصر هان (۲۰۶ قبل از میلاد تا ۲۲۰ میلادی) تعلق دارد.

رسم حکام وسلاطین مسلمان براین بود که برای بنای شهرها و قصور ومساجدخود بهترین صنعتگران وپیشه وران را ازایالات وممالک مختلف استخدام میکردند. چنانکه دربالا ذکر شد در تأسیس و بنای شهر بغداد از نقاط مختلف سوریه و ایران و موصل و کوفه وواسط وبصره کارگر آوردند. احتمال میرود که دربنای شهرسامره این رسم پیروی شده‌باشد ، زیرا تزیینات ابنیهٔ سامره شامل اسلوبهای مختلفی است که در دورهٔ عباسی در نقاط مختلف وجود داشته است. اسلوب گچبری و حجاری عصر عباسی در همهٔ ایالات و نواحی اسلامی مشرق بکارمیرفت. این اسلوب درزمان حکومت طولونیهٔ ترك ازعراق بمصرآورده شد، بطوریکه تزیینات مسجد ابن‌طولون مورخ ۲۶۳ هجری (۸۷۶ میلادی) تأثیرنوع دوم وسوم سبک سامره رابخوبی آشکار میسازد. برش متمایل تزیینات عباسی درمصر نیز رایج گردید. درایران از بهترین نمونه‌های سبک عباسی گچ بریهای زیبای مسجد نائین‌را میتوان ذکر کرد که طرحهای طوماری آن شبیه‌نوع اسلوب سامره است. درنائین یکنوع طرح تزیینی برگ نخلی وجود دارد که سطح آن پر کارتر است وشواهد امر دلالت دارد براینکه این‌نوع تزیین ازتزیینات سامره متأخرتر است و باید آنرا باوائل قرن دهم نسبت داد. این‌نوع تزیین درمصر نیزمشاهده میشود و آن در گچ بری دیر قبطی دیرالسریانی است که باوائل قرن دهم تعلق دارد.

اکتشافات و حفریات موزهٔ متروپولیتن از نیشابور در استان خراسان اخیراً شواهد مهم جدیدی که در تاریخ گچ بری اسلامی قرن نهم و دهم

دارای اهمیت است، بوجود آورده است. قسمت عمدهٔ تزیینات گچ بری که درنیشابور پیدا شده، از چند بنا در تپهٔ مدرسه و سبزپوشان بدست آمده است. کاملترین قسمتهای گچ بری که دریکی از ابنیهٔ سبزپوشان پیدا شده، عبارتست ازمقرنس دیوانی در قسمت جنوب غربی صحن حیاط واطاق گنبددارمجاور آن. این قطعات (شکل ٥٤) که دراصل رنگ‌سفیدوزردوآبی وقرمز داشته، دارای‌طرحهای زیبای طوماری‌وبرگ نخلی‌است که بعضی ازآنها درون‌اشکال چهار گوش یاشش گوش مانداشکال تزیینات‌سامره‌قراردارد. اشکال‌طوماری کاملاً مجرداست‌وازهر کدام چهار یاشش شکل‌دیگرمنقسم ومنشعب میشود که‌معمولاً مدوروحلزونی‌شکل است. درانتهای‌اینها اشکال‌نخلی‌است که‌بانواع مختلف‌است؛ ازجمله‌نیم برگ‌های باسلوب ساسانی ونیم برگهای سادهٔ بدون‌شکاف که‌روی یکدیگر قرار گرفته‌اند. همچنین برگهای سه شکافه وترکیب چند شکل برگ نخل که پنج عدد آنها در شکل ٥٤ آشکار است.

گچ بریهای نیشابور مطالب جالب توجهی‌را در بارهٔ بقای اسلوب‌ترسیم اشکال حیوانی درصنایع اسلامی آشکار میسازد. در انتهای بعضی از انشعابات (چنانکه دردوشش گوش شکل ٥٤ دیده میشود) شکل سر پرنده دیده میشود که برگ نخل بمنقار دارند. این طرحها درظروف‌نقرهٔ دورهٔ‌ساسانی بکارمیرفت. از اشکال تزیینی دیگری که صنایع دورهٔ عباسی از اسلوب ایرانی گرفته، شکل روبان‌های ساسانی است که در تزیینات‌سامره و نیشابور باشکال مثلث شکل گل نیلوفرآبی، که باشکال پرندگان وبرگ نخل وصل‌شده، تبدیل یافته است.

گچبریهای نیشابور از لحاظ اسلوب با گچبریهای سامره ونائین ارتباط دارد، ولی درآنها تعبیرات واصول تزیینی جدید که بعدها ازمختصات تزیینات اسلامی شد دیده میشود. پرکاری و مبالغه در تزیینات سطوح که در نائین مرسوم بود، در نیشابور تکمیل شده است. شاید گچبریهای نیشابور متعلق به‌آخرین دوره‌ای است که ابنیه وآثاردوباره ساخته‌میشد؛ یعنی بین سالهای ۹٦۱ و۹۸۱ (۳۵۰ و۳۷۱ ه.) وقتی که محمدبن سیمجور درزمان سلطنت منصوراول

ونوح ثانی ازسلسلهٔ سامانیان والی نیشابوربود. بدین ترتیب گچبریهای نیشابور حلقهٔ مهم ارتباط بین زمان بنی عباس و اسلوب دورهٔ سلجوقیان در ایران بشمار می‌آید.

۲ - حجاری دورهٔ سلجوقی درایران (قرن ۱۱ تا ۱۳)

حجاری و گچبری در دورهٔ سلجوقی نقش مهمی درتزیین داخلی و خارجی بازی کرد. با اینکه اسلوبهای مختلف و ترسیم موضوعهای انسانی توسط هنرمندانیکه برای شاهزادگان سلجوق در ایالات مختلف کار میکردند بوجود آمد، صفات مشترکی درعموم آنها دیده میشود. عناصر عمدهٔ طرحهای تزیینی عبارت بود از اشکال توریقی که از تزیینات اصلی اسلامی است وکتیبه های عظیم بخط کوفی و نستعلیق. اشکال تزیینی جدید که در حجاری و گچ بری سلجوقی دیده میشود، ممکن است که ازایالات خاوری سرچشمه گرفته و تحت تأثیر تزیینات آجری آثار غزنوی مانند برج سلطان محمود (۹۹۸ تا ۱۰۳۰ میلادی ۳۸۸ تا ۴۲۱ ھ.) در غزنه و مسجد قلعه بست در افغانستان واقع شده باشد. حروف کوفی که به تزیینات توریقی منتهی میشود ودر زمینهٔ اشکال نباتات قرار داده شده، نوعی از تزیینی است که نمونهٔ آن در برج سلطان مسعود ثالث[۱] (۱۰۹۹ تا ۱۱۱۴ م. / ۴۹۳ تا ۵۰۷ ھ.) درغزنه بکار رفته است وهمچنین در ایالت خراسان مورد استفاده واقع شده و نمونهٔ آن در خرابه‌های نیشابور و مرو دیده میشود. در مرو که مقر اقامت و پایتخت سلاطین سلجوقی بود خرابه های قبر سلطان سنجر (۱۱۱۸ تا ۱۱۵۷ م. / ۵۱۲ تا ۵۵۲ ھ.) هنوز باقیست که در داخل آن تزییناتی باشکال توریقی و کتیبه هائی بخط کوفی و نستعلیق که با آجر بریده ساخته شده، دیده میشود. یکی از زیباترین کتیبه های کوفی دورهٔ سلجوقی دربقایای مدرسه ای در خرگرد خراسان پیدا شده است که نام نظام‌الملک وزیر اعظم سلطان الب ارسلان درآن دیده میشود

۱ ـ مراد علاء الدوله مسعود بن ظهیرالدوله ابراهیم دهمین پادشاه غزنوی است که از ۴۹۲ تا ۵۰۹ سلطنت کرده است. م.

ومیتوان آنرا بدوره‌ای بین سالهای ۱۰۶۳و۱۰۹۲ میلادی(۰۶-۵۵۴و۴۸۵ ه.)نسبت داد. استعمال دو یا سه سطح مختلف تزیینی که دراینجا دیده میشود، ازمختصات برجسته کاری دورهٔ سلجوقی است که تا زمان بعد در دورهٔ مغول و تیموری ادامه یافت (مراجعه شود بشکل ۶۶).

تطور اسلوب حجاری و گچبری سلجوقی در بسیاری از آثار و ابنیهٔ قرن دوازدهم مشهوداست،مانندمسجدجامع قزوین مورخ ۵۰۹ هجری (۱۱۱۶ میلادی) و محراب اسامزاده کرار در «بوزون» مورخ ۵۲۸ هجری (۱۱۳۴ میلادی). درمسجد جامع اردستان (۱۱۶۰ م./ ۶-۵۵۵ ه.) سه محراب وجود دارد که ازلحاظ زیبائی تزیین یکی ازدیگری بهتراست. چندنوع تزیین توریقی بایکدیگر ترکیب شده و یکی برفرق دیگری قرار گرفته و زمینهٔ آن تزیینات برجسته از نوع اشکال توریقی است. نمونه های اینگونه تزیینات که در چوب بری ومنبت کاری مملوکی قرن سیزدهم (شکل ۶۵) دیده میشود، دربعضی‌ازطرحهای متداخل این محرابهای دورهٔ سلجوقی آشکار است. در دورهٔ سلجوقی گچبری نه تنها برای تزیین مساجد بکار میرفت، بلکه قصور و منازل اعیان و اشراف باگچبری تزیین میشد. موضوعهای این گچبریها غالباً عبارت بود از مناظرشکار و مناظر دربار و شاهزادگان و امرا که ساز زنها و ندما ودرباریان دراطراف آنها قراردارند.

گاهی اشکال انسانی بقدری برجسته ساخته میشد، که حکم مجسمه سازی را پیدا میکرد و چندین نمونه و شکل کامل از این نوع مجسمه سازی در موزهٔ برلین و موزهٔ دیترویت موجود است. یکی از بهترین نمونه ها که خوب باقی‌مانده، مجسمهٔ سرشاهزاده‌ایست (شکل ۵۵) که اصل‌آن درموزهٔ متروپولیتن محفوظ است. دراین مجسمه فقط مختصات اصلی صورت نمایانده شده است،ولی بااینحال با مهارت تمام از کار در آمده و حلقه های زلف بسبک تزیین شرقی نمایانده شده است.

کلاه این مجسمه که بااحجار کریمه مزین است دراصل باالوان مختلف

رنگ شده بوده و این شیوه در اغلب گچ بریهای سلجوقی رواج داشته است. چنانکه در حجاری و مجسمه سازی قرن دوازدهم وسیزدهم دیده میشود، نوع نژادی این صورت ترك ومغولی است. درمجموعهٔ موزهٔ مترو پولیتن دومدالیون با شکل انسانی وجود دارد که یکی منظرهٔ درباری و دیگری سواری که بازی بدست دارد، نشان میدهد. این مدالیونها جداگانه قالب گیری میشد وبعداً دریك ردیف در روی دیوار قرارمیگرفت وشاید بانقاشیهای دیوار که رنگ‌آمیزی مشابه داشت ترکیب میشد. گچبریهای برجستهٔ دیگر دورهٔ سلجوقی که درایران ومخصوصاً درری وساوه پیداشده با اشکال حیوانات وپرندگان واشکال تزیینی دیگر زینت یافته ونمونهٔ‌آن ازقسمت فوقانی مقرنس وگلوئی[۱] ستونی که در موزهٔ متروپولیتن است، دیده میشود. قطعه‌ای که در شکل ٥٦ دیده میشود، قسمتی از طرح تزیینی بزرگی‌است که شامل اشکال شیر است که پشت بپشت‌هم داده‌اند وازدم آنها بسبك سلجوقی تزییناتی باشکال توریقی ساخته شده است.

اسلوب سلجوقی که در معماری بکارمیرفت، درسنگ قبر قبرستانهای مختلف مخصوصاً در نهاوند و یزد نیز دیده میشود. اغلب آنها متعلق بقرن دوازدهم است وروی آنها آیات قرآن ونام متوفی و تاریخ فوت کنده شده است. دربعضی از آنها علاوه برتاریخ، نام سنگتراش نیزحك شده است. سه سنگ قبر از این نوع در موزهٔ متروپولیتن وجود دارد، یکی از آنها بشکل تابوت کوچکی است و دوتای دیگر بشکل سنگ قبر معمولی است که اغلب مسلمین در قبرستانهای خود بکار میبرند. سنگ قبر ابو سعدبن محمد دارای تاریخ محرم ٥٤٥ مطابق ماه مه ١١٥٠ و نام سنگتراش است که احمد بن محمد نامیده میشده‌است. تزیین آن عبارتست از شکل‌محراب که در دور آن سطوری بخط کوفی ونسخ کنده شده است. قسمتهای مثلث شکلی که در بالای شکل‌محراب قرار دارد با طرحهای برگ نخلی تزیین شده و زمینهٔ خوبی برای کتیبه هائیست که معمولاً در صنعت سلجوقی نقش عمده بازی میکرد.

۱ - Cornice

۴ ـ حجاری دورهٔ سلجوقی در عراق و سوریه و آسیای صغیر (قرن۱۱تا۱۴)

تسخیر عراق و سوریه و آسیای صغیر از طرف ترکان سلجوقی تغییرات عمده در نوع حجاری و مجسمه سازی این ایالات ایجاد کرد. درزمان خلفای عباسی دراین ایالات فقط تزیینات مجرد رواج داشت. دردورهٔ سلاجقه ترسیم اشکال انسانی و حیوانات مرسوم گردید و اغلب در ابنیه و پلها ودروازه‌های شهر، مانند دیار بکر و موصل وبغداد در عراق و قونیه در آسیای صغیر بکار میرفت. نمونه‌های جالب توجه حجاری سلجوقی در دیار بکر باقی مانده است. این شهر ازسال ۹۹۰تا۶-۱۰۸۵ میلادی (۳۸۰ تا ۴۷۸ ه.) تحت استیلا و حکمروائی سلسلهٔ مروانیه بود و بعداً بتصرف سلاجقه درآمد. آثاریکه از آن زمان باقی‌مانده، حاکی ازپیشرفت وترقی حجاری‌اسلامی وصنایع تزیینی در زمان سلجوقیان است. کتیبه های کوفی اسلوب عباسی زمینهٔ ساده وبدون تزیین دارد، در حالیکه کتیبه های مروانی مورخ ۴۲۶ و ۴۳۷و ۴۵۷و ۴۶۰و ۴۷۶ هجری (۵-۱۰۳۴و۶-۱۰۴۵و۱۰۶۵و۸-۱۰۶۷و ۴-۱۰۸۳ میلادی) نشان میدهد که چگونه انتهای حروف کتیبه‌ها بااشکال توریقی طوماری زینت یافته است. درکتیبهٔ عالی سلطان ملکشاه مورخ ۴۸۴ هجری (۲-۱۰۹۱ میلادی) درجبههٔ شمالی مسجد جامع طرح تزیینی جالب توجهی دیده میشود که در آن حروف برگدار کوفی روی زمینهٔ طرح توریقی بسیار زیبا قرارداده شده است.

کتیبه های دیاربکر اغلب با نقوش برجستهٔ حیوانات و پرندگان توأم است و این نقوش تنها برای تزیین بکار نمیرفت، بلکه علائم شخصی یاسلطنتی بود که شاهزادگان و سلاطین سلجوقی استعمال میکردند. در این کتیبه ها و بطور کلی درصنایع سلجوقی شکل حیوانات و پرندگان نقش‌عمده برعهده دارد واین تاحدی نتیجهٔ تأثیر صنایع ترك است.

یکی دیگر ازمراکز صنعتی عراق در زمان سلجوقیان شهر موصل مقر اتابکان زنگی بود. مساجد و قصور و کلیساهای موصل دارای تزیینات غنی حجاری و گچبری است که بسبك مخصوص سلاجقه ساخته شده است. درمسجد

جامع بزرگ که بنام نورالدین خوانده میشود ، دومحراب زیبای سنگی وجود دارد که تزیینات آن با اشکال توریقی و نباتی است. محراب قدیمتر که درتاریخ سپتامبر یااکتبرسال ۱۱۴۸ (۵۴۳ هـ .) توسط مصطفی بغدادی ساخته شده‌است با تزیینات متداخل نباتی و کتیبهٔ عربی زینت شده است . محراب دیگری که درصحن‌مسجد قراردارد ، متعلق بدورهٔ اتابک بدرالدین لؤلؤ (۱۲۳۳تا۱۲۵۹م. ۶۲۸ تا ۶۳۱ هـ .) میباشد که ازحامیان صنعت و هنر بود. دراین محراب چندین نوع طرح تزیینی‌برجسته دیده‌میشود که‌درسطوح‌مختلف کنده‌وتراشیده شده‌است.

ازابنیهٔ دیگرمهم موصل که درزمان بدرالدین لؤلؤساخته شده، قره‌سرای یاقصر اسود و قبر امام‌یحیی و قبر امام‌عون‌الدین است. تزیینات گچبری داخلی قصر چند صفت جالب توجه دارد که از جمله استعمال اشکال انسانی وپرندگان است که در صنایع موصل رواج داشته ؛ دربعضی از قسمتها و یکی از حاشیه ها (فریز[۱]) اشکال پرندگان باطرحهای تزیینی توأم گردیده است. یک قطعه کتیبه دارای زمینهٔ طوماری‌شکلی‌است که‌درآن انتهای بعضی‌ازاشکال بسرحیوانات‌ختم میشود و این سبک به احتمال در آسیای وسطی مرسوم بوده است. طرحهای توریقی سلجوقی در ابنیهٔ دیگراسلامی قرن سیزدهم درموصل و سنجار و همچنین در کلیساهای مسیحی آشکار است.

تزیینات مشابه در ابنیهٔ اسلامی و مسیحی شاید در نتیجهٔ آن بوده است که سنگتراشان مسیحی از طرف سلاطین سلجوقی استخدام میشدند. در تزیینات سنگی کلیسای مارآهوداما[۲] درموصل ترسیمات وموضوعهای کاملاً اساسی ازقبیل تصویر سلطان که برتخت نشسته و تصویر صیاد باباز و اشکال شیر که دمشان بشکل تصویر اژدها درآمده بکار برده شده است.

حجاری اسلوب سلجوقی بهمهٔ نقاط عراق و سوریه و آسیای صغیر پخش شد و رواج یافت . دروازهٔ موسوم به طلسم بغداد که حالاً خراب شده و نام خلیفهٔ عباسی الناصر برآن نقش شده وتاریخ آن ۶۱۸ هجری (۲-۱۲۲۱ میلادی)

۱ - Friezes ۲ - Mar Ahudamma

بود ، طاقی داشت که برآن نقوش برجسته که از بهترین نمونه های حجاری سلجوقی بود نقش شده بود و آن عبارت بود از تصویر خلیفه که نشسته و در طرفین او دو اژدها قرار گرفته بود . این نقش بطور برجسته تراشیده شده و درزمینهٔ آن طرح تزیینی زیبائی که شکل تور داشت ، تعبیه‌شده بود .

پس از فتح ایران و عراق و قسمتی از سوریه یک سلسله از سلاجقه در آسیای صغیر یا بلاد روم استقراریافته و شهر قونیه را مقر و پایتخت خود قراردادند و آن شهر را با ابنیهٔ عالی و مساجد و قصور و دروازه‌ها آراستند . درتزیین ابنیهٔ سلجوقی چه در داخل وچه درخارج حجاری نقش عمده داشت . بر فراز ابنیه و دیوار شهر و دروازه و برج و پل اغلب مجسمهٔ حیوانات قرار داده میشد و شاید اینها را بعنوان طلسم وبرای محافظت ازشردشمن ونیروهای اهریمن بکار میبردند . مساجد شهرقونیه که بین سالهای ۱۲۲۰ و ۱۲۷۰ میلادی (۶۱۷ و ۶۶۹ هـ .)بناشده، نمونه های جالب توجهی ازتزیینات وکتیبه های سلجوقی دارد . مسجد سلطان‌هان مورخ ۶۲۶ هجری (۹ - ۱۲۲۸ میلادی) که قدیمترین نمونهٔ ابنیهٔ سلجوقی است ، دارای جلوخان مرمراست که با تزیینات سلجوقی زینت یافته است . یکی از زیباترین ابنیهٔ قونیه مدرسهٔ صیرچالی است (٦٤٠ هجری ۳ - ۱۲٤۲ میلادی) که با اشکال هندسی متشابک تزیین شده و از نمونه های اولیهٔ عمارات سلجوقی درآسیای صغیراست . در نیمهٔ دوم قرن سیزدهم تزیینات صورت اشکال توریقی با اشکال برگ نخلی گرفت که گاهی طرحهای قالی ومنسوجات بود . در نتیجهٔ نفوذ ارمنی و غربی که در آسیای صغیروجود داشت ، تمایلات نسبت بموضوعهای طبیعی پیدا شد . از نمونه های این سبک گچبریهای برجستهٔ جالب توجهی است که پرفسور ساره آنها را تعمیر کرده و منتسب به ایوان قصر سلطان علاءالدین کیقباد (۱۲۱۹ تا ۱۲۳٦ م ./ ٦۱٦ تا ٦۳٤ هـ .) درقونیه میداند . بعضی ازتزیینات شاید تاریخ قدیمتری داشته ومتعلق بدورهٔ سلطان قلیج ارسلان چهارم (۱۲۵۷ تا ۱۲٦۷م ./ ٦۵۵ تا ٦٦٦هـ .) باشد . خرابه های یک ایوان دوطبقه تاسال ۱۹۰۷ میلادی (۱۳۲۵هـ .)پابرجا بود ولی بتدریج روباضمحلال رفته است .

داخل قصر بسیار عالی بود و دیوارها در قسمت فوقانی با کاشی تزیین شده و در بالای آن یک سلسله گچبری زیبا قرارداده شده بود. از برجسته کاریهای بزرگ که اشکال انسانی دارد، قطعه ای در موزهٔ چینی اسلامبول موجود است که دو سواررا نشان میدهد که یکی باژدها ودیگری بشیری حمله میکند. این ترکیب وموضوع زنده که با مهارت‌زیاد ساخته شده، نشان میدهد که‌صنعتگران سلجوقی آسیای صغیر مجسمه‌ساز و حجار ماهری بودند.

۴ ـ صنعت حجاری در بلاد قفقاز

از ازمنهٔ قدیم بلادقفقازتحت‌تأثیرشدید مشرق‌واقع شده بود وغالباً قبائل‌ایرانی‌وتورانی‌باین‌ناحیه میتاختند و آنرامسخر میکردند. فتح قفقاز توسط اعراب‌بتدریج‌صورت گرفت و در ناحیهٔ‌داغستان‌بخصوص بکندی‌پیشرفت کرد. تاقرن‌دهم میلادی‌اعراب‌فقط‌برشهر دربندکه مهمترین شهراین‌سرزمین بود و قصور مجاور آن استیلا یافته بودند. در سال ۱۰۴۹ میلادی (٤٤١ هـ.) سلاجقه بارمنستان و گرجستان و سایر نقاط حمله کردند ونفوذ آنها بزودی درسراسرآن کشورآشکارشد. سکه‌های‌پادشاهان گرجستان که در بادی امر بتقلید سکه‌های بیزانطین ساخته میشد، بتدریج نقش وخطعربی‌بخود گرفت. نفوذ صنایع‌سلجوقی به‌هنروفن قفقازراه‌یافت، حجاریهائیکه در قرن دوازدهم درداغستان ساخته شده، شباهت زیادی به‌حجاریهای‌سلجوقی آسیای صغیردارد. درقریه‌ها وقصبات اموسگا و ایتزاری وقلعه کریش‌ومخصوصاً درکوباچی (مأخوذ ازکلمهٔ کوبچی یعنی زره) برجسته کاریهای سنگی متعدد پیدا شده که ظاهراً از قصور شاهزادگان محلی بوده و بعدها در خانه ومنازل دهاقین کار گذاشته شده بوده است.

این برجسته کاریها بشکل گوشه‌های‌مثلثی طاق‌وقطعات‌مدور یا مستطیل شکل است و با اشکال انسانی و حیوانات و مخلوقات عجیب و تزیینات‌توریقی و کتیبهٔ عربی‌تزیین شده‌است. بسیاری ازاین خانه‌ها اکنون‌خراب یامنهدم‌شده و حجاریها بموزه‌های روسیه منتقل گردیده است. دو گوشهٔ مثلثی متعلق بطاقی در آمریکا است؛ یکی در گالری‌فریر درواشنگتن ودیگری درموزهٔ متروپولیتن

در نیویورک. این قطعات هردو از خانهٔ احمد و ابراهیم در قریهٔ کوباچی پیدا شده و در حاشیهٔ آن شکل حیوانات در حال دو و اشکال توریقی در زمینهٔ آن دیده میشود. تزیین قطعه‌ای که درموزهٔ متروپولیتن‌است، عبارتست ازتصویر جنگجوئی سواربراسب که لباسی تنگ با کمربند دارد و از آن کمربند ترکش ومچ بند آویزان است. دور طاق برجسته حجاری شده وشکل طوماری‌توریقی و مدور دارد که در داخل هر کدام شکل برگ نخلی‌سه برگه دیده میشود. بسیاری ازحجاریها و برجسته کاریهائی که‌دارای اشکال انسان وحیوان‌است، با صنایع‌واسلوب سلجوقی‌قرن دوازدهم‌وسیزدهم‌نسبت دارد. گروهی‌ازحجاریهای داغستان دارای اسلوب خاصی است که از ترکیب عناصرترکی ومحلی بوجود آمده است. همین ترکیب و اختلاط در فلزکاری قفقاز مخصوصاً در منقل‌های برنزی قرن دوازدهم و سیزدهم دیده میشود.

۵ ـ صنعت حجاری وگچ‌بری دورهٔ مغول در ایران (نیمهٔ قرن ۱۳ وقرن ۱۴)

اسلوب‌و طرز کارتزیین‌وحجاری‌سلجوقی‌مانند سایررشته‌های هنری بعدازاستقرارسلسلهٔ ایلخانیان درسال ۱۲۵۶ (۶۵۴هـ.) تا مدتی در ایران ادامه یافت. سبک تزیینات گچبری که در قرن دوازدهم‌اشاعه یافته‌بود، بتدریج‌نمو کردومفصلتر شد تا اینکه در زمان مغول اشکال متعدد وانواع مختلف بخود گرفت وتزیینات پیچیده‌تروپر کارتر گردید. بعضی‌ازابنیه که‌اغلب‌دراستان آذربایجان است، این سبک مغول را بخوبی نشان میدهد. نمونهٔ گچبری دورهٔ مغول درمسجد حیدریهٔ قزوین که به‌نیمهٔ دوم قرن سیزدهم نسبت داده‌میشود، بخوبی آشکار است. دراینجا اشکال توریقی زیاد برجسته و طرحهای مفصل متشابک که دارای اشکال ستاره و لوزی شکل است، برروی طرحی از اشکال برگ نخلی که در زمینه کنده شده است قراردارد. یکی دیگر از بناهائیکه‌شاید همعصر مسجد حیدریه‌باشد، مقبرهٔ گنبد علویان در همدان است که درآن گچبری سبک مغول در بالاترین مرتبهٔ خود دیده میشود. همچنین از نمونه‌های عالی گچبری دورهٔ مغول‌درقرن چهاردهم محراب مسجدجامع اصفهان است که‌درسال

۱۳۱۰ میلادی (۷۱۰ هـ.) بوسیلهٔ یکی ازوزرای سلطان اولجایتوساخته‌شده‌است. در این محراب تزیینات بطرح واسلوب سلجوقی‌است و کتیبه بخط نسخ و اشکال توریقی طرح تزیینی تشکیل میدهد که از بهترین نمونه های صنایع اسلامی‌است. از حجاری قرن چهاردهم دورهٔ مغول سه نقش برجستهٔ جالب توجه درموزهٔ متروپولیتن وجود دارد ؛ دوتای آنها شاید طرفین یک نرده باشد (شکل ۵۸) و ازقرار معلوم در همدان پیدا شده است. این قطعات طرحهای متنوع ومختلف برجسته دارد. نام صاحب آن یعنی حاجی حسن و نام حجار شرف‌بن محمود بر روی سنگ حک شده است و تاریخ آن ۷۰۳ هجری (۱۳۰۳-٤ میلادی) است. در یکطرف سنگ شکل ۵۸ دو واحد اشکال متداخل هندسی و طرحهای نباتی کنده شده و در دوطرف دیگر شکل شیری که به‌آهوئی حمله میکند دیده میشود. روی لوح دیگر اشکال تزیینی متشابک وطرحهای نباتی که‌ازتزیینات معروف قرن چهاردهم مغولی است و دربعضی ازنسخه های قرآن(که در فصل چهارم دربارهٔ آنها بحث شد) دیده میشود، حجاری شده است. چند قطعه سنگ حجاری‌شدهٔ‌مشابه درسایرمجموعه های‌اروپا وامریکادیده‌میشود که‌بقرن‌دوازدهم وسیزدهم نسبت داده میشوند، ولی قسمت عمدهٔ آنها را نمیتوان به‌قبل‌از قرن سیزدهم نسبت داد.

یکی دیگر از نمونه‌های جالب توجه حجاری مغولی درموزهٔ متروپولیتن سنگ قبر مرمری است متعلق بقرن چهاردهم میلادی (هشتم هجری) که اشکالی بشکل‌محراب روی‌آن نقش‌شده است. دروسط سنگ شکل اصلی محراب ومقرنسی که فرق دوستون قراردارد حجاری شده. در قسمت فوقانی لوحهٔ مستطیل شکلی است که در داخل آن کتیبه‌ای بخط کوفی نقش شده است . درسه طرف محراب سه‌ردیف کتیبه که‌هر کدام‌بیک‌سبک خط عربی‌نوشته شده دیده‌میشود. دوردیف بخط کوفی است که یکی از آنها حروف مربع شکل بسبک دورهٔ مغول دارد . ردیف وسط بخط نسخ‌است که نام متوفی یعنی‌شیخ‌محمودبن محمد یزدی وتاریخ ساخت‌سنگ سال ۷۵۳ هجری (۱۳۵۲ میلادی) روی‌آن حک شده‌است. درمدخل

شکل طاق‌نام حجار که نظام بن شهاب است کنده شده‌است. این سنگ‌قبر نمونهٔ کوچک ومینیاتور مانندی از محرابهای مغولی نیمهٔ قرن چهاردهم است.

۶ - حجاری عصر فاطمی درمصر (قرن۱۰ تا ۱۲)

ابنیه و آثار قاهره که از نیمهٔ دوم قرن دهم وقرن یازدهم ودوازدهم باقی‌مانده‌دارای تزیینات حجاری‌و گچبری‌است که خصایص وعناصر مخصوص عصر فاطمی را نشان میدهد.

قدیمترین طرح تزیینی گچبری دورهٔ فاطمی درمسجدالازهر قاهره وجوددارد که ساختمان آن در سال ۹۷۰ (۳۶۰هـ.) شروع ودرسال ۹۷۳ (۳۶۳هـ.) پایان‌یافت. المقصوره ودیوارقبله باطرح تزیین برگ‌نخلی زینت یافته وزمینهٔ آن مانند نقوش دورهٔ طولونی بفاصله‌ایکه برای جدائی عناصر تزیینی‌لازم است تقلیل یافته است. این طرح درمسجد الازهر ازتزیینات قرن نهم عباسی وطولونی اقتباس شده، ولی سبک آن کاملاً جدید وبدیع است. ازابتکاراتی که دراین‌سبک بکار رفته، اهمیتی است که باشکال طوماری شکل متصل کننده که غالباً در دو ردیف است داده شده است.

تطور اشکال تزیینی‌جدیدمخصوصاًاشکال توریقی‌ازتزیینات‌حجاری‌و گچبری مسجد الحاکم قاهره (۹۹۰ تا ۱۰۱۲م./۳۸۰ تا ۴۰۳هـ.) دیده‌میشود. دراینجا درنقوش‌سنگی‌و گچبری کاملترین‌نمونهٔ خط کوفی بر گدار پیدا میشود. درپنجره‌ها ومحرابها ومناره‌ها اشکال نباتی و توریقی بسبک‌مخصوصی یافت میشود. بجای طرحهای معمولی اشکال طوماری خوش‌شکل ومنظم که درجهات مختلف پخش شده و غالباًمتقاطع هستند ساخته شده‌است. احتمال‌میرود که اشکال توریقی‌و کوفی بر گدار دراصل درمشرق ایران بوجود آمده باشد. تزیینات گچبری عصرفاطمی اواخر قرن یازدهم در نقوش محراب در قاهره دیده میشود. تزیینات محراب مسجدالجیوشی (۱۰۸۵م./ ۴۷۸هـ.) ازحیث اسلوب کار اختلاف زیادی بامحراب مسجد الحاکم دارد. سطح محراب با اشکال توریقی برجسته تزیین و اشکال برگ نخلی آن با طرحهای هندسی مختلف وجزئیات زیاد نقش‌شده که ازخصائص گچبری ایرانی قرن‌دهم در نیشابور ونائین‌است. چون‌نمونهٔ مصری این‌تزیینات

وجودندارد، این سبک ظاهراً از ایران آمده وتوسط سلجوقیان در خاورنزدیک شیوع یافته است. سبک تزیینی سلجوقی درقرن دوازدهم نیز درمصر رایج بود ونمونهٔ آن در گچبری قبهٔ مقصورهٔ جامع‌الازهر ومحرابهای ثلاثهٔ مقبرهٔ برادران یوسف (۱۱۰۰م. /۴۹۴هـ.) دیده میشود. دومحراب گچبری شدهٔ مقبرهٔ سیده رقیه (۱۱۳۳م./۵۲۸هـ.)طرح تزیینی جدیدی دارد که عبارت است از دو یا سه ردیف مقرنس که درمصر درآنزمان‌مورد توجه‌بسیاربود. پنجره های مسجد صالح‌طلائع (۱۱۶۰م./۶-۵۵۵هـ.) که‌ازابنیهٔ اواخر دورهٔ فاطمی‌است، نمونه های زیبائی را از گچبری مشبک نشان میدهد. درهمهٔ این آثار وابنیه گچبری‌ها ازنوع برجستهٔ خفیف است و نوع گچبری زیاد برجسته که از خصائص آثار سلجوقی در ایران است، در ابنیه و آثار دورهٔ فاطمی کمتر دیده میشود.

۷ - حجاری دورهٔایوبی ومملوکی درمصر و سوریه (آخرقرن۱۲تاقرن ۱۵)

درزمان سلسلهٔ ایوبی که صلاح‌الدین درسال ۱۱۶۹ درمصر ودرسال ۱۱۷۶ درسوریه برقرار کرد، حجاری وسایرصنایع دربدو امر باسلوب دورهٔ فاطمی ادامه یافت. ازابنیه وآثار عهد صلاح‌الدین بجز قلعهٔ قاهره ودیوار شهر فسطاط چیزی باقی نمانده است . از آثار اواخر دورهٔ ایوبی فقط چند بنا باقی‌مانده که ازجمله ابنیهٔ زیر را میتوان نام برد : مقبرهٔ امام الشافعی (۱۲۱۱م./۶۰۸هـ.)، قبرامیر ابی‌منصور اسمعیل (۱۲۱۶م./۶۱۳هـ.)، مدرسه ومقبرهٔ صالح نجم الدین ایوب (۱۲۴۲ و ۱۲۴۹م./ ۶۴۰ و ۶۴۷ هـ.) ومقبرهٔعباسیین (درحدود۱۲۴۲م./۶۴۰هـ.) درکلیهٔ این بناها در نتیجهٔ استعمال مواد و مصالح مختلف اختلاف اسلوب دیده میشود. مثلاً درسنگی مقبرهٔ ابی‌منصور کتیبه‌ای بخط نسخ و فریز شکسته‌هائی با اشکال هندسی متشابک وتزیینات نباتی دارد که شبیه چوبکاری‌و منبت‌کاری دورهٔ معاصر ایوبی است.

در سوریه و فلسطین مخصوصاً در حلب تعدادی از آثار و ابنیهٔ ایوبی وجود دارد که اطلاع زیادی دربارهٔ آنها بچاپ نرسیده است . از مهمترین ابنیهٔ حلب مدرسهٔ المعروف (۱۱۹۳م. /۹۰-۵۸۹هـ.) مسجدکبیر درقلعه (۱۲۱۳ -

۱۲۱۴م. /۶۱۰-۶۱۱هـ.) ومدرسهٔ سلطانیه (۱۲۲۳م. /۶۲۰هـ.) را میتوان ذکر کرد. در دمشق که ازسال ۱۱۸۲ میلادی (۵۷۸ هـ.) ببعد مقر اقامت سلطان صلاح‌الدین بود ،ازآثار دورهٔ ایوبی‌ابنیه‌ای باقی نمانده، درصورتیکه درسال ۱۱۸۴ (۵۴۳هـ.) آنشهر بیست مدرسه و دو بیمارستان و چندین دیر و خانقاه داشت. تزیینات گچبری یک مقبرهٔ بی نام درشهر دمشق رابطهٔ جالب توجهی بین اسلوب سلجوقی با اشکال دکمه‌ای شکل و تزیین این گچبری نشان میدهد که بخصوص درآثارموصل وقونیه مشهود است.

درسال ۱۲۵۰میلادی (۶۴۸هـ.) باآغازحکومت سلسلهٔ مملوکی یک‌دورهٔ درخشان صنایع اسلامی درمصر وسوریه پیداشد. درقاهره که ازمهمترین مراکز صنعت دورهٔ مملوکی‌بود، مساجد عالی ومدارس ومقبرهٔ زیادی ساخته شد. خارج و داخل این ساختمانها با اشکال و تزیینات زیبا زینت یافت و معماران آن دوره با استعمال سنگهائی برنگ مختلف مانند قرمز وسفید وخاکستری وسفید، تأثیر تزیینی جدیدی ایجاد کردند. از عناصر معماری که بعنوان تزیین بکار میرفت مقرنسهای گوشهٔ‌ساختمان و اشکال گوناگون‌حجاری شده‌بود. برای تزیینات‌داخل ابنیه ومساجد از سنگ مرمر موزائیک شده و اشکال حجاری و گچبری استفاده میشد. این تزیینات غالباً اندکی‌برجسته تراشیده میشد ومنحصربود به‌لوحهای منقوش که متناسب باسبک بنا و اسلوب معماری باشد.

ازمساجد اولیهٔ دورهٔ مملوکی که درآن بیش‌ازهرچیز حجاری و گچبری بچشم میخورد، مسجد بیبرس اول است که بین‌سالهای ۱۲۶۶ و ۱۲۶۹ (۶۶۵ و ۶۶۸هـ.) ساخته شده است. قسمتی از گچبری داخلی آن هنوز باقی است وآن عبارتست ازپنجره‌هائیکه دورآن کتیبه بخط کوفی واشکال‌نباتی واشکال‌هندسی متداخل دیده میشود. از ابنیهٔ دیگری که در آن تزیینات گچبری میتوان یافت مقبرهٔ‌قلاوون(۱۲۸۵م. /۶۸۴هـ.) ومدرسهٔ‌پسراو،الناصرمحمد(۱۲۵۹ تا ۱۳۰۳م. ۶۹۵ تا ۷۰۳هـ.) است. دراین‌ساختمانها اشکال‌تزیینی اسلوب مملوکی درکمال تطورخود دیده میشود. ازخصائص ممتازهٔ این‌اسلوب تزیین مسطح اشکال‌برگ

نخلی است که با نقوش خطی طوماری بهم‌اتصال یافته است. این‌اشکال اغلب درچندین سطح کشیده شده و کاملترین نمونهٔ این نوع طرح تزیینی در محراب مدرسهٔ الناصر دیده میشود. حجاری دورهٔ مملوکی‌اوائل قرن چهاردهم ازلحاظ ارزش‌صنعتی از گچبری‌آن دوره کمترنیست وبهترین شاهد آن نردهٔ مرمر مدرسهٔ سالار و سنجرجاولی(۱۳۰۳م. /۷۰۳هـ.) است که با طرحهای تزیینی‌مشبک‌زینت یافته است.

مهمترین ابنیهٔ دورهٔ سلطان حسن مدرسه ایست بنام او که درسالهای ۱۳۵۶ و ۱۳۶۲ م. (۷۵۷ و ۷۶٤ هـ.) ساخته شده است واین بنا با مدخل عظیم وعالی آن بارتفاع شصت وشش پا که بانقوش مختلف حجاری زینت شده یکی از شاهکارهای معماری دورهٔ اسلامی بشمار میرود.

دردورهٔ ممالیک برجی یا چرکسی (۱۳۸۲ تا ۱۵۱٦م./۷۸٤ تا ۹۲۱هـ.) مساجد ومقابرسلاطین و نجبای دربار با گنبد و مناره ساخته میشد که در منطقهٔ القرافه بمقابرخلفا معروف است. درعهد این ممالیک حجاری زیاد بکار برده میشد و گچبری کمتر دیده میشود. در قرن پانزدهم طرحهای تزیینی اینگونه ابنیه مفصل‌تروپر کارترشد. تعدادی ازآثارحجاری وظروف سنگی‌دورهٔ مملوکی در مساجد موزه‌های قاهره محفوظ است‌که اغلب از مرمرساخته شده وعبارتند از منبر وفواره وحوضچه و کوزهٔ آب و آبخوری. یکی از نمونه های عالی این نوع حجاری ظرف آبخوری مرمر است که در موزهٔ ویکتوریا و آلبرت لندن موجود است وبا اشکال برجستهٔ نباتی‌که در زمینهٔ اشکال طوماری شکل قرار گرفته تزیین شده ونام المنصور محمد ایوبی سلطان حماة و تاریخ ٦۷٦ هجری (۱۲۷۸ میلادی) روی آن نقش گردیده است. در موزهٔ صنایع اسلامی قاهره چندین کوزه ونقوش برجسته متعلق بقرن چهاردهم و پانزدهم موجود است. در موزهٔ متروپولیتن کوزه‌ای هست‌که روی آن کتیبه‌ای حاوی القاب مملوکی نقش است (شکل ۵۹) این کوزه‌ها معمولاً در ظرف‌کم عمقی قرار داده میشد که یک نمونهٔ آن درموزهٔ متروپولیتن موجوداست. اغلب این ظروف قدیمتر

از کوزه‌ها است وبعضی از آنها متعلق بدورهٔ ایوبی ویا حتی دورهٔ فاطمی‌است. درموزهٔ قاهره چندین نمونهٔ مرمر با نقوش برجسته نیزدیده میشود. یک نمونهٔ مهم حجاری دورهٔ مملوکی منبری است در مقبرهٔ برقوق که در سال ۱۴۸۳ م. (۸۸۸ ه.) درزمان سلطان قایت بیگ ساخته شده است.

۸ ـ حجاری مغربی در اسپانیا و شمال افریقا

پس از فتح اسپانیا در سال ۷۱۰ تمدن اسلامی در مغرب اروپا راه یافت. شهر قرطبه که پایتخت ومقراقامت خلفای اموی اسپانی قرار گرفت، بصورت یک شهرشرقی درآمد. در سال ۷۸۶ (۱۷۰ ه.) عبدالرحمن بنای مسجد بزرگ قرطبه را آغاز کرد که بوسیلهٔ اخلاف او بتدریج وسعت یافت وبرشکوه وجلال آن افزوده شد. مهمترین دورهٔ صنایع اموی در اسپانی در قرن دهم در زمان عبدالرحمن سوم (۹۶۱-۹۱۲م./۳۵۰ - ۳۰۰ ه.) شروع گردید و اوقصر باشکوه مدینة الزهراء را در نزدیکی قرطبه بنا کرد.

تزیینات نقوش برجستهٔ سنگی قصر بطور کلی عبارتست ازطرحهای نباتی که کاملاً با طرحهای معاصرعباسی در بلاد شرق اسلامی‌فرق دارد. طرحهای گل شوکت الیهود از نوع سوریه با اشکال برگ نخلی وطوماری هندسی که تأثیر اسلوب بیزانطین و اسلوب ویزیگت محلی در آنهـا دیده میشود، مخلوط شده است. برای پیدا کردن‌اصل تزیینات قصرمدینة الزهراء ،باید بصنایع‌سوریهٔ قرن‌هفتم وهشتم که درحجاری وچوب بری آن دوره دیده‌میشود مراجعه کرد. این طرحهای تزیینی مستقیماً ازسوریه نیامده ، بلکه ازراه شمال افریقا باسپانی رسیده است و نظایر آن در حجاریهای قرن نهم مسجد قیروان در تونس دیده میشود. از منابع تاریخی اسلامی چنین مستفاد میشود که صنایع اسپانی ارتباط مستقیم با صنایع بیزانطین داشته وامپراطورهای بیزانطین برای تزیین آن قصر مستقیماً به عبدالرحمن کمک کردند. اسلوب اموی قرن نهم‌بوسیلهٔ سرستونهای مرمر و پایه های ستون که به‌آن قصر قدیمی تعلق داشته وفعلاً درموزه های مختلف موجود است نمایان است. یک پایه وچهار ستون در موزهٔ متروپولیتن

موجود است (شکل ٦٠) ، اینها بستونهای مرکب‌تعلق داشته است ودرتزیین آنها برگ شوکت الیهود بطرحهای طوماری نازك یا برگ تبدیل یافته است. این طرحها برای آنکه اثر تاریك و روشن از آنها ظاهر گردد اغلب توخالی و بریده است واین سبك درتزیینات مغربی دراسپانی کاملاً رایج بود.

خلیفه الحکم(٩٦١ تا ٩٧٦ م./٣٥٠ تا ٣٦٦ هـ.) مسجد قرطبه را تکمیل کرد وبر تزیینات داخلی وخارجی آن افزود. لوحهای مرمر زیبا که در طرفین محراب قراردارد وبااشکال برگ نخلی ودرخت زندگی تزیین شده ، ازشاهکارهای حجاری مغربی اسپانی بشمارمی‌آید. یکی از خصائص این اشکال برجسته فقدان سطوح صاف است ، بطوریکه تمام طرحها وتعبیرات بقطعات نازك طوماری تقسیم شده که مجموعاً یك طرح زیبای مشبك بوجود می‌آورد. از نمونه‌های حجاری قرطبه در اواخر قرن دهم دو حوض وضوی مرمر مستطیل شکل باقیست که یکی در موزهٔ باستان شناسی مادرید وروی آن نام المنصور وتاریخ ٣٧٧ هجری (٨-٩٨٧ میلادی) ثبت است ودیگری درمدرسهٔ بن یوسف درشهرمراکش است. درقرن دهم آن قسمت ازاسپانی یا آندلس که تحت تصرف مسلمانان بود، بوسیلهٔ سلسله های کوچك بربر که رئیس الطوائف نامیده میشدند اداره میشد. اگرچه قرطبه مرکزعمدهٔ صنعتی باقی‌ماند، لیکن بعضی‌ازشهرهای دیگرهم در ولایات وایالات در تطورصنایع اسلامی اسپانی اثر بارز گذاشته‌اند.

یکی‌ازابنیهٔ مهم قرن‌یازدهم قصرالجعفریه در سرقسطه یا ساراگوساست که‌توسط ابوجعفرالمقتدر(١٠٤٦ تا ١٠٨١ م./٤٣٨ تا ٤٧٤ هـ.) بناشده. بعضی قطعات آثار این قصر درموزه‌های اسپانی محفوظ است و درآنها تزیینات زیبای حجاری و گچبری دیده میشود وبا اینکه اسلوب تزیینی قرن دهم قرطبه درآنها مشهود است، ولی ترکیب این عناصر با اسلوب جدید اسلامی‌مغربی درآنها نیز دیده میشود. اشکال برگ نخلی که تا حدی درقرن دهم بکار میرفت، کاملاً جانشین تعبیرات برگ شوکت الیهود شده وبسبك و اسلوب مخصوص صنایع اسپانی مغربی درآمده است. این طرحها ازاشکال نیمه برگ نخلی عربی اقتباس

ولی بصورت منحنی کشیده شده که غالباً بشکل برگ طبیعی درآمده است. اشکال حجاری عمیقتر از حجاریهای قرن دهم است و تأثیر تزیینی تاریک و روشن درآنها واضحتر است.

با روی کارآمدن المرابطین بربر که در سال ۱۰۹۰ (۴۸۳ هـ.) قسمت اسلامی اسپانی و مراکش را متحد کردند و دولت واحدی تشکیل دادند، فصل جدیدی در تاریخ صنایع اسپانی مغربی آغاز شد. درقرن دوازدهم تمدن و صنایع آندلس دربلاد مغرب راه یافت و درشهرهائی مانند مراکش پایتخت امپراطوری وفاس و تلمسان ابنیه وآثار زیبا با تزیینات مفصل برپا گردید. در گچبری مسجد تلمسان یک طرح تزیینی بشکل گل دیده میشود که باید کار یکی ازصنعتگران آندلسی باشد. درنیمهٔ دوم قرن دوازدهم سبک نسبةً ساده رایج گردید والمرابطین تزیینات نباتی شرقی اسلامی را برطرحهای مفصل تزیینی آندلسی ترجیح دادند.

نفوذ سیاسی اسلام درمغرب درحدود سال ۱۲۳۵ (۶۳۳ هـ.) روبانحطاط نهاد و خاك اسپانی بتدریج بوسیلهٔ مسیحیان تسخیر و تصرف شد. تنها سلسلهٔ بزرگی که توانست در مقابل مسیحیان مقاومت کند، سلسلهٔ بنی نصر در غرناطه بود که تا مدتی مجد وعظمت تمدن اسلامی اسپانی را حفظ کرد. از بزرگترین وعالیترین آثار قرن چهاردهم اسلامی در اسپانی قصر الحمراء درغرناطه است. در این قصر دیوارها وطاقهای اطاقها وصحن قصر با تزیینات مفصل گچبری زینت داده شده است. عنصر عمدهٔ این تزیینات اشکال توریقی نباتی و اشکال هندسی مشبک است که باسلوب اسپانیائی ومغربی ساخته شده است. اثر این تزیینات با بکاربردن رنگهای مختلف بخصوص سفید وآبی وقرمز وطلائی که مختص صنایع مغربی اسپانیائی است افزایش یافته است. این نوع گچبری رنگی بسایر نواحی اسپانی راه یافت ودرصنعت موسوم به مدجنین[۱] دیده میشود که نمونهٔ آن درقصر[۲] واقع در اشبیلیه ونمارخانهٔ کوچک مدجنین درمسجد قرطبه و بعضی از عمارات طلیطله[۳] آشکار است. در موزهٔ متروپولیتن یک سرستون مرمر از نوع سرستونهای قصر الحمراء وجود دارد که ازحیث اسلوب باسرستونهای دورهٔ اولیهٔ اسلامی آندلس فرق دارد.

۱ - Mudejar ۲ - Alcazar ۳ - Toledo

فصل هفتم

چوب بری و منبت کاری

۱ - چوب بری و منبت کاری در دورهٔ اموی و عباسی (قرن ۷ تا ۱۰)

اسلوب ساسانی و یونانی درصنعت چوب بری اوائل دورهٔ اسلامی ادامه یافت و بتدریج اسلوب جدیدی دراین صنعت پیدا شد. این تکامل و تطور در نمونه های متعدد که در مصر بخصوص در فسطاط و عین شمس در نزدیکی قاهره وجود دارد، بخوبی دیده میشود. تأثیر یونانی در تزیینات مسند های چوبی مسجد الاقصی در بیت‌المقدس بخوبی واضح است. در اینجا طرحهای برگ شوکت‌الیهود سوریه با طرحهای طوماری ترکیب یافته که بی‌شباهت بکاشی کاری قبهٔ‌الصخرة دربیت‌المقدس (۶۹۱ م./۷۲ ﻫ.) ومسجد بزرگ دمشق (۷۱۵ م./۹۷ ﻫ.) نیست. اسلوب جدید اسلامی که بهترین نمونهٔ آن جبههٔ قصر المشتی است، درتعدادی از آثارچوب‌بری مصر وعراق ظاهر است. بعضی ازآنها که درمجموعهٔ بناکی آتن موجود است، ممکن است بدورهٔ اموی تعلق داشته باشد، درحالیکه بعضی دیگر متعلق باوائل دورهٔ عباسی یعنی نیمهٔ دوم قرن هشتم یا اوائل قرن نهم است. مشهورترین نمونهٔ صنعت چوب‌بری اوائل دورهٔ عباسی منبر معروف مسجد قیروان درشمال افریقا است که بموجب بعضی از منابع تاریخی یکی از امرای اغالبه در اوائل قرن نهم آنرا از بغداد بشمال افریقا حمل کرد. این منبر از چندین ردیف که هر کدام به قسمتهای مستطیل‌شکل تقسیم شده، ترکیب یافته‌است.

هرقطعهٔ مستطیل شکل با اشکال مشبک هندسی یا شکل نباتی مجرد و اشکال موطوماری تزیین شده است. انحراف از اشکال طبیعی که در آثار اموی مشهود بود و درجبهٔ قصرالمشتی نیز دیده میشود، در اینجا آشکارتر است. در یکی از قطعات، شکل درخت نخل که‌ازدرخت‌زندگی‌شرقی اقتباس شده‌است بیک جفت شاخه منتهی میشود که روی میوهٔ کاج و طرح کروی شکل قرار گرفته و در طرفین آن شکل برگ نخل پردار ساسانی باسلوب عباسی کشیده شده است. سبک مجرد صنایع عباسی درنقش اشکال موطوماری که بجای خوشهٔ انگور برگ‌ومیوهٔ کاج‌دربین آنهابکاررفته، مشهوداست. شکل بعضی ازمیوه‌های کاج شباهت طبیعی خودرا حفظ کرده وبرخی بشکل برگ نخلی منتهی گشته وسطح آنهابجای پولک پولک داشتن، بایک سلسله برگ پوشانیده شده است. قطعات دیگر کاملاً با اشکال وطرحهای خالی زینت یافته که درحقیقت پیشقدم بعضی از عناصر اسلوب دوم و سوم تزیینات گچبری سامره است. منبر قیروان که تاریخ آن احتمالاً دورهٔ هارون‌الرشید (۸۰۹ - ۷۸۶ م./۱۹۴ - ۱۷۰ ه.) است، یکی‌ازبزرگترین شاهکارهای صنعت چوب بری ومنبت‌کاری بغداداست. مانند گچبریهای سامره، تزیینات این منبر حاکی از مهارت و دقت در جزئیات وریزه‌کاری و تنوع سطوح برجسته‌کاری است. چند نمونهٔ مهم دیگر صنعت چوب بری دورهٔ هارون‌الرشید که بعضی از آنها درتکریت شمال بغداد وبعضی درمصر پیدا شده، درموزهٔ متروپولیتن‌محفوظ است. عالیترین‌آنها قطعهٔ درازی است از قاب و تختهٔ میان در (شکل ۶۱) که از تکریت بدست آمده و ممکن است قسمتی از منبری باشد. این قطعه با اشکال موطوماری و انشعابات مدور وتعبیرات مستقل تزیین شده ورویهمرفته‌طرح‌تزیینی زیبائی‌را تشکیل میدهد. در دوقطعهٔ‌مستطیل‌ومربع‌شکل، اسلوب تزیینی دور از طبیعت از شکل طرح موطوماری‌بخوبی هویدا است. دراینجا بجای برگ‌موطرح‌برگ‌نخلی که ازصنعت دورهٔ ساسانی اقتباس شده بکار رفته است و همانطور که در جبههٔ قصرالمشتی و منبر قیروان دیده شده، میوهٔ کاج روی شاخه های مو قرار داده شده است.

شکل میوهٔ مخروطی کاج در دورهٔ اموی مورد توجه واقع شد و در تزیینات دورهٔ اولیهٔ اسلام نقش عمده داشته است و در کاشی کاری بیت‌المقدس و در نقوش برجستهٔ قصرالمشتی وقصرالطوبی و در منبر قیروان و گچبریهای قرن نهم سامره امثال و نمونهٔ آن دیده میشود.

درموزهٔ متروپولیتن قطعهٔ دیگری که از تکریت بدست‌آمده موجوداست که طرح پرکاری ازنقش موپیچیده‌دارد و بقسمتهای مختلف تقسیم شده‌است، بطوریکه یک دایرهٔ بزرگ دروسط وچندین دایرهٔ کوچک در اطراف آن تشکیل میدهد. برگ مو در این طرح سه شاخه است و رگه های برگ در آن نشان داده شده است. یک قطعهٔ دیگر متعلق به تکریت بسه قسمت مستطیل شکل تقسیم شده. درقسمت وسط تعبیرات و شکل بال بارده های موجدار که از صنعت دورهٔ ساسانی گرفته شده، کشیده شده‌است. در دو قسمت کوچکتر طرح محراب و نقوش مو دیده میشود. یک قطعهٔ منبت کاری دیگر که شبیه قطعهٔ نامبرده در بالا است درموزهٔ اسلامی قاهره است که درقبرستان عین‌الصیره پیدا شده ومیتوان آنرا نیز بمکتب بغداد نسبت داد.

درفصل گذشته دربارهٔ حجاری و گچبری گفته شد که در اواخر قرن هشتم هنرمندان مسلمان اسلوب جدیدی برای طرحهای تزیینی بوجود آوردند که متناسب با کنده کاری از هرنوع باشد و این ابتکار در وهلهٔ اول از چوب بری و منبت کاری شروع شد. از این اسلوب عباسی یک در چوبی کامل در موزهٔ متروپولیتن موجود است (شکل ٦٢) و همچنین دوقطعهٔ دیگر چوبی وجود دارد که بالای درگاه یا جهت پوشش سقف اطاق بکار می‌رفته است. این قطعات از تکریت بدست آمده وبدون تردید متعلق بسامره است که درنزدیکی آن محل واقع است. این قطعات بزرگترین وبی‌عیب ترین نمونهٔ چوب‌بری ومنبت کاری این منطقه است. تزیین در مطابق مرسوم بقطعات مربع ومستطیل تقسیم شده‌است، درهمهٔ این قطعات طرح تزیینی عبارتست از ترکیبی از اشکال توریقی پیچیده واشکال گلدان که بدون آنکه بطبیعت شباهت داشته باشد، طرح بسیار زیبائی

تشکیل داده است. اسلوب تزیینی عباسی در مصر نیز رواج یافت و در دورهٔ طولونی (۹۰۴ - ۸۶۸ م./۲۵۵ تا ۲۹۲ هـ.) موردتوجه بسیار واقع شد. مجموعهٔ مفصلی از چوب‌بری و منبت‌کاری دورهٔ طولونی درموزهٔ صنایع اسلامی قاهره وجود دارد که شامل قطعات درچوبی، سقف، قرنیس و اثاثه است که بعضی از آنها بارنگهای شفاف رنگ شده است. چندین نمونهٔ خوب نیز درموزهٔ متروپولیتن موجود است.

در اوائل قرن دهم صنعتگران مصری دراسلوب وطرز کارعباسی تغییراتی دادند. حفر نقوش را عمیقتر کردند واشکال مدور ومنحنی بیشتر بکار بردند؛ از این اسلوب دو نمونه درموزهٔ متروپولیتن وجود دارد.

۳ - چوب‌بری و منبت‌کاری دورهٔ فاطمی در مصر و سوریه (قرن ۱۰ تا ۱۲)

تمایلات جدید که موجب تغییر اسلوب تزیینات حجاری و گچبری گردید در دورهٔ فاطمی در صنعت چوب بری و منبت کاری نیز تأثیر کرد. طریقهٔ کنده‌کاری متمایل و روش تزیینی طولونی مدت طولانی تری در چوب بری دوام یافت، چنانکه در تیرهای چوبی مسجد الحاکم و در ورودی جامع الازهر (۹۷۰ میلادی /۳۶۰ هـ.) که در موزهٔ صنایع‌اسلامی قاهره است دیده میشود. طبق نوشته هائیکه روی در مزبور حک شده، این دربفرمان خلیفه الحاکم بامرالله که در سال ۱۰۱۰ میلادی (۴۰۱ هـ.) جامع الازهر را تعمیر کرد ساخته شده است. تزیینات آن عبارتست از قطعات مستطیل شکل که طرحهای اشکال‌نباتی باسلوب عباسی دارد که درهمهٔ‌قطعات متقابلاً دیده میشود. درتهیهٔ اشکال‌تزیینی رایج هنرمندان دورهٔ فاطمی ازاصول هنری که در گچ بریهای جامع‌الازهر وجودداشت پیروی کردند. درمسجد الحاکم شاخهٔ اتصالی اشکال نباتی برجسته و نمایانتر از سابق است و تعبیرات تزیینی بطور مشخصی ازهم جدا شده است.

در زمان خلیفه الحاکم موضوع و اسلوب رایج دورهٔ طولونی و طریقهٔ کنده‌کاری روی چوب جای خود را باسلوب فاطمی داد که بهترین نمونهٔ آن

درمجموعهٔ موزهٔ متروپولیتن یک قطعه مستطیل‌شکل از یک دراست (شکل ٦۳) . کنده‌کاری برجستهٔ این قطعه وطرح تزیینی آن مرکب است از اشکال نباتی و سردو اسب که از دهان آنها اشکال برگ نخلی نیمه و تمام خارج میشود . از صفات مشخصهٔ این قطعه وقطعهٔ شبیه آن که در موزهٔ صنایع اسلامی قاهره است ، دقت در ترسیم و جزئیات اشکال برگ نخلی ودهنه ولجام اسب است . یکی از بهترین نمونه های موجود چوب بری دورهٔ فاطمی یک قطعه دیوارهٔ چوبی از کلیسای سیت‌بربارا[۱] درقاهرهٔ قدیم است که فعلاً درموزهٔ قبطی محفوظ است . اگر چه این قطعه ساخت صنعتگران قبطی‌است ، قطعات مستطیل شکل و تزیینات آن همهٔ خصوصیات و تنوع اسلوب وهنردورهٔ فاطمی رادر بردارد . قسمتهای مختلف این قطعه با اشکال نباتی که بعضی از آنها از قاعده و پایهٔ طرح منشعب میشود، تزیین‌شده و اشکال حیوانات وپرندگان‌و اشکال انسانی نیز در آن بکار رفته است . دراینجا مناظر شکار و مناظر دربار و موضوعهای مختلف‌مرکب ازپرندگان وحیوانات بطورمفردیا جمع دیده میشود . این اشکال و طرحهای طوماری یک واحد تزیینی تشکیل میدهد که از خواص اسلوب تزیینی‌دورهٔ فاطمی است. با اینکه تزیینات این قطعه تحت تأثیراسلوب و رسوم قبطی کشیده شده ، اشکال‌حیوانی باسلوب‌دورهٔ فاطمی که درسایربلاد اسلام نیز رایج بود ساخته شده است . ترسیم حیوانات‌و اشکال انسانی که در چوب بری عصر فاطمی بکارمیرفت ، تاقرن یازدهم ادامه یافت. ازنمونه های مهم و بارز این اسلوب تعداد زیادی قطعات چوب منبت‌کاری شده‌و در چوبی است که از بیمارستان و قبهٔ قلاوون و ابنیهٔ پسرش الناصر محمد بدست آمده است . این قطعات در اصل جزئی از تزیینات قصر الغربی الفاطمی است که خلیفه العزیز (۹۹٦ - ۹۷۵ م./ ۳۸٦ - ۳٦۵ ﻫ .) بنای‌آنرا شروع کردودرسالهای بین ۱۰۵۸ و ۱۰٦۵ میلادی(۴۵۰و۴۵۸ ﻫ.) درزمان خلیفه المستنصرباتمام رسید. این قصر که قسمت عمدهٔ آن در زمان صلاح‌الدین خراب و منهدم شد ، درمحل بناهای

۱ - Sitt Barbara

قلاوون که در بالا بآن اشاره شد قرار داشت. صنعتگران مملوکی بعضی از قطعات چوب دورهٔ فاطمی را گرفته‌و درپشت آنها تزییناتی حک کردند وآنهارا در بیمارستان قلاوونی بکار بردند و این قطعات را با اشکال انسانی و مناظر صید و مجالس طرب و اشکال ساز زن وتاجر باشترهایش و حیوانات‌وپرندگان در درون منطقه‌های جدا که بوسیلهٔ اشکال تزیینی متشابک از هم سوا شده و در زمینهٔ اشکال گل و گیاه تزیین کردند. این تزیینات اطلاعات جالب توجهی از طرز زندگی و عادات و رسوم دورهٔ فاطمی بدست میدهد. اشکال تزیینی این قطعات از سایر چوب بریهای اوائل دورهٔ فاطمی بیشتر بطبیعت نزدیک است و این توجه بحقیقت بینی که شاید در اثر نفوذ صنایع قبطی است و در ترسیم اشکال انسانی و حیوانات بخوبی دیده میشود. جزئیات این نقوش خوب معلوم نیست، زیرا این قطعات در اصل رنگ میشد. بعضی از قطعات که دارای تزییناتی باشکال حیوانات‌و در موزهٔ متروپولیتن موجود است (شکل ٦٤) ممکن است به نیمهٔ دوم قرن یازدهم تعلق داشته باشد.

اسلوب‌چوب‌بری فاطمی‌درقرن دوازدهم ادامه یافت‌و طرزعمل مفصلتر و دقت در جزئیات زیادتر شد. از بهترین نمونه‌های ساخت قرن دوازدهم محراب‌مسجد السیدة نفیسه‌است که‌بین‌سالهای۱۱۳۸و ۱۱٤٥ (٥۳۳ و ٥٤۰ هـ.) ساخته شده است. تزیین این محراب که فعلاً در موزهٔ صنایع اسلامی قاهره است، عبارتست از اشکال نباتی زیبا و اشکال موّتداخل وخطوط هندسی که بشکل کثیرالاضلاع از آنها ساخته شده است. صفحهٔ مستطیلی بقطعات مختلف تقسیم شده‌و داخل هر قطعه با اشکال توریقی و موطوماری تزیین شده است. این طریقهٔ تزیین صفحات بزرگ بتدریج درچوب‌بری ومنبت‌کاری اسلامی‌رایج گردید ودردورهٔ مملوکی بمنتها درجهٔ کمال و زیبائی رسید. تزیین این صفحات بزرگ یکنواخت نیست، بلکه صفحه بقسمتها وواحدهای کوچکتر که معمولاً اشکال هندسی شش گوش وستاره است، تقسیم میشود و هریک ازاینها طرح تزیینی‌مخصوص بخوددارد. ازنمونه‌های‌این‌طریقه‌تزیین‌محراب‌مسجدالسیدة رقیه

را میتوان ذکر کرد که درسالهای بین ۱۱۵٤ و ۱۱۶۰ (۵٤۹ و ۵۵۶ ه .)ساخته شده است و در موزهٔ قاهره محفوظ است. تمام صفحهٔ این محراب طرحهائی با اضلاع متعدد دارد که داخل هریک طرحهای تزیینی نباتی حک شده است . قسمت عقب و طرفین آن با اشکال توریقی و نباتی که از گلدانهائی خارج میشود تزیین گردیده است . اگرچه اشکال توریقی در دورهٔ فاطمی طرح تزیینی اصلی است ، معهذا گاهی اشکال برگ مو و انگور در بین اشکال برگ نخلی دیده میشود و نمونهٔ آن منبر مسجدالعمری در قوص است که تاریخ آن ۵۰۰ هجری یا ۶-۱۱۵۵ میلادی است. تزیینات باشکال حیوانی که در قرن یازدهم رایج‌بود در قرن دوازدهم ادامه یافت ، ولی این تزیینات از حیث کار و ساخت بخوبی اشکال قدیم نیست و شکل حیوانات وپرندگان بدون دقت در جزئیات کنده شده است . از اینگونه تزیینات چند نمونه در موزهٔ متروپولیتن وجود دارد . یکی از بهترین نمونه‌های چوب بری باسلوب قرن دوازدهم دیوارهٔ چوبی کلیسای ابی‌سیفین درقاهره‌است که تاریخ‌ساخت آن ممکن‌است بین‌سالهای ۱۰۹٤ و ۱۱۲۱ (٤۸۷ و ۵۱۵ ه .) باشد . این دیواره بقطعات مستطیلی تقسیم شده که درداخل آنها اشکال حیوانات وصور قدیسین واشکال نباتی‌و صلیب ترسیم گردیده است .

صنعتگران چوب‌بری‌ومنبت‌کاری سوریه در دورهٔ فاطمی ازلحاظ‌مهارت و ابتکار موضوع از همکاران مصری خود عقب‌تر نبودند. چندین اثر مهم از سوریه و فلسطین باقی‌مانده که ازجمله منبر کامل مسجدالخلیل در حبرون[۱] فلسطین است که برای مسجدالحسین در عسقلان[۲] ساخته شده بود (۲-۱۰۹۱م. ٤۸٤-۵ ه .) .این منبر با اشکال نباتی متشابک و با دقت تمام تزیین وساخته شده است. دردمشق نمونه‌های متعدد از کارهای چوب‌بری ومنبت‌کاری وجود دارد که ازجمله پرده یا حاجزمقصوره‌مسجد باب‌المصلی(۱۱۰۳ م./٤۹۷ ه.) را میتوان نام برد که فعلاً درموزهٔ دمشق محفوظ است.

۱ - Hebron ۲ - Ascalon

۳ - چوب‌بری و منبت‌کاری دورهٔ ایوبی در مصر و سوریه (قرن ۱۲ تا ۱۵)

صنعت چوب‌بری و منبت‌کاری دورهٔ ایوبی که در سال ۱۱۶۸م. (۵٦٤ هـ.) آغاز گشت باسلوب‌وروش‌فاطمی ادامه داد؛ تنها تفاوتی که بادورهٔ سابق داشت این بود که تزیینات نباتی مفصلتر شد و در کتیبه‌ها خط کوفی جای‌خودرا بخط نسخ داد. از نمونه‌های عالی و بدیع این صنعت در دورهٔ ایوبی نقش ومنبت‌کاری تابوت شاهزاده خانم عادلیه درضریح الامام الشافعی است (۱۲۱۲ - ۱۲۱۱ م./٦۰۹ - ٦۰۸ هـ.). درموزهٔ صنایع اسلامی‌قاهره نمونه های عالی دیگر موجود است. ازجمله قطعه ای از تابوت قبرالامام الشافعی مورخ ۵۷٤ هجری (۱۱۷۸ میلادی) و چهار طرف تابوتی از مقبرهٔ امیرثعلب بتاریخ ٦۱۳ هجری (۱۲۱٦ میلادی) که یکی از آنها درموزهٔ ویکتوریا وآلبرت لندن موجود است. دربعضی ازچوب‌بری ومنبت‌کاریهای دورهٔ ایوبی بخصوص در سوریه‌تأثیر اسلوب سلجوقی‌دیده میشود. این تأثیر ازیک‌قطعه مستطیل‌شکل دری که دردمشق ساخته شده بود وفعلاً درموزهٔ متروپولیتن است آشکار است.

در نیمهٔ دوم قرن سیزدهم در زمان سلاطین مملوکی صنعت چوب بری حتی از زمان ایوبی هم مفصلتر و دقیقتر گردید. صنعتگران دورهٔ مملوکی از اشکال برگ نخلی و تزیینات نباتی اشکال تزیینی جدیدی ابتکار کردند که در آنها توجه و دقت بجزئیات نقش عمده بازی میکند. طرحهای هندسی که از قطعات وقسمتهای کوچک تشکیل میگردید ومعمولاً اشکال شش گوش دور یک ستاره بود، رایج ومرسوم گردید وهمهٔ اینها با اشکال نباتی مشبک تزیین میشد (شکل ٦۵). در این صنعت چوبهای مختلف‌الالوان از جمله آبنوس بکار میرفت و گاهی عاج و استخوان به‌آنها اضافه میشد ودربعضی از مساجد قاهره منبرهای کامل از دورهٔ مملوکی یعنی قرن سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم موجود است؛ مانند منبر مسجد صالح طلائع و منبر مسجد ابن طولون. درموزهٔ ویکتوریا و آلبرت لندن قطعاتی از منبر مسجد ابن طولون که در سال ۱۲۹٦م. (٦۹٦ هـ.) بامر سلطان لاجین ساخته شده موجود است. این‌موزه نمونه های‌عالی

دیگری ازچوب بری دورهٔ مملوکی واز جمله چند قطعه از منبرمسجد الماردانی دارد. تزیینات این قطعات در دو سطح کنده شده و شبیه منبر لاجین است ولی ساخت‌آن بهتروپر کار تراست. در همین‌مجموعه‌قطعات‌دیگری که‌ممکن‌است بمنبر مسجدقوصون که‌درحدود ۱۳۴۷ (۷۴۸ ه.) ساخته‌شده‌تعلق‌داشته‌باشدوجوددارد.

درقرن پانزدهم صنعت چوب بری ومنبت کاری روبانحطاط نهاد ،بعضی نمونه‌های خوب از این دوره دیده میشود ولی حتی بهترین آنها از حیث ساخت ومهارت وتزیین پست تر از دوره های قبل است. از نمونه های عمل این قرن منبرمسجد قایت بای‌درقاهره‌است (۱۴۹۶ - ۱۴۶۸ م. ۸۷۳/۹۰۲ ه.) که‌اکنون درموزهٔ ویکتوریا وآلبرت لندن قراردارد. یکنوع چوب بری که اززمان قبطی‌ها درمصررواج داشت ، طرح سوراخ‌سوراخ بود که المشربیه‌نامیده میشد ودرقرن چهاردهم‌وپانزدهم‌میلادی (۸و۹ هجری) بحد کمال‌خودرسید. این‌نوع چوب‌بری که از آن دیواره یا حاجز ساخته میشد ، برای جدا کردن مقصوره ازسایر نقاط مسجد بکار میرفت و همچنین در خانه و منازل خصوصی بجای پنجره و حفاظت زنان حرم از آن استفاده میشد. این دیواره ها اغلب طاقچه‌های کوچک داشت که میشد کوزه وظرف آب روی آن قرار داد. با تغییر و تبدیل قسمتهای مدور وفواصل‌ارتباطی بین اجزاء مختلف صنعتگران میتوانستند انواع واقسام طرحهای مختلف بوجود آورند.

نمونه‌های ساخت قرن هیجدهم و نوزدهم هنوز در بعضی از خانه‌های قاهره و در موزه های مختلف مانند موزهٔ ویکتوریا و آلبرت در لندن و موزهٔ متروپولتین در نیویورك دیده میشود.

۴ - چوب بری‌ومنبت کاری اوائل دورهٔ اسلامی در ایران و ترکستان (قرن ۱۰ و۱۱)

از صنعت چوب بری دورهٔ اسلامی قبل ازاستیلای سلاجقه در ایران نمونه های زیادی باقی نمانده است . چند قطعه چوب بخط کوفی‌متعلق بقرن دهم‌درموزه‌ها ومجموعه های خصوصی‌یافت‌میشود . از کارهای قرن یازدهم ودوازدهم درمغرب ترکستان نمونه‌هائی درموزهٔ تاشکند و سمرقند موجود است . بعضی دیگر در مکان اصلی خود باقیست و از جمله ستونهای

مسجد جمعهٔ شهر خیوه است . در نمونه های اولیهٔ صنعت چوب بری این ناحیه تزییناتی دیده میشود که بی شباهت به تزیینات اوائل دورهٔ فاطمی در مصر نیست. در تاریخ صنعت چوب بری اسلامی درمقبرهٔ محمود غزنوی (۱۰۳۰-۹۹۸م./ ۴۲۱-۳۸۸ هـ.) که فعلاً درموزهٔ «آگرا» درهند است، شایان اهمیت و توجه مخصوصی است. این در شامل چهار قطعه عمودی است که هر کدام با هفت ردیف ستاره که با اشکال نباتی و هندسی تزیین شده زینت یافته است. طرحهای طوماری شکل معمولاً دارای دو ساقهٔ مختلف است که با رده‌های نقطه داربهم اتصال یافته است. این طرح در بعضی نمونه های اسلوب فاطمی (شکل ۶۳) دیده میشود. زیربری عمیق این طرح تزیینی درچندین سطح ترتیب داده شده‌است وظاهراً این طریقه از ابتکارات صنعتگران ایرانی است. رابطهٔ بین طرح این در و اسلوب فاطمی ازردیف قطعات مربع شکل که درپشت در کنده شده آشکار است . در اینجا تزیینات توریقی نباتی با تعبیرات دورهٔ عباسی ترکیب شده وتمایلات صنعتی چوب‌بری دورهٔ الحاکم بامرالله مورد توجه قرار گرفته است. شواهد وادلهٔ تاریخی و صنعتی حاکی ازآنستکه این ابتکارات در آسیای وسطی و ایران بوجود آمده و بعداً بتدریج و در نتیجهٔ مهاجرت قبائل ترك و تسخیر بلاد شرق اسلامی بنقاط دیگر راه یافته و تقویت گردیده است.

۵ - چوب بری دورهٔ سلجوقی درایران و آسیای صغیر (قرن ۱۱ تا ۱۳)

از کارهای چوب‌بری دورهٔ سلجوقی نمونه های زیادی دردست نیست و احتمال میرود که بعضی نمونه ها هنوز درمساجد غیرمعروف ودور دست وجود داشته باشد. خوشبختانه دو قطعه از یک منبر ساخت قرن دوازدهم میلادی (۶ هجری) درموزهٔ متروپولیتن وجود دارد ، یکی ازآنها قطعهٔ بزرگی است که کتیبه‌ای بخط کوفی درچندسطر برآن منقوش وطرحهای توریقی ونباتی روی آن کنده شده است . قطعهٔ دیگر قسمتی از چهارچوب یک منبر است که دارای قسمتهای شش گوش وطرحهای بزرگ نخلی است که در بعضی ازسنگ قبرهای

معاصر ایران دیده میشود. این قطعه کتیبهٔ جالب توجهی دارد که نام کسیکه آنرا هدیه کرده ونام سلطان وقت یعنی «علاءالدوله‌ابوکالیجار گرشاسب»[1] یزدی که درخدمت سلاجقه بوده روی آن نقش‌شده وتاریخ آن ٥٤٦ هجری یا ۱۱۵۱ میلادی است. چوب‌بریهای آسیای وسطی در قرون دوازدهم وسیزدهم ازحیث ساخت وزیبائی طرح درنوع خود بی‌نظیر وبابهترین کارهای مصر وسوریه‌قابل مقایسه است. درموزهٔ قونیه و اسلامبول تعدادی منبر و تابوت و رحل زیر قرآن از کار های این دوره موجود است. طرحهای تزیینی و نباتی و چوب بریهای سلجوقی دارای خصوصیات مشخصه ایست که نشان میدهد آنها متعلق بآسیای صغیر است. یکی از بهترین و همچنین قدیمترین نمونهٔ صنعت چوب بری این دوره منبری است که درسال ٥٥٠ هجری (۱۱٥٥میلادی) ساخته شده ودرمسجد علاءالدین در قونیه قراردارد.

طرحهای تزیینی ونباتی این‌منبر دارای برگهای مدوراست که به‌تعبیرات دگمه‌ای منتهی میشود و شبیه طرحهای چوب بری قرن هشتم ترکان‌اویغور آسیای وسطی است. اینگونه طرح برگ نخلی و برگ معمولی بخصوص در یک رحل قرآن چوبی قرن سیزدهم که تاریخ آن ٦٧٨ هجری (۸۰ - ۱۲۷۹ میلادی) است و در موزهٔ قونیه است و یکی دیگر که در کوشک چینیلی در اسلامبول است بخوبی مشهود است. سه در چوبی در موزهٔ اسلامبول وجود دارد که از لحاظ تزیین فوق‌العاده زیبا است و روی آن نه تنها طرحهای اشکال نباتی نقش شده، بلکه شکل شیر و طاوس و اشکال انسانی نیز دیده میشود که شبیه تزیینات معاصر بغداد و موصل است. ازنمونه‌های دیگر تزیین روی چوب باسلوب سلجوقی درقرن سیزدهم تابوت قبر سید محمود الحیرانی در «آکشهر»[2] و چند در چوبی در موزهٔ اسلامبول و مجموعهٔ اسلامی موزهٔ برلین است که همه دارای طرحهای زیبا و کتیبه بخط عربی است.

۱- این‌شخص ازدیالمهٔ کاکویه وپادشاه یزد و دامادملکشاه‌سلجوقی یعنی‌شوهرخواهرسلطان‌سنجر بوده است .م. ۲ - این‌کلمه درمتن انگلیسی Akshehir ودرترجمهٔ عربی آکشهر است وممکن است تلفظ ترکی آن آق شهر باشد . م .

۶ - چوب بری و منبت کاری دورهٔ تیموری و مغول در ایران و ترکستان (قرن ۱۴و۱۵)

چوب بری و تزیین روی چوب در اوائل دورهٔ مغول یعنی نیمهٔ دوم قرن سیزدهم واوائل قرن چهاردهم میلادی (۸ هجری) بندرت پیدا میشود. در مسجد جامع بایزید در بسطام درهای چوبی متعلق به ۱۳۰۷ تا ۱۳۰۹ (۷۰۷ تا ۷۰۹ هـ.) وجود دارد که با طرحهای نباتی و کتیبه بخط کوفی واشکال هندسی متشابک شبیه حجاری و گچبری آنزمان ایران تزیین شده است. بعد از آن تاریخ منبر مسجد نائین را میتوان نام برد که تاریخ آن ۷۱۱ هجری (۱۳۱۱ میلادی) است. این منبر دارای قطعات مستطیلی شکل است که با اشکال هندسی و برگهای مدور تزیین شده. برش کنده کاری این منبر ازلحاظ کار وهمچنین تزیین آن که از اسلوب دورهٔ سلجوقی اقتباس شده از آثار دیگر پست‌تر است.

در نیمهٔ دوم قرن چهاردهم صنعت چوب بری ایرانی بخصوص در ترکستان غربی از لحاظ فنی وهنری بدرجهٔ عالی رسید. درموزهٔ متروپولیتن یک رحل قرآن چوبی (شکل ۶۶) موجود است که میتوان آنرا از شاهکارهای چوب بری دورهٔ مغول ایران محسوب داشت. تزیینات زیبای آن عبارتست از اشکال توریقی و نقوش خطی و اشکال نباتی و گل و گیاه که ازآنها شکوفه و اشکال برگ نخلی منشعب میشود واز صنایع چینی اقتباس شده است. کتیبهٔ آن علاوه برنام دوازده امام اسم سازندهٔ آن یعنی حسن بن سلیمان اصفهانی را نشان میدهد وتاریخ‌ساخت آن ذی‌الحجه سال ۷۶۱ هجری (نوامبر ۱۳۶۰ میلادی) ذکر شده است. نام سازندهٔ این رحل قرآن حاکی از آنستکه این قطعه درایران ساخته شده ولی اسلوب و طرز کار آن که باچوب بری قرن چهاردهم درمغرب ترکستان شباهت دارد دلیل برآنستکه این قطعه درترکستان ساخته شده‌است. سازنده و حکاک ازهمهٔ عناصر تزیینی مکتب مغول استفاده کرده و آنهارا باتأثیر کامل درگوشه‌ها ومنطقه‌های مختلف قرارداده و گاهی اشکال مشبک وتوخالی وگاهی چند طرح مختلف‌را برروی‌هم قرارداده است.

چند درچوبی دورهٔ تیموری بصنعتگران ترکستان نسبت داده میشود . دوتای آنها در مسجد خواجه آزاد یساوی در خود شهر ترکستان قرار دارند . تاریخ یکی از آنها ۷۷۹ هجری (۱۳۹۷ میلادی) وتاریخ دیگری ۷۹۷ هجری (۵-۱۳۹٤ میلادی) است. طرح توریقی و گل قسمت مرکزی این دراخیرشخص را بیاد تزیین رحل قرآن مورخ ۱۳۶۰ می‌اندازد. تزیینات هردودر مفصل ودارای چندسطح برجسته کاری است. از نمونه‌های دیگر درمقبرهٔ گورمیر در سمرقند (درحدود ۱٤۰۵ م. / ۸۰۸ ﻫ.) درموزهٔ هرمیتاج ودرمسجد شاه زند سمرقنداست.

در عصر تیموریان صنعت چوب بری از اسلوب و روش دورهٔ مغول پیروی کرد. ازنمونه‌های این دوره یعنی اوائل قرن پانزدهم درمدرسهٔ اولوغ بیک (۱٤۱۷ م./۸۲۰ ﻫ.) در سمرقند را میتوان نام برد . یک جفت در در موزهٔ متروپولیتن هست که متعلق به نیمهٔ دوم قرن پانزدهم میلادی (۹ هجری) میباشد. این دو در بقطعه‌های مربع تقسیم و داخل هر کدام تقسیمات دیگری شده‌است و تزیینات آن عبارتست از اشکال هندسی و توریقی و اشکال زیبای برگهای ظریف که معمولاً در تذهیب کاری های دورهٔ تیموری دیده میشود. حکاکی آن زیاد برجسته نیست وهمچنین دقت و تفصیل کارهای ترکستان غربی درآنها دیده نمیشود. چهار منطقهٔ آن دارای کتیبه و نام هدیه کننده یعنی داودبن علی وسازنده یعنی محمدبن حسین وتاریخ ساخت یعنی ۲۰ رمضان ۸۷۰ (۷مه ۱٤۶۶) روی آن نقش شده است. شبیه این دو در از لحاظ اسلوب تابوتی است درمدرسهٔ طراحی رود آیلند در پرویدانس[۱] که بنا بقول پرفسور ویت[۲] بامر امیر گستهم در رمضان سال ۸۷۷ هجری (فوریه ۱٤۷۳) باحتمال قوی در ولایت مازندران ساخته‌شده‌است. اسلوب حکاکی وچوب‌بری ترکستان غربی ازدری که‌از کوکند[۳] آمده و در جزو مجموعهٔ موزهٔ متروپولیتن است (شکل ٦۷) آشکار است. قسمت مرکزی این دربا طرح توریقی متشابک واشکال برگ نخلی بزرگ بطوربرجسته

۱ - Rhode Island School of Design in Providance ۲ - Wiet ۳ - دراصل انگلیسی Kokand و شاید صحیح آن خوقندی است.م.

کنده شده و درحاشیهٔ آن اشکال گل وطوماری کمتر برجسته دیده میشود. این در در اصل چنانکه در ترکستان مرسوم بود رنگ شده بوده است و هنوز اثر رنگ در بعضی نقاط آن دیده میشود. زمینهٔ آن آبی و طرح تزیینی برنگ قرمز قهوه‌ای وطلائی بوده است. با مقایسهٔ آن با کارهای قرن پانزدهم ازقبیل پنجره و درمقبرهٔ تیموردرسمرقند، میتوان این دررا متعلق باواخر قرن پانزدهم دانست. بسیاری از خصائص تزیینی دورهٔ صفوی در قرن شانزدهم که بعداً ترقی کرد و رایج گردید درطرح تزیینی این در آشکار است.

۷ - چوب بری دورهٔ صفوی در ایران (قرن ۱٦ تا ۱۸)

اطلاعات ما دربارهٔ صنعت چوب‌بری دورهٔ صفوی بیشتراز درهائیست که درمساجدایران‌وترکستان‌غربی‌ودرموزه‌های مختلف مانند موزهٔ گلستان درتهران‌ومجموعهٔ اسلامی‌موزهٔ برلین وجود دارد. تزیینات این درها بیشتر عبارتست ازاشکال‌توریقی یاطرحهای گل که گاهی با اشکال‌حیوانات‌توأم‌است. ازنمونه‌های خوب این صنعت در دورهٔ صفوی یک جفت دراست درتهران که کار شخصی بنام علی‌بن صوفی بتاریخ ۱۵۰۹ (۹۱۵ ﻫ.) است و در دیگری است درموزهٔ برلین ساخت حبیب‌الله‌درسنهٔ ۱۵۹۰ میلادی(۹۹۵ﻫ.). درقرن هفدهم وهجدهم میلادی (۱۱ و ۱۲ هجری) صنعت چوب بری و حکاکی رو بانحطاط نهاد و درهائیکه دراین دوره ساخته‌شده اغلب بجای حکاکی‌رنگ ونقاشی شده است. یک‌جفت در از این دوره در موزهٔ متروپولیتن (شکل ٦۸) و یک جفت دیگر در موزهٔ ویکتوریا وآلبرت لندن است که متعلق بقصر چهل‌ستون اصفهان بوده و میتوان آنها را به نیمهٔ اول قرن هفدهم میلادی (۱۱ هجری) نسبت داد. همهٔ اینها دارای مناظر باغ دروسط وحاشیهٔ‌تزیینی از گل‌واشکال‌طوماری است.

۸ - صنعت چوب‌بری و حکاکی در اسپانی و شمال افریقا

دربارهٔ‌صنعت چوب‌بری‌وحکاکی‌دورهٔ اولیهٔ‌مغربی‌واسپانیائی اطلاع زیادی در دست نیست، زیرا قسمت عمدهٔ کارهای صنعتی این دوره ازجمله منبر و دیوارهٔ چوبی مسجدالحکم در قرطبه بکلی از دست رفته است. ولی چندین نمونه‌منبر

متعلق بقرن یازدهم و دوازدهم در شمال افریقا محفوظ مانده است. قدیمترین منبرها منبر مسجد جامع الجزیره است که در سال ۱۰۸۲ میلادی(٤٧٥ ﻫ.) توسط المرابطین[1] ساخته شده است. تزیینات آن عبارتست از قطعات مربع که باشکال هندسی متشابک واشجار نخل واشکال توریقی بسبک مغربی اسپانی که توسط هنرمندان آندلسی بشمال افریقا آورده شده بود حک شده است. از نمونه های خوب تزیین باین اسلوب که تا کنون باقیمانده دیوار چوبی و سقف مسجد تلمسان است که با اشکال نباتی که در گچبری آنزمان وجود داشت حکاکی شده است. منبر مسجد قرویین که درقرن دوازدهم ساخته شده نمونهٔ دیگری از حکاکی دورهٔ المرابطین است. از چوب‌بری وحکاکی دورهٔ الموحدین دومنبر عالی باقی‌مانده که یکی در مسجد الکیبیه در مراکش است وبین سالهای ۱۱۵۰ و ۱۱٦۰ میلادی(٥٤٥ و ٥٥٥ﻫ.) ساخته شده ودیگری منبر مسجدالقصبه است. تزیین طرفین این منبرها عبارتست از اشکالی با اضلاع متعدد و قطعاتی در داخل آنها که بشکل اشکال هندسی درآمده‌ومتناسب باساخت‌منبر است .قطعات‌مختلف‌دارای‌اشکال نباتی‌وطوماری‌است که با دقت بسیار و جزئیات کامل حکاکی شده است و شخص را بیاد حکاکی روی عاج مکتب‌غربی واسپانیائی قرن دهم ویازدهم میلادی (٤ و ٥ هجری) می‌اندازد. تزیین این منبر با استعمال قطعات باریک استخوان وچوبهای قیمتی غنی‌تر و مفصلتر گردیده است.

محراب مسجدالقصبه بخصوص دارای کاشی کاری است که‌اشکال هندسی باسلوب مصری وعربی تشکیل میدهد. چوب‌بری وحکاکی دورهٔ جدیدترمغربی اسپانیائی مخصوصاً در قرن چهاردهم یا تقلید همان طرحها و اشکال‌قدیم است یا باسلوب مملوکی مصر تزیین شده است. از نمونهٔ اولی منبر مسجد بوعنانیه در شهر فاس (فز) و ازنمونهٔ دوم درطالار خواهران درقصر الحمراءدرغرناطه و در های القصر[2] در شهر سویل[3] است.

۱ ـ مرابط بمعنی مرزدار است و مرابطین سلسله‌ای از امرای بربرند در شمال افریقا که مدتها بر آن ناحیه حکومت میکردند.م. ۲ - Alcàzar ۳ - Seville

فصل هشتم

حکاکی عاج و استخوان

۱ـ حکاکی عاج و استخوان در دورهٔ اموی و عباسی (قرن۷تا۱۰)

نمونهٔ کنده کاری روی استخوان متعلق باوائل دورهٔ اسلامی در نقاط مختلف مصر و از جمله فسطاط پیدا شده است. در بسیاری ازاین نمونه ها مانند چوب‌بری اسلوب و روش قبطی بخصوص در قسمت اشکال مو دیده میشود. تا این اواخر تمام لوحهائیکه دارای اشکال تزیینی مو و انگور بود بدون تمایز و دقت بدورهٔ قبل از اسلام نسبت داده میشد. درحالیکه واضح و آشکار است که بعضی از آنها باوائل دورهٔ اسلامی تعلق دارد و این امر نه‌تنها ازطرح کم برجستهٔاشکال، بلکه ازطرزترسیم برگها بخوبی‌مشهوداست. ممکن است که اینگونه آثار کارقبطی‌هائی باشد که تحت حکومت‌اسلامی‌زمان خویش‌بکارخود ادامه‌دادند. در موزهٔمتروپولیتن یک لوح مدورمصری و قبطی وجوددارد که متعلق بیک‌قطعه‌تابوت‌چوبی‌بود که باموزائیک کاری‌ومنبت کاری تزیین شده بوده‌است (شکل ۶۹). این‌قطعه را میتوان به نیمهٔ دوم قرن هشتم یعنی اوائل دورهٔ عباسی نسبت داد. در زمان امرای طولونی اسلوب حکاکی روی استخوان‌همان اسلوب‌چوب‌بری‌بود ونمونه‌ای از این اسلوب که از فسطاط بدست آمده در موزهٔ صنایع اسلامی قاهره موجود است.

۲ - حکاکی عاج و استخوان در دورهٔ فاطمی درمصر (قرن ۱۰ تا ۱۲)

تعدادی لوحهای استخوانی باشکال مختلف که اشکال انسانی روی آنها کنده شده در فسطاط پیداشده است. مناظر و اسلوب کنده کاری این لوحها چوب‌بری قرن یازدهم دورهٔ فاطمی‌را بخصوص قطعاتیکه در بیمارستان قلاوون بدست آمده بخاطر می‌آورد (رجوع شود بفصل هفتم، قسمت دوم). در موزهٔ متروپولیتن قطعه‌ای از یک لوح استخوانی وجود دارد که روی‌آن صورت صیاد و غزالی حک شده است و زمینهٔ آن تزیینات طوماری نباتی دیده میشود (شکل ۷۰) .

از نظر شباهتی که بین اشکال تزیینی چوب‌بری دورهٔ فاطمی و اشکال حک شده روی چندقطعه عاج وجود دارد این قطعات بطور صحیح بدورهٔ فاطمی نسبت داده شده است. شش عدد از این قطعات در موزهٔ بارگلو[1] در فلورانس و دوعدد در موزهٔ لوور پاریس وبقیه سابقاً در مجموعهٔ فیگدور[2] در وینه بود. روی این قطعات اشکال ساززن ورقاص وصیاد وبعضی حیوانات در میان‌تزیینات ریز وباریک نباتی دیده میشود که با تفصیل زیاد و با دقت درجزئیات‌بخصوص درطرز لباس حک شده است. این لوحهای عاج که این‌صنعت‌را درعالیترین درجهٔ خود درعصرفاطمی نشان‌میدهد ، ممکن است بزمان خلیفه‌المستنصر بالله (۱۰۳۶ تا ۱۰۹۴ م./ ۴۲۸ تا ۴۸۷ هـ.) تعلق‌داشته باشد.

۳-حکاکی‌عاج‌واستخوان در دورهٔ ایوبی ومملوکی درمصر (قرن ۱۳ و ۱۴)

دردورهٔ ایوبی و مملوکی اسلوب و روش کنده کاری روی استخوان وعاج بسبک دورهٔ فاطمی باقی‌ماند ، ولی‌تزیینات کاملاً منحصر شد به‌اشکال توریقی وطرحهای هندسی. در قرن سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم میلادی (۷ و ۸ و ۹ هجری) لوحهای‌استخوان باقطعات چوب ترکیب میشد وبرای تزیین در ومنبر بکارمیرفت. نمونه های کنده کاری روی عاج ازدورهٔ مملوکی‌دراغلب موزه‌های بزرگ اروپا و مصر یافت میشود . موزهٔ متروپولیتن علاوه بر لوحهای کوچک یک جفت در کامل و عالی (شکل ۷۱) دارد که شاید متعلق بیک منبر بوده

۱ - Bargello ۲ - Figdor

ومیتوان آنرا به اواخر قرن سیزدهم واوائل قرن چهاردهم نسبت داد. لوحهای عاج این در با دقت وتفصیل زیاد در دو سطح برجسته کنده شده و اشکال تزیینی نباتی که خاص اسلوب مملوکی است روی آنها دیده میشود.

۴ - حکاکی اسلوب اسپانی‌مغربی برروی‌عاج

در زمان حکومت اموی در آندلس جعبه های عاج مدور و مستطیل شکل رواج کامل یافت و عدۀ زیادی از اینها دارای تاریخ ونام سلطان ویا نجبای دربار است. قدیمترین آنها متعلق به‌قرن دهم یعنی‌زمانیست که اسلوب‌حکاکی‌عاج دورۀ اموی بحد کمال رسیده بود. روی این‌قطعات که درموزۀ ویکتوریا وآلبرت لندن محفوظ هستند، نام خلیفه عبدالرحمن الناصر (۹۶۱ - ۹۱۲ م./ ۳۵۰ - ۳۰۰ ه.) حک‌شده است.

درموزۀ ملی مادریدیک‌جعبۀ مهم‌ساخت قرن دهم که از کلیسای‌زامورا[1] بدست‌آمده وجود دارد. تاریخ آن۳۵۳ هجری(۹۶٤میلادی) است ونام خلیفه‌الحکم الثانی روی آن نقش شده است. دو جعبۀ مستطیل شکل که هر دو در مجموعۀ موزۀ اسپانیا است تاریخ ۳۵۵ هجری (۹۶۶ میلادی) دارد و در مدینة الزهراء نزدیک قرطبه ساخته شده است. تزیین عمدۀ این جعبه ها عبارتست از اشکال برگ نخلی طوماری که در فواصل آنها شکل‌حیوانات وپرندگان کنده شده است. اشکال برگ نخل که ساقه و رگه های آنها بدقت ترسیم شده آنها را تا حدی طبیعی نشان میدهد و این از خصائص صنعت مغربی و اسپانیائی است. دوجعبه یکی بتاریخ ۳۵۷ هجری (۹۶۸ میلادی) درلوور و دیگری بتاریخ ۳۵۹ هجری (۹۷۰ میلادی) درموزۀ ویکتوریا وآلبرت شایان توجه مخصوصی‌است،زیراتزیین آنها که شامل مناظر دربار و مجلس طرب و شکار است از صنعت اسلامی مصر وعراق اقتباس شده است. درقرن یازدهم اسلوب اموی مفصلتر ودقیقتر واشکال برگ نخلی منظم‌تر وترکیب موضوعات پیچیده‌تر و زیادتر شد. ازنمونه‌های معروف قرن یازدهم جعبۀ جواهری است در کلیسای بزرگ پامپلونا[2] بتاریخ

۱ - Zamora ۲ - Pamplona

۳۹۵ هجری (۵-۱۰۰٤ میلادی) و جعبه‌ای در بورگوس[1] بتاریخ ٤۱۷ هجری (۱٤۰۹ میلادی) که در کوانکا[2] که ازمراکز مهم صنعت عاج محسوب میشد، ساخته‌شده‌است. درمجموعهٔ موزهٔ متروپولیتن دوقطعه عاج‌جالب‌توجه‌موجوداست. یکی جعبهٔ گردی است (شکل ۷۲) که‌اشکال برگ نخلی وپرنده روی آن‌حک شده و متعلق به‌اواخرقرن دهم است ودیگری لوحی است ازیک جعبهٔ‌مستطیل شکل‌قرن یازدهم که‌بااشکال‌طوماری‌وپریده‌وشکل‌برنده‌وحیوان‌ورقاصه‌تزیین‌شده.

۵ ـ صندوق‌وجعبهٔ‌عاج درجنوب ایتالیا

جعبه ها و صندوقهای عاج طبقهٔ مخصوصی تشکیل میدهد که آنهارا بمکتب فاطمی وعراق واسپانی وسیسیل‌وجنوب ایتالیا نسبت میدهند. درموزهٔ متروپولیتن شش قطعه‌ازاین نوع کار عاج‌وجود دارد. چهارعدد آنها جعبه‌ها ئیست مزین به‌اشکال پرندگان و حیوانات درحال جنگ که درخانه‌های مدور که ازاشکال‌نباتی‌متشابک تشکیل شده قرار دارند و دو عدد دیگر عبارتند از یک جعبهٔ تحریر یا قلمدان ویک صندوق (شکل ۷۳) که هردوبهمان اسلوب سابق‌الذکر ومناظر شکار و شکل دوشخص ریشدار ملبس بلباس شرقی حکاکی شده‌است. این اشیاء عاج‌را میتوان بدوطبقه تقسیم کرد. یکدسته ازآنهارا میتوان بجنوب‌ایتالیا نسبت داد که مانند جزیرهٔ سیسیلی درزمان سلاطین نورماندی تحت نفوذ اسلام بود. دستهٔ دیگر که دارای خصایص شرقی است متعلق بدورهٔ فاطمی‌درمصراست. اگرچه این قطعات دارای خصائص‌صنعتی اسپانیاوفاطمی‌هستند ولی هردو دسته دارای امتیازاتیست که میتوان محل ساخت آنها را جنوب ایتالیا دانست. یک دلیل دیگر براینکه اینها درجنوب ایتالیا ساخته شده‌اند آنستکه دربین موضوعهای تزیینی‌موضوعهای مسیحی نیز دیده میشود. و از این قبیل جعبه‌ایست در موزهٔ کلونی[3] درپاریس که در جنوب ایتالیا ساخته شده است.

۶ ـ قطعات عاج نقاشی شده در سیسیلی

درموزه ها و مجموعه های مختلف اروپا و امریکا تعدادی جعبه و صندوق عاج یافت میشود که طرحهای تزیینی آن نقاشی‌ورنگ‌شده‌است. دراین قطعات که‌دارای‌اسلوب‌اسلامی

۱ - Burgos ۲ - Cuenca ۳ - Cluny

است بعضی خصائص هنری غربی نیز دیده میشود . تزیین اینها عبارتست از اشکال توریقی و صورت انسانی و شکل حیوانات وپرندگان برنگ زرد یا قهوه‌ای که حاشیهٔ آنها قهوه‌ای سیر است و روی آنها درفواصل مختلف رنگ قرمزو آبی و طلائی نیز دیده میشود . از بهترین نمونه های این نوع عاج یکی جعبهٔ مستطیل شکلی است در مؤسسهٔ والنسیا دو دون ژوان[1] در مادرید و صندوقی در کلیسای وورزبرگ[2] و صندوق دیگری در مجموعهٔ اسلامی موزهٔ برلین . در موزهٔ متروپولیتن دو جعبهٔ مدور وجود دارد . جعبهٔ بزرگتر با اشکال توریقی وشکل شیر تزیین شده (شکل ۷۴) و جعبهٔ کوچکتر دارای اشکال اژدها و شیر است که در میان اشکال نباتی کشیده شده است .

تا مدتی این اشیاء عاج‌را بسوریه وعراق نسبت میدادند واین نظریه‌را باید مردود دانست زیرا شکل وسبک تزیین آنها کاملاً غربی است . پروفسور کوهنل دلائل قوی می‌آورد مبنی براینکه اینها متعلق به جزیرهٔ سیسیلی است . نقاشیهای دیوار و صورت اشخاصی که در کاپلاپالاتینا در پالرمو[3] دیده میشود و دراواسط قرن دوازدهم ساخته شده از لحاظ اسلوب و نوع کار شباهت زیادی باین اشیاء عاج دارد . جعبهٔ کوچکترموجود در موزهٔ متروپولیتن که تأثیر اسلوب غربی در آن شدید است ممکن است متعلق بقرن سیزدهم باشد .

۷ ـ خاتم‌کاری وترصیع از صنایعی که بخاور میانه نسبت داده میشود تزیین اسباب و اثاثه و صندوق و جعبه و سایر اشیائیست که باطرحهای هندسی مرکب از قطعات کوچک چوب یا عاج یا استخوان یا صدف زینت یافته است . این صنعت از زمان بسیار قدیم در مشرق زمین مرسوم بود و یونانیها وروسیها آنرا اقتباس کردند . در زمان قدیم دوطریقه دراین صنعت بکارمیرفت: خاتم کاری و ترصیع . در اولی قطعات کوچک استخوان وچوب دریک صفحهٔ چوبی قرارداده میشد . در دومی یک‌عمل مفصل‌ومشکل بکار میرفت وآن عبارت بود ازجمع‌آوری قطعات ریز که بصورت اشکال هندسی درمی‌آمد وبعداً روی‌چوب

۱- Institute of Valencia de Don Juan ۲- Wurzburg ۳- Capella Palantina in Palermo

چسبانیده میشد . صنعتگران مسلمان مصر ، این روش و طریقه را مانند بسیاری از هنرها و پیشه‌های دیگر از قبطی ها اقتباس کرده و بارث بردند. چندین قطعه ولوحه که روی آنها با چوب و استخوان موزائیک کاری شده وشاید به تابوتی تعلق داشته است درعین الصیره نزدیک قاهره و سایر مناطق اوائل دورهٔ اسلام بدست‌آمده است واغلب آنها درموزهٔ صنایع اسلامی قاهره وبعضی دیگر درموزهٔ برلین وجود دارد .

یکی ازعالیترین نمونه های‌این صنعت‌درموزهٔ مترو پولیتن‌است (شکل ۶۹) . طرح آن بسه قسمت تقسیم شده ؛ قسمت وسط مربع بزرگی را نشان میدهد که در مرکز آن یک طرح ترنجی از استخوان قرار دارد . درهرطرف یک ردیف مرکب از پنج گوشه موجود است که باشکل ستون ازهم جدا شده وسرستونها بشکل انار است که روی آن یک جفت شکل برگ نخلی پر دار که وسط آن باز شکل‌انار دیده میشود قراردارد. تعبیرات انار و برگ‌نخلی‌پردارازصنایع دورهٔ ساسانی آمده که در تزیینات دورهٔ اوائل‌اسلام ازآنها استفاده میشد . گوشه ها و فواصل دیگر با خاتم کاری عاج و چوب و استخوان که باشکل وطرحهای مختلف ساخته شده پر شده است . این اشکال عبارتست از لوزی وچهارخانه ومربع با ستاره و سایر اشکال هندسی شبیه موزائیک های سنگ و شیشه .

خاتم کاری و ترصیع درهمهٔ ادوار در دنیای اسلام چه در مشرق وچه درمغرب مورد توجه بوده ورواج داشت. درقرن سیزدهم و چهاردهم در زمان سلاطین مملوکی درمصر وسوریه این طریقهٔ تزیین‌ترقی بسیار کرد ودرتزیین‌در و جعبه و میز و غیره بکار میرفت. یکی ازعالیترین نمونه‌های این صنعت کرسی مرصعی است از قرن چهاردهم که در مسجد سلطان شعبان ثانی بوده و اکنون درموزهٔ صنایع اسلامی قاهره محفوظ است.

ازنمونه های این صنعت در دوره‌های اولیه آثار زیادی از ترکیه‌وایران و سوریه بدست نیامده است. در مجموعهٔ ادموند دو روچیلد[۱] جعبه‌ای که روی

۱ - Baron Edmond de Rotstchild

آن باچوب وعاج موزائیک شده وجود دارد که درسال ۱۴۸۳ میلادی (۸۸۸ ه.) برای سلطان بایزید ثانی ساخته شده بوده است. از ایران و هند نمونه‌های این صنعت متعلق بدورهٔ متأخر تر یعنی قرن هجدهم و نوزدهم میلادی (۱۲ و ۱۳ هجری) وجود دارد. در دمشق که مرکز مهمی برای خاتم کاری شد، استخوان وصدف هردو بکارمیرفت. دراسپانی وسیسیلی این صنعت رواج داشت. یکی ازنمونه‌های خوب موجود یک جعبهٔ چوبی قرن سیزدهم است که باعاج روی آن خاتم کاری شده و در کاپلا پالاتینا در پالرمو قراردارد.

فصل نهم

فلز کاری

۱ - فلز کاری اوائل دورهٔ اسلامی در ایران (قرن ۹-۷)

ادامهٔ اسلوب تزیینی ساسانی در فلز کاری اوائل دورهٔ اسلامی بخصوص در ظرف نقره که اشتباهاً بدورهٔ ساسانی نسبت داده میشود کاملاً مشهود است. چندین ظرف نقره که مناظر شکار و صور انسانی سبک ساسانی روی آنها نقش شده ، باوائل دورهٔ اسلامی تعلق دارد. روی بعضی از آنها نام صاحب ظرف بخط و زبان پهلوی نقش گردیده و بدینوسیله میتوان تاریخ ساخت آنها را معین کرد. ظرفی در موزهٔ هرمیتاج وجود دارد که بنابقول پروفسور هرتسفلد بامر شروین یکی از افراد سلسلهٔ مسموغان دماوند ساخته شده‌است. حکومت این سلسله در سال ۹ - ۷۵۸ میلادی (۲ - ۱٤۱ ه.) خاتمه یافت. ظرف دیگری درموزهٔ هرمیتاج وجود دارد که متعلق بدورهٔ بعد از ساسانی است و بشاهزادهٔ ساسانی موسوم به دتبرزمهر[۱] تعلق داشته که از سال ۷۲۸ تا ۷۳۸ میلادی (۱۱۰ تا ۱۲۱ ه.) درطبرستان حکومت میکرده است. روی این ظرف تصویر یک الهه که شاید آناهیت باشد نقش شده که بر پشت عقاب نشسته و بنواختن فلوت مشغول است. برجسته کاری این ظرف صاف و صورت عقاب دقیق نیست و این طرز تزیین دراغلب فلز کاریهای اوائل دورهٔ اسلامی مرسوم

۱ - Datburzmihr

بوده است. دوظرف نقرهٔ دیگر بعد از دورهٔ ساسانی درموزهٔ هرمیتاج وجود دارد که افسانهٔ مشهور بهرام گور وآزاده روی آن منقوش ونام صاحبان این دوظرف که مهربوژه[۱] و پیروزان باشد بخط پهلوی روی ظرف حک شده است. تزیین این دوظرف بسبک رسمی وکم برجسته وطراحی آن ثقیل است واین ازخصوصیات ظروف نقره‌ای است که بلافاصله بعد از دورهٔ ساسانی ساخته میشد.

ظروف نقره با تصویر حیوانات و طیور یکدستهٔ مهم از فلزکاری ساسانی دورهٔ بعد از ساسانی را تشکیل میدهد. یکی از مشهور ترین حیوانات صنعت ساسانی حیوان عجیب بالداری موسوم به سیمرغ است[۲] که قسمتی شیر و قسمتی سگ وقسمتی پرنده بوده است. یک ظرف نقره که درموزهٔ بریتانیا است وتصویر سیمرغ روی آن نقش شده معمولاً بقرن هشتم و نهم میلادی (۲ و ۳ هجری) نسبت داده میشود. مانند بسیاری از ظروف نقره دورهٔ بعد از ساسانی قلمزنی و حکاکی بیش از برجسته کاری در این ظروف بکار میرفته است. این ظروف دارای بعضی خواص هنری است که در دورهٔ جدید اسلامی، تازه بوجود آمده‌بود. ظروف نقرهٔ دیگر بعدازساسانی‌بزمان‌متأخرتر تعلق دارند. یکی ازجالب توجه‌ترین آن‌ها ظرفی است درموزهٔ هرمیتاج که منظرهٔ باستانی شرقی یعنی جنگ شیر و غزال روی آن نقش شده است. طرز ترسیم بدن حیوانات و عضلات و صورت و یال و دقت درکشیدن طرح تصویر حاکی از آنستکه این ظرف نه تنها بعد از دورهٔ ساسانی ساخته شده، بلکه تاریخ ساخت آن در حدود قرن دهم میلادی است. سبک نقش این ظرف کاملاً اسلامی است و میتوان آنرا پیشرو اسلوب سلجوقی بشمارآورد. طرحهای تزیینی نباتی که فواصل تصاویر را پرکرده اگرچه دارای بعضی از خصوصیات عصر ساسانی است معهذا بسیاری از خصائص ممتازهٔ آن از قبیل شکل برگهای مدور و برگ نخلی قلبی شکل، دلالت برآن دارد که این ظرف وظروف مشابه آن باحتمال قوی درآسیای وسطی ساخته شده باشد.

Hippocampus - ۲ Mihrbojet - ۱

دو کوزهٔ نقره که درموزهٔ هرمیتاج است باشکال پرنده وعقاب درداخل شکل ترنجی متشابک تزیین شده ، بطور قطع متعلق بعصر اسلامی‌است ، زیرا دارای نقوش کوفی است که نمیتوان به قبل ازقرن دهم نسبت داد. این ظروف ممکن است نمونهٔ فلزکاری دورهٔ سامانیان باشد که در خراسان و ماوراءالنهر حکومت میکردند و از صنعت فلزکاری آنها اطلاع زیادی در دست نیست. بوسیلهٔ این دو ظرف تاریخ ساخت بعضی ظروف دیگر را میتوان معین کرد ؛ ازجمله سینی هشت‌گوش که در موزهٔ برلین است و با تصاویر حیوانات عجیب در داخل مناطق زاویه دار متشابک تزیین شده‌است.

برنزکاری اوائل دورهٔ اسلامی شامل ظروفیست ازقبیل سینی و ابریق و آبخوری بشکل حیوانات و پرندگان. دربعضی ازسینی‌ها تأثیر نقوش ساسانی بقدری قوی است که اغلب آنها را بدورهٔ قبل از اسلام نسبت میدهند. از این قبیل ظروف بشقابی است درموزهٔ برلین که در وسط آن عمارتی که شاید تخت خسرو باشد نقش گردیده است. دراطراف آن دالانی‌است که طاقهای نعل اسبی دارد و با اشکال طوماری و برگ نخلی که بعضی بایک جفت بال بسبک‌دورهٔ ساسانی ترکیب شده تزیین گردیده است. طرز تزیین این ظرف شباهت زیادی بکارهای قرن هشتم و نهم دارد ، مثل منبرچوبی قیروان که میتوان آنرا بزمان خلیفهٔ عباسی‌هارون‌الرشید (۸۷۶ تا ۸۰۹ م ./ ۱۷۰ تا ۱۹۴ ﻫ.) متعلق دانست.

ابریق های برنزی دورهٔ بعد ازساسانی گاهی ساده و گاهی باتزیین برجسته یا قلمزده است ؛ اغلب آن بسبک و از نوع دورهٔ ساسانی است. برخی دیگر باشکالی است که فلزکاران ایرانی قرن‌هشتم ابتکار کرده‌اند ویکنوع بدنهٔ مدور وکروی و گردنهٔ استوانه ای شکل دراز دارد و لولهٔ آن بشکل پرنده ساخته شده است. از این نوع ابریق شش عدد موجود است. یکی درموزهٔ متروپولیتن (شکل ۷۵) وسه‌عدد درموزهٔ هرمیتاج ویکی درمجموعهٔ هراری ویکی درموزهٔ صنایع اسلامی‌قاهره. این ظرف آخری که بسیار خوب ساخته شده، درمصرنزدیک قبرآخرین خلیفهٔ اموی یعنی مروان ثانی (۷۴۴ تا ۷۴۹ م./ ۱۲۷ تا ۱۳۲ ﻫ.)

پیدا شده است . تزیین حک شدهٔ آن که عبارتست از تصویر حیوانات داخل دالان و اشکال نباتی و طوماری برجسته باسلوب اسلامی است که درقرن هشتم رواج یافت .

ابریقی شبیه بابریق قاهره ولی بدون نقوش تزیینی درسطح آن درموزهٔ متروپولیتن وجود دارد (شکل ۷۰) ، قسمت علیای گردنه تزیین اشجار نخل سوراخ شده دارد . روی دستهٔ آن اشکال طوماری و زیر آن تعبیرات شکل انار وبرگ نخلی نیمه بطور برجسته وبسبک ساسانی نقش شده است . گروه کوچکی از ظروف وابریق برنزی که درایران بدست آمده مخصوصاً جالب توجه است . تزیین این ظروف که برجسته یا قلمزده است باقطعات مس قرمز مرصع شده است واغلب اینها درموزهٔ هرمیتاج است . یکی ازآنها که درخت انار وبرگ نخل کم برجسته روی آن نقش و با مس مرصع شده درگالری والترز[1] در بالتیمور موجود است . این گروه که تاریخ ساخت آنها را میتوان قرن هشتم دانست قدیمترین نمونهٔ مکتب مرصع کاری دورهٔ اسلامی است که شاید درمشرق ایران وجود داشته است .

۲ ـ فلزکاری دورهٔ سلجوقی در ایران (قرن ۱۱ تا ۱۳)

با روی کارآمدن سلاجقه درمشرق ایران درحدود ۱۰۳۷ میلادی (۴۲۹ هجری) یک دورهٔ مشعشع فلزکاری اسلامی آغاز گردید . ظروف برنز وطلا ونقره طرح تزیینی جدیدی نشان میدهد که بوسیلهٔ صنعتگران دورهٔ سلجوقی بوجود آورده شد . اکثر ظروف نقرهٔ سلجوقی که بین قرن یازدهم تا سیزدهم ساخته شده است ، درموزه‌ها ومجموعه های روسیه است ودرسال ۱۹۰۹ میلادی (۱۳۲۷ هـ .) اسمیرنف شرحی دربارهٔ آنها منتشر کرد . اغلب آنها در آسیای وسطی یا قفقاز پیدا شده و عبارتند از کاسه و گلدان و بطری که روی آنها تصاویر پرندگان وحیوانات واشکال نباتی ومتشابک ونوشته بخط کوفی روی زمینهٔ اشکال طوماری

۱ - Walters

نقش شده است. طرح تزیینی معمولاً کنده وحک شده و گاهی برجسته است و گاهی ترصیع شده ، مثل کاسه‌ای درموزهٔ برلین که دروسط طرح ترنجی دارد که داخل آن تصویر یک ساززن کنده شده است.

میناکاری نیز در زمان سلاجقه مرسوم بود . یکی از عالیترین نمونهٔ میناکاری اسلامی موجود یک بشقاب برنزی است در موزهٔ اینزبروک[۱] که با مینای چند رنگ با تصاویر انسانی و پرنده، وحیوان در داخل اشکال ترنجی که با درخت نخل وتصاویر رقاصه‌ها از هم جدا شده تزیین گشته است. نوشتهٔ این بشقاب نام صاحب آنرا سلطان رکن‌الدوله داود ارتقی (۱۱۰۸ تا ۱۱۴۴م./۵۰۲ تا ۵۴۰ ه.) معین میکند که در کیفا وآمیدا[۲] درشمال عراق سلطنت میکرده است.

جواهرسازی طلا دراین دوره نیز بسیارعالی بود ولی متأسفانه نمونه‌های زیادی از آنها باقی نمانده است. اکثر قطعاتی که موجود است در ایران بدست آمده و گاهی جواهرات تقلبی‌شبیه بجواهرات دورهٔ سلجوقی ساخته میشود، ولی بآسانی‌میتوان‌آنها را تشخیص داد. اغلب‌جواهرات‌سلجوقی گوشواره وسینه‌بنداست. بعضی ازآنها بشکل حیوانات و پرندگان ساخته شد. موزهٔ متروپولیتن سه‌نمونهٔ جواهر دورهٔ سلجوقی دارد ؛ یکی گوشواره ایست بشکل هلال (شکل ۷۶) که تزیینات آن توباز وشکل پرنده هائی است که با اشکال درخت نخل ازهم جدا شده است. این گوشواره از لحاظ اسلوب به‌سینه‌بند طلا که در موزهٔ برلین است شباهت دارد . این دو قطعه را میتوان به نیمهٔ اول قرن یازدهم نسبت داد . یک گوشواره بشکل پرنده و یک سینه‌بند بشکل شیر (شکل ۷۷) ازقرن دوازدهم وسیزدهم بدست آمده است. جزئیات صورت وپوست شیر با سیم تابیدهٔ طلاساخته شده ودر داخل حفرهٔ چشم احجار کریمه قرار داده شده بوده است. اشکال آن توخالی وشکل گل سرخی که دارای هفت دایره است ودربرنزهای دورهٔ سلجوقی قرن دوازدهم وسیزدهم ساخت ایران دیده میشود روی آن حک گردیده‌است.

۱ - Insbruck ۲ - ظاهراً مراد « حصن کیفا و آمد » است که دیاربکر باشد . م .

الف ـ اشیاء برنزی باتزیینات برجسته و منقوش

صنعت اشیاء ریخته گری برنز باتزیین برجسته مانندآینه‌والواح واشکال حیوانات در زمان سلاجقه در ایران وعراق رایج بوده است. از نمونه های این دوره‌آینه های کوچکی‌است (شکل ۷۸) که درپشت‌آنها شکل‌ابوالهول و کتابت بخط کوفی نقش میگردید. تاریخ ساخت این اشیاء درحدود قرن دوازدهم‌است وباحتمال قوی محل‌ساخت آنها ایران بوده است.

دوآینهٔ تاریخ دار که‌یکی درسال ۵۴۸ هجری(۱۳۰۳ میلادی) ودیگری درسال ۶۷۵ هجری(۱۲۷۶ میلادی) ساخته‌شده درمجموعهٔ هراری‌درقاهره‌موجود است. این آینه ها با شکل بروج فلکی و حاشیه‌ای با شکل حیوانات تزیین شده وهمین‌طرح درآینه های موجود درموزهٔ لوور وموزهٔ متروپولیتن‌نیزدیده میشود. آینه های دورهٔ سلجوقی دارای مناظر شکار است ونمونهٔ این قسم آینه در موزهٔ ویکتوریا وآلبرت درلندن وجود دارد. نمونهٔ فلزکاری دورهٔ ارتقی آینه ایست درمجموعهٔ کنت والرشتاین[1] که با علائم بروج فلکی وحاشیهٔ اشکال حیوانات ونباتات ونام شاه ارتقی حاکم خارپوت‌درحدودسال ۱۲۶۰ میلادی (۶۵۹ هـ .) روی آن نقش گردیده است.

برنزکاری دورهٔ سلجوقی که نقوش مختلف روی آنها حک شده شامل اشیاء مختلف و متنوع مورد استعمال روزانه از قبیل ابریق و کتری و هاون وشمعدان وچراغ وجعبه وغیره میباشد. ازآنچه‌باقی‌مانده اغلب ساخت ایران‌است ولی محل خاص‌ساخت آنها را نمیتوان بدرستی تعیین کرد، بعضی‌ازآنها درقسمت شمال شرقی وشرق‌ایران وبرخی درحوالی‌ری وهمدان بدست آمده است. موزهٔ متروپولیتن در حفاری در نیشابور یک ابریق برنزی سلجوقی بدست آورد که متعلق بقرن دوازدهم است وروی‌آن اشکال‌حیوانات ومناظرشکار نقش‌شده‌است. شکل این ظرف که روی دستهٔ آن شکل انار است ازاسلوب بعد از دورهٔ ساسانی تقلید شده و شبیه ابریق دیگری است در موزهٔ متروپولیتن که متعلق بقرن

۱ - Count Wallerstein

دهم است . ابریقی که در نیشابور پیدا شده است باحتمال قوی ساخت همان محل است وشواهد ومدارك ادبی وتاریخی حاکی از آنست که نیشابور وسایر شهرهای ایالت خراسان درقرون وسطی ازمراکزمهم صنعت فلز کاری بوده‌اند.

یک نمونهٔ عالی برنزدورهٔ سلجوقی‌قرن دوازدهم هاونی‌است (شکل ۷۹) که روی آن شکل حیوانات ازقبیل شیر وغزال وسگ بادقت نقش شده وبوسیلهٔ اشکال ترنجی نباتی از هم جدا شده و کتیبه‌ای بخط کوفی‌روی آن دیده میشود. از شباهت همین نقوش حیوانات این هاون وابریق ساخت نیشابور چنین نتیجه گرفته میشود که‌این هاون نیزباید در خراسان ساخته‌شده‌باشد. یک ظرف دیگر متعلق بهمین دوره ، گلدان برنزی بزرگی است که طرحی روی آن نقش شده واکنون در سوزهٔ متروپولیتن است. از قرار معلوم این گلدان در همدان ساخته شده و دارای تزیینات معمول دورهٔ سلجوقی است ؛ یعنی نقش حیوانات و یک جفت اژدها و کتابت بخط کوفی که حروف آن بهم مخلوط است.

فلز کاران ایرانی مشبک کاری را با مهارت تمام در تزیین و ساختن ظروف‌فلزی بکار برده‌اند وشمعدان وعودسوز بشکل حیوانات وپرنده ساخته اند. درموزهٔ متروپولیتن عود سوزی بشکل شیروجود دارد (شکل ۸۰) ؛ شیر باسلوب دورهٔ سلجوقی ساخته شده و شانه و گردن و ران با اشکال متشابک باز تزیین شده است . دو عود سوز دیگر بشکل شیروجود دارد، یکی بزرگ که درموزهٔ هرمیتاج و دیگری کوچکتر که در موزهٔ لوور است. همهٔ آنها را میتوان بقرن دوازدهم نسبت داد.

ب - برنزکاری با ترصیع نقره ومس

فلز کاران دورهٔ سلجوقی صنعت ترصیع اشیاء برنزی را با سایر فلزات ازقبیل‌مس‌ونقره‌تکمیل کردند.شواهد ودلائل‌متقن وجودداردبراینکه این‌صنعت درمشرق ایران‌درخراسان‌آغاز شده واز آنجابسایرنقاط ایران وعراق‌رفته و رواج یافته‌است .وهمچنین درمشرق ایران‌بود که ترصیع کاری ارزش هنری پیدا کرد واسلوب‌ابتکاری هرات ونیشابور وسیستان ومرو که‌مرکزفلز کاری ایران بودند

بتدریج در تمام خاورمیانه راه یافت و مورد تقلید واقع شد . در قرن سیزدهم موصل در شمال عراق یکی از مراکز بزرگ ترصیع کاری اسلامی گردید و در حقیقت شهرت و معروفیت این شهر بحدی توسعه یافت که تا مدتی همهٔ کارهای ترصیع‌مس‌ونقره را به‌آن شهر نسبت‌میدادند . ولی‌حالا که قطعات‌دیگری ازایران بدست‌آمده میتوان سایر ترصیع کاریها را مجدداً طبقه بندی کرد وظروف ساخت ایران را تعیین نمود .

فلزکاری ایرانی‌قرن یازدهم ودوازدهم واوائل‌قرن سیزدهم ماننددورهٔ قبل‌از سلجوقی از برنزیا مفرغ ساخته میشد نه از برنج که درموصل معمول‌بود وبعداً نیز در ایران شیوع یافت . بعضی از ظروف برنزی برسم ایران با مس ترصیع یا خاتم کاری میشد بعضی با مس و نقره یا تنها با نقره ترصیع میشد . با اینکه حکاکی هنوز رواج داشت ، ترصیع و خاتم کاری یکی ازعوامل عمدهٔ تزیینی قرار گرفت. یک ظرف برنزی که از نظر تعیین حق تقدم ایران در این صنعت دارای اهمیت شایان است ، کتری‌ای است درموزهٔ هرمیتاج که نه تنها نام سازنده بلکه محل ساخت نیز روی آن حک شده است. کتیبهٔ آن نشان میدهد که این ظرف توسط محمدبن الواحد در هرات ساخته شده و ترصیع کاری آن توسط حاجب مسعود بن احمد در سال ۵۵۹ هجری (۱۱۶۳ میلادی) بعمل آمده است . تزیین آن عبارتست از پنج برج تزیینی افقی که دو برج آن شامل اشکال جنگجویان وشکارچیان ومناظر جشن سلجوقی است که مردان را در حال نوشیدن وبازی کردن نشان میدهد واشکال رقاصه‌ها و ساززن ها روی آن نقش شده است. سه برج دیگر دارای کتیبه‌هائی بخط کوفی ونسخ است. نوع کتابت روی این کتری از این جهت جالب توجه است که انتهای حروف بشکل سر یا بدن حیوانات درآورده شده. این کتابت شاید درایالت خراسان ابتکار شده وفقط روی فلزکاری سلجوقی ایران دیده میشود (شکل ۸۴) . این کتری بامس‌ونقره ترصیع وخاتم کاری شده وطرح رنگ آمیزی آن خاص بسیاری از ظروف برنزی ایرانی قرن دوازدهم است. باکمک این ظرف که متعلق بهرات است میتوان

یک مکتب جداگانهٔ ترصیع برنز ومس راکه درایران رایج بود،تشخیص داد. و همچنین مجموعهٔ دیگری از شمعدان و ابریق بایران نسبت داده میشود که بدنهٔ آنها بدوازده قسمت تقسیم شده و گردنهٔ صاف دارند (شکل ۸۱). یکی از مختصات این ظروف برنزی اشکال حیوانات و بخصوص شیر است که روی آنها بطور برجسته نقش شده است. دو شمعدان یکی در مجموعهٔ هراری در قاهره و دیگری در موزهٔ هرمیتاج و یک ابریق در مجموعهٔ ساره در برلین موجود است که روی بدنهٔ آنها یک ردیف اشکال پرندهٔ کامل ساخته شده. اسلوب این اشکال سلجوقی است ولی آثاراسلوب دورهٔ بعد ازساسانی نیزدرآنها دیده میشود. از این نوع ابریقها درموزهٔ هرمیتاج وموزهٔ بریتانیا ولوور وموزهٔ برلین وموزهٔ گلستان تهران وجود دارد. بعضی ازآنها که باکتری هرات‌نسبت دارند، متعلق بقرن دوازدهم است. بعضی دیگر متعلق باوائل ونیمهٔ اول قرن سیزدهم است (شکل ۸۱) وگروهی دیگر را باید بقرن چهاردهم نسبت داد.

ابریقی (شکل ۸۱) که سابقاً در مجموعهٔ مورگان بود نمونهٔ خوبی از این گروه ظروف قرن سیزدهم است. بدنهٔ آن دارای تزیینات متشابک است که درانتهای آنها سر حیوانات مختلف نقش و بدوازده قسمت تقسیم شده که روی آنها اشکال بروج فلکی‌واشکال کواکب وسیارات کشیده شده است. تزیین گردنه عبارتست از کتیبه‌ای بخط کوفی و نسخ که انتهای حروف آنها بشکل سرانسان درآورده شده است. اگر چه حکاکی روی این ظرف بکار رفته ولی ترصیع نقرهٔ آن ازظروف قرن دوازدهم زیادتراست. این ظروف و شمعدانها را معمولاً بشمال ایران وارمنستان نسبت میدهند. ولی وقتی طرح تزیینی آنها باکتری هرات مورخ ۱۱۶۳ میلادی (۵۵۹ ه.) مقایسه شود، میتوان گفت که این‌ظروف دراصل درخراسان ساخته شده‌است. یک دلیل قوی‌برای اثبات این مدعا ابریقی‌است‌درموزهٔ تفلیس که‌بانقره ومس ترصیع‌شده وتاریخ‌ساخت‌آن۵۷۷ هجری (۱۱۸۱ میلادی)است وامضای سازندهٔ آن محمود بن محمدهراتی است. برنزهای مرصع ساخت هرات وسایر نقاط خراسان دارای طرح وخصائصی‌هستند

که مخصوص ایالت خراسان است. دربین خصائص ومشخصات عمده شکل گل هفت برگی است که روی اغلب ظروف دیده میشود ودرحکم علامت تجارتی فلزکاران خراسان بشمارمی‌آید. این نقش روی کتری هرات وچند ابریق ازجمله ابریق مجموعهٔ مورگان ودوشمعدان که یکی درموزهٔ هرمیتاج ودیگری درمجموعهٔ هراری است دیده میشود.

وهمچنین تعدادی جعبه‌های مدور که شاید دوات باشد بخراسان نسبت داده میشود؛ این جعبه ها با نقره و مس ترصیع شده و اشکال تزیینی شبیه به کتری هرات روی آنها دیده میشود. یکی از نمونه های خوب این گروه ظروف جعبه ایست در موزهٔ متروپولیتن (شکل ۸۲) که باکتیبه و سه قسمت مختلف که دارای اشکال نباتی و تعبیرات گلدانی است تزیین شده است. این تزیینات درعده‌ای ازبرنزهای اولیهٔ سلجوقی دیده میشود.

مجموعهٔ کوچکی ازابریق موجود است که دارای تزیین حک وترصیع شده است و لولهٔ آنها بشکل چراغ روغنی است. یکی از اینها که درموزهٔ لوور است در تاریخ ۵۸۶ هجری (۱۱۹۰ میلادی) برای عثمان بن سلیمان نخشوانی[1] در شمال ایران‌ساخته شده است. دو عدد دیگر که یکی در مجموعهٔ پیتل[2] پاریس و دیگری در موزهٔ متروپولیتن (شکل ۸۳) است باید بایالت خراسان نسبت داد. ابریق مجموعهٔ پیتل که بانقره ومس ترصیع شده، دارای امضای علی اسفراینی از مردم یکی از شهر های خراسان است. ابریق موزهٔ متروپولیتن که شاید قدیمترین این گروه باشد بااشکال نباتی و تعبیرات گلدانی و حیوانات دونده تزیین شده وبرای علی‌بن عبدالرحمن‌بن طاهرالادیب سیستانی ساخته شده بوده است. نقره کاری این ابریق کم است ومنحصراست به‌خطوط باریک. دستهٔ آن که بشکل شیر وباسلوب سلجوقی است زیبائی خاصی دارد.

یک قطعهٔ مهم ازنظرتعیین تاریخ فلزسازی قرن سیزدهم ایران قلمدانی است درگالری فریر در واشنگتن که عمل شخصی است بنام شاهی و در سال

---

۱ - این کلمه درمتن انگلیسی Nakhchivan وشاید مراد نخجوان است .م. ۲ - Peytel

۶۰۷ هجری (۱۲۱۰ میلادی) برای مجدالملک مظفر وزیر اعظم خراسان که در مرو اقامت داشته ساخته شده است. احتمال میرود که این قلمدان درمرو که ازمراکز مهم مشرق ایران بود ساخته شده باشد. اسلوب تزیین ونوع کتابت کوفی ونسخ مخصوص ایران است و انتهای حروف نسخ بشکل سر انسان و حیوان کشیده شده است. از روی این قلمدان میتوان عده‌ای از برنزهای ایران را تعیین وآنهارا به‌اوائل قرن سیزدهم نسبت داد. درموزهٔ متروپولیتن چهارقطعه برنز که عبارت باشند از یک هاون و یک ظرف آبخوری بشکل پرنده و یک گلدان ویک جام (شکل ۸۴) موجود است که باید متعلق بهمان دوره باشد. خارج جام برنزی باطرح ترنجی متشابک که داخل آنها شکل بروج فلکی وعلائم سیارات وکواکب کشیده‌شده، تزیین شده است. هرطرح ترنجی حاشیه‌ای ازپر گل نیلوفرآبی دارد که شبیه تزیین کتری هرات مورخ ۱۱۶۳ میلادی(۵۵۹ هجری) است. دورلبهٔ ظرف کتیبه‌ای بخط نسخ نوشته شده که حروف آن بشکل سر انسان منتهی میشود. ازخصائص ایرانی این تزیینات طرح گل زنبق است که بین اشکال نباتی وطرح ترنجی که‌زمینهٔ کتیبه واقع شده قرار گرفته‌است. یکی‌دیگر ازخصائص ایرانی‌این‌ظرف تعبیرات گلدانی هلالی شکل است که اشکال تزیینی طوماری ازآنها شروع میشود.

ظروف برنزی ایرانی نیمهٔ اول قرن سیزدهم که بااشیاء برنجی مکتب موصل همعصر است، اغلب بانقره ترصیع شده است. یک ابریق ویک شمعدان که در موزهٔ گلستان تهران است و ابریق دیگری که در مجموعهٔ هومبرگ[۱] پاریس است، باین گروه تعلق دارد. ابریق دیگری که درموزهٔ ویکتوریا وآلبرت لندن است ویاشاید متعلق باواسط قرن سیزدهم باشد تأثیر مکتب موصل روی آن آشکار است.

۳ - فلزکاری دورهٔ سلجوقی‌عراق ومکتب موصل (قرن ۱۳)

در ارغانه و خاپور معادن غنی مس وجود دارد که مواد اولیهٔ لازم را برای صنایع فلزکاری وساختن ظروف واشیاء برنجی و برنزی در عراق و سوریه فراهم میکرده است. در قرن سیزدهم مهمترین مرکز فلزکاری ترصیع شده با

۱ - Homberg

نقره در عراق ، شهر موصل بود که‌از سال ۱۱۲۷ تا ۱۲۶۲ میلادی (۵۲۱ تا ۶۶۱ هجری) تحت استیلای اتابکان زنگی سلجوقی که از حامیان و طرفداران بزرگ صنعت بودند ، قرار داشت. یکی ازنمونه های اولیهٔ ساخت موصل ابریق برنجی است که با نقره ترصیع شده وفعلاً در موزهٔ متروپولیتن محفوظاست (شکل ۸۵). شکل این ابریق درموصل ابتکار شده و در سوریه و مصر از آن تقلید کرده‌اند (شکل ۸۶). سطح این ابریق در کمال دقت و زیبائی با اشکال انسانی وطرحهای هندسی و کتابت عربی تزیین شده است. مناظر طرب و شکار شبیه اسلوب ایرانی است و خصائص مکتب موصل در آن بخوبی مشهود است . طبق نوشتهٔ روی آن این ظرف توسط احمد الذکی حکاك موصلی درسال ۶۲۳ هجری (۷-۱۲۲۶ میلادی) ساخته شده است .

از نظر تکنیک و طرز کار مکتب موصل در صنعت ترصیع پیشرفت قابل ملاحظه نشان میدهد . طرحهای حک شده که در فلزکاری ایران بکار میرفت بتدریج جای‌خود را به ترصیع وخاتم کاری داده است. ترقی و پیشرفت‌صنعتگران موصل از یک ظرف دیگرساخت احمد الذکی بخوبی واضح است و آن طشتی‌است درموزهٔ لوور که بانقره ترصیع شده وبرای ابی‌بکر ثانی سلطان ایوبی‌مصروسوریه (۱۲۳۸ تا ۱۲۴۰ میلادی ۶۳۶ تا ۶۳۸ هجری) ساخته شده است.

یکی ازظروف مهم ساخت موصل یک ابریق‌برنجی است در موزهٔ بریتانیا که عمل شجاع بن منعهٔ موصلی‌است ودر تاریخ ماه‌رجب سال ۶۲۹ (مارس ۱۲۳۲ میلادی) ساخته شده است .

دراین ظرف اسلوب فلزکاری موصل درمنتهای ترقی خود دیده میشود . کلیهٔ سطح این ظرف با نقره ترصیع کاری‌شده و در زمینه طرح‌تزیینی پیچ درپیچ که از موضوعهای مورد توجه صنعتگران موصلی بود دیده میشود .

چندین ظرف برنجی که با نقره ترصیع شده وجود دارد که نام سلطان بدرالدین‌لؤلؤموصلی (۱۲۳۳ تا ۱۲۵۹ م./ ۶۳۱ تا ۶۵۸ ه .) روی آن‌حک شده‌است.

مهمترین آنها طشتی است که در کتابخانهٔ ملی مونیخ محفوظ است . یک قاعدهٔ شمعدان کار موصل (شکل۸۷) که در موزهٔ متروپولیتن است ممکن است بزمان همین سلطان تعلق داشته باشد . تزیین آن عبارتست ازچهار طرح ترنجی بزرگ که مناظر زندگی سلطان روی آن نقش گردیده و دوازده طرح ترنجی کوچک که علائم بروج فلکی و سیارات و کواکب در داخل آنها کشیده شده است . حاشیهٔ بالا و پائین روی آن مناظر جشن وطرب را نشان میدهد و گروهی مرد و زن در حال نوشیدن شراب از جام یا قدح و گروه دیگری در حال نواختن ساز و عود و سنج و رقاصه ها در حال رقص دیده میشوند . صورت بعضی اشخاص بخصوص پیرمردان ریش دار با مهارت بسیار کشیده شده . دولبهٔ بالا و پائین نیزجالب توجه است؛ دراینجا صنعتگر تصویر انواع مختلف حیوان وپرنده وطیور آبی وشکل عقاب و اشکال عجیب دیگر که درفواصل آنها اشکال نباتی کشیده شده، نقش کرده است . روی این ظرف نوشته‌ای نیست که نام صاحب یا محل ساخت آنرا تعیین کند ؛ ولی روی آن شانزده طرح ترنجی کوچک که داخل آنها تمثال ماه یعنی تصویرمردی نشسته که هلال ماه را دورصورت‌خود گرفته کشیده شده‌است . این طرح ظاهراً علامت‌وشعار بعضی‌ازسلاطین اتابکان‌زنگی‌بوده است، زیرا روی بعضی از سکه های عصر سلطان بدرالدین لؤلؤ وهمچنین روی دروازهٔ قلعهٔ سنجار درموصل دیده میشود . بنابراین احتمال‌میرود که این‌شمعدان برای یکی از اتابکان زنگی وشاید خود بدرالدین لؤلؤ که نام او «ماه تمام‌دین» معنی میدهد، ساخته شده باشد . دربسیاری از قطعات دیگر بخصوص آنهائیکه در سوریه وایران ومصر ساخته شده، مراد ازتصویر شخص نشسته شکل ماه است .

۴ - فلز کاری دورهٔ فاطمی در مصر (قرن ۱۰ تا ۱۲)

فلز کاری دورهٔ فاطمی‌درمصر (قرن ۱۰ تا ۱۲) شامل جواهر و تعدادی اشکال حیوانات برنزی است . نمونهٔ جواهرات دورهٔ فاطمی نسبةً نادراست ولی قطعاتی در مجموعهٔ هراری و موزهٔ صنایع اسلامی قاهره و موزهٔ بناکی در آتن موجود است . سه قطعهٔ‌عالی که عبارت است از یک جفت گوشواره و یک سینه آویز هلالی شکل (شکل۸۸)

که متعلق باواسط قرن یازدهم است، در مجموعهٔ موزهٔ متروپولیتن وجود دارد. تزیین اینها عبارتست از اشکال هندسی مشبک که با سیم نازک طلائی تابیده ساخته شده است. سینه آویز یک سنگ فیروزه و شکل دو پرندهٔ مینائی دارد و این طرز جواهرسازی در دورهٔ فاطمی شایع و مورد توجه بود.

عالیترین نمونهٔ برنزدر دورهٔ فاطمی عقاب بزرگی است در کامپوسانتوی پیزا[۱] که روی آن طرح پرکاری نقش گردیده است. درموزهٔ متروپولیتن یک شیئ تزیینی برنزی وجود دارد که تصویر عقابی را درحال حمله به غزالی نشان میدهد. طراحی حیوانات که با مهارت و دقت زیاد بعمل آورده شده، ازخصائص دورهٔ فاطمی است و در سایر صنایع از قبیل ظروف بلور ومنبت کاری و چوب بری آن دوره نیز دیده میشود.

۵ ـ فلزکاری دورهٔ ایوبی در سوریه و مصر (قرن ۱۳)

در قرن سیزدهم فلزکاران موصلی اغلب بسوریه و مصر مهاجرت و در شهرهای دمشق وحلب و قاهره برای امرا و شاهزادگان کارمیکردند. سبک کار آنها همان اسلوب مکتب موصل است و اگر روی ظرفی نوشته هائی حک نشده باشد که محل ساخت آنرا معین کند، بسختی میتوان گفت که آن قطعه در کجا ساخته شده است. یک ابریق برنجی در موزهٔ لوور موجود است که نام سلطان ملک ناصر یوسف حاکم حلب ودمشق (۱۲۳٦ تا ۱۲٦۰م./٦۳٤ تا ٦۵۹هـ.) روی آن نقش گردیده وتاریخ ٦۵۷ هجری (۱۲۵۹ میلادی) است و توسط یکی از صنعتگران موصلی در شهر دمشق ساخته شده است. نام همین سلطان روی گلدان معروف به باربرینی در موزهٔ لوور دیده میشود.

آنچه برای علاقمندان به فلزکاری اسلامی مخصوصاً قابل توجه است ظروفی است که موضوعهای مسیحی روی آنها نقش شده و اغلب نام سلاطین ایوبی نیز روی آنها دیده میشود. بعضی ازسلاطین ایوبی بخصوص سلاطین دمشق نسبت به مسیحیان گذشت داشتند ودربعضی موارد باحکومت پادشاهی بیت المقدس

۱ - Campo Santo at Piza

که در دست مسیحیان بود، متحد میشدند. یکی ازقطعات مشهور این دسته ظروف طشتی است در بروکسل متعلق به دوك آرنبرگ که نام سلطان صالح ایوب از سلاطین ایوبی مصر و دمشق (۱۲۴۰-۱۲۴۹م./ ۶۳۸-۶۴۷ ه.) روی آن حک شده است. قطعهٔ دیگر که مناظر مسیحی روی آن نقش شده، شمعدانی‌است در موزهٔ صنایع تزیینی در پاریس که نام سازندهٔ آن داودبن سلامهٔ موصلی وتاریخ ساخت یعنی ۶۴۶ هجری (۱۲۴۸ میلادی) روی آن حک شده است. یک قمقمهٔ بسیار عالی برنزی در گالری فریردر واشنگتن وجود دارد که روی آن مناظری از زندگی مسیح و تصویر قدیسین و جنگجویان با تزیینات معمولی سایر ظروف اسلامی آن دوره دیده میشود. در بین مناظر مختلف تصویر جنگجویان صلیبی کشیده شده است و این امر دلالت برآن دارد که این‌ظرف در حدود اواسط قرن سیزدهم برای یکی از شاهزادگان مسیحی ساخته شده است ومحل ساخت آن باحتمال قوی شهر دمشق است.

۶ - فلزکاری دورهٔ مملوکی در سوریه ومصر (نیمهٔ دوم قرن ۱۳ تا قرن ۱۵)

در زمان سلاطین مملوکی سوریه ومصر ظروف فلزی عالی در دمشق و حلب و قاهره ساخته میشد و سازندگان آن در بدو امر از صنعتگران موصلی و بعداً خود اهالی این نقاط بودند. صنعت فلزکاری مملوکی در زمان سلطان‌ناصرالدین محمد بن قلاوون (۱۲۹۳-۴م./ ۶۹۳-۴ ه. و ۱۳۰۹ تا ۱۳۴۰م./ ۷۰۹تا۷۴۱ ه.) باعلی‌درجه رسید. تعدادی ظروف عالی ازاین دوره موجود است که نام این سلطان یا یکی‌از درباریان او روی آنها حک شده است. یک قطعهٔ عالی کرسی یا منبری است در موزهٔ صنایع اسلامی قاهره مورخ ۷۲۸ هجری (۱۳۲۷ میلادی) که‌بانقره وطلاترصیع شده‌است. فلزکاری‌دورهٔ مملوکی نشانه های مخصوص بخود دارد و بهمین جهت شناختن آنها آسان است. علاوه بر تعبیرات توریقی و نباتی طرحهای‌جدید تزیینی اضافه شده‌است. آنچه که بیش ازهرچیز دراین تزیینات جدید دیده میشود، شکل دوپرنده‌است درداخل مناطق جدا که گاهی بصورت لوزی پهلوی هم قرارگرفته و نمونهٔ این قسم تزیین در

ابریقی که درموزهٔ متروپولیتن هست و نام ناصر محمد روی آن نقش شده است دیده میشود . عناصر تزیینی جدید دیگری که بکار برده میشد ، تعبیرات طبیعی مانند برگ و گل بود که از صنایع چین اقتباس و پس از استیلای مغول درخاور میانه رایج شده بود . از این قسم اشکال گل و مرغابی درحال پرواز دورطرح ترنجی کشیده میشد و در داخل آن القاب و نام سلاطین مملوکی و درباریان آنها نقش میگردید . از این‌قبیل است ابریق شکل (۸٦) که برای محمد خزانه‌دار دربارساخته شده است. یکی دیگر ازنشانه‌های بارز تزیینات این‌دوره طرح ترنجی است که داخل آنها شکسته و پیچ در پیچ کشیده میشد . لین پول[۱] آنهارا یکی‌از خصائص مکتب فلزکاری مرصع دمشق درزمان مملوکی میداند (شکل ۸۹) . از فلزکاری وترصیع کاری مکتب دمشق‌چهار شییء درموزهٔ متروپولیتن‌موجود است: یک قلمدان، دوعود سوز ویک بشقاب که همهٔ آنهارا مسترج . پ . مورگان بموزه هدیه کرده است . هرچهارظرف با نقره و طلا ترصیع شده و از اسلوب‌آنها چنین برمی‌آید که‌این‌ظروف بایدمتعلق به‌اواخرقرن سیزدهم واوائل قرن‌چهاردهم باشد. قلمدان (شکل ۸۹) یکی از عالیترین نمونه از نوع خود و ازشاهکارهای صنعتی دورهٔ مملوکی است. داخل و خارج‌این قلمدان با انواع و اقسام طرحها ازقبیل طرح ترنجی و لوزی و اشکال نباتی متشابک و تعبیرات دیگر تزیین وبا طلا و نقره ترصیع شده است .

چند کاسه وطشت برنجی دردست است که دارای اشکال انسانی ومناظر شکار و جنگ است وممکن است بدورهٔ مملوکی تعلق داشته باشد . معروفترین آنها ظرف تعمیدسنت‌لویس درموزهٔ لوور است که سازندهٔ آن محمدبن‌الزین‌بوده است . مرصع کاری نقرهٔ این ظرف و قطعات دیگر این گروه حاکی از دقت در جزئیات در ترسیم صور اشخاص و حیوانات است . این ظروف برنجی راکه از لحاظ اسلوب به میناکاری روی شیشه ساخت حلب ودمشق شبیه است، میتوان به صنعتگران سوریه دراواخر قرن سیزدهم و اوائل قرن‌چهاردهم نسبت داد .

۱ - Lane - Poole

درقرن چهاردهم فلزکاری دورهٔ مملوکی که در قاهره وسوریه ساخته میشد، از لحاظ کار عالی بود و اسلوبی که درزمان ناصر محمد بوجودآمد تکمیل گردید. کارهای بعدی طرحهای نباتی و گل طبیعی آشکارتر شد و این مطلب دربعضی قطعات موجود درموزهٔ متروپولیتن وهمچنین روی قلمدانی که درموزهٔ صنایع اسلامی قاهره است و نام سلطان منصور صلاح الدین محمد روی آن نقش شده است دیده میشود. در قرن پانزدهم نیزبعضی کارهای خوب ساخته شد. المقریزی که درحدود سال ۱۴۲۰ میلادی نوشته میگوید: «در زمان ما درقاهره از تقاضا برای ظروف مرصع مسی و برنج کاسته شده وچون سالهاست که مردم از خرید آنها خودداری میکنند فقط معدودی فلزکاری مرصع در بازار باقیست و کارگران این صنعت کم شده اند.» روی چند قطعهٔ این دوره نام سلطان قایتبای (۱۴۶۸ تا ۱۴۹۶ م./ ۸۷۳ تا ۹۰۲ ﻫ.) دیده میشود. یک ظرف مهم و قابل توجه طشتی است در قسطنطنیه که با طرحهای هندسی متشابک واشکال گل و گیاه زینت یافته است. درموزهٔ متروپولیتن جام یا کاسهٔ بزرگ مدوری موجوداست که نام همان سلطان روی آن حک شده است.

۷ - فلزکاری بنام سلاطین بنی رسول یمن (قرن ۱۳ - ۱۴)

اشیاء مرصع زیادی مانند سینی و منقل و شمعدان درقاهره برای سلاطین بنی رسول یمن که با سلاطین مملوکی روابط حسنه داشتند ساخته شده است. ابریقی درموزهٔ صنایع تزیینی پاریس وجود دارد که نام المظفر یوسف(۱۲۹۵ - ۱۲۵۰ /م. ۶۹۵ - ۶۴۸ ﻫ.) روی آن نقش شده و در قاهره توسط علی بن حسین بن محمد موصلی درسال ۶۷۴ هجری(۱۲۷۵ میلادی) ساخته شده است. درموزهٔ متروپولیتن یک منقل نادر بسیار عالی (شکل ۹۰) وجود دارد که نام همان سلطان سلسلهٔ رسولی روی آن نقش است.

این منقل با اشکال نباتی باسلوب مملوکی و کتابت عربی و حاشیه ای که اشکال حیوانات روی آن کشیده شده، تزیین ونقش گل پنج پر که علامت سلسلهٔ رسولی است روی آن حک شده است واین علامت در کلیهٔ اشیاء فلزی که

برای این سلاطین ساخته شده دیده میشود. درموزهٔ متروپولیتن دو سینی بزرگ موجود است که نام سلطان مؤید داودبن یوسف (۱۳۲۱ - ۱۲۹۶م./ ۷۲۱-۶۹۶ه.) روی آن دیده میشود. یکی از این سینی‌ها درقاهره ساخته شده و عمل حسین بن احمد بن حسین موصلی است. از اشیاء دیگر واجد اهمیت طشتی است که باطرحهای نباتی و گل تزیین شده ونام سلطان رسولی علی بن داود (۱۳۲۱ تا ۱۳۶۳م./۷۲۱ تا ۷۶۳ ه.) روی آن حک شده است.

۸ - فلزکاری دورهٔ مغول درایران (نیمهٔ قرن ۱۳تا قرن ۱۵)

فلزکاری ایرانی دورهٔ مغول دارای تزییناتیست که شبیه کارهای مکتب موصل و کارهای مملوکی سوریه ومصر است. ولی درضمن از نظر اسلوب کاردارای خصائصی است که آنها را میتوان مخصوص ایران دانست. بعضی ازاین اشیاء دارای نوشته ایست که القاب و گاهی‌نام سلاطین مغول درآن دیده میشود. سه کرهٔ برنزی مرصع با طلا و نقره که بدون شک متعلق بدورهٔ مغول است، درمجموعهٔ هراری درقاهره موجود است و نام سلطان اولجایتوخدا بنده محمد(۱۳۱۶ - ۱۳۰۴ / ۷۱۶ - ۷۰۴ ه.) روی‌آن منقوش است‌وترکیبی‌ازتعبیرات تزیینی ایرانی وسوریه روی آن دیده میشود.

یک طشت برنجی بزرگ را که با نقره ترصیع شده (شکل۹۱) ودرموزهٔ متروپولیتن است میتوان باوائل قرن چهاردهم نسبت داد. تزیین داخل‌طشت عبارتست از یک عده مناطقی که از یک مرکز واحد منشعب شده و داخل این مناطق تصویر اشخاص‌ایستاده که جام‌شراب و تیر و کمان بدست دارند وتصویر ساززن و مطرب و مناظر شکار و تصویر شاهزادگان بر تخت نشسته وحیوانات و پرندگان دیده میشود. تا مدتی این طشت را از کارهای دورهٔ مملوکی‌تصور میکردند. دربعضی از مناطق نامبرده اشکال تزیینی‌نباتی طبیعی دیده میشود که طراحی آنها بیشتر ایرانی است تا مملوکی. تصاویر متعدد عقاب و ابوالهول نشانهٔ آنست که این ظرف ساخت ایران است، زیرا این‌نقوش درکارهای مملوکی کمتر دیده میشود.

در کارهای نیمهٔ دوم قرن چهاردهم صفات وخصائص فلزکاری مغولی ایران بیشتر وبهتر ظاهرمیشود. چندین قطعهٔ تاریخ‌دار وجود داردکه از روی آنها میتوان قطعات دیگر را طبقه بندی کرد. شمعدانی درمجموعهٔ هراری وجود داردکه با اشکال نباتی طبیعی تزیین شده ونوشتهٔ روی آن نشان میدهدکه این شمعدان کار محمدبن رفیع‌الدین شیرازی است که درتاریخ ۷۷۱ هجری (۱۳۶۰ میلادی) ساخته شده است.

درمجموعهٔ مور موزهٔ متروپولیتن چندین جعبه و شمعدان متعلق به نیمهٔ دوم قرن چهاردهم میلادی (نیمهٔ دوم قرن هشتم هجری) وجود دارد. بعضی از آنها که از لحاظ طراحی و طرز ساخت پست ترند متعلق باواخر آن قرن ، یعنی دورهٔ تیموری‌هستند.

یک گروه مهم فلزکاری مغولی نیمهٔ دوم قرن چهاردهم شامل کاسهٔ ترصیع شده باطلا و نقره است که از حیث کار و جنس ، درجات مختلف دارند. اغلب آنها باتصاویر اشخاص و منظرهٔ زندگی درباری ومهمانی درباغ وبازی چوگان تزیین شده اند. بهترین آنها در مجموعهٔ هراری قاهره وگالری والتزر در بالتیمور است. تصاویر انسانی رسمی و خارج از طبیعت است واغلب دراز کشیده شده (شکل ۹۲) و نظایرآنها درمینیاتور های اواخر دورهٔ مغول دیده میشود. اغلب تصاویر کلاه کلاقندی بسر دارندو این نوع کلاه درمینیاتورهای دیوان خطی خواجوی کرمانی مورخ ۱۳۹۶ میلادی (۷۹۹هجری) که درموزهٔ بریتانیا محفوظ است دیده میشود.

جواهرات دورهٔ مغول نسبةً نادراست. یک نمونهٔ موجود انگشتری است (شکل ۹۳) که‌تاریخ آن‌درحدود ۱۴۰۰ میلادی(۸۰۳هجری)باید باشدو درموزهٔ متروپولیتن محفوظ است. این انگشتر باشکل سراژدها بسبک چینی تزیین وطرح نباتی کتیبه و تعبیرات مخصوص اواخر دورهٔ مغول واوائل عصر تیموری تزیین شده است.

۹ - فلز کاری دورهٔ صفوی در ایران (قرن ۱۶ تا ۱۸)

ترصیع کاری اشیاء برنجی که درقرن پانزدهم رو بانحطاط رفته بود، دردورهٔ صفوی مجدداً رونق گرفت. ظروف مسی اغلب سفید گری میشد تا بشکل نقره جلوه کند و آهن وفولاد نیز درساختن ظروف بکارمیرفت. تزیینات این دوره نشانهٔ تغییر ذوق و سلیقهٔ زمان است. یک نمونه از آثار قرن شانزدهم یک کاسهٔ مسی است درموزهٔ متروپولیتن که بااشکال نباتی برجسته تزیین شده است. روی آن نام سازنده یعنی امامی حلبی که بزرگ پیشه وران بود و تاریخ ۹۴۲ هجری (۶ - ۱۵۳۵ میلادی) دیده‌میشود. کاسهٔ دیگری درموزهٔمتروپولیتن موجوداست که دارای طرح تزیینی دورهٔ صفوی است وتاریخ آن ۱۰۱۰ هجری (۲ - ۱۶۰۱ میلادی) و نام صاحب آن محمود خان روی آن نقش گردیده است.

شمعدانهای برنجی دورهٔصفوی‌را که طرح تزیینی آنها برجسته یاحکاکی شده است، بشکل ستون ساخته اند. یکی از اینها (شکل ۹۴) که در مجموعهٔ موزهٔ متروپولیتن است تاریخش ۹۸۶ هجری (۹ - ۱۵۷۸ میلادی) است. نوشته و کتیبه های اینگونه شمعدانها معمولاً از شعر فارسی شمع و پروانه نقل شده و تزیین آنها عبارتست از طرحهای نباتی وطوماری که معمولاً کلیهٔ سطح شمعدانها را فرا گرفته و گاهی درمناطق جدا جدا کشیده شده است.

فلزکاران دورهٔ صفوی دراستعمال آهن وفولاد مهارت بسیار پیدا کردند و قطعات بسیارعالی ساختند که از نظر فنی از کار های دوره‌های قبل بهیچوجه پست تر نیست. اشیاء فولادی از قبیل کمربند و لوحه و نشان و غیره دارای تزیینات توباز است که گاهی با نقره یاطلا ترصیع شده است. طرح تزیینی اینها درهرمورد بسیار عالی است. یکی از کمربندهای موجود درموزهٔ توپقاپوسرای نام شاه اسمعیل اول و تاریخ ۹۱۳ هجری (۱۵۰۷ میلادی) را دارد.

بهترین و زیباترین نوع فلزکاری دورهٔصفوی ازتصاویر روی مینیاتورهای قرن شانزدهم معلوم میشود. از این اشیاء فقط عدهٔ معدودی باقیمانده که فعلاً

در موزهٔ توپقاپوسرای اسلامبول محفوظ هستند و از جمله بطریهای نقره است که تزیینات مرصع طلا روی آن بکار رفته و بعضی ها با جواهرات و سنگهای قیمتی مانند یاقوت و فیروزه و زمرد زینت یافته‌اند. معروف است که این ذخایر و نفایس محفوظ در اسلامبول جزو غنائمی بود که سلطان سلیم در جنگ با شاه اسمعیل صفوی درسال ۱۵۱٤ میلادی (۹۲۰ هجری) بدست‌آورد. فلز کاری ایرانی قرن هفدهم و هجدهم بهمان سبک و طرح دورهٔ صفوی ادامه دارد.

۱۰ - فلز کاری ونیز (قرن ۱۵ و ۱٦)

در قرن پانزدهم و شانزدهم در ایتالیا اشیاء فلزی بسبک خاور میانه و بخصوص سوریه ساخته میشد و شهر ونیز مرکز عمدهٔ این قبیل ظروف فلزی بود که دراوائل توسط صنعتگرانی از سوریه و سایر ممالک شرق و بعداً توسط هنرمندان ونیزی که خود را ازیمینی[۱] میخواندند ساخته میشد. فلز کاری ونیز که شامل کاسه و کوزه و سینی بود صنعت مخصوص بخود دارد که به‌آسانی قابل تشخیص است. در اشکال تزیینی نباتی ومتشابک تمایل به‌ازدحام و گردی شکل دیده میشود که در کار های شرقی وجود ندارد. طرح تزیینی معمولاً برجسته است و ترصیع کاری کمتر از کارهای مشرق بکار رفته است. چند کاسه و سینی موجود نام محمود کردی دارد. گاهی علائم و شعار خانوادگی وسایر تزیینات اروپائی روی این ظروف دیده میشود. از کارهای فلزی ونیز باسلوب شرقی چند نمونه درمجموعهٔ مور موزهٔ متروپولیتن موجود است.

۱۱ - فلزکاری مغربی در اسپانی و شمال افریقا

درفلز کاری مغربی اسپانی بطور کلی ازاسلوب صنایع اسلامی پیروی و بعضی صفات مشخصهٔ اسپانی بر آن اضافه شده است. زینت‌آلات طلائی جواهرنشان به‌اسلوب مغربی‌اسپانی که اغلب درغرناطه ساخته شده دارای اشکال مشبک است که باترصیع کاری میناترکیب شده. یک گردن بند و دست بند متعلق به قرن چهاردهم در مجموعهٔ مورگان موزهٔ متروپولیتن موجود است.

درخزائن کلیساهای اسپانی چندین جعبهٔ نقره که دارای نقوش برجسته

۱ - Azzimini

و توباز است وجود دارد . معروفترین آنها یک جعبهٔ نقرهٔ مطلا در کلیسای جرونا است که تزیین برگ نخلی دارد و بر طبق نوشتهٔ روی آن بفرمان خلیفه الحکم الثانی (۹۶۱ - ۹۷۶ م./۳۵۰ - ۳۶۶ ﻫ .) برای جانشین وی هشام الثانی ساخته شده است. در بین اشیاء برنزی چراغی از مسجد الحمراء فعلاً در موزهٔ مادرید محفوظ است. این چراغ بامر محمد ثالث در سال ۷۰۰ هجری (۱۳۰۵ میلادی) ساخته شده و با اشکال نباتی مشبک و کتابت عربی تزیین شده است. چند در برنزی کار صنعتگران مغربی وجود دارد و از جمله دری است که در کلیسای بزرگ قرطبه بتاریخ ۱۴۱۵ میلادی (۸۱۸ هجری) ودر دیگری در کلیسای سویل که ازحیث اسلوب بهم شباهت دارند.

در شمال افریقا صنعت فلز کاری بدرجهٔ قابل ملاحظه‌ای نرسید. ترصیع کاری اگرهم وجود داشته ، بسیارنادر بوده است. نمونه های فلز کاری موجود متعلق بدورهٔ متأخرتر وباسلوب صنایع مغربی ساخته شده است.

۱۲ ـ فلزکاری هند

در زمان تسلط مغول صنعتگران هندی برنج و آلیاژهای دیگر را برای ظروف مورد احتیاج روزانه وظروف مورد نیاز مذهبی بکار میبردند و روی این ظروف را با اشکال ساخت نقره تزیین میکردند. زینت آلات جواهر نشان که درهندوستان مورد استعمال زیاد داشت ازطلا ونقره ساخته میشد وبااحجار کریمه ومینا کاری تزیین میگردید. یک مجموعه از اینگونه جواهرات درموزهٔ متروپولیتن وجود دارد.

۱۳ ـ اسلحه و زره

در مجموعهٔ مور[۱] موزهٔ متروپولیتن چندین نمونه از اسلحهٔ خاورمیانه وجود دارد . از همهٔ آنها جالب‌تر یک خود ایرانی متعلق بقرن هفدهم و سینه پوش فولادی است که باسلوب دورهٔ صفوی روی آنرا آب طلا داده‌اند. قطعات عالی دیگر مجموعه‌ایست که جرج استون[۲] بموزهٔ متروپولیتن هدیه کرده و در قسمت اسلحهٔ موزه در معرض نمایش گذارده شده است. درمیان آنها کلاه خود وسپر و سینه پوش وشمشیر وخنجر کار ایران وهند و ترک و قفقاز وجود دارد.

۱ - Moor ۲ - George Stone

فصل دهم

سفال سازی

۱ - سفال‌سازی دورهٔ اموی‌وعباسی‌درایران وعراق (قرن۸تا ۱۰)

فتح ممالک خاورمیانه توسط اعراب دورهٔ جدیدی درصنعت سفال سازی آغاز کرد . در بدو امر سفال‌سازان مسلمان مصر وعراق و ایران از رسم واسلوب محلی تقلید میکردند و ازفن سفال سازی این ممالک پیروی میکردند . بتدریج این صنعتگران برای تزیین سفال خود شیوهٔ جدید بوجود آوردند و در قرن نهم طرحهای متنوع و رنگ آمیزی مخصوص ابتکار کردند و بکار بردند که جزء خصائص صنعت سفال سازی عالم اسلامی گردید. صنعت سفال سازی چین در پیدایش انواع مختلف سفال اسلامی تأثیر بسیار داشته است ولی اغلب بسختی میتوان گفت که یک طرح مخصوصی در کدام مملکت اسلامی شروع شده ، زیرا انواع مختلف همان طرح در ایالت مختلف امپراطوری اسلامی دیده میشود. ولی بعضی انواع و طرحها خاص ایالات معینی است.

درحفریات مرتبی که درنقاط مختلف بلاد اسلامی ازقبیل فسطاط وسامره و مدائن و شوش و نیشابور و افراسیاب بعمل آمده آثار و موادی پیدا شده است که ازنظر تاریخ سفال سازی اوائل دورهٔ اسلامی شایان توجه است. ازآنجائیکه شهرسامره درسال ۸۳۶ میلادی(۲۲۲ ﻫ.) تأسیس ودرسال ۸۸۳ میلادی(۲۷۰ ﻫ.) ترک گردید ظروف سفالی که دراین ناحیه بدست آمده کاملاً متعلق بقرن نهم است

و بوسیلهٔ آنها میتوان تاریخ ظروف مشابه سایر نقاط را تعیین کرد . حفریات نیشابور که ازطرف موزهٔ مترو پولیتن بعمل آمده ، اهمیت این شهررا که از مراکز بزرگ سفال سازی اسلامی است مسجل کرد. در میان اشیائیکه ازآنجا بدست آمده انواع مختلف سفال اسلامی است که تا کنون اطلاع زیادی در بارهٔ آنها وجود نداشت و قدیمترین آنها مطابق سکه ها و سایر شواهد باستان شناسی متعلق به اواخر قرن نهم میلادی (۲ و ۳ هجری) میباشد . آثار نیشابور طبقه بندی سفال سایر نقاط را که شواهدی برای تعیین تاریخ آنها نیست آسانتر میسازد.

کار های سفالی اوائل دورهٔ اسلامی از لحاظ طرز ساخت و نوع طرح بسیار مختلف و متنوع است . ظروف سفالی عالی و صنعتی برای ثروتمندان و درباریان و بقیه برای طبقات معمولی وروستائیان ساخته میشد، ولی حتی اینها هم دارای خواص تزیینی زیادی است که ازخصائص صنایع اسلامی است. لعاب کاری و میناکاری برای اجناس عالی بکار میرفت و قطعاتیکه با این طرز ساخته شده ظاهراً در نقاطی بوده است که دربار و درباریان اقامت داشتند . فنون دیگر از قبیل ترسیم بریده روی سفال و نقاشی قبل از لعاب دادن بیک یا چند رنگ ازطرف سفال سازان خاورمیانه برای همه نوع ظروف سفالی بکارمیرفت. سفال سازان ایرانی قرن هشتم تادهم بانواع مختلف طرق تزیین ظروف سفالی آشنائی داشته و مقادیر زیادی ظروف سفالی که درتمام ایران پیدا شده تنوع طرح و رنگ آمیزی را آشکار میسازد. تأثیر وارزش صنعتی بعضی قطعات کاملاً بستگی دارد به طرح آن در حالیکه بعضی دیگر ارزششان برنگ آمیزی است که روی آنها بکار رفته است. اغلب قطعاتیکه دارای زیباترین طرح تزیینی است بسیار ساده ساخته شده و این هنری بود که سفال سازان ایران بنحواحسن از آن استفاده میکردند. گاهی تزیین یک ظرف فقط عبارتست از کتیبه ای بخط کوفی که دور یا وسط ظرف کشیده میشد. تزیین ممکن است روی سفال بریده شود یا بیک یا چند رنگ روی لعاب یا زیر لعاب نقاشی شود .

طبقه بندی و تعیین تاریخ سفال اوائل دورهٔ اسلامی ایران بعلت عدم حفاری مرتب تا اندازه ای مشکل است. بعلاوه دراغلب موارد منبع ومحل آنها

نامعلوم است ، زیرا دلالهائی که این قطعات‌را برای‌فروش عرضه‌میداشتندحاضر نبودند محل اکتشاف‌آنها را فاش کنند . در سال ۱۹۲۰ میلادی (۱۳۳۹هجری) پزارد[۱] برای اولین بار سعی کرد سفال ایران را که از نواحی مختلف پیدا شده و بعضی از حفریات هیئت اکشتافی فرانسوی شوش بود طبقه بندی کند ولی گاهی تعیین تاریخ پزارد درست نیست.وجود تعبیرات ساسانی بر روی ظروف سفالی ویرا برآن داشت که آنها را متعلق بدورهٔ قبل از اسلام یعنی قرن هفتم بداند. بعضی دیگر از ظروف سفالی را که او متعلق بقرن‌هشتم‌میداند ، دارای تعبیرات وطرحهائیست که بطور قطع متعلق بدورهٔ متأخرتری است.

الف ـ سفال با تزیین برجسته و لعاب یکرنگ

ظروف سفالی دورهٔ عباسی را که لعاب یکرنگ دارند بدو دسته میتوان تقسیم کرد. دستهٔ اول عبارتست از کوزه‌های بزرگ که لعاب سبز یا آبی شبیه بسفال دورهٔ ساسانی‌دارند. تزیین برجستهٔ حاشیه باطرح نباتی‌بوسیلهٔ طریقه‌ای که بنام فن‌باربوتین[۲]موسوم است بعمل می‌آمد و این طریقه اغلب در ساختن ظروف سفالی بدون لعاب‌بکار میرفت. دستهٔ دوم ظروف بهتری‌است شامل بشقاب کوچک وفنجان وبطری وغیره که‌تزیین برجستهٔ قالبی که با لعاب سبز پوشیده‌شده دارند. طرح تزیینی این ظروف که درسامره وشوش پیداشده، دارای اشکال هندسی‌ونباتی وبرگ‌است که در روی‌ظروف سفالی دورهٔ اشکانیان وساسانیان نیز دیده میشود. ظروف کوچکی که اغلب بشکل‌بشقاب هستند ومیتوان‌آنهارا بهمین‌دستهٔ نامبرده منتسب‌دانست‌بالعاب زرد رنگی پوشیده شده‌اند که‌سطح ظرف‌راطلائی‌جلوه‌میدهد و بعضی از متخصصین آنرا جلای حقیقی و برخی قوس وقزحی میدانند. بعضی از قطعات درخشانی که درسامره ومدائن وشوش و ری وفسطاط پیدا شده ، نشان میدهد که این‌جلای حقیقی است که بارنگ‌کردن لعاب یا آهن و آنتیمون‌بدست آمده‌است. احتمال میرود که‌اینگونه ظروف‌بتقلید ظروف‌طلائی‌ساخته‌میشده‌است.

ب ـ سفال با تزیین بریده و لعاب چند رنگ

یکی از بزرگترین گروه سفال اوائل دورهٔ اسلامی در ایران آنهائیست

Barbotine Technique - ۲ Pezard - ۱

که تزیین روی آنها حک وبریده وبعد با لعاب سربی‌شفاف پوشانیده شده‌است. سفالیکه این قسم تزیین داشته باشد، بنام گرافیاتو[1] خوانده میشود ونام تجارتی آن گبری است. لعاب این ظروف یا کاملاً سبزرنگ و یا زرد طلائی است که رنگهای دیگر از قبیل سبز و قهوه ای یا زرد و سبز و ارغوانی روی آن پراکنده شده است. تزیین روی سفال بطریقهٔ حک یا برش یکی از ساده‌ترین طرق است که دراغلب دوره ها وبسیاری از ممالک بکار رفته است. این‌نوع تزیین‌معروف به گبری و قدیمترین آنها ظروفیست که در دورهٔ اموی ساخته شده اند.

یک گروه مشخص سفال ایران شامل کاسه هائیست که از گل‌سرخ‌ساخته شده وتزیینات روی آن که اشکال پرنده وحیوان و طرحهای نباتی و کتابت‌بخط کوفی‌است‌روی‌آن‌خک شده واین‌تزیینات‌در داخل‌مناطق‌متشابک‌قرار گرفته‌است. در زمینه معمولاً خطوط موازی و گاهی اشکال وطرحهای نباتی دیده میشود. رنگ لعاب آن کرم یا زرد و گاهی یک دور لبهٔ آن حاشیه ای برنگ سبز دیده میشود. گاهی تمام صفحهٔ وسط از شکل یک پرنده مثلاً طاوس پوشانیده شده واین طرح دریکی از ظروف متعلق بموزهٔ متروپولیتن‌آشکار است. اغلب‌ظروف سفالی دارای این‌خصوصیات در ری ساخته میشده‌است وسابقاً پزارد بعلت‌شباهتی که شکل‌پرندگان وحیوانات روی این‌ظروف بکارهای فلزی اواخر دورهٔ ساسانی داشت‌آنها را بزمان ساسانی نسبت میداد. دراینکه تزیین این ظروف از کارهای فلزی اقتباس شده تردیدی نیست ولی سبک تزیین آنها بیشتر مربوط بفلزکاری دورهٔ بعد ازساسانی یعنی قرن هشتم و نهم است تا شبیه باسلوب دورهٔ ساسانی. طرح برگ نخلی اگرچه مقتبس از صنایع ساسانی است خصائص مشخصهٔ اسلوب اوائل دورهٔ عباسی‌یعنی اواخر قرن هشتم واوائل قرن نهم را دارد. شکل‌وپایه و سطح صاف که گاهی دارای حلقه‌های مدوراست همه دال براینست که تاریخ ساخت این ظروف نمیتواند زودتر ازقرن نهم باشد.

این نوع ظروف سفالی در قرن نهم و شاید اواخر قرن هشتم درنیشابور

---

[1] Graffiato -

ونواحی دیگر مشرق ایران ساخته میشد. چندین کاسهٔ عالی باطرحهای تزیینی بریده زیرلعاب زرد یا سبزرنگ در موزهٔ متروپولیتن وجود دارد. طرح تزیینی اینها عبارتست ازاشکال برگ نخلی و طوماری و نوشتهٔ عربی. روی یک کاسهٔ سفالی عالی طرح تزیینی بمناطق مختلف تقسیم شده وبین این مناطق شکل برگ بزرگ و کلمهٔ الله نقش گردیده است. مثل ظروف دورهٔ سلجوقی گروس طرح تزیینی آن هم بریده وهم حک شده است.

سفال باطرح تزیینی بریده اغلب دارای رنگ زرد قهوه‌ای و سبزارغوانی است که روی ظروف پراکنده شده و این تقلیدی است از ظروف چینی تانگ که دردورهٔ عباسی از چین وارد میشد و درنقاط مختلف ازجمله سامره ومداین و نیشابور پیدا شده است. مقادیر زیادی ازاین نوع سفال ایرانی که تاریخ ساخت آنها بین اواخر قرن هشتم و قرن دهم است در نقاط مختلف دنیای اسلامی مانند سامره و مداین و شوش و ری و نیشابور و سمرقند بدست آمده است. ساخت بعضی از آنها عالی است و برخی از لحاظ جنس و ساخت چندان خوب نیست. از حفریات تحت نظر موزهٔ متروپولیتن درنیشابور نمونه های خوبی بدست آمد و ضمناً شواهدی پیدا شد که تاریخ ساخت این ظروف را اواخر قرن نهم (قرن سوم هجری) تعیین میکند. سفال‌سازان ایرانی که از ظروف ساخت چین پیروی میکردند، تنهابه تقلیداز آنهاقناعت نکرده‌اند بلکه طرحهای تزیینی ورنگ‌آمیزی جدید بکاربرده‌اند که درظروف ساخت چین دیده نمیشود. سفال‌سازان ایرانی دررنگ‌آمیزی ظروف چینی تغییراتی دادند، مثلا رنگ زرد وقهوه‌ای را روشنتر کردند ورنگ ارغوانی بیشتر بکار بردند. اغلب رنگ پراکنده را با طرحهای بریده طوری ترکیب کرده‌اند که اشکال هندسی منظم از قبیل دایره و قسمتی از آن لوزی و اشکال متقاطع ازآنها بوجود آمده است. مناطقی که بدین ترتیب بوجود می‌آید با اشکال طوماری غیرمنظم و برگ نخلی و گل پر کرده‌اند. یکی از بهترین نمونه‌های طرح بریده یا کنده در بشقابی از نیشابور (شکل ۹۰) دیده میشود که با اشکال برگ نخلی بزرگ و برگ نخلی شکافدار در مناطقی که شبیه گل

لاله است ، تزیین شده است. این طرح متعلق باوائل دورهٔ عباسی است وتاریخ آن باید در حدود اوائل قرن نهم (سوم هجری) باشد. در موزهٔ متروپولیتن یک بشقاب بزرگ جالب توجه ازایران که محل ساخت آن معلوم نیست وجود دارد که طرح آن بریده یا کنده و بشکل یک سلسله دایره است که شکل گل نیلوفر آبی بسبک چینی داخل آنهانقش گردیده است. این ظرف را آقای هنری والترز بموزه هدیه کرده است.

یکنوع دیگر ازظروف گبری که‌طرحهای بریده روی آنها با نقطه‌وخط سبز واشکال هندسی توأم است ،ازشمال ایران یعنی ازآمل در ایالت مازندران بدست آمده است. سه قطعه از این نوع‌ظرف درموزهٔ متروپولیتن وجود دارد. این ظروف بردو نوع هستند ، یکنوع دارای اشکال هندسی و تزیینات‌نقطه‌ای یا لکه‌دار است و نوع دیگر اشکال پرنده و حیوان بطرح عجیب روی آنها نقش شده است. تاریخ ساخت آنها نیزمختلف است. در بدو امر پزارد آنها را متعلق بقرن هشتم واواخرقرن هفتم میلادی (اول‌ودوم‌هجری) میدانست‌درحالیکه مطلعین دیگرتاریخ‌ساخت آنهارا قرن یازدهم و دوازدهم میلادی (پنجم‌وششم هجری) میدانند. بعضی از تعبیرات مانند شکل پرنده درظرف شکل ۹۶ پیروی ازاسلوب ساسانی است، درحالیکه تعبیرات دیگر درظروف گبری و سایر ظروف دورهٔ عباسی قرن هشتم ونهم دیده‌میشود. بسیاری ازظروف آمل ازلحاظ شکل و ساخت وطرز پایه و غیره حاکی ازتکامل این صنعت است وباید آنهارامتعلق بدورهٔ متأخرتری مثلاً قرن دهم دانست. در بعضی موارد بخصوص وقتی‌طرح تزیینی ظروف دارای اسلوب‌دورهٔ سلجوقی است، تاریخ آنهارا بایدقرن یازدهم و دوازدهم بشمار آورد.

ج - سفال با تزیین نقاشی شده

سفال‌سازان مسلمان صنعت تزیین ظروف‌را بوسیلهٔ نقاشی زیر لعاب شفاف تکمیل کردند. دربعضی موارد شکل نقاشی‌شده روی یک قطعهٔ سفید بعمل‌می‌آمد و قطعهٔ سیاه نیز بکار برده میشد و شرح آنها در بحث سفال نیشابور و سمرقند

خواهد آمد. بعضی ظروف دیگر اوائل دورهٔ اسلامی دارای تزییناتی است که روی لعاب غیر شفاف با رنگ آبی یا رنگهای دیگر کشیده شده است. در همهٔ این طرحها سفالسازان اسلامی مخصوصاً سفالسازان ایران وعراق انواع مختلف ظروف بوجودآوردند که نمونه وپیشروظروف عالی دورهٔ سلجوقی بشمارمی‌آید.

سفال یا نقاشی لعاب داده نشده درقطعاتی که درشمال ایران ودرسمرقند ترکستان پیدا شده دیده میشود. درحفریات موزهٔ متروپولیتن درنیشابورمقادیر زیادی سفال نقاشی شده پیداشده که درقسمت شرقی دنیای اسلام رواج داشته‌است. از طرف دیگر میتوان گفت که نقاشی شفاف یا لعاب‌دیده درخراسان وترکستان چندان مورد توجه نبوده است و چندنمونه‌ایکه در نیشابور و سمرقند پیدا شده باحتمال قوی از نواحی غربی ایران بخصوص از ری وشوش وارد میشده است. تقلید این نوع ظروف در نیشابور خود دال برآنستکه این نوع سفال درآنجا ساخته نمیشده است .

د ـ سفال با نقاشی زیر لعاب

در حفریات نیشابور انواع مختلف ظروف سفالی ایرانی نقاشی شده‌بدست آمده که متعلق بدوره‌ای بین اواخرقرن هشتم تا اوائل قرن دهم میباشد. بعضی از آنها شبیه بسفال ساخت سمرقند است وبرخی مخصوص نیشابور و شاید همهٔ ایالت خراسان باشد. طرح سفال نیشابور که یک رنگ یا چند رنگ نقاشی شده کاملاً مختلف و متنوع است وروی آنها طرحهای هندسی وخط کوفی واشکال برگ نخلی و توریقی و شکل گل وپرنده وحیوان و اشکال آدمی دیده میشود که گاهی اشکال و طرحهای عجیب از آنها ترکیب شده است.

یکنوع سفالیکه از عمیق‌ترین طبقات چاه و زیرزمینهای نیشابور بدست آمده و تاریخ ساخت آنها در حدود قرن هشتم یا اوائل قرن نهم‌است، شامل ظروفیست ازخاک‌سرخ‌متمایل بزرد ، که طرح تزیینات آنها برنگ سیاه یا ارغوانی کشیده شده و با رنگ سبز یا زرد پرشده است. از طرحهای رایج اشکال نباتی متشابک روی زمینهٔ خطوط متقاطع است. از نمونه‌های خوب این قسم ظروف

بشقابی است در موزهٔ متروپولیتن که روی آن یک سلسله اشکال برگ نخلی نیمه و اشکال طوماری و شکل گل برنگ ارغوانی و زرد وسبز نقش گردیده است. یکنوع جالب‌توجه دیگر سفال نیشابور ظروفیست که روی آن‌ها اشکال انسانی و حیوانی و پرنده و خط کوفی برنگ سیاه یا سیاه مخلوط با سبز وزرد ورنگهای دیگر کشیده شده است. دربعضی‌قطعات چندین طرح برای پر کردن صفحهٔ داخلی ظرف کشیده شده وشبیه سفالهای شفاف ری میباشد. چندین نمونهٔ این‌قسم سفال در موزهٔ متروپولیتن یافت میشود. یکی ازآنها ابریقی است که دهنهٔ آن بشکل سر یک‌حیوان‌است. بدنهٔ این ظرف که متعلق‌بقرن‌نهم (دوم هجری) است باشکل یک پرندهٔ عجیب و شکل گل برنگ سیاه و قرمز و سبز روی زمینهٔ زرد تزیین شده است. ظرفی که از مهمترین قطعات سفال اوائل دورهٔ اسلامی بشمار می‌آید (شکل ۹۷) بهمین دسته ظروف تعلق دارد. درقسمت داخلی ظرف تصویر یک مرد جنگی که خنجری بدست دارد کشیده شده و در اطراف تصویر این مرد اشکال پرندگان تاجدار (که از مختصات سفال نیشابور است) و شکل گل وخط کوفی برنگ سیاه وسبز در روی زمینهٔ زرد دیده میشود. تصویر مرد با لباس مخصوصی است که یقهٔ برگشته دارد ودامن اوتصاویر آسیای وسطی درنقاشیهای دیوارترکستان چین را بیاد می‌آورد.

یک‌سری جالب‌توجه دیگر سفال نیشابور باکتیبه‌ای که برنگ قهوه‌ای یا ارغوانی سیاه روی زمینهٔ سفید نقاشی شده، تزیین گردیده‌است. این نوشته یا در مرکز ظرف یا سرتاسر و یا دورلبهٔ ظرف قرار دارد. معمولاً این نوع‌ظروف سفالی بسیارخوب ساخته‌شده وتزیین آن زیباست. موزهٔ متروپولیتن چندین نمونه از این نوع ظروف که متعلق بقرن نهم‌و اوائل قرن دهم است دارد. ظرفی که درشکل۹۸ دیده میشود باخط کوفی تزیین شده‌ودر وسط ظرف شکل‌پرنده‌ایست که برگی بمنقار و برگ دیگری روی سردارد. تصویر پرنده در بسیاری از ظروف سفالی مشاهده میشود واز قرارمعلوم در نیشابور شایع ومورد توجه بوده است. ظروف دیگری که دارای کتیبه هستند حروف نازك شبیه کاسه‌های دورهٔ

سامانی دارند که در قصبهٔ افراسیاب نزدیک سمرقند پیدا شده . از قطعات زیادی که از این ظروف سیاه و سفید و نوشته‌دار بدست آمده میتوان نتیجه گرفت که در نیشابور و ایالت خراسان این نوع ظرف مشهور و مورد توجه بوده است . گاهی سفال سازان یک کمی رنگ قرمز بنوشتهٔسیاه اضافه میکردند و گاهی بعضی حروف‌را بارنگ قرمز نقاشی مینمودند. دورهٔ آنها را برنگ سیاه باقی میگذاشتند. از این نوع ظرف قطعه‌ای در موزهٔ متروپولیتن موجود است .

رنگ سیاه و قرمز یا قرمز تنها با اثر بسیار در تزیین سفال نیشابور بکار میرفت و نمونه‌های خوبی در موزهٔ تهران وموزهٔ متروپولیتن وجود دارد. یک نمونهٔخوب متعلق بقرن نهم یااوائل قرن‌دهم (سوم هجری) ظرفیست درموزهٔتهران که با اشکال قلب شکل متداخل برنگ‌سیاه وقرمزروی زمینهٔسفید تزیین گردیده است . در مجموعهٔ موزهٔ متروپولیتن قطعه‌ای از یک ظرف بزرگ دورهٔ سامانی وجود داردکه طرح متشابکی که منتهی بشکل برگ نخلی میشود برنگ سیاه روی آن نقش شده است. سفال نقاشی شده متعلق بدورهٔ سامانی درنواحی‌غربی ایران و بیشتر در آمل و ایالت مازندران پیدا شده است . تزیینات چند رنگ آنها شامل شکل پرندگان و برگ و نوشته بخط کوفی و شکل ترنجی مدور در وسط برنگ ارغوانی و قرمز و سبز زیتونی است شکل (۹۹) .

بعضی از اقسام سفال نقاشی شدهٔ نیشابور در سمرقند نیز معروف بود . درسال ۹۰۱ میلادی (۲۸۹ ه.) ایالت‌خراسان بانضمام پایتختش نیشابور بوسیلهٔ سلاطین سامانی ضمیمهٔ ماوراءالنهر گردید . دربالا به‌سفال سیاه‌وسفید نوشته‌دار که درهردو ایالت ساخته میشد اشاره شد . از تزیینات دیگری که بین هردو ایالت مشترك است طرحهای تزیینی برنگ ارغوانی و سبز و قرمز روی زمینهٔ سفید میباشد . این تزیینات شامل نوشتهٔ بخط عربی و طرحهای نباتی است . دونمونه از این قبیل ظروف یکی از نیشابور (شکل ۱۰۰) و دیگری ازسمرقند (شکل ۱۰۱) در موزهٔ متروپولیتن وجود دارد . طرح تزیینی دومی که شامل اشکال توریقی و گلدانی شکل در مناطق مثلث شکل است بی‌شباهت باسلوب دورهٔ عباسی نیست .

از اقسام دیگر سفال نیشابور که در سمرقند نیز رایج بود ظروفیست که باگل رنگی روی زمینهٔ رنگهای مختلف‌ازقبیل ارغوانی و قهوه‌ای و قرمزتزیین شده . چند نمونهٔ عالی از این نوع ظروف در موزهٔ متروپولیتن‌وتهران موجود است . درمیان طرحهای تزیینی شکل گل با یک ردیف مروارید که اغلب باطرح برگ نخلی محفوظ شده و ازبقایای اثر صنعت دورهٔ ساسانی است دیده میشود . زمینهٔ این ظروف ارغوانی است‌و طرح تزیینی روی آنها برنگ سفید و زرد و قرمزآجری کشیده شده است. دربعضی قطعات دیگر طرحهای‌طوماری و برگ نخلی‌یا چنددسته نقطه تزیین ظرف را تشکیل میدهد . ظروفیکه‌دارای نوشته است طرح تزیینی زیبائی دارد و یکی از عالیترین نمونهٔ این قسم ظرف درموزهٔ متروپولیتن است . روی‌این ظرف نوشته‌ای بخط‌کوفی که درآن کلمه برکة تکرار شده برنگ سفید روی زمینهٔ سیاه وقهوه‌ای‌دیده میشود وتاریخ آنرا میتوان اواخر قرن نهم یا اوائل قرن دهم دانست .

ه ـ سفال با نقاشی جلادار

سفال دورهٔ عباسی‌در نواحی عراق ازقبیل سامره ومداین پیدا شده‌است و در ایران در شوش و ری وهمچنین در خرابه‌های شهر فسطاط (قاهرهٔ قدیم) در مصر . ظروف سفال دورهٔ عباسی که لعاب جلادار دارد ازعالیترین محصول سفال اسلامی بشمار می‌آید. عمل آوردن لعاب جلادار از اختراعات بزرگ سفال سازان اسلامی قرن هشتم و نهم محسوب میشود . اگرچه سعی شده‌است که مبدأ این نوع سفال را بدورهٔ قبل‌از اسلام مصر نسبت دهند ولی هیچیک از نمونه‌های‌موجود را نمیتوان بتاریخی‌قدیمتر ازقرن‌هشتم یانهم‌منتسب‌دانست . این نوع ظروف سفالی‌معمولاً ازگل زرد رنگ ساخته میشود که روی آن را بایک طبقهٔ غیر شفاف مینا میپوشانندو پس‌از پخت اول در کوره طرح‌تزیینی‌را با اکسید معدنی روی آن نقاشی میکنند . سپس این ظروف را برای بار دوم با درجهٔ کمتر در حدود ۵۰۰ تا ۸۰۰ درجهٔ فارنهایت بتدریج حرارت میدهند و در نتیجهٔ تماس با دوداکسید معدنی بیک ورقهٔ نازک فلزی تبدیل میگردد.

رنگ این ورقهٔ نازک یا طلائی‌ویا قهوه‌ای وقرمزاست. درقرن نهم‌سفال‌سازان این شیوه وطرز عمل آوردن لعاب جلادار راکه از خصائص‌صنعت سفال‌سازی خاورمیانه‌است،به بهترین‌وجه‌آموخته بودند. درحفریات‌ساره و هرتسفلددرسامره نمونه‌های خیلی عالی از این نوع سفال پیدا شد وچنین اظهار عقیده کردند که این صنعت میبایست در اصل در عراق آغاز شده باشد . عقیدهٔ دیگری که از طرف مکتب فرانسوی بخصوص کوشلن[۱] ابراز شده اینست که مبدأ ومنشأ این نوع سفال ری بوده است که‌مرکز ومهد صنعتی این طرز سفال‌سازی است و از آنجا بسایر نقاط ایران و عراق منتشر گردیده‌است.نظر ثالثی‌هم‌وجود دارد که اصل این صنعت را به‌مصرنسبت میدهند. اثبات اینکه کدام یک از این سه‌نظر صحیح است فعلاً میسرنیست وباید منتظر حفریات‌آینده بود تا شواهدومدارک زیادتری در این باره پیدا شود . ولی میتوان گفت این عقیده که تمام ظروف سفالی دارای لعاب‌جلادار ازعراق بایران آورده شده امروزه قابل اثبات نیست.

ظروف سفالی دارای لعاب جلادار در ایران بدوطبقه تقسیم میشود . یکی آنهائیست که اسلوب آن کاملاً ایرانی است وطبقهٔ دیگر آنهائیکه عناصر ایرانی وعراقی در آنها مشترک است. طبقه ای که دارای اسلوب کاملاً ایرانی است ، تزییناتی از قبیل اشکال انسان وحیوان و پرنده و اشکال نباتی و نوشتهٔ بخط کوفی دارد. از این نوع دوظرف درموزهٔ متروپولیتن موجود است. یکی دارای تصویر خرگوش دونده است (شکل ۱۰۲) و دیگری که در ری پیدا شده دارای تصویر غزال و کتیبهٔ بخط کوفی است و خصوصیات اسلوب ترسیم حیوانات در ایران که قبلاً درمورد سفال نیشابور بحث شد درآن دیده میشود. از آنجائیکه از این نوع سفال که دارای تصویر حیوانات باشد درسامره یا سایر نقاط بهیچوجه پیدا نشده، میتوان این نوع‌ظروف سفالی را مخصوص ایران دانست. یکنوع دیگر سفال با لعاب جلادار که مخصوص ایران است ، اشکال طوماری نباتی وبرگ نخلی ونوشته بخط کوفی دارد که مجموعاً یک طرح واحد تشکیل

۱ - Koechlin

میدهند . نمونهٔ این قبیل سفال درشوش و ری که از قرار معلوم محل ساخت این قسم سفال وظروف سفالی مصور به اشکال حیوانات بوده بدست آمده است.

ظروف سفالی با لعاب جلادار چند رنگ درشوش و ری درایران و همچنین درمصر پیدا شده ولی بهترین وزیباترین نمونه های آن درحفریات سامره بدست آمده است. در اینکه این نوع سفال عباسی باتزیین چندرنگ که در ایران وسایر نقاط پیدا شده بنا بعقیدهٔ ساره وهرتسفلد در اصل عراقی است یا درمحل ساخته شده ، هنوز مورد بحث است.

ظروف دارای لعاب جلادار دورهٔ عباسی بیشتر از نمونه های حفریات سامرهٔمعروف است،ولی‌نمونه های دیگری درسایر نقاطازجمله مداین‌نزدیک‌بغداد نیز بدست آمده است. ظروفیکه بین سالهای ۸۳۶ و۸۸۳ میلادی(۲۲۲و۲۷۰ ه .) برای استفادهٔ خلفای عباسی ساخته شده و در سامره بدست آمده است از لحاظ زیبائی و رنگ‌آمیزی از تمام ظروف دیگر دورهٔ اسلامی که بعداً ساخته شده بهتر و عالیتر است . تزیین این ظروف بروی یک طبقهٔ نازك مینا بیک یا چند رنگ نقاشی شده و لعاب جلادار چندرنگ زرد یا سبز طلائی و قهوه ای است.

زیباترین قطعات ظروف سامره آنهائیست که لعاب جلادار آنها چندرنگ است. یک گروه دارای رنگ طلائی وزیتونی وسبز روشن وقهوه‌ای قرمز میباشد. طرح تزیینی آنها که مختص دورهٔ عباسی است شامل طرحهای طوماری باتعبیرات مخروطی شکل و اشکال نباتی وگل وبرگ نخلی و برگ نخلی بالدار ساسانی است (شکل ۱۰۳) .فواصل این‌اشکال باطرح موزائیک چهارخانه یا لوزی‌ودایرهٔ نقطه دار پر شده است.

ظروف دارای لعاب جلادار سامره بسیار شبیه کاشی کاری عالی یک رنگ وچند رنگ محراب مسجد سیدی عقبة در شهر قیروان تونس است. ۱۳۹ کاشی طوری ترتیب داده شده که محراب را مانند قاب دربر گرفته و برطبق بعضی مراجع تاریخی این کاشیها و همچنین منبر چوبی مسجد در اوائل قرن نهم (اواخر قرن‌دوم هجری) توسط یکی‌ازسلاطین سلسلهٔ اغلبی که شاید امیر زیادة‌الله

اول[1] (۸۳۸ - ۸۱۷ م./۲۲۴ - ۲۰۲ هـ.) باشد ازبغداد وارد شده بود. حفریات سامره دلیل حقیقی وواقعی برای اثبات این مرجع تاریخی که بعضی ازمتخصصین در آن تردید داشتند فراهم کرده است. کاشیهای قیروان که از حیث تاریخ از سفال سامره قدیمترند باید ساخت سفال سازان بغداد باشد. سامره که محل اقامت موقتی خلفا بود، فقط شعبه ای ازمکتب سفال سازی عراق که مرکز آن دربغداد بود بشمار می‌آمد. طرح تزیینی‌عالی و ترکیبات متنوع کاشیهای قیروان نشان میدهد که صنعت لعاب جلادار در نیمهٔ اول قرن نهم تا چه حد درعراق نمو و ترقی کرده بود.

مجموعه ای از سفال نقاشی شده برنگ یاقوتی که غالباً با زرد و سبز و طلائی و ارغوانی ترکیب شده است در سامره پیدا شده که از حیث درجه و عالی بودن نوع و طرز کار حتی برسفال قیروان تفوق دارد. این ترکیب رنگ‌آمیزی نه تنها برای تزیین ظروف بکارمیرفت، بلکه روی کاشی کاری وتزیین دیوار قصر سامره نیز دیده میشود. چندین نمونهٔ عالی و زیبا پیدا شده که فعلاً در موزهٔ برلین محفوظ است. بعضی از این کاشیها دارای تصویر خروسی است که در داخل اکلیل قرارگرفته و روی زمینهٔ زرد مرمری کشیده شده است. کاشیهای دیگری که نمونهٔ آنها درموزهٔ متروپولیتن موجود است باگل رنگی قرمز و زرد وسبز و قهوه ای بتقلید سنگهای مرمر شکل نقاشی شده است. یک ظرف نادر (شکل ۱۰۴) درموزهٔ متروپولیتن موجود است که درخشندگی لعاب جلادار یاقوتی وترکیب رنگهای مختلف را بخوبی آشکار میسازد. طرح تزیینی داخل آن شامل طرح‌مخروطی‌شکلی است که دراطراف آن برگهای بلند باریک دیده‌میشود. دور این طرح چند منطقه است که بارنگهای مختلف قرمز وطلائی برروی زمینهٔ یاقوتی شفاف نقش شده است. قسمت خارجی ظرف حتی پایهٔ آن با لعاب جلادار یاقوتی پوشیده شده است. اگر چه محل اصلی این قطعه معلوم نیست ولی ازروی حدس میتوان آنراساخت عراق دانست، زیرا بهترین ظروف سفالی دارای لعاب جلادار درعراق پیدا شده است.

۱ - امیر زیادة الله بن اغلب، سومین پادشاه سلسلهٔ اغالبهٔ شمال آفریقاست. م.

چنانکه گفته شد ظروف لعابی جلادار چند رنگ باسلوب عباسی در ایران و مصر نیز پیدا شده است. یک مقایسه بین قطعات ایرانی ازجمله ظروف شکل ۱۰۲ که درموزهٔ متروپولیتن است با ظروف ساخت عراق بخوبی نشان میدهد که ظروف ایرانی از حیث طراحی و تزیین بخوبی ظروف عراق نیست ودر حقیقت تقلید آنها است. مرکز ساخت و تولید این سفال عالی قرن نهم عراق و مخصوصاً بغداد بود. در ایران تولید ظروف سفالی جلادار چندرنگ از نوع ظروف عراق منحصر بود بمراکز سفال سازی مغرب ایران. درخراسان چنانکه از حفریات اخیر مستفاد شده سفال سازان این نوع ظروف را با نقاشی زیر لعاب میساختند. ظروف دارای لعاب جلادار که درمصر ومخصوصاً فسطاط و «بهنسا» و نواحی دیگر پیدا شده باحتمال قوی از عراق وارد شده بوده است.

و - سفال با تزیین روی لعاب

نمونه‌های جالب توجه سفال دورهٔ عباسی که نقاشی روی لعاب آنها برنگ آبی وسبز است در سامره وشوش و ری بدست آمده‌است. مانند سفال‌دارای لعاب‌جلادار، این نوع ظروف که‌از گل زرد رنگ ساخته و با یک ورقهٔ نازک مینا مانند پوشانیده شده است، به کوره‌های سامره نسبت داده میشوند. تزیین این ظروف‌عبارتست‌از نوشتهٔ بخط کوفی برنگ‌آبی، و گل سبز که در یک‌نمونهٔ موجود در موزهٔ متروپولیتن دیده میشود یا اشکال برگ (شکل ۱۰۵) یا شاخهٔ گل با شکل برگ نخلی که برنگ آبی یا آبی و سبز نقش گردیده است. از قطعات بسیاری که در ایران پیدا شده معلوم میشود که‌ساختن این نوع ظروف منحصر بعراق نبوده است، بلکه در مغرب ایران و شاید در ری و نقاط دیگر نیز ساخته میشده است. درحفریات نیشابور شواهدی‌بدست آمده که نشان میدهد که اینگونه ظروف‌در مشرق ایران تقلید میشده و تزیین آنها که اغلب نوشته و کتیبهٔ برنگ سیاه روی زمینهٔ سفید است، برخلاف‌ظروف مغرب ایران زیر لعاب، و نه روی لعاب، نقاشی میشده است.

ز ـ سفال بدون لعاب

سفال بدون لعاب اوائل دورهٔ اسلامی از لحاظ شکل و تزیین اسلوب دورهٔ ساسانی‌را ادامه داده وشامل کوزه‌های بزرگ و کوزه‌های کوچک وبطری وابریق است که درنقاط مختلف‌عراق وسوریه وایران‌پیداشده. تزیین‌این نوع‌ظروف سفالی بچندطریقه انجام می‌یافت. ساده‌ترین آنها حک خطوط موازی و منحنی و تعبیرات سادهٔ نباتی بود . قطعاتی از این نوع سفال در مداین و سامره و نیشابور بدست آمده و در نیشابور هیئت اکتشافی موزهٔ متروپولیتن نمونه‌های عالی این ظروف از قرن هشتم ونهم(دوم‌وسوم‌هجری) پیدا کرده است. گاهی‌طرح تزیینی حک‌شده بااشکال برجسته به فن‌باربوتین توأم گردیده و این عمل شاید بوسیلهٔ قراردادن گل مرطوب بوسیلهٔ قیف روی ظرف صورت میگرفت.این تزیینات برجسته نسبةً خشن است و شامل‌اشکال انسان و حیوان و نبات‌است. کوزهٔ بزرگی که نزدیک مداین در عراق پیدا شده با اشکال درخت و گل برجسته تزیین شده وضمناً تزیینات حک یا بریده شده نیزروی آن وجود دارد. یکنوع جالب توجه ابریق بدون لعاب با تزیین حک شده از نقاط مختلف ایران بدست آمده است . ابریقی در موزهٔ متروپولیتن وجود دارد که میگویننددر ساوه پیدا شده وروی آن تصویر یک جفت غزال که بوسیلهٔ شکل درخت ازهم جدا و روی درختان نیز شکل پرنده رسم شده دیده میشود . اسلوب و رسم ساسانی هنوز دراین ظروف سفالی که میتوان آنها را متعلق بقرن نهم دانست آشکار است .

یک گروه دیگرظروف سفالی بدون لعاب آنهائیست که تزیین روی‌آنها بوسیلهٔ مهر گرد یا شکل دیگر روی آنها بعمل آمده است واین طریقه در دورهٔ ساسانی مرسوم بوده است . طرحهای تزیینی این ظروف عبارتست از اشکال انسانی و حیوان و پرنده و گل و کتیبهٔ کوفی . نمونهٔ این ظروف در اغلب نقاط عراق‌بدست آمده که متعلق به‌اواخر دورهٔ ساسانی و اوائل دورهٔ اسلامی است . نمونه‌های جالب توجهی متعلق بقرن نهم که بسیاری از آنها دارای اشکال حیوانات هستند در سامره پیدا شده است .

سفال سازان خاورمیانه برای ساختن مقادیر زیاد ظروف سفالی بدون لعاب باتزیینات برجسته‌مانند کوزه و ابریق قالب بکارمیبردند. قسمت مرکزی و مدور ظرف بوسیلهٔ دو قالب جدا ساخته میشد و گردنه و دسته و پایه بعداً بآن وصل میگردید. چنانکه از نمونه های سامره دیده میشود، تزیین این نوع ظروف قرن‌نهم به تفصیل تزیین‌ظروف قرن یازدهم ودوازدهم‌نیست ومعمولاً شامل اشکال هندسی و طرحهای نباتی است.

۴ - سفال دورهٔ سلجوقی درایران (قرن ۹ تا ۱۴)

تصرف و فتح ایران توسط ترکان سلجوقی درنمو وتوسعهٔ صنایع اسلامی در آن مملکت اهمیت بسیار دارد. سلاطین سلجوقی قرن یازدهم و دوازدهم از حامیان بزرگ صنعت بودند و هنرمندان و صاحبان حرفه را در دربارها و مقر حکومت خود در مرو و نیشابور و هرات و ری و اصفهان گرد آوردند. دردورهٔ سلجوقیان و جانشین آنها خوارزمشاهیان سفال سازان ایران ظروف سفالی عالی میساختند که آنها را میتوان در زمرهٔ بهترین و زیباترین کارهای این صنعت بشمار آورد. بسیاری از طرحها و شیوه های دورهٔ قبل از سلجوقی توسط سفال سازان قرن دوازدهم وسیزدهم تکمیل شد. تکنیکهائی مانند لعاب جلادار نقاشی روی لعاب و زیر لعاب بیک یا چند رنگ و حکاکی وبرش درمراکز مختلف سفال سازی بکار میرفت. طرق جدید تزیین از قبیل طرح مشبک با تأثیر بسیار بوجود آمد. ری که از شهرهای آباد و معتبر دورهٔ سلجوقی و نزدیک تهران فعلی بوده است یکی از مراکز مهم این صنعت گردید. خرابه های ری که سالیان دراز بوسیلهٔ دلالهای عتیقه مورد استفاده واقع شده مقادیر زیادی ظروف سفالی بوجود آورده که موزه ها و مجموعه های خصوصی از آنها پراست. یکی دیگر از مراکز عمدهٔصنعت سفال‌درقرن‌سیزدهم‌وچهاردهم‌میلادی (هفتم‌وهشتم‌هجری) شهر کاشان بود که درآنجا چندین سفال ساز مشهور ایرانی که نام آنها معروف است، سکونت داشتند و کار میکردند. از نقاط دیگرایران که مرکز سفال‌سازی بود سلطان‌آباد و ساوه و نیشابور را میتوان نام برد. از آنجائیکه درنقاط مختلف

ایران انواع و اقسام مختلف ظروف سفالی ساخته میشد ، اغلب بسختی میتوان گفت که فلان ظرف سفالی بکدام شهر تعلق دارد . انواع مختلف سفال دورهٔ سلجوقی را میتوان باعتبار طرز ساخت بچندین دسته تقسیم کرد .

الف ـ سفال با تزیین بریده وحک و نقاشی شده

از سفال دورهٔ سلجوقی که تزیین آنها حک یا بریده شده چندین نوع مختلف وجود دارد . بعضی از آنها در کار خانه های متعلق بدربار ساخته شده وبرخی دیگر ظروفیست که بطبقهٔ عامه و روستائیان تعلق داشته است. سفال سازان ایرانی این دوره مانند سفال‌سازان دورهٔ عباسی سعی داشتند ازظروف چینی ساخت کشور چین تقلید کنند . کاسه های سفید کرم رنگ و فنجان و ابریق هائی که درنقاط مختلف ایران بخصوص در ری پیدا شده دارای شفافی ظروف چینی میباشد . بدنهٔ سفید اینها سخت‌تر و نازکتر از نمونه های قرن نهم و دهم است ونشان میدهد که صنعت سفال‌سازی ترقی بسیار کرده است. تزیین این ظروف که چندین نمونهٔ آن درموزهٔ متروپولیتن وجود دارد، بطورکم برجسته حک وبریده شده وگاهی طرحهای سوراخ دار یا مشبک روی آن نیز دیده میشود . یک نمونهٔ قدیمی این نوع ظروف ابریقی است (شکل ۱۰۶) درمجموعهٔ «هاومایر»[۱] درموزهٔ متروپولیتن . تزیین آن شامل بندی است در وسط که اشکال پرنده روی آن کشیده شده و طرحهای طوماری پرنده ها را از هم جدا ساخته است . یک بند دیگر دارای اشکال برگ ومشبک کاری است ومعلوم است که این مشبک کاری درمراحل اولیهٔ نمو است وبعدها تکمیل ومفصل گردیده و از آن استفادهٔ شایان شده است. مشبک کاری تنها روی ظروف سفیدرنگ بکار نرفته ، بلکه درظروف آبی رنگ وحتی ظروف لعابی سبز متعلق بقرن یازدهم تا سیزدهم نیز دیده میشود . از این نوع ظروف درنیشابور و ری پیدا شده وباحتمال قوی در اغلب نقاط ایران ساخته میشده است. یک نمونهٔ مهم متعلق باوائل قرن یازدهم بشقاب آبی‌رنگی است (شکل ۱۰۷) که تصویر چند ماهی روی آن کشیده شده است.

۱ - Havemeyer

شبیه این دسته ظروف سفالی سلجوقی که شرح داده شد ، دستهٔ دیگری ظروف عالی متعلق بقرن یازدهم و دوازدهم است و اینها عبارتند از بشقابهای سفید که تزیین آنها کم برجسته حک وبریده شده وبا لعاب برنگ آبی وفیروزه و زرد و ارغوانی نقاشی شده است .اغلب این ظروف دورهٔ سلجوقی «لقبی» نامیده میشده ودر ری پیدا شده وشاید باعتبار صنعت محلی باین نام موسوم بوده است و در موزهٔ متروپولیتن هشت قطعه از این ظروف متعلق بایران وجود دارد که بوسیلهٔ «هوراس هاومایر» بموزه اهداء شده است. تزیین آنها عبارت است ازشکل حیوان یا پرنده و اشکال طوماری نباتی و گاهی اشکال انسان. این تزیینات تاحدی شبیه طرحهای تزیینی فلزکاری ونساجی سلجوقی قرن یازدهم ودوازدهم است. از نمونه های خوب ظرفیست (شکل ۱۰۸) با تصویر گوزن و بشقاب دیگری درموزهٔ برلین که تصویر عقاب روی آن نقش شده و ظرف دیگری که تصویر پرنده دارد و سابقاً درمجموعهٔ «میسی»[۱] بود و فعلاً درموزهٔ کلیولنددرآمریکاست.

یک گروه دیگر ازسفال دورهٔ سلجوقی متعلق بقرن دوازدهم شامل بشقاب وکاسه و ابریق است که با لعاب یکرنگ آبی یا فیروزه ای یا سبز یا ارغوانی پوشیده شده. سابقاً تصور میشد که محل ساخت این ظروف سلطان آباد میباشد وبنام ظروف سلطان‌آباد معروف بود ، ولی این نسبت کاملاً صدق نمیکند زیرا قطعات زیادی از سایر نقاط مانند ری و کاشان و ساوه بدست آمده که احتمال میرود ساخت همان نقاط باشد . تزیین این ظروف قرن دوازدهم از سفال قرن سیزدهم‌مفصلتر ومتنوعترونمونهٔ تکامل اسلوب سلجوقی‌است که اغلب ازطرحهای فلزکاری آن دوره اقتباس گردیده است. شکل حیوان وپرنده مورد توجه بوده وگاهی دهنهٔ ابریقها بشکل سرپرنده ساخته شده است . تزیین روی آنها کم برجسته وحک یا بریده شده ودرمیان قطعاتی که طرح حک شده دارند کاسه های نازکی است با لعاب آبی. یک نمونهٔ آن در موزهٔ متروپولیتن موجود است که بندی دارد که حیوانات دونده بروی زمینهٔ اشکال طوماری روی آن نقش شده

Macy - ۱

است. در قطعات دیگر طرح تزیینی کم برجسته نقش شده و چند نمونهٔ آن که بشقاب و ابریق باشد درموزهٔ متروپولیتن موجود است.

درمیان سفال معروف به گبری دورهٔ سلجوقی چند گروه جالب توجه که در نقاط مختلف پیدا شده وجود دارد. گرچه تزیینات این ظروف مفصل است، ولی معمولاً آنها را برای استفادهٔ طبقهٔ روستائی میساختند. یک گروه که درشمال ایران پیدا شده وبناحیهٔ آمل یا زنجان نسبت داده میشود، دارای تزیین بریده شدهٔ اشکال حیوانات وپرندگان روی زمینهٔ طرحهای طوماری است. لعاب این ظروف بی‌رنگ ولی با طرحهای تزیینی باسلوب ظروف ساخت چین دورهٔ تانگ برنگ زرد قهوه ای وسبز وارغوانی نقش شده است. این تزیینات دارای بسیاری ازصفات‌مشخصهٔ دورهٔ سلجوقی‌است‌وتاریخ‌ساخت‌آنها رابایدقرن‌دوازدهم میلادی (ششم‌هجری) دانست. بهترین نوع ظروف گبری اغلب بناحیهٔ همدان و زنجان‌نسبت داده میشود ولی‌اخیراً آنها را متعلق به گروس وبخصوص یسوقند میدانند. این ظروف که شامل ابریق و کاسه و کاشی باندازه های مختلف است با اشکال انسانی و حیوانات وپرندگان و کتیبهٔ کوفی و اشکال نباتی طوماری تزیین گردیده است. این اشکال یا روی‌ظرف حک وبریده شده یا اینکه اطراف طرح طوری بریده اند که‌خود طرح تزیینی برجسته‌جلوه میکند. لعاب‌آنها معمولاً زرد رنگ است که گاهی رنگ سبز و ارغوانی نیز بآن اضافه شده است. اگرچه بعضی از قطعات این نوع ظروف مانند کاسه ای که درشکل ۱۰۹ دیده‌میشود دارای طرح تزیینی عالی است ولی معمولاً تزیینات این ظروف خشن وبدون دقت نقش شده واین ازخصوصیات ظروف مخصوص روستائیان است. تاریخ ساخت این ظروف مختلف ذکرشده‌است. بعضی‌آنها را متعلق بقرن هشتم‌ونهم(دوم‌وسوم‌هجری)میدانندوعده‌ای ازنظر اسلوب‌حروف کوفی آنهارابقرن یازدهم ودوازدهم(پنجم وششم هجری) نسبت میدهند. شواهد و مدارك جدید تاریخ متأخرتر را تأیید میکند و میتوان گفت که قسمت عمدهٔ ظروف گبری متعلق بقرن دوازدهم است وشاید بعضی از آنها نیز درقرن یازدهم ساخته شده باشد.

انواع مختلف ظروف سلجوقی قرن دوازدهم (ششم هجری) درقرن سیزدهم (هفتم هجری) نیز ساخته میشد.

بطور کلی درقرن سیزدهم تزیینات این ظروف بیشتر و مفصلتر شد و بعضی از آنها از جمله ابریقهای ساخت قرن سیزدهم بجای تزیینات حک شده طرحهای تزیینی قالبی دارد. یک ابریق آبی‌رنگ (شکل ۱۱۰) با نقوش شکارچیان سوار و پیاده تزیین و در زمینهٔ آن اشکال نباتی خطی کم برجسته کشیده شده است. از موضوعهای مورد توجه دیگر که روی ابریقهای آبی و فیروزه‌ای دیده میشود، تصویر دراویش درحال رقص و تصویر حیوانات و اشکال نباتی و کتابت کوفی است. عده‌ای از کوزه‌های بزرگ که نمونهٔ آنها کوزه‌ایست با لعاب فیروزه‌ای در موزهٔ متروپولیتن (شکل ۱۱۱) متعلق بهمین نوع ظروف سفالی است و تاریخ ساخت آنها را میتوان اوائل قرن سیزدهم دانست. تزیین کردن این ظرف عبارتست از نوشته‌ای بخط کوفی و بندی که دارای اشکال نباتی طوماری برجسته است. در قسمت علیای بدنهٔ کوزه تصاویر حیوانی که نیمه شیر و نیمه عقاب است بر روی زمینهٔ اشکال نباتی نقش شده و این طرح از موضوعهای مشهور دورهٔ سلجوقی است، زیرا این نقش دو بند دیگر است که روی یکی سه ردیف اشکال هندسی لوزی شکل و روی دیگری طرح فلس ماهی کشیده شده است. از این نوع کوزه فقط شش عدد موجود است. سابقاً تصور میشد که اینها در سلطان آباد ساخته شده باشند، ولی اخیراً آنها را بکاشان نسبت میدهند.

سفال‌سازان سلجوقی اواخر قرن دوازدهم با تکنیک نقاشی زیر لعاب که اغلب باتکنیک‌های دیگر ترکیب میکردند آشنائی داشتند. در یک دسته سفال جالب توجه و قطعاتی که ازاین نوع سفال در ری پیدا شده، دیده میشود که تزیین برجسته از یک قطعه سیاه که با لعاب آبی پوشانیده شده تشکیل یافته است. طرح تزیینی شامل برگ نخلی طوماری و اشکال حیوانات و پرندگان و اشکال انسانی است که بطور مؤثر بشکل سیلوئت[1] کشیده شده است. ازاین نوع سفال دوقطعه

۱ - Silhouette

درموزهٔ متروپولیتن موجوداست. روی یکی از آنها تصویر مرد نشسته‌ای دیده میشود که باسلوب ظروف لعابی جلادار ری متعلق باواخر قرن دوازدهم واوائل قرن سیزدهم است. دیگری فنجانی است که کتیبهٔ بریده و بند های عمودی دارد. یکی از عالیترین نمونه های این نوع ظروف در مجموعهٔ «هوراس هاومایر»[1] نیویورك است که تصویر سواری برروی زمینهٔ اشکال نباتی روی آن نقش شده است. یکنوع دیگر این ظروف آنهائیست که طرح تزیینی برنگ سیاه یا قهوه‌ای زیر لعاب کرم رنگ نقاشی شده است.

یکنوع دیگر ظروف سفالی که نقاشی زیرلعاب آن برنگ سیاه و لعاب آن بیرنگ یا آبی است دارای طرحهای تزیینی شامل اشکال طوماری برگدار ودسته گل سیاه و گیاه و پرنده و ماهی است که بطور اختصار و باسلوب‌تأثیری اقتباس از اسلوب عباسی قرن نهم کشیده شده است. اغلب یك یا دوبند کتیبه درهر دوطرف ظرف نیز دیده میشود. این نوع سفال را باحتمال قریب بیقین میتوان باوائل قرن سیزدهم (هفتم هجری) نسبت‌داد، زیرا چندقطعهٔ تاریخ دارازاین نوع ظروف بدست آمده است. قدیمترین آنها قطعه‌ایست که در سال ۱۲۰٤ میلادی (٦۰۱ ه.) ساخته‌شده و درمجموعهٔ گمسرگان[2] دراسکندریه موجوداست. قطعات دیگری دارای تاریخ ۱۲۱۱ میلادی (٦۰۸ ه.) و ۱۲۱٤ میلادی (٦۱۱ ه.) درموزهٔ ملی استکهلم ومجموعهٔ «سرارنست دبنهام»[3] درلندن محفوظ است. این ظروف معمولاً بسلطان آباد و اخیراً بکاشان نسبت داده میشود. ازظروف کامل وقطعاتیکه در ری و ساوه بدست آمده معلوم میشود که این نوع ظروف در چندین مرکز سفال‌سازی ساخته میشده است. اشکال طوماری برگدار این ظروف در قطعاتی که دارای تصاویر انسانی است نیز دیده میشود، از جمله کوزه‌ایست در مجموعهٔ برانگوین[4] در لندن و کاسه‌ایکه تصویر دوآدم نشسته روی آن کشیده شده در مجموعهٔ پیلزبری[5] در میناپولیس امریکا. در کاسهٔ زیبائی که در موزهٔ

۱ - Horace Havemeyer ۲ - Gamsaragan ۳ - Sir Ernest Debenham ٤ - Brangwyn
٥ - Pilsbury

متروپولیتن (شکل ۱۱۲) طرح طوماری برگدار در داخل ظرف کشیده شده است، دورهٔ لبهٔ آن اشکال نباتی طوماری است که روی ظرف بریده شده و بالعاب بی رنگ پوشانیده شده است.

یکی از شاهکارهای سفال ایرانی قرن سیزدهم (هفتم هجری) کوزهٔ آبی رنگی است (شکل ۱۱۳) که در موزهٔ متروپولیتن محفوظ است. در ساختن و تزیین این ظرف و ظروف شبیه آن که بسیار نادر است چندین شیوهٔ سفال سازی از قبیل قالب گیری و مشبک کاری و حکاکی و نقاشی زیر لعاب ترکیب گردیده است. در دیوارهٔ داخلی گردنهٔ ظرف و بدنهٔ آن اشکال حیوانات بخصوص حیوانات اساطیر قدیم بر روی زمینهٔ اشکال نباتی بطور مشبک دیده میشود. دربین حیواناتیکه روی گردنه کشیده شده، تصویر آهو در موقع چرا یا درحالیکه سر خود را بر گردانده وروی بدنهٔ تصویر خر گوشی در حال فرار و سگی که بدنبال خر گوشی است نقش گردیده است. این تزیینات و همچنین اشکال نباتی و طوماری برنگ سیاه است. کتیبهٔ روی آن حاوی اشعار و تاریخ ساخت ظرف یعنی ۶۱۲ هجری (۱۶ - ۱۲۱۵ میلادی) است. گفته شده بود که این ظرف در سلطان آباد پیدا شده و در کورههای آن ناحیه ساخته شده است. ولی شباهتی که این ظرف بظروف ری وساوه و کاشان دارد، نسبت آنرا بسلطان آباد مورد تردید قرار داده؛ اخیراً از نظر شباهت بعضی از جزئیات آن با سفال ساخت کاشان تصور میرود که محل اصلی ساخت آن کاشان باشد. ولی معهذا از جهات دیگر شباهت بظروف وسفال ری در آن نیز مشهود است و بهمین جهت تعیین محل اصلی ساخت آن را با احتیاط باید تلقی کرد. حفریات مرتب نقاط مختلف اطراف کاشان ممکن است شواهد جدیدی بوجود آورد که در تعیین محل ساخت این ظرف مؤثر باشد.

ب - سفال وکاشی با تزیین نقاشی شدهٔ جلادار

سفال سازان سلجوقی قرن دوازدهم تکنیک جلا دادن ظروف سفالی را که درقرن نهم دردورهٔ عباسی شایع بود احیا کردند. رنگ ظروف جلادار ایران

در دورهٔ سلجوقی متنوع است و ازسبز طلائی کمرنگ تاقهوه‌ای تیره روی لعاب سفید دیده میشود. گاهی رنگ آبی یا آبی فیروزه‌ای نیز بکار رفته و این رنگ درچندبشقاب وابریق که درموزهٔ متروپولیتن است یافت‌میشود. ظروف و کاشی هائیکه برای تزیین دیوار ومحراب بکارمیرفت با تعبیرات زیبا و مختلف‌تزیین شده وتصویرحیوانات وپرندگان واشکال نباتی و کتیبه، بخصوص برای‌محراب برروی آنها نقش میشد . اشکال انسانی نیز رایج و عبارت بود از مناظر شکار و اشخاص نشسته تنها یادسته جمعی وغالباً تصویر یک شاهزاده و اطرافیانش نیزکشیده شده است . در یکنوع این ظروف که شاید قدیمترین سفال قرن دوازدهم (ششم‌هجری) باشد اشکال تزیینی در زمینهٔ جلا دار یکدست نقش شده است.

از چند قطعهٔ تاریخدار که قدیمترین‌آنها قطعه ای از یک بطری مورخ ۵۷۵ هجری (۱۱۷۹ میلادی) که در موزهٔ بریتانیاست معلوم میشود که شیوهٔ جلا دادن‌سفال درقرن دوازدهم کاملاً رایج بوده است. تزیین این‌ظرف‌عبارت است از اشکال آدم نشسته و حیوانات دونده و اشکال نباتی که درشت کشیده شده و نمونهٔ آن ظرفیست درمؤسسهٔ صنعتی شیکاگو که تاریخ آن ۵۸۷ هجری (۱۱۹۱ میلادی) است. در هر دوی این ظروف طرح تزیینی یا با جلای معدنی نقاشی شده یادرزمینهٔ جلا قرارداده شده است. اسلوب این‌قطعات قرن‌دوازدهم کاملاً با اسلوب ظروف جلا دار و کاشیهای تاریخدار نیمهٔ اول قرن سیزدهم (هفتم هجری)فرق دارد.

درموزهٔ متروپولیتن چند کاسه ویک قطعه کاشی وجود دارد که ازلحاظ اسلوب‌شبیه‌بطری‌موجود درموزهٔ بریتانیاست که‌تاریخ آن‌۱۱۷۹میلادی(۵۷۵ هـ.) است . یکی از عالیترین قطعات این گروه ظرفیست که تصویر اسب بالدار پگاسوس[1] (از اساطیر یونان) روی زمینهٔ اشکال نباتی باسلوب سلجوقی نقش گردیده است. از قطعات مهم دیگر این گروه ظرفیست که تصویر پرنده و یک

Pegasus - ۱

آدم نشسته روی آن کشیده شده ویک قطعه کاشی که شکل یک خر گوش روی آن نقش گردیده است. از آنجائیکه بسیاری از قطعات این گروه و قطعات دیگر باسلوب سلجوقی قرن دوازدهم در ری پیداشده میتوان همهٔ آنها را محصول آن مرکز مهم سفال سازی دانست.

ظروف جلادار ری را که باتصویرسوار واشخاص نشسته ومنظرهٔطبیعی درختان بشکل چهارخانه شبیه تزیین ظرف مورخ ۱۱۹۱ میلادی(۵۸۷ ه.)تزیین شده میتوان باواخر قرن دوازدهم نسبت داد.

دربطری ساخت سال۱۱۷۹(۵۷۵ ه.) وبشقاب ساخت سال۱۱۹۱ وقطعات مشابه دیگر، اشکال نباتی ونقطه وبرگ نخلی روی تصاویر اشخاص و در زمینه نقش عمده‌درطرح تزیینی بازی میکند. دربعضی ازقطعات ساخت ری این اشکال توریقی ونباتی طرح پرکاری تشکیل میدهد که با تصاویر انسانی توأم گردیده است. یکی ازنمونه های این‌قبیل طرح دربشقاب بزرگی (شکل ۱۱۰) که درموزهٔ متروپولیتن‌است دیده میشود. این‌ظرف نه‌تنها یکی ازبهترین نمونهٔ محصول‌ری است‌بلکه ازشاهکارهای‌صنعت سفال سازی ایران بشمار می‌آید. روی‌آن تصویر دو نفر که یکی شاهزاده یا امیر و دیگری ندیمهٔ درباری اوست و مشغول نواختن سنج است کشیده شده و این دو تصویر بجز حاشیهٔ باریک کلیهٔ سطح ظرف را اشغال کرده است. طرح دور تصاویر درشت و در زمینهٔ اشکال‌توریقی نباتی نقش شده است. لباس این دونفر نیز با اشکال توریقی و نقطه نقطه‌تزیین شده . یکی دیگر از صفات بارز این ظرف که در سفال رقه نیز مشهود است آنستکه تصاویر بوسیلهٔ دوخط واضح ازاشکال نباتی در زمینه، جداشده وفاصله دارد ؛ یکی از این خطوط جلا دار و دیگری سفید رنگ است (بشمارهٔ ۳ فصل دهم رجوع شود) .ترسیم ممتاز و جلای معدنی آن نشان میدهد که این ظرف دریکی از کارگاههای درباری ساخته شده است.

ظروف جلادارنیمهٔ دوم قرن دوازدهم اسلوب سلجوقی را دراعلادرجهٔ ترقی خود مینمایاند . در سال ۱۱۹۳ میلادی (۵۹۰ ه.) شهر ری بدست ملوك

خوارزمشاهی افتاد و آنان رسوم صنعتی دورهٔ سلجوقی را حفظ کردند. اسلوب ظروف جلادار قرن سیزدهم از تعداد زیادی ظرف و کاشی تاریخدار مشهود است وقدیمترین آنها یک قطعه کاشی‌ستاره شکل است که درموزهٔ صنایع‌اسلامی قاهره محفوظ است وتاریخ آن ۶۰۰ هجری (۱۲۰۳میلادی) میباشد.

طرح قطعات ساخت قرن سیزدهم(هفتم‌هجری) عبارتست از وفور اشکال تزیینی بمقیاس کوچک وتصویرحیوانات وپرندگان که سطح ظرف را پوشانیده وخطوط دورتصاویر درشت و واضح کشیده شده‌است. ازنمونه های این‌قبیل‌سفال ظروف و کاشیهای زیر را میتوان ذکر کرد: کاشیهای مورخ ۱۲۰۸(۶۰۵ھ.)و ۱۲۱۰(۶۰۷ھ.) درموزهٔبوستون‌وجامی‌مورخ ۶۰۷هجری(۱۲۱۰میلادی)درمجموعهٔ «هاومایر»موزهٔمتروپولیتن ویک قطعه کاشی مورخ ۱۲۱۱ درمجموعهٔ اندرسون[1] درقاهره. زمینه و لباس اشخاص در این ظروف با خطوط حلزونی و پیچدار با جلا نقاشی یا روی زمینهٔ جلا دار کشیده شده است . این خطوط حلزونی شبیه باشکال برگ نخلی تزیینات قرن دوازدهم است.

ازنمونه هائیکه اسلوب قرن سیزدهم(هفتم هجری)را نمایان‌میسازد ظرفیست (شکل۱۱۶)که با تصاویر اشخاص نشسته ، دونفر در وسط و چهار جفت در حاشیه ، تزیین شده و احتمال سیرود که این تصاویر عاشق و معشوق باشد. این نوع نقاشی بخصوص در وسط ظرف در عده‌ای از ظروف و کاشیها و از جمله روی جامی که‌تاریخ آن ۶۰۸ هجری(۱۲۱۱ میلادی) و درموزهٔدانشگاه در فیلادلفی است دیده میشود. تصاویر مرد و زن این ظرف و ظروف مشابه آن بسبک ترکی کشیده شده و فقط در چند مورد از جمله ظرف و کاشی مجموعهٔ «هاومایر» تصویر شاهزاده یا اسیر باریش‌نقش گردیده است. یکی‌دیگرازنمونه های خوب اسلوب‌قرن سیزدهم‌ظرف بزرگیست درمجموعهٔ میسی[2] که درتزیین روی آن خط‌کوفی و نسخ نقش عمده دارد. حاشیهٔ عریض کتیبهٔ کوفی دارای حروف و اشکال توریقی متشابک و اشکال برگ نخلی بزرگ است . اینگونه

۱ - Gayer Anderson ۲ - Macy

اشکال برگ نخلی تقریباً در کلیهٔ ظروف سفالی و کاشی این دوره دیده میشود و اغلب با تصویر اردکهائی درحال پرواز که شاید اقتباس از چین باشد توأم است و این روش درقرن سیزدهم شایع و رایج گردید. تصویر پرنده در حال پروازدرظرفی درموزهٔ متروپولیتن دیده میشود ودرآن جلا و تزیین چند رنگ نقاشی‌شده ترکیب گردیده‌است. همین‌طرح دریک کاشی ستاره شکل(شکل ۱۱۷) که‌تاریخ آن۶۰۸ هجری(۱۲-۱۲۱۱میلادی) است مشهوداست.این کاشی که‌روی آن تصویر امیر و درباریانش کشیده شده هدیهٔ « هوراس هاومایر » بموزهٔ متروپولیتن است.

ظروف جلادار نیمهٔ اول قرن سیزدهم که در بالا توصیف گردید سابقاً به ری نسبت داده میشد و اخیراً بعلت شباهتی که بکارهای ساخت کاشان درآنها دیده شده بکاشان منسوب میشوند. در اینکه کاشان یکی از مراکز عمدهٔ سفال سازی‌قرن‌سیزدهم وچهاردهم (هفتم‌وهشتم‌هجری) بوده تردیدی نیست واین‌مطلب درنتیجهٔ کشف وانتشار کتابی دربارهٔ سفال‌سازی ایران در کاشان که درسال ۱۳۰۱ (۷۰۱ ه.) توسط ابوالقاسم عبدالله‌بن علی‌بن ابی‌طاهر کاشانی نوشته شده ثابت گردیده است. نویسندهٔ این رساله یکی از افراد خانوادهٔ سفال‌سازان کاشان بود که بعضی ازبهترین محرابهای آنزمان را ساخته اند. قدیمترین کار این خانواده سه محراب است که در تاریخ ۶۱۲ هجری (۱۶-۱۲۱۵میلادی) درمرقد حضرت امام رضا درمشهد ساخته‌اند واین‌سه محراب عمل محمدبن‌ابی‌طاهراست. شهرت کاشان در صنعت سفال‌سازی بقدری زیاد بود که کلمهٔ کاشی یا کاشانی از آن شهر گرفته شده است. از شاهکارهای سفال‌سازی کاشان محراب مسجد میدان آن شهر است که فعلاً درمجموعهٔ اسلامی موزهٔ برلین قراردارد. ازنوشتهٔ روی محراب معلوم میشود که این محراب کار حسن‌بن عربشاه است که در تاریخ ۶۲۳ هجری (۱۲۲۶ میلادی) آنرا ساخته‌است.اگرچه نام شهر کاشان دراین نوشته دیده نمیشود ولی تردیدی نیست که این محراب درآنجاساخته شده است. محراب امامزاده یحیی در ورامین که چهل و یکسال بعد توسط علی بن محمد

بن ابی‌طاهر ساخته شده شبیه محراب نامبرده دربالاست. علی بن محمد بن ابی طاهر سازندهٔ محراب قم نیز بوده که تاریخ آن ۶۶۳ هجری (۱۲۶۴) و فعلاً در برلین است. نویسندهٔ رساله راجع بصنعت سفال سازی کاشان پسر علی ابی طاهر بوده است. تزیین عالی این محراب صنعت سفال سازی ایران را در اوج کمال خود نشان میدهد. طرح تزیینی آن عبارتست از انواع مختلف اشکال نباتی توریقی بعضی بمقیاس بزرگتر و بعضی بمقیاس کوچکتر که زمینهٔ کتیبه ها را که برنگ آبی برجسته نقاشی شده تشکیل میدهد. هنرمندان ایرانی کاشان از ترکیب نوشته و اشکال تزیینی برنگ آبی و فیروزه که گاهی صاف و گاهی برجسته نقاشی میشد طرح تزیینی جدیدی برای کاشی بوجود آوردند که در تمام قرن سیزدهم و چهاردهم (هفتم و هشتم هجری) بکار میرفت. نمونهٔ این قبیل کاشی در چند قطعه که در موزهٔ متروپولیتن موجوداست (شکل ۱۳۲) و یا در قسمت مرکزی محرابها دیده میشود. این اسلوب درحقیقت تکمیل سبکی است که درظروف و کاشیهای اوائل قرن سیزدهم بکار میرفت و «اتینگهازن»[۱] آنها را بسفال سازان کاشان نسبت میدهد. ری دراوائل قرن سیزدهم و تا موقع انهدام آن بوسیلهٔ مغول درسال ۱۲۲۰ میلادی (۶۱۷ هـ.) نقش عمده‌ای درصنعت سفال و ظروف چندرنگ آن دوره داشت. حفریات و اکتشافات اخیر نشان میدهد که اسلوب کاشان در ری و سایر نقاط ایران نیز مرسوم بوده است. درقطعاتی که از ری بدست آمده نه تنها اشکال طوماری ریز بلکه اشکال برگهای سه لبه که مخصوص اسلوب کاشان بود دیده میشود. ممکن است اسلوبی که بکاشان نسبت داده میشود در اصل متعلق بشهر ری بوده که پس از انهدام در سایر نقاط سفال سازی که کاشان مهمترین آنها بوده تعقیب گردیده است.

ج ـ سفال با تزیین چند رنگ روی لعاب

اختراع شیوهٔ نقاشی بوسیلهٔ رنگهای مختلف برروی لعاب سفید یا آبی یا فیروزه‌ای (شکل ۱۱۸) مرهون مهارت و استادی سفال سازان ایرانی قرن

۱ - Ettinghausen

دوازدهم است . از سفال دارای تزیین روی لعاب چندین نوع مختلف وجود دارد که نمونهٔ هرنوع درموزهٔ متروپولیتن موجود است . رسالهٔ مورخ ۱۳۰۱ میلادی (۷۰۱ هـ.) دربارهٔ سفال کاشان دونوع تزیین روی لعاب‌را ذکرمیکند . یکنوع آنهائیکه با برگ طلائی وبا مینای زرد وسفید و قرمز وسیاه نقاشی شده و دیگری آنهائیکه با هفت رنگ نقاشی میشده است و این نوع اخیر در سال ۱۳۰۱ (۷۰۱ هـ.) دیگر مرسوم نبوده است . هردونوع سفال بعد از نقاشی در ظروف گلی قرار داده میشد وبرای دفعهٔ دوم برای نصف روز حرارت داده میشد . عمل تزیین ظروف باهفت رنگ شیوهٔ مینائی نامیده میشود و شبیه نقاشی مینیاتور است که شرح آن درفصول گذشته داده شد . تزیین این نوع ظروف که شاید مخصوص شاهزادگان و نجبا ساخته میشد عبارت است از اشکال انسانی از قبیل سوارکار و اشخاص نشسته و ایستاده ومناظر دربار و شکار و تصاویر قصه‌های تاریخی شاهنامه . داستان مشهور بهرام‌گور وآزاده روی دوظرفی که درمجموعهٔ «جان شیف» نیویورك است دیده میشود . این اشکال معمولاً بمقیاس کوچک کشیده شده و گاهی یک تصویر یادوتصویر بزرگ کشیده میشده است، مثل تصویر روی ظرف شکل ۱۱۹ که عبارت‌است ازتصویر سوار که روی‌زمینهٔ اشکال‌توریقی قرار دارد .ازتعبیرات دیگری که دراین‌ظروف‌بکارمیرفت اشکال هندسی‌وتوریقی و گل بود . بهترین ظروف چندرنگه‌مانند کوزه ای که درتصویر صفحهٔ مقابل دیده میشود برنگ‌سفید وسرخ وآبی وسبز وقهوه‌ای وارغوانی‌وسیاه که غالباً رنگ طلائی نیز بآن اضافه شده نقاشی شده‌است .البته همهٔ ظروف دارای تزیین روی لعاب باین خوبی وتفصیل نیست . قطعاتی یافت میشود که روی آنها رنگ آبی و فیروزه ای وسیاه باضافه قرمز وطلائی بکار رفته‌است . در گروه دیگری که‌درموزهٔ متروپولیتن‌است تزیین‌اشکال انسانی یا توریقی بطور برجسته برنگ‌طلائی‌وحاشیهٔ‌قرمز کشیده شده است .ازنمونه های این‌قبیل تزیین کاسه‌ایست که روی آن تصویر دومرد سوار که فاصلهٔ آنها درختی است نقاشی شده وابریقی با اشکال توریقی و نباتی و حاشیه دارای اشکال حیوانات روی زمینهٔ آبی

و فیروزه . در یکنوع دیگر سفال تزیینات مستقیماً روی ظرف بدون لعاب بعد از اولین حرارت کشیده شده است. یکی از بهترین نمونه های موجود کوزه‌ایست درموزهٔ متروپولیتن که دارای مناطق عمودی است که داخل آنها یک درمیان یا با اشکال نباتی و یا خطوط معوج بالعاب آبی رنگ که کمی مطلاست تزیین شده است .

اغلب سفال دارای تزیین روی‌لعاب از ری بدست آمده وقطعات معدودی هم درنقاط دیگر پیدا شده است. تااین اواخر ری را مرکز عمدهٔ ساخت این‌نوع ظروف مخصوصاً ظروف مینائی میدانستند ولی امروز معلوم شده است که بعضی از این نوع سفال در کاشان ساخته میشده است که از جمله ظروف با تصاویر بزرگ مانند شکل ۱۱۹ وظروف باتزیین برجستهٔ مطلا است. اسلوب قرن سیزدهم کاشان در قطعاتیکه جلا با تزیین چندرنگه توأم شده مشهود است . ولی کلیهٔ قطعاتیکه شبیه ظروف جلادار اواخر قرن دوازدهم و اوائل قرن سیزدهم است متعلق به ری میباشد .

۴ - سفال سبک سلجوقی در رقه و رصافه (قرن ۱۲ و ۱۳)

یکی از انواع معروف سفال اسلامی نوعی است که بشهر «الرقه» درکنار نهرفرات نسبت داده میشود. مقادیر زیادی از این نوع ظروف سفالی بوسیلهٔ دلالان اهل سوریه ببازار آورده شده وامروز دراغلب موزه ها ومجموعه های خصوصی یافت میشود. اگرچه تحقیقات وحفریات مرتبی در رقه بعمل نیامده ولی مطالعهٔ این منطقه بوسیلهٔ پرفسور هرتسفلد و زاره وهمچنین شواهد دیگر نشان میدهد که این شهر از مراکز مهم سفال سازی بوده است . ظروف سفالی رقه را اشتباهاً بدورهٔ هارون‌الرشید (۸۰۹ - ۷۸۶م./۱۹٤ - ۱۷۰ ه.) که مدتی در آنجا اقامت داشت نسبت میدهند. اسلوب ساخت وتزیین وترکیب اشکال همه دال برآنستکه این ظروف بدورهٔ متأخرتری تعلق دارد. اگرچه بعضی ازظروف رقه ممکن‌است بقرن یازدهم تعلق داشته باشد تاریخ اکثر آنها قرن دوازدهم وسیزدهم است ودارای عناصر تزیینی است که‌مختص دورهٔ اتابکان سلجوقی سوریه وعراق است .

ظروف سفالی رقه چندین نوع است ، هم با تزیین نقاشی وهم جلا داده شده. ظروف جلا داده شده شامل گلدان و کوزه وجام وطاس بزرگ و کوچک میباشد. رنگ جلا معمولاً قهوه ای تیره است که در کارهای سفالی مراکز دیگر بندرت دیده میشود. طرح تزیینی که روی لعاب سبزرنگ با جلا نقاشی و گاهی رنگ آبی نیز بآن اضافه شده است شامل اشکال نباتی توریقی و کتیبهٔ بخط نسخ یا کوفی و گاهی تصویر پرندگان میباشد. بعضی ازقطعات از لحاظ شکل وطرح دارای زیبائی خاص است و بهترین آنها بدون شک در قرن دوازدهم ساخته شده است. اشکال توریقی و نوشتهٔ روی ظرف یا سفید و یا با جلای قهوه ای رسم شده و طرح برزمینهٔ اشکال و خطوط حلزونی شکل که در گلدان (شکل ۱۲۰) موجود درموزهٔ متروپولیتن دیده میشود قرارداده شده است. در کوزه‌های بزرگ (شکل ۱۲۱) تزیینات برجسته و جلا باهم ترکیب گردیده است.

یکنوع دیگر سفال مشهور رقه دارای تزیینی است که برنگ سیاه زیر لعاب فیروزه رنگ کشیده شده است. تزیینات عمدهٔ این گروه عبارتست از اشکال نباتی ومتشابک (شکل ۱۲۲) وحروف کوفی وشکل پرنده که با اشکال نقطه نقطه وحلزونی ومنحنی در داخل مناطق منفصل کشیده شده‌است. این قسم سفال رقه اغلب باظروف ایرانی که دارای تزیینی برنگ‌سیاه وآبی‌است اشتباه میشود ، ولی بدنهٔ این دو نوع ظروف سفالی با هم اختلاف دارد. ظروف ایرانی سخت‌تر وشن‌آن کمتر و رنگ آن سفید مایل بخاکستری است ، نه کرم رنگ. بعضی از ظروف سیاه و آبی رقه در شمار شاهکارهای سفال سازی اسلامی تلقی میشود. یکی ازآنها جامی‌است درمجموعهٔ «هاومایر» در نیویورك که روی آن تصویر دو طاوس نقش شده که حدود منحنی بدن و خطوط گستردهٔ دم آنها تشکیل دائره میدهد که ازنظر تزیینی شکل جالبی پیدا کرده است. یك قطعهٔ معروف دیگر که شاید متعلق بقرن دوازدهم باشد درموزهٔ متروپولیتن موجود است (شکل ۱۲٤).دراینجا طرح تزیینی که درزمینهٔ سیاه رنگ قرار گرفته تصویر

دو اژدها را نشان میدهد که بدن آنها بطور متقاطع قرار داده شده و اشکال توریقی در اطراف آن ترسیم شده است. شکل اژدها در طرحهای تزیینی سلجوقی زیاد دیده میشود و شاید علامت شر وبدی تلقی میشده است. دربعضی از کوزه های بزرگ طرح تزیینی نه تنها برنگ سیاه بلکه بطور برجسته نقش شده و چندین نمونه از این نوع ظرف درموزهٔ متروپولیتن موجود است که دوعدد آنها هدیه جان د. راکفلر بموزه است. تزیین آنها غالباً اشکال توریقی است که باحروف کوفی توأم گردیده است.

علاوه برظروف برنگ سیاه و آبی یکنوع دیگر سفال رقه تزیین چند رنگه‌دارد که شبیه ظروف سفالی قرن سیزدهم ایران است. تزیین اینها که‌برنگ سیاه و آبی وقهوه‌ای زیرلعاب شفاف سبزرنگ نقاشی شده شامل تصویرجنگجویان وشکارچیان و حیوانات واشکال توریقی نباتی است. اسلوب آنها که شبیه‌ظروف جلادار رقه است نمونهٔ سبک سلجوقی است. چندین ظرف بی‌عیب از این نوع درموزهٔ متروپولیتن موجود است. منجمله ظرفی (شکل ۱۲۳) وجود دارد که با شکل حیوانی که سر آدم دارد واشکال نباتی تزیین شده و ظرف دیگری دارای اشکال شتر است و روی ظرف کوچک دیگری تصویر یک اسب و منظرهٔ طبیعی نقش گردیده است.

درناحیهٔ الرصافه که نام فرنگی آن«سرگیوپولیس»[۱] است ودرصحرای سوریه نزدیک رقه قراردارد ظروفی پیدا شده که از حیث اسلوب با ظروف رقه نسبت دارند وتزیین آنها اغلب کاملاً شبیه تزیین ظروف رقه است. از ظروف رصافه دو نوع موجوداست: یکنوع با تزیین جلا داده شده و دیگری با تزیین نقاشی شده. درنوع اولی برخلاف ظروف رقه جلا برنگ قهوه‌ای نیست بلکه قهوه‌ای تیرهٔ قرمز رنگ یا ارغوانی است. ظروف نقاشی شدهٔ رصافه نیز شبیه ظروف رقه است وعلاوه بر رنگهائیکه ذکرشد رنگ قهوه‌ای قرمزغلیظ نیزبکار برده شده است. درموزهٔ متروپولیتن سه نمونه از ظروف رصافه موجود است:

---

۱ - Sergiopolis

یک گلدان (شکل ۱۲۵) و یک کاسه با اشکال نباتی و یک جام کوچک که تصویر پرندهایکه دور آن دستهٔ گل قرار دارد روی آن نقش است.

۴ - سفال بی‌لعاب دورهٔ سلجوقی (قرن ۱۱ تا ۱۴)

سفال بدون‌لعاب خاور نزدیک درزمان سلاجقه‌وجانشینان آنها دارای همان طرحهای تزیینی عالی‌است که ازصفات ممتازهٔ سفال لعاب‌دار و سایر صنایع و ساخته‌های آن دوره است. تزیین کوزه وآبخوری اغلب بوسیلهٔ قالب بعمل میآمد که دراین زمان کاملاً جای‌روش قدیمی تزیین بامهر را گرفته‌بود. درموزهٔمتروپولیتن تعداد زیادی ازظروف سفالی این نوع که اغلب از عراق است واخیراً قطعاتی از نیشابور بآنها نیز اضافه شده وجود دارد. تزیین این نوع ظروف سفالی‌بدون لعاب عبارتست ازاشکال پرندگان و حیوانات و اشکال نباتی و کتیبه‌وطرحهای هندسی مانند اشکال لوزی شکل (شکل ۱۲۶). گاهی این طرحها ازنظر صنعتی دارای ارزش است مانند درکوزه‌ای که در سوریه پیدا شده و باسلوب سلجوقی دارای تصویر دو پرنده و اشکال توریقی در زمینه است (شکل ۱۲۷).

طریقهٔ دیگری که در زمان سلجوقیان برای تزیین ظروف بدون لعاب در خاورمیانه و بخصوص در عراق بکارمیرفت تکنیک باربوطین بود. یک‌عده کوزه‌های بزرگ که برای ذخیرهٔ آب یا شراب بکار میرفته دارای طرح‌تزیینی برجسته از این نوع است. قطعات بی‌عیب و کامل از این نوع ظروف کمتر باقیمانده ومعمولاً قسمت بالای کوزه یا گلدان حفظ شده است. قطعه‌ای درموزهٔ متروپولیتن موجود است که تزیین این قبیل ظروف‌را نشان میدهد. تزیین آنها عبارتست از مناطق طاق شکل که در داخل آنها شکل حیوان مشبک برروی زمینهٔ اشکال نباتی نقش است و این مناطق طاق شکل بوسیلهٔ اشکال شبیه به پستان زنان از هم جدا شده است. در این تزیین چندین طریقه و تکنیک باهم ترکیب شده است. اغلب این نوع ظروف از عراق آمده و نظایر این طرحها در تزیین ابنیه و عمارات نیمهٔ دوم قرن دوازدهم و اوائل قرن سیزدهم آن محل دیده میشود. بعضی ازقطعات در موصل پیدا شده واحتمال میرود که‌موصل یکی از مراکز ساخت این نوع ظروف بوده باشد.

۵ - سفال‌سازی دورهٔ مغول در ایران (قرن ۱۳ و۱۴)

تسخیر ایران بوسیلهٔ قبائل مغول و تأسیس سلسلهٔسلاطین مغولی درسال ۱۲۵۹ میلادی (۶۵۸ ﻫ.) دربدو امر تغییر زیادی‌درتزیین‌سفال‌و کاشی ایران نداد. طرح‌وطریقهٔساخت ظروف سفالی نیمهٔ اول قرن سیزدهم در اوائل دورهٔمغول یعنی نیمهٔ دوم قرن سیزدهم و قرن چهاردهم ادامه یافت. در میان شیوه‌های دورهٔ مغول نقاشی زیر لعاب‌برنگ سیاه و آبی و تزیین برجسته و نقاشی روی لعاب باجلا و رنگ دیده میشود. کاشیهای متعدد تاریخدار و ظروف نیمهٔ دوم قرن سیزدهم بطور وضوح نشان میدهد که سلاطین مغول ازحامیان فنون‌وصنایع اسلامی بودند. مراکز قدیمی سفال‌سازی بجزشهرری ظروف سفالی و کاشیهائی ساختند که از لحاظ صنعتی دست کمی از کارهای دورهٔ سلجوقی ندارند. کاشان و سلطان آباد و سلطانیه و نیشابور و سمرقند و ساوه و مشهد از مراکز عمدهٔ سفال‌سازی دورهٔ مغول هستند. قطعات دارای تاریخ ما را قادرمیسازد که‌تکامل اسلوب جدید را که در اثر حملهٔ مغول بوجود آمد تعقیب کنیم. طرحهای‌طبیعی صنایع چین درترسیم اشکال حیوانات و پرندگان و مناظر طبیعی بتدریج درتمام شقوق صنایع اسلامی و از جمله صنعت سفال‌سازی تأثیر کرد.

ظروف سفالی دورهٔ مغول بانقاشی‌زیر لعاب با لعاب فیروزه رنگ یا پرتقالی پوشیده شده است وتزیین آنها شامل اشکال نباتی و طوماری و سه برگه و گیاه و گاهی اشکال حیوانات و پرنده میباشد. طرحهای تزیینی یا تمام سطح داخلی ظرف را میپوشاند یا در مناطق منفصل قرارداده شده و نمونهٔ هردو در چندین ظرف که در موزهٔ متروپولیتن موجود است دیده میشود. یک‌نمونه سفال ایرانی نیمهٔ دوم قرن سیزدهم ظرفیست درموزهٔ متروپولیتن (شکل ۱۲۸) ؛ درقسمت داخلی و مرکزی ظرف منظرهٔ طبیعی با علف بلند و خرگوش دونده که برنگ آبی و فیروزه و سبز زیتونی نقاشی شده زیر لعاب پرتقالی رنگ دیده میشود. در قسمت خارجی و دورلبه کتیبه‌ای با حروف برجسته برنگ سفید در زمینهٔ‌آبی نقش شده است. شکل گیاه در این ظرف شبیه نقوش اوائل قرن سیزدهم است

و همان اختصار در ترسیم‌را با طبیعی بودن بیشتر نشان میدهد. یک ظرف که تاریخ این نوع سفال را معین میکند کاسه‌ایست درمجموعهٔ کلکیان ۱ در موزهٔ ویکتوریا و آلبرت در لندن که کتیبهٔ آن تاریخ ۶۷۲ هجری (۱۲۷۴ میلادی)را نشان میدهد. روی این ظرف تصویر دوپرنده و منظرهٔ طبیعی شبیه آنچه روی ظرف موزهٔ متروپولیتن است کشیده شده است. قطعات دیگر تقریباً از ظروف جلادار تقلید شده و تاریخ ساخت آنها بین اواخر قرن سیزدهم واوائل قرن چهاردهم است. بعضی ازاین ظروف ازساوه وبرخی از ری وسلطانیه وناحیهٔ سلطان‌آباد آمده‌است.

اسلوب سفال‌سازی مغولی دراوائل قرن چهاردهم کاملاً نمو کرد وتکمیل یافت. تأثیر صنایع چین نه‌تنها از تقلید تعبیرات‌مانند اشکال گیاه یا گل وغنچه‌وشکل ابر وعنقا۲ دیده‌میشود بلکه‌شکل طرحهای تزیینی‌نیز بطبیعت نزدیکتر گردیده‌است. نمونهٔ این اسلوب مغولی دریک گروه ظروف سفالی که تزیین نقاشی شده‌دارند و معمولاً بناحیهٔ سلطان‌آباد نسبت داده میشوند بخوبی آشکاراست. تزیین اینها یا اشکال نباتی بطرزطبیعی وطرحهای موزائیک‌مانند است که روی جام و گلدان و کاشی دیده میشود و یا با اشکال پرندگان در حال پرواز و عنقا وخرگوش وآهو (شکل ۱۲۹) وتصویرانسانی درلباس مغولی برنگ سیاه وآبی‌وفیروزه‌ای توأم‌وترکیب شده‌است. زمینهٔ این اشکال یا برنگ آبی است ویا سفیدباطرحهای حلزونی برنگ سیاه. در بعضی ازقطعات تزیینات برجسته نقش شده و این طریقه در چندین ظرف و کاشی ستاره شکل و مستطیلی موجود در موزهٔ متروپولیتن دیده میشود. طرح تزیینی‌این ظروف سفالی سلطان‌آباد کاملاً شبیه ظروف جلادار کاشان مورخ نیمهٔ اول قرن چهاردهم است و میتوان گفت که این دو نوع ظروف سفالی همعصر میباشند. اسلوب مغولی سفال‌سازی درنیمهٔ دوم قرن‌چهاردهم ادامه یافت ولی ظروف این زمان از لحاظ ساخت و جنس بخوبی ظروف‌قدیمتر نیست.

یک گروه مهم ظروف سفالی مغولی تزیین برجستهٔ زیرلعاب آبی‌و گاهی

Phoenixe - ۲ Kelekian - ۱

فیروزه دارند واینها عبارتنداز گلدانهای بزرگ و کاشی وتاریخ آنهارا میتوان آخر قرن سیزدهم واوائل قرن چهاردهم معین کرد. ازمجموعه های امریکائی دوظرف آبی ازاین نوع موجودات است : یکی ظرفیست درمجموعهٔ « هوراس هاوماير » که به امانت بموزهٔ متروپولیتن داده شده و تاریخ آن ۶۸۱ هجری (۳-۱۲۸۲ میلادی) است ودیگری در گالری فریر واشنگتن وتاریخ آن۶۸۳هجری (۵-۱۲۸٤ میلادی) است. هردوی آنهادارای تزیین برجستهٔ تصویر حیوانات و غازدرحال پرواز و منظرهٔ نیمه طبیعی هستند . نفوذ صنایع چین در اشکال تزیینی غاز و ابر و همچنین در ترسیم منظرهٔ طبیعی مشهود است . یک گلدان آبی رنگ دیگر درمجموعهٔ فریرموجود است که میتوان آنرا بآخر قرن سیزدهم نسبت داد و روی آن تصاویر انسانی وحیوانات ترسیم شده است. درقرن چهاردهم سفال باتزیین برجسته ولعاب چندرنگ ساخته میشد. تعبیرات چینی واسلوب طبیعی روی گلدانها و کاشیهای این دوره بیشتر مشهود است وشبیه ظروف جلادارهمان زمان میباشد. این نوع سفال معمولاً بسلطان آباد نسبت داده میشود ولی احتمال میرود که بعضی از عالیترین قطعات بالعاب آبی رنگ در کاشان ساخته شده باشد ، زیرا درکوههای مجاور قمصر در کاشان مقادیر زیادی فلز کوبالت که رنگ آبی از آن گرفته میشد وجود داشته است .

ظروف جلادار دورهٔ مغول بهمان رسم مکتب ری و کاشان در نیمهٔ اول قرن سیزدهم ادامه یافت. تعداد زیادی کاشی و چند محراب و ظروف مختلفی که در موزه‌ها و مجموعه های خصوصی پراکنده است تصویر کاملی از تکامل تطور اسلوب‌مغولی این‌نوع سفال ازنیمهٔ‌دوم قرن سیزدهم تاآخرقرن چهاردهم‌را تشکیل میدهد . در تزیین ابنیه و عمارات و مساجد و مقابر کاشی جلادار بطور قابل ملاحظه‌ای بکار میرفت . بعضی از این کاشیها ستاره شکل‌و بعضی بشکل صلیب و برخی مستطیلی شکل است که در ساختن محراب و برای تزیین حاشیه بکار میرفته است . کاشیها را میتوان بچندین دسته و نوع تقسیم کرد . یکدسته آنها هست که ستاره وصلیب شکل هستند وازامامزاده یحیی ورامین بدست‌آمده

وتاریخ آنها ۶۶۱ هجری (۳-۱۲۶۲ میلادی) و گاهی ۶۶۲ و۶۶۳ هجری است. این کاشیها با اشکال نباتی و برگ نخلی طوماری روی زمینهٔ جلادار تزیین شده است. طرح تزیین آنها متنوع و مختلف است و سه کاشی موجود درموزهٔ متروپولیتن این مطلب را بخوبی آشکار میسازد (شکل ۱۳۰). این کاشیها از همان نوع کاشیهای محراب مجموعهٔ کورکیان[۱] مورخ ۶۶۳ هجری‌است که از امامزاده یحیی ورامین بدست آمده و توسط سفال سازمشهور کاشان علی‌بن محمد بن‌ابی‌طاهر ساخته شده است. ازآنجائیکه این محراب‌در کاشان ساخته شده است منطقی است تصور شود که کاشیهای ستاره و صلیب شکل ورامین نیز که آنهارا ساخت محل میدانند در کاشان ساخته شده باشد. پس از انهدام ری در سال ۱۲۲۲ میلادی سفال سازان ری درصنعت سفال ایران نقش‌مهمی بعهده نداشتند وسفال‌سازان مکتب کاشان جای‌آنهارا گرفتند وشهرت‌ومعروفیت آنها بقدری بالا گرفت که کاشی برای محراب سایر شهرها صادر میشد و در محراب قم وحتی محرابهای‌مشهد کاشی‌ساخت کاشان بکاربرده‌اند. سفال‌سازی که‌محراب ورامین‌را ساخته قطعاً مسئول محراب قم که در سال ۱۲۶۴میلادی(۶۶۳ ه.) ساخته شده نیز میباشد و این محراب اکنون در موزهٔ برلین است.

گروه دیگری‌از کاشیها که ستاره و صلیب شکل هستند در دامغان‌پیدا شده و تاریخ آنها ۶۶۵ هجری (۷-۱۲۶۶ میلادی) است. این نوع کاشیها با اشکال حیوانات و پرندگان ومناظر طبیعی دارای درخت و گیاه تزیین وبا جلای طلائی و گاهی برنگ آبی‌و فیروزه نقاشی شده است. کاشیهای دیگری موجود است که دارای طرح توریقی و نباتی است و اثری از طرحهای طبیعی در آنها مشهود نیست‌و تاریخ آنها تقریباً بیست‌سال بعدازتاریخ کاشیهای نامبرده است.

از نظر دقت در ترسیم و خاصیت تزیین، کاشیهای دامغان از عالیترین نمونهٔ سفال‌جلادار ایران است واحتمال میرود که‌محل اصلی ساخت آنها کاشان باشد. در سفال جلادار کاشان در اواخر قرن سیزدهم رنگ آبی و فیروزه‌ای نقش مهمتری در طرح کاشی که سطوح بزرگ را میپوشاند بازی کرد.

۱ - Kevorkian

این اسلوب در اوائل قرن چهاردهم (هشتم هجری) بمنتها درجهٔ ترقی رسید و چند نمونهٔ عالی آن در موزهٔ متروپولیتن موجود است .

در اواخر قرن سیزدهم عناصر اسلوب طبیعی درطرح سفال جلادار وارد شد . تعبیرات مجرد مانند اشکال طوماری و برگ نخلی بعنوان گیاه ونبات طبیعی تلقی شد و هنرمندان اغلب برگ طبیعی بآنها اضافه کردند واین اسلوب درچند کاشی محراب که در موزهٔ متروپولیتن وجود دارد و تاریخ آنها ممکن است درحدود ۱۳۰۰ میلادی (۷۰۰ هـ.) باشد دیده میشود . درمیان طرحهای طوماری اشکال پرندگان درحال پرواز یا نشسته دیده میشود و اینها تعبیراتیست که در کاشیهای نوع کاشان قرن سیزدهم مشهود است. یک کاسهٔ بزرگ و عمیق در موزه[1] است که متعلق باوائل قرن چهاردهم است و همان تعبیرات وشکل برگ طبیعی روی آن کشیده شده است .

اشکال انسان و مناظر زندگی روزانه و افسانه‌ها و حکایات قدیمی روی کاشی و ظروف این دوره کشیده میشد . طاسی در موزه وجود دارد که تاریخ آن درحدود ۱۳۰۰ میلادی (۷۰۰ هـ.) است واشکال انسانی نشسته درلباس نیمه مغولی روی‌آن کشیده شده و در اطراف ، اشکال گیاه و برگ بشکل طبیعی‌نقش گردیده است .چند کاشی‌از اواخرقرن سیزدهم واوائل قرن چهاردهم که اشکال انسان روی آنها نقش شده در موزهٔ متروپولیتن موجود است . از خصائص ممتازهٔ این کاشیها آنستکه تزیینات برجسته و رنگ جلادار روی آنها ترکیب شده و این شیوه سابقاً مخصوص حروف و کتیبه بود . زیباترین نمونهٔ این نوع کاشی قطعه‌ایست که داستان معروف بهرام گور (شکل ۱۳۱) روی آن نقش گردیده است . در این تصویر بهرام گور سوار برشتر است و آزاده عود زن او پشت سر وی نشسته و هردو بشکار غزال مشغول اند . تزیین این کاشی که قسمتی از آن برجسته است برنگ آبی و فیروزه‌ای‌و جلای قهوه‌ای طلائی نقاشی شده . در کاشیهای تاریخدار قرن چهاردهم تأثیر صنایع چینی آشکار است ویکی

۱ - مراد موزهٔ متروپولیتن است . م .

از آنها که در یک مجموعهٔ خصوصی درنیویورك است نام سازنده یعنی یوسف بن‌علی بن‌محمدبن ابی‌طاهر روی آن منقوش و شبیه چند کاشی دیگر است که تاریخ آنها ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱ میلادی (۷۱۰ و ۷۱۱ ه.) میباشد. محراب مورخ ۱۳۰۵ میلادی (۷۰۵ ه.) که درموزهٔ هرمیتاج لنین گراد است ساخت همین یوسف سفال‌ساز است و همچنین محراب موزهٔ تهران که تاریخ آن ۷۳۴ هجری (۴-۱۳۳۳ میلادی) است و ازمسجد قم آمده نیز ساخت یوسف است و این شخص پسر همان استاد کاشانی است که محراب مورخ ۱۲۶۴ میلادی (۶۶۳ ه.) و رامین راساخته و برادرنویسندهٔ رساله‌راجع به صنعت سفال‌سازی کاشان است. کاشیهای سال‌های ۱۳۱۰ و ۱۳۱۱ در قسمت وسط دارای طرح توریقی رسمی [1] است و درحاشیهٔ فوقانی طرح تزیینی کاملاً بسبک طبیعی است و اشکال برگ و گل بسبک چینی روی آنها کشیده شده است. دریک کاشی مورخ ۷۰۷ هجری (۱۳۰۸ میلادی) که درموزهٔ متروپولیتن است طرحی شبیه بکاشی نامبرده با اشکال نباتی طبیعی و اشکال پرنده در حاشیه دیده میشود. اختلاط تعبیرات قدیم وجدید در دو محراب کوچک که در موزه است مشاهده‌میشود. یکی ازآنها دارای امضای «حسن بن علی‌بن‌احمد بابویه» بناست. در یک دستهٔ دیگر کاشی که مدتی بعد ساخته شده تزیین آنها منحصراً باسلوب طبیعی است. یک قطعه کاشی از این نوع در موزهٔ بریتانیا دارای تاریخ ۷۲۹ هجری (۹-۱۳۴۸ میلادی) است و باشکل گیاههای طبیعی بطور برجسته و با جلای طلائی تزیین شده و کتیبهٔ حاشیهٔ آن در زمینهٔ آبی رنگ قرار داده شده است. با اشکال نباتی اغلب تصویر حیوانات و پرندگان نیز دیده میشود. شکل عنقا بسبک‌چینی‌از تعبیرات‌جالب توجه ومعروف بود و در یک کاشی مربع (شکل ۱۳۲) که درموزهٔ متروپولیتن است برنگ قهوه‌ای و آبی و فیروزه‌ای دیده میشود. دراینجا تمام تعبیرات ازصنایع چین اقتباس شده و این امر ازصنایع ایران‌درقرن چهاردهم وحتی بعدتر بشمار میآید. با این تغییر درطرح تزیینی بتدریج تکنیک

۱ - رسمی در اینجا بمعنای خیالی و در مقابل کلمهٔ طبیعی است. م.

جلا کاری رو بانحطاط نهاد و این مطلب در یک عده کاشی مورخ ۱۳۳۷ و ۱۳۳۸ میلادی (۷۳۸ و ۷۳۹ ه.) بخوبی مشاهده میگردد . کتیبهٔ روی این کاشیها محل ساخت آنها را شهر کاشان ذکر میکند و نمونهٔ این قبیل کاشیها در موزهٔ بریتانیا و موزهٔ قم و در مجموعه های خصوصی موجود است. روی بعضی از این کاشیها تصاویر اشخاصی کشیده شده که طرز لباس آنها کاملاً مغولی است و نظایر آن در نسخ خطی قرن چهاردهم شاهنامه دیده میشود .

در دورهٔ مغول نقاشی روی لعاب ظروف و کاشیها ادامه یافت ولی رنگ آنها محدود شد بسفید و قرمز و طلائی روی لعاب آبی یا فیروزه‌ای . ظروف مینائی چندرنگه با اشکال انسانی در نیمهٔ دوم قرن سیزدهم کمتر ساخته میشد وظروف جلادار بتدریج جای آنها را گرفت. چندین ظرف مینائی و کاشی مینائی که درنیمهٔ دوم قرن سیزدهم و اوائل قرن چهاردهم ساخته شده درموزهٔ متروپولیتن موجوداست. یک کاسه و یک کوزه باطرح طوماری روی زمینهٔ آبی وجود دارد که میتوان آنرا متعلق بقرن سیزدهم دانست. یک قطعه کاشی ستاره شکل وقطعهٔ دیگری مربع شکل(شکل ۱۳۳) که شاید بیک محراب تعلق داشته در مجموعهٔ مور وجود دارد که متعلق باوائل قرن چهاردهم است . کتیبهٔ برجستهٔ این کاشی روی زمینهٔ طرح توریقی طوماری سفید قرارداده شده؛ درحاشیهٔ بالای آن اشکال برگ و گل شبیه کاشیهای جلادار اوائل قرن چهاردهم نقش گردیده است. کاشیهای ستاره شکل باهمین گونه طرحهای طبیعی تزیین گردیده و گاهی تصویر یک پرنده بر آن اضافه شده است. تصویر پرندگان در بسیاری از ظروف و کاشیهای این دوره دیده میشود. قسمت مطلای طرح با طلای مایع رنگ نشده بلکه برگ طلا بکار رفته و این طرز عمل در کاشان انجام میشد ودررسالهٔ راجع بسفال سازی کاشان مورخ ۱۳۰۱ میلادی(۷۰۱ ه.) تشریح گردیده و گفته شده است که برگ نازك طلا باقیچی بقطعات کوچک بریده و روی زمینه چسبانیده میشد و با پنبه پاك و صیقلی میگردید .

سفال موزائیک[۱]

در دورهٔ مغول یکنوع سفال دیگر یعنی سفال موزائیک درایران شایع شد. دراین طریقه قطعات کوچک بشکل واندازهٔ مختلف بریده میشود واز آنها طرحی بشکل موزائیک ترکیب میشود. این قطعات کوچک که از روی نقشه پهلوی هم قرار میگیرد بوسیلهٔ گچ که ازپشت ریخته میشود بهم میچسبد واین گچ مایع سوراخها و منافذ را طوری پر میکند که طرح یک تکه جلوه‌مینماید. این‌سفال موزائیک باتزیینات آجری لعاب دار که درزمان قدیم درایران وعراق مرسوم‌بود نسبت دارد. تکمیل این طریقه که بتدریج صورت گرفت نتیجهٔ تقاضا وتمایل برای طرحهای مفصل و رنگارنگ بود. این صنعت در زمان سلجوقیان عمل میشد و نمونهٔ آن درابنیهٔ قونیه درآسیای صغیر که در قرن سیزدهم‌ساخته شده دیده میشود . در اینجا تزیین داخلی چندین مسجد مانند مسجد لرنده[۲] و بای‌حاکم[۳] وسرچالی[۴] که بعضی‌دارای محراب‌هستند بوسیلهٔ سفال سازان ایرانی که درموزائیک کاری استاد بودند ساخته شده‌است. درقرن چهاردهم این طریقه تکمیل شد وسفال سازان ایرانی نه تنها آنرا بحد کمال رسانیدند بلکه طرحها و رنگ‌آمیزی جدید ابتکار کردند که قرنها بعد مورد استفاده واقع شد. ازنمونه های اولیهٔ این صنعت در دورهٔ مغول مقبرهٔ الجایتو(۱۳۱۰میلادی-۷۱۰ه.)درسلطانیه وابنیهٔ نطنز و یزد و ورامین است که در آنها سفال بکار رفته و قسمت بزرگی ازسطح داخلی و خارجی بنا را پوشانیده است.

بطوریکه ازچند بنا و عمارت مشاهده میشود صنعت سفال موزائیک در اصفهان بحد اعلا ترقی و نمو کرد . یکی از ابنیهٔ مهم مقبرهٔ بابا قاسم است که درسال ۱۳۴۰-۴۱ میلادی(۷۴۱-۲ه.) بوسیلهٔ شخصی بنام‌سلیمان ابوالحسن طالوت دامغانی ساخته شده ومحراب آن کاملاً ازسفال موزائیک پوشیده شده وطرح تزیینی آن شامل اشکال نباتی برنگ سفید و آبی تیره و آبی روشن میباشد. نزدیک مقبرهٔ باباقاسم مدرسهٔ امامی واقع است که تاریخ آن ۷۵۵ هجری (۱۳۳۴میلادی)

۱ - ظاهراً مرادکاشی معرق است . م . ۲ - Laranda ۳ - Bey Hakim ۴ - Sirchali

است و طرحهای هندسی و کتیبهٔ زیبای آن با سفال موزائیک ساخته شده است. محراب بی نظیر این مدرسه (شکل ۱۳۴) اکنون در موزهٔ متروپولیتن محفوظ است. تزیین این محراب که نمایندهٔ صنعت سفال موزائیک در دورهٔ مغول است عبارتست از کتیبه‌ای درحاشیه حاوی آیات قرآن بخط کوفی که حروف آن بلند ومدوراست واشکال نباتی ومتشابک هندسی. این اشکال هندسی قسمت مرکزی وقسمت فوقانی بالای طاق محراب را پوشانیده است. رنگ‌هائی که دراین کاشی کاری موزائیک بکار رفته عبارتست از سفید و آبی و آبی فیروزه ای و پرتقالی و سبز. زمینهٔ طرح بطور کلی آبی است، بطوریکه طرح واشکال تزیینی روی آن بطرز خاصی جلوه میکند و این سبک از خصائص دورهٔ مغول است . از خصائص دیگر اسلوب مغولی ترسیم اشکال نباتی و گل نیلوفر آبی بطرز طبیعی است، ولی این تعبیرات در اینجا کمتر استعمال شده است. از نمونه های عالی دیگر سفال و کاشی کاری موزائیک درمسجد جامع اصفهان و مسجد یزد است که محراب بسیارعالی دارد که درسال ۱۳۷۵میلادی(۷۷۷ه.) ساخته شده است.

۶ - صنعت سفال دورهٔ تیموری در ایران قرن ۱۵

از سفال دورهٔ تیموری در ایران نمونه های خیلی کمی باقیمانده است ولی از قطعات معدودی که موجود است معلوم میشود که طرزعمل وطرحهای تزیینی دورهٔ مغول ادامه یافته و از لحاظ ارزش صنعتی و جنس رو بانحطاط رفته است. ازمینیاتور های قرن پانزدهم که حاوی تصویر سفال و کاشی کاری آن دوره است چنین معلوم میشود که در دورهٔ تیموری تأثیر صنایع چین بسیار قوی بوده است . بطوریکه میتوان حدس زد که بعضی ازسفال و کاشی کاری که دراین مینیاتورها دیده میشود مستقیماً ازچین وارد شده وبعضی قطعات دیگر تقلید کارهای ایرانی است که متأسفانه نمونه‌ای ازآنهابندرت یافت میشود. جامی درموزهٔ متروپولیتن موجود است که میتوان آنرا متعلق باواخر قرن پانزدهم دانست . بدنهٔ نازك و لطیف آن از گل شنی ساخته شده و روی آن تصویر یک اژدهای چینی‌بابدن بلند برنگ سیاه نقش گردیده و منظرهٔ طبیعی آن شامل چند قطعه ابر است که برنگ آبی ترسیم یافته است.

یک عده بشقاب و جام با تزیین برنگ سیاه و تعبیرات نباتی و اشکال طوماری زیرلعاب فیروزه‌ای یا سبز وجود دارد که متعلق بقرن پانزدهم است و در «کوباچه» در داغستان پیداشده. چند قطعه‌شبیه باین‌ظرف که درمجموعهٔ کلیکیان درموزهٔ ویکتوریا و آلبرت لندن موجود است و با اشکال نباتی و هندسی طوماری تزیین شده دارای تاریخهای ذیل است: ۸۷۳و۸۷۸و۸۸۵و۹۰۰ هجری(۱۴۶۸ و ۱۴۷۳و۱۴۸۰و۱۴۹۵ میلادی) . چند جام از این نوع درموزهٔ متروپولیتن وجود دارد (شکل ۱۳۵) .این‌ظروف سفالی‌قرن‌پانزدهم‌ونمونه های‌متعلق‌بقرن‌شانزدهم و هفدهم بوسیلهٔ بعضی‌ازمحققین بداغستان نسبت داده میشد، ولی اکنون‌احتمال بیشتر اینست که این ظروف ممکن است‌مستقیماً ازایران صادر شده و محل‌ساخت آنها‌آذربایجان باشد. درقرن پانزدهم سفال‌سازان ایرانی نه تنها بساختن کاشی کاری موزائیک ادامه‌دادند بلکه غالباً سطوح بزرگتری ازآنها پوشانیده‌میشد. داخل و خارج دیوار مساجد و مقابر اغلب با این قبیل کاشی کاری تزیین‌میشد و بعضی از آنها تا این تاریخ حفظ شده و باقی مانده است . تعبیرات تزیینی‌این کاشی کاریها عبارت بود از طرحهای توریقی و اشکال نباتی طوماری که روی آنها بشکل برگ و گل شقایق و گاهی طرحهای ترنجی کشیده میشد . زمینهٔ این طرحها معمولاً آبی رنگ و خود طرح برنگ سفید وزرد و آبی فیروزه ای و سبز است. یکی از ابنیهٔ مشهور قرن پانزدهم که کاشی کاری موزائیک عالی دارد مسجد کبود تبریز است که‌در زمان‌جهانشاه (۱۴۳۷-۱۴۶۷م ./۸۴۱-۸۷۲ هـ.) قره قوینلوی ترکمان ساخته شده است.

ابنیهٔ‌قرن‌پانزدهم‌با کاشی کاری موزائیک‌دراصفهان‌فراوان‌است‌وازمهمترین وزیباترین آنهاضریح درب‌امام‌اصفهان‌است که‌درزمان‌جهانشاه‌درسال۱۴۳۵ میلادی (۸۵۷ هـ.) ساختمان آن باتمام رسیده است. ازنقاط دیگری که‌دارای کاشی کاری موزائیک دورهٔ‌تیموری‌است مقبرهٔ‌تیمور‌در سمرقنداست که درسال ۱۴۲۴میلادی (۸۳۸ هـ.) توسط‌محمد اصفهانی‌ساخته‌شده‌و همچنین‌مشهدوشهرسبز(کش)و قصر تیمور که قسمتی از آن درسال ۱۳۹۵-۶ میلادی(۹۰۱-۲ هـ.) ساخته شده است .

صنعت کاشی کاری موزائیک در تمام ایران شایع و رایج بود و محدود بمرکز معینی نبود؛ ولی اصفهان یکی از نقاطی بود که بیش از هر جااین نوع کاشی درآنجا ساخته میشد.

الف -ظروف نیمه چینی:

۷- صنعت سفال درایران دردورهٔ صفوی (قرن ۱۶تا۱۸)

صنعت سفال دورهٔ صفوی را میتوان بدو دسته تقسیم کرد. یکدسته آنهائیست که دارای اسلوب تزیینی خالص صفوی است که در تصاویر کتاب و مینیاتورها و قالیها و منسوجات آن عصر دیده میشود. دستهٔ دیگر آنهائیست که از ظروف چینی دورهٔ مینگ تقلید شده است زیرا سفال سازان ایرانی در قرن شانزدهم سعی داشتند که ظروف چینی که مورد توجه مخصوص سلاطین صفوی بود بسازند. شاه‌عباس (۱۶۲۸-۱۵۸۷م./۱۰۳۸-۹۹۶ ه.) مقادیر زیادی ظروف چینی وحتی عده‌ای سفال ساز از چین بایران آورد. در نیمهٔ اول قرن شانزدهم مانند دورهٔ تیموری فقط تزیین ظروف باسلوب چینی و بدنهٔ آنها از گل نرم قهوه‌ای رنگ شبیه ظروف سفالی ایرانی از نوع کوباچه بود. دو بشقاب از این نوع که دارای طرح چینی است در موزهٔ متروپولیتن موجود است. در اواخر قرن شانزدهم شاید در زمان شاه‌عباس سفال سازان ایرانی موفق شدند ظروف نیمهٔ چینی بسازند که اگرچه بسختی ظروف چینی اصل نبود ولی غالباً نزدیک‌وشبیه آن بود. گاهی این تقلید بقدری خوب از کار درآمده که بسیاری ازقطعات‌ظروف ایرانی با چینی اصل اشتباه میشود و گاهی حتی حروف چینی در پشت آنهانقش شده است. این ظروف نیمه چینی صفوی ازلحاظ اسلوب و جنس و طرح‌مختلف است. بهترین قطعات از اواخر قرن شانزدهم (دهم هجری) و قرن هفدهم (یازدهم هجری) است‌ودرقرن‌هجدهم (دوازدهم‌هجری) بتدریج رو بانحطاط رفته است. اغلب طرح تزیینی‌چینی با طرح‌ایرانی‌ترکیب‌شده وازنمونه‌های این‌نوع ظروف سه بطری درموزهٔ متروپولیتن وجود دارد که دو تای‌آنها (شکل ۱۳۶) با تصویر لک لک وطرح ترنجی برنگ آبی و قهوه‌ای زینت یافته است. تزیین معمولی این قبیل ظروف شامل مناظر طبیعی چینی وتصویرحیوانات وپرندگان

و علائم چینی و شکل ابر است که درظروف دورهٔ مینگ دیده میشود. چندین ظرف تاریخدار قرن هفدهم و هجدهم موجود است. موزهٔ بریتانیا چندین نمونه ازاین ظروف دارد که دربین آنها ابریقی است بتاریخ ۱۰۲۵ هجری (۱٦۱٦م.) که برطبق نوشتهٔ روی آن در یزد ساخته شده است. برطبق گفتهٔ شاردن[۱] که درقرن هفدهم درایران مسافرت کرد بهترین ظروف سفالی در شیراز و مشهد و یزد و کرمان ساخته میشد. شاردن میگوید ظروف ایرانی این دوره از لحاظ صافی و شفافی و جنس از ظروف ساخت چین کمتر نیست. دربسیاری ازقطعات مخصوصاً ظروف قرن هجدهم رنگ آبی بخوبی و خـالصی ظروف چینی نیست بلکه تیره و گاهی حتی متمایل بسیاه است و طرح وحدود تصاویر درشت کشیده شده است که درظروف ساخت چین دیده نمیشود.

ظروف ایرانی بتقلید از ظروف چینی منحصر بظروف سفید رنگ نبود. ظروف برنگهای دیگر بشکل بطری و بشقاب دیده میشود که روی آنها طرح گل و اشکال نباتی برنگ سفید کشیده شده است.

یکدسته ظروف نیمه چینی سفید که اغلب متعلق بقرن هجدهم (دوازدهم هجری) واوائل قرن نوزدهم (سیزدهم هجری) است به گمبرون[۲] که بندری درخلیج فارس بود نسبت داده میشود، ولی واضح است که این محل مرکز حمل وصدور این ظروف بوده و نه مرکز ساخت آنها. این نوع ظروف عبارتند از جامهای گود با پایهٔ کوتاه یا بلند که تزیین روی آنها سوراخ سوراخ است وبا لعاب پر شده ودر ایران در دورهٔ قدیمتر شایع بود. علاوه براین طرح اغلب ظروف دارای اشکال گل و گیاه برنگ آبی و سیاه نیز میباشند.

ب ـ سفال دارای جلای معدنی

درمیان سفال دورهٔ صفوی آنها که دارای طرح تزیینی جلادار هستند مقام ومنزلت خاصی دارند. صنعت نقاشی جلادار که درقرن پانزدهم رو بانحطاط رفته بود در زمان شاه عباس بوسیلهٔ سفال سازان اصفهان و سایر نقاط احیا شد.

---

۱ ـ Chardin سیاح فرانسوی. م. ۲ ـ گمبرون یا جمبرون نام قدیمی بندرعباس است. م.

بطریهای گلابی شکل با گردنهٔ باریک و جام و گلدان و فنجانهای کوچک باجلا برنگهای مختلف از قبیل طلائی و قهوه ای و مسی روی زمینهٔ سفید و آبی تیره و آبی روشن و زرد تزیین میشد. گاهی بطریها بقسمتها و اضلاع مختلف تقسیم شده که هرقسمت برنگ مختلفی تزیین گردیده است (شکل ۱۳۷). تزیین اینها کاملاً ایرانی وباسلوب دورهٔ صفوی است. تعبیرات تزیینی آنها معمولاً مناظر طبیعی و پرنده و حیوان و گیاه است که بطور اختصار و باسلوب تأثیری کشیده شده است. دربعضی نمونه ها ازجمله یک بطری وبشقابی که درموزهٔ متروپولیتن است نقاشی آبی رنگ زیر لعاب ونقاشی باجلای معدنی بطور مؤثر باهم ترکیب گردیده است.

ج - سفال باتزیین نقاشی شده

چنانکه گفته شد ظروف نیمه‌چینی ایرانی اغلب باتعبیرات و اشکال اسلوب ایرانی و همچنین اسلوب چینی تزیین شده است. در بین ظروف چندرنگه نه‌تنها رنگ آبی بلکه رنگهای دیگر ازجمله قهوه‌ای سیر دیده میشود. گاهی رنگ آبی طرح تزیینی بارنگهای دیگر مانند سبز زیتونی و قهوه‌ای متمایل بقرمز تکمیل گردیده است. طرح تزیینی این‌نوع ظروف که بشیراز و اصفهان و کرمان نسبت داده میشود عبارتستازاشکال گل و از این نمونه دوبشقاب درموزهٔ متروپولیتن وجود دارد.

اسلوب صفوی سفال ایرانی باتمام جلال و شکوه خود در تزیین دیوار که با کاشی بعمل میآمد مشهود است. اگرچه این نوع تزیین دیوار قبلاً هم مرسوم‌بود ولی‌برای اولین‌بار در زمان شاه عباس‌شایع ومورد‌توجه واقع گردید. کاشی کاری سربع لعاب دار جای کاشی کاری موزائیک را نگرفت و هردونوع اغلب دریک عمارت باهم بکار رفته‌است، چنانکه درمسجدشاه‌صفی[1] اردبیل دیده میشود. سه قطعهٔ بزرگ کاشی کاری در موزهٔ متروپولیتن است (شکل ۱۳۸)

۱ - این کلمه در متن انگلیسی شاه صفی و در ترجمهٔ عربی شیخ صفی است و ظاهراً دومی صحیح است. م.

و نظایر آن در موزهٔ ویکتوریا و آلبرت لندن و موزهٔ لوور نیز موجود است که گفته میشود متعلق بقصر چهل ستون اصفهان است که درزمان شاه عباس ساخته شده است. «دیولافوا»[1] متذکر شده است که قصرچهل ستون کاشی کاری نداشت و دیوارهای آن بانقاشی تزیین شده بود و این کاشی کاریها متعلق به کوشکها و ایوانهائیست که دور باغ و گردشگاههای چهارباغ وجود داشته و ازآنجا بانوان درباری مناظر خیابان را تماشا میکردند. اغلب این ایوانها از بین رفته ولی عکسهای قدیمی کاشی کاریهائی نشان‌میدهد که کاملاً شبیه قطعات‌موجود در موزهٔ متروپولیتن است. موضوع و مناظر این کاشی کاریها باسلوب نقاشی است و از نقاشیهای دیوار کار رضای عباسی تقلید شده است و از آنها مناظر باغ و تصاویر بانوان دربار وملازمین مرد که ملبس بلباس دورهٔ صفوی و گاهی هلندی هستند (شکل ۱۳۸) دیده‌میشود. رنگ‌آمیزی آنها زرد وآبی و فیروزه‌ای وسبز وقهوه‌ای وارغوانی است و دورهٔ تصاویر سیاه و زمینهٔ آنها سفید است. این نوع کاشی کاری منحصر باصفهان نبوده بلکه در سایر نقاط و مخصوصاً در اردبیل نیز ساخته میشده است ولی تزیینات کاشیهای اردبیل بیشتر اشکال گل و گیاه است. کاشیهای سربع شکلی درقرن هفدهم و هجدهم و نوزدهم میلادی (۱۳۹۱ و ۱۲ و ۱۱ هـ.) دراصفهان‌وشیراز ساخته‌میشدولی‌طراحی‌ورنگ‌آمیزی‌آنان‌بتدریج ازرونق‌افتاد وچنانکه‌در کارهای‌قرن هجدهم‌مشاهده میشود رو بانحطاط رفته‌است.

د - سفال‌کوباچه[2]

یکنوع سفال دورهٔ صفوی بنام کوباچه خوانده‌میشود، زیرا غالب نمونه‌های این نوع سفال در کوباچه که قصبه‌ای‌در نواحی کوهستانی داغستان در قفقاز است بدست آمده است. این ظروف را میتوان بدو گروه تقسیم کرد. یک گروه آنهائیکه طرح تزیینی‌آنها برنگ سیاه زیرلعاب آبی‌یا سبز است‌ودیگری آنهائیکه تزیین چند رنگه زیر لعاب شفاف بدون رنگ دارد. دستهٔ اول شبیه

۱ - Dieulafoy سیاح وباستان شناس معروف فرانسوی که مدتها درخوزستان بحفریات مشغول بوده است. م.

۲ - Kubatcha [راهنمای صنایع اسلامی - ۲۶]

ظروف تیموری داغستانی است ولی طرحهای اضافی دارد از جمله اشکال گیاه و تعبیرات کرم‌مانند، مانند شکل ابر درنقاشی‌چینی که درصنایع دورهٔ صفوی دیده میشود. تزیین گروه چندرنگه غنی‌تر ومفصلتر ازظروف آبی‌وسیاه‌است. ازموضوعهای جالب توجه این ظروف مناظرطبیعی واشکال درخت‌و گیاه است که بآنها اشکال انسان و حیوان و پرنده اضافه شده است. دربعضی قطعات تصویر نیم‌تنهٔ اشخاصی در مرکز ظرف کشیده شده و در اطراف اشکال نباتی طوماری بکار رفته است (شکل ۱۳۹) . در کشیدن و استعمال تعبیرات آزادی بکار رفته ولی همیشه اهمیت اثر تزیینی درنظر گرفته شده و رنگ‌آمیزی این ظروف که شامل رنگهای سفید و زرد و آبی وسبز وسیاه وقهوه‌ای و پرتقالی است نسبةً کمرنگ و کم جلوه است. این ظروف موسوم به کوباچه باید باواخر قرن شانزدهم و قرن هفدهم نسبت داده شود . اگرچه اغلب آنها در کوباچه پیدا شده ولی نمیتوان آنها را ساخت آن محل دانست واحتمال میرود که درایالت آذربایجان وبخصوص تبریز که از مراکز مهم صنعتی بود ساخته شده باشند. ظروف کوباچه را باید اسلوب شهرستانی دورهٔ صفوی دانست که تقلید ظروف زیبای اصفهان وسایر مراکزعمدهٔ سفال سازی است .

۸ - سفال دورهٔ طولونی در مصر (قرن ۹)

خرابه‌ها واطلال شهر فسطاط یا قاهرهٔ قدیم مدتها محل پیدایش نمونه‌های صنعت سفال سازی خاور نزدیک از زمان قبطی‌ها تاقرن شانزدهم بشمار میرفت . همهٔ این ظروف سفالی ساخت مصر نیست وبسیاری ازآنها ازایران وعراق وترکیه‌وسوریه وارد شده بوده است. قدیمترین نمونه‌های سفال فسطاط وسایر نقاط مصر باتطور صنعت سفال‌سازی خاور نزدیک بخصوص عراق و ایران ارتباط نزدیک دارد . ظروف‌لعاب‌دار وبدون‌لعاب هردو پیداشده‌است. عالیترین‌ظروف‌لعاب‌دار آنهائیست که‌تزیین جلادار دارند وطبق عقیدهٔ‌بعضی ازمتخصصین همهٔ‌آنها کار محلی‌است. حتی بعضی‌ها معتقدند که ظروف دارای جلای معدنی که در عراق و ایران پیدا شده اصلاً از مصراست. این نظریه بهمان اندازه که‌تصور میشود ظروف جلادار

دورهٔ عباسی و طولونی (۹۰۴ - ۸۶۸م./۲۹۲ - ۲۵۵ه.) همه از خارج وارد شده افراطی است . از نمونه‌هائیکه در خرابه‌های فسطاط پیدا شده معلوم میشود که از این نوع سفال در مصر ساخته میشد . این نمونه‌ها یا برنگ پرتقالی یا قرمز است که با جلای طلائی سبزرنگ تزیین شده است . اغلب آنها از لحاظ طرح و موضوع تزیین شبیه ظروف جلادار قرن نهم ایران است وبدون شک ازظروف ایرانی تقلید شده است. بعضی از ظروف‌دارای طرحهای هندسی است که‌درایران و عراق مرسوم بوده است .

ازظروف‌دورهٔ طولونی‌قطعات‌بی‌عیب و کامل بندرت‌باقی‌مانده .خوشبختانه موزهٔ متروپولیتن یک گلدان کوچک‌دارد که‌از گل قرمزرنگ خشن که ازمختصات سفال فسطاط است ساخته شده است . تزیین این ظروف که از یک ظرف عراقی قرن نهم تقلید شده عبارتست از دوایر متقاطع و نیمه دایره و اشکال نقطه نقطه که باجلای طلائی نقاشی شده است .

۹ - سفال دورهٔ فاطمی درمصر و سوریه (قرن۱۰ تا ۱۲)

دردورهٔ فاطمی صنعت سفال سازی درمصر بدرجهٔ عالی رسید وسفال ایندوره را میتوان بدوطبقه‌تقسیم کرد: یکی باتزیین حک شده زیر لعاب یکرنگ و دیگری با تزیین جلادار . سفال طبقهٔ اول با لعاب رنگهای مختلف از قبیل سبز و آبی و قرمز وارغوانی پوشیده شده و تقلید از ظروف دورهٔ سونگ‌چین است ، درحالیکه طرح تزیینی حک شده از مختصات دورهٔ فاطمی وشبیه بظروف جلادار است. ظروف جلادار دورهٔ فاطمی ظریف ساخته شده وبا لعاب سفید پوشیده شده که روی آن طرح تزیینی باجلای طلائی یا قهوه ای شفاف و درخشان نقش گردیده است. تزیین این نوع ظروف عبارتست از اشکال انسان وحیوان وپرنده روی زمینهٔ اشکال نباتی. گاهی طرح تزیینی فقط از اشکال نباتی و برگ نخلی طوماری تشکیل یافته مثل گلدان (شکل ۱۴۰) در موزهٔ متروپولیتن . موزهٔ صنایع اسلامی قاهره یک عده نمونهٔ عالی از ظروف جلادار دورهٔ فاطمی دارد که بعضی از آنها کامل وبی‌عیب است ودر ناحیهٔ فسطاط پیدا شده است. بسیاری

از آنها دارای نام سازنده است و نام دو سفال ساز یعنی سعد و مسلم زیاد دیده میشود و احتمال میرود این دونفر درشهر فسطاط کورهٔ سفال سازی داشته اند. کار سعد و کار گاه او با بعضی از ظروف جلادار قبل از دورهٔ فاطمی بخصوص درقسمت طرح حیوانات ارتباط نزدیک دارد. ازمشخصات اسلوب کار او مهارت در نقاشی و ایجاد طرحهای تزیینی عالی و کشیدن اشکال انسان و حیوان است که در زمینهٔ آنها طرح اشکال نباتی مفصل ترسیم گردیده است. این کار اسلوب فاطمی را درقرن یازدهم در اوج کمال خود نشان میدهد. از معروفترین کارهای سعد ، جامی است درمجموعهٔ کلیکیان درموزهٔ ویکتوریا وآلبرت درلندن که روی آن تصویر شخصی که چراغ مسجد یا عود سوز بدست دارد ترسیم شده است. کار سفال ساز دیگر یعنی مسلم دارای خاصیت دیگری است. اشکال ونقاشیهای او کلی تر و باعظمت تر است و نسبت بجزئیات توجه زیادی نشده . یکی از نمونه های عالی کار مسلم، جامی استدرموزهٔ متروپولیتن که ازطرف والتر هاوزر[۱] بامانت داده شده است. قسمت داخلی این ظرفرا تصویر عقابی که بالهای خود را گسترده گرفته است. این ظرف و بعضی از کارهای سعد را میتوان باواخر قرن دهم نسبت داد . از قراریکه ویت نقل میکند یک قطعهٔ مهم در موزهٔ اسلامی قاهره موجود است که نام خلیفه الحاکم (۱۰۲۱-۹۹۶م./٤۱۲ - ۳۸٦ ه.) روی آن نقش شده است. علاوه برقطعات دیگر که باین دوره تعلق دارد ظرفی است درموزهٔ قاهره که تصویر خروسی روی آن کشیده‌شده وجامی باتصویر فیل درمجموعهٔ ابراهیم پاشا است که طبق نوشتهٔ آن کار ابراهیم مصری ومتعلق باین دوره است.

ظروف سفالی جلادار باسلوب فاطمی درسوریه نیز ساخته میشد ودرآنجا مقداری نمونهٔ بسیار عالی پیدا شده است. درموزهٔ لوور دونمونه از این ظروف سوریه وجوددارد ؛ یکیدارای تصویر خرگوش است که ازخانه‌ای درقصبهٔ سره[۲] نزدیک حلب بدست آمده و دیگری شکل نیلوفر آبی و خط عربی است که در دمشق پیدا شده است . ظروف جلادار سوریه که قطعاتی از آن در فسطاط

۱. Walter Hauser ۲ - Marra

نیز بدست آمده باظروف مصری‌فرق دارد. این ظروف ازخاك پرتقالی یاخاکستری سفید رنگ ساخته شده در حالیکه ظروف سفالی فسطاط عموماً کرم رنگ است. زمینه اغلب‌طرحهای‌تزیینی آبی‌فیروزه رنگ است. درموزهٔ مترو پولیتن چندین‌قطعه وجود داردکه میتوان آنهارا متعلق بسوریه دانست. ازجمله جام کامل وبی‌عیبی است که روی آن کتیبه ای بخط کوفی ولی بدون معنی روی زمینهٔ ارغوانی باجلای سبزرنگ نقش شده است. قطعه ای از جامی نیز وجود داردکه طرح باسلوب فاطمی یعنی تصویر پرنده درمیان اشکال نباتی روی آن کشیده شده است.

۱۰ - سفال دورهٔ ایوبی و مملوکی در مصر وسوریه (قرن ۱۳ تا ۱۵)

در اواخر قرن دوازدهم سفال‌سازان مصر وسوریه باسلوب وطرز عمل دورهٔ فاطمی ادامه میدادند. این مطلب بخصوص دربارهٔ ظروف لعابی چند رنگه که اغلب بتقلیدظروف چینی ساخته میشد ودرمصر رواج داشت صدق میکند. جلادادن ظروف که از تزیینات دورهٔ فاطمی بود درمصر بکلی ازمیان رفت‌ولی درسوریه ادامه یافت. یکی از قطعات‌مهم ظروف ساخت سوریه گلدانی است در مجموعهٔ کنتس بهاگ[۱] درپاریس که باجلای طلائی رنگ روی زمینهٔ‌آبی تزیین گردیده و روی‌آن این‌نوشته دیده میشود «سفارش‌اسداسکندری - عمل یوسف دمشقی». تزیین این گلدان عبارتست ازحروف‌درشت کوفی که در زمینهٔ آن اشکال توریقی مخصوص ظروف سفالی قرن سیزدهم سوریه وفسطاط ترسیم شده است. ساخت این نوع ظروف جلادار در قرن چهاردهم در دورهٔ مملوکی ادامه یافت و با اشکال طوماری و تصویر پرندگان تزیین میشد.

سفالی که‌بیش‌ازهمه درقرن سیزدهم وچهاردهم میلادی (هفتم و هشتم هجری) وحتی بعد از آن تاریخ در خاورمیانه مرسوم بود ظروفیست که تزیین آنها زیر لعاب شفاف برنگ سبز و فیروزه ای نقاشی شده است. قطعاتی از این نوع سفال درسوریه ومصر بخصوص درنقاطی مانند بعلبک ودمشق و رقه و رصافه بدست آمده است. تزیین وجنس سفال مصر وسوریه بقدری بهم شبیه است که

---

۱ - Contess de Béhague

اغلب بزحمت میتوان تعیین کرد که ظرفی متعلق بمصر یا سوریه است. ازروی ظروف دارای امضا وقطعات پیدا شده چنین نتیجه گرفته میشود که اغلب ظروفی که درفسطاط بدست آمده ساخت مصر است وممکن است سازندگان وهنرمندان آن از سوریه یا ایران آمده و باسلوب کشور خود این سفال را ساخته باشند. در دورهٔ ایوبی ظروف بتقلید ظروف رقه و رصافه و ری دیده میشود و شواهد موجود دلیل برآنستکه اینها میبایست درخود محل ساخته شده باشد. دراغلب ظروف دورهٔ ایوبی تزیینات و تصاویر حیوانات از اسلوب سلجوقی اقتباس شده و این اسلوب همهٔ صنایع وفنون خاورمیانه را تحت تأثیر قرار داده بود. ظروف دورهٔ مملوکی که تزیین برنگ سیاه و آبی دارند سفال ایرانی قرن سیزدهم وچهاردهم ساوه وسلطان‌آباد و ری را بخاطر میآورد. یک بشقاب سوریه درموزهٔ متروپولیتن (شکل ۱٤۱) که تزیینات آن اشکال پرنده و گیاه است بطور وضوح تأثیر اسلوب ایران را نشان میدهد.

گلدانها وجامهای دیگر دورهٔ مملوکی مصرو سوریه با کتیبه واشکال توریقی روی‌زمینهٔ نقطه نقطه تزیین‌شده و گاهی این تزیینات روی ظرف بمناطق مختلف تقسیم گردیده است. گلدان بزرگی درمجموعهٔ «مور» موزهٔ متروپولیتن وجود دارد که نمونهٔ خوبی ازسفال‌مملوکی‌قرن چهاردهم بشمار میآید. تزیین عمدهٔآن عبارتست از کتیبه‌ای‌بحروف درشت عربی که روی زمینهٔ اشکال نباتی برگدار کشیده شده‌است. درقرن چهاردهم اینگونه طرحها اغلب با اشکال گیاه بسبک‌چینی که روی‌آنها تصویر پرنده قرارمیگرفت، ترکیب‌شده است. اینگونه طرحها درظروف سفالی‌ایرانی ازنوع ظروف سلطان‌آبادنیزدیده میشود وشباهت آنها بقدری است که اغلب ظروف مملوکی‌را اشتباهاً ایرانی‌محسوب میدارند. چنانکه گفته شد این نوع ظروف مملوکی درمصر و سوریه هردو ساخته‌میشد وبهمین جهت تعیین محل ساخت بجزدرمواردی که امضاشده بسیارمشکل‌است. قطعات متعدد سفال دورهٔ مملوکی ساخت فسطاط که نمونه های آن درموزهٔ متروپولیتن نیز موجود است در ته ظرف نام سازنده یا سفال ساز دارد . از

امضاهائیکه زیادمشاهده میشود عبارتند از الغیبی- الشامی - العجمی(از ایران)- الغزال - الهرمزی(ازهرمز ایران) - التوریزی(ازتبریز)- الاستادالمصری.یکی از قطعات سفال کمیاب‌دورهٔمملوکی‌چراغی‌است(شکل ۱۴۲) درموزهٔ متروپولیتن که باحروف درشت و اشکال نباتی و اشکال گل برنگ سفید و آبی روی زمینهٔ سیاه تزیین شده است . این تزیین بطور قطع‌متعلق بدورهٔ مملوکی است‌ونظایر آن درفسطاط پیدا شده است . در زیر چراغ نام سازندهٔ آن‌منقوش‌است واو«ابن الغیبی التوریزی» پسر الغیبی سفال ساز مشهور مصری است .

یکی‌ازانواع معمولی‌ظروف مملوکی‌قرن چهاردهم وپانزدهم‌ظروفیست که ازگل قرمز و قهوه‌ای ساخته شده و روی آن قطعات سفید که لعاب شفاف زرد یاسبز دارند دیده میشود. تزیین این ظروف که درخانهٔ امرا استعمال‌میشد روی ظرف حک شده و بدنهٔ قرمز ظرف را نمایان میسازد . گاهی تزیین روی ظرف نقاشی شده و گاهی با طرحهای حک شده ترکیب گردیده بطوریکه‌قسمت نقاشی شده برجسته بنظر میرسد. تزیینات این‌ظروف‌معمولاً عبارتست ازکتابت شامل‌نام اشخاص وعلائم رسمی‌شبیه آنچه‌روی کار های‌فلزی کنده میشد (فصل نهم، قسمت ششم) و اشکال نباتی و گاهی تصاویر اشخاص و حیوانات . ازاین نوع سفال ظرفی درموزهٔ صنایع اسلامی قاهره وجود دارد که‌نام‌شهاب الدین‌بن فرج[۱] یکی از افسران ناصرالدین محمد (۱۳۴۰-۱۲۹۳م./۷۴۱-۶۹۳ﻫ.) روی آن نقش است .

درقرن پانزدهم‌انواع مختلف‌ظروف سفالی باسلوب‌دورهٔ مملوکی‌ساخته میشد ولی با مقایسه باظروف قرون سابق هم ازلحاظ طرح و هم ازلحاظ‌ساخت ازآنها پست تر است.

۱۱ - سفال سازی ترکیه قدیمترین نمونهٔ سفال‌آسیای صغیر دردورهٔ اسلامی‌درتزیین ابنیهٔ قرن سیزدهم‌دیده میشود. مساجد شهر قونیه‌پایتخت امپراطوری‌سلجوقی در داخل‌وخارج‌با آجر و کاشی‌موزائیک

۱ - درمتن انگلیسی «فرجی» است . م .

برنگ آبی وفیروزه ای وسیاه وسفید تزیین شده است . طرحهای تزیینی کاملاً اشکال هندسی است که اغلب شامل خطوط وزوایای متقاطع و کتابت بخط عربی است . طرزعمل و طرح تزیینی دراصل ایرانی است و توسط کارگران ایرانی که درآسیای صغیر کارمیکردند رایج گردیده است.

الف - سفال سازی درآسیای صغیر (قرن ۱۴ تا ۱۷)

دراواخر قرن چهاردهم در زمان حکومت آل عثمان فصل جدیدی در صنایع آسیای صغیر آغاز شد. «بروسه» پایتخت اولیهٔ امپراطوری عثمانی یکی از مراکزمهم صنعتی گردید. آجرهای مینائی یا موزائیک بریده که درعصرسابق مرسوم ومتداول بودجای خود را بکاشی داد که معمولاً مستطیلی و گاهی شش گوش هستند و با مینای چند رنگه یانقاشی زیرلعاب تزیین شده‌اند. نمونهٔ عالی کاشی کاری قرن پانزدهم درجامع الاخضر که درسال ۱۴۲۳ میلادی ساخته شد و همچنین درمقبرهٔ سبز که سلطان محمداول دربروسه در ۱۴۲۱ میلادی (۸۲۴ هـ.) بنا کرده دیده میشود ودرهردوبنا محرابهای بسیار زیبا ساخته شده است. محراب مسجد سبز با اشکال نباتی و گل که تأثیر صنایع چین در آنها هویداست تزیین شده ودراینکه این محراب کار هنرمندان ایرانی است ازعبارت «عمل استادان تبریزی» روی آن معلوم است . رنگ آمیزی آن شبیه سفال و کاشی کاری عصرسابق است و رنگ ارغوانی وسبز و زرد بآن اضافه شده‌است. یک نمونه ازاین نوع کاشی کاری قرن پانزدهم که درموزهٔ متروپولیتن موجود است درتصویرشکل ۱۴۳ مشاهده میشود. روی این کاشی طرح طاق مانندی برنگ زرد روی زمینهٔ آبی نقش گردیده و اشکال نباتی رنگ سفید و فیروزه ای و ارغوانی تیره روی آن کشیده شده و درگوشه اشکال زاویه دار متقاطع برنگ سفید ترسیم شده‌است.

صنعت نقاشی زیرلعاب برنگ سفید وآبی بتقلید ظروف چینی دورهٔ مینگ در ترکیه شایع بود و مانند کاشی مینائی بوسیلهٔ سفال سازان ایرانی در آنجا مرسوم شد. بعضی ازعالیترین نمونه‌های کاشی سفید وآبی درمسجد سلطان مراد در «ادرنه» که درسال ۱۴۳۳ میلادی (۸۳۷ هـ.) ساخته شد دیده‌میشود. کاشیهای شش

گوش دیوار با طرحهای نباتی بتقلید تزیینات دورهٔ تیموری ایران تزیین شده ولی در اسلوب آن ابتکار هائی بکار رفته که از مختصات اوائل دورهٔ عثمانی است.

کاشیهای دارای تاریخ بتعیین تسلسل تاریخی ظروف سفالی ترکیه در آناطولی قبل از قرن شانزدهم کمک شایان میکند. گروهی از ظروف شامل جامها و بشقابها و چراغهای مساجد که با اشکال گل طوماری و شکل ابر بسبک چینی و کتابت بخط کوفی تزیین شده، متعلق بقرن پانزدهم است. ازاین ظروف نمونه های خوب درموزهٔ بریتانیا و موزهٔ لوور و موزهٔ اوکاف[۱] موجود است. دونمونه هم درموزهٔ متروپولیتن وجود دارد؛ یکی جام گودی است که تزیین آن اشجار سرو و برگ نخلی است و دیگری درمجموعهٔ التمن[۲] است که تزیین گل و گیاه دارد (شکل ۱٤٤).

مهمترین مرکز سفال سازی آسیای صغیر در قرن شانزدهم و هفدهم (۱۰ و ۱۱ هـ.) شهر اسنیک[۳] بود و مراکز دیگر از قبیل کوتاهیه نیز وجود داشت که ظروف سفالی خوب میساختند. صنعت سفال سازی اسنیک در نیمهٔ دوم قرن شانزدهم و اوائل قرن هفدهم بمنتهـا درجهٔ ترقی خود رسید. سفال سازان ترک در صنعت تزیین زیر لعاب که برنگ آبی و فیروزه‌ای و سبز و زرد نقاشی میشد استادی خاصی پیدا کردند و یکنوع رنگ قرمز شبیه رنگ گوجه فرنگی بکار میبردند که از گل ارمنی قرمز تهیه میشد و روی سطح ظروف و کاشی بکار میرفت. دربعضی دیگر از ظروف اسنیک تزیین برنگ آبی و فیروزه‌ای نقاشی میشد. از هر دو نوع نامبرده نمونه های خوبی در موزهٔ متروپولیتن موجود است. طرحهای تزیینی این ظروف عبارتست از طرح برگ نخلی ایرانی واشکال گل ازقبیل لاله وسنبل و گل سرخ که بطرحهای مختلف ترتیب داده میشد و این نوع تزیین از مختصات سفال ترکیه بشمار میرود. از روی کاشیهای ابنیهٔ معروف اسلامبول میتوان بطورقطع گفت که بهترین سفال اسنیک متعلق به نیمهٔ دوم قرن شانزدهم و اوائل قرن هفدهم میلادی است. یکی از

۱ - Evkaf ۲ - Altman ۳ - Isnik

قطعات ساخت اوائل قرن شانزدهم چراغ مسجدی است درموزهٔ بریتانیا که‌از مسجد عمر در بیت‌المقدس بدست آمده و تاریخ آن ۹۵۶ هجری (۱۵۴۹ میلادی) است. از عمارات و ابنیه‌ای که دارای کاشی کاری عالی است عبارتند ازمسجد رستم‌پاشا(۱۵۶۰ میلادی یا۹۶۸ هـ.) وحرم‌قصرقدیم (۱۵۷٤ میلادی یا۹۸۲ هـ.) وعمارت سلطان‌مراد ثالث و ابنیهٔ دیگر. از سفال‌باسلوب ترکیه متعلق به نیمهٔ دوم‌قرن شانزدهم درموزهٔ‌بریتانیاظروف‌و کاشیهائی وجود دارد که اثرصنایع ایران روی آنها مشهوداست. روی‌یک کاشی کاری(شکل ۱٤۵) طرحهای برگ نخلی وبرگ سو و گل‌وغنچهٔ‌سرخ تزیین کلیهٔ‌صفحهٔ کاشی کاری را تشکیل داده‌درحالیکه‌درحاشیهٔ آبی رنگ آن طرحهای طوماری گل واشکال ابربسبک چینی بطورمتقاطع ترسیم شده است. درسایر کاشیهای نیمهٔ دوم قرن شانزدهم اشکال گل بااسلوب‌ترکی براشکال‌بااسلوب‌ایرانی‌تفوق‌دارد(لوحهٔ شمارهٔ ۳)وطرح‌تزیینی‌بطورمرتب‌ومنظم قرارداده شده‌است. از روی این کاشیها میتوان تاریخ ظروف و چراغهای‌مسجد (شکل۱٤٦) را تعیین کرد وآنها را متعلق به نیمهٔ‌دوم قرن شانزدهم دانست. از نظر فنی سفال و کاشی کاری این عصر از سفال و کاشی قرن هفدهم بهتر است و طرحهای تزیینی با دقت و زیبائی ترسیم گردیده است. در اوائل قرن هفدهم ترسیم گل و گیاه بتدریج بیشتر بصورت طبیعی در آمد و در ترکیب طرحهای تزیینی آزادی بیشتری قائل میشدند. از بهترین کاشی کاریهای قرن هفدهم کاشیهای مسجد سلطان‌احمد (۱٦۱٤ میلادی یا۱۰۲۳ هـ.) در اسلامبول را میتوان نام‌برد . هنوز کاشیها و ظروف سفالی در شهر اسنیک ساخته میشد. در زمان سلطان احمد (۱٦۱۷ - ۱٦۰۳م./۱۰۲٦-۱۰۱۲ هـ.)درشهر اسنیک سیصد کارگاه سفال‌سازی وجود داشت. بسیاری ازبشقابها وابریقها وچراغهای اسلوب ترکی که در موزه های ممالک مختلف وجود دارد باید بقرن هفدهم تعلق داشته باشد . بعضی از بهترین آنها مانند بشقاب شکل ۱٤۷ در نیمهٔ اول قرن هفدهم ساخته شده است. درظروفیکه بعداً ساخته شده درنقاشی و طرح تزیینی آن دقت زیاد بکار رفته است.

درقرن هجدهم ساختن‌ظروف سفالی درترکیه ادامه یافت، ولی قطعات موجود نشان میدهد که چه از لحاظ فنی و چه ازنظر طراحی صنعت سفال‌سازی دراین‌عصر رو بانحطاط رفته است. رنگها روشنی خود را ازدست داده و رنگ قرمز گوجه فرنگی برنگ قهوه‌ای تبدیل یافته است.

تعداد ظروف و فنجان و قوری و ظروف دیگر متعلق بقرن هجدهم به کوتاهیه واقع در آناطولی نسبت داده میشود. این ظروف با اشکال گل و گاهی با اعداد تزیین گردیده است. طرح تزیینی اینها دارای ظرافت نیست و رنگ زرد درآنها زیاد بکار برده شده است. روی بعضی از قطعات کتابت بخط ارمنی دیده میشود واحتمال‌میرود که توسط سفال سازان ارمنی کوتاهیه ساخته شده باشد.

ب ـ سفال سازی درسوریه (قرن ۱۶ تا ۱۸)

در بین ظروف سفالی ترک که در قرن شانزدهم و هفدهم ساخته شده یکنوع ظرف بواسطهٔ رنگ آن مشخص است. در این ظروف بجای رنگ قرمز گوجه فرنگی که مختص ظروف آسیای صغیر است رنگ ارغوانی بکار رفته است. بطور کلی طرح تزیینی این ظروف شبیه طرح ظروف آسیای صغیر است ولی غالباً ظرافت ودقت زیادتری در آنها بکار رفته است. این ظروف را که دارای رنگ ارغوانی است بعضی بمکتب دمشق وبرخی به آناطولی نسبت‌میدهند.

علت نسبت دادن آنها بدمشق آنستکه کاشیهای مساجد دمشق و حفریات جدید تردیدی باقی نمیگذارد که این ظروف ساخت محل است واز آسیای صغیر وارد نشده است. سوریه در صنعت سفال سازی سوابق ممتدی دارد و از زمان رومیها در آنجا سفال ساخته میشد و در دورهٔ مملوکی نیز ظروف سفالی عالی در آنجا ساخته شده است. یکدستهٔ نادر ظروف دمشق آنهائیست که طرحهای تزیینی ظریف و تعبیرات گل و گیاه دارد. دریک ظرفی که درموزهٔ لوور است و سابقاً جزو مجموعهٔ کوشلن بود در بین اشکال تزیینی تصویر یک طاوس‌نیز کشیده شده که درظروف آناطولی ابداً دیده نمیشود.

تصویر طاوس درظرف سفالی سوریه درقرن پانزدهم مرسوم بود ودر

دورهٔ عثمانی نیز بکاررفته است. درموزهٔ بریتانیا از کاشیهای ساخت سوریه درقرن شانزدهم و هفدهم (دهم و یازدهم هجری) نمونه‌های زیاد وجود دارد ولی ظروف سفالی کم است . یکی از این ظروف در مجموعهٔ التمن موزهٔ متروپولیتن است (شکل ۱۴۸) . کره ای درمجموعهٔ التمن موجود است که میتوان آنرا به نیمهٔ دوم قرن شانزدهم نسبت داد . تزیین آن عبارتست از اشکال توریقی نباتی و گلهای بزرگ وابر بسبک چینی برنگ آبی وسبز وسیاه و ارغوانی. یک لوحهٔ کاشی کاری متعلق به نیمهٔ دوم قرن شانزدهم نیز موجود است (شکل ۱۴۹) که با اشکال طوماری گل و برگ نخلی و لاله و قرنفل و سنبل و گل انار تزیین شده است.

درسوریه مانند آسیای صغیر درقرن هفدهم اسلوب‌تزیینی آزادتر گردید. در ظروف ساخت قرن هجدهم رنگ آمیزی سابق بکار رفته ولی نقاشی و ترسیم آنها بخوبی ظروف قدیم نیست . نمونه‌ای ازاین نوع سفال درموزهٔ متروپولیتن موجوداست وآن یک لوحهٔ کاشی کاری‌مورخ ۱۱۵۰ هجری (۱۷۳۸م.) است که روی آن اسامی خدا و پیغمبر و خلفای اربعهٔ راشدین نقش گردیده است .

۱۳ ـ سفال اسپانیائی مغربی

قدیمترین نمونهٔ سفال اسلامی اندلس در قصر واقع در مدینة الزهرا نزدیک شهر قرطبه بدست آمده است . اغلب این ظروف سفالی بطور احتمال کار سفال سازان قرطبه است و میتوان آنهارا به نیمهٔ دوم قرن دهم (چهارم‌هجری) نسبت داد . تزیین آنها عبارتست از تعبیرات گل و تصویر پرنده و کتابت بخط عربی‌برنگ سبز و آبی و قهوه‌ای تیره . ظروف جلاداری که در مدینةالزهرا بدست آمده و شبیه ظروف سامرا و نقاط دیگر عراق وایران است بطور یقین ازآن‌مراکز وارد شده بوده است .

از ظروف سفالی قرن یازدهم تا قرن سیزدهم اسپانیا اطلاعات زیادی در دست نیست ولی ازقطعات معدودی که‌در نقاط مختلف پیدا شده میتوان‌حدس زد که ظروف جلادار و سفال نقاشی شده در این عصر در اسپانیا ساخته میشد .

سفال‌سازان اندلسی کوزه‌های بزرگ آب و در چاه میساختند که تزیین روی آنها یاقالبی و برجسته و یامهرشده بود. این نوع سفال یابدون لعاب‌است و یابالعاب سبزرنگ پوشیده شده. یک نمونهٔ قدیمی مورخ ۴۳۰ هجری (۱۰۳۹م.) درچاهی است که ازسویل پیدا شده و در موزهٔ باستان شناسی مادرید موجود است. یک کوزهٔ بزرگ بدون لعاب درموزهٔ متروپولیتن موجود است که با اشکال هندسی وخطوط مستقیم ومتموج تزیین گردیده وآنرا میتوان بقرن سیزدهم نسبت داد.

یکی ازمراکزمهم سفال سازی اسپانی درقرن سیزدهم و چهاردهم‌شهر پاترنا[۱] نزدیک والنسیا[۲] بود. مقادیر زیادی سفال دراینجا پیدا شده که بانواع و اقسام مختلف است ولی از همه شایع تر ظروفیست که تزیین آنها برگ‌سبز و قهوه‌ای یا ارغوانی روی زمینهٔ سفید است. تزیین ظروف پاترنا اغلب شامل اشکال انسان و حیوانات وپرندگان است. درمجموعهٔ هاوسایر موزهٔمتروپولیتن یک ظرف قرن‌چهاردهم(هشتم هجری) از پاترنا موجوداست که‌تزیین آن‌شامل اشکال متشابک است که تشکیل نه منطقهٔ جداگانه که داخل هر کدام باشکل صلیب تزیین شده داده است.

درقرن چهاردهم و اوائل قرن پانزدهم سفال سازان مالاگا[۳] و غرناطه در ساختن گلدانهای بزرگ و کاشی و جام با تزیین بسیارظریف با جلای‌طلائی تنها یا ترکیب شده با آبی مهارت زیاد داشتند. معروفترین آنها گلدانهای بیضی شکل الحمراء است که‌دسته‌ای بشکل بال دارند ومیتوان آنهارا متعلق بقرن چهاردهم‌دانست. تزیین اینها عبارتست ازاشکال توریقی و کتابت عربی واشکال حیوانات. گفته‌میشود که گلدانهای دارای جلای طلائی، فقط درمالاگا ساخته میشده و گلدانهای باتزیین برنگ‌طلائی وآبی کارسفال‌سازان غرناطه‌بوده‌است.

یک مرکز مهم دیگر سفال‌سازی در قرن چهاردهم تا قرن شانزدهم در اسپانی شهر مانیس[۴] در ایالت والنسیا بوده‌وظروف‌سفالی جلادار این ناحیه شامل گلدان و بشقاب و ظروف معروف به البارلی[۵] است.

۱ - Paterna ۲ - Valencia ۳ - Malaga ۴ - Manices ۵ - Albarelli

یکنوع ظرف جلادار که برسم و اسلوب مکتب مالا گا ساخته شده باوائل قرن پانزدهم تعلق دارد. تزیینات این ظرف شامل اشکال توریقی و برگ نخلی و اشکال متشابک باجلای قهوه‌ای و آبی واشکال شبیه خط عربی‌است که از کلمهٔ«السلام» مأخوذ گردیده است. درمجموعهٔمور درموزهٔ متروپولیتن بشقاب بزرگی است که طرح تزیینی آن شامل اشکال گل با جلای طلائی است که درخطوط متشابک آبی رنگ قرار گرفته است. علاوه براین طرح تزیینی مغربی علائم خانوادگی‌مسیحی‌خانواده‌های اسپانیائی اضافه‌شده و یک نمونهٔ‌آن درمجموعهٔ انجمن اسپانیائی نیویورك دیده میشود.

در نیمهٔ اول قرن پانزدهم بتدریج عناصر گوتیک[1] درطرحهای ظروف جلادار والنسیا وارد شد. یک طرح معروف شامل غنچه های گل روی زمینهٔ نقطه نقطه است (شکل ۱۵۱) که غالباً‌روی‌آنها تصاویرحیوانات و کتابت گوتیک نیز ترسیم شده است.

پروفسور کوهنل ظروف و جامهای جلادار بااشکال شیر وپرندگان روی زمینهٔ طرحهای طوماری وبرگ نخلی‌را بدورهٔبین ۱٤۵۰ تا ۱٤٦۵ میلادی(۸۵٤ تا ۸۷۰ ه.) نسبت میدهد. این طرحهای برگ نخلی اغلب در پشت ظروف کشیده شده است.

در نیمهٔ دوم قرن پانزدهم ظروف جلادار معمولاً با اشکال طوماری باسلوب گوتیگ برنگ آبی و طلائی تزیین میشد و در اواخر قرن این طرحها رسمی[2]تر ودورتر از اشکال طبیعی گردید. طرحهای مو طوماری‌معمولاً باعلائم خانوادگی‌ترکیب میشد. بشقابی در موزهٔمتروپولیتن موجوداست(شکل ۱۵۲) که روی آن علامت خانوادگی خانوادهٔ مدیچی[3] فلورانس روی آن نقش گردیده است.

درقرن‌شانزدهم سفال‌سازی مانیس بتدریج بدست مسیحیان افتاد وطرحهای قرن پانزدهم بقدری پرنقش‌است که بااسلوب مغربی اسپانیائی رابطهٔ زیادی‌ندارد.

۱ - Gothic ۲- یعنی خیالی ۳- Medici از خانواده‌های بانفوذ ومقتدرایتالیا درآغاز قرن جدید.م.

فصل یازدهم

شیشه و بلور

۱ - شیشهٔ اوائل دورهٔ اسلامی درمصر وسوریه و عراق و ایران (قرن ۷ تا ۱۰)

خاور نزدیک بخصوص سوریه ومصر از زمان قدیم وحتی دردورهٔ رومیها از لحاظ ظروف شیشه معروف بود. دردورهٔ اسلامی فنون مختلفی که در زمان قدیم برای تزیین‌ظروف شیشه بکار میرفت درهمهٔ ایالات ونقاط خاور نزدیک ادامه یافت. اطلاعات ما دربارهٔ ظروف شیشهٔ اوائل دورهٔ اسلامی درنتیجهٔ اکتشافات درمصر و سوریه و عراق است. ظروف شیشهٔ قرن نهم که درسامرا پیدا شده نشان میدهد که اشکال وطرحهای ساسانی که درظروف مداین و کیش بدست آمده ادامه یافته است. تا این اواخر ازظروف شیشهٔ ایران دردورهٔ اسلامی اطلاعات زیادی دردست نبود ولی شواهدی که پیدا شده ازنقاط مختلف مانند شوش و ری و ساوه و نیشابور بدست آمده ودر این محل اخیر اکتشافات بوسیلهٔ موزهٔ متروپولیتن بعمل آمد. قطعاتیکه پیدا شده نشان میدهد که طریقهٔ ساختن و شکل ظروف درسایر ایالات و نقاط ایران نیز مرسوم بوده است.

ظروف شیشهٔ اوائل دورهٔ اسلامی شامل بطری وقوری و گلدان وفنجان است که برای رفع حوائج زندگی خانه ساخته میشد و بعضی برای حفظ روغن و عطر بکار میرفت. انواع این ظروف که بشکل و اندازه های مختلف ساخته میشد بقدری زیاد است که ذکر آنها میسر نیست. اغلب آنها که متعلق بقرن

هشتم ونهم میلادی (دوم وسوم هجری) است بدون تزیین است . بقیه با طرق و روشهای مختلف تزیین شده و معمولاً عبارت است از خطوط برجستهٔ قالبی و طرح کندوی عسل وطرحهای دیگر و همچنین کتابت بخط عربی . از این نوع اخیر فنجانها و بطریهای گلابی شکل از مصر و سوریه و عراق و ایران بدست آمده است. یک بطری بی‌عیب از این نوع درموزهٔ متروپولیتن موجود است که با کتیبه ای بخط کوفی ودو ردیف شکل قرص مانند بطور برجسته تزیین شده است. بدنهٔ این بطری در قالبی که از دو قسمت تشکیل میشد دیده شده است و این طریقه در اوائل دورهٔ اسلامی رایج بود . ازروی شکل ونوع کتابت میتوان این بطری را بقرن هشتم یا نهم نسبت داد . این ظرف که شبیه ظروف شیشهٔ رومی مرسوم به سیدونیان ۱ میباشد احتمالاً درسوریه ساخته شده است.

یکدستهٔ دیگر از ظروف شیشهٔ اوائل دورهٔ اسلامی دارای تزیین مهری است که معمولاً شامل طرحهای ترنجی مدور و اشکال حیوانات و کتابت بخط کوفی است. دربعضی از این ظروف طرح تزیین بوسیلهٔ دوبار مهر زدن یا با آلت آهنی قیچی شکلی ساخته شده و این طریقه که ظاهراً از اختراعات و ابتکارات دورهٔ اسلامی است درظروف مصری دیده میشود. طرح تزیینی معمولاً اشکال هندسی است و گاهی شکل پرنده هم دیده میشود.

تزیین ظروف شیشه بوسیلهٔ دوائر یا خطوط باریک که بسطح ظرف اضافه میشد ودر زمان رومیها شایع بود ، درسوریه بخصوص مورد توجه ورایج بود . خطوط باریک بصورت پیچی یا موجدار و صفحه و یا نقطه برنگ خود ظرف یا برنگ آبی ساخته میشد . وقتی که خود ظرف آبی است این تزیینات برنگ سفید است ویک بطری با این نوع تزیین درموزهٔ متروپولیتن وجود دارد. بعضی از ظروف دارای اینگونه تزیین که چند عدد آنها در موزهٔ متروپولیتن موجود است بشکل حیوانات مثلاً شتر ساخته شده که روی آنها روپوش سبدی قرار دارد. این ظروف معمولاً متعلق بسوریه است و بدورهٔ قبل از اسلام یا

۱ - Sidonian

اوائل دورهٔ اسلامی تعلق دارد. همچنین ظروفی که صفحه هائی روی آنها اضافه شده ، یا متعلق بدورهٔ قبل ازاسلام ویا اوائل دورهٔ اسلامی است و ازاین جمله ظروف‌یکی درموزهٔ برلین موجود است که تعبیرات ساسانی و کتابت بخط کوفی روی آن دیده میشود.

یک گروه جالب توجه ظروف شیشه‌ای ، مانند قوری وجام وفنجان که اغلب برنگ ارغوانی است وجود دارد که روی آنها تزییناتی از قبیل خطوط سفید موجدار برنگ مرمر دیده میشود. این تزیینات بشکل نخ یا میلهٔ باریک درموقعیکه ظرف شیشه هنوز گرم بود با آلتی شبیه شانه روی آن کشیده میشد وطرحهائی شبیه استخوان‌ماهی یا شکل راه راه یا شبیه گیاه سرخس روی ظرف ترسیم میگردید. اغلب این نوع ظروف دورهٔ اسلامی را باظروف رومی اشتباه میکنند . از مختصات ظروف دورهٔ اسلامی ضخامت دیوارهٔ ظرف است که اغلب رنگ ارغوانی دارد ومیله های نازك سفید زیاد روی ظرف فرو نرفته است.

یکی دیگر از فنون عهد قدیم طرز حکاکی یا برش روی شیشه بوسیلهٔ دست یا بوسیلهٔ چرخ است. بعضی از حکاکیهای بطری و ابریق‌های شیشه‌ای مصر و سوریه نسبةً ساده و شامل خطوط افقی و موجدار است و از این نوع دو نمونه در موزهٔ متروپولیتن وجود دارد. بعضی از ظروف شیشهٔ قرن نهم که در سامرا و ایران پیدا شده دارای تزیین حک شدهٔ عالی است. از جمله قطعاتی که توسط هیئت اکتشافی‌موزهٔ متروپولیتن‌در نیشابور بدست آمده قسمتی از یک ظرف آبی‌رنگ است که روی آن اشکال موطوماری و طرحهای هندسی نقش شده‌است. اشیاء شیشه‌ای قرن نهم ودهم (دوم‌وسوم هجری) نیشابور شامل کاسه و بطری و ابریق است که تزیینات روی آنها بریده شده است . از نمونه های عالی موجود در موزهٔ متروپولیتن ابریقی است که روی آن سه طرح ترنجی کشیده شده که‌در داخل آنها شکل پرنده و حیوانات دیده میشود و این اشکال ترنجی بوسیلهٔ طرحهای برگ نخلی و تعبیرات هندسی از هم جدا شده است .

کشف قالب برای ساختن ظروف شیشه درنیشابور ، ثابت میکند که درنیشابور ظروف شیشه ساخته میشده است . تعداد زیادی از ظروف شیشهٔ اسلامی قرن هشتم‌ونهم شامل‌شیشه‌های عطر کوچک و ضخیم است که اغلب منشوری‌شکل است و بوسیلهٔ خطوط و شیارهای افقی و عمودی بشکل دندان ثنایا درآورده شده است. این شیشه‌های عطر از شیشهٔ آمیخته باسرب برنگ آبی و سبز ساخته شده و در همهٔ ممالک و ایالات اسلامی پیدا میشود. دو نمونهٔ این نوع ظرف که درموزهٔ متروپولیتن موجود است‌در نیشابور پیدا شده و ساخت ایران‌است. این شیشه‌های‌عطر از بلورنیزساخته‌میشد وچندین نمونهٔ‌آن موجوداست. دربعضی از ظروف اوائل عصر اسلامی بخصوص از ایران و همچنین از عراق طرحهای تزیینی که با چرخ بریده شده شامل صفحات برجسته و ترنجی گود و فرورفته است که نزدیک هم قرار داده شده و بشکل طرح کندوی عسل درآمده است. در بعضی از ظروف مدور ایرانی طرحهای بریده و فرو رفته باهم ترکیب شده است . این نوع طرح تزیینی بریده که شاید از اشیاء بلوری تقلید شده دردورهٔ ساسانیان مرسوم بود و در حفریات مناطق ساسانی در عراق بخصوص درمداین نمونه‌هائی بدست آمده که بعضی از آنها در موزهٔ متروپولیتن موجود است . از تزیینات ساخته شده باچرخ یک بطری دایره شکل متعلق بقرن‌دهم ، که درری پیدا شده ، در موزه موجود است و روی آن دو ردیف صفحه‌های بیضی شکل فرو رفته کنده شده است .

در اوائل عصراسلام برش شیشه‌با چرخ محدود به تزیینات سادهٔ فوق نبوده بلکه نمونه‌هائی در مصروعراق و ایران بدست آمده که دارای طرحهائی بااشکال گل و حیوانات بطور برجسته است . تعدادی از ظروف بلور باتزیینات برجسته در سامرا پیدا شده است .

این قطعات که بدورهٔ عباسی تعلق دارد بنا بگفتهٔ لام[۱] محصول عراق وشاید بغداد باشد که‌از لحاظ ظروف شیشهٔ برش‌دار معروف بود. ضمناً اینهارا

Lamm - ۱

میتوان نمونه و سرمشق ظروف بلور و شیشهٔ دورهٔ فاطمی دانست که شرح آن در زیر خواهد آمد. در بعضی‌از ظروف اوائل عصر اسلامی بخصوص درمصر نقوش برجسته از زمینه کنده شده ونمونهٔ آن‌در جامی که در موزهٔ صنایع اسلامی قاهره ومتعلق بسال ۹۰۰ میلادی (۲۸۸ ﻫ.) است دیده میشود که روی آن حاشیه باتصاویر بز و کتابت بخط کوفی برنگ آبی دیده میشود.

۲ ـ شیشه و بلور دورهٔ فاطمی درمصر و سوریه (قرن ۱۰ تا ۱۲)

در دورهٔ فاطمی صنعت شیشه‌سازی در مصر و تا حدی‌در سوریه بدرجهٔ عالی رسید. مراکزعمدهٔ این صنعت‌درمصر و فسطاط ومدینه‌الفیوم و اسکندریه بود. اسکندریه درزمان رومیها هم ازمراکزعمدهٔ این‌صنعت بشمار میآمد. درعصر فاطمی ظاهراً فسطاط عمده‌ترین مراکز این صنعت بود وطرز عمل و اسلوبهای مختلف‌دورهٔ طولونی دراین عصر تکمیل گردید. بعضی از عالیترین‌و زیباترین ظروف شیشه برای‌استفادهٔ دربار فاطمی ساخته میشد که درجلال‌و شکوه زندگی درباری شهرت بسیار داشت. تزیینات ظروف شیشهٔ دورهٔ فاطمی یا براساس طرحهای قدیمی قرار دارد و یا دارای اسلوب جدید است که بوسیلهٔ هنرمندان معاصر مصری ابتکار وابداع گردیده است. دو بطری زیبا با تزیینات قالب‌باین دوره نسبت داده میشود. یکی دارای‌طرح لوزی شکل برجسته است ودیگری بدنهٔ مدور و گردنهٔ صاف بلند (شکل ۱۰۳) دارد ودارای خصائص جالب توجه فنی است. این بطری از نوع ظروف شیشهٔ اوائل دورهٔ اسلامی است که ازدو قطعهٔ مختلف که جداگانه بوسیلهٔ قالب دمیده شده ساخته شده است. قسمت سفلی بدون‌رنگ‌وقسمت علیا که شامل گردنه است برنگ آبی است. روی بدنه‌طرحهای ترنجی که درداخل هریک تصویرحیوانات درحال دویدن بطوربرجسته ترسیم‌شده دیده‌میشود. بطری دیگری شبیه این بطری‌در دو رنگ‌وجود دارد که درمجموعهٔ بانو «مور» درنیویورك است. تزیین آن عبارتست ازدوائر متداخل درطرحهای ترنجی. همهٔ انواع مختلف ظروف شیشه که دربالا شرح داده شد در عصر فاطمی ساخته میشد. ظروف شیشه با تزیین نخی یا میله‌ای، هم بطور برجسته

و هم بطور فشرده ، در مصر و سوریه ساخته میشد . بعضی از آبخوری های با دندهٔ آبی و ظروف مختلف برنگ سبز و با تزیین نخی فشرده متعلق باین دوره است و دربین آنها ظرفی بشکل پرنده دیده میشود، شبیه ظرفی که درمجموعهٔ « ری وینفیلداسمیت »[۱] است که بامانت بموزهٔ متروپولیتن داده شده است.

یکی از موفقیتهای بزرگ شیشه سازان دورهٔ فاطمی در مصر و سوریه تزیین روی شیشه و نقاشی با جلا یا رنگهای مینا شکل بود . متأسفانه از این ظروف نمونه های کامل و بی‌عیب کم باقی‌مانده وفقط چند نمونهٔ بی‌نقص درموزهٔ صنایع اسلامی قاهره و موزهٔ بریتانیا و موزهٔ برلین موجود است . این ظروف وبطریهای کوچک سبز یاقرمز رنگ است‌وتزیین آنها طرحهای هندسی‌وطوماری و کتابت کوفی است که با جلای قهوه‌ای یا نقره فام نقاشی شده است . رنگهای دیگر جلادار بوسیلهٔ شیشه سازان مصری قرن دهم تا دوازدهم بکار میرفت و این رنگها عبارت بود از رنگ جلا دار طلائی و مسی و رنگهای مختلف که در سفال جلادار آن عصر استعمال میشد . در موزهٔ متروپولیتن سه قطعه ازاین نوع ظروف وجود دارد. پشت ظرف شیشه ای سبز رنگ پوشش قهوه‌ای متمایل به قرمز دارد درحالیکه تزیین آن برنگ پرتقالی‌و قهوه‌ای وجلای‌طلائی و نقره‌ای است . با استعمال خمیر شیشه که معمولاً برنگ آبی فیروزه‌ای بود تأثیرات تزیینی زیبائی بوجود می‌آمد. قطعات این نوع ظروف شیشه دارای تزیینات‌جلاداراست که ازظروف شیشهٔ قدیم‌موسوم به «میله فیوری»[۲] تقلیدشده است و قطعه‌ای از این نوع در موزهٔ متروپولیتن موجود است که درسطح آن نقطه هائی برنگ‌قرمز و سبز و زرد و سفید و قطعات کوچک ورقهٔ طلا کار شده است . نقاشی با طلا نیز در بین شیشه‌سازان دورهٔ فاطمی مرسوم بوده و از این نوع نمونه‌هائی در فسطاط بدست آمده است. در اغلب آنها ورقهٔ طلا استعمال نشده بلکه باطلای مایع نقاشی شده وجزئیات طرح باسوزن نقش گردیده است. قطعه‌ای از یک بطری در موزهٔ بریتانیا وجود دارد که تصویر درخت و رقاصه

۱ - Ray winfield smith ۲ - Millefiori درنسخهٔ عربی به هزارگل ترجمه شده . م .

وپرنده روی آن با اسلوب دورهٔ فاطمی با طلا نقاشی شده واحتمال دارد که بقرن دوازدهم تعلق داشته باشد. روی آن کتیبهٔ بخط نسخ دیده میشود که چون کامل نیست نمیتوان آنرا بسلطان معینی نسبت داد و لام تصور میکند که برای عمادالدین زنگی ثانی اتابک سنجار وحلب (۱۱۹۷ - ۱۱۷۱م./ ۵۹٤ - ۵٦۷ ه.) ساخته شده باشد.

شیشه سازان دورهٔ فاطمی تزیین بریدهٔ روی شیشه را بحد کمال رسانیدند. اسلوب برش وتزیین شبیه تزیین اشیاء بلورصخره‌ای است که مورد توجه خلفای فاطمی بود. مقریزی درتشریح انهدام خزائن خلیفه المستنصر درسال ۱۰٦۲ میلادی (٤٥٤ ه.) ازتعداد زیادی ظروف بلورساده و تزیین‌شده نام میبرد. قطعات بسیاری به‌اندازه های مختلف بدربار و کلیساهای اروپا راه یافت وبعنوان نفائس گرانبها تلقی شد. عالیترین و زیباترین ظروف بلوردرموزهٔ وینه ودر گنجینهٔ سن مارکو در ونیس و درموزهٔ ویکتوریا و آلبرت لندن و درقصر پیتی در فلورانس و در موزهٔ لووراست. روی بعضی ازآنها نام خلفای فاطمی نقش گردیده، ازجمله ابریق گلابی شکلی است درسن مارکو که نام خلیفهٔ فاطمی العزیز(۹۷٦تا۹۹٦م./۳٦٦ تا۳۸٦ ه.) روی‌آن کنده شده است. ابریق سن‌مارکو که روی‌آن تصویردوشیر نشسته و درختی دربین آنها کشیده شده درمنتهای زیبائی و تکامل فنی است. تزیینات آن بدقت و بطور برجسته کنده و جزئیات تصاویر روی آن حک شده است. از موضوعهای مورد توجه تزیین بلور عصر فاطمی، تصویر حیوانات و پرندگان و اشکال نباتی و توریقی است. درموزهٔ متروپولیتن سه ظرف کوچک که شاید شیشهٔ عطر باشد موجود است که از طرف جرج پرات بموزه هدیه‌شده است. یکی ازآنها بشکل قلب (شکل ۱۰٤) است که اشکال توریقی دارد ودو ظرف دیگر استوانه شکل هستند وبا اشکال نباتی و کتابت بخط کوفی که برای صاحب آن سعادت میطلبد تزیین شده است. ظروف شیشهٔ دارای تزیین حک شده که همعصر ظروف بلوری دورهٔ فاطمی است شاید بدل ظروف بلور ساخته میشده و بقیمت ارزانتر بفروش میرفته است. از لحاظ تزیین اغلب فرقی بابلور

ندارند ولی از لحاظ ساخت از آنها پست ترند . یکعده از این ظروف شیشه را ظروف هدویگ[1] مینامند (بعضی ازآنها با شراب معجزهٔ سنت هدویگ مربوط است) و اینها شامل جامها و پیاله هائی است که سیزده عدد آن در موزه ها و مجموعه های مختلف مانند موزهٔ آلمانی نورمبر گ و موزهٔ ریکس درآمستردام و موزهٔ برسلو و در گنجینهٔ دیر « اوایگنیس»[2] درنامور[3] موجود است. تردیدی نیست که این گروه ظروف شیشه درقرن یازدهم یادوازدهم درمصرساخته شده است . اشکال حیوانات چه بر جسته و چه حکاکی شده شبیه اشکال بلور دورهٔ فاطمی است.

۳ - ظروف شیشهٔ مذهب ومینائی دورهٔ ایوبی ومملوکی درسوریه ومصر (قرن ۱۲تا۱۵)

بزرگترین عصر صنعت شیشه سازی اسلامی دراواخر قرن دوازدهم میلادی (ششم هجری) آغاز شد ودرقرن سیزدهم و نیمهٔ اول قرن چهاردهم بمنتها درجهٔ خود رسید . تزیین مینائی وطلائی این‌ظروف براساس اسلوب و رسوم‌دوره‌های قدیمتر مخصوصاً دورهٔ فاطمی قرار دارد و تکمیل شیوهٔ میناکاری روی ظروف شیشه مرهون صنعتگران و شیشه سازان سوریه است . حلب و دمشق در قرن سیزدهم و چهاردهم مرکز عمدهٔ صنعت شیشه سازی بود وظروف شیشهٔ این دو شهردر ردیف عالیترین ظروف شیشه که ساخته شده قراردارد . اگرچه ظروف شیشهٔ مینائی در مصر و شاید عراق و ایران نیز ساخته میشد لکن قسمت عمدهٔ ظروف این عصر درسوریه ساخته شده است. القزوینی[4] درحدود (۱۲۰۳-۱۲۸۳م./ ۶۰۰-۶۸۲هـ.) درتوصیف شهرحلب که درقرن سیزدهم‌ازمراکز مهم‌صنعت وفن بود از بازار شیشه فروشان و ظروف بسیار عالی که ازاین شهر بممالک خارجی صادرمیشدصحبت‌میکند. «حافظ ابرو» جغرافی‌دان معروف‌ایران‌نیزازظروف‌باشکوه حلب و سلیقه و ظرافتی که درساختن آنها بعمل آمده ذکر کرده است. ظروف

۱ - Hedwig ۲ - Oignies ۳ - Namur ٤ - مراد «زکریابن محمدبن‌محمود قزوینی» است که نسب‌او بمالک بن انس خادم پیغمبرص منتهی میشود. این‌شخص ازدانشمندان زمان‌خود وقاضی واسط وحله بود. ازتألیفات اوکتاب « عجائب المخلوقات » و «آثارالبلاد» مشهور است. م.

شیشهٔ دمشق نیز بخصوص در زمان سلاطین مملوکی معروف بود. کارگران وصنعتگران دمشقی ظروف‌خودرا به‌بازارهای قاهره میفرستادند ودرصورت‌خرید تجاراروپائی‌قرن‌چهاردهم‌وپانزدهم‌میلادی(هشتم ونهم هجری)ظروف‌شیشهٔ‌مینائی بنام ظروف دمشقی‌ذکر شده‌است. بعضی ازقدیمترین نوع این‌ظروف ازطرف‌لام به رقه در کنارفرات نسبت داده شده و درآنجا قطعاتی ازاین نوع ظروف‌بدست آمده است . در میان این دسته ظروف از همه مهمتر جامهای شراب است که چندین نمونهٔ کامل و بی عیب‌آنها درمجموعه های مختلف اروپا محفوظاست. مهمترین این قطعات جام شارلمانی است که درموزهٔ شارتر محفوظ است و جام هشت‌کشیش شهر دوای[1] که میتوان آنهارا باواخر قرن دوازدهم نسبت‌داد. از خصوصیات ظروف رقه تعبیرات بشکل سروارید آبی و سفید از میناست که خطوط خارجی آنها درشت کشیده شده است. قطعه‌ای از جامی در رقه پیدا شده که اکنون در موزهٔ چنیلی اسلامبول است و روی آن تصاویر اشخاصی دیده میشود که با مقایسه باظروف شیشهٔ سوریه درقرن سیزدهم رسمی‌نقش گردیده. ظروف شیشهٔ رقه چه درخودآنشهر ساخته شده و چه از شمال سوریه وارد شده باشد با تکامل ظروف شیشهٔ مینائی و طلائی سوریه در عصر ایوبی و مملوکی ارتباط نزدیک دارد . مسافرین و زائرین و جنگجویان صلیبی مفتون تزیینات زیبا و رنگ آمیزی این ظروف میشدند و بسیاری از نمونه های عالی که‌اکنون در کلیساها وموزه های اروپا وجود دارد بوسیلهٔ آنها خریداری و باروپاآورده شده است. آنچه که بیشتر از ظروف مزبور وجود دارد چراغهائیست که بامر سلاطین و امرای مملوکی برای مساجد قاهره ساخته شده بود و اغلب نام و علامت خانوادگی‌آنها روی این‌چراغها ودرظرف بزرگ وبطری و جام وسینی وچندین جام وبطری کوچک‌وجود دارد که درظرافت وارزش صنعتی‌بی‌نظیرند. از حیث تعداد چراغهای موجود درموزه ، موزهٔ متروپولیتن بعدازموزهٔ‌اسلامی قاهره در درجهٔ اول قراردارد.

---

۱ . Douai

فن طلاکاری ومیناکاری شامل چندین عمل مختلف بود. شیشه‌سازان اول تزیینات مطلا را میکشیدند و دورهٔ تصاویر را با قلم و داخل آنرا باقلم‌مو ترسیم میکردند. پس از آنکه ظرف یکبار در کوره گذاشته میشد طرح تزیینی برنگ قرمز کشیده میشد و مینا برنگهای مختلف و با حجم نسبةً زیاد مطابق طرحی که در نظر بود روی شیشه قرار میگرفت. میناکاری نیمه شفاف عبارت بود از سرب گداخته که با اکسید معدنی یا فلزی رنگ آمیزی میشد. رنگ سبز از اکسید مس وقرمز از اکسید آهن و زرد از اسید آنتیمون و سفید که کاملاً تار بود از اکسید روی بدست می‌آمد. مینای آبی که درتزیین این ظروف نقش عمده بازی میکند از گرد لاجورد و شیشهٔ بی رنگ ساخته شده است.

اسلوب و تزیین ظروف شیشهٔ مذهب یامینائی برطبق دوره فرق‌میکند. درظرف‌قرن‌سیزدهم (هفتم هجری) هم‌دردورهٔ ایوبی وهم درعصر مملوکی تصاویر انسان وحیوانات واشکال‌توریقی و کتابت بخطعربی ازموضوعهای‌مورد توجه و رایج بود. معمولاً این تزیینات درمناطق افقی که عرض آنها مختلف و بوسیلهٔ حاشیهٔ باریک از هم جدا میشدند قرار داشت. قطعات این دوره از قبیل جام و آبخوری و بطری با تصاویر انسانی از زیباترین ظروف شیشهٔ اسلامی است. موضوعهائی که بکار رفته عبارتست از چوگان بازی و مناظر شکار و ساززنها و مطربهای درباری که بی‌شباهت بموضوعهای ظروف ترصیع‌شدهٔ برنزی سلجوقی و ایوبی عراق وسوریه نیست. روی بعضی ازظروف مخصوصاً جام و آبخوری تصاویر بزرگ کشیده شده بطوریکه قسمت عمدهٔ سطح ظرف‌را اشغال کرده‌است. دربعضی دیگر تصاویر اشخاص بقطع کوچک‌است ومعمولاً منحصر به بند باریکی است (شکل ۱۰۵) . از نمونه های مشهور اولی‌جامهای درموزهٔ کاسل و لوور و یک کوزهٔ عالی در مجموعهٔ بارون ادوارد دو روچیلد در پاریس و یک بطری درموزهٔ برلین ویک قمقمه در کلیسای سنت استفن در وینه‌است. باستثنای قمقمه که ممکن است متعلق بدورهٔ مملوکی باشد کلیهٔ این قطعات را میتوان به نیمهٔ اول قرن سیزدهم نسبت داد و اغلب آنها متعلق بعصر سلطان ایوبی حلب و

دمشق «الملک‌الناصر یوسف» (۱۲۳۶-۱۲۱۰م./۶۳۴-۶۰۷هـ.) است که نام وی روی یک بطری‌دارای گردنهٔ دراز که درموزهٔ صنایع اسلامی قاهره‌است نقش گردیده است. در همهٔ این قطعات طرح تزیینی و میناکاری با دقت بسیار بعمل آورده شده است. دربعضی ازآنها از جمله کوزهٔ متعلق به‌بارون روچیلد تصاویر روی زمینهٔ آبی با اشکال توریقی طلا رنگ که قسمت عمدهٔ تزیین را تشکیل میدهد کشیده شده است. جلو و عقب قمقمهٔ زیبای موزهٔ بریتانیا دارای طرح اشکال توریقی است که انتهای آنها بسر حیوان تبدیل شده و طرفین ظرف با تصویر بزرگ شکارچی و مطرب و منظرهٔ شراب نوشی کشیده شده و این دو موضوع اخیر درداخل طرح ترنجی‌قرار گرفته‌است. طرح‌تزیینی‌بشقاب موزهٔ متروپولیتن عبارتست ازاشکال توریقی متشابک‌برنگ طلائی در داخل طرحهای ترنجی که با رنگ سفید و آبی و قرمز و طلائی مینا کاری شده است. یک شمعدان در مجموعهٔ بارون ادوارد دو روچیلد درپاریس ویک‌بطری درموزهٔ شاهی‌اونتاریو در ترونتواست که دارای طرح هندسی‌هستند و بهمین دسته ظروف تعلق دارند.

در دورهٔ مملوکی شیشه سازان سوریه بساختن ظروف عالی مطلا ومینا کاری ادامه دادند. ازسال ۱۲۶۰ میلادی (۶۵۹هـ.) درزمان سلطان بیبرس، دمشق مرکزعمدهٔ ساختن‌ظروف شیشه گردید ولی البته درسایر نقاط ازقبیل‌حلب ومصر و عراق و آسیای صغیر وایران نیز ساخته میشد وحتی چین ظروف شیشهٔ‌ساخت سوریه وارد میکرد. ظروف مطلا و مینائی دورهٔ مملوکی را میتوان بدو دسته تقسیم کرد. یکی ظروف اوائل دورهٔ مملوکی یعنی نیمهٔ دوم قرن سیزدهم (هفتم هجری) ودیگری‌ظروف‌اواخر دورهٔ‌مملوکی‌یعنی‌قرن‌چهاردهم (هشتم‌هجری). درظروف دستهٔ اول‌تزیینات دورهٔ ایوبی‌آشکاراست و درضمن بعضی خصوصیات اسلوب دورهٔ جدید در آنها دیده میشود. دوتا از مهمترین قطعات اوائل دورهٔ مملوکی یکی‌قمقمه دروینه ودیگری فنجان درمجموعهٔ مور درموزهٔ متروپولیتن است. (شکل ۱۰۵) اولی بااشکال برگ‌نخلی طوماری وتصاویر انسانی‌درداخل طرح ترنجی تزیین شده. جام یا فنجان مور با حاشیه های افقی شامل تصویر

حیوانات دونده و ساز زن نشسته وشعر عربی و اشکال توریقی برنگ طلائی و سفید و آبی و قرمز و زرد و سبز و سیاه تزیین گردیده است. چهار طرح ترنجی در چهار طرف جام دیده میشود که در داخل آنها تصویر عقاب کشیده شده است و این تصویر ممکن است علامت خانوادگی یکی از امرا باشد . تصویر ریزمطربها شبیه تزیین ظروف برنزی قرن سیزدهم موصل‌میباشد، مثل‌شمعدان شکل ۸۷. در ترسیمات جام مجموعهٔ مور و آبخوری وینه و قطعات مشابه‌آنها آزادی بیشتری ازظروف مینائی دورهٔ اولیه مشاهده میشود. تصاویرسازرنها که آلات مختلف موسیقی مینوازند و تصویر حیوانات با دقت ترسیم شده است . از مشخصات قابل ذکر این جام و قطعات دیگر اوائل دورهٔ مملوکی آنستکه تزیینات طلائی از میناکاری زیادتر است و میناکاری غالباً منحصر بسطوح کوچکتر از دورهٔ ایوبی است. از لحاظ تعداد مهمترین گروه ظروف شیشهٔ مینا وطلاکاری اوائل‌دورهٔ مملوکی چراغهای مسجد است که بامرسلاطین وامرای زمان برای‌اهداء به‌مساجد قاهره‌ساخته شده‌است. روی بسیاری ازآنها نام‌سلطان یا درباریانش نقش گردیده و بدینوسیله میتوان تاریخ قطعی‌آنهارا تعیین کرد. از نظر تاریخ، ساخت چراغهای مسجد متعلق باواخر قرن سیزدهم تا آخر قرن چهاردهم است و دراینمدت تغییرات درطرز و اسلوب ساخت که درظروف‌فلزی آن دوره نیز مشهود است (شکل۸۶) درنتیجهٔ تأثیر اسلوب چینی بوسیلهٔ مغولها مشاهده میشود . تزیینات این‌چراغهابغیراز کتیبه های درشت وطرحهای ترنجی که درداخل آنها علائم خانوادگی نقش شده است عبارتست از اشکال‌توریقی و اشکال گل طبیعی باسلوب چینی که بتدریج جانشین تزیینات مرسوم گردید . یکی از نتایج تأثیراسلوب چینی آزادی عمل بیشتر درترسیم اشکال است.یکی از قدیمترین چراغها که در موزهٔ متروپولیتن محفوظ است (شکل ۱۰۶) برای مقبرهٔامیر «اید کین بند قداری»متوفی‌بسال ۱۲۸۵ میلادی(۶۸۴ ه.) ساخته‌شده‌است. این‌شخص که علامت‌خانوادگی‌او دو کمان‌بهم‌بسته‌است ظاهراً فرماندهٔ‌دسته‌ای از تیراندازان است.

دو چراغ ساخت اوائل قرن چهاردهم متعلق بدستهٔ نادری است که از شیشهٔ آبی ساخته شده است. روی یکی از آنها (شکل ۱۰۷) نام سلطان مملوکی السلطان‌المظفر رکن‌الدین بیبرس‌ثانی که‌ازسال ۱۳۰۸تا۱۳۰۹میلادی (۷۰۸ تا ۷۰۹ هـ.) در خلال دورهٔ سلطنت الناصر محمدبن قلاوون سلطنت میکرده نقش گردیده است. تزیین و اشکال گل این چراغ علاوه بر اشکال طبیعی‌نیلوفر آبی، شکل یکنوع مو را نشان میدهد که روی عده ای از چراغهای دورهٔ مملوکی دیده میشود. چراغ آبی رنگ دیگر موزه با اشکال توریقی وطرح گل ومناطقی که بوسیلهٔ خطوط متقاطع تشکیل شده تزیین گردیده است. طراحی و میناکاری این چراغ عالی است و این از مختصات اوائل سلطنت الناصر محمد ۱۲۹۳تا ۱۳۴۰میلادی(۶۹۳ تا ۷۴۱ هـ.)است‌ودرموزه‌چندین‌چراغ‌ازاین‌دوره‌وجود دارد. یکی از عالیترین آنها که نام این سلطان روی آن منقوش است برای خانقاهی که کریم‌الدین مؤسس آن بود و در قبرستان القرافة نزدیک قاهره واقع است ساخته شده است. پروفسور ویت کریم‌الدین را از خدمهٔ قصر سلطان میداند که زندگی سیاسی‌اواز سال۱۳۲۳میلادی(۷۲۴ هـ.)نامعلوم‌است.سبک‌عالی‌وتزیینات مفصل طلائی این چراغ اوائل قرن چهاردهم را میرساند. تقریباً همزمان با این چراغ،چراغ دیگری درموزهٔ متروپولیتن موجود است که‌نام «امیر شهاب‌الدین احمدمهماندار»(متوفی بسال ۱۲۲۳ میلادی‌یا۷۳۳هـ.) روی‌آن‌نقش‌است‌وممکن‌است برای‌مسجدی که بعنوان‌اودرسال۱۳۲۴-۵ میلادی(۷۳۵-۶ هـ.)بناشد ساخته شده باشد. چراغ دیگری که چند سال بعد ساخته شده برای «سیف‌الدین‌قوصون»ساقی «الملک‌الناصر» است که علامت خانوادگی او که جام قرمز رنگ باشددرچندین طرح‌ترنجی دیده‌میشود وممکن‌است برای‌مسجداو که‌در سال(۱۳۳۰ - ۱۳۲۹ م./ ۷۳۱ - ۷۳۰ هـ.) بنا گردید ساخته شده باشد. از مطالب جالب توجه مربوط باین چراغ اینست که نام سازندهٔ آن یعنی علی‌بن محمد امکی (یارمکی یازمکی) روی آن نقش است و از این شخص دو چراغ دیگر باقیست،یکی درموزهٔ صنایع اسلامی قاهره و دیگری در موزهٔ بوستون در امریکا.

چراغ دیگری (شکل ۱۵۸) که نام سلطان ناصر محمد و نشان یک ساقی ناشناخت روی آن است دارای تزیینی است که باتزیین معمولی سایر چراغها فرق دارد . نام و لقب سلطان در سه طرح ترنجی درپائین چراغ دیده میشود وسایر قسمتهای چراغ دارای تصاویر گل بشکل طبیعی است که بین طرحهای ترنجی با اشکال توریقی و نشان ترسیم گردیده است . این قسم تزیینات گل درفلز کاری دورهٔ مملوکی دیده میشود ودر زمان ناصر محمد شایع گردیده است. مینا کاری این چراغ دارای چند خواص جالب توجه است ، ازجمله استعمال خطوط قرمز وطلائی برای دوره و اضافه کردن رنگ مینای سرخ و آبی روشن که درظروف شیشهٔ قدیم بندرت دیده میشود . برگهای گل بسه قسمت تقسیم شده و دو رنگ مختلف قرمز یا آبی و رنگ سفید بکار رفته است.

کار شیشه سازان نیمهٔ اول قرن چهاردهم (هشتم هجری) سوریه منحصر بساختن چراغ مسجد نبود، بلکه‌ظروف مختلف از قبیل گلدان وبطری و بشقاب وجام باندازه های مختلف میساختند و آنها را بطرز زیبا تزیین میکردند. تزیینات این ظروف شبیه تزیین چراغهائیست که شرح داده شد ولی اغلب تصویر اشخاص و حیوانات بآنها اضافه گردیده است . عدهٔ زیادی از این ظروف برای سلاطین سلسلهٔ رسولی یمن ساخته شده است واز جمله نمونه های موجود بطری مجموعهٔ روچیلد است که اکنون در گالری فریر واشنگتن‌قرار دارد ونام سلطان المجاهدعلی (۱۳۶۳ - ۱۳۲۱م./ ۷۶۵ - ۷۲۱ هـ.)روی آن نقش است. سه قطعهٔ مهم از نیمهٔ اول قرن چهاردهم درموزهٔ متروپولیتن وجود دارد.

یکی بطری معروف (شکل ۱۵۹) موزهٔ تاریخ صنایع وینه است که درسال۱۸۲۰میلادی (۱۲٤۱ هـ.) به‌تملک‌خاندان ها پسبورگ‌درآمد .این‌بطری بزرگ یکی از شاهکاری شیشه سازی اسلامی درقرون وسطی بشمار میاید. کلیهٔ سطح این بطری با تزیینات مذهب ومطلا و مینا کاری پوشیده شده است وازنظر تنوع تزیینات و اتفاق طرح ودرخشندگی مینا کاری درمیان ظروف دورهٔ مملوکی بی‌نظیر است. روی شانهٔ بطری سه طرح ترنجی قرار دارد که داخل آنها اشکال

توریقی درهم پیچیده برنگ‌قرمز وطلائی و کمی رنگ سفید و قرمز و سبز روی زمینهٔ آبی تیره کشیده شده است. طرح و رنگ این طرحهای ترنجی شخص را بیاد نقاشی روی شیشهٔ پنجره های کلیساهای‌قرون وسطی می‌اندازد. فاصلهٔ بین طرحهای ترنجی بااشکال‌موطوماری‌ومخروطی برنگ طلا بانقطه های برنگ سفید و زرد و سبز وقرمز و آبی که دورهٔ آنها قرمز است پر شده است. قسمت عمدهٔ بدنهٔ بطری با تصاویر جنگجویان سوار براسب که باشمشیر و نیزه وتیرو کمان وگرز با یکدیگر نبرد میکنند تزیین گردیده است. کلاه این جنگجویان مختلف است، بعضی عمامه و برخی کلاه‌خود ویا کلاه مغولی بسر دارند. رنگ آمیزی این نقاشی بسیار جالب توجه است. اسبها برنگ سفید و زرد وآبی وقرمز وسبز وقهوه ای تیره و بادمجانی کشیده شده درحالیکه زین ولباس سواران با رنگهای متضاد ترسیم گردیده و اثر زیبائی بوجود آورده است. گردنهٔ بطری دارای تصویر عنقا بسبک‌چینی است که بال آن دور گردنهٔ بطری را فرا گرفته است. دربالا و پائین این تصویر اشکال طوماری و تصاویر شبیه پرنده کشیده شده است. تأثیر اسلوب چینی وسبک طبیعی منظره وتصاویر اشخاص دال برآنستکه این بطری‌متعلق باوائل‌قرن‌چهاردهم‌وشایددرحدود ۱۳۲۰ میلادی (۷۲۰ ﻫ.) باشد.

دو قطعهٔ دیگرمتعلق بقرن چهاردهم یکی جامی است که پایهٔ بلنددارد و درسال ۱۹۲۳ میلادی (۱۳۴۲ ﻫ.) ازطرف آقاوبانو «اوریت میسی»[۱] بموزهٔ‌متروپولیتن اهدا گردیده است و دیگری یک بطری (شکل ۱۶۰) است که در مجموعهٔ بارون‌روبردو روچیلد[۲] درپاریس‌است. اشکال‌توریقی و گل ظرف «میسی» دوجام مشابه دیگر را بخاطر میاورد: یکی‌جامی که سابقاً درمجموعهٔ ساره بود ودیگری جامی که در مجموعهٔ «بار» درلیدن است. همهٔ آنها دارای خصائصی است که تاریخ ساخت آنها را نیمهٔ اول قرن چهاردهم (هشتم‌هجری)قرار میدهند. بطری روچیلد که اکنون درموزهٔ متروپولیتن است دارای تزیین مطلا ومینا کاری روی زمینهٔ آبی است. تزیین آن عبارتست از طرحهای برگ نخلی بشکل قلب که

۱ - Mr. & Mrs. V. Everit Macy ۲ - Baron Robert de Routhschild

در فواصل آنها طرح برگ نخلی نصفه وطرحهای ترنجی است که داخل آنها شکل عقابی که به غازی حمله میکند دیده میشود. تزیین تورمانند برنگ طلائی و قرمز طرح گل بسبک مملوکی را نشان میدهد. روی‌شانهٔ بطری حاشیه ایست که داخل آن تصویر حیوانات درحال دو روی‌زمینهٔ آبی کشیده شده است. دقت درجزئیات نشان میدهد که صنعتگران اسلامی بمشاهدهٔ دقیق طبیعت میپرداختند و این مطلب را از هنرمندان چین آموخته بودند. توفیق شیشه سازان سوریه در ترکیب اشکال تزیینی و تعبیرات طبیعی از طرح پرندگان در حال پرواز و اشکال توریقی که در چراغهای مسجد قوصون نیز دیده میشود پیدا است.

اسلوب چراغها و ظروف مینائی که در زمان ناصر محمد بکار میرفت درنیمهٔ دوم قرن چهاردهم ادامه یافت ولی ازروی چراغهای تاریخدار معلوم میشود که هم درطرز ساخت وهم درطرح تزیین بتدریج انحطاط حاصل شد. درموزهٔ صنایع اسلامی قاهره تعدادی چراغ با نام سلطان«الملک الناصرحسن» (۱۳۶۰ - ۱۳۴۷م./۷۶۲ - ۷۴۸هـ.) وجود دارد که بعضی‌از آنها متعلق بمدرسه‌ایست که اودرسال۱۳۶۲میلادی‌بنا کرده‌است. این‌چراغها باطرحهای‌معمولی یاباشکال گل که کلیهٔ سطح شیشه را پوشانیده تزیین شده است. از کارهای این دوره سه چراغ در موزهٔ متروپولیتن موجوداست. یکی از آنها نام امیر شیخو دارد واحتمال‌میرود که‌برای‌خانقاه‌ومقبرهٔ وی که درسال۱۳۵۵میلادی(۷۵۶ هـ.) بنا شده‌ساخته شده باشد. نام این امیر روی‌چندین چراغ دیگر دیده میشود ودوتای آنها در موزهٔ صنایع اسلامی قاهره است. یک بطری ویک طشت و یک ابریق با تزیین مینا کاری درموزهٔ متروپولیتن موجود است که میتوان آنها را به نیمهٔ دوم قرن چهاردهم نسبت داد.

ظروف شیشهٔ مینائی اواخر قرن چهاردهم از جمله چراغهائی که نام سلطان برقوق (۱۳۹۸ - ۱۳۸۲م./۸۰۱-۷۸۴ هـ.) برروی آنها نقش است ازلحاظ طراحی فقیر واز لحاظ ساخت و استعمال مینا کاری ازظروف سابق پست‌تر است. یکی از چراغهای این سلطان درمجموعهٔ مور موزهٔ متروپولیتن محفوظ است.

درقرن پانزدهم میناکاری هنوز بکار میرفت ولی از نمونه های تاریخدار آنزمان که درموزهٔ قاهره است معلوم میشود که این صنعت در آنزمان رو بانحطاط گذاشته بود.

درزمان شاه‌عباس بزرگ (۱۶۲۸ - ۱۵۸۷م./۱۰۳۸-۹۹۶ه.)

۴ - ظروف شیشهٔ ایران (قرن ۱۷ تا ۱۹) صنعت شیشه سازی در ایران احیاء شد و ممکن است این امر در نتیجهٔ تأثیر و نفوذ اروپائیها و مخصوصاً ایتالیائیها صورت گرفته باشد. از سفرنامهٔ شاردن که بین سالهای ۱۶۶٤و۱۶۸۱ میلادی (۱۰۷۵و۱۰۹۲ه.) درایران مسافرت کرده چنین مستفاد میشود که دراصفهان وشیراز ظروف شیشه ساخته میشد و بهترین آنها درشیراز ساخته میشده‌است. سیاحان ومسافرین دیگر نیز برتری ظروف ساخت شیراز را تأیید کرده اند.

«سررابرت کرپرتر»[1] درسفرنامهٔ خود(۱۸۲۰-۱۸۱۷م./۱۲۳۶-۱۲۳۳ه.) میگوید در اوائل قرن نوزدهم شیشه‌سازی با دقت و موفقیت رواج داشت ونیز اظهار میدارد که بطری و جام و پنجره و جام شراب که در شیراز ساخته میشد اگرچه از لحاظ زیبائی بدرجهٔ اعلانیست، معهذا درتمام مملکت بفروش میرفت،

از این ظروف شیشه‌ای ایران تعداد زیادی در موزهٔ متروپولیتن وجود دارد که شامل بطری و ابریق و گلدان به‌اندازه‌های مختلف است واغلب متعلق بقرن هجدهم ونوزدهم (دوازدهم‌وسیزدهم‌هجری)است، شیشه برنگ‌سفیدوعسلی وبنفش‌وسبز ویاآبی‌است، بعضی قطعات دارای‌نقاشی‌است و برخی‌فقط‌تزیینات قالبی دارد. معمولاً نقاشی و طلاکاری خشن و بدون ظرافت است و جالب ترین وزیباترین ظروف‌آنهائیست که‌زیبائی‌آنهابشکل و رنگ شیشه است. (شکل ۱۶۱)

---

۱ - Sir Rabert Ker Porter

فصل دوازدهم

منسوجات

منسوجات اوائل دورهٔ اسلامی بسبک و طرز دورهٔ قبطی و ساسانی بوده ولی بتدریج یک اسلوب صحیح و حقیقی اسلامی بوجود آمد و در تمام بلاد و نقاط اسلامی انتشار یافت .

۱ - منسوجات دورهٔ عباسی و طولونی در مصر (قرن ۷ تا ۱۰)

فتح مصر بدست اعراب درسال ۶۴۱ میلادی (۲۱ هـ) درزندگی مسیحیان وقبطی های بومی آن سرزمین تغییرات زیادی نداد . قبطی ها اهل صنعت و حرفه بودند و اعراب در ساختن مساجد و قصور و همچنین برای کار در کارخانجات نساجی جدید که دورالطراز نامیده میشد از وجود آنها استفاده میکردند. لفظ طراز اطلاق میشد بحاشیه‌ای که شامل کتابت ونوشته‌ای بود که یا بافته‌ویا روی پارچه گلدوزی‌میشد ومحل‌ساخت یا کارخانهٔ بافندگی و پارچه‌هائی را هم که با اینگونه حاشیه تزیین میشد طراز میگفتند . دورالطراز که در تمام ایالات و نقاط وجود داشت در زندگی رسمی خلفا و حکام عصر اموی و عباسی اهمیت فوق‌العاده داشت . در این کارگاهها که بعضی از آنهادر قصور خلفا جای‌داشت البسهٔ‌فاخر با حاشیهٔ طراز بافته میشد که سالی یکبار از طرف خلفا باصحاب و اعضای عالیمقام‌خلافت اهداء میشد و در حکم مدال و نشان آن دوره محسوب میگردید . در کتابت روی‌حاشیه نام خلیفه بعنوان علامت سلطنت و حکومت وی نقش میگردید .

کارخانه های طراز بافی مصر از لحاظ منسوجات کتان و ابریشم معروف بودند و پارچه های مصری بسایر ایالات از قبیل سوریه و عراق صادر میشد. یک قطعه پارچهٔ کتان که با ابریشم قرمز روی آن کتیبه گلدوزی شده و متعلق بقرن نهم است درسامرا بدست آمده و نشان میدهد که شهر تنیس نزدیک پورت‌سعید محل کارخانهٔ آن بوده است. تنیس که پنجهزار دستگاه بافندگی داشت ازجهت چندین نوع پارچه ازجمله پارچه‌ای بنام «قصب» معروف بود واین عبارت بود از پارچهٔ کتان نازك که برای عمامه بکار میرفت. پارچه های مشهور دیگر آن عبارت بود از «البدنة» که برای لباس خلفا بافته میشد و «بوقلمون» پارچه ایکه رنگ آن تغییر میکرد و برای روپوش زین و روپوش تخت شاهی بکار میرفت. ناصرخسرو سیاح و شاعر ایرانی قرن یازدهم میگوید که محصول طراز سلطنتی شهر تنیس مخصوص خلفا و سلاطین مصر بود و نه فروخته میشد و نه به احدی داده میشد. تنیس تنها شهری نبود که پارچه در آنجا بافته میشد. درجوار تنیس شهر تونه قرارداشت که پارچهٔ کتان اعلا و مخصوصاً کسوهای[1] کتانی کعبه در آنجا بافته میشد. خلفای عباسی هرسال کساویی که در کارگاههای دولتی و بفرمان خلیفه یا وزیر او بافته میشد از بغداد بکعبه میفرستادند. پارچه های ابریشمی دبیق[2] معروف بود و در دمیاط پارچه های کتان سفید عالی بافته میشد که قطعه‌ای بتاریخ ۳۲۸ هجری (۹۳۹-۴۰ میلادی) از آن در موزهٔ متروپولیتن وجود دارد. از نقاط دیگری که کارگاه پارچه‌بافی داشت اسکندریه و فسطاط یا قاهرهٔ قدیم را میتوان نام برد. چندین قطعه پارچه های کتانی قرن دهم فسطاط در موزه موجود است.

درمصر علیا در «اشموئین» و «بهنسا» نیز پارچه های عربی بافته میشد. درعصر فاطمی براهمیت طراز افزوده شد و کارگاههای واقع در تنیس و اسکندریه و دمیاط بیشتر برای خلفای فاطمی کارمیکردند.

از منسوجات اسلامی مصر نمونه هائی در نقاط مختلف پیدا شده است. مقدار زیادی ازشهر العزم نزدیک اسیوط بدست آمده و همچنین در «ارمنت» و «درنکه»

۱ - مراد جامهٔ کعبه است. م. ۲ - نام محلی است در مصر. م.

و«اخمیم» وخرابه‌های فسطاط نمونه‌های پارچهٔ مصری پیدا شده‌است. طرز عمل معمولاً عبارتست از اسلوب بافت پردهٔ دیوار یا قالیچه نما که تار آن از کتان و پود آن از ابریشم یا پشم است . بعضی پارچه‌ها کلاً از ابریشم بافته وبعد با نخ طلا روی آن گلدوزی میشد .

الف - منسوجات با تزیین بافته شده بالوان مختلف از پشم و کتان

پارچه‌های پشمی با اسلوب قبطی که در قرن ششم و هفتم بحد اعلای ترقی خود رسیده بود در زمان اعراب ادامه یافت. منسوجاتی که بافندگان قبطی برای استفادهٔ اعراب دورهٔ عباسی وطولونی میساختند فرق زیادی باپارچه‌هائی که برای استفادهٔ قبطی‌ها ساخته میشد ندارد . پارچهٔ توری شکل که اغلب برای عمامه‌وشال گردن بکار میرفت ابریشم یا کتان سیاه رنگ بود که روی آن‌حاشیهٔ تزیینی داشت. پارچه‌های طرازعصر عباسی دارای کتابت کوفی بانواع مختلف است . دربعضی موارد کتابت کوفی تاریخ و محل بافت پارچه را ذکر میکند. یک قطعه پارچهٔ عمامه در موزهٔ صنایع اسلامی قاهره موجود است که برطبق کتابت روی‌آن درسال۷۰۷میلادی(۸۹ هـ .) بافته شده‌است. قطعهٔ دیگری که روی‌آن یک ردیف شتر بافته شده کتیبه‌ای دارد که نشان میدهد دریک کارگاه خصوصی در ناحیهٔ « الفیوم »بافته شده‌است. در این‌ناحیه و در سایر نقاط مصر علیا کارگاههای بافندگی وجود داشت که باسلوب معروف قبطی قماش تهیه میکردند . از این نوع پارچه‌ها نمونه‌هائی در موزهٔ متروپولیتن وجود دارد . یک قطعهٔ‌قابل‌ملاحظه‌جزئی‌از یک شال گردن‌پشمی سیاه رنگ‌است (شکل ۱۶۲) که‌با چهاربند مختلف‌العرض که‌با پشم و کتان‌چندرنگه بافته شده تزیین گردیده است . تزیین‌بند اصلی‌شامل‌طرحهای ترنجی‌است که‌داخل آنهاتعبیرات‌مختلف‌وجود دارد وبوسیلهٔ‌اشکال‌شبیه‌پرنده‌برنگ سفید و زرد وسیاه روی قرمزازهم جدا شده. درحاشیهٔ این بنداصلی کتابت کوفی برنگ‌سفید روی‌زمینهٔ‌سیاه بافته شده است . یک‌بند دیگرشامل‌اشکال‌انسان وحیوان وپرنده و گل‌در داخل‌مناطق‌شش گوش است .طرز ترسیم اشکال‌انسان‌و حیوان که فقط شباهت جزئی دارد ،ازخصائص

منسوجات طولونی قرن نهم است . گروه دیگری از منسوجات قرن نهم دارای مخلوطی از کتابت بخط عربی و قبطی است که معنی دارد . از قرار معلوم این پارچه‌ها را قبطی‌ها برای استفادهٔ خودشان میبافتند. دربین پارچه‌های پرده که درمصر پیدا شده تعدادی پارچهٔ خشن و ضخیم دیده میشود که شاید بجای فرش یا برای آویزان کردن بکار میرفته است . از این نوع چند قطعهٔ جالب توجه که روی یکی طاوس بزرگی نقش شده و دیگری کتابت بخط کوفی دارد در موزهٔ مترو پولیتن موجود است .

پ ـ منسوجات با تزیین بافته و گلدوزی از ابریشم

تزیین پارچه‌های کتان که در کارگاههای دولتی بافته میشد از ابریشم بود . یکی از قدیمترین قطعات طراز که در موزهٔ اسلامی برلین است نام خلیفه هارون‌الرشید (۸۰۹ - ۷۸۶ م ./ ۱۹۴ - ۱۷۰ ﻫ .) و نام بافندهٔ آن مروان بن مرعی روی آن دیده میشود . کتابت کوفی وطرح هندسی با ابریشم چند رنگ روی آن بافته شده است . قطعهٔ مشابهی در موزهٔ صنایع اسلامی قاهره موجود است که روی آن نام خلیفه‌الامین (۸۱۳ - ۸۰۹ م . /۱۹۸ - ۱۹۴ ﻫ .) پسر و جانشین هارون‌الرشید نقش و در مصر بافته شده است .

جرج د. پرات یک مجموعهٔ عالی از منسوجات دارای طراز و تزیینات دیگر دورهٔ عباسی بموزهٔ مترو پولیتن هدیه کرده است. این تزیینات یا بافته ویا با ابریشم رنگارنگ روی پارچه گلدوزی شده است. روی یکی از قدیمترین آنها که با ابریشم قرمز گلدوزی شده نام خلیفهٔ عباسی المعتضد (۹۰۲-۸۹۲ م./ ۲۹۰ - ۲۷۹ ﻫ.) نقش و تاریخ بافت آن ۲۸۲ هجری (۸۹۵ م.) است . اغلب پارچه‌های کتانی دارای کتابت متعلق بقرن دهم است و روی آنها نام خلیفه المقتدربالله یا نام خلفای دیگر دیده میشود . خط کوفی روی این پارچه‌ها با تزیینات متنوع آمیخته است ودربعضی از آنها حروف باشکال نیمه برگ نخلی منتهی میشود. روی یک قطعه که کتابت برنگ سیاه دارد نام خلیفه المطیع‌الله (۹۷۴ - ۹۴۶م./ ۳۶۴ - ۳۳۵ ﻫ.) نقش گردیده و این قطعه اهمیت خاصی دارد

زیرا در بعضی قسمتها با نخ طلائی که از کتان قهوه ای وقطعات باریک پوست طلاکوب ساخته شده، تزیین‌شده‌است. این قطعهٔ قرن دهم (چهارم هجری) قدیمترین نمونه ایست که این نوع نخ طلائی در آن بکار رفته است و این طرز عمل برخلاف آنچه بعضی ها تصور میکنند از اختراعات بیزانسطین نیست، بلکه اصل آن از ابتکارات صنعگران اسلامی است.

اگرچه اغلب منسوجات باسلوب قبطی که دارای اشکال انسانی وحیوانی است از پشم بافته شده لکن چند قطعه که تزیین روی آنها با ابریشم است باقی‌مانده است. یک قطعه در موزهٔ متروپولیتن موجود است که با طرحهای ترنجی که داخل آنها اشکال حیوانات وپرندگان و تعبیرات گل برنگ سفید و زرد وآبی و سبز وقرمز روی زمینهٔ قرمزاست تزیین شده است. در موزهٔ ویکتوریا وآلبرت لندن یک قطعهٔ دیگر موجود است که کتابت بخط کوفی دارد و میتوان آن را بقرن نهم نسبت داد. پارچه ای با تزیین ابریشمی این دوره در موزهٔ قاهره وموزهٔ قیصرفردریک برلین وموزهٔ بروکسل وجود دارد.

۳ - منسوجات دورهٔ فاطمی درمصر (اواخر قرن ۱۰ تا قرن ۱۲)

در دورهٔ فاطمی منسوجات عالی که حتی از پارچه های دورهٔ عباسی بهتر است در مصر بافته میشد. پارچه های کتان و ابریشم در نهایت لطافت و ظرافت بود و مورد تحسین سیاحان و مسافرین واقع شده است. یکی از نویسندگان میگوید پارچه های بافت قاهره بقدری لطیف و نازک بود که جامهٔ کامل را میشد از سوراخ انگشتری عبورداد. در قسمت تزیین وکتابت، نساجان دورهٔ فاطمی از اسلوب دورهٔ عباسی پیروی میکردند. دریک پارچه بند عریضی که اشکال هندسی وحیوانات روی‌آن تزیین شده در وسط و درطرفین آن کتابت بخط کوفی قرار دارد (شکل ۱۶۳). کتابت کوفی دربدو امر باسلوب دورهٔ عباسی بوده و یک نمونهٔ موجودآن در موزهٔ متروپولیتن دارای نام خلیفهٔ فاطمی العزیز بالله (۹۹۶ - ۹۷۶ م. / ۳۸۶-۳۶۶ ه.) است. حروف دراز و زیبای این کتابت، ازابریشم زرد که دورهٔ آن برنگ آبی‌است بافته شده است. در یک قطعهٔ دیگر

متعلق بهمان دوره کتابت از ابریشم زرد روی زمینهٔ آبی است. در دورهٔ فاطمی نوع جدیدی از حروف کوفی بنام کوفی مشجر بکارمیرفت که انتهای بعضی حروف باشکال نباتی و برگ نخلی ختم میگردید.

ازمنسوجات باسلوب دورهٔ فاطمی چندین نمونهٔ عالی در موزهٔ متروپولیتن وجود دارد. از منسوجات تاریخدار اولیه یک قطعه پارچهٔ کتان است (شکل ۱۶۳) که نام خلیفهٔ فاطمی الظاهر (۱۰۳۶ - ۱۰۲۱ م./۴۲۸ - ۴۱۲ هـ.) روی آن بافته شده است. دوبند تزیینی روی این قطعه دیده میشود که از یک ردیف طرحهای ترنجی که یک درمیان قرمز و آبی تیره است تشکیل یافته و در داخل آنها اشکال پرندگان و عقاب نقش گردیده است. در طرفین یک بند کتابت برنگ قرمز با اشکال طوماری آبی وجود دارد. شکل ۱۶۴ یکنوع دیگر تزیین منسوجات دورهٔ فاطمی را نشان میدهد، روی این قطعه پنج بند نسبةً عریض برنگ زرد طلائی و آبی روشن و تیره و قرمز دیده میشود که باتصویر خرگوش درمناطق کوچک که از بندهای مشبک تشکیل یافته تزیین شده است. یک نمونهٔ عالی از پارچهٔ فاخر دورهٔ فاطمی قطعه ای از یک نسج کتان است (شکل ۱۶۵) که با بندهای افقی تزیین شده و بند مرکزی دارای تصاویر باز شکاری است که در وسط هرجفت شکل برگ نخلی کشیده شده و این تصاویر تزیین طوماری‌شکلی ترتیب داده که روی زمینهٔ سبز رنگ کشیده شده است. این طرح با ابریشم ونخ طلائی پوست رودهٔ مطلا بافته شده است. اسلوب طرح از خصائص دورهٔ خلیفه المستنصر است که ازسال ۱۰۳۶ تا ۱۰۹۴ میلادی (۴۲۸ تا ۴۸۷ هـ.) حکومت‌میکرد. اینگونه پارچه که دارای تزیین بافت طلائی است شبیه پارچهٔ لباس موسوم به «البدنة» است که در تنیس منحصراً برای خلیفه بافته میشد.

منسوجات دورهٔ فاطمی درقرن دوازدهم بهمان اسلوب قرن یازدهم ادامه یافت، بجز اینکه خط نسخ جای خط کوفی را گرفت. اغلب حروف نسخ باشکال و تعبیرات توریقی ترکیب گردیده و نمونهٔ آن دو بند با حاشیهٔ آستین در موزهٔ متروپولیتن است که نام خلیفه عبد المجید الحافظ (۱۱۴۹-۱۱۳۰م./۵۴۴-۵۲۵ هـ.)

روی آن دیده میشود . تزیینات بسیاری از پارچه های قرن دوازدهم بخوبی منسوجات قرن یازدهم است و چندین نمونهٔ عالی از این نوع پارچه در موزهٔ متروپولیتن موجود است که از جمله قطعه ای از پارچهٔ کتان آبی رنگی است که روی آن تزیینات ابریشمی رنگارنگ بافته شده . این تزیینات عبارتست از چند بند و یک طرح ترنجی بزرگ که داخل آن تصویر یک جفت غزال کشیده شده است .

۴ - منسوجات دورهٔ عباسی و فاطمی با تزیین مهر و نقاشی‌شده

ازمنسوجات‌جالب توجه‌پارچه های کتانی است که روی‌آنها تزیین یا کتابت نقاشی یامهر زده شده است . درموزهٔ‌متروپولیتن شش قطعه‌پارچه وجود دارد که‌طرح تزیینی با قلم نی‌برنگ قهوه‌ای تیره و طلائی روی آنها نقاشی شده است . روی یکی از قطعات دورهٔ عباسی یک لوحهٔ مستطیلی شکلی کشیده شده که داخل آن کتابت و اشکال توریقی است و شبیه سرفصلهای قرآنهای خطی قرن نهم است . این نوشته ها که گاهی باطلای مایع نقش‌شده ممکن است علائم مشخصهٔ کارگاههای بافندگی مصر باشد . از پارچه های جالب توجه دیگر چند پارچهٔ کتان است که بطریقهٔ چینی یا طریقهٔ موسوم به (ایقات) رنگ شده و روی آنها کتابت مفصل کوفی برنگ طلائی ودورهٔ سیاه نقاشی شده است . یکی ازاین قطعات که درموزهٔ صنایع اسلامی‌قاهره‌است دارای نام‌یکی‌ازامراءالرسیهٔ یمن درقرن‌دهم(چهارم هجری) است . این قطعات شبیه منسوجات کتانی‌یا کتابت گلدوزی شده است . روی‌بعضی ازآنها نام خلفای عباسی قرن نهم ودهم دیده میشود و در دارالطرازصنعا دریمن بافته شده است . درمیان پارچه‌ های نقاشی‌شده قطعهٔ جامه‌ای از اوائل دورهٔ‌فاطمی موجود است . اشکال پرندگان و اشکال توریقی و کتابت کوفی آن که بچندین رنگ مختلف است پارچه های قالی نما را بخاطرمیاورد .

عمل چاپ کردن یا مهر زدن طرح تزیینی روی پارچه که در زمان قبطی‌ها مرسوم بود دردورهٔ‌اسلامی درمصر تکمیل‌شد وازآنجا باروپاومخصوصاً بآلمان راه یافت . نساجان عرب برای چاپ طرحهای تزیینی روی پارچه قالب

چوبی بکار میبردند. معمولاً این تزیینات عبارتست از طرح کلی شامل اشکال توریقی که برنگ طلائی کشیده شده و از این نوع نمونه‌ای در موزهٔ متروپولیتن موجوداست. یک‌قطعه پارچهٔ کتانی لطیف نادرمتعلق بقرن دهم(شکل ۱۶۶) دارای تصویرشیر است برنگ قهوه وطلائی درداخل مناطق مربع شکل‌ودرخارج مناطق که در تمام سطح پارچه نقش شده. برای این طرح صنعتگر شش قالب مختلف بکار برده . چهار قالب برای تصویر شیر، یک قالب برای زمینهٔ مناطق مربع شکل ویک‌قالب برای حاشیهٔ مربع . این‌نوع پارچه‌شایدبجای پارچهٔ گران قیمت که با نخ طلائی گلدوزی یا نقاشی میشد عرضه میگردید.

۴ ـ منسوجات دورهٔ ایوبی ومملوکی (اواخرقرن ۱۲ تا۱۴)

در دورهٔ ایوبی ومملوکی طرز بافت پارچه‌های قالی‌نما که از زمان فاطمی‌باقی‌مانده بود تعقیب میشد ولی‌نه‌باندازهٔسابق. یک‌قطعه پارچهٔ قالی نمای‌دورهٔ مملوکی‌درموزهٔ متروپولیتن موجود است (شکل۱۶۷) که‌ازطرف «اورت‌میسی» بموزه اهدا شده است. طرحهای برگ نخلی و گل‌شقایق وبرگ طبیعی روی این‌پارچه ازلحاظ اسلوب شبیه کارهای فلزی‌ممملوکی اوائل قرن چهاردهم است. رنگهائیکه بکار رفته عبارتست ازسفید و گندمی و قهوه‌ای روشن و آبی روشن و سیاه. رنگ نقره‌ای و طلائی نیز بکار رفته است. گلدوزی دورهٔ ایوبی‌و ممملوکی با مقایسه باگلدوزیهای زیبای دورهٔ فاطمی که بانخ طلا ونقره‌بافته‌میشد ساده است. کارهای گلدوزی باطرح مسلسل و کتابت بخط کوفی ونسخ را میتوان بقرن دوازدهم نسبت داد.

بعضی گلدوزیهای دیگر که با ابریشم چند رنگ کارشده و شامل‌تصویر حیوانات و پرندگان است که بین آنها شکل درخت بافته شده ، متعلق بقرن دوازدهم وسیزدهم‌است. یک روبالش کتان متعلق‌بقرن سیزدهم (هفتم هجری) درموزهٔ ویکتوریا وآلبرت موجوداست که روی آن طرحهای لوزی وداخل آنها شکل اشخاص نشسته وتصویر شیر وطاوس وپرنده واشکال دیگر گلدوزی شده است. دوقطعهٔ مشابه درموزهٔ کوپریونیون[1] نیویورک است که اشکال گل وگیاه و حروف ناخوانا گلدوزی گردیده است.

۱ - Cooper Union

در گلدوزیهای دورهٔ مملوکی طرح تزیینی‌زاویه داراست و طرح‌تزیینی بطور تکرار دوخته شده و این نوع طرح بنام دوخت هلباین[۱] موسوم است و غالباً ازجهت پود دوخته میشود که درظاهر بافته بنظر می‌آید.

تزیین چاپی دردورهٔ مملوکی‌تعقیب میشد. نمونه های قرن سیزدهم و چهاردهم معمولاً دارای طرحهای لوزی شکل واشکال گل وطوماری برنگ‌آبی و قرمز و قهوه‌ای است.

۵- پارچه های ابریشمی مصر و سوریه

در پارچه های ابریشمی که اکنون مورد بحث است کلیهٔ پارچه روی دستگاه بافندگی با ماکو بافته میشد درحالیکه پارچه های با تزیین نقش دار نخ پود طرح بوسیلهٔ ماسوره یاسوزن داخل تار میشود.

منسوجات اوائل‌دورهٔ اسلامی چه پارچه های پشمی وچه ابریشم‌باسلوب پارچه های مسیحی شرقی و ساسانی بافته میشد. چندین نمونهٔ اینگونه بافت درموزهٔ متروپولیتن موجود است که روی آنها کتابت عربی و خط کوفی دیده میشود وعلیرغم طرح ماقبل اسلام بایدآنهارا متعلق بقرن هشتم و نهم‌میلادی (دوم یاسوم‌هجری)دانست. چندین‌نمونهٔ پارچهٔابریشمی‌قرن‌هشتم یااوائل قرن‌نهم برنگ‌زرد وزمینهٔ سبزشبیه منسوجات اخمیم وجود دارد که میتوان‌آنهارا بافت کارگاههای سوریه دردمشق و انطاکیه دانست. پارچهٔ ابریشمی جالب توجه شکل ۱۶۸ دارای تعبیرات ساسانی درخت نخل است که در دورهٔ اسلامی تقلید شده است. طرحهای برگ نخلی داخل مناطق بادامی شکل جواهرات مسیحی قبرس را بیاد میاورد که بدون شک ساخت سوریه بوده است. دورهٔ متدرج طرح و طرح طوماری حاشیهٔ ترنجی از خصائص اوائل دورهٔ اسلامی است. تعبیرات ساسانی دردورهٔ اموی وعباسی درخارج ایران‌بخصوص درعراق و سوریه‌بشدت تعقیب و تقلید میشد. یک قطعه پارچهٔ ابریشمی در موزهٔ بروکسل است که احتمال دارد بدورهٔ فاطمی تعلق داشته باشد. روی این‌پارچه یک ردیف پرنده

۱- Holbein

نقش است که با اشکال توریقی از هم جدا شده‌اند و روی بال آنها کتابت عربی که متضمن دعاست دیده میشود. رنگ آمیزی این پارچه غیر عادی است زیرا پارچه بقسمتهای افقی برنگ آبی و بنفش و زرد وقرمز بدون هیچگونه ارتباطی بطرح تزیینی تقسیم شده است. ازنظر اسلوب این پارچه شبیه سفال جلادار قرن یازدهم ودوازدهم (پنجم و ششم هجری) است که درفسطاط پیداشده وممکن است بهمان تاریخ تعلق داشته باشد وهمچنین احتمال میرود که این پارچهٔ ابریشمی درمصر بافته شده باشد.

قطعه پارچهٔ ابریشمی دیگری درموزهٔ متروپولیتن است (شکل ۱۶۹) که ممکن است دراصل متعلق بدورهٔ ایوبی و درسوریه بافته شده باشد. این پارچه برنگ زرد طلائی و زمینهٔ سبز است. طرح تزیینی آن عبارت است از عقاب و پرنده که جفت جفت درداخل مناطقی که بوسیلهٔ بند های متموج تشکیل یافته قراردارند. در وسط هردو پرنده یا دوعقاب اشکال درخت نخل که درمنسوجات سلجوقی ایران نیزدیده میشود قراردارد. اسلوب ترسیم عقاب و درختان نخل بقدری شبیه سبک سلجوقی است که در نظر اول شخص تصور میکند این پارچهٔ ابریشمی متعلق بدورهٔ سلجوقی است. ولی چون چندین قطعهٔ بزرگ همین پارچه ابریشمی دربلده العزم مصر پیدا شده احتمال میرود که در اوائل قرن سیزدهم (هفتم هجری) تحت نفوذ اسلوب سلجوقی درسوریه بافته شده باشد.

یک قطعه پارچهٔ ابریشمی برنگ پرتقالی وسبز درموزهٔ ویکتوریاوآلبرت لندن است که میتوان آنرا به نیمهٔ دوم قرن سیزدهم نسبت داد. روی این پارچه اشکال پرندگان زوج داخل حلقه های دایره شکل نقش شده است. این پارچهٔ مربوط باوائل دورهٔ مملوکی نیز ممکن است محصول کارگاههای سوریه باشد.

منسوجات بسبک چین بقرن چهاردهم و پانزدهم تعلق دارد. تعدادی ازپارچه های حریر که درخزائن کلیساها پیداشده واکنون درموزهٔ کونستگوربه[۱] برلین وموزهٔ ویکتوریا و آلبرت لندن است نام و القاب ناصر محمدبن قلاوون

۱ - Kunstgewerbe

سلطان‌سملوکی‌مصروسوریه که‌ازسال۱۲۹۳ تاسال ۱۳٤۰ میلادی(۶۹۳تا۷٤۱هـ.) حکومت کرده روی آنها نقش است. طرح این پارچه ها تحت نفوذ منسوجات چین واقع شده که در آنموقع در خاورمیانه معروف بوده است.

یک قطعهٔ مهم‌پارچهٔ ابریشمی درموزهٔ متروپولیتن وجود دارد(شکل ۱۷۰) که میتوان‌آنرامتعلق بزمان ابن‌قلاوون دانست. تزیین این پارچه‌برنگ‌پرتقالی روی زمینهٔ قهوه‌ای است و به بندهای افقی تقسیم شده که داخل آنها طرحهای مرسوم اسلامی وتعبیرات مختلف گل‌اقتباس ازاسلوب چینی دیده میشود. القاب سلاطین سملوکی مصر وسوریه‌روی چندین قطعه قلاب دوزی دیده میشود. یک قطعهٔ معروف که در کلیسای سنت‌ماری در دانزیک است با قطعات باریک چرم مذهب روی زمینهٔ ابریشم سیاه بافته شده و روی آنها تصویر طوطی و اژدها بسبک چینی و کلمهٔ الناصر نقش شده است. کلمهٔ الناصر البته اشاره‌به‌ناصر الدین محمدبن‌قلاوون است. ازقطعات‌مهم دیگر این‌نوع پارچه بسبک چینی روپوش[1] و شانه پوش[2]لباس کشیشان در موقع انجام فرائض مذهبی متعلق بهمان کلیسا و دو پیش بند [3] مخصوص همین مراسم در کلیسای روزنبرگ است که نام سازندهٔ آن استاد عبدالعزیز روی آنها دیده میشود. فالک[4] و کندریک[5] اینهارا کار چین یاآسیای وسطی میدانند، ولی احتمال نسبت آنها بمصر نیزقوی است.

۶ ـ منسوجات ایران (قرن ۸ تا ۱۰)

کارگاههای طرازسازی در جمیع اقطار عالم اسلامی وجود داشت. تعداد زیادی از آنها در ایران بود و منسوجات ساخت ایران بنقاط دیگرصادرمیشد و بعضی ازآنها درمصر پیداشده‌است. درموزهٔ صنایع اسلامی‌قاهره قطعاتی‌از دورهٔعباسی وقرن‌نهم ودهم موجوداست که‌محل‌بافت‌آنها مرو ونیشابورذکر گردیده‌است. قطعه کتانی‌درموزهٔ متروپولیتن دارای کتابت گلدوزی شده است که نشان میدهد آن قطعه در سال ۲۶۶ هجری (۸۰ - ۸۷۹ میلادی)در نیشابور بافته شده است. منسوجات دارای کتابت از نظر اسلوب طراز بامنسوجات سایر نقاط اختلافی ندارد.

۱ - Chasuble ۲ - Cope ۳ - Delmatics ٤ - Falke ٥ - Kendricke

منسوجات ابریشمی ایران در اوائل دورهٔ اسلامی باسلوب ساسانی بافته شده است. دستمالی که[1] صورت مسیح بر آن نقش و در کلیسای سنت ویکتور است و پارچه‌ای که شکل فیل روی آن کشیده شده و درخزانهٔ کلیسای بزرگ سانس[2] است بدورهٔ بین قرن هفتم ونهم تعلق دارند. قطعه‌ای ازپارچهٔ اخیر نیز درموزهٔ کوپریونیون نیویورك است. این پارچه های ابریشمی که از حیث اسلوب و رنگ آمیزی شبیه منسوجات ساسانی است باحتمال قوی در مغرب ایران بافته شده‌است.

در یکدسته از منسوجات ابریشمی ایرانی اوائل دورهٔ اسلامی اشکال حیوانات و پرندگان باخطوط زاویه دار و شکسته کشیده شده است. معروفترین نمونه‌های این قسم ابریشم دستمال سنت کلمبا در واتیکان است که با تصاویر شیر تزیین گردیده است و یک قطعهٔ مشابه در نانسی و دو پارچه درسانس است که روی یکی تصاویر طاوس و روی دیگری تصاویر اسب کشیده شده است. دو نمونه از پارچهٔ ابریشمی ایرانی درموزهٔ متروپولیتن موجود است. یکی دارای تصویر یکجفت اردك در دایره و دیگری (شکل ۱۷۱) دارای تصویر یک جفت اسب در دایره است که در اطراف شکل پرنده کشیده شده است. طرح قطعهٔ اخیر برنگ سفید و زرد وسبز وبنفش روی زمینهٔ قرمز است. نظایر این قسم پارچه توسط «سراورل استاین»[3] درغارهای «هزاربودا»[4] در «تون هوانگ»[5] درترکستان چین کشف شده است. ازمراجع ادبی و تاریخی میدانیم که درسمرقند کارگاههای بافندگی وجود داشته وممکن است که این گروه منسوجات درآنجا بافته شده‌باشد. یک پارچهٔ ابریشمی که در کلیسای «سنت ژوس سورمر»[6] درپادوکاله پیدا شده و اکنون در موزهٔ لوور است در خراسان بافته شده بوده است و مراکز عمدهٔ بافندگی این ایالت مرو و نیشابور بوده است. این پارچه باتصاویر بزرگ فیل تزیین‌شده ودرحاشیه دریک ردیف تصویرشتروطاوس کشیده شده‌است. در کتابت آن نام‌امیر منصوربختکین خراسان ذکرشده که‌درسال ۹۶۰میلادی(۳۴۹ه.) وفات

۱ - Sudarium یا Veronica ۲ - Sens ۳ - Sir Aurel Stein ٤ - Thousand Buddhas
٥ - Tunhuang ٦ - Saint Josse - Sur - Mer

یافته وبنابراین تاریخ بافت این پارچه باید قرن دهم (چهارم هجری) باشد.

۷ - منسوجات دورهٔ سلجوقی در ایران و عراق و آسیای صغیر (قرن۱۱تا۱۴)

حملهٔ ترکان سلجوقی بایران درسال۱۰۳۷میلادی(۴۲۹ هـ.) در صنعت نساجی تأثیر فراوان کرد. در زمان سلاجقه وجانشینانشان که برایران وعراق وسوریه وآسیای صغیر حکمروائی میکردند صنایع وحرف وفنون رونق گرفت واین مطلب از نمونهٔ پارچه های ابریشمی که در مجموعه های مختلف است و اخیراً در ایران ، بخصوص ری پیدا شده بخوبی آشکار است. اگر چه در این زمان هنوز اثر اسلوب ساسانی در طرحهای قطعات اوائل دورهٔ سلجوقی وجود دارد ولی این اسلوب بتدریج جای خودرا بطرحهائی داد که در آن تعبیرات توریقی اسلامی با خطوط طوماری و اشکال برگ نخلی ترکیب شده است. منسوجات سلجوقی را میتوان بچند دسته تقسیم کرد. منسوجات اوائل قرن یازدهم ازنظر اسلوب بمنسوجات ایرانی قرن هشتم تا دهم شبیه است. در دورهٔ سلجوقی طرحهائی که تا آنوقت کم و بیش زاویه دار بود بتدریج بصورت اسلوب مخصوص صنایع سلجوقی درآمد که درآن طرحهای زیبا بادورهٔ ظریف و روان بکار برده میشد. این خاصیت دریک پارچهٔ ابریشمی موجود درموزهٔ متروپولیتن دیده میشود. دراین پارچه اشکال حیوانات و توریقی برنگ پرتقالی و قهوه‌ای بافته شده است و نظایر آن درموزه های اروپا و امریکا وجود دارد که اغلب متعلق بقرن دوازدهم وبعضی متعلق بقرن سیزدهم میلادی (هفتم هجری) میباشند. یک پارچهٔ ابریشمی سبز وسفید بااشکال سیمرغ روبروی‌هم درموزهٔ کونستگوربه «موزهٔ صنایع تطبیقی» برلین و نیزیک پارچهٔ ابریشمی قرمز و سبز با اشکال شیر در کلیسای«سنت سرواتیوس»در«ماستریخت» موجوداست که‌از همین نوع پارچه ها میباشند. یک قطعهٔ سفید و سیاه باتصویر یک جفت عقاب که گفته میشود درتبریز پیدا شده و اکنون در برلین است ممکن است بقرن سیزدهم‌تعلق داشته باشد.

از منابع تاریخی معلوم میشود که در ادوار اولیه در بغداد پارچه های ابریشمی بافته میشد وخلفای عباسی گروهی از بافندگان و نساجان را ازشوشتر

به بغداد انتقال دادند. درحدود ده قطعه پارچه از اوائل قرن دهم وجود دارد که نام طرازبغداد «مدینةالسلام» روی آنها نقش است. مارکوپولو که درقرن سیزدهم مطالب خود را نوشته از پارچه های ابریشمی و زربفت بغداد وموصل صحبت میکند. در «کولجیا تا دوسن ازیدورو»[1] درشهرلئون[2] دراسپانی یک قطعه پارچهٔ ابریشمی است که طرح پرنده و فیل وحیوانات دیگر باسلوب ایرانی روی آن نقش است و کتابت کوفی دارد که نشان میدهد در بغداد درقرن یازدهم بافته شده است. درسایر نقاط امپراطوری سلجوقی ازجمله آسیای صغیر نیز پارچهٔ ابریشمی بافته میشد. یک قطعه زربفت متعلق بقرن سیزدهم درموزهٔ لیون بااشکال شیر و کتابت حاوی نام سلطان کیقباد پادشاه قونیه (کیقباد اول ۱۲۱۹ تا ۱۲۳۷ میلادی ۶۱۶ تا ۶۳۵ ه. یا کیقباد ثانی ۱۲۴۹ تا ۱۲۵۷ میلادی ۶۴۷ تا ۶۵۵ ه.) تزیین شده است.

۸ ـ منسوجات دورهٔ مغول و تیموری در ایران (قرن ۱۴ و ۱۵)

تعداد قلیلی از منسوجات ایرانی را میتوان بطورقطع بقرن چهاردهم یاپانزدهم میلادی (هفتم یا هشتم هجری) نسبت داد. تزیین منسوجات این دوره بیشتر بسبک چینی است. درزمان مغول تقاضا برای اجناس وقماش چینی بقدری زیاد بود که نساجان ایرانی اسلوب و تعبیرات چینی را تقلید میکردند. در مینیاتورهای دورهٔ مغول وتیموری پارچه و لباسهای بسبک چینی کشیده شده که تزیین آنها شامل شکل اژدها و عنقا و تزیینات گل از قبیل شقایق و نیلوفر آبی میباشد. گاهی این تعبیرات با اشکال کاملاً اسلامی ترکیب شده است.

چند قطعه پارچهٔ زربفت که فالک بایران نسبت میدهد باحتمال قوی باید متعلق باسپانی باشد. درموزهٔ متروپولیتن یک قطعهٔ نادر زربفت وجود دارد که میتوان آنرا باواخر قرن پانزدهم نسبت داد (شکل ۱۷۲). در این پارچه اشکال توریقی مناطق طاقی و بیضی شکل تشکیل میدهد و در داخل هرمنطقه

۱ - Colegiata de san Isidoro بعربی «کلیه سن ایزیدورو» ترجمه شده و کلیه ترجمهٔ عربی کالج است. م.
۲ - Leon

طرح گل و غنچه و برگ طبیعی و برگ نخلی برنگ سیاه و نقره‌ای روی زمینهٔ سبز زیتونی کشیده شده است. ظرافت طرح و رنگ آمیزی این پارچه شبیه تزیینات دورهٔ تیموری است.

۹ - منسوجات دورهٔ صفوی در ایران (قرن ۱۶ تا ۱۸) دردورهٔ صفوی عصر طلائی بافندگی ونساجی ایران شروع میشود. پارچه‌های ابریشمی صفوی را میتوان بسه دسته تقسیم کرد. حریرساده ، ابریشم‌زربفت‌ومخمل ابریشمی. این پارچه ها برای البسهٔ شاهزادگان و امرا وپرده و روپوش بکار میرفت و اغلب از طرف پادشاهان صفوی بعنوان هدیه و خلعت بکسانیکه مورد توجه بودند داده‌میشد . تزیین این پارچه ها عبارت بود از اشکال انسانی و تصویر حیوانات و پرندگان و تعبیرات گل و گیاه . موضوعها و مناظر اغلب از داستانهای رزمی و بزمی ایران مانند شاهنامه و استاد نظامی اقتباس میشد و گاهی تصاویر امراء ایرانی در حال شکار یا در حال نشاط در باغهای خود بکار میرفت.

یکی از نمونه‌های زیبای ابریشم چند رنگهٔ قرن شانزدهم (دهم هجری) درلوحهٔ شمارهٔ ٤ دیده میشود. طرح تزیینی که روی پارچه تکرار شده یک جوان ایرانی را نشان میدهد که در منظرهٔ طبیعی در مقابل درختان سرو و گیلاس ایستاده و بطری و جامی بدست دارد و در اطراف او حیوانات و پرندگان دیده میشوند . یک قطعه مخمل عالی متعلق بقرن شانزدهم (دهم هجری) از طرف اوریت میسی بموزه اهدا شده است (شکل ۱۷۲) . این قطعه وچند قطعهٔ دیگر که در موزه‌های مختلف آمریکا است تزیین داخلی چادر «قره مصطفی پاشا»[1] را در ۱۶۸۳ میلادی(۱۰۹۵ ه .)در موقع محاصرهٔ دوم وینه تشکیل میداد. روی این پارچهٔ مخمل اسکندر درحال کشتن اژدها بایک صخرهٔ بزرگ نقش گردیده است. رنگهائی که بکار رفته عبارتست از قرمز و سبز روشن وآبی تیره و پرتقالی روشن و تیره و سیاه روی زمینهٔ طلائی که شامل نسوج نقره‌ای مطلا است. در موزهٔ

۱ - سردار معروف عثمانی در جنگهای با اطریش در قرن هفدهم میلادی . م .

ارتش مسکو ستره ای از مخمل زربفت وجود دارد که با همین موضوع تزیین وباابریشم چند رنگ روی زمینهٔ آبی بافته شده است. قطعهٔ دیگر زربفت درموزهٔ متروپولیتن موجود است که روی آن تصویر مردی نشسته دیده میشود که مستخدمی باو میوه تعارف میکند. این تزیین با رنگهای درخشان روی زمینهٔ سفید نقش شده است. درموزهٔ کوپریونیون نیویورك دو قطعه پارچهٔ ابریشمی عالی وجود دارد که روی آن منظره‌ای از داستان لیلی و مجنون دیده میشود. روی یکی لیلی در هودجی به پشت شتر نشسته و بمجنون مینگرد و اطراف مجنون را وحوش صحرا فرا گرفته اند. این قطعه از این جهت اهمیت دارد که نام بافندهٔ آن «غیاث» روی آن نقش شده‌است. قطعهٔ دیگر لیلی را در مقابل مجنون که غزالی بدست گرفته نشان میدهد. یك پارچهٔ ابریشمی جالب توجه قرن‌شانزدهم درقصر روزنبرگ در کپنهاگ موجوداست که باتصاویر بزرگ اشخاص در حدود ۲۰ اینچ تزیین شده و روی آن تمثال شاهزاده ای باملازمش دیده میشود. بسیاری از تصاویر واشکال این پارچه‌ها شبیه تصاویر مینیاتورهای آنزمان است. منسوجات دیگرصفوی در قرن شانزدهم باطرحهای گل بشکل طبیعی پارسمی تزیین شده است. تصاویر مینیاتور های ایرانی این دوره اغلب ملبس بپارچه های ابریشمی زربفت میباشد. یك قطعه مخمل ابریشمی در موزهٔ متروپولیتن موجود است که بااشکال برگ نخلی ومناطق بیضی شکل و اشکال گل سرخ ولاله روی زمینهٔ طلائی تزیین شده است. این مخمل ازهمان تزیینات چادر قره مصطفی پاشا است که شرح آن داده شد.

درزمان شاه عباس بزرگ (۱۶۲۸ - ۱۵۸۷ م./۱۰۳۸ - ۹۹۶هـ.) که از حامیان بزرگ همه گونه هنر وصنعت‌بود بافتن پارچه های گران قیمت و زربفت و مخمل با دقت و مهارت بسیار ادامه یافت. علاوه بر کارگاههای بافندگی‌یزد و کاشان شاه عباس کارگاههای دیگری تأسیس کرد. بخصوص در اصفهان که پارچه های اعلا و منسوجات برای زندگی‌روزانه بافته میشد. درموزهٔ متروپولیتن دو قطعهٔ کوچك پارچهٔ ابریشمی تاریخدار از زمان شاه عباس موجود است که

روی آنها نام بافنده یعنی حسین و تاریخ ۱۰۰۸ هجری (۱۶۰۰ م.) ثبت شده است. نساجان و بافندگان مشهور دیگر قرن شانزدهم و هفدهم میلادی (۱۰ و ۱۱ هـ.) که نام آنها باقیمانده عبارتند از غیاث و عبدالله و ابن محمد و معزالدین و ابن غیاث و سیفی عباسی. قطعات دورهٔ شاه عباس خصوصیات آن عصر را بخوبی نشان میدهد و این خصوصیات عبارت بود از رنگهای تیره و ترسیم اشکال و اشخاص بصورت حقیقی تر و طبیعی تر از آنچه در دورهٔ شاه طهماسب مرسوم بود. مخملها و زربفت های زمان شاه عباس از عالیترین و زیباترین پارچه هائیست که تاکنون ساخته شده. موزهٔ متروپولیتن یک مجموعهٔ عالی از منسوجات اواخر قرن شانزدهم و قرن هفدهم دارد.

از شاهکارهای دورهٔ شاه عباسی یک قالی بزرگ مخمل ابریشمی زربفت (شکل ۱۷٤) است در موزهٔ متروپولیتن. این قطعهٔ زیبا سابقاً متعلق بخاندان سلطنتی ساکسونی بود که در تاریخ ۱۶۸۳ میلادی (۱۰۹۵ هـ.) در محاصرهٔ وینه بدست آنها افتاده بود. طرح تزیینی آن عبارتست از دو طرح ترنجی بزرگ هشت گوش که دور آنهارا نیز قطعات ترنجی کوچک احاطه کرده است. سطح قالی و داخل طرحهای ترنجی با اشکال گل و ساقه برنگ قرمز و سبز روی زمینهٔ طلائی تزیین شده و حاشیهٔ آن برنگ نیلی روی زمینهٔ نقره فام است. این قالی مخمل زیبا احتمال دارد در اصفهان بافته شده باشد و تاریخ آنرا میتوان در حدود سال ۱۶۰۰ میلادی (۱۰۰۹ هـ.) دانست. یک قطعهٔ عالی مخمل قرن هفدهم (یازدهم هجری) در موزهٔ متروپولیتن موجود است (شکل ۱۷۵) که روی آن اشکال گیاه و گل که از قطعات صخره روئیده و شکل ابر بسبک چینی برنگهای ملایم روی زمینهٔ طلائی نقش شده است. در اوائل قرن هفدهم تعبیرات جدید از گل و گیاه بسبک طبیعی رایج گردید. یک قطعهٔ زربفت عالی که قسمتی از یک ستره است (شکل ۱۷۶) شاهکار طراحی و رنگ آمیزی است. روی آن اشکال قرنفل و سوسن و گل سرخ برنگهای ملایم و ظریف و متجانس با زمینهٔ طلائی آن بکار رفته است.

یکی از قسمتهای ضروری لباسهای ایرانی در دورهٔ شاه عباس و زمان

بعد از او شال کمر بود که از ایران بمشرق اروپا نیز راه یافت . چند نمونهٔ کامل و چند قطعه در موزهٔ متروپولیتن وجود دارد . عالیترین آنها (شکل ۱۷۷) شال کمری است که از طرف جرج پرات بموزه هدیه شده است .

۱۰ - منسوجات گلدوزی و قلمکار ایران (قرن ۱۶ تا ۱۹)

در موزهٔ متروپولیتن نمونه های زیادی از گلدوزی ایرانی قرن هفدهم و هجدهم و نوزدهم وجوددارد که انواع مختلف سوزن زنی در آنها بکار رفته است . یک قطعه متعلق بقرن هفدهم دارای اشکال انسان و حیوانات و تعبیرات گل برنگهای مختلف روی زمینهٔ سیاه است . پارچه های گلدوزی با طرحهای گل از نوعی که برای شلوار زنان بکار میرفت و نقش نامیده میشد نیز موجود است . چند قطعه گلدوزی قفقازی نیز هست که روی آن طرحهای هندسی کشیده شده . در قرن هجدهم و نوزدهم میلادی (۱۲ و ۱۳ ه.) یک نوع پارچه از وصله کاری پارچه هائی برنگ مختلف ساخته میشد که اغلب با مقوا آنها را پر میکردند و روی آن با نخ ابریشم و نقره میدوختند . این قبیل کار در رشت و اصفهان بعمل میآمد .

در مجموعهٔ موزه چندین نوع پردهٔ قلمکار که در اصفهان و همدان و یزد ساخته شده و اغلب متعلق بقرن نوزدهم است وجود دارد .

۱۱ - منسوجات و گلدوزی ترکیه (قرن ۱۶ تا ۱۹)

قسمت عمدهٔ منسوجات ترکیه در دورهٔ امپراطوری عثمانی شامل زربفت و مخمل است . چند قطعه باواخر قرن پانزدهم نسبت داده میشود زیرا شباهت بلباس اشخاص در نقاشیهای ایتالیائی آن دوره بخصوص نقاشیهای ژنتیل بلینی [۱] (۱۵۰۷-۱۴۲۹ م . / ۹۱۲-۸۳۳ ه.) دارد .

بروسه پایتخت اولیهٔ ترکان عثمانی مرکز عمدهٔ نساجی بود و شهرهای دیگر آسیای صغیر مانند اسکدار [۲] و «هرکه» [۳] نیز از لحاظ منسوجات عالی خود شهرت داشتند .

طرحهای پارچه های زربفت و مخمل ترکیه مانند پارچهٔ ایران متنوع

۱ - Gentile Bellini ۲ - Scutari ۳ . Hereke

نیست. طرحهای تزیینی محدود است به طرحهای گل و بدین ترتیب سنت پیغمبر اکرم را که ترسیم موجودات زنده را تحریم کرده رعایت کرده‌اند. اگرچه نفوذ صنعتی ایران و ایتالیا در ترکیه نسبةً قوی بودلکن اسلوب مخصوص بخود بوجود آوردند که در ظروف سفالی که در کوره‌های اسنیک تر کها ساخته میشد مشهود است وشرح آن در فصول گذشته داده شد.

صنعتگران ترك از ایران اشکال طوماری و برگ نخلی و از ایتالیا اشکال انار و تعبیرات دیگری که در مخملهای ونیس قرن پانزدهم دیده میشود، اقتباس کردند. مخملهای ساخت بروسه اغلب با پارچه های مخمل ایتالیا اشتباه میشود ولی اجناس ترکیه را از طرح تزیینی و از اسلوب آنها میتوان شناخت.

پارچه های مخمل ترکیه که نمونه های آن در موزهٔ مترو پولیتن موجود است بطور کلی طرحهائی درشت‌تر از پارچه های زربفت دارندو معمولاً آنهارا برای پرده و روی پشتی بکار میبردند. درمخملهای قرن شانزدهم زمینه معمولاً قرمز وطرح تزیینی طلائی رنگ است ونخ نقره‌ای نیزبکار رفته است. یك قطعهٔ بزرگ مخمل درموزهٔ متروپولیتن موجود است(شکل ۱۷۸) که مخلوطی ازطرح ترکی و ایتالیائی در آن بکار رفته و با اشکال مخروطی و برگهای نوك تیز که روی آنها گل قرنفل وسنبل کشیده شده ، تزیین گردیده است. این گلها که ازمختصات مخمل ترکیه در قرن شانزدهم است در روپشتی که در سطح آن مناطق بیضی شکل کشیده شده نیزدیده میشود. تعدادی روبالشی و روپشتی ازدورهٔ بین قرن هفدهم تا قرن نوزدهم میلادی (۱۱ تا ۱۳ هـ.) موجود است که نشان میدهد که نقوش و ترسیمات طرحهای تزیینی بتدریج رو بانحطاط رفته است.

زربفت های قرن شانزدهم و هفدهم ترکیه از عالیترین محصولات بافندگی شرق است. با اینکه ازلحاظ رنگ آمیزی به تنوع اجناس ایرانی نیست ولی ازلحاظ طراحی وساخت از زری ایران پست‌تر نیست بلکه اغلب از آن بهتر است. ازطرحهای مشخصهٔ زربفت ترکیه اشکال بیضی شکل است که پارچه را بمناطق مختلف تقسیم میکند و داخل این اشکال ، شکل گلهای مختلف از قبیل قرنفل وسنبل و لاله و گل سرخ و غیره کشیده شده است. رنگ آمیزی معمولاً محدود به دو

یاسه رنگ است مانند طلائی وقرمز یاقرمز و آبی وطلائی. زمینه معمولاً قرمز و گاهی آبی یا سبز یا ارغوانی است. پارچه های زربفت از نظر اسلوب شبیه پارچه های مخمل است با این تفاوت که طرح تزیینی مفصلتری دارند. طرحهای با شکل انار (شکل ۱۷۹) که نفوذ صنایع ایتالیا را نشان میدهد متعلق به قرن شانزدهم است. اغلب پارچه های زربفت ترکیه برای لباس بکارمیرفت وچند نمونهٔ آن درموزهٔ اسلامبول ونقاط دیگر موجود است. درموزهٔ متروپولیتن یک جبه یاسترهٔ کامل از پارچهٔ زربفت وجود دارد (شکل ۱۸۰). طرح مفصل آن که برنگ قرمز و آبی و سبز است آنرا باواخر قرن شانزدهم نسبت میدهد. در قرن هفدهم ترسیم تعبیرات گل حقیقی‌تر وطرحهای هندسی جای شاخه و ساقه راگرفت و گلدوزی وقلابدوزی در آسیای صغیر وقسمت اروپائی ترکیه مرسوم بود.

گلدوزیهای آسیای صغیر از لحاظ طرح شبیه پارچه های مخمل و زربفت بروسه است وتعبیرات اشکال گل چه بحال طبیعی وچه رسمی درآنها نمایان است. نمونه های اولیه که متعلق بقرن هفدهم و هجدهم میلادی (۱۱ و ۱۲ ه.) است گلدوزی بادوخت رفو مانند روی کتان یاابریشم دارند (شکل ۱۸۲). یکدسته از گلدوزیهای معروف ترکیه دستمال و حوله‌هائی هستند که اغلب در مراسم و موارد رسمی بکاربرده میشد. اگرچه اغلب آنها متعلق بقرن نوزدهم است لیکن بعضی قطعات ازقرن هجدهم نیز وجود دارد. این قطعات بادوخت شبیه رفو بانخ نقره ومطلا وابریشم بافته‌شده. طرحهای گل ازجمله گل سرخ مورد توجه بوده ولی طرحهای دیگر ازقبیل شکل مسجد وشکل درخت سرو نیز روی آنهادیده میشود.

۱۲ - منسوجات اسلامی اسپانی و سیسیل پس از فتح اسپانیا توسط اعراب درسال ۷۱۱ میلادی (۹۳ ه.) صنایع وحرف اسلامی وخاورمیانه باروپاراه یافت. درصورت اموال درباریاپ حتی درقرن نهم منسوجات اسپانیا ذکر شده است و «الادریسی»[1]

۱ - مراد شریف ابوعبدالله محمد بن محمد ادریسی دانشمند مراکشی است که از خاندان سلطنتی آن کشور بوده ودراندلس بتحصیل علوم پرداخته و دردربار «روژر دوم» پادشاه سیسیل تقرب فراوان یافته و کره بزرگی برای این پادشاه ساخته و کتابی بنام (نزهة المشتاق) در جغرافیا بنام وی نوشته است . م .

(۱۱۵٤-۱۰۹۹م./٥٤٩-٤٩۳ه.) سورخ عرب میگوید که در آلمانیا[۱] دراندلس هشتصد کارگاه بافندگی برای ساختن منسوجات و حریر فاخر وجود داشت. درنقاط دیگر از قبیل مرسیا وسویل وغرناطه ومالاگا نیز منسوجات بافته میشد. در آکادمی پادشاهی تاریخ در مادرید پارچه‌ای محفوظ است که روی آن طرح قالی‌نما در بندهای مختلف برنگ آبی روشن و آبی تیره وقرمز ومناطق هشت گوش حاوی طرحهای هندسی و اشکال انسانی و حیوانات وطیور کشیده شده است. در کتابت عربی آن نام هشام ثانی (۱۰۰۹-۹۷٦م./ ٤۰۰-۳٦٦ه.)خلیفهٔ قرطبه ذکر شده است. طرح آن که بدون شک در اصل مصری و عربی است شبیه طرح صندوقهای عاج اسلوب اسپانی مغربی است.

یک قطعه پارچهٔ جالب توجه با تزیین قالی‌نما با ابریشم رنگی در موزهٔ کوپریونیون نیویورک موجود است. درداخل دوایر متشابک تصویر دوشخص درحال نوشیدن شراب نقش گردیده است. دراینجا نیز شباهت بین این تصاویر واشکال روی جعبه های عاج قرن یازدهم میلادی (پنجم هجری) زیاد است ومعلوم میشود که این پارچه بایدبهمان دوره تعلق داشته باشد. یک قطعهٔ زربفت(شکل ۱۸۳) درموزهٔ متروپولیتن موجود است که ازلحاظ اسلوب شبیه قطعات نامبرده وطرح تزیینی آن دو نوازنده است که دایره زنگی در دست دارند. رنگ آمیزی آن قهوه‌ای روشن وقرمز وآبی وسبز وطلائی روی زمینهٔ طلائی است. این قطعه ازاینجهت جالب توجه است که تصاویر آنرا ازنظر اسلوب میتوان بقرن دوازدهم یاسیزدهم نسبت داد.

از مشخصات یکدسته منسوجات اندلسی قرن یازدهم و دوازدهم طرحهای درشت اشکال انسان وحیوانات وپرندگان است. معروفترین این قطعات آنهائیست که تصویر افسانه آمیز مردی که شیر راخفه میکند و همچنین تصویر ابوالهول روی آنها نقش است وفعلاً درموزهٔ کلیسای ویش[۲] وموزهٔ کونستگوربهٔ برلین وموزهٔ کوپریونیون نیویورک قرار دارند. رنگ آمیزی آنها نیز مشخص است وبرنگ قرمز وسبز وطلائی بافته شده‌اند.

۱ - Almenia در نسخهٔ عربی المریة نوشته شده . م . ۲ - Vich

یکدستهٔ دیگر ازمنسوجات اسپانیائی مغربی باکمک یک زری در برلین شناخته شده است. این زری در اصل دور سندی درکلیسای بزرگ سالامنکا [۱] پیچیده‌شده‌بود و بدورهٔ «فرناندو دوم» پادشاه لئون (۱۱۸۸—۱۱۵۸م./۵۸۳—۵۵۴هـ.) تعلق داشت. در این دسته منسوجات که تا قرن سیزدهم (هفتم هجری) بافتن آنها ادامه داشت تصویر یک‌جفت عنقا یا پرنده درداخل ترنجی مدور ومعمولاً برنگ قرمز وسفید و طلائی و گاهی برنگهای دیگر دیده میشود. سه قطعه از اینگونه زربفت درموزهٔ متروپولیتن وجود دارد که میتوان آنهارا باواخر قرن دوازدهم و اوائل قرن‌سیزدهم‌نسبت داد. زری‌های دیگرقرن سیزدهم باطرحهای هندسی که نخ طلادرآنها زیاد بکاررفته‌تزیین‌شده است. یک قطعه درموزهٔ متروپولیتن است که قسمتی ازشنل دون فیلیپ (متوفی۱۲۷۴م.—۶۷۳هـ.) را تشکیل میداده وبقیهٔ آن فعلاً در موزهٔ باستان شناسی مادرید است [۲]. این قطعه برنگ‌پرتقالی وطلائی وطرح متشابکی که‌تشکیل‌ستاره‌های شش گوش میدهد بافته شده است. یک‌قطعه زری دیگر قرن سیزدهم در موزه وجود دارد که با خطوط مستقیم و منحنی در داخل اشکال‌مربعی تزیین شده وممکن است‌قسمتی ازروپوش‌سنت‌والریوس درکلیسای لریدا باشد.

بعضی از زری‌های دارای اسلوب چینی و ایرانی نیز باسپانی نسبت داده میشود. طرح اینها ترکیبی‌است از اشکال طوماری وتصویر حیوانات‌برنگ‌طلائی روی زمینهٔ آبی. از این نوع دو قطعه درموزهٔ متروپولیتن‌موجود است. دریکی از آنها طرح طوماری و شکل نیلوفر آبی بدور یک جفت خرگوش کشیده شده و دیگری‌دارای طرح طوماری وتصویر پرندگانیست که ازفواره‌ای‌آب مینوشند. اینها ممکن‌است باوائل قرن چهاردهم (هشتم‌هجری) تعلق داشته باشند وازلحاظ اسلوب وطرزکار بسایر منسوجات اسپانیائی شباهت دارند.

منسوجات‌دیگرقرن‌چهاردهم‌وپانزدهم‌اسپانیا بااسلوب‌موسوم‌بطرازالحمراء

---

۱ - Salamanca از شهرهای اسپانیا. م. ۲ - دراین جمله‌کلمهٔ «بقیهٔ آن» از روی ترجمهٔ عربی اضافه وتصحیح شده است. م.

تزیین شده‌اند. طرح این تزیین عبارتست ازبندهای متداخل و اشکال هندسی چندگوش و اشکال توریقی و کتابت برنگهای شفاف. نمونه‌های عالی اینگونه منسوجات که ممکن است درغرناطه بافته‌شده‌باشند درموزهٔ‌مترو پولیتن موجوداست. یکی از آنها (شکل ۱۸۴) دارای کتابت عربی برنگ زرد وقرمز است و عبارت «عزلمو مولانا السلطان» روی‌آن نقش گردیده است. پارچه‌های باسلوب اسلامی در اسپانیا تا قرن شانزدهم رایج ومورد توجه بود.

درقرن دهم و یازدهم در زمان حکومت اعراب درسیسیل پارچه‌های ابریشمی بافته میشد ولی نمونه‌ای که بتوان بکارگاههای سیسیل در آن دوره نسبت داد موجود نیست. در زمان نورمانها که آداب ورسوم اعراب‌را پیروی میکردند صنعت نساجی و بافندگی ترقی کرد و بتقلید از مشرق زمین سلاطین نورمان در قرن دوازدهم درپالرمو کارگاههای بافندگی «طراز» تأسیس کردند که پارچه‌های ابریشمی و گلدوزی اعلا درآنجا بافته میشد. نمونه‌های عالی تاریخدارازاین نوع پارچه‌هادرخزانهٔ وینه وجود دارد وازجمله‌شنل امپراطوری و جامهٔ سفیدی است که درپالرمو بافته شده است.

شنل مزبوردارای تاریخ ۵۲۸ هجری(۱۱۳۴م.) است و با طلا ومروارید روی زمینهٔ قرمز قلابدوزی شده و طرح مکرر روی آن تصویر شیری است که به‌شتری‌حمله میکند. جامهٔ‌سفید بلنددر زمان ویلیام‌دوم پادشاه نورمان‌درتاریخ ۱۱۸۱میلادی(۵۷۷هـ.) ساخته شده و حاشیهٔ زیبائی دارد که بر روی آن‌اشکال عنقا ودرخت نخل بطلا روی زمینه‌ارغوانی‌نقش گردیده‌است. پارچهٔ زربفت که روپوش‌تابوت امپراطور هانری‌ششم(متوفی در ۱۱۹۸میلادی‌یا ۵۹۵هـ.) است‌وچند قطعه پارچهٔ مشابه دیگر نیز درکارگاههای بافندگی سیسیل بافته شده است.

۱۳ - منسوجات هندی

آغاز صنعت نساجی و بافندگی در هند بازمنهٔ بسیار قدیم منتهی میشود و از صنایع باستانی هند که تاکنون باقی‌مانده بافتن پارچهٔ چیت یا ململ کتان است. منسوجات مغولی تحت نظر دربار بافته میشد و روی آنها ترکیبی از تعبیرات ایرانی و هندی دیده میشود. هندیها

بعضی از شیوه های بافندگی ایران را اقتباس کردند و مانند قالی بافی گاهی از معلمین خود نیز پیش افتادند. مخملهای دورهٔ مغولی که اغلب بدورهٔ شاه جهان تعلق دارد (۱۶۵۸-۱۶۲۸م./۱۰۶۹-۱۰۳۸هـ.) بسیار نادر است. تزیین آنها بیشتر طرح گل و گیاه طبیعی و شبیه بنقوش قالی آن دوره است.

در دورهٔ مغول بافت زری ابریشمی در هندوستان ترقی بسیار کرد. مراکز بافندگی بسیاری وجود داشت که معروفترین آنها لاهور و اورنگ‌آباد در دکن وچندری در گوالیور و بنارس و احمد آباد است. این زریهای هندی که طرحها و رنگ‌آمیزی مفصل دارد و طلا درآنها زیاد بکار رفته برای‌لباس مردانه و زنانه استعمال میشد. «ساریها»و«اودهنیس»[۱] و شال کمرهای‌زیبای هند از عالیترین منسوجات دنیا بشمار میآید و چندین نمونهٔ خوب از اینها در موزهٔ متروپولیتن موجود است. گلدوزی و قلاب دوزی در هندوستان مرسوم بود و روی پارچه های‌نخی‌عمامه وجامه وشال وبالش‌بکارمیرفت. از نمونه های عالی گلدوزی دورهٔ مغول درموزهٔ متروپولیتن قطعه‌ای از جامهٔ درباری است که با بخیهٔ زنجیری با گل و بته برنگ سبز و زرد و قرمز گلدوزی شده است. یک قطعهٔ دیگرمتعلق بقرن هفدهم پردهٔ نخی لائی داریا لحاف مانندی است که با طرح گل و گیاه بشکل گل سوسن که از گلدان میروید تزیین شده است.

مشهور ترین منسوجات هندوستان درآمریکا شال کشمیری است که از قرن هجدهم (دوازدهم‌هجری) ببعدبافته‌میشود. بعضی‌ازآنها دارای گلدوزی‌است و طرحهای گل و مخروطی شکل که از اسلوب ایرانی اقتباس شده، دارند.

دوطریقهٔ تزیین پارچه اززمان قدیم درهندوستان رایج بوده. یکی‌مهر کردن پارچه با قطعات چوب است که نقوشی روی آنها کنده شده و دیگری بوسیلهٔ رنگرزی‌است که در زمان مغول بمنتهادرجهٔ ترقی خود رسید و بانقاشی ترکیب میشد. درموزهٔ متروپولیتن چند نمونهٔ عالی از پارچه های نخی نقاشی یا مهرشدهٔ قرن‌هفدهم و هجدهم‌وجود دارد. این پارچه ها در انگلیس وامریکا

۱ - Oudhnis

بنام پلامپور[۱] و پینتادوس[۲] معروف‌بود. این پارچه ها که‌اغلب در ماسولی‌پاتام[۳] بافته میشد با اشکال و تصاویر انسان و درخت زندگی تزیین شده است. از نمونه های اولیهٔ پارچهٔ پینتادوس چند روپشتی است که با تصاویر مردان و زنان ملبس بلباس ایرانی و هندی تزیین‌شده است (شکل ۱۸۵). برطبق‌نوشته و فهرستی که درپشت آنها ثبت شده میتوان آنها را متعلق باواسط قرن هفدهم دانست. نقاشی و مهر زدن پارچه های نخی‌نیزمرسوم بود و از این نوع یک لباسی درباری در موزهٔ متروپولیتن وجود دارد که با طرح غنچه برنگ سرخ و طلائی تزیین شده است.

Masulipatam – ۳ Pintados – ۲ Palampores – ۱

فصل سیزدهم

فرش و قالی

۱- قالیهای اوائل دورهٔ اسلامی در مصر (قرن ۸ تا ۱۲)

در حفریات فسطاط (قاهرهٔ قدیم) درمصر، قطعاتی قالی پیدا شده که از نظر اصل و منشأ قالی بافی اطلاعات مهمی بما میدهد. در میان قطعات موجوده در موزهٔ صنایع اسلامی قاهره دو قطعه با کتابت کوفی وجود دارد که روی یکی تاریخ ۱۰۲ هجری (۷۲۰-۲۱ میلادی) ثبت است. یک قطعهٔ دیگر که درمصر پیدا شده و دارای کتابت کوفی شبیه قالیهای قاهره است در موزهٔ منسوجات واشنگتن محفوظ است. این قطعات باضافه چند قطعهٔ دیگر در مجموعه های سوئد که دکتر لام شرحی دربارهٔ آنها منتشر کرده است، نمونهٔ قالیهای دورهٔ عباسی بشمار می‌آید. مانند قالیهای قبل ازاسلام درآسیای وسطی وقالیهای اسپانیا گره این قالیها دور نخهای تار واحد پیچیده شده‌است. یک قطعهٔ جالب توجه دیگر از قالیهای فسطاط در موزهٔ متروپولیتن (شکل ۱۸۶) است. این قالی دارای طرح دندانه دار ویک بند مرکب از اشکال مثلث و دایره برنگ آبی و زرد و سبز و قهوه‌ای روی زمینهٔ قرمز است و درحاشیه کتیبه‌ای بخط کوفی برنگ زرد و زمینهٔ آبی تیره دارد. گره این قالی مانند قالیهائیکه دربالا شرح داده شد بدوریک تار بافته شده‌است. خط کوفی آن از نوع کاملتر و بهتر از قطعات دورهٔ عباسی است و میتوان آنرا بدورهٔ فاطمی یعنی قرن یازدهم یادوازدهم (پنجم یاششم هجری) نسبت داد. هنوز مشکل

است بطورقطع گفت که آیا همهٔ این قطعات درفسطاط مصر بافته یا از نقاط دیگر از قبیل ایران و عراق وارد شده است . بعضی از متخصصین عقیده دارند که قالیهای دارای کتابت کوفی در موزهٔ صنایع اسلامی قاهره ساخت مصر است و منابع تاریخی نشان میدهد که در دورهٔ فاطمی درمصر قالی بافته میشد. یعقوبی قالیهای اسیوط مصررا ستوده و المقریزی درمیان قالیهای قصر فاطمی ازقالیهای قلمون نام میبرد و همچنین از یکنوع فرشی که از حصیر و قصب بافته وباطلا ونقره گلدوزی شده تعریف‌میکنند. درموزهٔ متروپولیتن یک نمونهٔ عالی‌ازحصیر قرن دهم که درطبریهٔ فلسطین ساخته شده موجود است.

۴ـ قالیهای سلجوقی آسیای صغیر (قرن۱۳)

قالیهای سلاجقهٔ آسیای صغیر درقرن سیزدهم شهرت‌فراوان داشت. مارکوپولو که درحدودسال ۱۲۷۰ میلادی(۶۶۹ ﻫ.) بآسیای صغیرمسافرت کرده میگوید که، زیباترین وعالیترین قالیهای دنیا بوسیلهٔ هنرمندان یونانی و ارمنی در بلاد ترکمن بافته میشود . یکعده قالیهای مهم دورهٔ سلجوقی که متعلق بمسجد علاء الدین در قونیه بوده اکنون درموزهٔ اوقاف دراسلامبول‌است. این قالیها درقرن‌سیزدهم (هفتم‌هجری) برای‌مسجدمزبور که درسال ۶۱۶ هجری (۲۰-۱۲۱۹ میلادی) بناگردید بافته‌شده است. تزیین این قالیها عبارتست ازطرحهای‌هندسی واشکال‌متشابک ویک ردیف طرحهای هشت‌گوش و ترنجی بیضی شکل و در حاشیه کتیبهٔ بخط کوفی بافته شده است . رنگ شایع و رایج آنزمان دراین قالیها زرد و قرمز و آبی تیره وآبی روشن بود . قالیهای قونیه قدیمترین قالیهائیست که گره «گیوردس»[۱] اصلی که از خصائص قالیهای ترکیه است در آنها مشاهده میشود . چند قالی دیگر که در مسجد «بایشهر» درآناطولی‌پیدا شده با قالیهای مسجد قونیه شباهت دارد. بعضی ازآنها که طرح کلی‌اشکال توریقی و برگ نخلی با خطوطمنکسره دارد ممکن است نمونه و سرمشق قالیهای‌آناطولی قرن هفدهم و هجدهم‌واقع شده باشد.

۱ - Ghiordes

۳ - قالیهای آنا طولی و قفقاز (قرن ۱۴ و ۱۵)

در نقاشیهای ایتالیائی قرن چهاردهم و پانزدهم تصویر قالیهائی دیده میشود که روی آنها تصویر حیوانات و پرندگان با خطوط منکسره در مناطق مستطیلی شکل یا هشت ضلعی کشیده شده است . این قالیها در ایتالیا مورد توجه بود و از راه ونیس و ژنوآ از آسیای صغیر وارد میشد . اردمن [۱] که در بارهٔ این قالیها کتابی منتشر کرده آنهارا بچهار دسته تقسیم میکند . از این قالیهافقط سه نمونهٔ پاره باقیماندهاست . قدیمترین آنها قطعه ایست که در فسطاط پیدا شده ومتعلق به قرن چهاردهم وفعلاً درموزهٔ متروپولیتن است . این قالیها که با گره گیوردس بافته شده دارای تزیینی است که از شکل یک پرنده برنگ پرتقالی و سبز و قرمز در داخل هشت گوش سبز و آبی تشکیل یافته . قالیهای دیگر که با تصویر پرنده در داخل مناطق جداگانه بافته شده وشخص را بیاد طرح کاشی می‌اندازد ، در نقاشیهای قرن چهاردهم دیده میشود ، ازجملهٔ این پردههای نقاشی «ازدواج عذرا» [۲] کار «نیکولو دابواونا کورسو» [۳] در گالری ملی لندن و نقاشی بشارت تولدمسیح بر دیوار کلیسای «سانتیسیما آنونزیاتا» [٤] درفلورانس است . درموزهٔ تاریخی استکهلم یک قطعه قالی و همچنین قطعهٔ دیگری در موزهٔ برلین موجود است که متعلق بقرن پانزدهم (نهم هجری) است . قطعهٔ استکهلم که در کلیسای ماربی پیدا شده دو منطقهٔ کاملاً مشخص دارد که داخل آنها تصویر پرندگان روبرو باسلوب هندسی کشیده شده وبین آنها درخت نخل ترسیم گردیده است . قطعهٔ موجود در برلین دارای دو منطقهٔ هشت گوش است که داخل آنها تصویر جنگ بین اژدها و عنقا ترسیم و این موضوع از صنایع چین اقتباس شده است . طرح شبیه قالی برلین روی نقاشی دیوار بیمارستان «سانتاماریادلاسکالا» [٥] در «سیه نا» [٦] دیده میشود که توسط «دومینگو دی بار تلو» [۷] نقاش درسالهای بین ۱٤٤۰ و ۱٤٤٤ میلادی (۸٤٤ و ۸٤۸ ﻫ .) کشیده‌شده‌است . این قالیهای

---

۱ - Erdman ۲ - مراد مریم مادرعیسی است که بعقیدهٔ عیسویان بی‌از دواج دارای فرزند شده‌است .
۳ - Niccolo da Buonaccorso ٤ - Santissima Annunziata ٥ - Santa Maria della Scala
٦ - Siena ۷ - Domenico di Bartolo

دارای تصویر حیوانات را میتوان بمشرق آسیای صغیر و جنوب قفقاز، مرکز ساخت قالیهای اژدهائی یا قالیهای ارمنی نسبت داد.

۴- قالیهای مغولی و تیموری (قرن۱۴و۱۵) اگرچه در مینیاتور های ایران در قرن چهاردهم و پانزدهم تصویر قالی دیده میشود ولی هیچ نمونه از قالیهای کار ایران وجود ندارد که بتوان آنرا بطور قطع باین دوره نسبت داد. بعضی از قالیها را باین دوره متعلق دانسته‌اند ولی دلیل و شواهد کافی برای این امر دردست نیست. قالیهائی که در مینیاتورهای مغولی و تیموری کشیده شده دارای طرحهای هندسی و اشکال متشابک و کتیبه‌ای بخط کوفی است. تصویر قالیهای جالب توجهی که شبیه قالیهای هولبین آسیای صغیر است در نسخهٔ شاهنامه مورخ ۱٤۲۹ میلادی (۸۳۳ ﻫ .) در موزهٔ تهران دیده میشود.

چنانکه از تصویر قالیهای مینیاتورهای اواخر قرن پانزدهم (نهم هجری) بخصوص کار بهزاد و شاگردان او مستفاد میشود، در طرح قالی این دوره تغییر عمده حاصل شد. تحت نفوذ نقاشیهای دورهٔ تیموری، طرحهای هندسی جای خود را باشکال توریقی وطوماری داد که درداخل مناطق و اشکال ترنجی کشیده میشد. در چند مینیاتور بهزاد از جمله مینیاتور کتاب بوستان در قاهره مورخ ۸۹۳ هجری(۱٤۷۸ م.) قالیهائی نشان داده میشود که میتوان آنهارا نمونه های اولیهٔ قالیهای تبریز قرن شانزدهم دانست.

درمورد تعیین تاریخ بعضی از قالیهای قدیم ایران اختلاف عقیده وجود دارد ولی بطور یقین میتوان گفت که اکثریت و قسمت عمدهٔ قالیهائی که در مجموعه های خصوصی و موزه های مختلف موجود است از قرن شانزدهم قدیمتر نیست. چندقطعه ممکن است در اواخر قرن پانزدهم در زمان سلطنت سلسلهٔ ترکمانان در تبریز بافته شده باشد. یک قطعه قالی در مجموعهٔ بالارد[۱] در موزهٔ متروپولیتن موجود است که ممکن است باین دوره تعلق داشته باشد. در وسط این قالی طرح ترنجی شش گوش ستاره شکل است و ساقه و اشکال نخل روی

Ballard - ۱

زمینهٔ قرمز و آبی بافته شده است (شکل ۱۸۷) . قسمت عمدهٔ سطح قالی باشکال توریقی متشابک و اشکال طوماری و برگ نخلی رویزمینهٔ قرمز رنگ پوشیده شده است. طرح و رنگ آمیزی غیرعادی این قالی آنرا بدورهٔ قدیمتری منسوب میدارد .

۵ ـ قالیهای دورهٔ صفوی (قرن۱۶و۱۷)

عالیترین قالیهای ایران در قرن شانزدهم در زمان سلسلهٔ صفوی بافته شده است . در این دوره بخصوص در زمان سلطنت شاه اسمعیل (۱۵۲۴ - ۱۵۰۲م./۹۳۱ - ۹۰۸ ه.) و شاه طهماسب (۱۵۷۶ - ۱۵۲۴ م. / ۹۸۴ - ۹۳۱ ه.) شهر تبریز یکی از بزرگترین مراکز صنعت و فن و ازجمله قالی بافی گردید . مراکز مهم دیگر قالی بافی عبارت بود از کاشان وهمدان و شوشتر وهرات و بهترین قالیها در کارگاههای سلطنتی بافته میشد. منسوجات و قالیهای این قرن هردو تحت تأثیر اسلوب صفوی در مینیاتور و تذهیب واقع شد. ازموفقیتهای بزرگ طراحان قالی در این دوره ابتکار طرح تزیینی اشکال نباتی بود که شامل اشکال گل طوماری دارای غنچه و برگ نخلی است که اغلب با اشکال توریقی وشکل ابرموجدار بسبک چینی متداخل ومتشابک است. شعرا اغلب از زیبائی قالیهای سلطنتی الهام گرفته و آنها را میستودند و با گل سفید طبیعی یا باغ پر از گل و لاله مقایسه می‌نمودند. هرقالی ایران یک اثرصنعتی کامل وترکیب متعادلی از طرحهای طوماری و اشکال توریقی است که برای عناصر تزیینی دیگر زمینهٔ مناسبی فراهم میاورد .

معمولاً قالیهای ایران را برحسب طرح و نه از نظرمحل ساخت وبافت طبقه بندی میکنند، بخصوص که اطلاعات ما دربارهٔ محل‌بافت این قالیها کافی و وافی نیست .

الف ـ قالیهای دارای طرح‌ترنجی‌وحیوانی قرن‌شانزدهم

قالیهای دارای طرح ترنجی و حیوانی معمولاً در وسط یک طرح ترنجی باشکال مختلف دارند که در اطراف آن طرحهای‌طوماری و آویز قرار

دارد و در گوشه های قالی ربع ترنجی قرار داده شده است . تزیین این قالیها عبارتست از تعبیرات توریقی و گل که گاهی تصویر حیوانات و مناظر شکار بآن اضافه شده است . در امریکا چندین نمونهٔ عالی از قالیهای طرح ترنجی وجود دارد. دو نمونهٔ معروف در موزهٔ متروپولیتن است : یکی در مجموعهٔ التمن (شکل ۱۸۸) و دیگری در مجموعهٔ بلومنتال[۱]. نمونه های عالی دیگر در مجموعهٔ مایرون تیلور[۲] و پال گتی[۳] یافت میشود. قالی التمن طرح ترنجی در وسط یا اشکال طوماری در وسط دارد و دربالا و پائین آن آویزی بشکل سپر دیده میشود . زمینهٔ سرخ آن با اشکال گل توریقی ریز و طوماری پراست . تزیینات گل و رنگ آمیزی این قالی پرمایه‌تر از قالی بالا رد است که در شکل ۱۸۷ دیده شد . تعبیرات گل که ازشقایق و نیلوفر آبی بسبک چینی اقتباس شده معمولاً رسمی و اسلوبی است ولی گاهی تمایل به پیروی از طبیعت نیز مشهود است .

با کمک چندین قالی تاریخدار میتوان ترتیب تاریخی قالیهای دورهٔ صفویه را معین کرد . قدیمترین نمونهٔ موجود قالی ترنجی بامناظر شکاراست که درموزهٔ پولدی پزولی[٤] درمیلان قرار دارد و تاریخ آن ۹۲۹ هجری (۳-۱۵۲۲م.) (پروفسور زاره و بعضی متخصصین دیگر این تاریخ را ۹٤۹ هجری (۳-۱۵٤۲م.) خوانده اند) ونام بافندهٔ آن غیاث الدین جامی است . این قالی مهم طرح ترنجی قرمز رنگ در وسط دارد که با اشکال گل طوماری و پرنده تزیین شده . سطح آن مناظر شکار را نشان میدهد و در زمینه اشکال طوماری و توریقی زاویه دار کشیده شده است . طرز ترسیم تعبیرات گل بسبک موجدار یازاویه دار طرح قالیهای ترنجی شکل ۱۸۷ و ۱۸۸ وقالی ترنجی باتصاویر حیوانی مجموعهٔ پال گتی را بخاطر میآورد . درطرح این قالی اخیر عناصر تیموری دیده میشود و احتمال دارد که درهمان زمان قالی میلان یعنی در عصر سلطنت شاه اسمعیل (۱۵۲٤ - ۱۵۰۲ م/. ۹۳۱ - ۹۰۸ ه .) بافته شده باشد .

یکی از بزرگترین شاهکار های قالی بافی دورهٔ صفوی قالی معروفیست

۱ - Blumenthal ۲ - Mayron C. Taylor ۳ - J. Paul Getty ٤ - Poldi - Pezzoli

در موزهٔ متروپولیتن که سطح آن بمناطق کوچک تقسیم شده است (شکل ۱۸۹) و در این قالی ظرافت طرح و زیبائی رنگ با هم ترکیب گردیده است. بجای طرح ترنجی معمول در وسط نه ترنج کوچکتر درتمام سطح قالی دارد که درمیان آنها موضوع معروف چینی جدال بین اژدها وعنقا کشیده شده است. دورهرترنج هشت شکل ترنجی کوچک سپر مانند[۱] برنگ قرمز وآبی وسبز بتوالی قرارداده و در میان آنهااشکال توریقی و شکل اردك کشیده شده است. طرحهای کوچک ترنجی لبه دار با تصویر چهار شیر در حال دویدن روی زمینهٔ آبی رنگ طرح قالی را تکمیل میکند. در فواصل بین این طرحهای ترنجی، اشکال توریقی و طوماری و شکل ابر بسبک چینی برنگ آبی و پرتقالی و قرمز روی زمینهٔ سفید کشیده شده است. حاشیهٔ این قالی نیز بسیار زیبا است. دراینجا روی زمینهٔ قرمز که با اشکال گل طوماری تزیین شده اشکال توریقی و ابر کرم مانند چینی در داخل مناطقی برنگ لاجوردی کشیده شده و درفواصل طرحهای ترنجی کوچک که درداخل آنها تصویر اژدها و عنقا در حال جنگ دیده میشود قرار دارد. رنگ آمیزی و ترکیب رنگها طوری انتخاب شده است که با زمینه متجانس و هم آهنگ باشد. از خصائص مخصوص این قالی استفاده از تزیینات بسبک چینی است که در تزیین دورهٔ صفوی نقش عمده بازی میکند، ولی ازآنجائی که طرح این قالی بسیاری ازخصوصیات دورهٔ تیموری را حفظ کرده احتمال میرود که در کارگاه سلطنتی درتبریز در زمان شاه اسمعیل یااوائل سلطنت شاه طهماسب بافته شده باشد.

بهترین نمونه برای نشان دادن سبک دورهٔ شاه طهماسب قالی بزرگ ترنجی مسجد شیخ صفی اردبیل است که اکنون در موزهٔ ویکتوریا و آلبرت لندن قرار دارد. برطبق کتیبهٔ روی آن این قالی بدستور یاتوسط «مقصود کاشانی» بعنوان هدیه بمقبرهٔ مذکور بافته شده ودرسال ۱۵۳۹ میلادی (۹۴۶ ﻫ.) بافت آن پایان یافته است. طرح پرکار این قالی از طرح قالیهائی که شرح داده شد طبیعی تراست. یک سجاده یاقالیچهٔ نماز نیز (شکل ۱۹۰) که درمجموعهٔ فلچر[۲]

۱ - Escutcheons   ۲ - Fletcher

موزهٔ متروپولیتن است بمکتب تبریز تعلق دارد وباطرح گل طوماری و اشکال توریقی تزیین شده و در سراسر حاشیه و بعضی قسمتهای متن آیات قرآن روی آن نقش گردیده است. طرحو رنگ‌آمیزی آن شبیه‌قالی نقش حیوانی(شکل ۱۹۲) مقبرهٔ اردبیل است.

قالیهای طرح ترنجی دیگر نیز وجود داردکه نه تنها بااشکال توریقی وگل زینت یافته بلکه شکل انسان و حیوان نیز روی آنها دیده میشود. یکی از نمونه های قدیمی قالی در موزهٔ پولدی پزولی است که شرح آن داده شد وهمچنین قالی ترنجی و نقش حیوانی مجموعهٔ پال‌گتی وجفت آن درموزهٔ قیصر فردریک در برلین و یک قالی مشابه در مجموعهٔ کنت بوکوا[1] در وینه. قالی پولدی پزولی وقالی موزهٔ استیگلیتز[2] درلنینگراد وقالی موزهٔصنایع تزیینی پاریس و قالی مجموعهٔ پرنس شوارزنبرگ[3] در وینه و قالی زیبای با نقش گلدان چینی درموزهٔ ویکتوریا وآلبرت لندن‌همه باواسط قرن شانزدهم تعلق دارند. یک‌قطعه قالی عالی که از طرف جرج بیکر بموزهٔ متروپولیتن هدیه شده نیز بهمین گروه تعلق دارد. این قالی طرح پرکار گل وحیوانی در داخل طرح ترنجی دارد. سطح آن قرمز وبا برگ نخلی طوماری و شکل حیوانات قرینه دار تنها یادرحال جدال تزیین شده است. طرح وبافت این‌قالی که احتمالاً دریکی از کارگاههای سلطنتی تبریز بافته شده است از لحاظ کار بسیار عالی است. دوقالی یکجور جالب توجه که طرح ترنجی در وسط دارند (شکل ۱۹۱) در مجموعهٔ موزهٔ متروپولیتن موجود است که روی آنها تصویر اشخاص ملبس بلباس آبی وسبز و قرمز درحال نواختن ساز یا در دست داشتن حیوانی ترسیم شده است. زمینهٔ آن را نقش درختان برنگهای مختلف روی زمینهٔ زرد تشکیل میدهد. بقیهٔ سطح قالی بااشکال گل طوماری که ببرگ نخل منتهی میشوند وحیوانات برنگهای مختلف روی زمینهٔ قرمز رنگ پوشیده شده است. حاشیهٔ سبز تیرهٔ آن اشکال طوماری وبرگ نخلی وپرنده دارد. ازحیواناتی که بسیار طبیعی کشیده شده شکل

۱ - Count Boucqoi ۲ - Stieglitz ۳ - Schwarzenberg

پلنگ‌است که درتعقیب آهو است وببر که با اژدها میجنگد وشیر که به کیلین[۱] چینی حمله میکند و خرس که در پی بز است . در فواصل چند شکل برگ نخلی که دورهٔ آنها دندانه دندانه است واغلب درقالیهای هرات (شکل ۱۹۵) دیده میشود کشیده شده است. این‌اشکال برگ نخلی بزرگ با اشکال کوچکتر درحاشیهٔ این قالیها بافته شده و این قالیها را میتوان به نیمهٔ دوم قرن شانزدهم نسبت داد.

ب ـ قالیهای پشمی بازیین حیوانی

درقالیهای پشمی با طرح حیوانی سطح قالی با اشکال گل پوشیده شده و ضمناً شکل حیوانات بطور مفرد یا زوج در خلال طرح قراردارد. یک قطعه قالی زیبا (شکل ۱۹۲) از این نوع درموزهٔ متروپولیتن وجود دارد که دراصل بمقبرهٔ شیخ‌صفی دراردبیل تعلق داشته است. جفت همین قالی اکنون درمجموعهٔ راکفلر در نیویورك است . موضوع تکراری روی این قالی‌شکل شیروببراست در حال جدال با کیلین چینی و اشکال حیوانات دیگر است که قرینه دار روی قالی دیده میشود . زمینهٔ قالی قرمز رنگ است و این اشکال با طرحهای گل طوماری شامل گل سرخ وشقایق بارنگ‌متجانس وهم آهنگ ترکیب شده‌است. دراصل این طرح بانخ نقره که هنوز دربعضی قسمتهای آن موجود است تکمیل شده بود. حاشیهٔ آن دارای‌طرح ساده از اشکال توریقی متشابک با گل طوماری و شکل ابر بسبک چینی روی زمینهٔ آبی تیره است. اسلوب بافت و طرح این قالی باچند قالی دیگرمتعلق باواخر قرن شانزدهم (یازدهم‌هجری) که درتبریز ساخته شده شباهت دارد وازهمان گروه است.

ج ـ لیهای ابریشمی قرن شانزدهم

درکارگاههای قالی بافی سلطنتی‌قالیهای اعلا و زیبای ابریشمی باطرح ترنجی و نخ فلزی برای استفادهٔ دربار یا برای هدیه بسلاطین ممالک خارجه بافته‌میشد. درمیان هدایائی که سفیرایران درموقع بتخت نشستن سلطان سلیم ثانی

۱ - Kilin

درسال ۱۵۶۶ میلادی(۹۷۴ هـ.) بهقسطنطنیه آورد ازبیست قالی بزرگ وتعداد زیادی قالیچهٔ ابریشمی وطلائی که باشکال حیوانات وپرندگان تزیین شده بودنام بردهشدهاست. امروز فقط چهار قالی بزرگ ابریشمی قرن شانزدهم باقی است که عبارتند از قالی معروف امپراطوری دارای مناظر شکار که در وینه است و قالی بامناظر شکار درمجموعهٔ «بارون‌موریس دو روچیلد» پاریس ویک قالی دراستکهلم درمجموعهٔ خاندان سلطنتی سوئد وقالی برانیکی[1] در ورشو. عالیترین‌ونفیس‌ترین نمونهٔ صنعت قالی بافی ایران ، قالی وینه است که باگره ابریشم بالوان مختلف و نخ طلا بافته شده است . روی سطح سرخ رنگ آن تصویر سواران ملبس بالبسهٔ دورهٔ صفویه در حال شکار حیوانات دیده میشود و منظرهٔ طبیعی بوسیلهٔ اشکال گیاه نمایان شده است. احتمال میرود که این قالی مشهور در اواسط قرن شانزدهم در یکی از کارگاههای دربار شاه طهماسب بافته شده باشد. موضوع و اسلوب تزیین آن شبیه به مینیاتورهای کار سلطان محمد است که ممکن است نقش این قالی را نیز او طراحی کرده باشد.

خوشبختانه ازقالیهای ابریشمی کوچک تعدادزیادتری باقیمانده که درموزه‌ها و مجموعه های خصوصی موجود است . سه نمونه در مجموعهٔ التمن در موزهٔ متروپولیتن است که انواع مختلف قالیچه های ابریشمی و رنگ آمیزی آنها را نشان میدهد . در وسط یکی از آنها (شکل ۱۹۳) طرح ترنجی چهار برگه باشکال توریقی وطوماری برنگ سبز ونقره‌ای روی زمینهٔ آبی سیر دیده میشود. سطح قالی با اشکال گل طوماری حاوی برگ نخل شقایق شکل و تعبیرات چینی بالوان خوشرنگ روی زمینهٔ قرمز پوشیده شده است. حاشیهٔ آن که دراصل مشکی بوده بندهای باطرح برگ نخلی برنگ آبی وسبز دارد. درقالیچهٔ دیگر ترنج وسط را یک حاشیهٔ برگ نخلی احاطه کرده است. قالیچهٔ سوم مجموعهٔ التمن (شکل ۱۹۴) یکنوع دیگر از قالیچه های ابریشمی را نشان میدهد . دراین قالیچه شش ردیف حیوانات شامل پلنگ وببر وشیر واژدها وآهو وشغال

[1] - Branicki

وشیر چینی[1] و روباه وخر گوش بطور مفرد یادرحال جدال روی منظرهٔ کوهستانی شامل گیاه گل دار ودرخت‌وپرنده روی‌زمینهٔ‌قرمز لاکی‌نقش گردیده‌است. حاشیهٔ آبی وسبز رنگ‌آن‌طرح برگ نخلی وتصویرجفت قرقاول‌برنگهای مختلف دارد.

این قالیچه ها را معمولاً بکاشان نسبت میدهند و این شهر از جهت پارچه های زربفت و مخمل معروف بود. بافت این قالیچه ها بقدری ظریف است که شبیه مخملهای ایران میباشد وبعضی ازآنها آنقدر ریزبافت است که درهر اینچ مربع هشتصد گره دیده میشود.

د ـ قالیهای گلدار

از قالیهای مشهور و جالب توجه ایران آنهائیست که نقش گل و برگ نخلی و شکل ابر بسبک چینی دارند. این نوع قالی که نمونه های زیادی ازآن در موزه ها و مجموعه های خصوصی یافت میشود باشتباه باصفهان نسبت داده میشوند درصورتیکه درحقیقت متعلق بهرات‌درمشرق ایران است. در کار های نقاشان هلندی و اسپانیائی اواخر قرن شانزدهم و قرن هفدهم تصاویر اینگونه قالیها دیده میشود. اولریوس[2] که با سفیر دوك هلشتین ـ گوتورپ[3] در حوالی سال ۱۶۳۷ میلادی (۱۰۴۷ هـ.) بایران آمده مینویسد که زیباترین قالیهای ایران در هرات در ایالت خراسان بافته میشد. شهرت خراسان برای نفیس بودن قالیهایش از طرف دیگران نیز تأیید گردیده است و بنابراین چنین بنظر میرسد که این قالیچه ها درقرن شانزدهم وهفدهم درهرات که مرکز عمدهٔ قالی بافی ایالت خراسان بود بافته شده باشد. قالیهای از نوع دسته اول (شکل ۱۹۵) دارای طرح گلهای متشابك و اشکال برگ نخلی بادبزن مانند دندانه دار است. این نوع نقش در یك دسته از قالیهای دارای نقش حیوان که به هرات نسبت داده شده‌اند دیده میشود. زمینهٔ این قالیها قرمز تند وحاشیهٔ آن آبی سیر است.

درقالیهای قرن‌هفدهم نوع هرات نقش همان نقش‌قرن شانزدهم است ولی قدری درشت تر شده، از جمله اشکال برگ نخلی بزرگتر است و بعلاوه

۱ ـ Lion-Kilins ۲ ـ Olearius یا اولئاریوس ۳ ـ Hollstein - Gottorp

برگهای بزرگ منحنی بکار رفته‌است. در قالیهای‌قرن هفدهم (یازدهم‌هجری) که اسم تجارتی آنها قالی اصفهان است از ظرافت طرحها کاسته شده و رنگ آمیزی آن تجانس و هم آهنگی سابق را ندارد و بعضی رنگهای شبیه به بنفش بکار رفته که در قالیهای قدیم دیده نمیشود . از این نوع قالی بهندوستان صادرمیشد و در کارگاههائی که اکبر شاه تأسیس کرده بود بعنوان نمونه و سرمشق بکار میرفت .

یک قالی گلدار قرن هجدهم یا اوائل قرن نوزدهم درمجموعهٔ بالارد موزهٔ متروپولیتن موجود است که نقش داربست و برگ نخلی بزرگ روی زمینهٔ آبی سیر دارد . این نوع قالی که نام تجارتی آن شاه‌عباسی یا جوشقانی است از نظر طرح بقالیهای هرات و قالیهای دارای نقش گلدان که شرح آنها در زیر خواهد آمد نسبت دارد . قالیهای اخیر شاید در جوشقان[۱] در مرکز ایران بافته شده و در این شهر تا اواسط قرن نوزدهم صنعت قالی بافی رونق داشت .

هـ - قالیهای دارای نقش‌گلدان

یک گروه ممتاز و مشخص قالیهای گلدار قرن شانزدهم و هفدهم آنهائیست که‌علاوه بر نقش گل طرح گلدان نیزبآن اضافه شده است و بهمین‌جهت این قالیهارا بنام نقش گلدانی نامیده اند. یکی دیگر از خصائص‌این قالیها اینست که دوتاره است ، یعنی بجای یک ردیف تار وپود دو ردیف دارد. این نوع قالی بردوقسم است ، یکنوع که نمونهٔ آن درموزهٔ عثمانی اسلامبول موجوداست‌دارای طرح تزیینی ذیل است . یک شکل لوزی با برگهای نوك تیز که در داخل آن چهار برگ نخلی کوچک و گلدان قرار دارد ، در زمینه‌ای برنگهای مختلف نقش گردیده‌است. همین‌اثر چندرنگه دریک‌قالی‌دیگر که سابقاً متعلق‌به کلارنس‌ماکی[۲] بود دیده میشود و این دو قالی را میتوان باواخر قرن شانزدهم نسبت داد . نوع دیگر قالیهای‌نقش گلدانی (شکل ۱۹۷) دارای طرح داربست‌است که روی‌آن اشکال برگ نخلی‌بزرگ و گلدان بر زمینهٔ قرمز یا سفید نقش شده است . ازنظر

۱ - قصبه ایست از توابع کاشان . م . ۲ - Clarence H.Mackay

اسلوب این نوع قالی‌را باید متعلق باوائل قرن هفدهم دانست. یکنوع قالی دیگر هست که بدون آنکه نقش گلدان داشته باشد دارای همهٔ خواص و مشخصات قالیهای نقش گلدانی است. قالی بسیار زیبای مجموعهٔ هوراس هاومایر را که به‌موزهٔ متروپولیتن بامانت داده شده است جزو این طبقه میتوان قرار داد. سطح قالی بمناطق مختلف رنگهای شفاف تقسیم شده و داخل این مناطق اشکال برگ نخلی نقش گردیده که یکی از آنها شبیه طرح گلدان است. این قالی بی‌نظیر را میتوان متعلق باواخر قرن شانزدهم (دهم هجری) دانست.

محل ساخت و بافت این قالیها هنوز مورد بحث است. تا مدتی آنها را بکرمان در جنوب ایران نسبت میدادند ولی اخیراً بعضی از متخصصین معتقدند که این قالیها در جوشقان بافته شده ولی البته هنوز ادله و شواهد کافی برای این مطلب وجود ندارد.

و ـ قالیهای ابریشمی موسوم به‌لهستانی

مدتها تصور میرفت که یک گروه قالیهای ابریشمی اعلا که دارای طرح گل و بانخ طلا و نقره گلدوزی شده و روی بعضی از آنها علائم ملی لهستان نقش است در لهستان بافته شده‌اند. «بود»[۱] و مارتین دو نفر از متخصصین از اولین کسانی بودند که توجه علاقمندان را بایرانی بودن این قالیها جلب کردند و با مقایسه باقالیهای مشابه بافت ایران نشان دادند که این قالیهای موسوم به‌لهستانی درحقیقت ایرانی و متعلق بقرن شانزدهم و هفدهم هستند. در این مطلب تردیدی نیست که این نوع قالی در اوائل قرن هفدهم در کارگاههای سلطنتی در اصفهان و کاشان برای استفادهٔ دربار و هدیه بسلاطین ممالک دیگر بافته میشد. برای سلاطین اروپا هم قالی بافته میشد و از منابع تاریخی لهستانی چنین بر میآید که در قرن هفدهم پادشاهان لهستان تجار ارمنی را باصفهان و کاشان میفرستادند تا قالیهای ابریشمی ونخ طلائی برای آنها فرمایش دهند. این نوع قالی در زمان شاه عباس (۱۵۸۷ تا ۱۶۳۸م./۹۹۶ تا ۱۰۳۸ ه.) وشاه صفی (۱۶۲۸ تا ۱۶۴۲ م./۱۰۳۸ -

۱ - Bode

۱۰۵۲ ﻫ .) وشاه عباس ثانی (۱۶۴۲-۱۶۶۶م ./۱۰۵۲-۱۰۷۷ ﻫ.) بافته میشد. تصور میرود که اغلب قالیهای لهستانی درزمان دوپادشاه اخیر بافته شده باشد. قالیهائی که درسالهای(۱۶۰۳ و۱۶۱۳ و ۱۶۲۳ م./۱۰۱۲ و ۱۰۲۲ و ۱۰۳۲ ﻫ.) از طرف سفرای ایران به ونیس هدیه شد در زمان شاه عباس بافته شده است. قالی‌مهم بااشکال‌توریقی و گل طوماری که درمجموعهٔ لیختنشتاین[۱] در وینه است و قالی متعلق ببانو« رینی راجرز»[۲] درنیویورك بهمین دوره تعلق دارد.

قالیهای لهستانی‌را میتوان بدو طبقه تقسیم کرد: یکی آنهائی که‌فقط بانخ ابریشم بافته شده و دیگری آنهائی که با نخ ابریشم ونخ نقره ونقرهٔ مطلا بافته شده است. قالیهای از نوع دوم دارای رنگ آمیزی ظریف است و رنگهای‌ملایم بر رنگهای شفاف تفوق دارند. درموزهٔ متروپولیتن چهارقطعه از این نوع قالی وجود دارد که از لحاظ جنس مختلف هستند و همه بیک حالت حفظ نشده اند. یک نمونهٔ خوب در مجموعهٔ التمن (شکل ۱۹۸) با طرح توریقی و گل طوماری و برگ نخلی برنگ زرد و آبی وسرخ روی زمینهٔ نقره‌ای وطلائی در سطح و برنگ آبی‌روشن و خاکستری در مناطق‌دیگر تزیین شده است. درحاشیه‌نقش برگهای بزرگ دندانه دار که در قالیهای هرات دیده میشود وبرگ نخلی برنگ روشن روی زمینهٔ سبز زمردی نقش گردیده است.

ز - قالیهای با نقش درخت و باغ

در زندگی روزانهٔ ایران باغ نقش عمده بازی میکند. نقاشان ایرانی در کارهای نقاشی وسینیاتوراغلب‌مناظر باغ میکشیدند ونقش باغ دراوائل دورهٔ صفوی در قالیهای ایرانی‌مرسوم گردید. یکی ازقدیمترین ونادرترین نمونه‌های اینگونه مناظر یک قطعه قالی است در مجموعهٔ «جوزف لیس ویلیامز[۳]» در «ویلیامزتون[۴]». طرح این‌قالی‌عبارتست‌از درختان سرو ودرختان گل و گیاه روی زمینهٔ قرمز که رنگ آمیزی و ترسیم زاویه دارنقوش قالیهای اوائل قرن شانزدهم (دهم‌هجری) را بخاطر میآورد.

Williamstown - ٤ Joseph Lees Williams - ۳ Mrs. Rainey Rogers-۲ Lichtenstein-۱

یک نمونهٔ دیگر قالی نقش درخت که به نیمهٔ دوم قرن شانزدهم تعلق دارد درموزهٔ متروپولیتن موجوداست. دروسط قالی نقش حوضی است که ماهی در آن دیده میشود ودور حوض چهاردرخت گل کشیده شده است. روی شاخهٔ درختان یا در اطراف درختها تصاویر پرندگان نقش شده است. سطح قرمزرنگ قالی با اشکال درخت وبرگ نخلی پوشیده شده است. نقش درخت در یک قالیچهٔ نماز یا سجاده که در مجموعهٔ التمن است نیز دیده میشود.

یک گروه جالب توجه قالی ایران دارای نقش باغ است. سطح قالی بقطعات مستطیلی شکل که دارای درخت و گیاه است و جوی آب آنها را ازهم جدا کرده تقسیم شده است. این نوع قالیها قالی خیالی موسوم به بهارخسرو را بیاد میاورد که نویسندگان عرب شرح آنرا داده‌اند. قدیمترین نمونهٔ این‌نوع که با نخ نقره و طلا بافته شده در مجموعهٔ فیگدور در وینه است و میتوان آنرا بزمان شاه عباس (۱۵۸۷ تا۱۶۲۸ م./ ۹۹۶ تا۱۰۳۸ ه.) نسبت داد. یک قطعه قالی بزرگ عالی که درسال ۱۹۳۷ میلادی (۱۳۰۶ ه.) درانبار قصرعنبر پیدا شد واکنون درموزهٔ جایپور است نیز متعلق بهمین‌زمان است. روی این قالی چندین برچسب انبار دیده میشود که قدیمترین آن ۱۲ صفر ۱۰۴۲ هجری (۲۹ اوت ۱۶۳۲ م.) است و معلوم میشود که قبل ازآن تاریخ بافته شده است. طرح تزیینی آن شبیه قالی فیگدور است و بدون شک در همان زمان بافته شده است.

اکثرقالیهای دارای‌نقش‌باغ را باید متعلق‌بقرن هجدهم (دوازدهم‌هجری) دانست و ممکن است که در شمال غربی ایران و یا در قفقاز بافته شده باشند. دو نمونه ا. نوع دوم (شکل ۱۹۹) در موزهٔ متروپولیتن موجود است.

ح - قالیهای ابریشمی پرده نما

بعضی از قالیهای ابریشمی قرن هفدهم ایران بافت گره‌ای ندارند بلکه مثل پارچه بافته شده‌اند و برخلاف گلیم های ترکیه درز وشکاف در آنها دیده نمیشود.

طرح ونقش این قالیها با قالیهای دیگر فرق ندارد و درمیان آنها قالی‌باطرح

ترنجی با اشکال گل طوماری و اشکال توریقی و شکل ابر دیده میشود که اغلب زمینه نقشهای دیگر از قبیل شکل انسان و حیوانات و غیره را فراهم میکند. از این نوع قالی دوقسم موجود است: یکی دارای رنگ‌های مختلف درخشان و دیگری دارای رنگ‌های ملایم. از هردوقسم در موزهٔ متروپولیتن نمونه‌ای وجود دارد. طرح معمولی این گلیم های ایرانی در شکل ۲۰۰ دیده میشود. این قالی که سابقاً در تملک خاندان سلطنتی ساکسنی بود، بافت پارچه برنگهای درخشان و باضافه گلدوزی بانخ طلائی دارد. این نوع قالیها اغلب به نیمهٔ اول قرن هفدهم (یازدهم هجری) تعلق دارد واین تاریخ از روی اسلوب و همچنین ازشواهد و منابع تاریخی تعیین شده است.

در موزهٔ رزیدنز[1] درمونیخ چند نمونهٔ مهم ازاین نوع قالی وجود دارد. دو عدد آنها یکی با مناظر شکار برنگهای روشن و دیگری که نقش علائم خانوادگی لهستان دارد قسمتی از جهیز یک شاهزاده خانم لهستانی موسوم به«آنا کاترینا کستانزا» را تشکیل میداده که درسال ۱٦٤۲ میلادی (۱۰۵۳ ﻫ.) باشاهزاده فیلیپ ویلهلم امیر منتخب پالاتینا ازدواج کرد. راجع بمحل بافت این قالیها اطلاعات جالب توجهی توسط یکی از دانشمندان لهستانی موسوم به مانکوفسکی[2] داده شده است. این دانشمند اسنادی پیدا کرده که تاریخ یکی از آنها سال ۱٦۰۱ میلادی (۱۰۱۰ ﻫ.) است که قیمت قالیهای خریداری شده از کاشان در آنجا ذکر شده و همچنین معلوم میشود که این قالیها بدستور سیگیسمند[3] سوم پادشاه لهستان بافته شده است. بنابراین کاشان که از جهت منسوجات و قالی خود مشهور است، مرکز بافت این قسم قالیها در قرن هفدهم بوده است. احتمال میرود که در اصفهان هم از این نوع قالی بافته میشده است.

٦ ـ قالیهای مغولی[4] هندوستان

قالی بافی مغولی مانند مکتب نقاشی مغول در اصل ایرانی است. ابوالفضل مورخ مینویسد که اکبر امپراطور هند (۱۵۵٦-۱٦۰۵ م./ ۹٦٤-۱۰۱٤ ﻫ.) باعث شد که در هند انواع مختلف قالی

۱ - Residenz ۲ - Mankowski ۳ - Sigismund ٤ - مغول در اینجامراد خاندان سلطنتی بابر درهندوستان است که مورخین اروپائی آنان را مغول کبیر مینامند زیر بابر از نوادگان تیمور است. م.

عالی وخوش بافت بافته شود و کارگران و صنعتگران با تجربه استخدام کرد که‌شاهکارهای بسیار بوجود آورده‌اند . قالیهای ایران و توران دیگر مورد توجه نیست‌ولی بازرگانان هنوز از جوشقان (بین کاشان و اصفهان) وخوزستان (که شوشتر شهرعمدهٔ آنست) و کرمان‌و سبزوار (درخراسان) قالی وارد میکنند . قالی بافان‌زیادی‌در بلاد هندسکنی گزیده و تجارت بارونقی دارند واینان دراغلب شهرها بخصوص اگره و فتح پور و لاهور مشغول کار هستند .

از تصاویر قالی در نقاشیها و مینیاتور های این دوره معلوم میشود که قالیهای بافت هند تحت نفوذ نمونه‌های ایران قرار داشت . قالی بافان هندی که در کارگاههای متعلق به‌اکبروجهانگیر(۱۶۲۸-۱۶۰۵م./ ۱۰۳۸-۱۰۱۴ ه.) تحت هدایت ایرانیان کارمیکردند از قالیهای نقش گلدار ایران تقلید مینمودند . تعدادی از اینگونه قالیها در موزه‌ها و مجموعه های مختلف بخصوص مجموعهٔ مهاراجهٔ جایپور وجود دارد و آنها بنام قالی اصفهان هندی نامیده میشود . این قالیها راکه گاهی باشتباه قالی ایران میدانند از رنگ‌آمیزیشان میتوان شناخت زیرا رنگ قهوه‌ای متمایل بقرمز و پرتقالی سیر که در قالیهای اصفهانی ایران دیده نمیشود بکار برده‌اند .

قالی‌بافان هندوستان بتدریج نقش گل و گیاه بسبک طبیعی و تصاویر اشخاص را در طرح قالی وارد کردند . درطراحی این قالیهای مغولی بیش از قالیهای ایران آزادی عمل بکار رفته است و این مطلب در چندین قطعه قالی مصور دیده میشود ، از جمله یکی در مجموعهٔ ویدنر[1] در گالری ملی واشنگتن و دیگری درموزهٔ صنایع ظریفهٔ بوستون است .

یک‌نمونهٔعالی‌ازقالیهای اوائل‌دورهٔمغول مورخ ۱۶۰۰ میلادی(۱۰۰۹ ه.) در شکل ۲۰۱ دیده میشود .این قالی بزرگ و قالی دیگری که شرح آن در زیر خواهدآمد متعلق‌به مجموعهٔ لردسکویل[2] بود وفعلاً در موزهٔ متروپولیتن است . نقش آن عبارتست از درخت و گیاه که در فواصل آنها شکل حیوانات کشیده

۱- Widener ۲- lord Sackville

شده. این طرح اقتباس از قالیهای ایرانی است ولی‌در ترکیب موضوع و ترسیم حقیقی‌تر مناظر و رنگ‌آمیزی عجیب که قرمز روناسی یکی از آنها است‌آزادی بیشتری بکار رفته است .

یک قالی بزرگ دیگر که در مجموعهٔ موزهٔ متروپولیتن و طول آن‌سی پا میباشد طرح گل‌طوماری و برگ بزرگ دندانه‌دار و برگ نخلی روی زمینهٔ قرمز دارد. در حاشیه ، طرحهای ترنجی یا برگ نخلی وشکل ابر بسبک چینی نقش شده است . طرح این قالی ظاهراً از قالیهای هرات و کرمان اقتباس شده ولی رنگ‌آمیزی‌و شکل‌و تعبیرات گل کاملاً هندی است . بسیاری از جزئیات این قالی شبیه قالی مشهور هندی متعلق به شرکت گردلرز[۱] لندن است که بموجب بعضی مدارك‌در کارگاه سلطنتی لاهور برای‌شخصی بنام «ماستررابرت‌بل» بافته شده بود واو آنرا درسال ۱٦۳٤ میلادی(۱۰٤٤ هـ.) به‌شرکت گردلرز اهدا کرد . قالی موزهٔ متروپولیتن یا همعصر این قالی و یا قدری قدیمتر است .

اسلوب مغولی‌در تصویر شکل ۲۰۲ واضحتر نمایان است واین نقش‌را میتوان بدورهٔ شاه جهان نسبت داد . اگرچه طرح این قالی از یک قالی بافت هرات اقتباس شده معهذا تعبیرات و نقوش گل بسبک هندی در آن تغییراتی داده است. در سطح قالی طرحهای ترنجی کوچک دیده میشود که باشاخه‌های حاوی برگ وبرگ نخلی و گل زنبق و گلهای دیگر برنگهای زیبا بهم وصل شده‌است . نقش‌حاشیه که گل‌و گیاه بسبک‌طبیعی‌روی زمینهٔ سبزوآبی‌دارد کاملاً هندی‌است. کرك پشمی‌عالی این قالی شفافی ابریشم را دارد و رنگ آمیزی آن که در آن انواع واقسام رنگهای مختلف بکاررفته بیشتر هندی است تا ایرانی. نقوش گل و گیاه بسبک طبیعی گل که‌درحاشیهٔ‌این قالی دیده میشود اغلب تنها تزیین قالیهائیست که برای شاه جهان‌و درباریان اوبافته شده است. درمجموعهٔ مهاراجهٔ جایپور قالیهای متعددی ازاین دوره وجود دارد که دراصل برای‌قصر واقع‌درعنبر[۲] که درسال ۱٦۳۰ میلادی(۱۰٤۰ هـ.) ساخته شده بافته شده‌بوده است.

---

۱ - Girdlers Company ۲ - Amber

یکنوع دیگر قالی مغولی که در زمان شاه جهان بافته شده و نمونه های آن در مجموعهٔ جایپور موجود است نقش دار بست دارد که روی آن اشکال نباتی بسبک طبیعی کشیده‌شده است. چند قطعهٔ پاره ازاین نوع قالی درمجموعهٔ التمن موزهٔ متروپولیتن یافت میشود . دریکی ازآنها نقش داربست از اشکال ظریف طوماری حاوی برگ نخلی و گل طوماری روی زمینهٔ قرمزتشکیل یافته است.

ازنظر فنی قالی‌بافان هندی زمان شاه جهان ازاستادان ایرانی خودبهتر و جلوتر بودند . قالی نقش‌دار بست نامبرده در هراینچ ۷۰۲ گره و یک قطعهٔ دیگر درمجموعهٔ التمن درهر اینچ‌مربع ۱۲۵۸ گره‌دارد . درهندوستان قالی‌ابریشمی نیزبافته میشد وبعضی ازآنها بقدری ظریف بافته شده که با مخمل اشتباه میشود . یک تکه از اینگونه قالی در مجموعهٔالتمن است که روی آن منظرهٔ طبیعی نقش شده و تعداد گره آن درهراینچ مربع ۲۰۵۲ عدد است که کمتر دیده شده است.

۷ ـ قالیهای ترکیه

قالیهای ترکیه را میتوان بدوگروه تقسیم کرد یکی آنهائی که درکارگاههای سلطانی بافته میشد ودیگری قالیهائی که توسط روستائیان که گاهی برپایهٔ نیمه صنعتی متشکل بودند تهیه میشد. چنانکه قبلاً گفته شد قالی‌بافی‌را سلاجقه درآسیای صغیرمرسوم کردند. سبک آنها که طرح هندسی داشت در قالیهای نقش حیوانی قرن چهاردهم و پانزدهم (هشتم و نهم هجری) ادامه یافت وبعدها در قالیهای روستائی ترکیه که از قرن شانزدهم تاقرن نوزدهم (دهم‌تاسیزدهم هجری) بافته شده نیزدیده میشود .

الف ـ قالیهای بافت کارگاههای سلطانی

یک عده قالیهای نقش گلی باندازه‌های مختلف‌شامل سجاده وقالیچهٔ‌نماز که مدتها بدمشق‌نسبت داده میشداکنون بطورقطع بکارگاههای‌ترکیه‌منسوب میشود و چند نمونهٔ خوب آنها در موزهٔ متروپولیتن قرار دارد (شکل ۲۰۳) . این قالیهای با نقوش زیبای گل مخصوص‌اسلوب ترکیه وبااشکال برگ نخلی وبرگهای نوك تیزبزرگ وغنچهٔ گل ازقبیل سوسن وقرنفل ولاله وسنبل‌تزیین شده است واین نقوش درسفال قرن شانزدهم وهفدهم اسنیک وکوتاهیه درآسیای

صغیر نیز مشهود است. این نوع قالیهارا میتوان کار کار گاههای سلطانی که‌سلطان سلیمان درقسطنطنیه و درشهر بروسه درآسیای صغیر تأسیس کرده بود دانست. قالیهای نقش گلی ازلحاظ جنس باهم اختلاف زیاددارند و بعضی ازآنها که‌خشن‌تر بافته شده و رنگهای شفاف‌تر دارد ممکن است در کارخانه های خصوصی بافته شده باشند. ازهر دو نوع نمونه‌های خوب در موزهٔ متروپولتین وجود دارد. زمینهٔ اغلب اینها چه در سطح و چه در حاشیه قرمز رنگ است و طرح تزیینی برنگ زرد وسبز وقرمز وآبی با دورهٔ سفیدبافته شده است. بطوریکه از طراحی آنها میتوان‌قضاوت کرد ،قدیمترین آنها ممکن است متعلق باواخر قرن شانزدهم باشد و در این زمان بهترین نوع این قالیها بافته میشد ، بقیه متعلق بقرن هفدهم است.

یک عده قالیچهٔ نماز یا سجاده ساخت ترکیه را میتوان متعلق باین گروه قالیهای کار کارخانه های‌سلطانی دانست‌و یک نمونهٔ عالی آن(شکل ۲۰٤)درمجموعهٔ بالارد درموزهٔمتروپولیتن است. بافت این قالیچه‌بطرز غیرعادی‌ظریف‌وعالی‌است و رنگ آمیزی روشن و شفاف دارد. حاشیهٔ آن که زمینهٔ آبی فیروزه‌ای دارد همعصر ظروف سفالی اسنیک مورخ ۱۶۰۰ میلادی (۱۰۰۹ ه.) است. این قالیچه ها برای علاقمندان مطالعه در صنعت قالی بافی جالب توجه است زیرا نمونه وسرمشق‌قالیچه های‌نوع گیوردس[1] و کولا[2](شکل ۲۰۹) است که درقرن هجدهم در آناطولی بافته شده است.

ب ـ قالیهای دارای نقش هندسی معروف به‌قالیهای دمشق

یک گروه‌قالی‌بافت قرن‌شانزدهم که‌دارای طرحهای هندسی(شکل ۲۰۵) است ازلحاظ رنگ وجنس با قالیهای نقش گلی ترکیه که در بالا شرح آنهاداده شد نسبت دارند. این قالیها راگاهی بنام قالی دمشق میخوانند. سطح قالی‌طرح شبیه کاشی کاری دارد و بمناطق هندسی که داخل آنها اشکال نباتی وتوریقی و اشکال طوماری ودرخت وشمعدان یا چلچراغ برنگ قرمز و زرد وآبی وسبز

۱ـ Ghiordes ۲ـ Kula

نقش شده تقسیم گردیده است. زمینهٔ سطح قالی قرمز و زمینهٔ حاشیه ومناطق سبز زرد رنگ یاآبی است. مانندقالیهای نقش گلی ترکیه رنگ آمیزی آنهامختلف است و از رنگهای شفاف وتیره دارد تا رنگهای ملایم و کمرنگ. عالیترین مجموعهٔ این قالیهای طرح هندسی دمشق که یکی از آنها ابریشمی است در موزهٔ صنایع وفنون درشهر وینه است.

گاهی محل بافت این قالیها را بجز دمشق سایر نقاط از قبیل مراکش و آسیای صغیر ومصر دانسته‌اند. پرفسور زاره ازنظرشباهتی که ازلحاظ اسلوب بین این قالیها وتزیینات مملوکی وجود دارد تصورمیکندمحل بافت آنها قاهره‌باشد. اگرچه این نظریه کم وبیش موردقبول واقع‌شده معهذاتمایل بعضی‌ازمتخصصین براینست که این‌قالیهاساخت‌همان کارگاههای ترکیه‌است که‌قالیهای‌نقش گلی‌را بافته‌اند وبدون تردید محل آنها یا قسطنطنیه یا آسیای صغیر است.

ج - قالیهای اوشاك و انواع دیگر قالیهای آسیای صغیر

چند نوع قالی ترکیه که نمونه‌های آن باندازه‌های مختلف وجود دارد بشهر اوشاك در آناطولی نسبت داده میشود. یکنوع دارای طرحی شامل چند ستارهٔ بزرگ و اشکال طوماری ونباتی زاویه‌دار برنگ‌آبی و زرد وسبز معمولاً روی زمینهٔ قرمز میباشد. این‌نوع قالی که‌بوسیلهٔ تجار ونیس باروپا صادرمیشد اغلب درنقاشیهای مکتب ایتالیائی و هلندی و اسپانیائی دیده میشود. دو قالی اوشاك درمجموعهٔارل‌دالکیث[1]وجوددارد که تاریخ یکی ۱۵۸۴میلادی (۹۹۲ه.) وتاریخ دیگری ۱۵۸۵میلادی(۹۹۳ه.) است. یکنوع دیگر یاطرح ترنجی بزرگ دروسط ویاچندین‌طرح ترنجی کوچکتر دارد(شکل ۲۰۶). یکعده سجاده‌بانقش گل بگروه قالیهای‌ستاره وترنج‌داراوشاك‌نسبت دارد. غالباًسطح قالیچه تصویر محراب نقش شده و چندین نمونهٔ آن درمجموعهٔ بالارد موجود است. یکنوع دیگر که‌با قالیهای اوشاك و قالیهای هولباین[2] نسبت دارد طرح اشکال نباتی و توریقی زاویه‌دار برنگ زرد وآبی روی زمینهٔ قرمز دارد (شکل ۲۰۷). تصویراین قالیها

Holbein - ۲ Earl of Dalkeith - ۱

درنقاشیهای ایتالیائی و هلندی قرن شانزدهم و هفدهم (دهم و یازدهم هجری) کشیده شده است. حاشیهٔ آنها که کتابت شبیه بخط کوفی برنگ زرد یا قرمز بر زمینهٔ قرمز دارد شبیه قالیهای هولباین است. در بعضی قالیهای متأخر تر حاشیه شبیه قالیهای اوشاك است.

یکنوع دیگر قالی آسیای صغیر که با قالیهای اوشاك نسبت دارد قالیهائیست که آنها را قالیهای نقش پرنده مینامند وطرح نباتی وتوریقی طوماری روی زمینهٔ سفید دارد. یک شکل که از برگ نخلی ترکیب یافته بشکل پرنده است ولی این شباهت ظاهراً تعمدی نبوده است.

د ـ قالیهای معروف به هولباین

یکنوع جالب توجه قالیهای آسیای صغیر بنام قالیهای هولباین است که تصویر آنها در نقاشیهای ایتالیائی و آلمانی قرن پانزدهم و شانزدهم میلادی (نهم ودهم هجری) مخصوصاً آنهائی که متعلق به هانس هولباین[۱] است دیده میشود. تزیین آنها شبیه طرحهای قدیمی سلجوقی است ویکی ازمشخصات آن طرح خالص هندسی است که معمولاً از اشکال مربع و واحدهای ترنجی شکل که از اشکال متشابک توریقی تشکیل یافته ساخته شده است. در حاشیه اشکال متشابک شبیه بخط کوفی نقش شده و در میان رنگهائی که بکار رفته قرمز وآبی بیشتر از همه نمایان است.

ه ـ سجاده‌های گیوردس

یک گروه متعدد قالیچهٔ نماز یا سجادهٔ آناطولی (شکل ۲۰۸) به کار گاههای قالی‌بافی گیوردس نسبت داده میشود. ازخصوصیات این سجاده‌ها نقش محراب است که درمسجد جهت قبله و کعبه را نشان میدهد. طاق اینها باشکال مختلف است و گاهی شکل دوستون زیر آن نقش شده است. گاهی شکل چراغ مسجد که بیک طرح تزیینی تبدیل شده در وسط طاق آویزان است. طرحها واشکال گل بطور خلاصه کشیده شده واغلب محدود داست به گل سرخ وقرنفل وسوسن وسنبل که

۱ ـ Hans Holbein از نقاشان معروف آلمان است .م.

از قالیهای سلطانی اقتباس شده است (شکل ۲۰۴) . یکی از محاسن عمدهٔ قالیهای گیوردس رنگ آمیزی هم آهنگ است که از قرمز و آبی باضافه سفید و زرد ترکیب یافته است. قالیهای گیوردس قدیمتر از قرن هجدهم نیست و یک نمونه درمجموعهٔ موزهٔ متروپولتین موجوداست که تاریخ آن ۱۲۱۰ هجری (۶-۱۷۹۵ م.) است.

و - قالیچه های کولا

در شهر کولا که فاصلهٔ زیادی از گیوردس ندارد قالیهای شبیه قالیهای آن شهر بافته میشد بطوریکه گاهی تشخیص آنها مشکل است زیرا طرح ونقش آنها تقریباً یکی است (شکل ۲۰۸ و ۲۰۹)، ولی معهذا ازبعضی جهات با هم فرق دارند. مثلاً درسجاده‌های بافت کولا نقش محراب باطرح و تعبیرات گل پوشیده شده و حاشیهٔ قالیچه اغلب بقطعات باریک تقسیم گردیده است. گاهی در یکی از این باریکه‌ها طرح گل طوماری وبر گهای مجعد دیده میشود که درفواصل رنگ مختلف بخود گرفته‌اند. از خصوصیات دیگر قالیچه‌های کولا اینست که قسمت سفلای نقش محراب باز است و همچنین رنگ زرد و آبی بیشتر بکار رفته است.

ز - قالیچه‌های لاریک

یک دسته قالیچه و سجادهٔ زیبای آناطولی در حوالی شهر لاریک بافته شده است. این گروه دارای خصوصیاتی است که تشخیص آنها را ازسایر قالیچه‌ها آسان میسازد. قسمت فوقانی و تحتانی نقش محراب باطاقهای گوشه‌دار بشکل پیکان تزیین‌شده و ازاینها ساقهٔ زنبق منشعب میشود. حاشیهٔ معمولی قالیچه‌های لاریک بطور تناوب با نقش گل‌سرخ و گل زنبق تزیین شده است. تاریخ بافت این نوع قالیچه‌هااواسط قرن هجدهم است. درموزهٔ متروپولیتن قالیچه‌ای ازاین نوع وجود دارد(شکل ۲۱۰) که روی‌آن تاریخ ۱۲۱۰ هجری(۶ - ۱۷۹۵ م .) ثبت است.

ح - قالیچهٔ برغمه[1]

یکنوع قالیچه ساخت آسیای صغیر که اغلب در کلیسا های هنگری و

---

۱ Bergama

ترانسیلوانی دیده میشود وبنام زیبنبورگن[۱] یاترانسیلوانی موسوم است ، ممکن است درناحیهٔ برغمه بافته شده باشد. سطح این قالیچه ها با اشکال طوماری گل و یک یا دو تصویر چراغ برنگ شفاف قرمز و زرد و سبز تزیین شده است . تصویر این قالیچه ها اغلب درنقاشیهای قرن هفدهم (یازدهم هجری) و اوائل قرن هجدهم (دوازدهم هجری) دیده میشود .قدیمترین نمونهٔ آنهامتعلق بقرن هفدهم است.

۸ - قالیهای قفقاز

قبائل ساکن بلاد قفقاز که بین دریای سیاه و بحرخزر واقع شده در زمان‌قدیم درصنعت قالی‌بافی اسلوب مخصوص بخود بوجود آوردند که ازخصوصیات آن درشتی طرحهای تزیینی وتباین رنگ آمیزی است . بسیاری از طرحهای قالیهای قفقاز مبتنی بر اصول قدیمی و مرسوم است ولی در قسمت شرقی این ناحیه که مدتی تحت تسلط ایران بود نفوذ طرحها و نقشهای ایرانی آشکار است. اغلب قالیهای قفقاز متعلق بقرن نوزدهم‌است. یک گروه قدیمتر که بقالیهای نقش اژدها معروف است با قالیهای دورهٔ بعد کوبا[۲] و کازاک[۳] ارتباط و نسبت دارد.

الف - قالیهای نقش‌اژدها و قالیهای گلدار

این قالیها که اغلب بنام قالی ارمنی خوانده میشوند داری طرح لوزی برگهای دندانه‌دار است که در داخل آنها شکل اژدها که گاهی درحال جدال با عنقا است کشیده شده است . اسلوب این قالیها درشت و زاویه دار و تقریباً تقلید از اسلوب قدیم است . رنگ آمیزی آنها روشن و متباین است و بهمین جهت بآنها تأثیر تزیینی خاصی می‌بخشد. اشکال حیوانی این قالیها نیزازاسلوب قدیمی اقتباس و عناصر سبک چینی بآن اضافه شده است . ممکن است قالیهای نقش حیوانی که در نقاشیهای قرن چهاردهم و پانزدهم (دهم و یازدهم هجری) دیده میشود نمونه و سرمشق قالیهای نقش اژدهائی دورهٔ بعد واقع شده باشد . طرح گل و گیاه آنها بدون شک از اسلوب ایرانی اخذ شده است. بعضی ازقالیهای قفقاز از جمله قالی نفیس نقش گلی که سابقاً در مسجد نیگده[۴] درآسیای صغیر بوده

Nigde - ٤ Kazaks - ٣ Kubas - ٢ Siebenburgen ١

و فعلاً دریک مجموعهٔ خصوصی در نیویورك محفوظ است ازحیث رنگ آمیزی قالیهای‌نقش گلدانی ایران را بیاد میآورد . یکی از این قالیهای موسوم به‌ارمنی در مجموعهٔ داویس[۱] درموزهٔ متروپولیتن است . این قالی باطرح بند های متدرج واشکال‌حیوانی برنگهای‌روشن تزیین‌شده ومیتوان‌آنرا بقرن‌هفدهم‌منسوب‌داشت .

احتمال دارد که تولید قالیهای نقش اژدها و قالیهای مشابه گلدار در اواخر قرن شانزدهم (دهم هجری) آغازشده وتاقرن هجدهم(دوازدهم‌هجری) ادامه یافته است . درنمونه های اولیه یعنی قالیهای قرن شانزدهم (دهم هجری) طرح حیوانات و اژدها کامل است و نمونهٔ آن یک قالی درموزهٔ برلین و یکی‌دریک مجموعهٔ خصوصی درنیویورك‌است . ولی درقالیهای قرن بعد که دونمونهٔ‌خوب آن درموزهٔ متروپولیتن‌وجود دارد (شکل ۲۱۲) شکل اژدها کمتر بشکل طبیعی شباهت دارد وبالاخره درقالیهای قرن هجدهم (دوازدهم هجری)این شباهت کاملاً از بین رفته‌است . اولین کسیکه دربارهٔ انتساب این‌قالیها به‌ارمنستان اظهارتردید کرد جاکوبی بود که دلائل‌وشواهدی ارائه داد مبنی براینکه‌این قالیهاوقالیهای نقش گلدار مشابه آن درناحیهٔ کوبا درجنوب شرقی قفقاز بافته شده است . ولی‌اخیراً یکی ازدانشمندان ارمنی موسوم به‌ساکیسیان سعی کرده است نظریهٔ اول یعنی ارمنی بودن این قالیها را ثابت کند . این دونظریه در حقیقت متضادنیست و ارمنی بودن‌این قالیها رانباید ازنظر جغرافیائی بلکه ازنظر ملیت تلقی کرد . ازآنجائی که درناحیهٔ کوبا ساکنین ارمنی‌زیاد داشته ممکن‌است که بافندگان‌بعضی‌ازاین قالیها ارمنی بوده باشند .

ب ـ قالیهای قفقازی قرن ۱۸ و ۱۹

قالیهای بافت قفقاز که ازاواخر قرن هجدهم تا آخر قرن نوزدهم بافته شده طبق محل‌بافت بچندین گروه‌تقسیم‌میشوند . ازآنجائی که تشریح انواع مختلف قالیهای قفقاز در این مختصر میسر نیست فقط انواع عمده و مشهور که نمونهٔ آنها در موزهٔ متروپولیتن موجود است مورد بحث قرار میگیرد . مهمترین

[۱] Davis

وبرجسته ترین گروه آنهائیست که درجنوب غربی‌قفقازساخته شده وبنام قالیهای کازاک موسوم است. خصوصیات این نوع قالی‌عبارتست از کرک بلند شفاف و طرح درشت هندسی برنگهای روشن. درطرح بعضی از آنها اشتقاق واقتباس از قالیهای نقش اژدها مشاهده میشود.

قالیهائی که درقسمت شرقی‌قفقازساخته شده باقالیهای ساخت قسمت غربی ازبعضی‌جهات اختلاف دارند. مثلاً گره آنها ظریفتر و کرک‌آنها کوتاهتر و رنگ آمیزی آنها ملایمتر است. معروفترین‌این گروه قالیهای شیروانی و کوبائی[۱] است. جالب توجه ترین آنها قالیهائیست که نقش گل دارند و تأثیر اسلوب ایرانی‌در طرح و رنگ آمیزی آنها دیده میشود. درنمونه های اولیهٔ قالیهای کوبا که در حدود ۱۸۰۰ میلادی (۱۲۱۵ هـ.) بافته شده اشکال برگ نخلی‌بزرگ بوسیلهٔ ساقه بهم وصل است ودر نمونه‌های بعد این‌ساقه ناپدید شده‌است. ازنکته های‌جالب توجه اینکه درقالیهای شیروانی و کوبائی اشکالی شبیه حروف کوفی درحاشیه دیده میشود. یک گروه قالیچهٔ نماز یا سجاده به‌باکونسبت داده میشود. یکی‌از آنها که درموزهٔ متروپولیتن است دارای طرح مخروطی شکلی است که روی سطح قالی تکرار شده و تاریخ بافت آن ۱۲۲۳ هجری (۹ - ۱۸۰۸م.) است.

مشرق قفقاز بخصوص شهر دربند و کوبا محل بافت قالیهای صاف‌بدون کرک است که بنام سوماخ معروف است. طرزبافت اینها شبیه بافت پارچه های پرده نما است. قالیهای بافت کوبا از لحاظ جنس ظریفتر هستند. طرح هندسی آنها از قالیهای بافت مشرق و مغرب قفقاز اقتباس شده است. در یکنوع دیگر ازقالیهای سوماخ بنام سیله نقشی شبیه بحرف s دارد.

۹ - قالیهای ترکمنی قبائل ترکمن ترکستان و آسیای مرکزی از زمان قدیم دربافتن قالی وقالیچه مهارت داشته وقالی در زندگانی‌چادر نشینی این قبائل بانواع مختلف مورد استفاده واقع میگردید. قالیهای ترکمنی نه تنهابعنوان فرش استفاده میشد بلکه برای زین اسب وشانه بند شتروخورجین

۱ - شهرکوبا در قفقاز که سابقاً قبه نامیده میشد.

وحاشیهٔ مدخل چادر وغیره نیز بکار میرفت. اغلب قالیهای ترکمنی قدیمتر ازقرن نوزدهم نیست. نواحی عمده ایکه این قالیها بافته میشد تقریباً مطابقت دارد با ترکستان غربی و ترکستان چین واز دریای خزر بطرف مشرق تا بخارا وبطرف شمال تا دریای آرال وبجنوب تاسرحد ایران محدود است و گاهی افغانستان وبلوچستان را نیز شامل میشود. انواع مختلف قالی ترکمنی بوسیلهٔ نام قبائلی که آنرا بافته اند متمایز است. طرح تزیینی طرح هندسی است که در قبائل مختلف فرق میکند. یک گروه مشهور قالیهای ترکمانان «تکه» است که گاهی اشتباهاً بخارا نامیده میشود. این قالیها ازلحاظ جنس معمولاً ظریف ولطیف هستند وطرح آنها عبارتست ازاشکال هشت گوش و گل و پرنده که آنرا عقاب طائر نامیده اند. رنگ آمیزی اینها معمولاً قرمز سیر باضافهٔ سفید وآبی است.

قالیهای افغانستان وبلوچستان شبیه سایر قالیهای ماوراء بحر خزر است ولی بافت و رنگ آمیزی ونقش آنها بخوبی قالیهای ترکمنی نیست. قالیهای بخارا که بشیر[۱] نامیده میشود وبوسیلهٔ ازبکها درناحیهٔ بین هرات وسمرقند بافته شده دارای طرح اشکال هندسی وتعبیراتیست که از قالیهای ایران اقتباس شده است. رنگ آمیزی آنها که زرد روشن درآن زیاد بکار رفته شفافتر ازقالیهای ترکمنی است.

در طرحهای قالی ترکستان شرقی نفوذ چین کاملاً مشهود است. درقالیهائی که درحوالی کاشغر بافته شده و گاهی آنها را مال سمرقند میدانند مخلوط وترکیبی از اسلوب ترکمنی وچینی دیده میشود. یکی از خصوصیات آنها حاشیهٔ مختلف الوان آنها است که شکل ابر بسبک چینی روی آنها نقش گردیده است.

۱۰ - قالیهای مغربی اسپانیا

فتح اسپانیا بوسیلهٔ اعراب آن کشور را باصنایع وفنون مشرق زمین نزدیک و آشنا کرد. از منابع ادبی و تاریخی چنین برمیآید که در قرن دوازدهم وسیزدهم در آن ناحیه قالی بافته میشده است ولی هیچ نمونه ای که بتوان بآن دوره نسبت داد در دست نیست و قدیمترین نمونهٔ موجود متعلق بقرن چهاردهم (هشتم هجری) است. یک قطعه

۱ - Beshirs

قالی موسوم به‌قالی« کنیسه» درموزهٔ برلین موجوداست که با اشکال شمعدان که شاخه های آن بشکل معابد «تورا»[۱] نقش شده تزیین گردیده‌است و این قالی‌را میتوان باین دوره نسبت داد.

چندین قالی‌قرن پانزدهم (نهم هجری) دارای نقش‌علائم خانوادگی است و میتوان برای آنها تاریخ معین کرد. این علائم روی سپرمانندی نقش شده که بقطعات هشت گوش تقسیم گردیده وداخل این قطعات اشکال هندسی‌وتصاویر انسانی و شکل پرندگان برنگهای مختلف بافته شده است. حاشیهٔ آنها بچندین بند تقسیم شده و کتابت کوفی و طرحهای هندسی و اشکال عجیب بی تناسب روی آنها دیده میشود. یک قالی دارای علامت خانوادگی متعلق به نیمهٔ اول قرن پانزدهم در مجموعهٔ ویلیامز وجود دارد که روی آن علامت خانوادگی خانوادهٔ هنریکوئز[۲] نقش شده است.

یکنوع نادر قالی مغربی که بهمان دوره تعلق دارد دارای طرح هندسی ستارهٔ هشت گوش است و میتوان آنها را نسخهٔ بدل مغربی قالیهای هولباین قرن پانزدهم دانست. یک نمونهٔ آن که در موزهٔ متروپولیتن است در تصویر شکل ۲۱۳ مشاهده میشود. طرح و رنگ آمیزی این قالیها که شاید محصول شهر الکزار[۳] باشد دارای خصوصیات اسلوب تزیینی مغربی‌است. یک قالی‌جالب دیگر درمجموعهٔ بالارد درموزهٔ متروپولیتن است. نمونهٔ‌نوع دیگری ازقالیهای مغربی اسپانیا متعلق باواخرقرن پانزدهم است.

اگرچه در قالیهای قرن شانزدهم اسپانیا طرحهای اروپائی تفوق دارد معهذا عناصر اسلوب مغربی نیز درآنها دیده میشود. در بعضی دیگر که قالی مجموعهٔ بالارد یکی از آنها است نفوذ اسلوب ترکیه نیز مشهود است. سطح قالی‌دارای اشکال نباتی وتوریقی شبیه قالیهای اوشاك آسیای صغیر است درحالیکه در حاشیه تعبیرات طوماری دورهٔ رنسانس دیده میشود. رنگ آمیزی آنها عبارتست ازدونوع رنگ آبی‌وسفید روی زرد واین ترکیبی‌است که درقالیهای اسپانیا در قرن شانزدهم (دهم‌هجری) زیاد بکار رفته است.

۱ - Thora ۲ - Henriquez ۳ - Alcàzar

تقویم تاریخی

اسامی بعضی از خلفا و سلاطین عالم اسلامی

عصر خلفا

۶۳۲ تا ۶۶۱ م./ ۴۱ - ۱۱هـ. **خلفای راشدین:**

ابوبکر (۶۳۴ - ۶۳۲ م. / ۱۳ - ۱۱هـ.) - مرکز خلافت درمدینه
عمر (۶۴۴ - ۶۳۴م./۲۴-۱۳هـ.) - فتح سوریه وعراق وایران ومصر
عثمان (۶۵۶ - ۶۴۴ م. / ۳۶ - ۲۴ هـ.)
علی (۶۶۱ - ۶۵۶ م. / ۴۱ - ۳۶ هـ.) - مرکز خلافت درکوفه

۶۶۱ تا ۷۴۹ م./ ۱۳۲ - ۴۲هـ. **خلفای اموی:**

معاویهٔ اول (۶۸۰ - ۶۶۱م. / ۶۱ - ۴۱هـ.) مرکز خلافت در دمشق
یزید اول (۶۸۳ - ۶۸۰ م. / ۶۴ - ۶۱ هـ.)
مروان‌ثانی (۷۴۹ - ۷۴۴ م. / ۱۳۲ - ۱۲۷ هـ.)

۷۴۹ تا ۱۲۵۸م./۶۵۶ - ۱۳۲هـ. **خلفای عباسی:**

المنصور (۷۷۵ - ۷۵۴م. / ۱۵۹ - ۱۳۷هـ.) - آغاز خلافت در۷۵۵
تأسیس شهر بغداد مرکز جدید خلفای عباسی در ۷۶۲ (۱۴۵هـ.)
هارون‌الرشید (۸۰۹ - ۷۸۶م. / ۱۹۴ - ۱۷۰هـ.) تأسیس شهر «الرقه»
مقرثانی خلفادر ۷۹۵ (۱۷۹ هـ.)

---

۱ - باید دانست که سنوات میلادی کاملاً باسنوات هجری مطابق نیست وغالباً یك سال میلادی دردو قسمت از دو سال هجری واقع میشود وبالعکس. مثلا در سنوات حکومت خلفای راشدین سال آخر خلافت عمر ۲۳ هجری است (۲۶ ذی‌الحجه ۲۳) و سال آخر خلافت عثمان ۳۵ (۸ یا ۱۰ ذی‌الحجه ۳۵) و سال آخرخلافت علی (ع) ۴۰ (۲۱ رمضان ۴۰ هجری) و قس علیهذا .

المعتصم (۸٤۱ - ۸۳۳م. /۲۲۷ - ۲۱۸هـ.) انتقال پایتخت از بغداد به سامره که در ۸۳٦ (۲۲۲هـ.) بنا شد.
المتوکل (۸٦ - ۸٤۷م. / ۲٤۷-۲۳۳هـ.) انتقال موقت مقر خلافت بدمشق در ۸٥۸ (۲٤٤ هـ.)
المعتمد (۸۹۲-۸۷۰ م. / ۲۷۹ - ۲٥۷ هـ.) انتقال پایتخت به بغداد در ۸۹۲ (۲۷۹هـ.)
المعتضد (۹۰۲ - ۸۹۲ م. / ۲۹۰ - ۲۷۹ هـ.)
المستعصم (۱۲٥۸-۱۲٤۲م. /٦٥٦-٦٤۰هـ.) پایان خلافت عباسی وفتح بغداد بوسیلهٔ هلاکو

اسپانیا

۸۱۳ - ۷۱۰ م . / ۹٥ - ۹۲ هـ. فتح اسپانیا بوسیلهٔ اعراب
۷٥٦ - ۷۱۳ م. / ۱۳۹ - ۹٥ هـ. تعیین حکام توسط خلفای بنی‌امیه
۱۰۳۱ - ۷٥٦م. / ٤۲۲-۱۳۹ هـ. خلافت اموی در قرطبه
عبدالرحمن‌ثالث (۹٦۱-۹۱۲م./۳٥۰-۳۰۰هـ.) در۹۲۹ (۳۱۷هـ.) عنوان خلیفه برخود نهاد
الحکم ثانی (۹۷٦ - ۹٦۱م. / ۳٦٦ - ۳٥۰ هـ.)
هشام ثانی (۱۰۰۹ - ۹۷٦ م. / ٤۰۰ - ۳٦٦ هـ.)

۱۰۹۱ - ۱۰۱۰م. / ٤۸٤-٤۰۱هـ. دورهٔ ملوك الطوایفی و سلسله های کوچك در « مالقه » [۱] و « الجزیره »[۲] و «سویل»[۳] و «غرناطه»[٤] و «قرطبه»[٥] و«تولدو»[٦] و « والانسیا »[۷] و«ساراگوسا»[۸]
۱۱٤۸ - ۱۰٥٦م. / ٥٤۳-٤٤۸هـ. المرابطون (سلسلهٔ بربر ـ حکام مراکش و الجزائر)
۱۲٦۹ - ۱۱۳۰م. / ٦٦۸-٥۲٥هـ. الموحدون در شمال افریقا
۱٤۹۲ - ۱۲۳۲م. / ۸۹۸-٦۳۰هـ. بنی‌نصر در « جیان » وغرناطه (استیلای « فردیناند » و« ایزابل » پادشاهان «کاستیل» برغرناطه در ۱٤۹۲م. ۸۹۸ هـ.)

سیسیل

۹۰۲ - ۸۲۷م. / ۲۹۰ - ۲۱۲هـ. فتح سیسیل بوسیلهٔ سلسلهٔ اغالبهٔ تونس
۱۰۷۱ - ۹۰۹م. /۳٦٤ - ۲۹۷هـ. دولت فاطمی درمصر وشام(استیلای ملوك نورمان برسیسیل‌در ۱۰۷۱ میلادی ۳٦٤ هـ .)

۱ - Malaga ۲ - Algesiras ۳ - Séville ٤ - Grenade ٥ - Cordoue ٦ - Tolede
۷ - Valencia ۸ - Saragossa

شمال افریقا

۸۰۰ - ٦٦٩ م. / ۱۸٤ - ٤٩ هـ. تعیین حکام شمال افریقا بوسیلهٔ خلفا
۹۸۵ - ۷۸۹م. / ۳۷۵ - ۱۷۳هـ. ادارسهٔ مراکش
۹۰۹ - ۸۰۰م. / ۲۹۷ - ۱۸٤هـ. الاغالبه در تونس
۹۷۲ - ۹۰۹م. / ۳٦۲ - ۲۹۷هـ. الفاطمیون - پایتخت در مهدیه
۱۱٤۸ - ۹۷۲م./ ٥٤۳ - ۳٦۲هـ. بنوزیری در تونس - پایتخت درقیروان
۱۱٥۲ -۱۰۰۷م./ ٥٤۷ - ۳۹۸هـ. بنوحماد درالجزیره - پایتخت در «قلعهٔ بنی‌حماد»
۱۲٦۹ - ۱۰٥٦م./٦٦۸ - ٤٤۸هـ. الموحدون
۱٥۳٤ - ۱۲۲۸م./۹٤۱ - ٦۲٦هـ. بنوحفص در تونس

مصر

٦٤۱ م. / ۲۱ هـ. فتح مصر توسط اعراب
۸٦۸ - ٦٦۱ م. / ۲٥٥ - ٤۱ هـ. تعیین حکام از طرف خلفای اموی وعباسی
۹۰٤ - ۸٦۸ م. / ۲۹۲ - ۲٥٥هـ. سلسلهٔ طولونی (ترک‌نژاد) - پایتخت در«القطائع» نزدیک فسطاط
۹٦۹ - ۹۳٥م. / ۳٥۹ - ۳۲٤ هـ. اخشیدیون
۱۱۷۱ - ۹٦۹م. / ٥٦۷ - ۳٥۹هـ. سلسلهٔ فاطمی (تأسیس قاهره بعنوان مقر وپایتخت جدید در۹٦۹م./ ۳٥۹ هـ)
الحاکم بامرالله (۱۰۲۱ - ۹۹٦ م. / ٤۱۲ - ۳۸٦ هـ.)
المستنصر (۱۰۹٤ - ۱۰۳٦م. / ٤٦۷ - ٤۲۸ هـ.)

۱۱٦۹ - ۱۲٥۰م./٦٤۸ - ٥٦٥هـ. ایوبیون:
سلطان ناصرصلاح‌الدین (۱۱۹۳ - ۱۱٦۹ م. / ٥۸۹ - ٥٦٥ هـ.)
ابوبکر ثانی (۱۲٤۰ - ۱۲۳۸م./ ٦۳۸ - ٦۳٦ هـ.)
صالح ایوب (۱۲٤۹ - ۱۲٤۰م./٦٤۷ - ٦۳۸هـ.)

۱٥۱٦ - ۱۲٥۰م./۹۲۲ - ٦٤۸هـ. سلسلهٔ مملوکی:
ممالیک بحری (۱۳۹۰ - ۱۲٥۰م. /۷۹۳ - ٦٤۸هـ.)
منصور سیف الدین قلاوون (۱۲۹۰ - ۱۲۸۰م. /٦۸۹ - ٦۷۹هـ.)
ناصرالدین محمدبن قلاوون (۱۳٤۰ - ۱۲۹۳م. /۷٤۱ - ٦۹۳هـ.)
ملک ناصرحسن (۱۳٦۰ - ۱۳٤۷م. / ۷٦۲ - ۷٤۸ هـ.)
ممالیک برجی (۱٥۱٦ - ۱۳۸۲م./ ۹۲۲ - ۷۸٤ هـ.)
قایتبای (۱٤۹٦ - ۱٤٥۸ م./۹۰۱ - ۸۷۳ هـ.)

۱۸۰۵ - ۱۵۱۷م./ ۱۲۲۰-۹۲۲ه. سلاطین آل عثمان

سوریه

۷۳۸ - ۷۳۵ م. / ۱۷ - ۱۴ ه. فتح سوریه توسط اعراب

۷۴۹ - ۶۶۱م. / ۱۳۲ - ۴۱ ه. بنی امیه (پایتخت در دمشق)

۸۷۷ - ۶۴۹م. / ۲۶۴ - ۱۳۲ه. بنی عباس

۱۰۷۶ - ۸۷۷م./ ۴۶۹ - ۲۶۴ه. سلسلهٔ طولونی وفاطمی حکام مصر

۱۱۷۶ - ۱۰۹۶م./ ۵۷۲ - ۴۶۹ه. سلاجقه و اتابکان

۱۲۷۱ - ۱۱۷۶م. / ۶۷۰-۵۷۲ه. سلسلهٔ ایوبی

ملک ناصر یوسف (۱۳۶۰ - ۱۲۳۶م. /۶۵۹ - ۶۳۴ه.)

۱۵۱۱ - ۱۲۷۱م./ ۹۲۲ - ۶۷۰ه. سلاطین مملوکی مصر - جنگهای صلیبی وجنگ با مغول

۱۹۱۸ - ۱۵۱۶م./ ۱۳۳۷ - ۹۳۲ه. سلاطین آل عثمانی

عراق

۶۳۳ م. / ۱۲ ه. فتح عراق توسط اعراب

۷۴۹ - ۶۶۱م. / ۱۳۲ - ۲۱ ه. بنی امیه

۹۴۵ - ۷۴۹م. / ۳۳۴ - ۱۳۲ ه. بنی‌عباس

۱۲۶۲ - ۱۰۵۵م. /۶۶۱-۴۴۷ ه. سلاجقه واتابکان (استیلای طغرل بیک بربغداد در۱۰۵۵م. ۴۴۷ه.)

سلسلهٔ اتابکان زنگی عراق وسوریه (۱۲۶۲-۱۱۳۷م./۶۶۱-۵۲۱ه.)

بدرالدین لؤلؤ (۱۲۵۹ - ۱۲۳۲ م. / ۶۵۸ - ۶۳۰ ه.)

سلسلهٔ ارتقی یا اتابکان دیاربکر وشعبه‌ای ازآنها (۱۲۳۱-۱۱۰۱م./ ۶۲۹ - ۴۹۵ه.) در« کیفا » و« ماردین »

رکن‌الدوله داود (۱۱۴۵ - ۱۱۰۸ م. / ۵۴۰ - ۵۰۲ ه.)

۱۳۳۶ - ۱۲۵۶م. /۸۳۷-۶۵۴ه. سلسلهٔ ایلخانیان ایران (سلسلهٔ مغولی که هلاکو تأسیس کرد)

هلاکو (۱۲۶۵ - ۱۲۵۶م./۶۶۴ - ۶۵۴ه.) تسخیروانهدام بغداد و پایان خلافت در۱۲۵۸

۱۵۰۲ - ۱۳۳۶م./ ۹۰۸ - ۷۳۷ه. سلسلهٔ جلائر وترکمن در آذربایجان

احمد جلائری (۱۴۱۰ - ۱۳۸۲ م. / ۸۱۳ - ۷۸۴ه.)

۱۶۳۸ - ۱۵۰۲م./۱۰۵۸-۹۰۸ه. سلسلهٔ صفویهٔ ایران

۱۹۱۸-۱۶۳۸م. /۱۳۳۷-۱۰۴۸ه. سلاطین آل عثمانی

یمن

۸۲۰ - ۶۳۲ م . / ۲۰۵ - ۱۱ ﻫ. تعیین حکام بوسیلهٔ خلفا
۱۲۲۸ - ۱۱۷۳م./۶۲۶ - ۵۶۹ﻫ. سلاطین ایوبی مصر وسوریه
۱۴۵۴ - ۱۲۲۹م./۸۵۹ - ۶۲۷ﻫ. سلسلهٔ بنورسول
۱۵۱۶ - ۱۴۴۶م./ ۹۲۲ - ۸۵۰ﻫ. سلسلهٔ بنوطاهر

ایران و ماوراء النهر

۶۴۰ - ۶۳۸ م. / ۱۹ - ۱۷ ﻫ فتح خوزستان وشوشتر توسط اعراب
۶۴۲ م. / ۲۲ ﻫ. جنگ نهاوند وانقراض سلسلهٔ ساسانی
۸۱۹ - ۶۶۱ م. / ۲۰۴ - ۴۱ ﻫ. تعیین حکام توسط خلفای اموی وعباسی
۱۰۵۵ - ۸۱۹م./ ۴۴۷ - ۲۰۴ﻫ. **سلسله‌های ایران:**
سامانیان در ماوراء النهر (۱۰۰۴ - ۸۱۹م./ ۳۹۵ - ۲۰۴ﻫ.)
طاهریان درخراسان (۸۷۴ - ۸۲۰م. /۲۶۱ - ۲۰۵ﻫ.)
علویان در مازندران (طبرستان) (۱۰۳۲ - ۸۶۴م. /۴۲۴ - ۲۵۰ﻫ.)
صفاریان (۹۰۳ - ۸۶۸م. /۲۹۱ - ۲۵۴ﻫ.)
آل‌بویه (۱۰۵۵ - ۹۳۲ م. / ۴۴۷ - ۳۲۰ ﻫ.)
۱۱۹۴ - ۱۰۳۷م./۵۹۱ - ۴۲۹ﻫ. **سلجوقیان :**
سلجوقیان بزرگ (۱۱۵۷-۱۰۳۷م. /۵۵۳- ۴۲۹ﻫ.) پایتخت دراصفهان
طغرل‌بیک (۱۰۶۳ - ۱۰۳۷م. /۴۵۵ - ۴۲۹ﻫ.)
سلاجقهٔ کرمان (۱۱۸۷ - ۱۰۴۱م. / ۵۸۳ - ۴۳۳ ﻫ.)
۱۲۳۱ - ۱۰۷۷م./۶۲۹ - ۴۷۰ﻫ. خوارزمشاهیان (سلاطین خوارزم وخیوه)
۱۲۵۱ - ۱۲۰۶م./۶۴۹ - ۶۰۳ﻫ. خوانین مغول
چنگیزخان (۱۲۲۷ - ۱۲۰۶م. /۶۲۵ - ۶۰۳ﻫ.)
۱۲۵۶ - ۱۳۵۳م./۷۵۴- ۶۵۴ﻫ. **ایلخانیان ایران** (مقر تابستانی در تبریز) :
هلاکوخان (۱۲۶۴ - ۱۲۵۶م. /۶۶۴ - ۶۵۴ﻫ.)
احمد خان (۱۲۸۴ - ۱۲۸۲م. / ۶۸۳ - ۶۸۱ﻫ.) در ۱۲۸۲(۶۸۱ﻫ.)
قبول اسلام کرد
غازان خان (۱۳۰۴ - ۱۲۹۵م. / ۷۰۴ - ۶۹۵ ﻫ.)
اولجایتو (۱۳۱۶ - ۱۳۰۴م. / ۷۱۶ - ۷۰۴ﻫ.)

۱۳۹۳ - ۱۳۱٤م. / ۷۹٦-۷۱٤ه. مظفریان[1] فارس و کرمان و کردستان

۱۵۰۰ - ۱۳۷۰م. / ۹۰٦-۷۷۲ه. تیموریان :

تیمورلنگ (۱٤۰٤-۱۳۷۰م./۸۰۷ - ۷۷۲ه.) نوادهٔ چنگیز - پایتخت درسمرقند - تسخیر ایران در (۱۳۷۰ - ۱۲۸۷م./ ۸۸۹ - ۷۸۲ ه.)

شاهرخ (۱٤٤۷ - ۱٤۰٤م. / ۸۵۱ - ۸۰۷ه.) پایتخت درهرات

۱٤٦۹ - ۱۳۷۸م./۸۷٤ - ۷۸۰ه. سلاطین قره‌قوینلو درآذربایجان و ارمنستان - پایتخت در تبریز

جهانشاه (۱٤٦۷ - ۱٤۳۷م. / ۸۷۲ - ۸٤۱ه.)

۱۵۰۲ - ۱۳۷۸م. /۹۰۸ - ۷۸۰ه. سلاطین آق قوینلو درآذربایجان

۱۵۹۹ - ۱٤۲۸م./۱۰۰۸ - ۸۳۲ه. شیبانیان - سلاطین ازبک ماوراءالنهر

۱۷۳٦ -۱۵۰۲م./۱۱٤۹ - ۹۰۸ه. سلسلهٔ صفویه :

شاه اسمعیل اول (۱۵۲٤ - ۱۵۰۲م./۹۳۱- ۹۰۸ه.) پایتخت درتبریز- فتح‌هرات در ۱۵۱۰ (۹۱٦ه.) جنگ چالدران باترکان عثمانی ۱۵۱٤ (۹۲۰ ه.)

شاه طهماسب اول (۱۵۷٦ - ۱۵۲٤م. /۹۸٤ - ۹۳۱ه.) انتقال پایتخت بقزوین در ۱۵٤۹

شاه عباس اول (۱٦۲۸ - ۱۵۸۷م. /۱۰۳۸-۹۹٦ه.) پایتخت دراصفهان

شاه صفی (۱٦٤۲ - ۱٦۲۸م. /۱۰۵۲ - ۱۰۳۸ ه.)

شاه عباس دوم (۱٦٦٦ - ۱٦٤۲م. /۱۰۷۷ - ۱۰۵۲ه.)

آسیای صغیر و ترکیه

۱۳۳۷ - ۱۰۷۷م./۷۲۸- ٤۷۰ه. سلاجقهٔ روم - پایتخت در قونیه

۱۳۲٤ - ۱۳۰۰م./۷۲۵ - ۷۰۰ه. سلاطین آل عثمانی :

عثمان (۱۳۲٦ - ۱۲۹۹م. /۷۲۷ - ٦۹۹ ه.) حمله باروپا در ۱۳۰۸ (۷۰۸ ه.) وتصرف « بروسه » در ۱۳۲٦ (۷۲۷ ه.)

اورخان (۱۳٦۰ - ۱۳۲٦م. /۷٦۲ - ۷۲۷ ه.) پایتخت در بروسه

مراد اول (۱۳۸۹-۱۳٦۰م./۷۹۲-۷٦۲ه.) انتقال‌پایتخت‌بادرنه‌در ۱۳٦۵

با یزید اول (۱٤۰۳ - ۱۳۸۹م. /۸۰٦ - ۷۹۲ه.)

محمد اول (۱٤۲۱ - ۱٤۰۳م. /۸۲٤ - ۸۰٦ ه.)

محمد ثانی (۱٤۸۱ - ۱٤۵۱ م. / ۸۸٦ - ۸۵۵ ه.) تسخیر قسطنطنیه وانتقال پایتخت بآنشهر

---

۱ - یعنی آل‌مظفر که مبدأ سلطنت آنها در یزد بوده است . م .

بایزید ثانی (۱۵۱۲ - ۱۴۸۱م. / ۹۱۸ - ۸۸۶هـ.)
سلیم اول (۱۵۲۰ - ۱۵۱۲م. / ۹۲۷ - ۹۱۸هـ.)
سلیمان اول (۱۵۶۶ - ۱۵۲۰م. / ۹۷۴ - ۹۲۷هـ.)
مراد چهارم (۱۶۴۰ - ۱۶۲۳م. / ۱۰۵۰ - ۱۰۳۳هـ.)

هند و افغانستان

۷۱۱م./۹۳هـ.) فتح سند توسط اعراب
۱۱۸۶- ۹۶۲ م. /۵۸۲ - ۳۵۱هـ. غزنویان (پایتخت درغزنه) :

الب تکین (۹۶۳ - ۹۶۲م./ ۳۵۲ - ۳۵۱هـ.) مؤسس سلسلهٔ غزنویان
سبکتکین (۹۹۷ - ۹۷۷م. / ۳۸۷ - ۳۶۷ هـ.)
سلطان محمود (۱۰۳۰ - ۹۹۸م./ ۴۲۱ - ۳۸۸هـ.) فتح گجرات در ۱۰۲۴ (۴۱۵ هـ.)
سلطان مسعود سوم (۱۱۱۴ - ۱۰۹۹م. / ۵۰۸ - ۴۹۳هـ.)

۱۲۱۵ - ۱۱۰۰م./۶۱۲ - ۴۹۴هـ. سلسلهٔ غوریان درافغانستان وهندوستان
۱۵۵۵ - ۱۲۰۶م./۹۶۳ - ۶۰۳هـ. سلاطین دهلی
۱۵۷۲ - ۱۳۹۱م./۹۸۰ - ۷۹۴هـ. ملوک گجرات
۱۸۵۸ - ۱۵۲۶م./۱۲۷۵- ۹۳۳هـ. امپراطوران مغول :

بابر (۱۵۳۰-۱۵۲۶م./ ۹۳۷ - ۹۳۳هـ.) از نوادههای تیمور - پایتخت در « اگرا »
همایون (۱۵۵۶ - ۱۵۳۰م. / ۹۶۴- ۹۳۷هـ.) از۱۵۴۰ تا ۱۵۵۵ (۹۴۷ تا ۹۶۳هـ.) بدربار ایران پناه برد .
اکبر (۱۶۰۵- ۱۵۵۶م./۱۰۱۴ - ۹۶۴هـ.) پایتخت در«فتح‌پورسکری» (۱۵۸۴ - ۱۵۶۹م./ ۹۹۲ - ۹۷۷ هـ .) وبعد درلاهور
جهانگیر (۱۶۲۸ - ۱۶۰۵م./ ۱۰۳۸ - ۱۰۱۴هـ.) پایتخت درلاهور
شاه جهان (۱۶۵۸ - ۱۶۲۸م. / ۱۰۶۹ - ۱۰۳۸ هـ.)
اورنگ زیب (۱۷۰۷ - ۱۶۵۸م. / ۱۱۱۹ - ۱۰۶۹ هـ.)

برای فهرست کامل سلسله های اسلامی بمنابع زیر مراجعه شود :

1 - Stanley Lane - Poole : The Muhammadan Dynasties, London , 1893
2 - E. Zambaur : Manuel de genealogie et de chronologie Pour l'histoire de l'islam, Hanove,1927

فهرست اعلام

الف

ابراهیم سلطان (خطاط): ۸۲
ابن بختیشوع: ۴۷
ابن الغیبی التوریزی: ۲۰۷
ابو جعفر (المقتدر): ۱۱۰
ابوالحسن (نقاش): ۷۴
ابوالفضل (مورخ): ۲۷۲,۷۱
ابوالقاسم بن ابراهیم (خطاط): ۷۹
اتینگهازن: ۱۸۲
احمدآباد: ۲۵۵
احمد بن محمد (حجار): ۹۹
احمدالذکی نقاش: ۱۵۲,۱۴۵
اخمیم: ۲۴۰,۲۳۴,۳۶,۳۵
ادرنه: ۲۰۸
آذربایجان: ۲۰۲,۱۹۷,۱۰۳
اردبیل: ۲۰۱
اردمن: ۲۵۹
ارمنت: ۲۳۳
ارمنستان: ۱۴۲,۱۰۲
آزاده: ۱۹۲,۱۸۳,۱۳۵
اسپانیا: ۲۵۴,۱۳۰,۱۱۱,۱۱۰,۱۰۹,۷۸
استاد عبدالعزیز (نساج): ۲۴۲
استاد مصری: ۲۰۷
استاین (سراورل): ۲۴۳
اسکدار: ۲۴۹
اسکندرنامه: ۵۴
اسکندریه: ۲۳۳,۲۱۹,۳۷
استیک: ۲۷۶,۲۷۵,۲۵۰,۲۱۰,۲۰۹
اسوان: ۲۸
اشمونین: ۲۳۳
اصفهان: ۱۹۸, ۱۹۵,۱۷۱,۱۰۳,۸۴
۲۶۷, ۲۴۹, ۲۴۷, ۲۳۱,۲۰۰,۱۹۹
۲۷۲, ۲۷۰,۲۶۹,۲۶۸
افراسیاب: ۱۶۴,۱۵۶
افغانستان: ۲۸۳
آقارضا (نقاش): ۷۴,۶۷
آکادمی پادشاهی تاریخ (مادرید): ۲۵۲
الجایتو: ۱۹۵,۱۵۱,۱۰۴,۸۰,۴۸
المانیا: ۲۵۲
امامی حلبی: ۱۵۳
آمل: ۱۷۴,۱۶۴,۱۶۱
اموسگا: ۱۰۲
امیرشاهی سبزواری (نقاش): ۵۴
انطاکیه: ۲۴۰
انوپ چهاتر (نقاش): ۷۵
اورنگ آباد: ۲۵۵
اوشاك: ۲۸۴,۲۷۸,۲۷۷
اویغور (قبائل): ۱۲۲,۵۱,۴۳,۴۱,۳۸
ایتزاری: ۱۰۲

ب

باری (مولانا): ۸۴
باکو: ۲۸۲
بخارا: ۲۸۳,۸۳,۷۰,۶۶,۶۵,۲۵
بدرالدین لؤلؤ: ۱۴۶,۱۴۵,۱۰۰,۴۶
برج سلطان مسعود: ۹۶
برغمه: ۲۸۰,۲۷۰
برلین: ۲۵۹,۱۳۶,۱۳۱,۱۲۲,۵۵
بروسه: ۲۷۶,۲۵۰,۲۴۹,۲۰۸

بروکسل : ۱٤۸
بساوان (نقاش) : ۷۳,۷۲
بسطام : ۱۲۳
بشنداس (نقاش) : ۷٤
بصره : ۹٤,۲۷
بعلبک : ۲۰٥
بغداد: ۲۲,۲۳,۲٤,۳۳,٤۳,٤٤,٤۷,۸۰, ۹۹,۱۰۰,۱۱۳,۱۲۲,۱٦۷,۱٦۸, ۱٦۹,۲٤٤
بلوچستان : ۲۸۳
بنارس : ۲۰٥
بهرام گور : ۱۳٥,۱۸۳,۱۹۲
بهزاد: (نقاش) ۲۸,٥۹,٦۰,٦۳,٦٥,٦٦, ۷۱,۲٦۰
بهنسا : ۱٦۹,۲۳۳
بوستان سعدی : ٥٤,٥۹,٦٦,۸۸,۲٦۰
بورگوس : ۱۳۰
بویط : ۲۸,۲۹
بیت‌الحکمه : ۲۳
بیت‌المقدس: ۲۷,۳۷,۱۱۲,۱٤۷,۲۱۰
بیچیتر (نقاش) : ۷٥

پ

پاترنا : ۲۱۳
پالرمو : ۱۳۱,۱۳۳,۲٥٤
پرت سعید : ۲۳۳
پرویدانس : ۱۲٤
پزارد : ۱٥۸
پنجاب : ۲٤,۷٥
پیرعلمدار : ۷۹
پیزا : ۱٤۷

ت

تابوت‌الامام‌الشافعی : ۱۱۹
تابوت شاهزاده‌خانم عادلیه : ۱۱۹
تبریز: ۲٤,۳٦,٤۷,٤۹,٥۱,٥۲,٥۳,٥۸, ٦۱,٦٥,۸۲,۱۹۷,۲۰۲,۲٤٤, ۲٦۰, ۲٦۱,۲٦٤,۲٦٥
تپه مدرسه : ٤۱,۹٥
ترکستان : ۱۲۰,۱۲٤,۱۲٥,۲۸۳
تکریت : ۹۳,۱۱۳,۱۱٤
تکه (قبائل) : ۲۸۳
تل بسطه : ۲۸
تنیس (شهر) : ۲۳۳,۲۳۷
توریزی : ۲۰۷
تونه (شهر) : ۲۳۳

ج

جاکوبی : ۲۸
جامع‌الاخضر : ۲۰۸
جامع‌الازهر : ۱۱٥
جامو : ۷٥
جعفر بایسنقری (خطاط) : ٥٤,٥٥,۸۲
جلایر (سلاطین) : ٥۰,٥٤
جندی شاپور : ۳٥
جنید نقاش : ٥٤
جوشقان : ۲٦۸,۲٦۹,۲۷۳

چ

چندری : ۲٥٥
چهل ستون : ٦٦,۱۲٥

ح

حاجب مسعودبن‌احمد : ۱٤۱
حسن بغدادی (تذهیب‌کار) : ۸٤
حسن‌بن‌سلیمان اصفهانی : ۱۲۳
حسن‌بن عربشاه : ۱۸۱
حسن بن‌علی بن‌احمد بابویه : ۱۹۳

حسین بن محمد موصلی : ۱۵۰
حسین میرزا : ۸۲,۵۹
الحضر (قصر) : ۳۲
حلب : ۲۰۴,۱۴۹,۱۴۸,۱۴۷,۱۰۶
۲۲۵,۲۲۴,۲۲۲,۲۲۱

خ

خاپور : ۱۴۴
خارپوت : ۱۳۹
خام کاران (نقاش) ۷۳
خراسان : ۱۴۰,۹۶,۹۴,۶۱,۲۴,۲۲
۱۶۴,۱۶۲,۱۴۴,۱۴۳,۱۴۲,۱۴۱
۲۷۳,۱۶۷,۲۴۳,۱۶۹
خربةالمفجر : ۹۱
خوارزمشاهیان : ۱۸۰,۱۷۱
خمسهٔ نظامی : ۸۷,۶۲,۵۹,۵۶,۵۵
خوچو : ۵۱,۴۳,۴۱,۳۸
خوزستان : ۲۷۲,۳۵
خوندمیر : ۵۸

د

داس وانت (نقاش) : ۷۲
داغستان : ۲۰۱,۱۹۷,۱۰۲
دامغان : ۱۹۱,۳۳
داود ارتقی : ۱۴۸
داودبن‌سلامهٔ موصلی : ۱۴۸
دیبق : ۲۳۳
دربند : ۲۸۲,۱۰۲
درنکه : ۲۳۳
دمشق : ۱۱۹,۱۱۸,۱۰۷,۲۵,۲۲
۲۰۵,۲۰۴,۱۴۹,۱۴۸,۱۳۷,۱۳۳
۲۷۷,۲۷۵,۲۲۵,۲۲۲,۲۱۱
دمیاط : ۲۳۳
دهرام داس (نقاش) : ۷۲

دوره : ۳۶,۳۱
دکن : ۲۵۵
دیاربکر : ۹۹,۴۶
دیراوایگنیس درنامور : ۲۲۲
دیرالزور : ۹۱
دیرسنت جرمیاس : ۲۸

ر

راجپوت : ۷۶
راجپوتانا : ۷۵,۶۹
راگمالا : ۷۶
رباط عمان : ۹۱
ربع رشیدی : ۴۸
رشت : ۲۴۹
رشیدالدین : ۴۹,۴۸
رصافه : ۲۰۵,۱۸۶,۱۸۴,۹۱
رضا عباسی(نقاش) : ۲۰۱,۸۴,۶۷,۶۶
رقه : ۱۸۶,۱۸۵,۱۸۴,۱۷۹,۹۱,۴۲
۲۲۳,۲۰۵
روسیه : ۱۰۲
ری : ۱۶۵,۱۶۲,۱۶۰,۱۵۸,۵۲,۴۷
۱۸۲,۱۷۹,۱۷۳,۱۷۱,۱۶۹,۱۶۷
۲۰۶,۱۹۱,۱۹۰,۱۸۹,۱۸۸,۱۸۴
۲۴۴,۲۱۵

ز

الزهراء (مدینه): ۲۱۲,۱۲۹,۱۰۹
زنجان : ۱۷۴
زین‌الدین‌محمود (خطاط) : ۸۳

س

ساراگوسا : ۲۲۰
ساره (فردریک) : ۱۶۶,۱۰۱,۹۲ ,
۲۷۷,۲۶۲,۲۲۹,۱۸۴,۱۶۷
ساکیسیان : ۲۸۱

سامره : ۲۳،۳٦،۳۹،٤۰،٤۱،٤۲،۹۲
۹۳،۹۳،۹۵،۱۱٤،۱۰٦،۱۰۸،۱٦۰
۱٦۵،۱٦۷،۱۷۰،۱۷۱،۲۱۵،۲۱۷
۲۱۸،۲۳۳
سانولا (نقاش) : ۷۲
ساوه : ۱۷۰،۱۷۳،۱۷۷،۱۸۸،۱۸۹،
۲۰٦،۲۱۵
سبز پوشان : ۹۵
سبزوار : ۵٤،۲۷۳
سعدی : ۵٤،۸٤
سقاره : ۲۸
سرقسطه : ۱۱۰
سلطان‌آباد : ۱۷۳،۱۷۵،۱۷٦،۱۷۷،
۱۸۸،۱۸۹،۱۹۰،۲۰٦
سلطان‌علی مشهدی (خطاط) : ٦۲،۸۲،۸۳
سلطان‌محمد (نقاش) : ٦۲،٦۳،٦٤،۷۱
۲٦٦
سلطان‌محمد نور : ٦۲،۸۳
سلطانیه : ۲٤،۱۸۸،۱۸۹،۱۹۵
سلیمان‌ابوالحسن‌طالوت دامغانی : ۱۹۵
سمرقند : ۵۵،۵۳،۵۷،۱۲٤،۱۲۵،۱٦۰
۱٦۱،۱٦۲،۱٦٤،۱٦۵،۱۸۸،۱۹۷،
۲٤۳،۲۸۳
سمیرنف : ۱۳۷
سنجار : ۱۰۰،۲۲۱
سور داس : ۷۲
سوماخ : ۲۸۲
سویل : ۱۵۵،۲۱۳،۲۵۲
سیاوش (نقاش) : ٦۸
سیت : ۳۸،۹٤
سیستان : ۸۰،۱٤۰
سیسیل : ۱۳۰،۱۳۱،۱۳۲

ش

شاردن : ۱۹۹،۲۳۱،
شامی (سفال ساز) : ۲۰۷
شاهقلی (نقاش) : ٦۸
شاه‌محمود نیشابوری : ۸۳
شاهنامهٔ فردوسی : ۵۰، ۵۱، ۵۳، ۵٤
۵۵، ٦٤،٦۷،۸۳،۲٦۰
شاهی : ۱٤۳
شجاع بن‌منعهٔ موصلی : ۱٤۵
شرف بن‌محمود (حجار) : ۱۰٤
شعبان ثانی : ۱۳۲
شنکار (نقاش) : ۷۲
شوش : ۳۵،۱۵٦،۱۵۸،۱٦۰، ۱٦۲
۱٦۵،۱٦۷،۱٦۹،۲۱۵
شوشتر : ۳۵،۲٦۱،۲۷۳
شیخ‌زادهٔ خراسانی : ٦۲،٦۳
شیخ عباده : ۳۱،۳۵،۳٦
شیراز : ۵۲،۵۳،۵٦،۵۷،٦۵،۸۲،۱۹۹
۲۰۰،۲۰۱،۲۳۱
شیرعلی : ۵۹
شیروان : ۲۸۲

ص

صفی‌الدین اردبیلی : ۲٦
صنعا : ۲۳۸

ض

ضریح امام شافعی : ۱۱۹
ضریح حضرت رضا : ۸۰،۸۲،۱۸۱

ط

طاق بستان : ۳۵
طبرستان : ۱۳۵
طبریه : ۲۵۸

ع

عبدالرحمن الداخل : ۱۰۹,۲۳
عبدالرحمن الناصر : ۱۲۹,۱۰۹
عبدالرحمن خوارزمی : ۸۲,۵۷
عبدالرحیم خوارزمی : ۵۷
عبدالصمد شیرازی : ۷۰
عبدالکریم خوارزمی : ۸۲,۵۷
عبداللهبن‌الفضل : ٤٤
عبدالله (شاگردمحمود مذهب) : ٦٥
عبداللهبن‌احمد : ۸۱
عبدالله صیرفی : ۸۱
عبداللهبن‌محمد : ۸۰
عثمان‌بن سلیمان نخجوانی : ۱٤۳
عجمی (سفال‌ساز) : ۲۰۷
علی اسفراینی : ۱٤۳
عبدالعزیز : ۲٤۲
علی‌بن حسین‌بن‌محمد موصلی : ۱۵۰
علی‌بن صوفی : ۱۲۵
علی‌بن محمد بن ابوطاهر : ۱۹۱,۱۸۲
علی‌بن محمد امکی : ۲۲۷
علی حسینی : ٦۱
علیرضا عباسی : ۸٤
عنبر : ۲۷٤
عین شمس ۱۱۲
عین‌الصیره : ۱٤۲

غ

غازان‌خان : ٤۷
غرناطه : ۱۵٤,۱۲٦,۱۱۱,۷۹,۲۲,
۲۵٤,۲۵۲,۲۱۳
غزال : ۲۰۷
غزنویان : ۹٦,۲٤
غزنه : ۹٦
غیاث : ۲٤۷
غیاث‌الدین (نقاش) : ۵٤
غیاث‌الدین جامی : ۲٦۲

ف

فاس : ۱۱۱,۷۹
فالک : ۲٤۵,۲٤۲,۳۷
فتح پورسکری : ۲۷۳,۷۲,۷۰
فرخ بیگ (نقاش) : ۷۳,۷۲
فسطاط : ۱۵٦,۱۲۸,۱۲۷,۱۱۲,۱۰٦
۲۰٦, ۲۰۵,۲۰۳,۲۰۲,۱٦۵,۱۵۸
۲۵۹,۲۵۷,۲۳٤,۲۳۳,۲۲۰,۲۱۹
فلورانس : ۲۵۹,۲۲۱
فرغانه : ۲۵
فیستر : ۳٦
فیوم : ۲۳٤,۲۱۹

ق

قاسم‌علی (نقاش) : ٦۰,۵۹
قاهره : ۱۱۷, ۱۱٦, ۱۰۸, ۱۰۷,۲۵
۲۳۵ ,۱۵۰, ۱٤۸,۱٤۷,۱۳۹,۱۱۸
۲۷۷,۲٦۰,۲٤۳
قایتبای : ۱۵۰
قبرابی سعدبن‌محمد : ۹۸
قبر امیر ثعلب : ۱۱۹
قبر امام عون‌الدین : ۹۹
قبر امام یحیی : ۹۹
قبرسلطان سنجر : ۹٦
قبر محمود غزنوی : ۱۲۱
قبةالصخره : ۱۱۲
قبة قلاوون : ۱۱٦
قرطبه : ۲۱۲,۱۲۹,۱۲۵,۱۱۰,۱۰۹
۲۵۲
قزوین : ۱۰۳
قصرالاسود (قره سرای) : ۱۰۰

قصر پیتی (فلورانس) : ۲۲۱
قصرالجعفریه : ۱۱۰
قصر چهل‌ستون : ۲۰۱,۱۲۸
قصرالحمراء : ۱۲۶,۱۱۱
قصرالطوبه : ۱۱۴,۹۱
قصرالمشتی: ۱۱۲,۹۱,۹۰,۳۴,۲۷,۲۵
۱۱۴,۱۱۳
قصیر عمرة : ۳۹,۲۷
قلاوون : ۱۴۸,۱۲۸,۱۰۷,۲۵
قلعهٔ قاهره : ۱۰۶
قفقاز : ۲۸۰,۱۰۲
قم : ۱۹۳,۱۹۱
قمصر : ۱۹۰
قونیه : ۲۵۸,۱۲۲,۱۰۷,۱۰۱
قیروان : ۱۶۸
قیزیل : ۳۶

ک

کاپلاپالانتینا : ۱۳۳,۱۳۱
کازاك : ۲۸۲,۲۸۰
کاشان : ۱۸۱,۱۷۷,۱۷۶,۱۷۳,۴۷
۱۹۲,۱۹۱,۱۹۰,۱۸۸,۱۸۴,۱۸۲
۲۶۹,۲۶۷,۲۶۱,۲۴۷,۱۹۴,۱۹۳
۲۷۲
کتابخانهٔ انجمن آسیائی لندن : ۸۹,۴۹
کتابخانهٔ ایاصوفیه اسلامبول : ۴۶
کتابخانهٔ بودلیان : ۶۰،۵۵
کتابخانهٔ توپقاپوسرای اسلامبول : ۴۴
۸۷,۵۷,۵۳,۵۲,۴۹,۴۶
کتابخانهٔ حبیب گنج در علیگره : ۷۳
کتابخانهٔ دانشگاه ادمبورگ : ۴۹
کتابخانهٔ سلطنتی مصر در قاهره : ۴۴
۸۰,۵۳
کتابخانهٔ قوام‌الدین حسن : ۵۲
کتابخانهٔ ملی پاریس : ۴۵, ۵۰, ۵۶
۸۰,۶۹,۶۸,۶۷,۵۵,۶۴,۶۳,۶۱
کتابخانهٔ ملی مونیخ : ۱۴۶
کتابخانهٔ ملی وینه : ۸۱
کتابخانهٔ مورگان : ۴۸,۴۷
کرپرتر (سررابرت) : ۲۳۱
کرمان : ۲۷۴,۲۷۳,۲۶۹,۲۰۰,۱۹۹
کرمانشاه : ۳۵
کش (شهر سبز) : ۲۱۵,۱۹۷
کوشلن : ۱۶۶
کولمبیادوسن ازیدورو : ۲۴۵
کلیسای ابی‌سیفین : ۱۱۸
کلیسای پامپلونا : ۱۲۹
کلیسای جرونا : ۱۵۵
کلیسای روزنبرگ : ۲۴۲
کلیسای زامورا : ۱۲۹
کلیسای سنت سرواتیوس : ۲۴۴,۳۷
کلیسای سنت استفن : ۲۲۴
کلیسای سن‌ژوس سورمر : ۲۴۳
کلیسای سن‌مارکو : ۲۲۱
کلیسای سانتیسیماانونزیاتا : ۲۵۹
کلیسای سالامنکا : ۲۵۳
کلیسای سویل : ۱۵۵
کلیسای سیت بربارا : ۱۱۶
کلیسای قرطبه : ۱۵۵
کلیسای لریدا : ۲۵۳
کلیسای ماربی : ۲۵۹
کلیسای وورزبرگ : ۱۳۱
کلیسای ویش : ۲۵۷
کلیسای مار آهوداما : ۱۰۰
کندریک : ۲۴۲
کوبا : ۲۸۳,۲۸۲,۲۸۱,۲۸۰
کوباچه : ۲۰۲,۲۰۱,۱۰۲

کوتاهیه : ۲۷۵,۲۱۱,۲۰۹
کوفه : ۲۷
کوکند : ۱۲٤
کولا : ۲۷۹,۲۷٦
کوم اوشیم : ۳۸
کوانکا : ۱۳۰
کوهنل (پرفسور) : ۱۳۱,٦۹,٦۲,٥٥
۲۱٤
کیفا : ۱۳۸

گ

گالری والترز : ۱٥۲,۱۳۷
گواردهان (نقاش) : ۷٤,۷۲
گوالیور : ۲٥٥
گجرات : ۷۱
گرجستان : ۱۰۲
گرون ودل : ٤۳
گروس : ۱۷٤,۱٦۰
گمبرون : ۱۹۹
گنبد صخره : ۳۷
گیوردس : ۲۷۸,۲۷٦,۲٥۹
گالری فریر واشنگتن : ٦۸,٥۱,٤٦
۲۲۸,۱۹۰,۱٤۳,۱۱۲
گالری ملی لندن : ۲٥۹,٦۸
گالری ملی واشنگتن : ۲۷۳

ل

لئون : ۲٤٥
لاریک ۲۷۹
لام (دکتر) : ۲٥۷,۲۲۳,۲۲۱,۲۱۸
لاهور : ۲۷٤,۲۷۳,۲٥٥
لایپزیک : ۸۰
لعل (نقاش) : ۷۲
لنینگراد : ٥۲,٤٥
لین پول : ۱٤۹

م

مارکوپولو : ۲٥۸,۲٤٥
ماستریخت : ۳۷
ماسولی پاتام : ۲٥٥
مالاگا : ۲٥۲,۲۱٤
مانیس : ۲۱٤,۲۱۳
مانکوفسکی : ۲۷۲
مانی : ٥۸,٥٤,٤۳
مجموعهٔ اسمیت (ری‌وینفیلد) : ۲۲۰
مجموعهٔ استون (جرج) : ۱٥٥
مجموعهٔ التمن : ۲٦۲,۲۱۲,۲۰۹
۲۷٥,۲۷۰,۲٦٦
مجموعهٔ اندرسن : ۱۸۰
مجموعهٔ بار (در لیدن) : ۲۲۹
مجموعهٔ بالارد : ۲٦۸,۲٦۲,۲٦۰
۲۸٤,۲۷۷,۲۷٦
مجموعهٔ برانگوین (لندن) : ۱۷٦
مجموعهٔ بلومنتال : ۲٦۲
مجموعهٔ بوکوا(کنت) دروینه : ۲٦٤
مجموعهٔ بیکر (جرج) : ۲٦٤
مجموعهٔ پرات (جرج) : ۲۲۱,٦٥
۲٤۹,۲۳٥
مجموعهٔ پزی (ژان) : ٥۰
مجموعهٔ پیتل (پاریس) : ۱٤۳
مجموعهٔ پیلزبری (میناپولیس) :۱۷٦
مجموعهٔ تیلور (مایرون) : ۲٦۲
مجموعهٔ جاییور (مهاراجه) : ۲٦٤,
۲۷٥
مجموعهٔ جیلت : ٥۱
مجموعهٔ چستر بیتی : ٦۹,٥٥,٥۳,٥۲
۸۱,۸۰,۷۲

مجموعهٔ دالکیث (ارل) : ۲۷۷
مجموعهٔ داویس : ۲۸۱
مجموعهٔ دبنهام (سرارنست) : ۱۷۶
مجموعهٔ دبهاك (کنتس) : ۲۰۵
مجموعهٔ دیموت : ۵۲,۵۱,۵۰
مجموعهٔ راجرز (میسیز رنه) : ۲۷۰
مجموعهٔ روچیلد (ادموند) : ۱۳۲
مجموعهٔ روچیلد(ادوارد) : ۲۲۵,۲۲۴
مجموعهٔ روچیلد (رابرت) : ۲۲۹
مجموعهٔ روچیلد(موریس) : ۲۶۶,۶۳
مجموعهٔ روکفلر : ۲۶۵,۱۸۶,۴۱
مجموعهٔ رینر (ارشیدوك) : ۴۲
مجموعهٔ سامره : ۲۲۹,۱۴۲
مجموعهٔ ساکویل (لرد) : ۲۷۳
مجموعهٔ شوارزبرگ (وینه) : ۲۶۴
مجموعهٔ شولتز : ۵۳
مجموعهٔ شیف (جان) : ۱۸۳
مجموعهٔ فلچر ، ۲۶۳
مجموعهٔ فوربز : ۵۱
مجموعهٔ فیگدور : ۲۷۱,۱۲۸
مجموعهٔ کارتیه(لوئی) : ۶۲,۶۱,۵۵
۸۹,۶۳
مجموعهٔ کلیکیان : ۲۰۴,۱۹۷,۱۸۹
مجموعهٔ کوشلن : ۲۱۱
مجموعهٔ کورکیان : ۱۹۱
مجموعهٔ لیختنشتاین : ۲۷۰
مجموعهٔ گتی (پال) : ۲۶۴,۲۶۲
مجموعهٔ گلبنکیان : ۸۲,۵۵
مجموعهٔ گمسرگان : ۱۷۶
مجموعهٔ مور : ۲۰۶,۱۹۴,۱۵۵,۱۵۲
۲۳۰,۲۲۵,۲۲۴,۲۰۹
مجموعهٔ مورگان : ۱۴۲,۳۸,۳۲,۲۹
۱۵۴
مجموعهٔ میسی : ۱۸۰,۱۷۴,۱۷۳
مجموعهٔ هاوماير (هوراس) : ۵۲
مجموعهٔ هراری : ۱۴۲,۱۳۹,۱۳۶
۱۵۲,۱۵۱,۱۴۳
مجموعهٔ هوفر : ۶۴
مجموعهٔ هومبرگ : ۱۴۴
۲۶۹,۲۱۳,۱۹۰,۱۸۵,۱۸۰,۱۷۶
مجموعهٔ والرشتاین (کنت) : ۱۳۹
مجموعهٔ وور (هنری) : ۵۱
مجموعهٔ ویدنر : ۲۷۳
مجموعهٔ ویلیامز : ۲۸۴,۲۷۰
محمد قوام‌شیرازی (خطاط) : ۶۵
محمد نادر (نقاش) : ۷۴
محمد فاخرالله‌خان (نقاش) : ۷۵
محمد قاسم (نقاش) : ۶۷
محمد بن‌حسین : ۱۲۴
محمد بن واحد : ۱۴۱
محمد بن‌ابی طاهر : ۱۸۱
محمد بن‌الزین : ۱۴۹
محمد بن‌رفیع‌الدین شیرازی : ۱۵۲
محمدی (استاد) : ۸۸,۶۴
محمود بخارائی : ۸۴
محمود خان : ۱۵۳
محمود مذهب : ۶۵
محمود بن محمد هراتی : ۱۴۲
محمود کردی : ۱۵۴
محمود نیشابوری : ۵۸
مدائن : ۱۶۰,۱۵۸,۱۵۶,۳۴,۳۳
۲۱۵,۱۷۰,۱۶۷,۱۶۵
مدرسهٔ بن‌یوسف : ۱۱۰
مدرسهٔ امامی : ۱۹۵
مدرسهٔ سلطان‌حسن : ۱۰۸
مدرسهٔ سالار و سنجر جاولی : ۱۰۸

مدرسهٔ صالح نجم‌الدین ایوب : ۱۰۶
مدرسهٔ میرجانی : ۱۹۵,۱۰۱
مدرسهٔ : الناصر محمد بن قلاوون: ۱۰۸
مراد (نقاش) : ۷۳
مراغه : ٤۷
مرسیا : ۲۵۲
مرو : ۹٦, ۱٤۰, ۱٤٤, ۱۷۱, ۲٤۲, ۲٤۳
مروان بن مرعی : ۲۳۵
مسجد ابن طولون : ۱۱۹,۹٤
مسجد اردستان : ۹۷
مسجد الازهر : ۱۰۵ ۱۰٦, ۱۱۵
مسجد اصفهان (جامع) : ۱۹٦
مسجد الاقصی : ۱۱۲
مسجد امامزاده یحیی : ۱۹۱,۱۸۱
مسجد بای‌حاکم : ۱۹۵
مسجد بایزید : ۱۲۳
مسجد بایشهر : ۲۵۸
مسجد بیبرس : ۱۰۷
مسجد تلمسان : ۱۲٦,۱۱۱
مسجد جامع‌الجزیره : ۱۲٦
مسجد الجیوشی : ۱۰۵
مسجد الحاکم : ۱۱۵,۱۰۵
مسجد الحسین (عسقلان) : ۱۱۸
مسجد حیدریه (قزوینی) : ۱۰۳
مسجد الحکم : ۱۲۱
مسجد الخلیل (درحبرون) : ۱۱۸
مسجد خیوه : ۱۲۱
مسجد رستم‌پاشا : ۲۱۰
مسجد سرچالی : ۱۹۵
مسجد سلطان احمد : ۲۱۰
مسجد سلطان جان : ۱۰۱
مسجد سلطان‌مراد (ادرنه) : ۲۰۸
مسجد سیدهٔ رقیه : ۱۱۷
مسجد شاه‌صفی : ۲٦۳,۲۰۰
مسجد شاه‌زند : ۱۲٤
مسجد سلطان شعبان ثانی : ۱۳۲
مسجد صالح طلائع : ۱۱۹,۱۰٦
مسجد عمر : ۲۱۰
مسجد العمری (در قوص) : ۱۱۸
مسجد علاءالدین (قونیه) : ۲۵۸,۱۲۲
مسجد قایت‌بای (قاهره) : ۱۲۰
مسجد قرطبه : ۱۱۱,۱۱۰,۱۰۹
مسجد قزوین : ۹۷
مسجد القصبه : ۱۲٦
مسجد قلعه بست : ۹٦
مسجد قم : ۱۹۳,۱۸۲
مسجد قوصون : ۱۲۰
مسجد قیروان : ۱۸۲,۱۱۲,۱۰۹,۳٤
مسجد الکبیبه (سراکش) : ۱۲٦
مسجد لرنده : ۱۹۵,۱۱۵
مسجد الماردانی : ۱۲۰
مسجد نائین : ۱۲۳,۹۵,۹٤
مسجد السیدة نفیسه : ۱۱۷
مسجد نورالدین زنگی (درموصل) : ۱۰۰
مسجد یزد : ۱۹٦
مسلم (سفال ساز) : ۲۰٤
مسموغان : ۱۳٤
مشهد ۱۹۹,۱۹۱,۱۸۸,۱۸۱
مصطفی بغدادی (حجار) ۱۰۰
معین (نقاش) ٦۷
مقبرهٔ امام شافعی ۱۰٦
مقبرهٔ امیر ثعلب ۱۱۹

مقبرهٔ باباقاسم ۱۹۵
مقبرهٔ برقوق ۱۰۹
مقبرهٔ قلاوون ۱۰۷
مکه ۲۷,۱۹
منوهر (نقاش) : ۷۴,۷۳
منوهرداس (نقاش) : ۷۴
منصور(نقاش) ۷۳
منصور محمد ایوبی : ۱۰۸
موزهٔ آسیائی لنینگراد : ۴۵
موزهٔ اسلامی برلین : ۲۳۵
موزهٔ اسلامبول : ۲۵۱
موزهٔ آگرا : ۱۲۱
موزهٔ اینزبروك : ۱۳۸
موزهٔ اوقاف : ۲۰۹
موزهٔ بارگلو (فلورانس) ۱۲۸
موزهٔ باستانشناسی مادرید : ۱۵۵,۱۱۰
۳۵۳,۲۱۳
موزهٔ برسلو : ۲۲۲
موزهٔ بروکسل : ۲۴۰,۲۳۶
موزهٔ بریتانیا : ۶۳,۶۰,۵۹,۵۷,۵۳
۱۷۸,۱۵۲,۱۴۵,۱۴۲,۱۳۵,۸۱,۷۹
۲۲۵,۲۲۰,۲۰۹,۱۹۹,۱۹۴
موزهٔ بناکی آتن : ۱۴۶,۱۱۲
موزهٔ بوستن : ۲۲۷,۱۸۰
موزهٔ پولدی پزولی (میلان) : ۲۶۲
۲۶۴
موزهٔ تاریخ در استکهلم : ۲۵۹
موزهٔ تاریخ صنایع در وینه : ۲۲۸
موزهٔ تفلیس : ۱۴۲
موزهٔ چینیلی اسلامبول : ۱۲۲,۱۰۲
۲۲۳
موزهٔ تاشکند : ۱۲۰
موزهٔ تهران : ۱۶۵,۱۶۴,۸۳,۸۰,۴۰
۲۶۰,۱۹۳
موزهٔ دانشگاه فیلادلفی : ۱۸۰,۸۰
موزهٔ دمشق : ۱۱۸
موزهٔ دوسلدورف : ۸۸
موزهٔ دولتی برلین : ۱۳۱,۹۳,۹۰,۳۳
۱۸۱,۱۷۳,۱۶۸,۱۴۲,۱۳۸,۱۳۶
۲۸۴,۲۳۵,۲۲۴,۲۲۰,۲۱۷,۱۹۱
موزهٔ رزیدنز مونیخ : ۲۷۲
موزهٔ ریکس آستردام : ۲۲۲
موزهٔ ستیگلیتز لنینگراد : ۲۶۴
موزهٔ شارتر : ۲۲۳
موزهٔ شاهی اونتاریو : ۲۲۵
موزهٔ صنایع و فنون وینه : ۲۷۷
موزهٔ تزئینی پاریس : ۱۵۰,۱۴۸
موزهٔ صنایع‌ظریفهٔ بوستن : ۶۷,۶۴,۵۱
۲۷۸,۸۱
موزهٔ صنایع تطبیقی برلین : ۲۴۱,
۲۵۲,۲۴۴
موزهٔ صنایع اسلامی قاهره : ۱۰۸,۴۲
,۱۲۵,۱۱۸,۱۱۷,۱۱۶,۱۱۵,۱۱۴
۲۳۱,۲۳۰,۲۲۰,۲۱۹,۱۳۶,۱۲۷
۲۵۸,۲۵۷,۲۴۲,۲۳۸,۳۳۶,۲۳۵
موزهٔ قبطی قاهره : ۱۱۶
موزهٔ قم : ۱۹۴
موزهٔ قونیه : ۱۲۲
موزهٔ قیصرفردریک برلین : ۲۶۴,۲۳۶
موزهٔ کابل : ۲۲۴
موزهٔ کلونی پاریس : ۱۳۰
موزهٔ کلیولند : ۱۷۳
موزهٔ کلیسای ویش : ۲۵۲

موزهٔ کوپریونیون (نیویورک) : ۲۳۹
۲۵۳،۲۴۷،۲۴۳
موزهٔ لوور : ۶۴،۶۷،۱۲۸،۱۲۹،۱۳۹
۱۴۰،۱۴۲،۱۴۳،۱۴۷،۱۴۹،۲۰۱،
۲۰۴،۲۰۹،۲۱۱،۲۲۱،۲۲۴،۲۴۳
موزهٔ لیون : ۲۴۵
موزهٔ متروپولیتن : ....
موزهٔ ملی استکهلم : ۱۷۶
موزهٔ ملی مادرید : ۱۲۹
موزهٔ منسوجات واشنگتن : ۲۵۷
موزهٔ ویکتوریا وآلبرت : ۷۰،۱۰۸
۱۲۵،۱۲۹،۱۴۴،۱۸۹،۱۹۷،۲۰۱
۲۰۴،۲۲۱،۲۳۶،۲۴۰،۲۶۳،۲۶۴
موزهٔ هرمیتاژ : ۴۲،۱۲۴،۱۳۴،۱۳۵
۱۳۶،۱۳۷،۱۴۰،۱۴۱،۱۴۲،۱۴۳،۱۹۳
موزهٔ گلستان : ۵۵،۱۲۵،۱۴۲،۱۴۴
موزیل : ۳۹
موصل : ۲۵،۱۰۰،۱۰۷،۱۲۲،۱۴۱
۱۴۴،۱۴۵،۱۴۷،۱۸۷،۲۲۶،۲۴۵
میرسید علی (نقاش) : ۷۰
میرعلی (نقاش) : ۶۵،۶۶
میرعلی هراتی (خطاط) : ۸۳
میرعلی تبریزی (خطاط) : ۸۱
میرعلی شیرنوائی : ۵۸،۶۰،۸۲
میرعماد (خطاط) : ۸۳
میرقاسم (نقاش) : ۷۵
میرك : ۶۳،۷۱

ن

نارسنیگ (نقاش) : ۷۲،۷۳
نسخهٔ خطی کتاب اسکندرنامه : ۵۴
نسخهٔ خطی کتاب آلات خودکار : ۴۶
نسخهٔ خطی کتاب امیر حمزه : ۶۱،۷۱
نسخهٔ خطی کتاب بوستان سعدی : ۵۴،۶۶
نسخهٔ خطی کتاب تاریخ آل‌عثمان : ۶۸
نسخهٔ خطی کتاب تیمورنامه : ۷۲
نسخهٔ خطی کتاب جامع‌التواریخ :
۴۸،۴۹،۵۰
نسخهٔ خطی کتاب خسرو وشیرین : ۵۴
نسخهٔ خطی کتاب خمسهٔ امیرخسرو دهلوی
۶۱
نسخهٔ خطی کتاب خمسهٔ نظامی : ۵۴
۵۵،۵۶،۵۹،۶۰،۸۳،۸۷
نسخهٔ خطی کتاب خواص داروها : ۴۴
نسخهٔ خطی دیوان جامی : ۵۷،۸۲
نسخهٔ خطی دیوان خواجوی کرمانی : ۱۵۲
نسخهٔ خطی دیوان حافظ ۶۲،۶۳
نسخهٔ خطی دیوان میرعلی شیرنوائی
۶۰،۶۳
نسخهٔ خطی کتاب سلیمان‌نامه : ۶۸،۶۹
نسخهٔ خطی شاهنامهٔ فردوسی : ۵۰،۵۱
۵۲،۵۴
نسخهٔ خطی عجائب‌المخلوقات : ۸۲
نسخهٔ خطی فتوح‌الحرمین : ۶۶
نسخهٔ خطی کلیله و دمنه : ۴۵،۵۶
نسخهٔ خطی گلستان سعدی : ۵۴،۵۵،۸۴
نسخهٔ خطی لیلی ومجنون : ۵۴
نسخهٔ خطی مخزن‌الاسرار نظامی: ۵۴،۶۵
نسخهٔ خطی معراج‌نامه ۵۶
نسخهٔ خطی مقامات حریری : ۴۴،۴۵،۷۱
نسخهٔ خطی منافع الحیوان : ۴۸
نسخهٔ خطی مونس‌الاحرار : ۵۳
نسخهٔ خطی هفت پیکر : ۵۴
نسخهٔ خطی یوسف و زلیخای جامی :
۶۵،۶۶،۸۳

نطنز : ۱۹۵
نظام‌بن شهاب (حجار) : ۱۰۵
نهاوند : ۹۸,۲۳,۲۱
نیشابور : ۱۴۰,۱۳۶,۹۶,۹۵,۹۴,۴۰
۱۶۲,۱۶۱،۱۶۰,۱۵۸,۱۵۶,۱۵۵
۱۷۱,۱۷۰,۱۶۹,۱۶۶,۱۶۴،۱۶۳
۲۱۸,۲۱۷,۲۱۵,۱۸۸,۱۷۳,۱۷۲
۲۴۳,۲۴۲
نیگده : ۲۸۰

ه

هرات : ۵۸,۵۵,۵۴,۵۳,۲۶,۲۵,۲۱
۱۴۲,۱۴۱,۱۴۰,۸۷,۸۳,۶۵,۶۱
۲۶۷,۲۶۵,۲۶۱,۱۷۱,۱۴۴,۱۴۳
۲۸۳,۲۷۴,۲۷۰
هرتسفلد : ۱۶۶,۱۶۰,۱۳۴,۹۲,۹۱
,۱۶۷
هرکه : ۲۴۹
هرمزی (سفال ساز) : ۲۰۷
همایون : ۲۵
همدان : ۲۶۱,۲۴۹,۱۷۴,۱۴۰,۱۰۳
هوزر (والتر) : ۲۰۴
هولباین : ۲۸۴,۲۸۴
هونهار (نقاش) ۷۴

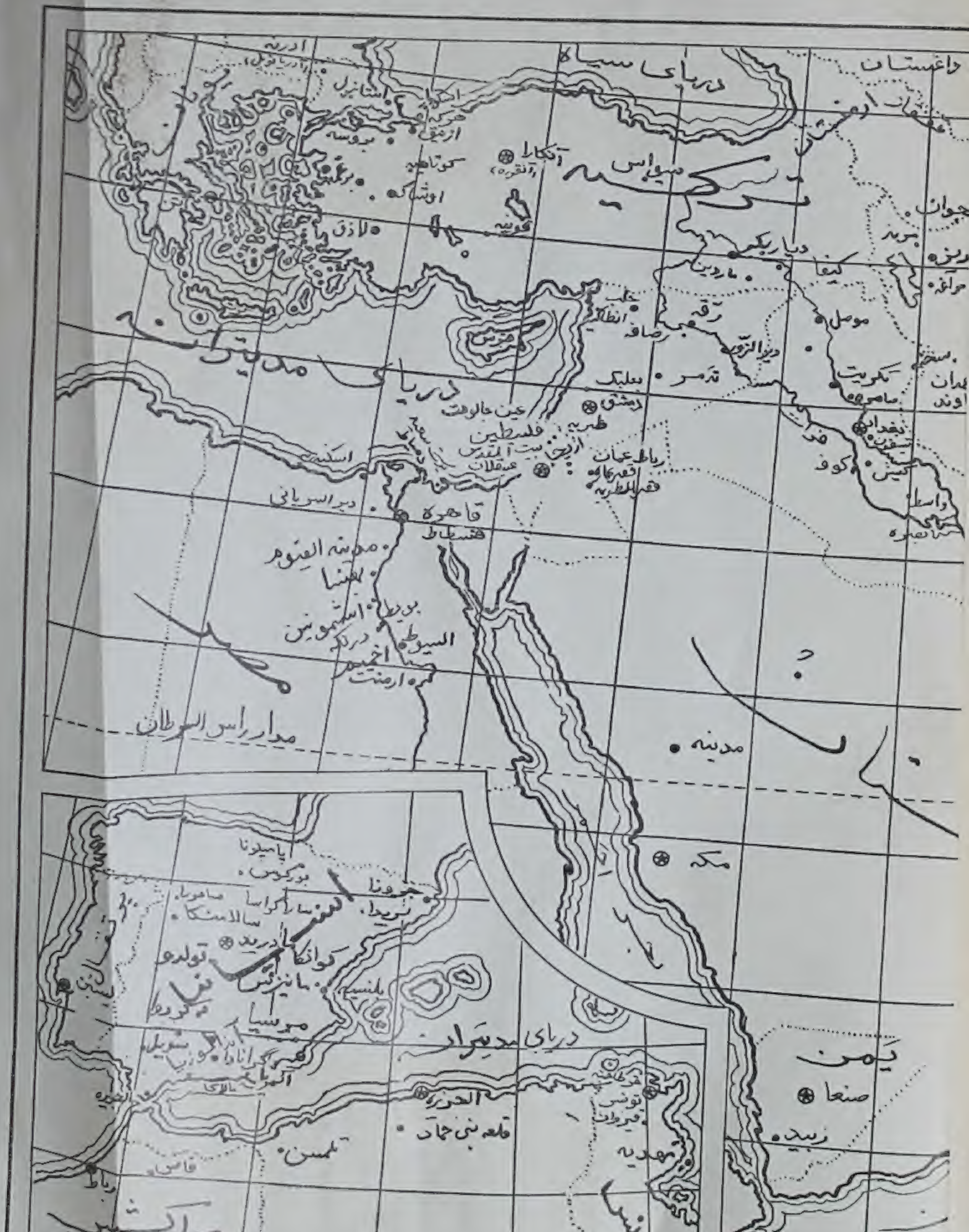
و

واسط : ۲۷
واتیکان : ۲۴۳
والترز (هنری) : ۱۶۱
والنسیا : ۲۱۴,۲۱۳
ورامین : ۱۹۵,۱۹۳,۱۹۱,۱۹۰
ونیس : ۲۵۹, ۲۷۷,۲۵۰,۲۲۱,۱۵۴
ولید اول : ۳۹
ویت (گاستون) : ۲۲۷,۱۲۴,۴۲
وینه : ۲۶۶

ی

یزد : ۲۴۹,۲۴۷,۱۹۹,۱۹۵,۱۲۲,۹۸
یوسف (نقاش) ۶۷
یوسف‌بن علی‌بن محمد ابوطاهر : ۱۹۳
یسوقند : ۱۷۴


خاور نزدیک و خاور میانه
با قسمتی از
اسپانیا و شمال افریقا
ماوراء النهر
فرغانه
خیوه
رود جیحون
بخارا
افراسیاب
سمرقند
سغد
شهر سبز
یارقند
مرو
مشهد
سبزوار
بسطام
دامغان
نیشابور
خراسان
هرات
افغانستان
کابل
غزنه
کشمیر
لاهور
پنجاب
یزد
قلعه بست
سیستان
کرمان
بلوچستان
شیراز
هرموز
رود سند
سند
راج پوتانا
مدار راس السرطان
گجرات
خلیج عمان
دریای عربستان
بمبئی



دریای سیاه
داغستان
ادرنه
استانبول
بروسه
کوتاهیه
اوشاکه
لاذق
قونیه
آنکارا
(آنقره)
سیواس
ترکیه
دیاربکر
ماردین
کیفا
موصل
رقه
رصافه
حلب
انطاکیه
قبرس
دریای مدیترانه
تدمر
بعلبک
دمشق
عین جالوت
طبریه
فلسطین
بیت المقدس
عسقلان
رباط عمان
اسکندریه
دیر السریانی
قاهره
فسطاط
مدینه الفیوم
بهنسا
بوصیر
اشمونین
السیوط
اخمیم
ارمنت
مصر
مدار راس السرطان
مدینه
مکه
یمن
صنعا
زبید
تکریت
سامره
بغداد
کوفه
واسط
بصره
همدان
نهاوند
پامپلونا
بورگوس
سالامانکا
مادرید
تولدو
قرطبه
مرسیه
بلنسیه
لیسبن
دریای مدیترانه
الجزیره
قلعه بنی حماد
تلمسن
فاس
رباط
مراکش
تونس
قیروان
مهدیه



۱ ـ طاق سنگی با تزیین حجاری شده ازعصر قبطی (قرن ۶ م.)



۲ ـ دستبند ٥ ـ طلا از سوریه (قرن



۳ ـ قطعه‌ای از پارچهٔ قبطی (٤ -۳ م.)



٤ ـ قطعه‌ای از پارچهٔ قبطی (قرن ۸ ـ ۷م./ ۲ ـ ۱ هـ.)



٦ ـ قلاب طلا از دورهٔ اشکانیان
(قرن ۲ ـ ۱ م.)

٥ ـ قطعه‌ای از یک قالی قبطی (قرن ٤م.)





۷ ـ گچبری برجسته از مدائن از زمان ساسانیان
(قرن ٦ ـ ٥ م .)



۸ ـ گچبری برجسته از مدائن از زمان ساسانیان (قرن ٦ ـ



۹ ـ ظرف نقرهٔ مطلا از زمان ساسانیان (قرن ۵ م.)



۱۰ ـ پارچهٔ ابریشمی سوریه (قرن ۷ ـ ۶ م./قرن اول ه.)



۱۱ - نقاشی دیوار از نیشابور درایران
(اوائل قرن ۹م./۳ - ۲ ه.)



۱۲ - گچبری چند رنگه از نیشابور
(قرن ۹ - ۸ م./۳ - ۲ ه



۱۳ - نقاشی مینیاتوراز نسخهٔ خطی کتاب موادطبی ازعراق
(مورخ ۳-۱۲۲۲م./۶۲۰ - ۶۱۹ ه.)

۱۴ - نقاشی مینیاتور از نسخ
منافع الحیوان - مکتب مغولی
(اوائل قرن ۱۴م./۱





۱۵ - حضرت یونس ونهنگ از نسخهٔ
خطی جامع التواریخ - ایران
(اواخر قرن ۱۴م./۵۸.)



۱۶ - تشییع جنازهٔ اسفندیارازنسخهٔ خطی
شاهنامه - مکتب مغولی‌ایران



۱۷ - ضحاك وكاهنان او از نسخهٔ خطی شاهنامه ـ مكتب مغولی ایران
(قرن ١٤م./ ٨ه.)



۱۸ - نقاشی مینیاتوراز نسخهٔ خطی مونس الاحرارم ـ مکتب مغولی
ایران (مورخ ۱۳٤۱ م/. ۷٤۲ ه.)



۱۹ - رستم و گرفتن رخش،ازنسخهٔ خطی شاهنامه ـ
مکتب تیموری ایران (قرن ۱۵ م./ ۹ ه.)



۲۰ ـ خسرو و شیرین ازنسخهٔ خطی خمسهٔ نظامی ـ مکتب
ایران (مورخ ۱۴۴۷-۸ م./۸۵۱ - ۸۵۲ ه.)



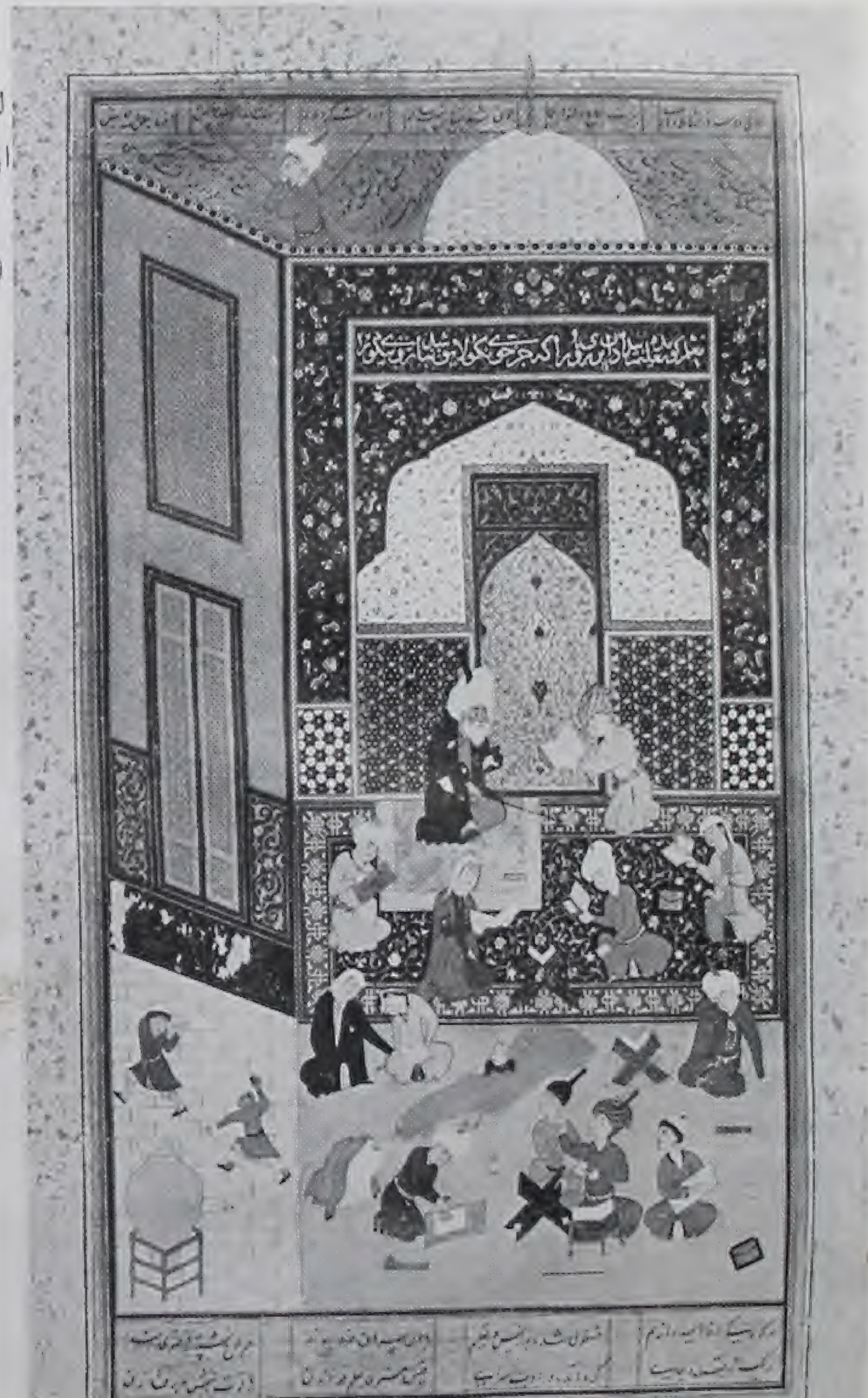
۲۱- شیرین بدوش فرهاد ، ازنسخهٔ خطی
خمسهٔ نظامی ـ مکتب تیموری ایران
(مورخ ۱۴۴۹-۵۰ م./۸۵۳-۸۵۴ ه.)



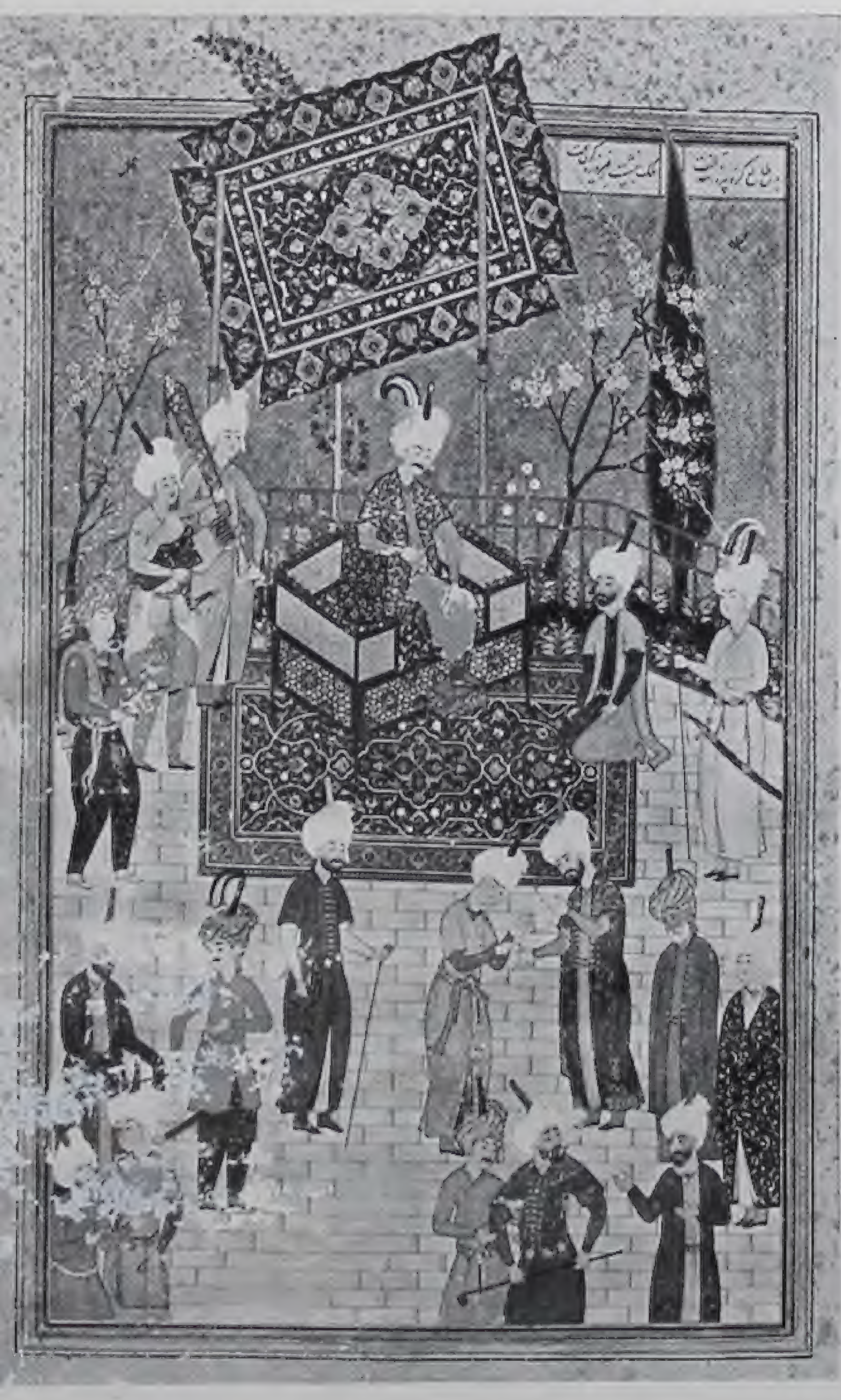
۲۲ - نقاشی مینیاتور ، از نسخهٔ
خطی دیوان جامی - مکتب تیموری
ایران (قرن ۱۵م/۰. ۹ه .)



۲۳ - رقص دراویش باسلوب بهزاد،
از نسخهٔ خطی دیوان جامی
(اواخر قرن ۱۵م/۰. ۹ه .)



لوحهٔ ۱ - لیلی و مجنون
ازنسخهٔ خطی خمسهٔ نظامی
دورهٔ صفوی در ایران
(مورخ ۱۵۲۴-۵ م./
۹۳۱ - ۹۳۲ ه.)





۲۵ - پذیرائی خاقان از
اسکندر، عمل سلطان محمد
از نسخهٔ خطی خمسهٔ نظامی
دورهٔ صفوی
(مورخ ۱۵۲۴/۵)



۲۶ - نقاشی مینیاتور بسبک استاد محمدی
(نیمهٔ دوم قرن ۱۶م ۱۰/۰.ه.)



۲۷ - بحث دراویش با سلطان سوریه ازنسخهٔ خطی بوستان سعدی
مکتب بخارا - ایران (قرن ۱۶م./ ۱۰ﻫ.)

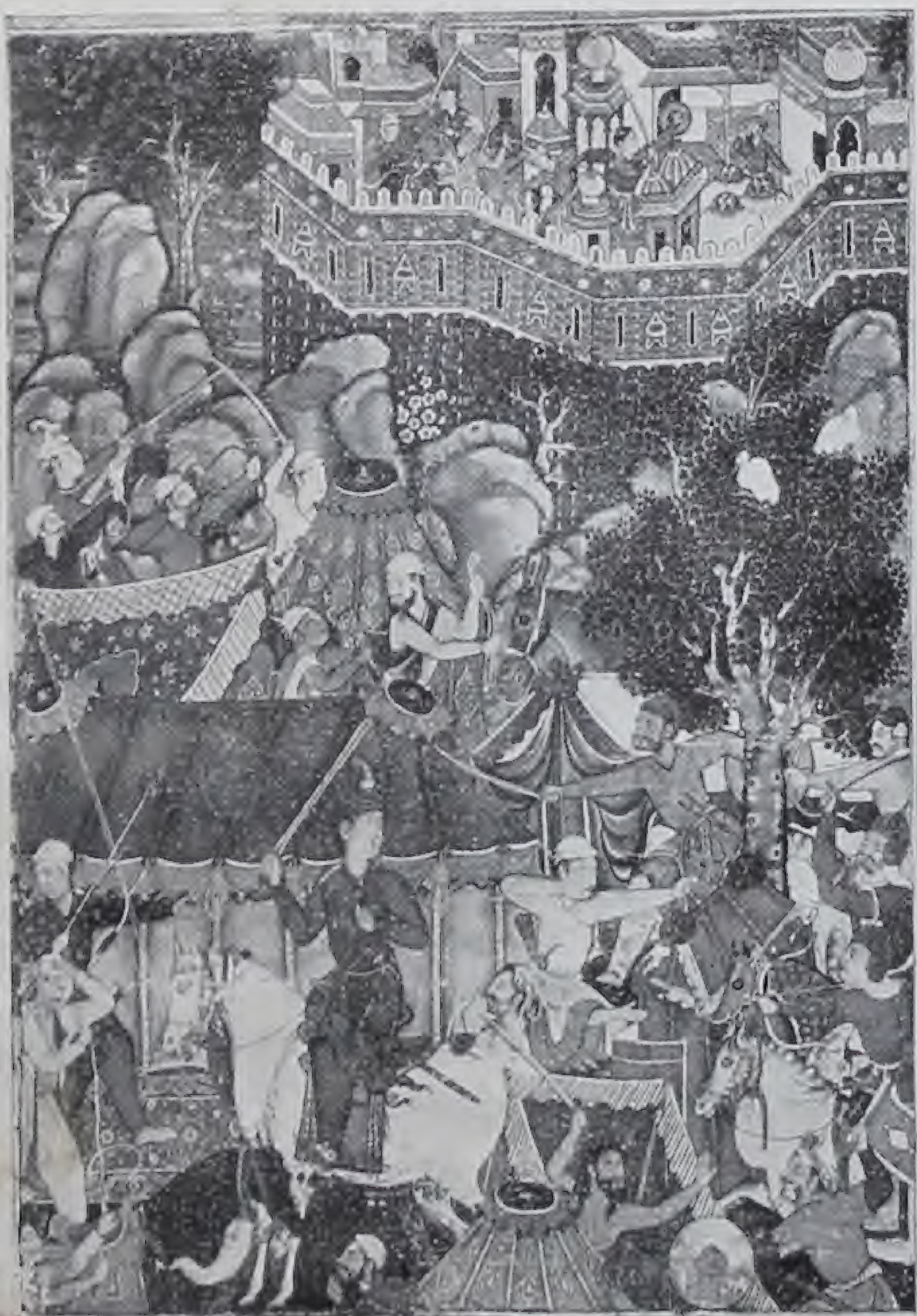


۲۸ - رسم ، عمل رضا عباسی - ایران
(اوایل قرن ۱۷م./ ۱۱ه.)



۲۹ - ترسیمات رنگی عمل رضا عباسی - دورهٔ صفوی ایران
(اوائل قرن ۱۷م./۱۱ه.)





۳۱ - تصویری ازنسخهٔ خطی کتاب امیرحمزه - مکتب مغولی هند
(در حدود ۱۵۵۶-۱۵۷۵ م./ ۹۶۴-۹۸۳ ه.)



۳۲ - پذیرائی تیمور از اسرای ترک ، منتسب بهاهرام داس هندی ازنسخهٔ خطی تیمورنامه مکتب مغولی دورهٔ آکبر (۱۵۵۶-۱۶۰۵م./۹۶۴-۱۰۱۴ هـ.)



۳۳ - نقاشی مینیاتور عمل بساوان هندی مکتب مغولی اکبر (۱۵۵۶تا ۱۶۰۵م./ ۹۶۴ تا ۱۰۱۴ هـ.)

۳٤ ـ جنگ بین دو فیل ، مکتب م
هند ـ دورهٔ جهانگیر (۱۶۲۸-۱۰۵
۱۰۱٤ - ۱۰۳۸ هـ.)



۳٦ ـ مقام موسیقی ـ مکتب راج
هند (قرن ۱۷-۱۶م./۱۰-۹





۳٥ ـ تمثال شاه جهان ـ مکتب مغولی هند
(۱۶۲۸ - ۱۶۵۸م./ ۱۰۳۸ - ۱۰۶۹ هـ.)



۳۷ - صفحه‌ای ازقرآن دورهٔ بنی‌عباس -
(قرن ۹م. / ۳-۲ه.)



۳۸ - صفحه ای از قرآن - دورهٔ ممالیک
مصر (قرن ۱۴-۱۳م./ ۸-۷ه.)



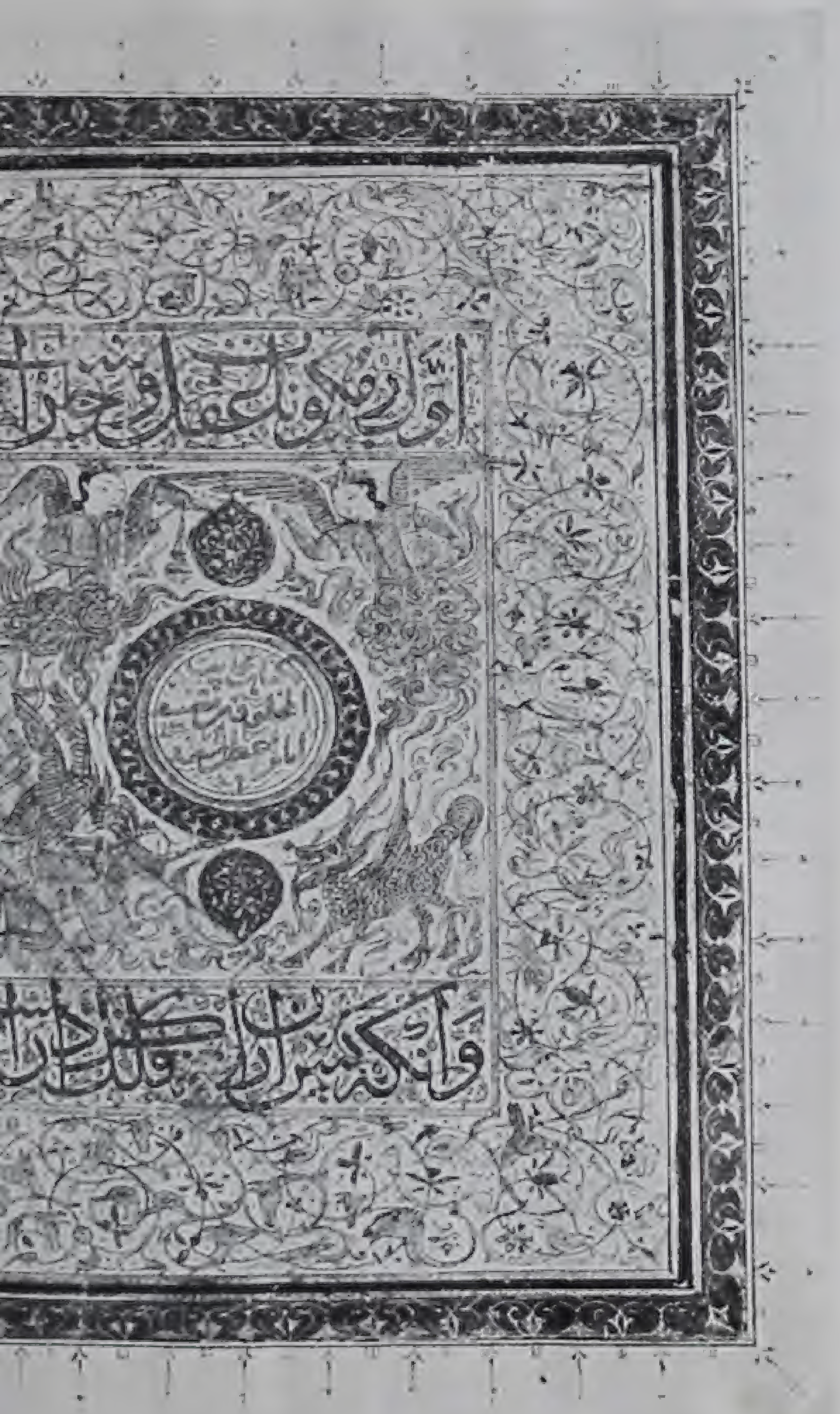
۳۹ - صفحه‌ای از قرآن - ازمراکش
(حدود قرن ۱۳ م./ ۷ه.)



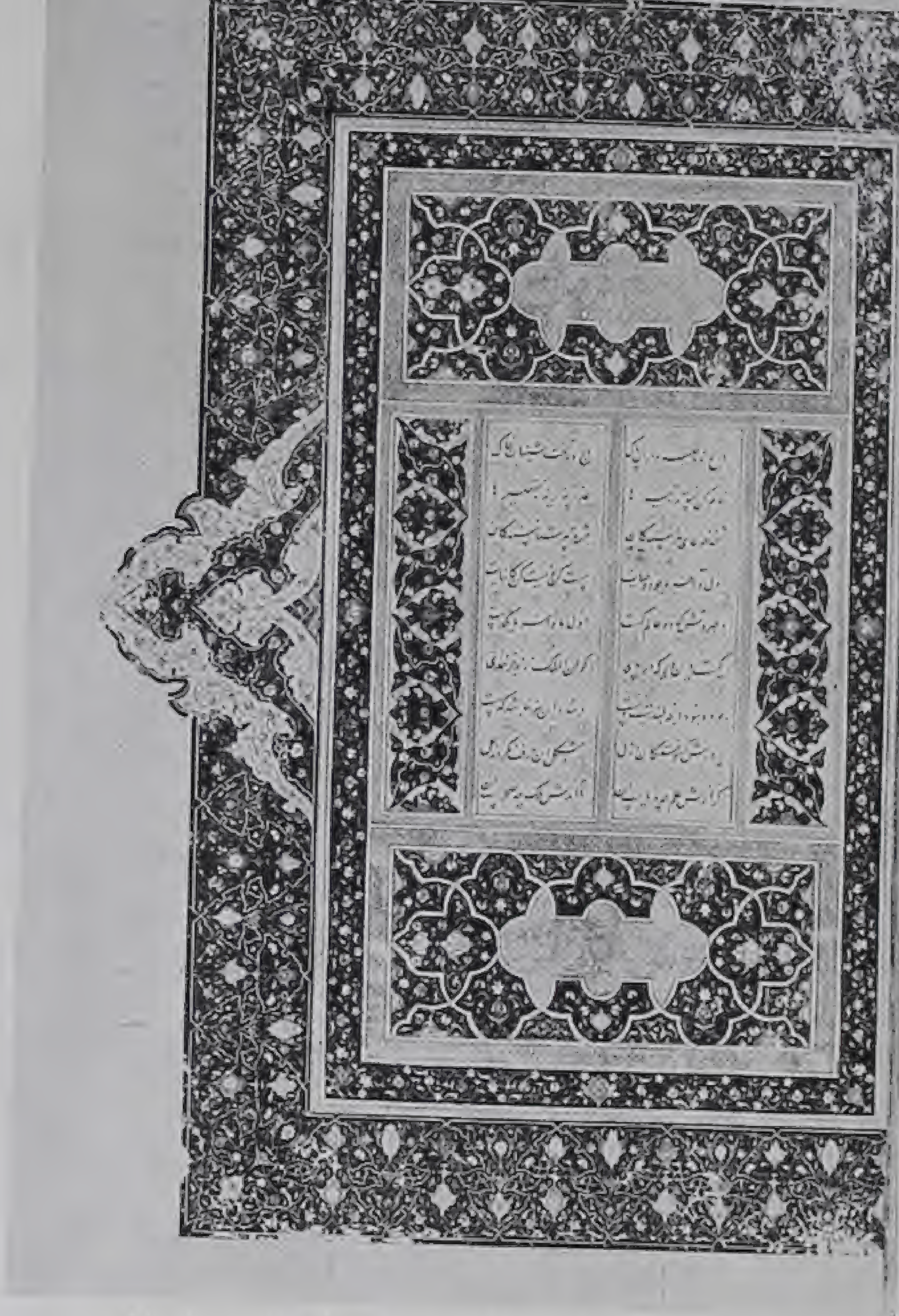
٤٠ ـ صفحه‌ای از قرآن از دورهٔ سلجوقی درایران (مورخ ١٠٥٤م./٤٤٦هـ.)



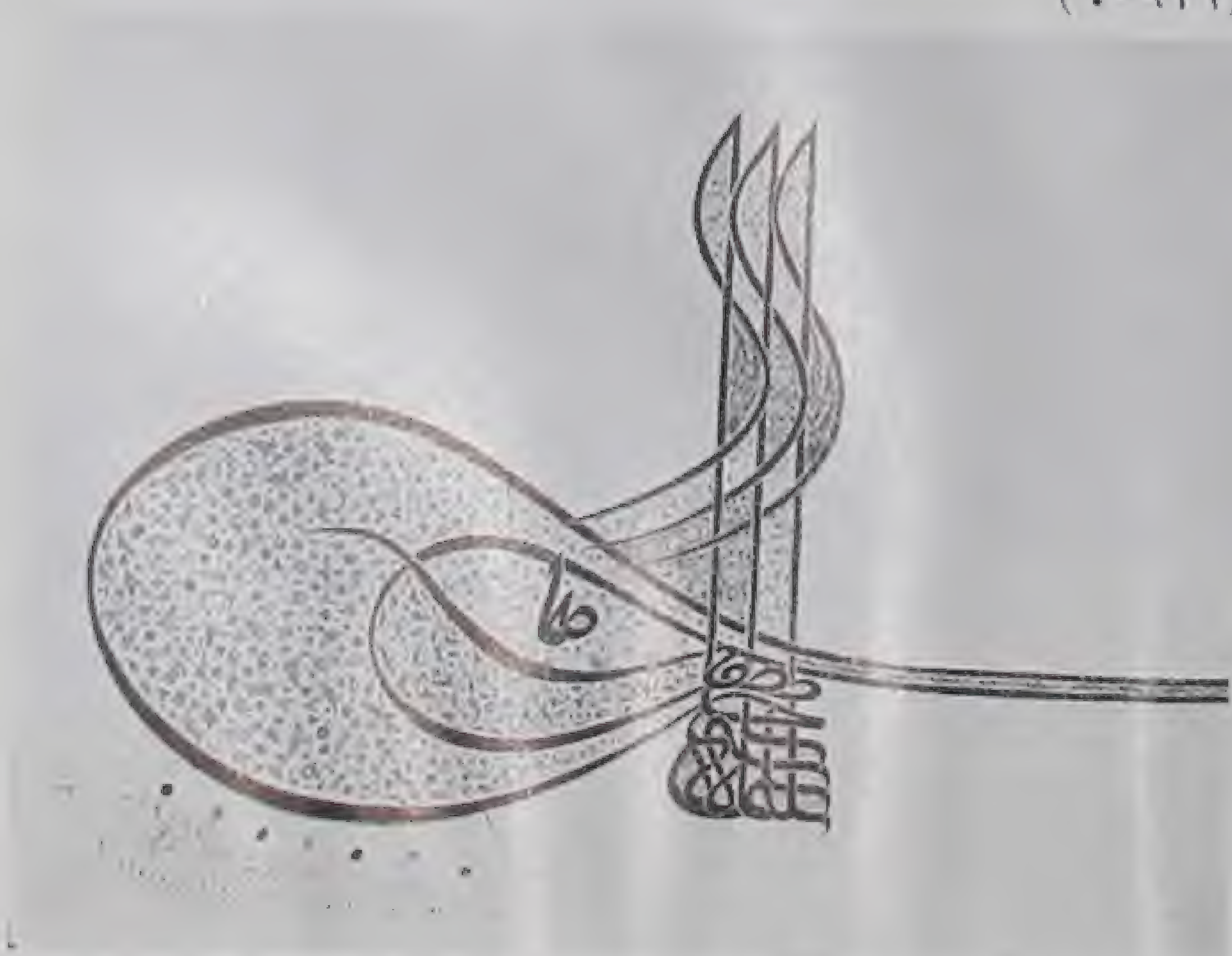
٤١ ـ صفحه‌ای‌از قرآن از دورهٔ سلجوقی ایران (قرن ١٣م./٧هـ.)



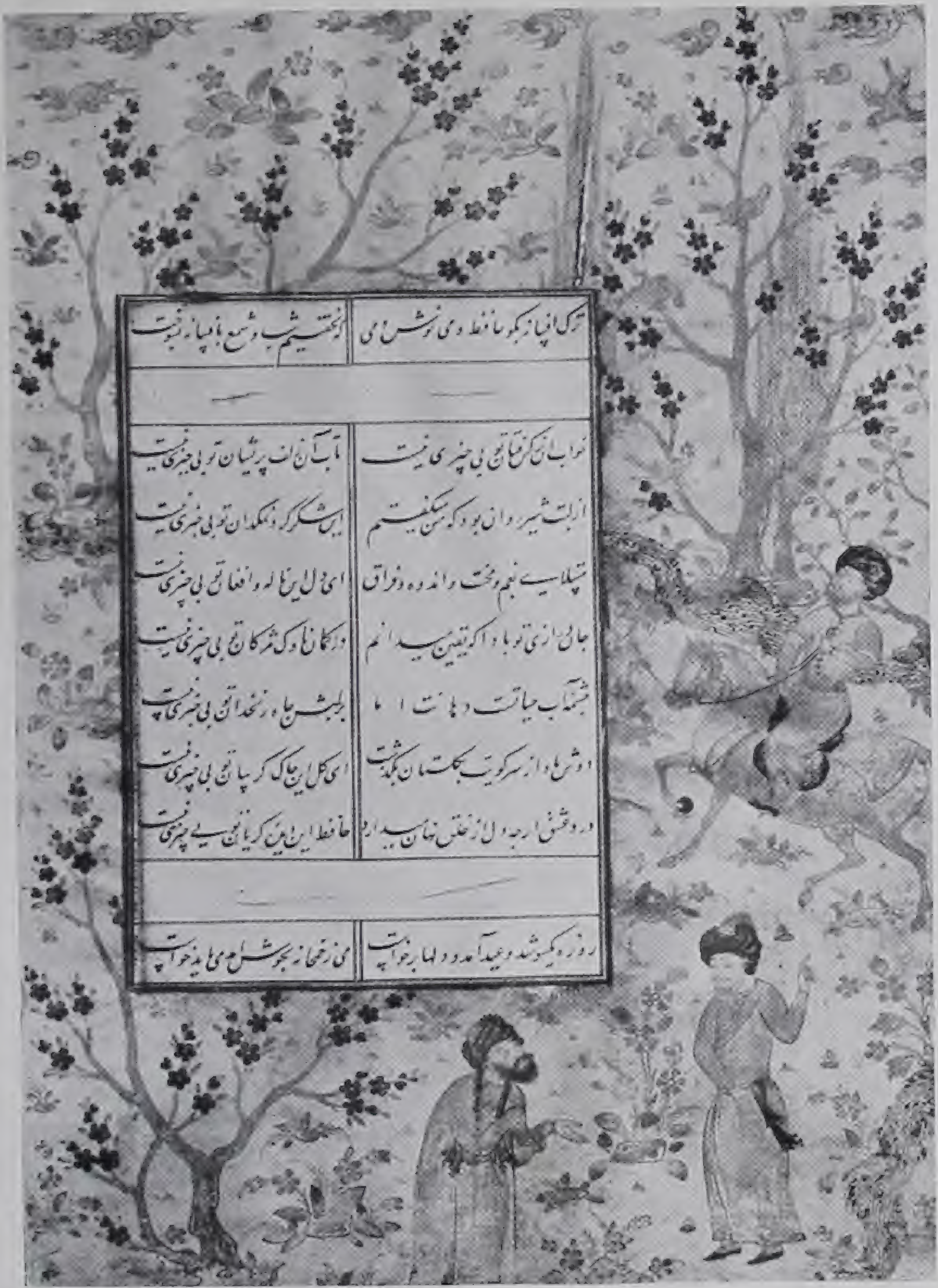
٤٢ ـ صفحهٔ عنوان نسخهٔ خطی عجائب‌المخلوقات قزو
مکتب تیموری ایران (قرن ١٥ م./٩هـ.)



۴۳ ـ صفحهٔ اول نسخهٔ خطی خمسهٔ نظامی ـ ایران
(مورخ ۱۵۲۵م/۹۳۲ه.)



۴۵ ـ طغراء سلطان سلیمان قانونی
(۱۵۲۰-۱۵۶۶م/۹۲۷-۹۷۴ه.)



٤٤ - صفحه‌ای از نسخهٔ خطی حافظ - مکتب صفوی ایران

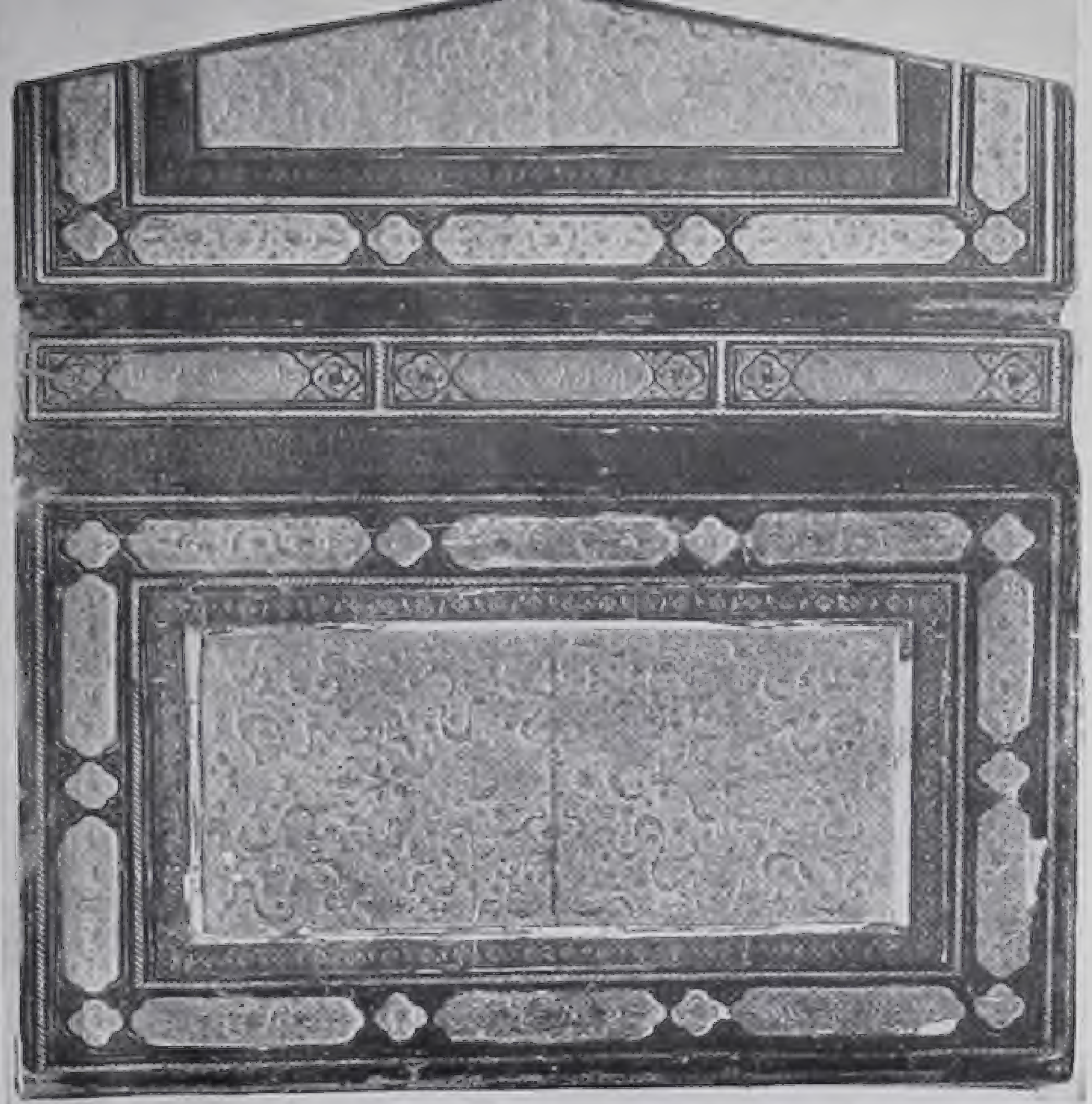
(قرن ١٦م. / ١٠هـ.)



۴۶ـ جلد کتاب ازدورهٔ مملوکی مصر (قرن ۱۵-۱۳م./۹-۷ هـ.)



۴۷ ـ داخل جلد کتاب باتزئین
روی چرم ـ دورهٔ تیموری ایران
(قرن ۱۵م./ ۹ هـ.)



۴۸ - پشت جلد کتاب از دورهٔ صفوی، ازایران (قرن۱۶م./۱۰ه.)



۴۹ - توی جلد کتاب شکل ۴۸



۵۰ - پشت جلد کتاب ازدورهٔ صفوی ، از ایران (قرن ۱۶م./۱۰ﻫ)



۵۱ ـ سرستون مرمر ـ عصر عباسی (درحدود ۸۰۰م./۱۸٤ه.)



۵۳ ـ گچبری قالبی روی دیوار ا
سامرا عراق ـ عصر عباسی
(قرن۹م./۳-۲ه.)



۵۲ ـ سرستون مرمر ـ عصر عباسی (درحدود ۸۰۰ م./۱۸٤ه.)



٥٤ ـ گچبری روی دیوار
ازنیشابور ایران ـ دورهٔ سامانی
(قرن ۱۰م./ ٤-۳ ه.)



٥٥ - سرمجسمه از گچبری ـ دورهٔ سلجوقی درایران
(قرن ۱۳-۱۲م./۷-٦ه.)



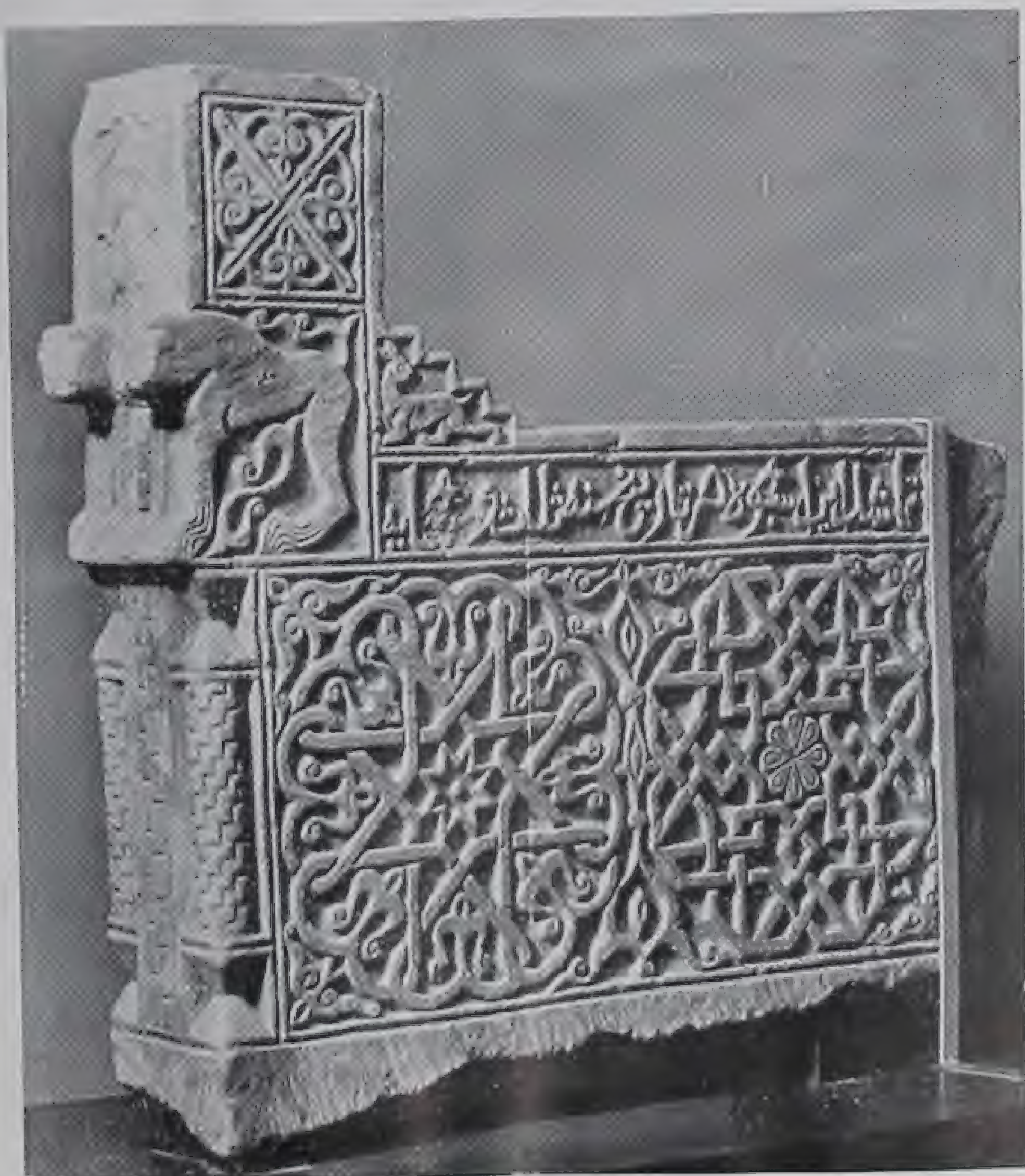
٥٦ ـ قطعه‌ای از حاشیهٔ آرایش گچبری
دورهٔ سلجوقی درایران
(قرن ۱۳-۱۲ م./ ۷ - ٦ ه.)



٥٧ - حجاری برجسته از داغستان قفقاز (قرن ۱۲-۱۳ م./۶-۷ ه.)



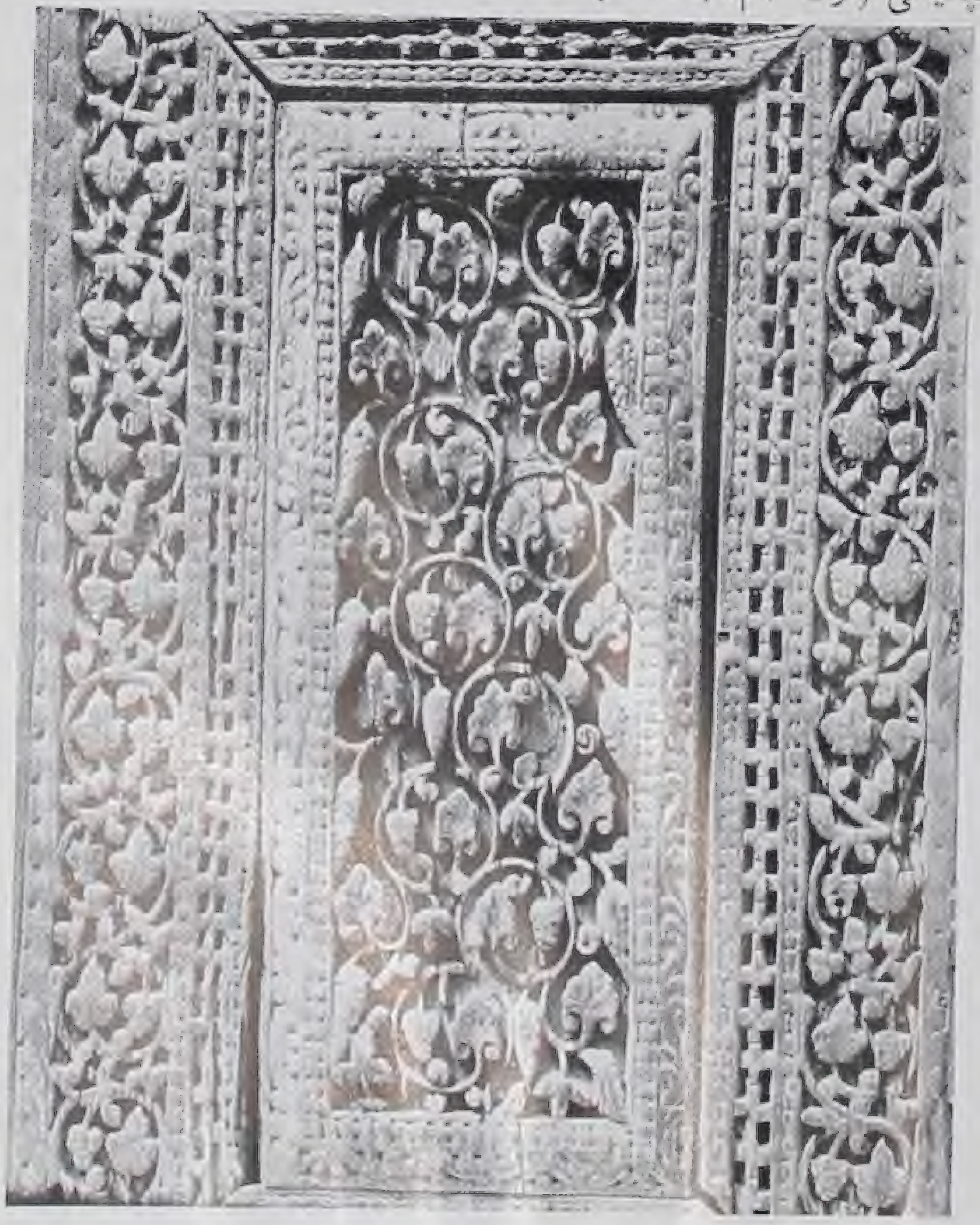
٥٩ - کوزهٔ آب سنگی از دورهٔ مملوکی مصر (قرن ۱٤ م./۸ ه.)



٥٨ - تزئین برجستهٔ منقوش برسنگ - دورهٔ مغولی درایران
(مورخ ۱۳۰۳-٤ م./ ۷۰۳-۷۰٤ ه.)



۶۰ - سرستون سنگی سبک مغربی اسپانیائی (قرن ۱۰م./۴-۵۳.)



۶۱ - لوحهٔ چوبی کنده کاری ازعصر عباسی در عراق
(درحدود سنهٔ ۸۰۰م.)



۶۲ - درچوبی حکاکی شده از سامرا
عراق - عصر عباسی (قرن ۹ م.)



۶۳ - تخته‌ای از درچوبی حکاکی
شده از دورهٔ فاطمی - مصر
(قرن ۱۱ م./ ۵-۴ ه.)



۶۴ - تختهٔ چوب حکاکی شده از دورهٔ فاطمی - مصر
(قرن ۱۱ م./ ۵ ه.)



۶۵ - تختهٔ چوب حکاکی شده ازدورهٔ مملوکی
مصر (قرن ۱۴-۱۳م./ ۸-۷ ه.)



۶۶ - زیر قرآنی چوبی حکاکی شده از دورهٔ
مغولی ایران (مورخ ۱۳۶۰م./ ۷۶۲ ه.)



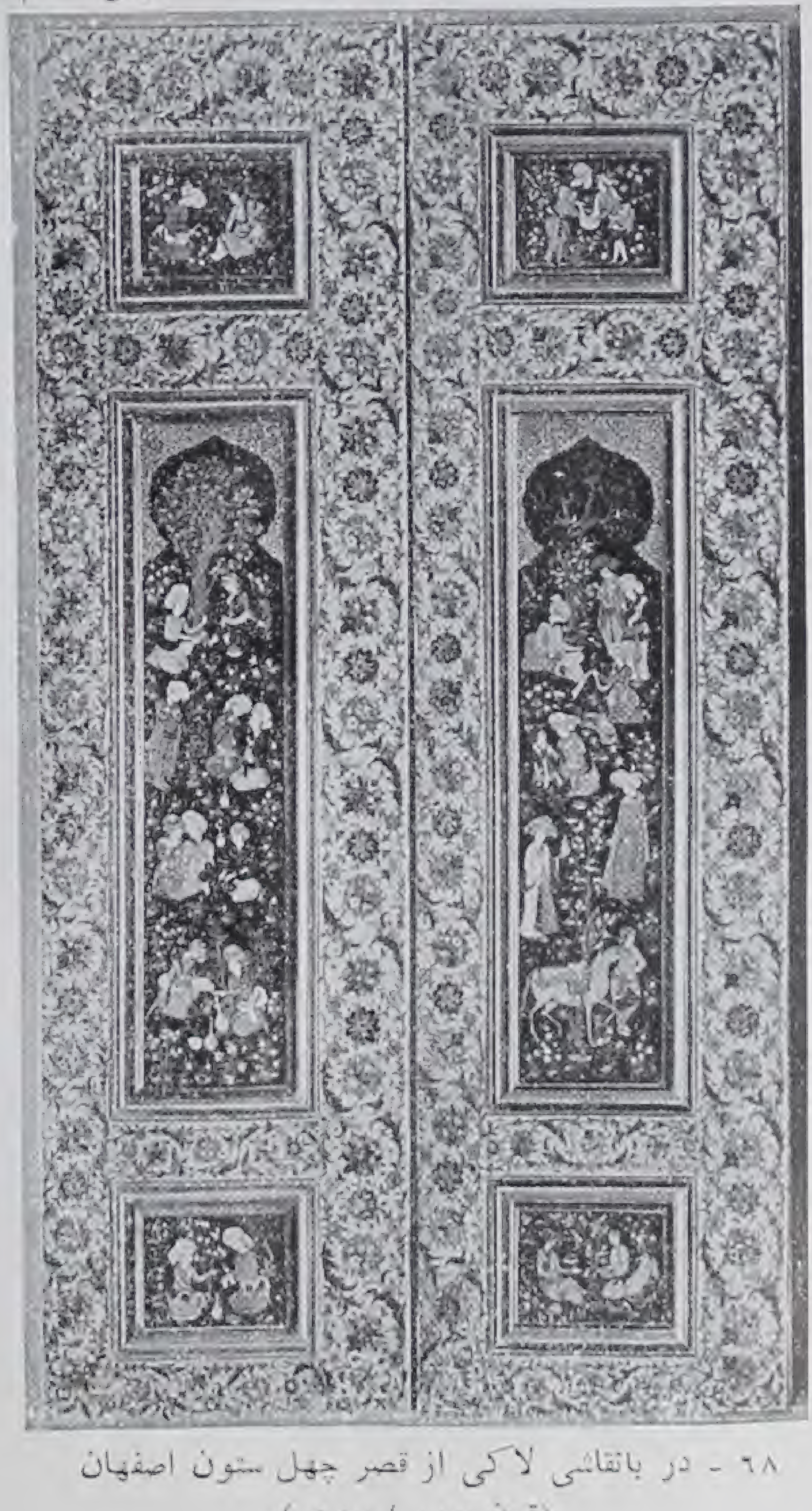
۶۷ - درچوبی حکاکی شده از خوقند
ترکستان غربی (قرن ۱۵م./۹ه.)



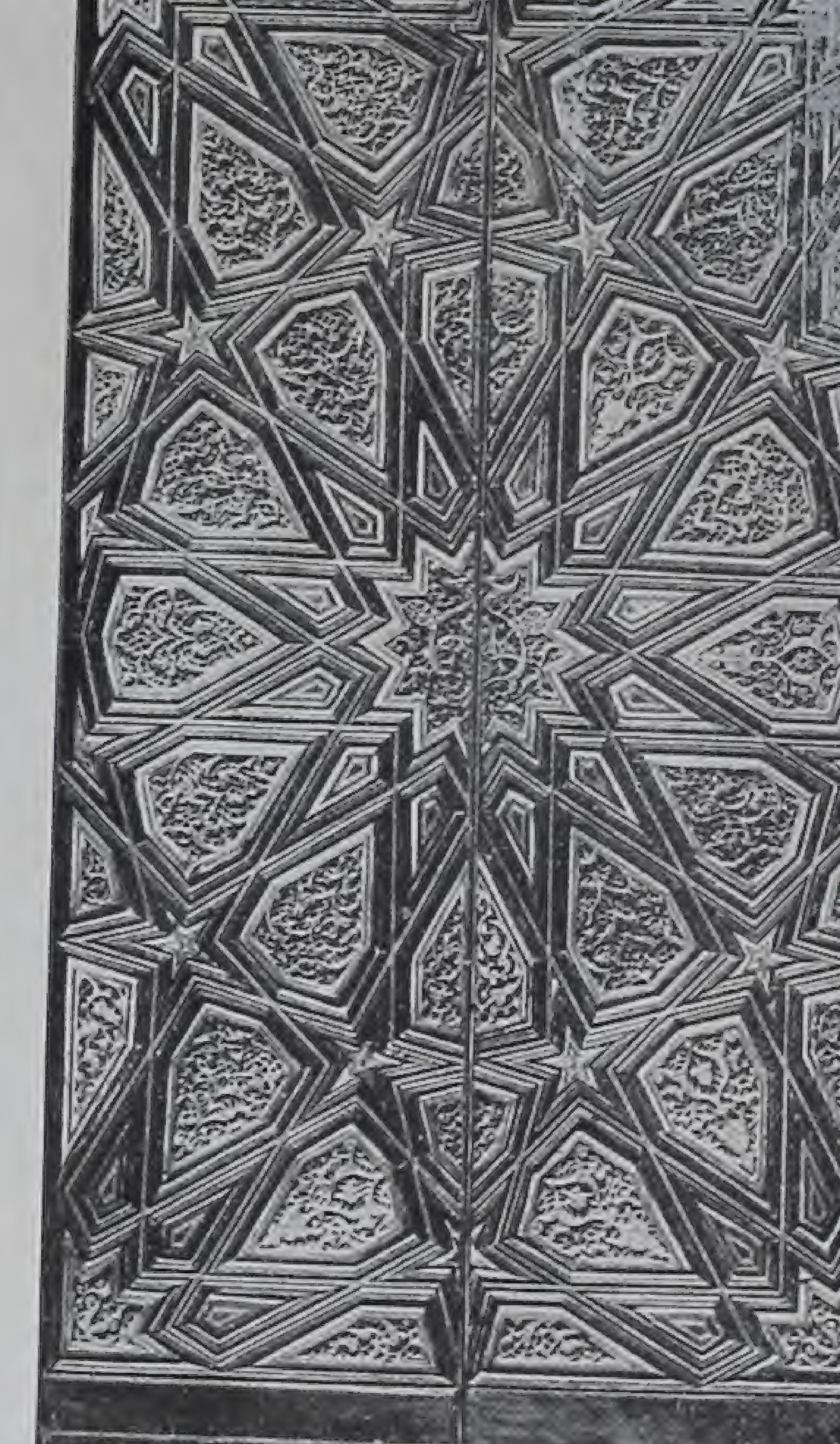
۶۹ ـ تختهٔ چوبی خاتم‌کاری شده از مصر (قرن ۸ م./ ۲ ه.)



۷۰ ـ قطعهٔ استخوان بانقوش
برجسته از دورهٔ فاطمی مصر
(قرن۱۱م./ ۵ ه.)



۶۸ ـ در بانقاشی لاکی از قصر چهل ستون اصفهان
(قرن ۱۷م./۱۱ ه.)



۷۱ - در بالوحه‌های عاج از دورهٔ مملوکی مصر
(قرن ۱۴-۱۳م ./ ۸-۷ه.)



۷۲ - جعبهٔ عاج ساخت مغربی اسپانیائی
(اواخرقرن ۱۰م ./ ۴ه.)



۷۳ - صندوق عاج از جنوب ایتالیا
(قرن ۱۲-۱۱م ./ ۶-۵ه.)



۷۴ - جعبهٔ عاج از سیسیل
(قرن ۱۲م ./ ۶ه.)



۷۵ - ابریق برنزی ایرانی - دورهٔ اموی (قرن ۸ م./۲ ه.)



۷۶ - گوشوارهٔ طلا ، ایرانی-
دورهٔ سلجوقی (قرن۱۱م./۵ ه.)



۷۷ - آویز طلا از ایران -
دورهٔسلجوقی (قرن۱۲م./۶هـ.)



۷۸ - آینهٔ برنزی ایرانی - دورهٔ
سلجوقی (قرن ۱۲م./۶هـ.)



۷۹ - هاون برنزی ایرانی - دورهٔ
سلجوقی (قرن ۱۲م./۶هـ.)



۸۰ - عود سوز ایرانی - دورهٔ
سلجوقی (قرن ۱۲م./۶هـ.)



۸۱ - ابریق برنجی مرصع ایرانی
(اوائل قرن ۱۳م./۷هـ.)



۸۳ - ابریق برنزی ایرانی با ترصیع نقره - دورهٔ سلجوقی
(قرن۱۲م./ ٦ه.)



۸۲ - جعبهٔ برنزی باترصیع طلا
و نقره- ایرانی ساخت هرات
(قرن ۱۲م./٦ه.)



۸٤ - جام برنزی ایرانی باترصیع نقره
(اوائل قرن ۱۳م./۷ه.)



۸۵ - آفتابهٔ برنجی با ترصیع نقره ، از موصل عراق
(مورخ ۷ - ۱۲۲۶م/۰ ۶۲۵-۶۲۴ه.)



۸۶ - آفتابهٔ برنجی با ترصیع نقره - دورهٔ مملوکی مصر
(نیمهٔ اول قرن۱۴م/۰ ۸ ه.)



۸۷ - پایهٔ شمعدان برنجی باترصیع نقره ، ازموصل عراق
(قرن ۱۳م ./۵۷.)



۸۸ - آویز طلای میناکاری
ازمصر - دورهٔ فاطمی
(قرن ۱۱م ./۵۵.)



۸۹ - قلمدان خاتم کاری بانقره وطلا ازدمشق سوریه(قرن ۱٤-۱۳م ./۸-۵۷.)



۹۰ - منقل برنجی باترصیع نقره که برای سلطان مظفر
رسولی ساخته شده (۱۲۹۵-۱۲۵۰م ./۶٤۸-۶٤۹.)



۹۱ - سینی برنجی ایرانی باترصیع نقره - دورهٔ مغول
(قرن ۱٤م./.٥٨)



۹۲ - دیگ باترصیع نقره ازایران - دورهٔ مغول (قرن۱٤م./.٥٨)



۹۳ - مهر طلا - دورهٔ
تیموری ایران
(اوائل قرن۱٥م./.٥۹)



۹٤ - شمعدان برنجی دورهٔ
صفوی (مورخ ۹ - ۱٥۷۸م/.
.٥۹۸٦-۹۸۷)



۹۵ - بشقاب سفالی ایرانی
از نیشابور
(اوائل قرن ۹م./۳ه.)



۹٦ - بشقاب سفالی ایرانی
ازآمل (قرن ۱۰م./٤ه.)



۹۷ - بشقاب سفالی ایرانی
از نیشابور (قرن۹م./۳ه.)



۹۸ - بشقاب سفالی ایرانی
ازنیشابور (قرن ۹م./۳ه.)



۹۹ - بشقاب سفالی ایرانیازآمل
(قرن ۱۰م./ ٤ه.)



۱۰۰ - بشقاب سفالی ایرانی
از نیشابور - دورهٔ سامانی
(قرن ۱۰م./ ٤ه.)



۱۰۱ - بشقاب سفالی ازسمرقند-
دورهٔ سامانی (قرن۱۰م./٤ﻫ.)



۱۰۲ - بشقاب جلادار ایرانی
از عصر عباسی (قرن ۹ م.)



۱۰۳ - بشقاب جلادار ایرانی
یاعراقی دورهٔ عباسی (قرن۹م.)



۱۰۴ - ترسیم روی بشقاب
جلادار از عراق - دورهٔ عباسی
(قرن ۹م.)



۱۰۵ -کوزه باتزئین روی‌لعاب
ایرانی در دورهٔ عباسی
(قرن ۹م.)



۱۰٦ - ابریق ایرانی
(قرن ۱۱-۱۰م / ٥-٤ﻫ.)



۱۰۷ - جام سفالی ایرانی - دورهٔ
سلجوقی (قرن ۱۱م./ ۵ه.)



۱۰۸ - جام سفالی ایرانی -دورهٔ
سلجوقی (قرن ۱۲م./ ۶ه.)



۱۰۹ - جام سفالی ایرانی دورهٔ
سلجوقی (قرن ۱۱ م./۵ ه.)



۱۱۰ - ابریق سفالی ایرانی
(قرن ۱۳م./ ۷ ه.)



۱۱۱ - گلدان سفالی ایرانی (قرن ۱۳ م./۷ ه.)





۱۱۲ - جام با تزئین مشبک - ایرانی
(قرن ۱۳ م./۷ ه.)

۱۱۳ - کوزهٔ سفالی ایرانی باتزئین مشبک (مورخ ۱۲۱۵-۱۶م./
۶۱۲-۶۱۳ ه.)



۱۱۴ - جام سفالی جلادار ایرانی از ری (قرن ۱۲ م./۶ ه.)



۱۱۵ - جام سفالی جلادار ایرانی از ری
(در حدود ۱۲۰۰م./ ۵۹۷ه.)



۱۱۶ - جام سفالی جلادار ایرانی از کاشان (قرن ۱۳ م./۷ه.)



۱۱۷ - کاشی جلادار ایرانی از کاشان (مورخ ۱۲۱۱-۱۲ م./
۶۰۸-۹ ه.)



۱۱۸ - جام با تزئین چندرنگه - از ری
(قرن ۱۳ م.)



لوحهٔ ۲- کوزهٔ سفالی ایرانی با تزئین چندرنگ، از ری (قرن ۱۳



۱۱۹ - جام با تزئین چندرنگه - از ری (قرن ۱۳ م .)



۱۲۰ - گلدان جلادار عراقی از رقه (قرن ۱۳ - ۱۲م./۷ - ۶ه.)



۱۲۱ - کوزهٔ سفالی جلادار عراقی
از رقه (قرن ۱۳ - ۱۲ م./۷ - ٦ هـ.)



۱۲۲ - جام‌سفالی عراقی از رقه
(قرن ۱۳ - ۱۲ م./۷ - ٦ هـ.)



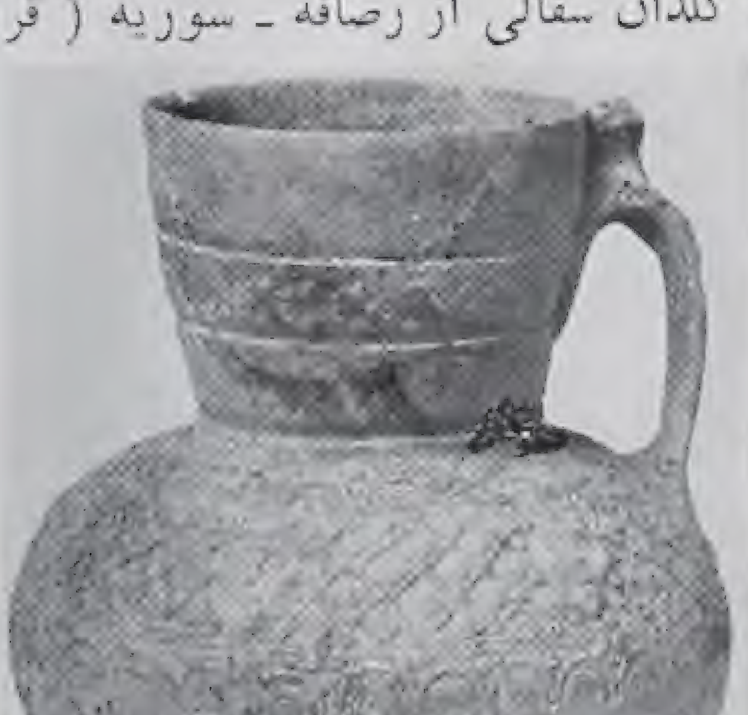
۱۲۳ - جام سفالی عراقی از رقه
(قرن ۱۳ - ۱۲ م./۷ - ٦ هـ.)



۱۲٤ - جام سفالی عراقی از رقه (قرن ۱۳ - ۱۲م./۷ - ٦ هـ.)



۱۲۵ - گلدان سفالی از رصافه - سوریه (قرن ۱۳ م./ ۷ ه.)



۱۲۶ - کوزهٔ سفالی بدون لعاب ازعراق
(قرن ۱۲ - ۱۱ م./ ۶ - ۵ ه.)



۱۲۷ - در کوزهٔ بدون لعاب ازعراق
(قرن ۱۲ - ۱۱ م./ ۶ - ۵ ه.)



۱۲۸ - جام سفالی ایرانی مغولی (نیمهٔ دوم قرن ۱۳م./۷ه.)



۱۳۰ -کاشی جلادار ایرانی‌از کاشان
(مورخ ۱۲۶۳ م./ ۶۶۲ ه.)



۱۲۹ - بشقاب ایرانی از سلطان‌آباد (قرن ۱۴ م./ ۸ ه.)



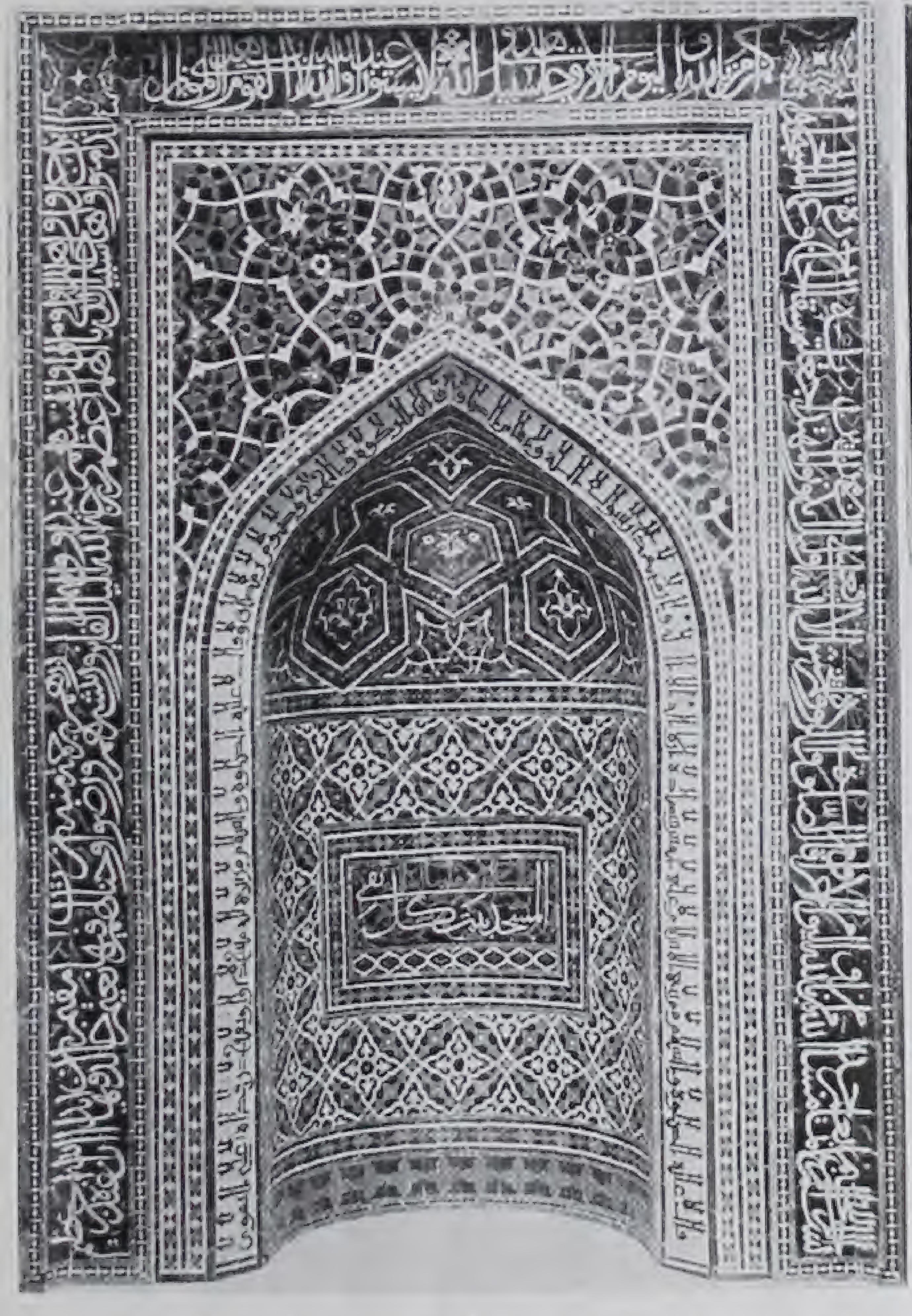
۱۳۱ - کاشی جلادار ایرانی ازکاشان با داستان بهرام گور و آزاده (درحدود ۱۳۰۰م./ ۷۰۰ ه.)



۱۳۲ - کاشی جلادار ایرانی از کاشان (اوائل قرن ۱٤م./ ۸ه.)



۱۳۳ - کاشی باتزئین روی لعاب از کاشان (قرن ۱٤ م./۸ ه.)



۱۳٤ - محراب با کاشی موزائیک از مدرسهٔ امامیهٔ اصفهان (مورخ ۱۳٥٤م./۷٥٥ه.)



۱۳٥ -جام سفالی ایرانی (قرن ۱٥م./۹ه.)



۱۳۶ - بطری چینی ایرانی - دورهٔ صفوی
(قرن ۱۷-۱۶م./۱۱-۱۰ه.)



۱۳۷ - بطری جلادار ایرانی - دورهٔ صفوی
(قرن ۱۷م./۱۱ه.)



۱۳۸ - کاشی کاری یکی از قصر های دورهٔ صفوی در اصفهان (قرن ۱۷م./۱۱ه.)



۱۳۹ - بشقاب سفالی ایرانی موسوم به کوتبچه (درحدود ۱۶۰۰م./۱۰۰۹ه.)



۱٤۰ - گلدان جلد دار از دورهٔ فاطمی مصر (قرن ۱۱م./٥ه.)



۱٤۱ - بشقاب سفالی از سوریه (قرن ۱۳م./۷ه.)



۱۴۲ - چراغ مسجد از دورهٔ مملوکی مصر (قرن ۱۴م ۰/۵۸.)



۱۴۳ - کاشی میناکاری ازآسیای صغیر
(قرن ۱۵م ۰/۵۹.)



١٤٤ - بشقاب سفالی ترکی از آسیای صغیر (قرن ١٥م./ ٩ هـ.)



١٤٦ - چراغ مسجد ترکی آسیای صغیر
(نیمهٔ دوم قرن ١٦ م./ ١٠ هـ.)



١٤٥ - کاشی کاری ترکی آسیای صغیر (قرن ١٦ م./ ١٠ هـ.)



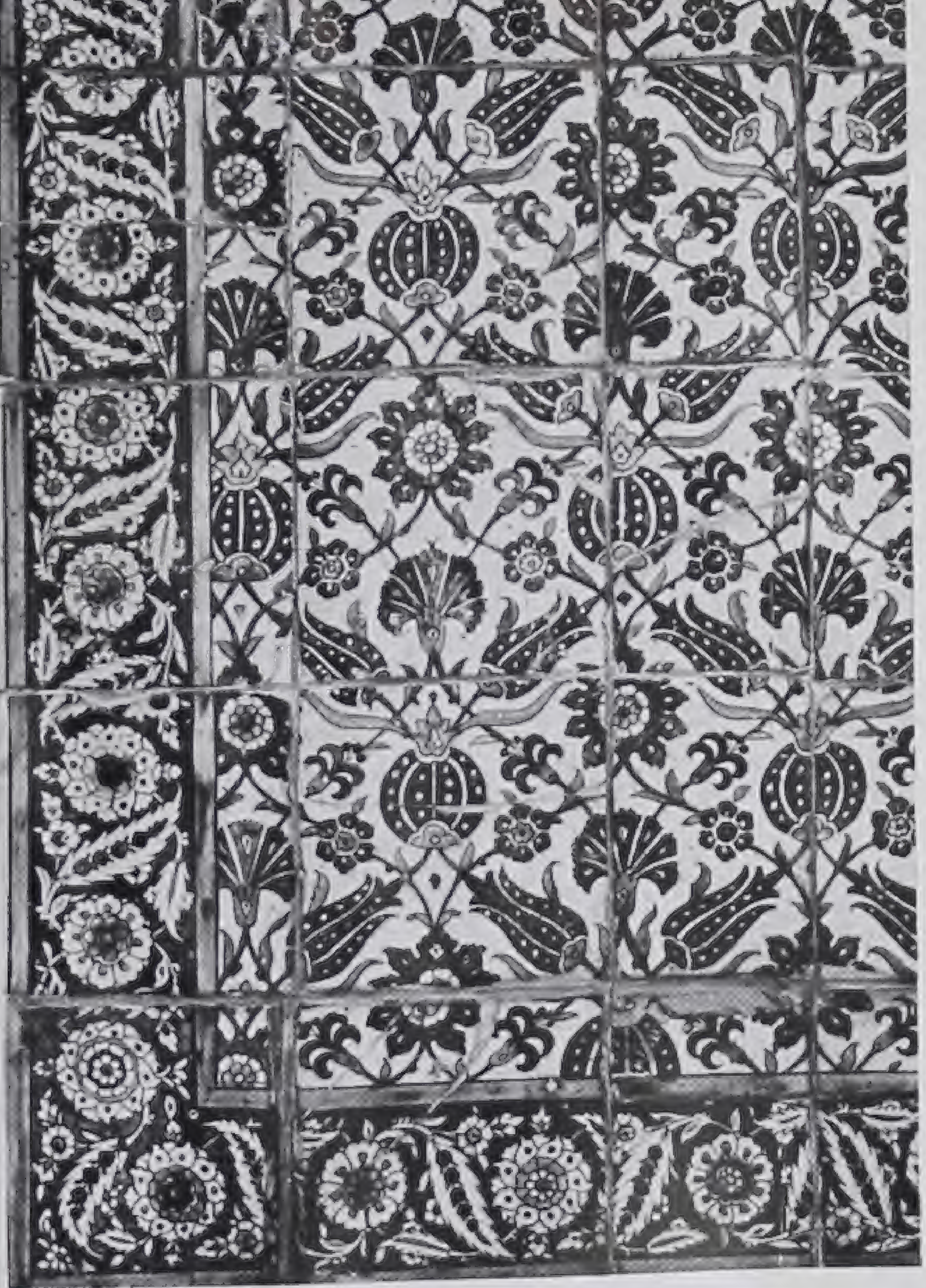
۱۴۷ - بشقاب سفالی ترکی آسیای صغیر
(اوائل قرن ۱۷م ۱۱/۰ه.)



لوحهٔ ۳ - کاشی کاری ، از آسیای صغیر (قرن۱۶م ۱۰/۰ه.)



۱۴۸ - بشقاب سفالی سوریه ، از دمشق (قرن ۱۲م ۶/۰ه.)



۱۴۹ - کاشی کاری سوریه ، از دمشق (قرن ۱۶م/۱۰هـ)



۱۵۰ - گلدان جلادار مغربی اسپانیائی
(قرن ۱۵م/۹هـ)



۱۵۱ - جام سفالی جلادار مغربی اسپانیائی (قرن ۱۵م/۹.ه.)



۱۵۲ - بشقاب سفالی جلادار مغربی اسپانیائی (قرن۱۵م/۹.ه.)



۱۵۳ - بطری شیشه، از دورهٔ فاطمی
مصر (قرن۱۲-۱۱م./ ۶-۵ه.)



۱۵۵ - جام شیشهٔ میناکاری- دورهٔ مملوکی سوریه
(نیمهٔ دوم قرن ۱۳م./ ۷ه.)



۱۵۶ - چراغ مسجد از شیشهٔ میناکاری - دورهٔ مملوکی س
(نیمهٔ دوم قرن ۱۳م./ ۷ه.)



۱۵۸ - چراغ مسجد از شیشهٔ میناکاری - دورهٔ مم
(نیمهٔ دوم قرن ۱۴م ۰/۸ ۰.۵)



۱۵٤ - بطری بلور مصری
(قرن ۱۱-۱۰م ۰/٥-٥٤ ۰.)





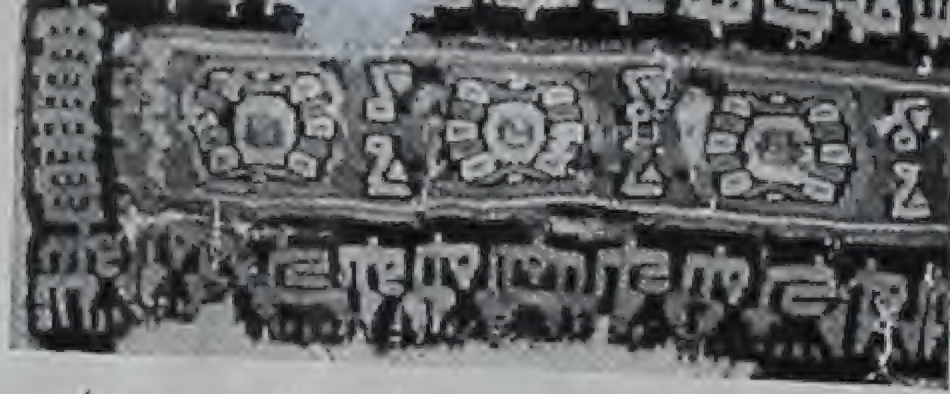
۱۵۹ - بطری شیشهٔ مینا - دورهٔ مملوکی سوریه
(نیمهٔ اول قرن ۱۴م./۸ه.)



۱۶۰ - بطری شیشهٔ میناکاری-
دورهٔ مملوکی سوریه



۱۶۱ - بطری شیشهٔ ایرانی
(قرن ۱۸م./۱۲ه.)



۱۶۲ - پارچهٔ پشمی باتزئین بافته - دورهٔ قبطی و طولونی (قرن ۹م./۳ه.)



۱۶۳ - پارچهٔ کتانی باتزئین بافته - دورهٔ فاطمی مصر (۱۰۲۱ - ۱۰۳۶ م./ ۴۱۲ - ۴۲۸ ه.)



۱۶۴ - پارچهٔ ابریشمی باتزئین بافته - دورهٔ فاطمی مصر (قرن ۱۱م./۵ ه.)



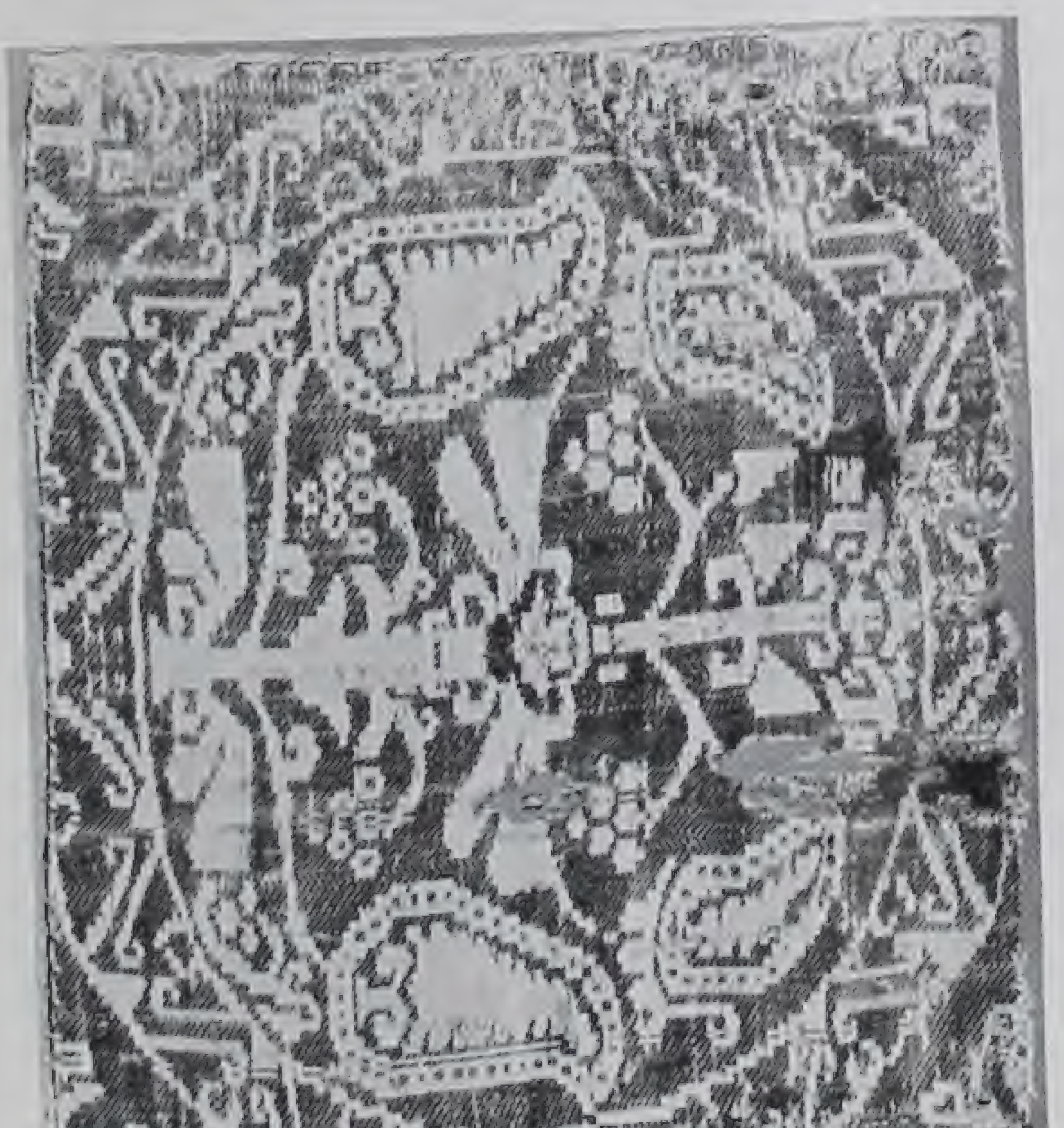
۱۶۵ - پارچهٔ کتانی باتزئین بافته - دورهٔ فاطمی مصر (قرن ۱۱م./۵ه.)



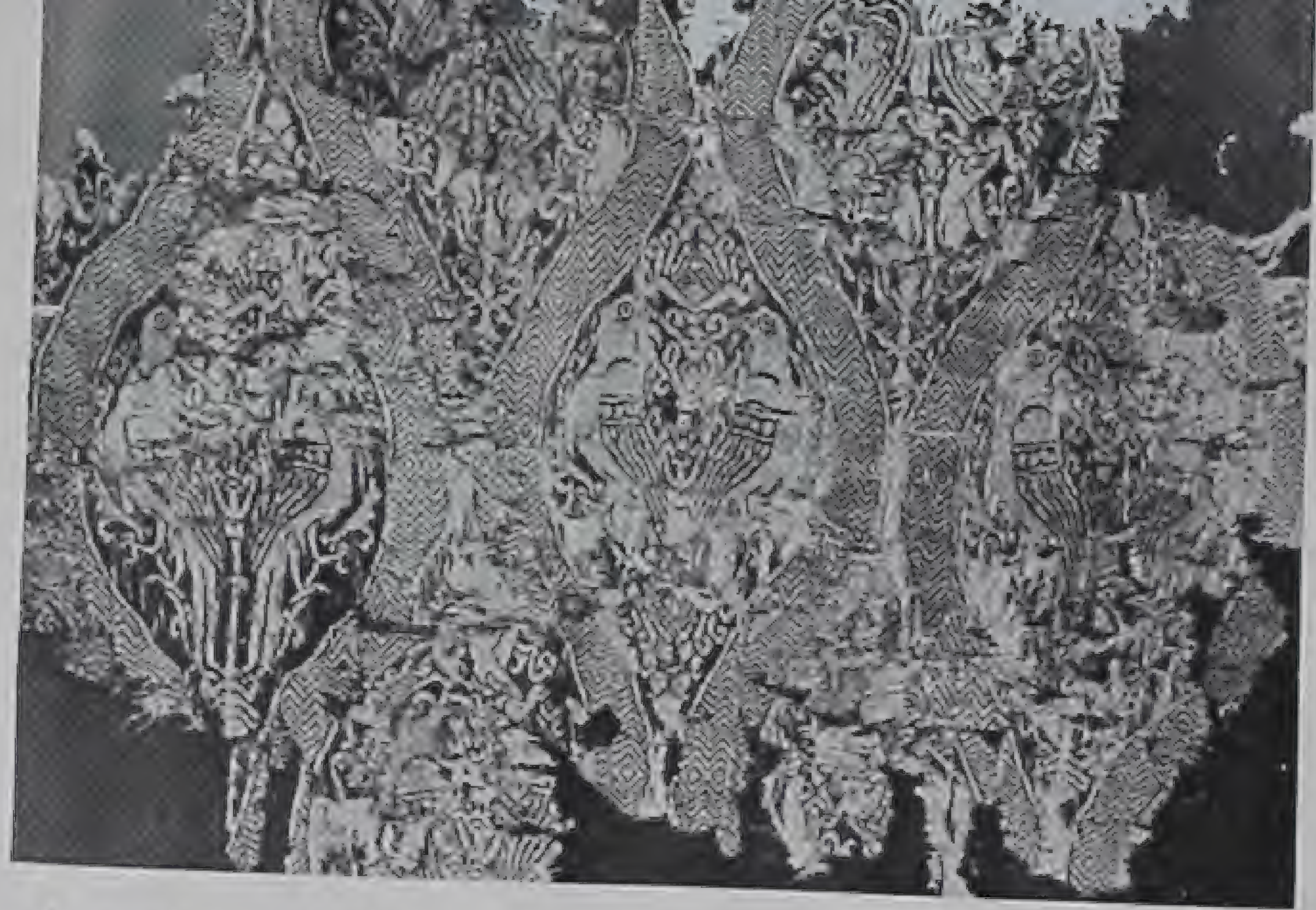
۱۶۶ - پارچهٔ کتانی باتزئین مهرزده شده - دورهٔ فاطمی مصر
(قرن ۱۰م./۴ه.)



۱۶۷ - ابریشم باتزئین بافته - دورهٔ مملوکی
مصر (درحدود ۱۳۰۰م./۷۰۰ه.)



۱۶۸ - پارچهٔ ابریشمی، از سوریه (قرن ۹-۸م./۳-۲ه.)



۱۶۹ - پارچهٔ ابریشمی دورهٔ ایوبی ، ازسوریه (قرن۱۳م ./۵۷.)



۱۷۱ - پارچهٔ ابریشمی ایرانی
(قرن ۹-۸م ./۳-۲-۵۲.)



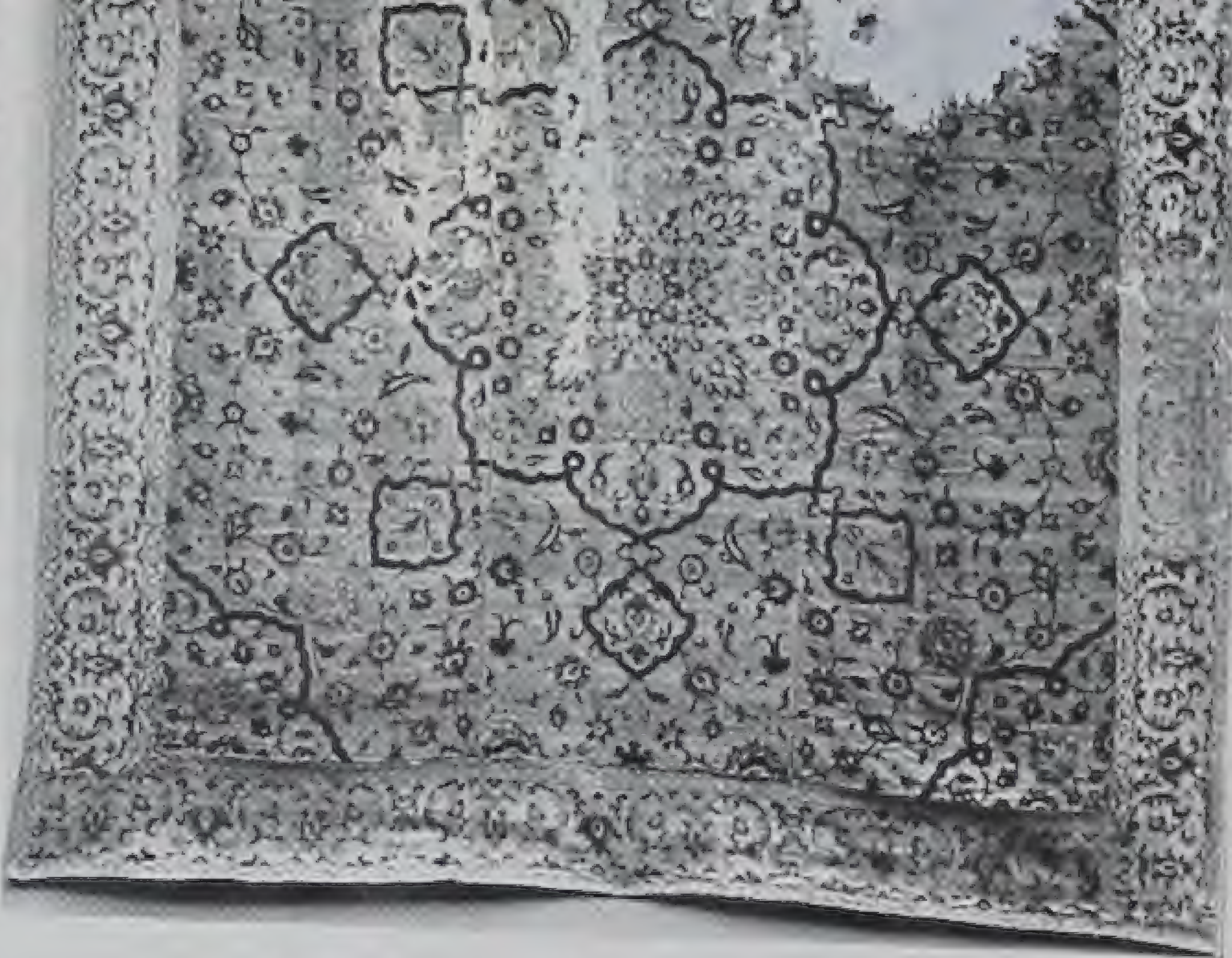
۱۷۰ - پارچهٔ ابریشمی دورهٔ مملوکی ، از سوریه
(اوائل قرن ۱۴م ./۵۸.)



۱۷۲ - پارچهٔ ابریشمی زربفت ایرانی (اواخر قرن ۱۵م./۹ه.)



۱۷۳ - مخمل ایرانی ، دورهٔ صفوی (قرن ۱۶م./۱۰ه.)



۱۷٤ - قالی مخمل ایرانی - دورهٔ صفوی
(درحدود ۱۶۰۰م/۱۰۰۹ه.)



۱۷۵ - مخمل ایرانی - دورهٔ صفوی
(قرن ۱۷م/۱۱ه.)



۱۷۶ - ابریشم زربفت ایرانی - دورهٔ
صفوی (اوائل قرن ۱۷ م/۱۱ه.)



۱۷۷ - شال ایرانی - دورهٔ صفوی (اوائل قرن ۱۷م/۱۱ه.



۱۷۸ - مخمل ترکی (قرن۱۶م./۱۰ه.)



لوحه ٤ - حریر ایرانی (قرن ۱۶م./ ۱۰ه.)



۱۷۹ - زری ترکی (قرن۱۶م./۱۰ه.)



۱۸۰ - رداء حریر زربفت، ازترکیه (قرن ۱۶م./۱۰ه.)



۱۸۱ - پارچهٔ زربفت ازترکیه
(قرن ۱۷م./۱۱ه.)



۱۸۲ - گلدوزی از ترکیه - آسیای صغیر (قرن ۱۷م./۱۱ه.)



۱۸۳ - زربفت مغربی اسپانیائی
(قرن ۱۳ - ۱۲ م./۷ - ۵ ه.)



۱۸۴ - پارچه ابریشمی مغربی اسپانیائی (قرن ۱۵-۱۴ م./۹-۸ ه.)



۱۸۵ - پارچهٔ نخی نقاشی شدهٔ هندی (قرن ۱۷ م./۱۱ ه.)



۱۸۸ - قالی نقش‌ترنجی ایرانی - دورهٔ صفوی



۱۸۶ - تکهٔ قالی ازفسطاط - مصر (قرن ۱۲ - ۱۱م/. ۶ - ۵ه.)





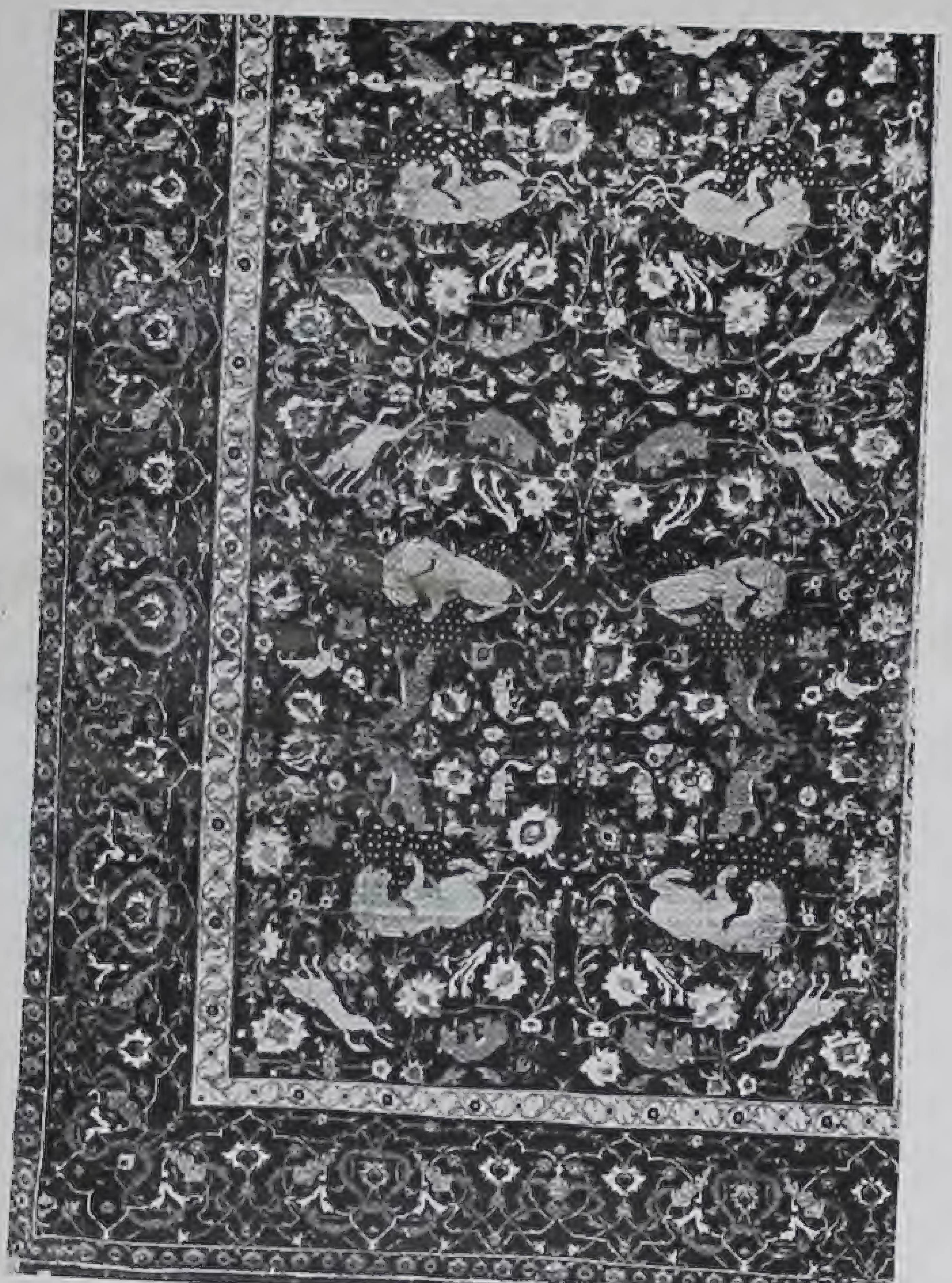
١٨٩ - قالى نقش منطقة ايرانى - دورة صفوى (قرن١٦م/١٠هـ.)



١٩٠ - سجادة ايرانى - دورة صفوى (قرن ١٦م/١٠هـ.)



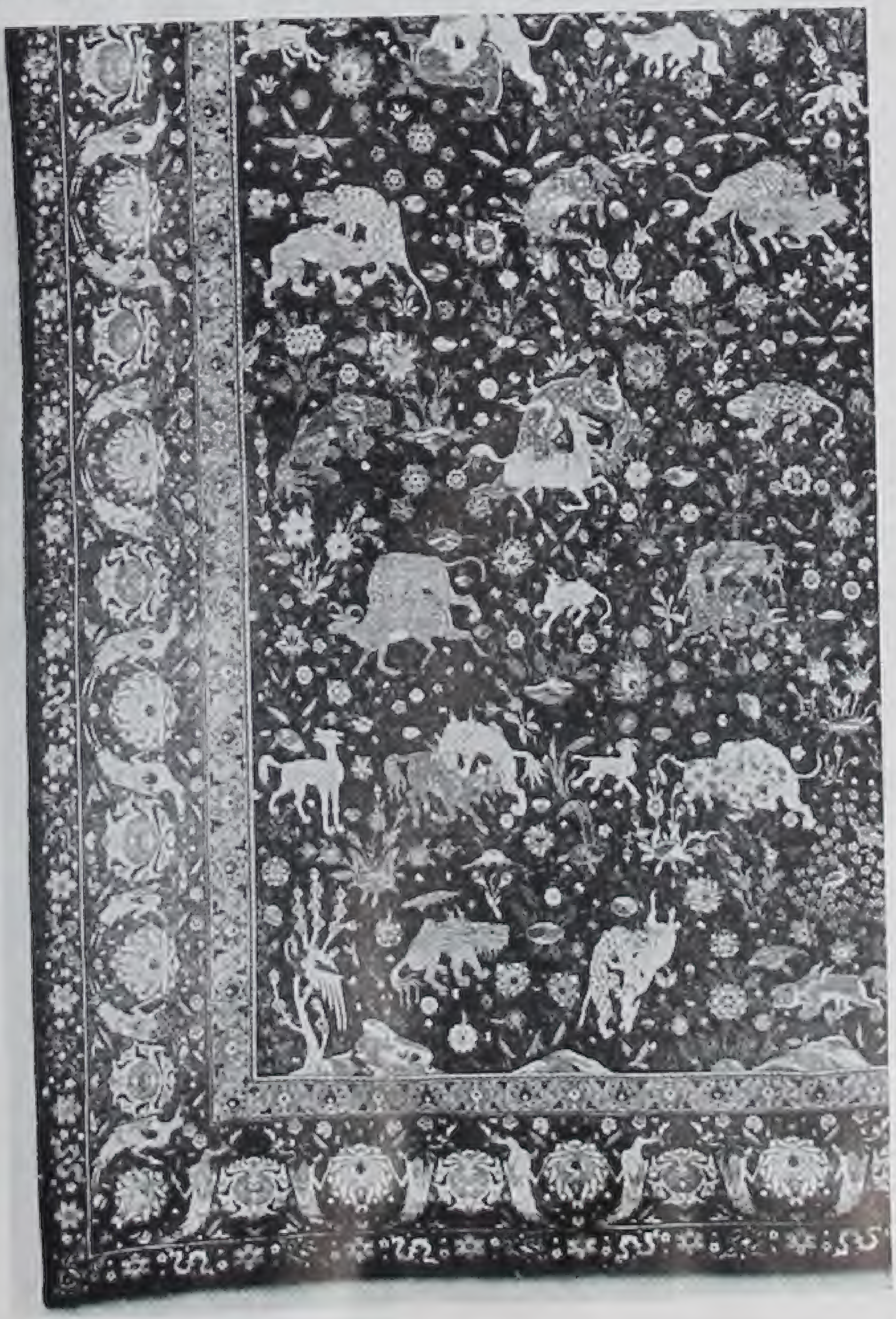
۱۹۱ - قالی نقش ترنجی ایرانی - دورهٔ صفوی (قرن ۱۶م./۱۰ه.)



۱۹۲ - قالی نقش حیوانی ایرانی - دورهٔ صفوی ازاردبیل
(قرن ۱۶م./۱۰ه.)



۱۹۳ - قالی ابریشمی دورهٔ صفوی (قرن ۱۶م./۱۰ه.)



۱۹٤ - قالی ابریشمی نقش
حیوانی دورهٔ صفوی
(قرن ۱۶م./۱۰ه.)



۱۹۵ - قالی ایرانی ، دورهٔ صفوی (قرن ۱۶م./۱۰هـ.)



۱۹۶ - قالی ایرانی دورهٔ صفوی (قرن ۱۷م./۱۱هـ.)



۱۹۷ - قالی نقش گلدان ایرانی (نیمهٔ اول
قرن ۱۷م./۱۲هـ.)



۱۹۸ - قالی ابریشمی ایرانی (موسوم بلهستانی) دورهٔ صفوی (نیمهٔ اول قرن ۱۷م./۱۱ه.)



۱۹۹ - قالی نقش باغی ایرانی یا قفقازی (قرن۱۸م./۱۲ه.)



٢٠١ - قالی هندی (درحدود ١٦٠٠م/١٠٠٩هـ.)



... دورة صفوي (قرن ١٧م/١١هـ.)



۲۰۲ - قالی هندی (قرن ۱۷م./۱۱ه.)



۲۰۳ - قالی، از ترکیه (قرن ۱۶م./۱۰ه.)



۲۰۴ - قالیچهٔ نماز یا سجاده ، بافت ترکیه
(درحدود ۱۶۰۰م./ ۱۰۰۹هـ.)



۲۰۵ - قالی مصری از قاهره (قرن ۱۶م./۱۰هـ.)



۲۰۶ - قالی بافت ترکیه ازاوشاک (قرن ۱۷ م./۱۱ هـ.)



۲۰۷ - قالی ترکی آسیای صغیر (قرن ۱۷ - ۱۶ م./۱۱-۱۰ هـ.)



۲۰۸ - قالیچهٔ نماز یا سجادهٔ ترکی از گیوردس (قرن ۱۸م/۱۲.ه.)



۲۰۹ - قالیچهٔ نماز یا سجادهٔ ترکی از گیوردس یا کولا
(قرن ۱۸م/۱۲.ه.)



۲۱۰ ـ قالیچهٔ نماز یا سجاد ازلاریک ترکیه
(مورخ ۶-۱۷۹۵م./۱۱-۱۲۱۰ه.)



۲۱۱ ـ سجاده از برغمهٔ ترکیه (قرن ۱۷م./۱۱ه.)



۲۱۲ - قالی نقش اژدها از قفقاز (قرن ۱۷م./۱۱ه.)



۲۱۳ - قالی بسبک مغربی اسپانیائی (قرن ۱۵م./۹ه.)

مراجع کتاب

صنایع قبل از اسلام

الف - صنایع مسیحی شرقی درمصر وشام وعراق

Butler, Howard Grosby. *Architecture and Other Arts* (Publications of an American Archaeological Expedition to Syria in 1899-1900 ..., part 2. New York, 1903.

— *Syria*, div. II : *Architecture*, sect. A : *Southern Syria*, and sect. B *Northern Syria* (Publications of the Princeton University Expeditions to Syria in 1904-5 and 1909) 2 vols. Leyden, 1919, 1920.

— *Early Churches in Syria, Fourth to Seventh Centuries* ..., edited and completed by E. Baldwin Smith. Princeton 1929.

Chassinat, Emile. *Fouilles à Baouit* (Mémoires ... de l'Institut français d'archéologie orientale du Caire, vol. 13 [sculpture]). Cairo, 1911.

Clédat, Jean. *Le Monastère et la nécropole de Baouit* (Mémoires ... de l'Institut français d'archéologie orientale du Caire, vol. 12 [paintings] Cairo, 1904.

Crum, W.E. *Coptic Monuments* (Catalogue général des antiquités égyptienne du Musée du Caire, nos. 8001-8741). Cairo, 1902.

Dimand, M.S. *Die Ornamentik der agyptischen Wollwirkerein* ... Leipzig 1924.

— "Coptic Tunics in The Metropolitan Museum of Art," *Metropoltan Museum Studies*, vol. II (1930), pp. 239-252.

— "An Early Cut-Pile Rug from Egypt,' *ibid.*' vol. IV (1932-1933) pp. 151-161.

Duthuit, Georges. *La Soulpture copte* ... Paris, 1931.

Grüneisen, W. de. *Les Caracteristiques de l'art copte*. Florence, 1922.

Kendrick, A.F. *Catalogue of Textiles from Burying-Grounds in Egypt* (Victoria and Albert Museum, Department of Textiles). 3 vols: London, 1920-1922.

Pfister, R. *Tissues coptes du Musée du Louvre*. Paris, 1932.

— *Textiles de Palmyre découverts par le Service des Antiquités du Haut-commissariat de la République Française dans la nécropole de Palmyre*. Paris, 1934.

— *Nouveaux Textiles de Palmyre* ... Paris, 1937.

Quibell, J.E. *Excavations at Saqqara* (1907-8), with sections by Herbert Thompson and W. Spiegelberg. Cairo, 1909.

— *Excavations at Saqqara* (1909-10) : *The Monastery of Apa Jeremias*. Cairo, 1912.

Strzygowski, Josef. *Koptische Kunst* (Catalogue général des antiquités égyptiennes du Musée du Caire, nos. 7001-7394 and 8742-9200) : Vienna, 1904.

Wulff, Oskar. *Altchristliche und Mittelalterliche ... Bildwerke*, part I : *Altchristliche Bildwerke* (Beschreibung der Bildwerke de christlichen Epochen, vol. III). Berlin, 1909.

Wulff, O., and Volbach, W.F. *Spatantike und koptische Stoffe aus agyptischen Grabfunden in den Staatlichen Museen* ... Berlin, 1926.

ب ـ صنایع دورهٔ اشکانیان و ساسانیان

Andrae, Walter. *Hatra' nach Aufnahmen von Mitgliedern der Assur-Expedition der Deutschen Orient-Gesellschaft*, parts 1 and 2. Leipzig, 1908, 1912.

Baltrusaitis, Jurgis. "Sasanian Stucco" *A Survey of Persian Art* ..., edited by Arthur Upham Pope, vol. I, pp. 601-645, vol. IV, pls. 171-178 London and New York 1938.

Dalton, O.M. *The Treasure of the Oxus* ... (British Museum), 2nd edition. London, 1926.

Dimand, M.S. "Sasanian Wall Decoration in Stucco," *Bulletin of The Metropolitan Museum of Art*, vol. XXVI (1931), pp. 193-195.

— "Parthian and Sasanian Art," *ibid.*, vol. XXVIII (1933), pp. 79-81.

— "A Sasanian Silver Dish,' *ibid.*, vol. XXIX (1934), pp. 74-77.

Erdmann, Kurt. "Die sasanidischen Jagdschalen," *Jahrbuch der preuszischen Kunstsammlungen*, vol. LVII (1936), pp. 193-232.

Ettinghausen, Richard. "Parthian and Sasanian Pottery," *A Survey of Persian Art*..., edited by Arthur Upham Pope, vol. I, pp. 646-680, vol. IV, pls. 179-196. London and New York, 1938.

Herzfeld, Ernst. *Am Tor von Asien* ... Berlin, 1920.

Kühnel, Ernst, and Wachtsmuth, Friedrich . *Die Augsrabungen der zweiten Ktesiphon-Expedition (Winter* 1931-32) (Staatliche Museen in Berlin; Metropolitan Museum of Art, New York). Berlin, 1933. (Summary in English by M.S. Dimand.)

Orbeli, J. "Sasanian and Early Islamic Metalwork," *A Survey of Persian Art* ..., edited by Arthur Upham Pope, vol. I, pp. 716-770, vol. IV, pls. 203-250. London and New York, 1938.

Orbeli, J., and Trever, C. *Orfèvrerie sasanide : objets en or, argent et bronze* (Musée de l'Ermitage). Moscow and Leningrad, 1935.

Pfister, R. "Gobelins sassanides du Musée de Lyon," *Revue des arts asiatiques* (Annales du Musée Guimet), vol. VI (1929-1930), pp. 1-23.

— "Les Premières Soies sassanides," *Etudes d'orientalisme publiées par le Musée Guimet*..., vol. II, pp. 461-479. Paris, 1932.

Reuther, Oscar. *Die Ausgrabungen der Deutschen Ktesiphon-Expedition im Winter* 1928-9 (Staatliche Museen in Berlin, Islamische Kunstabteilung). Berlin, 1929.

Rostovtzeff, M.I. "Dura and the Problem of Parthian Art," *Yale Classical Studies*, vol. V (1935), pp. 157-304.

Sarre, Friedrich. *Die Kunst des alten Persien.* Berlin, 1922.

— "Parthian Art," *A Survey of Persian Art* ..., edited by Arthur Upham Pope, vol. I, , pp. 406-410, vol. IV, pls. 128-145. London and New York, 1938.

— "Sasanian Stone Sculpture," *ibid.*, vol. I, pp. 593-600, vol. IV, pls. 154-168. London and New York, 1938.

Sarre, Friedrich, and Herzfeld, Ernst. *Iranische Felsreliefs* ... Berlin, 1910.

Trever, G. *Nouveaux Plats ѕasanides de l'Ermitage.* Moscow and Leningrad, 1937.

صنایع اسلامی

موضوعهای کلی وعمومی

Bahgat Bey, All. and Gabriel; Albert, Fowlesd' la Foustât (Musée de Art Arabe du Caire). Cairo, 1921.

Briggs, Martin S. *Muhammadan Architecture in Egypt and Palestine*. Oxford. 1924.

Creswell, K.A.C. *Early Muslim Architecture : Umayyads, Early 'Abbasid and Tulunids*. 2 vols. Oxford, 1932, 1940.

Devonshire, Mrs. R.L. *Some Cairo Mosques and Their Founders*, London, 1921.

Diez, Ernst. *Churasanische Baudenkmaler*. Berlin, 1918.

— *Die Kunst der islamischen Volker*. Berlin, 1917.

Dimand, M.S. "Studies in Islamic Ornament, I : Some Aspects of Omaiyad and Early 'Abbasid Ornament," *Ars Islamica*, vol. IV (1937), pp. 293-337.

Gabriel, Albert. *Monuments turcs d'Anatolie*. 2 vols. Paris, 1931, 1934.

Glück, Heinrich, and Diez, Ernst. *Die Kunst des Islam*. Berlin, 1925.

Godard, André. "Les Anciennes Mosquées de l'Iran," *Athar-E Iran*, vol. I (1936), pp. 187-210.

Gurlitt, Cornelius. *Die Baukunst Konstantinopels*. Berlin, 1912.

Hauser, Walter; Upton, Joseph M.; and Wilkinson, Charles K. "The Iranian Expedition, *Bulletin of The Metropolitan Museum of Art*. vol. XXXII (1937), Oct., sect. II; vol. XXXIII (1938), Nov., sect. II; vol. XXXVII (1942), pp. 81-119.

Hautecœur, Louis, and Wiet, Gaston. *Les Mosquées du Caire*. 2 vols. Paris, 1932.

Herzfeld, Ernst. *Erster vorlaufiger Bericht uber die Ausgrabungen von Samarra*. Berlin, 1912.

— "Mschattâ, Hîra und Bâdiya," *Jahrbuch der preuszischen Kunstsammlungen*, vol. XLII (1921), pp. 104-146.

Jaussen, A.J.), and Savignac. *Mission archéologique en Arabie*, vol. III : *Les Châteaux arabes de Qeseir 'Amra, Harâneh et Tûba*. Paris, 1922.

Kühnel, Ernst. *Maurische Kunst*. Berlin, 1924.

— *Islamische Kleinkunst*. Berlin, 1925.

— "Die islamische Kunst," *Handbuch der Kunstgeschichte*, edited by Anton Springer, vol. VI, pp. 373-548. Leipzig, 1929.

Lane-Poole, Stanley. *The Art of the Saracens in Egypt*. London, 1886.

Marçais, Georges. *Manuel d'art musulman : L'Architecture — Tunisie, Algérie, Maroc, Espagne, Sicile*. 2 vols. Paris, 1926-1927.

Migeon, Gaston. *Exposition des arts musulmans au Musée des Arts Décoratifs*. Paris 1903 .

– *L'Orient musulman* (Musée du Louvre, Documents d'art). 2 vols.]Paris, 1922].

– *Manuel d'art musulman : Arts plastiques et industriels*, 2 vols. 2nd edition. Paris, 1927.

risse d'Avennes,]A.C.T.E.]. *L'Art arabe d'après les monuments du Kaire* ... Paris, 1877.

ichard, Prosper. *Pour Comprendre l'Art musulman dans l'Afrique du Nord et en Espagne*. Paris, 1924.

Saladin, Henri. *La Mosquée de Sidi Okba à Kairouan* (Les Monuments historiques de la Tunisie, part 2, vol. I). Paris, 1899.
— *Manuel d'art musulman : L'Architecture.* 2 vols. Paris, 1907.
Sarre, Friedrich. Erzeugnisse islamischer Kunst, part II : *Seldschukische Kleinkunsi* (Sarre Collection). Leipzig, 1909
— *Denkmaler persische Baukunst* ... 2 vols. Berlin, 1910.
— *Der Kiosk von Konia.* Berlin, 1936.
Sarre, Friedrich, and Herzfeld, Ernst. *Archaologische Reisse im Euphrat - und Tigris-Gebiet.* 4 vols. Berlin, 1911-1920.
Sarre, Friedrich, and Martin, F.R. (ed.). *Die Ausstellung von Meisterwerken muhammedanischer Kunst in Munchen* 1910. 3 vols. Munich, 1912.
Smirnov, Y.I. (ed.) . *Oriental Silver «Argenterie orientale»* (Imperial Archaeological Commission). St. Petersburg, 1909. (In Russian.)
Strzygowski, Josef. *Altai-Iran und Volkerwanderung* ... Leipzig, 1917.
Terrasse, Henri. *L'Art hispano-mauresque des origines au XIIIe. siècle.* Paris, 1932.
Wiet, Gaston. *Album du Musée Arabe du Caire* (Publications du Musée Arabe du Caire). Cairo, 1930.
— *L'Exposition persane de* 1931 (Publications du Musée Arabe du Caire). Cairo, 1933.

نقاشی

Arnold, Sir Thomas. *Painting in Islam* ... Oxford, 1928.
— *Bihzad and His Paintings in the Zafar-namah M.S.* London, 1930.
— *The Library of A. Chester Beatty : a Catalogue of the Indian Miniatures, Oriental Manuscripts* 1-18, revised and edited by J.V.S. Wilkinson. 3 vols.]London] 1936.
Arnold, Sir Thomas W., and Grohmann, Adolf. *The Islamic Book* ... Paris 1929.
Binyon, Laurence. *The Court Painters of the Grand Moguls*, with a historical introduction and notes by T.W. Arnold. London, 1921.
Binyon, Laurence : Wilkinson, J.V.S.; and Gray, Basil. *Persian Miniature Painting, Including a Critical and Descriptive Catalogue of the Miniatures Exhibited at Burlington House, January-March,* 1931. London, 1933.
Blochet, Edgard. *Les Peintures des manuscrits orientaux de la Bibliothèque Nationale.* 2nd edition. Paris, 1925.
— *Les Enluminures des manuscrits orientaux, tures, arabes, persans, de la Bibliothèque Nationale.* Paris, 1926.
— *Musulman Painting, XIIth-XVIIth. Century,* translated by Cicely M. Binyon, with an introducion by Sir E. Denison Ross.]London]]1929]
Brown, Percy. *Indian Painting under the Mughals,* A.D. 1550 *to* A.D. 175 Oxford, 1924.
Clarke, C. Stanley. *Indian Drawings : Twelve Mogul Paintings of the School of Humayun* (16th. *Century*) *Illustrating the Romance of Amir Hamzah* (Victoira and Albert Museum Portfolios, I). London, 1921.
toria and Albert Museum Portfolios, I). London, 1921.
Coomaraswamy, Ananda K. *Rajput Painting* ... London, 1916.
— *Les Miniatures orientales de la collection Goloubew au Museum of Fine Arts de Boston.* Paris and Brussels, 1929.
Dimand, M.S. "Notes on Persian Miniatures of the Timurid Period in the Metropolitan Museum," *Eastern Art*, vol. I (1928), pp. 23-31.
— *A Guide to an Exhibition of Islamic Miniature Painting and Book Illumination* ... 1933-1934

(The Metropolitan Museum of Art). New York]]1933].
Edhem, Fehmi, and Stchoukine, Ivan. *Les Manuscrits orientaux illustrés de la Bibliothèque de l'Université de Stamboul*. Paris, 1933.
Giuzalian, L.T., and Diakonov, M.M. *Iranian Miniatures in Manuscripts of the Shahnama from Leningrad Collections* (The Hermitage). Moscow and Leningrad, 1935. (In Russian.)
Glück, Heinrich. *Die indischen Miniaturen des Haemzae-Romanes im Osterreichischen Museum fur Kunst und Industrie in Wien und in anderen Sammlungen*. Vienna 1925.
Glück, Heinrich, and Strzygowski, Josef. *Die indischen Miniaturen im Schlosse Schonbrunn*. Vienna, 1923.
Goetz, Hermann. *Geschichte der indischen Miniatur-Malerei* Berlin and Leipzig, 1934.
Herzfeld, Ernst. *Die Malereien von Samarra* (Die Ausgrabungen von Samarra, vol. III). Berlin, 1927.
Huart, Clément. *Les Calligraphes et les miniaturistes de l'Orient musulman*. Paris, 1908.
Kühnel, Ernst. *Miniaturmalerei im islamischen Orien* . 2nd edition. Berlin, 1922.
— "Die Baysonghur-Handschrift der islamischen Kunstabteilung," *Jahrbuch der preuszischen Kuns sammlungen*, vol. LII (1931), pp. 133-152.
Kühnel, Ernst, and Goetz, Hermann. *Indian Book Pain ing from Jahangir's Album in he State Library in Berlin*. London, 1926.
Lorey, Eustache de. "La Peinture musulmane : L'Ecole de Bagdad," *Gazette des beaux-arts*, vol. X (1933), pp. 1-13.
— "L'Ecole de Tabriz," *Revue des arts asiatiques* (Annales du Musée Guimet), vol. IX. (1935), pp. 27-39.
Marteau, Georges, and Vever, Henri. *Miniatures persanes ... exposées au Musée des Arts Décoratifs Juin-Octobre* 1912. 2 vols. Paris. 1913.
Martin' F.R. *The Miniature Painting and Painters of Persia, India and Turkey from the 8th. to the* 18th. *Century*. 2 vols. London, 1912.
— *The Nizami M.S. from the Library of the Shah of Persia, Now in the Metropolitan Museum at New York*. Vienna, 1927.
Musil, Alois . *Kusejr 'Amra*. 2 vols. Vienna, 1907.
Sakisian, Arménag. "Les Miniaturistes persans Behzad et Kassim Ali," *Gazette des beaux-arts*, vol. II (1920), pp. 215-233.
— *La Miniature persane du XIIe au XVIIe siècle*. Paris and Brussels, 1929.
Sarre, Friedrich, and Mittwoch, Eugen. *Zeichnungen von Riza Abbasi*. Munich, 1914
Schulz, Philipp Walter. *Die persisch-islamische Miniaturmalerei* ... 2 vols. Leipzig, 1914.
Stchoukine, Ivan. *Les Miniatures indiennes de l'époque des grands moghols au Musée du Louvre*. Paris, 1929.
— *La Peinture indienne à l'époque des grands moghols*. Paris, 1929.
— *Les Miniatures persane* (Musée National du Louvre). Paris, 1932,
— *La Peinture iranienne sous les derniers 'Abbâsides et les Il-Khâns*. Bruges, 1936.
Upton, Joseph M. "A Manuscript of .The Book of the Fixed Stars' by 'Abd ar-Rahman as Sufi," *Metropolitan Museum Studies*, vol. IV (1932-1933), pp. 179-197.
Wilkinson, J.V.S. *The Shah-Namah of Firdausi* ..., with an introduction on the paintings from a MS. in the Royal Asiatic Society by Laurence Binyon. London, 1931.

صحافی و تجلید

Aga-Oglu, Mehmet. *Persian Bookbindings of the Fifteenth Century*. Ann Arbor, 1935.

Gratzl, Emil. *Islamische Bucheinbande des 14. bis 19. Jahrhunderts aus den Handschriften der Bayerischen Staatsbibliothek*. Leipzig, 1924.

Sakisian, Arménag. "La Reliure persane du XIVe. au XVIIe. siècle," *Actes du XIe. congrès de l'histoire de l'art*, vol. 1, pp. 343-348. Paris, 1921.

— "La Reliure turque du XVe. au XIXe. siècle," *Revue de l'art ancien et moderne*, vol. LI (1927), pp. 277-284, vol. LII (1927), pp. 141-154.

— "La Reliure dans la Perse occidentale, sous les mongols, au XIVe. et au début du XVe. siècle," *Ars Islamica*, vol. I (1934), pp. 80-91.

— "La Reliure persane au XVe. siècle sous les turcomans," *Artibus Asiae*, vol. VII (1937), pp. 210-223.

Sarre, Friedrich. *Islamische Bucheinbande*. Berlin 1923.

حجاری و گچ بری

Bashkiroff, A.S. *The Art of Daghestan : Carved Stones*. Moscow, 1931.

Berchem, Max van, and Strzygowski, Josef. *Amida* ... Heidelberg, 1910.

Dimand, M.S. "Three Syrian Capitals o the Eighth Century," *Bulletin of The Metropolitan Museum of Art*, vol. XXXI (1936), pp. 155-157.

— "A Stone Relief from the Caucasus," *ibid.*, vol. XXXIII (1938), pp. 260-262.

— "Samanid Stucco Decoration from Nishapur," *Journal of the American Oriental Society*, vol. 58 (1938), pp. 258-261.

Flury, Samuel. *Die Ornamente der Hakim-und Ashar-Moschee* ... Heidelberg. 1912.

— "Samarra und die Ornamentik der Moschee des Ibn Tulun," *Der Islam*, vol. IV. (1913), pp. 421-432.

— "La Mosquée de Nayin," *Syria*, vol. XI (1930), pp. 43-58.

Hawary, Hassan and Rached, Hussein. *Stèles funéraires* (Catalogue général du Musée Arabe du Caire), vols. I and III. Cairo, 1932, 1939.

Herzfeld, Ernst. *Der Wandschmuck der Bauten von Samarra und seine Ornamentik* (Die Ausgrabungen von Samarra, vol. 1). Berlin, 1923.

Riefstahl, Rudolf M "Persian Islamic Stucco Sculptures," *The Art Bulletin*, vol. XII (1931), pp. 439-463.

Sarre, Friedrich. "Makam 'Ali am Euphrat : ein islamisches Baudenkmal des X. Jahrhunderts," *Jahrbuch der Koniglich preuszischen Kunstsammlungen*, vol. XXIX (1908), pp. 63-76.

— "Figürliche persische Stuckplastik in der islamischen Kunstabteilung," *Amtliche, Berichte aus den Koniglichen Kunstsammlungen*, vol. XXXV. 1913-1914), pp. 181-189.

Smith, Myron Bement, and Herzfeld, Ernst. *Imam Zade Karrar at Buzun : a Dated Seldjuk Ruin*. Berlin, 1935. (Reprinted from *Archaeologischen Mitteilungen aus Iran*, vol. VII 1935, nos. 2, 3).

Strzygowski, Josef. "Mschatta, II : Kunstwissenschaftliche Untersuchung," *Jahrbuch der Koniglich preuszischen Kunstsammlungen*, *vol*. XXV (1904), pp. 225-373.

Upton, Joseph M. "A Persian Marble Tombstone," *Bulletin of The Metropolitan Museum of Art*, vol. XXVI (1931), pp. 163-164.
— "Persian Sculptures of the Fourteenth Century," *ibid.*, vol. XXVII (1932), p. 210.
Viollet, Henry, and Flury, Samuel. "Un Monument des premiers siècles de l'Hégire en Perse : ... la mosquée de Nâyin," *Syria*, vol. II (1921), pp. 226-234 and 305-316.
Wiet, Gaston, *Stèles funéraires* (Catalogue général du Musée Arabe du Caire), vols. II and IV-VI. Cairo, 1936-1939.

چوب بری ومنبت کاری

Christie, A.H. "Fatimid Wood-Carvings in the Victoria and Albert Museum," *The Burlington Magazine*, vol. XLVI (1925), pp. 184-187.
Deniké, Boris. "Quelques Monuments de bois sculpté au Turkestan occidental," *Ars Islamica*, vol. II (1935), pp. 69-83.
Dimand, M.S. "A Dated Koran-Stand," *Bulletin of The Metropolitan Museum of Art*, vol. XXII (1927), pp. 115-117.
— "An Arabic Woodcarving of the Eighth Century," *ibid.*, vol. XXVI (1931), pp. 271-275.
— "Arabic Woodcarvings of the Ninth Century," *ibid.*, vol. XXVII (1932), pp. 135-137.
— "Dated Persian Doors of the Fifteenth Century," *ibid.*, vol. XXXI (1936), pp. 78-80.
Herz-Pacha, Max. "Boiseries fatimites aux sculptures figurales," *Orientalisches Archiv*, vol. III (1912-1913), pp. 169-174.
Lamm, Carl Johan. "Fatimid Woodwork, Its Style and Chronology," *Bulletin de l'Institut d'Egypte*, vol. XVIII (1936-1936), pp. 59-91.
Martin, F.R. *Thuren aus Turkestan*. Stockholm, 1897.
Pauty, Edmond. *Bois sculptés d'églises coptes (époque fatimide)* (Publications du Musée Arabe du Caire). Cairo, 1930.
— *Les Bois sculptés jusqu'à l'époque ayyoubide* (Catalogue général du Musée Arabe du Caire). Cairo, 1931.
Riefstahl, Rudolf M. "A Seljuq Koran Stand with Lacquer-Painted Decoration in the Museum of Konya," *The Art Bulletin*, vol. XV (1933), pp. 361-373.
Weill, Jean David. *Les Bois à épigraphes*, [vol. I)] : *Jusqu'à l'époque mamlouke*. and vol. II : *Epoques mamlouke et ottomane* (Catalogue général du Musée Arabe du Caire). Cairo, 1931, 1936

حکاکی عاج

Cott, Perry Blythe, *Siculo-Arabic Ivories*. Princeton 1939.
Diez, Ernst. "Bemalte Elfenbeinkastchen und Pyxiden der islamischen Kunst," *Jahrbuch der Koniglich preuszischen Kunstsammlungen, vol.* XXXI (1910), pp. 231-244.
Dimand, M.S. "An Egypto-Arabic Panel with Mosaic Decoration," *Bulletin of The Metropolitan Museum of Art*, vol. XXXIII (1938), pp. 78-79.
Ferrandis, José. *Marfiles y azabaches espanoles*. Barcelona and Buenos Aires 1928 .
Kühnel, Ernst. "Sizilien und die islamische Elfenbeinmalerei," *Zeitschrift fur bildende Kunst*, vol. XXV (1914), pp. 162-170.

فلز کاری

Berchem, Max van. "Notes d'archéologie orientale, III : Etudes sur les cuivres damasquinés et les verres émaillés," *Journal asiatique*, series 10, vol. III (1904), pp. 5-96.

Dean, Bashford· *Handbook of Arms and Armor, European and Oriental* ... (The Metropolitan Museum of Art). 4th. edition. New York, 1930.

Dimand, M.S. "Near Eastern Metalwork," *Bulletin of The Metropolitan Museum of Art*, vol. XXI (1926), pp. 193-199.

— "Unpublished Metalwork of the Rasulid Sultans of Yemen," *Metropolitan Museum Studies*, vol. III !1930-1931), pp. 229-237.

— "A Silver Inlaid Bronze Canteen with Christian Subjects in the Eumorfopoulos Collection," *Ars Islamica*, vol. I (1934), pp. 17-21.

Harari, Ralph. "Metalwork after the Early Islamic Period," *A Survey of Persian Art* ..., edited by Arthur Upham Pope, vol. III, pp. 2466-2529, vol. VI, pls. 1236. London and New York, 1939.

Kühnel, Ernst. "Die Metallarbeiten auf der mohammedanischen Ausstellung in München 1910," *Kunst und Kunsthandwerk*, vol. XIII (1910), pp. 504-512.

— "Zwei Mosulbronzen und ihr Meister," *Jahrbuch der preuszischen Kunstsammlungen*, vol. LX (1939), pp. 1-20

Martin, F.R. *Altere Kupfrarbeiten aus dem Orien* . Stockholm, 1902.

Migeon, Gaston. "Les Cuivres arabes : Le Vase Barberberini au Louvre," and "Le 'Bapistère de Saint Louis' au Louvre," *Gaze te des beaux-arts*, vol. XXII (1899), pp. 462-474, vol. XXIII (1900), pp. 119-131.

Sarre, Friedrich. "Ein orientalisches Metallbecken des XIII Jahrhunderts im Koniglichen Museum für Volkerkunde zu Berlin," *Jahrbuch der Koniglich preuszischen Kuns sammlungn*, vol. XXV (1904), pp. 49-71.

— Bronzeplastik in Vogelform : ein sasanidisch-frühislamisches Rauchergefasz," *Jahrbuch der preuzischen Kun sammlungen*, vol. LI (1930), pp. 159-164.

— "Die Bronzekanne des Kalifen Marwan II im Arabischen Museum in Kairo," *Ars Islamica*, vol. I (1934), pp. 10-15.

Sarre, Fiedrich, and Berchem, Max van. "Das Metallbecken des Atabeks Lulu von Mosrl ...," *Munchner Jahrbuch der bildenden Kuns* , 1907, pp. 18-37.

Veselovski, N.I. *A Bronze Cauldron from Herat Daied* A.H. 559 (Bobrinski Collection) (Materials on Russian Archaeology..., no. 33). St. Petersburg, 1910. (In Russian.)

Wiet, Gaston. *Obje s en cuivre* (Catalogue général du Musée Arabe du Caire). Cairo, 1932.

سفال سازی

Abel, Armand. *Gaibi et les grands jaienciers égyptiens d'époque mamlouke* ....(Publications du Musée Arabe du Caire), Cairo, 1930.

Bahgat Bey, Aly, and Massoul, Félix. *La Céramique musulmane de l'Egypte* (Publications du Musée Arabe du Caire). Cairo, 1930.

Crane, Mary E. A Fourteenth-Century Mihrab from Isfahan," *Ars Islamica*, vol. VII (1940), pp. 96-100.

Dimand, M.S. A Dated Persian Jug from Sultanabad," *The Burlington Magazine*, vol. XLIV (1924), pp. 246-251.
— *Loan Exhibition of Ceramic Art of the Near East* (The Metropolitan Museum of Art). New York, 1931.
— *Islamic Pottery of the Near East...* (The Metropolitan Museum of Art). New York, 1941.
Ettinghausen, Richard. 'Evidence for the Identification of Kashan Pottery," *Ars Islamica*, vol. III (1936), pp. 44-75.
— "The Ceramic Art in Islamic Times : Dated Faience," *A Survey of Persian Art...*, edited by Arthur Upham Pope, vol. II, pp. 166-71696, vol. V, pls. 555-811. London and New York, 1938, 1939.
Frothingham, Alice Wilson. *Catalogue of Hispano-Moresque Pottery in the Collection of the Hispanic Society of America*. New York, 1936.
Godard, Yedda A. "Pièces datées de céramique de Kashan à décor lustré," *Athar-E Iran*, vol. II (1937), pp. 309-337.
Hobson, R.L. *A Guide to the Islamic Pottery of the Near East East* (British Museum). London 1932.
— "The Ceramic Art in Islamic Times : Techniques,' *A Survey of Persian Art* .... edited by Arthur Upham Pope, vol. II, pp. 1697-1702, vol. V, 555-811. London and New York, 1938, 1939.
Kelekian, Dikran K. *The Kelekian Collection of Persian and Analogous Potteries* ... Paris. 1910.
Kœchin, Raymond. *Les Céramiques musulmanes de Suse au Musé du Louvre*. Paris. 1928.
— *L'Art de l'Islam : La Céramique* (Musé des Arts Décoratifs, Documents d'art vol. I). Paris, n.d. .
Kühnel, Ernst. "Datierte persische Fayencen," *Jahrbuch der asiatischen Kunst*, vol. I (1924), pp. 42-52..
— "Dated Persian Lustred Pottery," *Eastern Art*, vol. III (1931), pp. 221-236.
Lane, Arthur : *A Guide to the Colection of Tiles* (Victoria and Albert Museum, Departement of Ceramics). London, 1939.
— "The So-called 'Kubachi' Wares of Persia," *The Burlington Magazine*, vol. LXXV (1939), pp. 156-162.
Marçais, Georges. *Les Poteries et faiences de la Qal'a des Beni Hammâd (XIe. siècle)* ... Constantine, 1913.
— *Les Faiences à reflets métalliques de la grande mosquée de Kairouan*. Paris, 1928.
Migeon, Gaston. "Nouvelles Découvertes sur la céramique de Damas," *Revue de l'art ancien et moderne*, vol. XLIV (1923), pp. 383-386.
Migeon, Gaston, and Sakisian, Aménag. "Les Faiences d'Asie-Mineure du XIIIe. au XVIe. siècle," *Revue de l'art ancien et moderne*, vol. XLIII (1923), pp. 241-252 and 353-364.
— "Les Faiences d'Asie-Mineure du XVe. au XVIIIe. siècle," *ibid.*, vol. XLIV (1923), pp. 125-141.
Olmer, Pierre. *Les Filtres de gargoulettes* (Catalogue général du Musée Arabe du Caire). Cairo, 1932.
Pézard, Maurice. *La Céramique archaique de l'Islam et ses origines*. 2 vols. Paris, 1920.
Pope. Arthur Upham. "The Ceramic Art in Islamic Times : The History," *A Survey of Persian Art* ..., edited by Arthur Upham Pope, vol. II, pp. 1446-1666, vol. v, pls. 555-811. London and New York, 1938, 1939.
Raymund, Alexander. *Altturkische Keramik in Yleinasien und Konstantinopel*. Munich, 1922.
Riefstahl, Rudolf M. "Early Turkish Tile Revetments in Edirne," *Ars Islamica*, vol IV .

(1937), pp. 249-281.
Ritter, H.; Ruska, J.; Sarre, F.; and Winderlich, R. *Orientalische Steinbucher und perissche Fayencetechnik* (Istanbuler Mitteilungen, no. 3). Istanbul, 1935.
Rivière, Henri *La Céramique dans l'art musulman* ... 2 vols. Paris, 1913.
Sarre, Friedrich. "Die spanisch-maurischen Lüsterfayencen des Mittelaters und ihre Herstellung in Malaga," *Jahrbuch der Koniglich preussischen Kunstsammlungen*, vol. XXIV (1903), pp. 103-130.
— "Islamische Tongefasze aus Mesopotamien," *ibid.*, vol. XXVI (1905), pp. 69-88.
— *Die Keramik von Samarra* (Die Ausgrabungen von Samarra, vol. II). Berlin, 1925.
Sarre, Friedrich, and Kühnel, Ernst. "Zwei persische Gebetnischen aus lüstrierten Fliesen," *Berliner Museen : Berichte aus den preussischen Kunstsammlungen*, vol. XLIX (1928), pp. 126-131.
Wallis, Henry. *Persian Ceramic Art* ..., *The Thirteenth Century Lustred* Lases (The Godman Collection). London, 1891.

شیشه و بلور

Dimand, M.S. "A Syrian Enameled Glass Bottle of the XIV Century," *Bulletin of The Meropolitan Museum of Art*, vol. XXXI (1936), pp. 105-108.
Kühnel, Ernst. "Frühislamische Glaser mit aufgelegtem Dekor," *Amiliche Berichte aus den Koniglichen Kunstsammlungen*, vol. XXXV (1913-1914), pp. 11-16.
Lamm, Carl Johan. *Das Glas von Samarra* (Die Ausgrabungen von Samarra, vol. IV). Berlin, 1928.
— *Mittelalterliche Glaser und Steinschnittarbeiten aus dem Nahen Osten*. 2 vols. Berlin, 1929, 1930.
— *Glass from Iran in the National Museum, Stockholm*. London]1935].
— "Glass and Hard Stone Vessels," *A Survey of Persian Art* ..., edited by Arthur Upham Pope, vol. III, pp. 2592-2606, vol. VI, pls. 1438-1459. London and New York, 1939.
Longhurst, M.H. "Some Crystals of the Fatimid Period," *The Burlington Magazine*, vol. XLVIII (1926), pp. 149-155
Schmidt, Robert. "Die Hedwigsglaser und die verwandten fatimidischen Glasund Kristallschnittarbeiten," *Jahrbuch der Schlesischen Museen*, n.s. vol. VI (1912), pp. 53-78.
Schmoranz, Gustav. *Altorientalische Glas-Gefasse* ... Vienna, 1898.
Wiet, Gaston, *Lampes et bouteilles en verre émaillé* (Catalogue général du Musée Arabe du Caire). Cairo, 1929.

منسوجات

[Ashton, Leigh]. *Brief Guide to the Persian Embroideries* (Victoria and Albert Museum, Department of Textiles). London, 1937.
Breck, Joseph. "Four Seventeenth-Century Pintadoes," *Metropolitan Museum Studies*, vol. I (1928-1929), pp. 3-15.
Dimand, M.S. "Persian Velvets of the Sixteenth Century," *Bulletin of The Metropolitan Museum of Art*, vol. XXII (1927), pp. 108-111.
— "A Persian Velvet Carpet," *ibid.*, vol. XXII (1927). pp. 247-251.

— "Coptie and Egypto-Arabic Textiles," *ibid.*, vol. XXVI (1931), pp. 89-91.
— "A Recent Gift of Egypto-Arabic Textiles," *ibid.*, vol. XXVII (1932), pp. 92-96.
Falke, Otto von. *Kunstgeschichte der Seidenweberei*. 2 vols. Berlin, 1913.
Kendrick, A.F. *Catalogue of Muhammadan Textiles of the Medieval Pen* (Victoria and Albert Museum, Department of Textiles). London.
Kendrick, A.F., and Arnold, T W. "Persian Stuffs with Figure Subjects," *The Burlington Magazine*, vol XXXVII (1920), pp 237-244
Kühnel, Ernst *Islamische Stoffe aus agyptischen Grabern in der islamischen Kunstabteilung und-in der Stoffsammlung des Schlossmuseums* Berlin, 1927
Lamm, Carl Johan *Cotton in Mediaeval Textiles of the Near East*. Paris, 1937.
Martin, F.R. *Figurale perssche Stoffe aus dem Zeitraum* 1550-1650. Stockholm, 1899.
— *Die persischen Prachtstoffe im Schlosse Rosenborg in Kopenhagen*. Stockholm, 1901.
Pfister, Rudolf. "Matériaux pour servir au classement des textiles égyptiens postérieurs à la conquête arabe," *Revue des arts asiatiques* (Annales du Musée Guimet), vol. X (1936), pp. 1-16.
— *Les Toiles imprimées de Fostat et l'Hindoustan*. Paris, 1938.
Reath, Nancy Andrews, and Sachs, Eleanor B. *Persian Textiles and Their Technique from the Sixth to the Eighteenth Centuries, Including a System for General Textile Classification*. New Haven, 1937.
Schmidt, J. Heinrich. "Persische Seidenstoffe der Seldjukenzeit," *Ars Islamica*, vol. II (1935), pp. 84-91.
— "Persische Stoffe mit Signaturen von Ghiyâs," *Jahrbuch der kunsthistorischen Sammlungen in Wien*, vol. VII (1935), pp. 219-227.
Victoria and Albert Museum, Department of Textiles. *Brief Guide to the Turkish Woven Fabrics*. 2nd edition. London, 1931.
— *Brief Guide to the Persian Woven Fabrics*. London, 1937.
Wace. A.J.B. "The Dating of Turkish. Velvets," *The Burlington Magazine*, vol. LXIV (1934), pp. 164-170.
— *Mediterranean and Near Eastern Embroideries from the Collection of Mrs. F.H. Cook*. 2 vols. London, 1935.
[Wiet, Gaston]. *Exposition des tapisseries et tissus du Musée Arabe du Caire (de VIIe. au XVIIe. siècle), Période musulmane* (Musée des Gobelins). Paris [1935].
— "Tissus et tapisseries du Musée Arabe du Caire," *Syria*, vol. XVI (1935), pp. 278-290.

فرش و قالی

Bode, Wilhelm. *Antique Rugs from the Near East*. 3rd revised edition, with contributions by Ernst Kühnel. New York, 1922.
Bogolubov, A. *Tapis de l'Asie centrale* ... St. Petersburg, 1908.
Breck, Joseph, and Morris, Frances. *The James F. Ballard Collection of Oriental Rugs* (The Metropolitan Museum of Art). New York, 1923.
Dilley, Arthur Urbane. *Oriental Rugs and Carpets* ... New York and London, 1931.
Dimand, M.S. "Medallion Carpets," *The Art Bulletin*, vol. VI (1924), pp. 82-84.
— *Loan Exhibition of Persian Rugs of the So-called Polish Type* (The Metropolitan Museum of Art). New York, 1930.
— *A. Guide to an Exhibition of Oriental Rugs and Textiles* (The Metropolitan Museum of Art). New York, 1935.

— "A Persian Garden Carpet in the Jaipur Museum," *Ars Islamica*, vol. VII (1940), pp. 93-96.
Erdmann, Kurt. "Orientalische Tierteppiche auf Bildern des XIV. und XV. Jahrhunderts," *Jahrbuch der preuszischen Kunstsammlungen*, vol. I (1929), pp. 261-298.
— "Later Caucasian Dragon Carpets," *Apollo*, vol. XXII (1935), pp. 21-25.
— "Kairener Teppiche, I : Europaische und islamische Quellen des 15-10. Jahrhunderts," and "II : Mamluken-und Osmanenteppiche," *Ars Islamica*, vol. V (1938), pp. 179-206, vol. VII (1940), pp. 55-81.
Grote-Hasenbalg, Werner. *Der Orientteppich : seine Geschichte und seine Kultur*. 3 vols. Berlin, 1922.
Hendley, T.H. *Asian Karpets : XVI and XVII. Century Designs from the Jaipur Palaces ...* London, 1905.
Jocoby, Heinrich. "Materials Used in the Making ot Carpets," *A Survey of Persian Art...*, edited by Arthur Upham Pope, vol. III, pp. 2456-2465, vol. VI, pls. 1107-1275. London and New York, 1939.
[Kendrick, A.F.). *Guide to the Collection of Karpets* (Victoria and Albert Museum, Department of Textiles). 3rd edition, revised by C.E.C. Tattersall. London, 1931.
Kendrick, A.F., and Tattersall, C.E.C. *Fine Carpets in the Victoria and Albert Museum* London, 1924
Lamm, Carl Johan. "The Marby Rug and Some Fragments of Carpets Found in Egypt," *Svenska Orientsallskapets Arsbok*, 1937, pp. 51-130.
Martin, F.R. *A History of Oriental Karpets before* 1800. Vienna, 1908.
Neugebauer, R., and Troll, Siegfried. *Handbuch der orientalischen eTppichkunde*. Leipzig, 1930.
Pope, Arthur Upham. "The Myth of the Armenian Dragon Carpets," *Jahrbuch der asiatischen Kunst*, vol. II (1925), pp. 147-159.
— "Un Tappeto persiano del 1521 ne Musco Poldi-Pezzoli," *Dedalo*, vol. VIII (1927), pp. 82-108.
— "The Art of Carpet Making, A : History," and "C : The Technique of Persian Carpet Weaving," *A Survey of Persian Art...*, edited by Arthur Upham Pope, vol. III, pp. 2257-2430, pp. 2437-2455, vol. VI, pls. 1107-1275. London and New York, 1939.
Riefstahl, Rudolf M. "Primitive Rugs of the 'Konya' Type in the Mosque of Beyshehir," *The Art Bulletin*, vol. XIII (1931), pp. 177-220.
Sakisian, Arménag. "Les Tapis à dragons et leur origine arménienne," *Syria*, vol. IX (1928), pp. 238-256.
— "Les Tapis arméniens du XVe. au XIXe. siècle," *La Revue de l'art ancien et moderne*, vol. LXIV (1933), pp. 21-36.
Sarre, Friedrich. "Mittelalterliche Knüpfteppiche kleinasiatischer und spanischer Herkunft'" *Kunst und Kunsthandwerk*' vol. X (1907), pp. 503-526.
— "Die agyptischen Teppiche," *Jahrbuch der asiatischen Kunst*, vol. I (1924), pp. 19-23.
Sarre, Friedrich, and Falkenberg, Th. "Ein frühes Knüpfteppich-Fragment aus Chinesisch-Turkistan," *Berliner Museen : Berichte aus den preuszischen Kunstsammlungen*, vol. XLII (1921), pp. 110-114.
Sarre, Friedrich, and Trenkwald, Hermann. *Old Oriental Carpets*, translated by A.F. Kendrick. 2 vols. Vienna and London, 1926-1929.
Schmutzler, Emil. *Altorientalische Teppiche in Siebenburgen*. Leipzig, 1933.
Tattersall, C.E.C. *Notes on Carpet-Knotting and Weaving* (Victoria and Albert Museum,

Department of Textiles). 2nd edition. London, 1927.
— *The Carpets of Persia* ... London, 1931.
— *The Carpets of Persia* ... London, 1931.
Thomson, William George. "Hispano-Moresque Carpets," *The Burlington Magazine*, vol. XVIII (1910), pp. 100-111.
Troll, Siegfried. "Damaskus-Teppiche," *Ars Islamica*, vol. IV (1937), pp. 201-231.
Van de Put, Albert. "Some Fifteenth-Century Spanish Carpets," *The Burlington Magazine*, vol. XIX (1911), pp. 344-350, vol. XLV (1924), pp. 119-120.

This is a translation of
A HANDBOOK OF MUHAMMADAN ART
by M. S. Dimand,
Originally published by the Metropolitan Museum of Art of New York.

Illustrations printed in the United States of America.

با همکاری مؤسسهٔ انتشارات فرانکلین

طهران ـ نیویورک

Printed in Bank - é - Melli Printing House
Tehran, Iran

IRAN LIBRARY

General Editor

E. yar Shater

M. S. DIMAND

Curator of Near Eastern Art
The Metropolitan Museum of Art

A HANDBOOK OF
MUHAMMADAN ART

Translated into Persian
by
Abdollah FARYAR

B.T.N.K.

TEHRAN, IRAN